



اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم و العن عدوهم

مکارم الاخلاق – شیخ طبرسی

نام کتاب: مکارم الأخلاق

نویسنده: شیخ حسن فرزند شیخ طبرسی

موضوع: اخلاق

تاریخ وفات مؤلف: قرن ششم

زبان: عربی

تعداد جلد: ۱

جلد اول

[مقدمات تحقیق]

مقدمه مترجم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين سيما بقیه الله فی الارضین.

یکی از مباحث مهم اسلام که قرآن مجید بر آن بسیار تکیه کرده و آیات بسیاری در باره آن نازل فرموده اخلاق است.

یک انسان کامل آنست که همه جهات وجودی او کامل باشد و چون انسان از سه قسمت ساخته شده: عقل و تفکر، قلب و عواطف و احساسات، و جسم و پیکر مادی؛ کمال او در تکامل در این هر سه قسمت است.

آنچه فکر انسان را تکامل می بخشد و می پرورد، معرفت انسان و علم عبادت و حقایق اسلامی و ارتباط عقلی با مبدء همه کمالات آفرینش یعنی ذات خداوند جهاندار ذو المنن.

و آنچه که عشق و عواطف و احساس و سجایای روحی انسان را کمال می بخشد و رهبری میکند علم اخلاق و تربیت است.

قرآن باین جنبه (اخلاق) بی اندازه اهمیت میدهد تا جایی که هدف از آفرینش انسان را این میداند که وی مظهر صفات الهی و سجایای اخلاقی از قبیل محبت و احسان و شرف، شجاعت و سخاوت و نعدوستی ... و پاکی از رذایل اخلاقی مثل کینه- حسادت

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۰

و خیانت و ناپاکی، درنده خویی، خودبینی ... شود

نبی اکرم (ص) هدف از بعثت خود را تتمیم و تکمیل مکارم اخلاق میداند و میفرماید: (من برای این مبعوث شدم که مکارم اخلاق را در شما بکمال رسانم و وجود شما را به صفات عالی انسانی بپرورم).

گر چه همه ملل جهان اخلاق را می ستایند، و در این باره کتابها و نشریات بشمار در این باره نوشته اند و می نویسند ولی آنچه مهم است درک معنی واقعی اخلاق و تشخیص مصداقهای حقیقی آن اولاً و هدف از اخلاق خوب ثانیاً. و برتری اخلاق اسلام در همین نکته است.

امروز دنیای پیشرفته در علوم مادی و صنعت از نظر اخلاق در این هر دو قسمت زبون و مرکبش لنگ است. آنچنان که غالباً از نظر معنی اخلاق، اخلاق را فقط لبخند زدن و ظاهر سازی و روش ماکیاولی و ... میدانند و درستی و خوشقولی برای پیشرفت در اقتصاد. و اما از نظر دوم از آنجا که همه چیز حتی علم و اخلاق را بدیده مادی می نگرد و سعادت و کمال انسانها را تنها در بهتر زیستن و لذت بیشتر خلاصه میکند. متأسفانه این دو وسیله کمال حقیقی انسان یعنی علم و اخلاق را نیز برای زندگی بهتر و لذا اید جسمی بیشتر باسخدام میگیرد و اخلاق بهتر آن را می داند که وسیله زندگی راحت تر و پیشرفت اقتصادی بیشتر باشد.

برای نمونه (آئین دوست‌یابی دلیل کارنگی) که یکی از مشهورترین کتب اخلاقی امروز است و به زبانهای زنده ترجمه شده و الحق کتابی در فن خود ارزنده است و حاوی دستورهای جالبی است ولی سرانجام و هدف کتاب باین بازمی‌گردد که چگونه رفتار کنیم که بیشتر مردم را بی‌آنکه بر هدف ما واقف شوند بااستخدام خود درآوریم و از آنها بهره‌برگیریم. و بگفته ظریفی از دوستان این کتاب را آئین استعمارگری نامیدن شایسته‌تر است تا آئین دوست‌یابی.

جمعی که قدم از این حد بالاتر نهاده‌اند اخلاق را بعنوان خود اخلاق یا نام

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۱

نیک می‌خواهند یعنی فی المثل: (فداکاری کن تا نام تو بعنوان وطن پرست بر صفحه دل‌ها بماند ...)

ولی آنجا که بشر زندگی را منحصر در این عالم بداند و معتقد باشد که پس از مرگ نابود شدن و برای همیشه بدست فنا پذیرفته شدن است و نه حسابی و نه زندگی و نه پاداشی. این نام نیک بر سر زبانها چه تأثیری در سعادت او دارد که پس از مرگ وجودی ندارد تا احساس کند که بخوبی یاد می‌شود یا بدی و این (نام نیک) جز خیالی و خرافاتی در این منطق مادی بیشتر نخواهد بود و از این رو کمتر بر روی مردم اثر دارد که باخلاق خوب گریند.

ولی اسلام اخلاق را اولاً تنها لبخند زدن و خوش‌رویی و ... نمیداند و ثانیاً هدف را خدای جهان و رسیدن به پاداش ابدی و جاویدان میداند فی المثل می‌گوید احسان کن و فداکاری برای خدا تا در برابر این گذشت کوتاه سعادت جاودانی دریافت کنی.

و برای تربیت یافتگان و خواص مؤمنان بالاتر از این هدف قرار میدهد که همه چیز را رها کن جز خدا و هیچ محبوبی مگزين جز آفریدگار که بهر چه دل ببندی بواسطه کمالی است که در او می‌بینی ولی هر کمالی پرتوی است از منبع کمالات یعنی خدای جهان آفرین پس دل از این پرتوهای عاریتی برگیر و عشق بر سرچشمه همه کمالها و جمالها ببند. و هر چه میکنی برای او کن که بهر چه دل ببندی فنا می‌پذیرد و بسوی او باز میگردد جز او که پاینده و ابدی است و هر چه بخواهی و بجویی در نزد اوست و برایگان و بی‌چشم داشت بلکه بی‌نیاز به چیزی در اختیار تو می‌نهد که سر چشمه وجود است و کمال.

در اسلام اخلاق فردی و اجتماعی بسر حد کمال بررسی شده و همه سجایای خوب و انسانی یاد شده و حقوق مردم نسبت به یک دیگر و رفتار اجتماعی و برخوردهای زندگی همه ... را بیان داشته و خلاصه از نظر فردی سلمان و بو ذر میسازد و شهدای پاکباز کربلا و از نظر اجتماعی و نعدوستی چون مالک سپهسالار لشکر اسلام که

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۲

چون قصاب گمنام و تربیت ناشده‌ای به سخره سنگ بر او می‌پراند، بمسجد میرود و برای آمرزش او نماز می‌گزارد.

افسوس که حقایق و معارف تربیتی اسلامی اکثر بصورت بکر مانده و مورد تدقیق و تحقیق واقع نگشته ولی بهر حال روایات و آیات اخلاقی بسر حد کمال و فوق کمال در دسترس است که مطالعه آنها خود نور بخش دل و مربی جانهاست که از سرچشمه وحی و علم نامتناهی الهی مایه گرفته نه فکرهای محدود انسانی.

علماء و رجال بزرگ گذشته این احادیث را بتفصیل یاد کرده‌اند و بصورت کتب پر ارجی در اختیار ما نهاده‌اند.

یکی از بهترین این کتابها کتاب حاضر (مکارم الاخلاق) طبرسی است که برای درک عظمت کتاب به مطالعه آن سفارش می‌کنم.

عظمت و اهمیت این کتاب مرا واداشت که وقتی جناب آقای «شمس فراهانی» مدیر مؤسسه انتشارات فراهانی ترجمه آن را بمن پیشنهاد کردند با کثرت گرفتاری که داشتم و تألیفات ناتمام که در دستم بود تن باین کار دادم و با کمال افتخار دامن همت برای کار بکمر زدم. امید است که همه خانواده‌های مسلمان از این کتاب پر ارج سودمند گردند.

و در خاتمه از رفیق فاضل و دوست ارجمند و مؤمن خود جناب آقای «نصیری امین» بسیار سپاسگزارم که نسخه خطی بسیار پر ارجی که دارای حواشی بسیار پر قیمتی است در اختیار من نهادند و مهم آنکه نسخه متعلق به علامه مجلسی (ره) بوده و به تصحیح وی مزین گردیده چنان که خط آن بزرگوار بر پشت صفحه اول که گراورش در اول کتاب (صفحه ۷ و ۸) طبع گشته شاهد این معنی است و من در ترجمه از این کتاب و حواشی سودمند آن بسیار استفاده کرده‌ام و اگر احیانا ترجمه با متن موجود تفاوت داشت من از نسخه بدل این کتاب بهره برده‌ام.

خداوند این خدمت مذهبی را مشمول لطف و قبول خود قرار دهد و از خوانندگان ارجمند التماس دعا دارم.

ترجمه کتاب در روز سعید عید غدیر به پایان آمد (خِتَامُهُ مِسْكَ ...)

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۳

قابل توجه

(قبل از مطالعه کتاب به نکات زیر توجه فرمایید): ۱- چون این ترجمه با متن عربی یک جا چاپ می‌شود، و قهرا عده زیادی مایلند که با کمک تطبیق ترجمه با متن، با لغات و عبارات عربی آشنایی بیشتری پیدا کنند، سعی شده که در عین رعایت روانی و فصاحت، ترجمه تقریبا تحت اللفظی هم باشد، و اگر رعایت این جهت نبود- که بنظر نگارنده ضروری است- می‌بایست ترجمه‌ای بسیار روانتر و شیواتر انجام شود.

۲- سلسله سند روایات یا نام کتبی را که احادیث این کتاب از آنها نقل شده، چون برای عموم و خوانندگان فارسی زبان ضروری نیست و تنها بر حجم کتاب می‌افزاید- و بعلاوه در متن عربی که در کتاب هست ذکر نکرده‌ایم و روایات مستقیما از معصوم یا با وساطت یک راوی که از معصوم شنیده است نقل می‌شود.

۳- ائمه علیهم السلام در روایات با القاب و نامهایی ذکر میشوند که بیشتر آنها از نظر عامه ناشناخته است چنان که از حضرت موسی بن جعفر به (عبد صالح) و یا (ابی الحسن الماضي) و یا (ابی الحسن) تعبیر می‌شود، و از حضرت صادق بیشتر بلقب مبارک او (ابی عبد الله) تعبیر می‌گردد که این لقب در بین مردم بیشتر بامام حسین گفته می‌شود.

و ما برای آسانی کار از ائمه (ع) با تعبیرات و نامهایی که بین مردم معروف است

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۴

یاد کرده‌ایم (مثلا امام ششم، یا حضرت صادق (ع) ...) که اگر با متن عربی تطبیق شود خود وسیله‌ای برای آشنایی با القاب و کنیه‌های ائمه (ع) میباشد.

۴- گاهی در ترجمه بعض لغات (البته بطور نادر) بخصوصه ترجمه نشده و یا از آن صرف نظر گردیده و یا ترجمه و بمعنی آن در ترجمه لغات و جملات دیگر مندرک شده، و کسانی که ترجمه را با متن تطبیق می کنند باین نکته توجه داشته باشند.

۵- گاهی بعضی از روایات (در یک فصل و یا یک باب کتاب) ظاهرشان با هم مخالف بنظر می رسد ولی در واقع مخالف نیستند که برای اهل فن روشن و یا قابل حل است و چون توضیح این مطالب نیاز به کتاب جدایی دارد و از مسائل فنی علم حدیث است و ذکر آن در هر دو مورد نیز امکان پذیر نیست تذکر دادم که در دل بعضی خوانندگان محترم خلجان یا پریشانی و یا عدم اعتماد باحدیث ایجاد نشود و خدای نخواستہ حمل بر تناقض گوئی ائمه (ع) نگردد، چرا، در هر یک از کتب احادیث خواه و ناخواه احادیث غیر معتبر و احیاناً مجعولی ذکر شده که از معصوم (ع) صادر نگشته و ممکنست احادیثی که احیاناً غیر معقول و یا مخالف با مطالب ضروری است از این دسته باشد که باز این دسته احادیث نیز برای اهل فن و رجالیون قابل تشخیص است که خوانندگان محترم اگر چون و چرایی در ذهنشان پدید آمد، میتوانند از اهل فن بپرسند (یا توسط نامه یا تلفنی از خود مترجم بخواهند)

۶- در بعضی روایات نسخه بدل‌های متعددی در لغات و عبارات آنها وجود دارد که مترجم آنچه را که از نظر سیاق عبارات و جملات یا از نظر معنی بهتر و صحیحتر بنظر می رسد ترجمه نموده است.

از خداوند توفیق همگان را در راه نشر معارف اسلامی و هم در راه درک و آموختن حقایق دینی از پیشگاه قادر بیچون مسألت می نمایم.

سید ابراهیم میرباقری

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۵

مقدمه مؤلف (صاحب مکارم الاخلاق)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سپاس خداوند یگانه‌ای را که نزاده و نزاید (چیزی از او جدا نگردد و از کسی زاده نشده) هیچ گونه همانند و همسری ندارد.

و درود بر محمد بنده و پیامبر برگزیده او، که ویرا بر همه جهانیان فرستاد تا همگان را بشارت دهند برحمت جاویدان بهشت و بیم دهنده از عذاب جانکاه ابدی دوزخ و دعوت کننده بحق و فضیلت و چراغ فروزان هدایت باشد.

و درود بر خاندان پاک او یعنی رهبران و امامان هدایت بخش و مشعل‌های روشنی افروز انسانها که خداوند هر نوع رجس و آلودگی و کژی (عملی و اخلاقی و فکری) را از لوح وجودشان بزوده و در سرشت و آفرینش معصوم و پاکشان گردانید.

و درود بر آنان که راه هدایت پویند.

و چون آفریدگار متعال محمد (ص) را در میان انبیا بکمال این سیرت مخصوص گردانید. و تأسی به پیامبرش را کلید خشنودی و راه وصول به بهشت جاودانی قرار داد چنان که می فرماید: (پیامبر برای شما پیشوایی نیکوست آنان که بخدا و قیامت امیدوار باشند) و متابعت او را وسیله مهر و لطف و سبب جلب رحمت خویش قرار داد که می فرماید: (پیامبر من بمردم بگو اگر خدا را دوست دارید بدنبال من

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۶

آیید تا خدا شما را دوست بدارد).

این رستگاری بزرگ موجب گشت که بتوانم کتابی گرد آورم که شامل مکارم اخلاق و محاسن آداب و اوامر پر ارج آن حضرت باشد که خود فرمود: (من از آن رو برانگیخته شدم که: اخلاق کریمه و صفات ستوده و انسانی را در بشر بکمال رسانم و بپایان آرم). و دانستن (اخلاق) مقدم بر عمل کردن است.

و در کلمات امیر مؤمنان (ع) سخنی یافتیم که حقیقت و رمز سیر انبیاء الهی را که از مردم بطور کامل بریدن و بخدا پیوستن و از دنیا دل بر گرفتن و بآخرت پرداختن است بیان میدارد و میفرماید:

و پیامبر ما محمد (ص) را در میان انبیاء بکمال مخصوص گردانیده و ما را به اقتداء و پیرویش ترغیب و تأکید فرمود.

امام (ع) سپس بعد از سخنی طولانی که با مدعی دروغین که دم از امیدواری برحمت حق میزند ولی به برنامه الهی عمل نمی کند چنین خطاب می کند: بخدا دروغ می گوید و گر نه چرا آثار امید در عملش آشکار نمی گردد، که هر کس بچیزی امید داشته باشد بدنبال آن می شتابد، مگر امیدوار بخدا و آن کس که دعوی امید برحمت حق می کند و آثار امید او در عملش ظاهر نمیگردد و کوشش در وظیفه دینی ندارد، و هر ترس و بیمی محقق و معلوم است مگر ترس از خداوند که اگر ترس بنده از خداوند مسلم و معلوم بود هرگز گرد گناهان نمی گشت، و نیز بنده ای که از آفریده و بنده ای میترسد به این ترس خود چندان ترتیب اثر میدهد که به ترس از خدای نمیدهد، و بیم او از مردم نقد و حاضر است، و در باره خداوند آفریدگار خود به تسویف و وعده برگزار میکند، و همچنین آن کس که دنیا در دیدگاهش بزرگ و در دلش جایگاهی ژرف و عظیم باز کرده باشد آن را بر خدا برمی گزیند و بآن می پیوندد و طوق بندگیش را بر گردن می نهد، و وجود پیامبر گرامی (ص) برای پیروی تو کافی است، و در صفات و اعمال وی چندان دلیل و نشانه هست که ترا بر عیب و پستی دنیا ارشاد کند، که دنیا دامن از حضرتش برچید و پایکوب دیگران گشت، و هم

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۷

آن حضرت لب از شیر این مادر بشست، و از زیورهای آن دل برکند، و اگر نمونه دومی خواهی موسی کلیم را یاد کنم که می گوید: (بار پروردگارا من به خیری نیازمندم که برایم بفرستی) و مراد او از این خیر لقمه نانی بود که سد جوع کند، که تا آن وقت خوراکش علفها و سبزیهای صحرا بود که تازه همینها از کثرت لاغری از پشت شکمش سبز می زد. و اگر نمونه سوم خواهی به داود نبی صاحب مزامیر و آوازه- خوان اهل بهشت بنگر، که از سبببافی زندگی می گذرانید و به اطرافیان می گفت که کدامیک از شما فروش این سبدها را بعهده می گیرد و از بهای آن قرص نانی برایم می خرد و اگر خواهی به عیسی این مریم بنگر، که بسترش شن و ماسه و جامه اش پشمینه و خورشش گرسنگی و چراغش ماهتاب و پناهگاه زمستانیش شرق و غرب جهان، و میوه و سبزیش علف و سبزه بود نه همسری داشت که بفته اش افکند و نه فرزندی که موجب اندوهش باشد و نه ثروتی که بخود مشغولش دارد و نه طمعی که بذلتش افکند، مرکبش پاها و خدمتگزارش دستها بود.

پس با به پیامبر طیب و طاهر خود تأسی کن، که راهنمای الهی است برای کسانی که باو تأسی کنند و محبوبترین مردم نزد خدا آن کسی است که بدنبال پیامبرش برود و قدم جای پای او نهد، دنیا را سخت ناچیز انگاشت و چشم بر هم زدنی بدان تمایل پیدا نکرد. شکمش از همه خالی تر، و دامنش از همگان پاکتر بود. دنیا بر او عرضه شد ولی او خود از پذیرفتنش سرباز زد و از آنجا که میدانست خداوند دنیا را دشمن میدارد آن را دشمن بداشت. و چون میدانست آفریدگار آن را کوچک میدانند کوچکش شمرد، و اگر در ما نبود جز

محبت آنچه را که خدا مبعوضش میدارد و بزرگداشت آنچه خدا ناچیزش می‌شمارد (یعنی دنیا) برای دوری ما از خدا و مخالفت با او کافیست

پیامبر گرامی (ص) بر زمین غذا می‌خورد و چون بندگان می‌نشست و خود نعلین خویش را پینه میکرد و لباسش را وصله میزد، مرکبش الاغ بی‌پالان بود، و دیگران را بر ترک می‌نشانید. بر خانه یکی از همسرانش پرده‌ای با نقش و نگار آویخته بود

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۸

حضرت باو فرمود: این پرده را بردار که چون بآن می‌نگرم بیاد دنیا و زیورهایش می‌افتم، دل از دنیا برگرفت و فکر آن از صفحه دل بزود، و هرگز مایل نبود که تجمل و زیورهای آن در برابر چشمش باشد که نکند که چیزی از آنها را بزندگی خود راه دهد. نه دنیا را قرارگاه خود می‌دانست و نه آرزوی مقام و پاییدن در آن را داشت دنیا را بتمامه از صفحه جان و دل براند و لوح دل را از آن بزود و این چنین کسی که چیزی را دشمن می‌دارد نگاه به او و یادآوری او را نیز مبعوض می‌شمارد. در اخلاق و روشنی حضرت نبی اکرم (ص) چیزهایی بود که ترا به بدی دنیا و نواقص بیحد آن دلالت می‌کند وقتی که نبی اکرم با آن مقام مخصوصی که نزد خدا داشت غالباً گرسنه بسر میبرد و با آن همه مقام ارجمندی که نزد حق داشت زیورهای دنیا دامن از او برچید و هرگز بسویش نیامد خردمند باید که بدیده خرد بنگرد که خداوند با این کار می‌خواست رسولش را گرامی بدارد؟! و یا مورد اهانت و تحقیر قرار دهد! اگر بگوید که قصد توهین داشت که بخدا دروغ بسته و بهتانی بزرگ زده و اگر معتقد باشد که خداوند با این کار پیامبرش را مورد تکریم قرار داده پس آنانی را که مورد توجه و روی آوری دنیای ناچیز قرار داده دنیا را که از نزدیکترین خلق خود برکنار زده کوچک و خوار شمرده است.

اگر کسی به نبی اکرم تاسی کند و قدم جای قدم او نهد که چه بهتر و گر نه از هلاکت و بدبختی ایمن نخواهد بود که خداوند محمد (ص) را وسیله توجه به قیامت و بشارت دهنده به بهشت و آخرت و ترساننده از عذاب و عقوبت قرار داد، از دنیا گرسنه بیرون رفت، و بآخرت سالم وارد گشت، و تا دم مرگ خستی بر خستی ننهاد، و باز خداوند بر ما بزرگ منتهی نهاده که پیشوایی بزرگ چون محمد (ص) پیش روی ما نهاد و امیر مؤمنان (ع) را بعنوان الگو و راهنمایی بی‌بدیل فراراه ما قرار داد (که از او پیروی کنیم و یا بپایش برویم) که فرمود: (بخدا لباسم را چندان بوصله دادم که از وصله زن خجلت کشیدم، و گوینده‌ای بمن گفت: دگر این جامه را دور نمی‌افکنی؟! و از آن دست بر نمی‌داری؟! در جوابش گفتم: دور شو، که بامداد پگاه راه‌پویان و روندگان

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۹

در شب ستوده خواهند بود.

و این خطبه کوتاه برای بیان مقصود بطریق اختصار کافیست، و ما در این کتاب شمه‌ای از اخلاق ستوده او را: از حالات، اعمال، نشستن و برخاستن، سفر و حفر و خوردن و آشامیدن، و آنچه از این قبیل است و هم چنین آنچه از او و ائمه راستین برای زندگی و تربیت مردم نقل شده و روایت گشته ذکر می‌کنیم، و از خداوند توفیق پایان دادن باین کار بزرگ را مسألت می‌نماییم، که او بر هر کاری توانا و آسان کردن کارها برایش سهل است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۱

باب اول اخلاق و شمایل و حالات نبی اکرم (ص)

شامل پنج فصل:

فصل اول اخلاق و شمایل، و رفتار او با مجلسیان

بروایت حسنین علیهما السلام از کتاب محمد بن ابراهیم طالقانی، حضرت حسن (ع) گوید: من که بی اندازه اشتیاق داشتم که اوصاف و شمایل جدم رسول اکرم (ص) را بشنوم، از دائی «۱» خود هند که توصیفگر خوبی برای پیغمبر (ص) بود در این باره پرسش نمودم، وی حضرت را چنین توصیف کرد:

پیغمبر (ص) بسیار بزرگوار و با شخصیت بود، چهره اش چون ماه شب چهاردهم میدرخشید، قامتی معتدل و سری بزرگ و موپهایی نه چندان مجعد داشت که گاه در پشت سر جمع می نمود، و گاه فرو می هشت که از نرمه گوش تجاوز نمی کرد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۲

رنگ رخسارش روشن و شاداب و پیشانی اش گشاده و بلند بود، ابروانی کمانی و ظریف و پیوسته داشت، در بین دو ابروی او رگی بود که بهنگام غضب برانگیخته می شد، بینی اش کمی محدب و برگشته بود و درخششی خاص داشت که در نگاه اول بلند و بر آمده بنظر می رسید، ریشی انبوه داشت و گونه ای صاف، چشمانش سیاه و دهانش فراخ بود، دندانهایش سپید و زیبا و از هم گشاده بود، خط باریکی از مو از سینه تا شکم مبارکش روئیده بود، گردنش بسان گردن عروسک صاف و خوشرنگ و چون نقره سفید بود، خلقتی معتدل و بدنی کامل و در نهایت اعتدال داشت، شکم و سینه اش در یک سطح بود، سینه اش پهن و چهار شانه و دارای مفصل های نیرومند و ستبر بود، از سینه تا ناف خط باریکی از مو داشت، بر شکم و پستانها مو نداشت، ساق دستها و شانه ها پر مو بود، دارای سینه ای بر آمده ساقی بلند دستی گشاده (و بخشنده) استخوانی کشیده بود و استخوان کتف دستها و پاهایش درشت بود و کمر باریک و شکمش کوچک بود و پایش گود و جلو عقب پاهایش یکسان بود، چون قدم برمیداشت چنان بود که گویی پای را از زمین می کند، بهنگام راه رفتن کمی بچپ و راست متمایل می شد، با تواضع و فروتنی راه می رفت تند راه می رفت و چون راه می رفت گویا از بلندی فرود می آمد

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۳

چون بطرفی توجه مینمود با همه بدن بدان جا توجه می نمود، در نگاه کردن چشمان خود را فرو می هشت (خیره و هیز نگاه نمی کرد) به زمین بیشتر نظر می نمود، غالباً نگاهش کوتاه (شرم آلود) بود با اصحاب راه می رفت، و همواره بسلام ابتدا می کرد. حضرت حسن می فرماید: به هند گفتم منطبق او را توصیف کن: وی گفت:

پیغمبر (ص) پیوسته هاله ای از حزن وجودش را فرا گرفته بود، همواره فکر میکرد، راحت و آسایش برایش وجود نداشت، بی ضرورت حرف نمیزد، سکوتش طولانی بود، سخن را بگوشه لب تمام می کرد (روشن و واضح حرف میزد)، سخنانش جوامع «۱» الکلم بود، خالی از زوائد و نه قاصر در مقصود، سهل گیر، خوشخو. نه بکسی جفا می کرد، و نه کسی را پست می شمرد، نعمت های الهی را بزرگ می شمرد اگر چه بسیار اندک بود، از غذا نه تعریف زیاد میکرد و نه بدگویی می نمود، برای دنیا و آنچه مربوط دنیا بود خشمگین نمیشد.

و چون غضبناک می گشت هیچ چیز آتش غضبش را فرو نمینشانید تا وقتی که او را در راه حق یاری کنند و هرگز برای خود (و امور شخصیش) خشمگین نمی شد و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۴

برای خود جوش نمیزد. وقتی می خواست اشاره کند با همه کف دست اشاره می کرد و چون در تعجب میشد دست را برمیگردانید و چون حرف می زد به دست نیز اشاره می فرمود و بکف دست راست بر انگشت ابهام چپ میزد، و چون در غضب می شد روی میگردانید و غیرت می نمود، و چون خوشحال می گشت چشمها فرو می بست، عمده خنده هایش همان تبسم بود که دندانهایش همچون دانه های باران نمایان می گشت.

حضرت امام حسن (ع) گوید: من این اوصاف را مدتی از برادرم حسین (ع) پوشیده داشتم و بعد از زمانی برایش بازگو کردم بعد متوجه شدم که همه این اوصاف را از پدر پرسیده و هیچ چیز را فروگذار نکرده.

حسین (ع) گوید: از پدرم راجع به ورود پیغمبر بخانه سؤال کردم، وی فرمود:

ورود حضرت با اختیار خویش بود (یعنی از همسران که حق همسری و هم خوابگی باو داشتند اجازه داشت) و چون داخل خانه میشد وقت خود را سه قسمت می کرد: یک قسمت را برای خدای متعال یک قسمت را برای اهل بیت و یک قسمت را برای کارهای شخصی، وقت اختصاصی خود را دو قسمت کرده بود: برای خود، و برای مردم، که صرف امور همه مردم از عام و خاص می نمود و هیچ چیز را از ایشان دریغ نمی کرد. و یکی از سیرتهای حضرت در آن قسمت از وقتش را که برای مردم نهاده بود این بود که اهل فضل را برتری

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۵

میداد و هر کس را باندازه فضل و برتریش در دین سهم میداد، که بعضی از مردم یک نیاز داشتند و بعضی دو نیاز و بعضی نیازهای بیشتری و باندازه ای که کارشان را با صلاح آرد و امت از سؤال او در صلاح باشد مشغله میداد، و ایشان را بآنچه سزاوار ایشان است اخبار می فرمود، و می فرمود حتما حاضران به غائبان برسانند و حاجت کسانی را که نمی توانند خود نیاز خویش را بمن برسانند برایم بگوئید که هر کس چنین کاری انجام دهد و حاجت حاجتمندی را به سلطانی خبر دهد خداوند قدمهایش را در قیامت ثابت بدارد که از این (حاجت مهم) در نزدش سخن نمیرفت و از هیچ کس جز او نمی پذیرفت. مردم برای زیارت حضرتش بر او وارد می شدند و جز با شیرین- کامی متفرق نمیشدند، و هدایت یافته و فهمیده بیرون میرفتند.

حسین (ع) میگوید: از پدرم در باره بیرون شدن پیغمبر اکرم (ص) پرسیدم که در بیرون چه میکرد؟ فرمود:

پیغمبر اکرم جز در سخنان سودمند دهان فرو می بست و بین مردم الفت ایجاد می نمود و از ایجاد تفرقه پرهیز می نمود، (او یا اینکه آنها را متنفر و آزرده نمی کرد) و بزرگ هر قومی را گرمی میداشت و او را بر آنها می گماشت و مردم را (از فتنه ها)

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۶

بر حذر می داشت و از اینکه با مردم جز با خلق نیک و خوشروئی برخورد و معاشرت داشته باشد احتراز می فرمود و از حال اصحابش جستجو و تفقد می نمود و در باره امور جاری در میان مردم از مردم می پرسید و نیکی را می ستود و بدی را تقبیح می فرمود و مورد شماتت و توهین قرار می داد. در کارها راه اعتدال می پیمود و از تشمت و اختلاف پرهیز داشت، هرگز غفلت بخود راه نمیداد که نکند

دیگران به غفلت گرفتار آیند یا به- ملالت و تنبلی دچار شوند و برای هر حالی در نزد او برنامه و ساخت و سامانی بود هرگز در حق کوتاهی روا نمیداشت و چیزی بر آن نمیافزود و از آن تجاوز نمیکرد.

آن کسانی پهلوی او می نشستند که بهترین مردم بودند، بهترین مردم در نزد او آن کس بود که خیر خواهیش بیشتر بود و کسی نزد او منزلتی بزرگتر داشت که مواساة «۱» و موازرتش «۲» زیادتر می نمود.

حسین (ع) گوید در باره مجلس پیغمبر (ص) پرسیدم.

وی (پدرم) پاسخ داد: پیغمبر اکرم نمی نشست و بر نمی خاست مگر با ذکر نام خدای متعال و برای خود جایگاه مخصوصی (که نشانه تشخص و برتری باشد) قرار نمیداد و دیگران را هم از این کار نهی می فرمود: و چون به مجلسی وارد می شد هر جا که خالی بود همان جا می نشست و دیگران را هم باین عمل امر مینمود. بهر

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۷

یک از اهل مجلس بمقدار و در خور حالش توجه میکرد (و وقت می داد) که یکنفر نپندارد که دیگری نزد او برتر و گرامیتر است. هر کس با او مجالست می نمود یا برای حاجتی با وی بسخن می ایستاد آنقدر صبر می نمود تا طرف خداحافظی کند و هر کس از وی حاجتی می خواست یا حاجت روا و یا با سخنی گرم و مناسب روانه اش مینمود. مردم از اخلاق وسعه صدر او در راحت و فراخی بودند. و برای مردم پدری مهربان بود و همگان در نزد او از نظر حقوق در یک درجه قرار داشتند، مجلس او مجلس حلم و شرم و صبر و امانت بود، در مجلس وی صداها بلند نمیگشت و حرمت کسی هتک و توهینی نمیشد و لغزشهای کسی بر ملا نمیگشت. مجلسیان او همگی در حد تعادل بوده تقوی را رعایت نموده، فروتنی پیشه میکردند. بزرگان احترام و توقیر می شدند و کوچکها و خردها مورد رحمت و شفقت قرار می گرفتند و حاجتمندان را بر خود ترجیح میدادند.

حسین (ع) فرماید: پرسیدم سیره و روش پیغمبر (ص) با همنشینان و جلساء خود چگونه بود؟ (پدرم) فرمود: پیغمبر همواره خوشرو، سهل گیر، نرمخو بود

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۸

خشونت و تندخوئی نداشت، پرخاشجوئی و دشنامگوئی نمی نمود، عیبجوئی و یا مداحی نمی کرد، از آنچه نمی پسندید تغافل می فرمود و در عین حال کسی را مأیوس نمی ساخت و دیگران را که بدان مایل بودند ناامید و رانده نمی کرد، خود را از سه چیز محفوظ می داشت: مرء (جدال) و پرگوئی و از کارهای بیهوده. و در باره مردم سه چیز را همیشه ترک می نمود: بدگوئی و سرزنش و تجسس از کارهای خصوصی و پنهانی و جز در آنچه امید ثواب در آن بود حرف نمی زد، وقتی سخن میگفت اهل مجلس و شنوندگان سرها را (بحال ادب و توجه کامل) بزیر می انداختند و خموش و بیحرکت می ماندند که گویا بر سرشان پرنده نشسته است «۱» و پس از آنکه حضرتش ساکت می ماند سخن آغاز می کردند و در محضرش در سخن گفتن نزاع نمی کردند، اگر کسی شروع بتکلم می کرد کاملاً ساکت شده گوش فرا می دادند تا حرفش بپایان رسد. سخن گفتن ایشان در محضر وی حدیث بهترین آنها بود، از آنچه همه می خندیدند می خندید و از آنچه اظهار شگفتی می کردند، اظهار شگفتی می نمود، در برابر غربت سخت شکیبایی می کرد، در برابر سخنان خشن و تند و سؤالهای بی رویه مردم تحمل بخرج میداد، حتی اگر یکی از اصحاب سائل غریبی را عقب می راندند که مزاحم پیغمبر نشود، ناراحت می شد، و می فرمود: چون حاجتمندی را دیدید حاجتش روا

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۹

کنید، هرگز اجازه نمی‌داد کسی او را بسیار ستایش کند، کلام هیچ کس را نمی‌برید، مگر آنکه از حد تجاوز می‌کرد، در این صورت یا بر می‌خواست، یا او را از ادامه کلام نهی می‌فرمود. حسین (ع) می‌فرماید: پرسیدم در حالت سکوت چگونه بود؟

گفت: در سکوت یکی از چهار حالت را داشت: یا حلم، یا حذر، تقدیر، تفکر اما تقدیر و اندازه نگهداریش در این بود که توجه و نگاه‌های خود را بهمه مجلسیان یکسان تقسیم می‌کرد، و هم چنین استماع به سخنان ایشان، و اما تفکر او در باره جهان فانی و عالم باقی بود، و حلم و صبر بر او جمع آمده بود، که نه چیزی او را خشمگین می‌نمود، و نه او را از جای در میبرد. حذر (و پرهیز) او در چهار چیز برای او جمع شده بود: دنبال کردن کارهای نیک تا دیگران باو اقتدا کنند، و ترک زشتی‌ها تا دیگران آن را ترک نمایند، کوشش در کارهایی که موجب اصلاح امت بود، و اقدام بر آنچه که خیر دنیا و آخرت ایشان را فراهم می‌آورد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۰

فصل ثانی در شمه‌ای از احوال و اخلاق آن حضرت از کتاب الشرف النبوی (ص) و غیر آن

(در تواضع و شرمگینی پیغمبر، ص)

از انس بن مالک: پیغمبر (ص) همواره بیماران را عیادت مینمود و جنازه‌ها را تشییع می‌کرد و دعوت بندگان را اجابت مینمود، بر الاغ سوار میشد: در جنگ خیبر و بنی قریظه و بنی نضیر بر الاغ سوار بود که دهانه و پالان و رانکی آن از لیف خرما بود. و نیز انس بن مالک گوید: هیچ کسی نزد مردم از پیغمبر (ص) محبوبتر نبود و چون او را می‌دیدند برایش بر نمی‌خاستند که می‌دانستند حضرت از این کارها خوشش نمی‌آید. از ابن عباس: پیغمبر (ص) همواره بر خاک می‌نشست و بر زمین غذا می‌خورد شتران را عقال می‌بست و دعوت مملوکان را اجابت مینمود.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۱

انس گوید: پیغمبر (ص) به کودکانی گذشت و بایشان سلام کرد، و به آنها خوراکی پخش کرد. از اسماء بنت یزید: پیغمبر (ص) بجمعی از زنان گذشت و بایشان سلام کرد. از ابن مسعود: پیغمبر (ص) بطرف مردی رفت که با او سخن گوید، مرد از هیبت او بلرزه افتاد، حضرت فرمود: آسوده باش که من سلطان نیستم، من فرزند آن کسم که قرمه (یعنی غذای ساده فقیرانه) می‌خورد. از ابی ذر: پیغمبر (ص) همواره در میان جمع اصحاب می‌نشست که تازه وارد نمیدانست پیغمبر (ص) کدامست (از نظر وضع مجلس) از حضرت اجازه خواستیم که برایش نشیمن مخصوص قرار دهیم، که غریبان او را بشناسند، اجازه داد و برایش دکه‌ای ساختیم که او بر آن می‌نشست و ما گرد او می‌نشستیم. از عایشه پرسیدم: پیغمبر (ص) در خانه چه می‌کرد؟ گفت: جامه‌اش را می‌دوخت و نعلین خود را پینه میکرد، و کارهایی که یک مرد با اهل خود میکند می‌نمود. از عایشه: محبوبترین کارها برای پیغمبر (ص) خیاطی بود.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۲

از کتاب نبوه از امام صادق (ع): زنی فحاش و بد زبان بر پیغمبر (ص) گذشت پیامبر نشسته بود زن گفت ای پیغمبر (ص) تو همانند بندگان غذا می‌خوری و چون بندگان می‌نشینی؟

پیامبر (ص) فرمود: وای بر تو چه بنده‌ای از من بنده‌تر است؟ زن گفت پس لقمه‌ای از طعام خود بمن عنایت کنید، پیامبر (ص) لقمه‌ای باو داد زن گفت: نه بخدا قسم باید لقمه درون دهان خود را بیرون کنی و بمن دهی، پیغمبر (ص) لقمه از دهان در آورد و باو داد و زن آن را خورد. امام می‌فرماید: آن زن تا وقتی که از دنیا برفت به مرضی مبتلی نشد. از انس بن مالک: من ۹ سال پیغمبر (ص) را خدمت می‌کردم و به خاطر ندارم که هرگز یک بار بمن گفته باشد چرا چنین نکردی، این کار را انجام ندادی، و هرگز مرا بر چیزی شماتت ننمود. و نیز انس گوید: من ده سال با پیغمبر (ص) مصاحبت داشتم و انواع عطرها را استشمام کرده‌ام ولی هرگز بویی از بوی دهان حضرتش بهتر نیافتم و چون یکی از اصحاب به ملاقات او می‌آمد حضرت با او بر می‌خاست و جدا نمی‌شد تا طرف جدا و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۳

منصرف شود و برگردد و چون یکی از اصحاب بوی می‌رسید و دست میداد و مصافحه می‌نمود پیغمبر (ص) دست خود را از دست او نمی‌کشید تا طرف قبلا دست خود را در آورد و هرگز پاهایش را جلو همنشینی دراز نکرد و هیچ کس در محضر او نمی‌نشست مگر اینکه وقتی میخواست برخیزد پیغمبر به احترام او بر می‌خاست. از انس: عربی بیابانی رداء پیغمبر را گرفت و چنان کشید که جای زبری آن بر گردن مبارک حضرت بماند و بعد به پیغمبر گفت از مال خدا که نزد تو است بمن بده، پیغمبر به او نگاهی کرد و خندید و امر کرد به او عطائی بدهند. از ابی سعید خدری: پیغمبر سخت باحیا بود و هیچ گاه از او درخواست چیزی نمیشد جز اینکه عطا میفرمود. و از او نیز: پیغمبر (ص) از دوشیزگان پرده‌نشین باحیا تر بود و چون چیزی را خوش نمیداشت در چهره‌اش معلوم میشد. از ابن مسعود: پیغمبر فرمود: هیچ کس از اصحاب من برای من سخن چینی نکند و چیزی را که پشت سرم شنیده بمن نرساند که من دوست دارم با دلی صاف و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۴

سینه‌ای سالم از بین شما بروم.

در جود و سخاوت پیغمبر

از امیر مؤمنان علی (ع): پیغمبر سخی‌ترین مردم و خوش مجلس‌ترین مردم بود، هر کس با وی معاشرت و آمیزش می‌کرد و او را می‌شناخت بوی محبت می‌ورزید.

از ابن عباس از پیغمبر اکرم (ص) که فرمود: من تربیت‌شده خداوندم و علی (ع) ادب‌شده من است. پروردگرم مرا به سخاوت و نیکی امر کرده، و از بخل و جفاکاری نهی نموده و هیچ چیز نزد خداوند متعال از بخل و بد اخلاقی مبغوضتر نمی‌باشد که این دو کارهای نیک آدمی را تباه می‌سازد آنچنان که سرکه غسل را. و بروایت دیگری از علی (ع) که آن حضرت پیغمبر (ص) را چنین توصیف می‌کرد: دست و دل بازترین مردم، با جرات‌ترین و راستگوترین و وفاکننده‌ترین و نرمخوترین مردم بود، از نظر قوم و عشیره کریمتر و برتر بود. هر کس او را زیارت می‌کرد در برخورد اول هیبتی بزرگ از وی احساس می‌کرد و چون با وی معاشرت می‌نمود و اخلاق

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۵

او را می‌شناخت باو محبت پیدا می‌کرد، هرگز پیش از او و بعد از او کسی همانند او ندیده‌ایم. از ابن عمر: هیچ کس را سختی‌تر و بزرگوارتر و شجاعت‌تر و نورانی‌تر از رسول گرامی (ص) ندیدیم. از جابر بن عبد الله: هیچ کس تا کنون از پیغمبر خواهشی نکرده و چیزی

نخواستند که حضرت در پاسخ او گفته باشد نه. از ابن عباس: مسلمانان بابتی سفیان نگاه نمی‌کردند و باوی همنشینی نمی‌نمودند، ابی سفیان از پیغمبر اکرم (ص) خواهش کرد که یا رسول الله سه چیز بمن عنایت کن، حضرت قبول کرد، ابو سفیان گفت: زیباترین و بهترین دختران عرب در خانه من است بنام «ام حبیبه» قبول بفرمایید او را به تو تزویج کنم، حضرت پذیرفت، گفت: معاویه فرزندم را به منشی‌گری خود بپذیر. حضرت پذیرفت، گفت: مرا امارت لشکر میده تا با کافران جنگ نمایم، حضرت پذیرفت. ابن زمیل گوید: و اگر نبود درخواست ابو سفیان حضرت هرگز اینها را بوی عطا نمی‌کرد. زیرا عادت پیغمبر (ص) بر این جاری بود که هیچ درخواستی از او نمی‌شد جز اینکه می‌فرمود «بله» و جواب مساعد میداد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۶

از عمر: مردی حضور پیغمبر (ص) شرفیاب شد و حاجت خواست. پیغمبر فرمود اکنون چیزی بنزد من نیست ولی بدنال من بیا هر گاه چیزی رسید خواسته‌ات را بر می‌آوریم. عمر گوید: گفتم یا رسول الله خداوند تو را به چیزی که توانائی نداری مکلف نساخته، پیغمبر (ص) تبسم کرد چندان که آثار شادی در چهره‌اش نمایان شد.

در باره شجاعت حضرت (ص)

از علی (ع): در میدان بدر مرا مشاهده کردید که ما به پیغمبر (ص) پناه می‌بردیم و از همه ما بدشمن نزدیک نزدیک‌تر و در حمله سخت‌تر و شدیدتر بود. و از علی (ع): چون آتش جنگ افروخته و سرخ شد و دشمن روبرو می‌شد، (همگی) به پیغمبر (ص) پناهنده می‌شدیم و هیچ کس بدشمن از او نزدیک‌تر نبود. از انس بن مالک: در مدینه صدایی هولناک بر آمد که پیغمبر سوار اسبی شد که متعلق بابتی طلحه بود و فرمود: چیزی نیافتم و اگر یافته‌ام دریاست (شاید کنایه از اینکه بمانند سراب بود و حقیقتی نداشت، باشد).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۷

و بروایت دیگری از انس: پیغمبر (ص) شجاعترین و نیکوترین و سخی‌ترین مردم است، یک شب بانگی هولناک برآمد چنان که همه مردم مدینه بغزع آمدند و بطرف صدا براه افتادند، پیغمبر بایشان برخورد کرده در حالی که بر آنان سبقت داشت وی گفت چرا می‌ترسید؟! و در این حال بر فرس ابی طلحه سوار بود و شمشیر بر گردن داشت. انس گوید مردم شروع کردند باین سخن که از چه می‌ترسید. که این دریا و سرابی بود (یعنی بانگ ترسناک ریشه و اصل مهمی نداشت).

در علامت خشنودی و خشم آن حضرت (ص)

از ابن عمر: پیغمبر (ص) خشنودی و خشمش در چهره مقدسش نمایان می‌شد وقتی خشنود می‌گشت گویا نور رخسار مبارکش دیوار را روشن می‌کرد و چون غضب می‌کرد رنگ رخسارش تیره و سیاه می‌شد. از کعب بن مالک: پیغمبر (ص) وقتی چیزی مسرورش می‌ساخت صورتش باز و روشن میشد چنان که گوئی قرص ماه است. از امیر المؤمنین علی (ع): پیغمبر وقتی چیزی را میدید که دوست داشت میگفت

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۸

حمد خداوندی راست که خوبیها از نعمتهای او بکمال رسیده. از عبد الله بن مسعود: از مقدار چیزی شنیدم که اگر من آن را می‌داشتم برایم از آنچه در زمین است بهتر بود! مقدار گفت پیغمبر اکرم (ص) هر گاه در غضب میشد چهره‌اش سرخ می‌گشت. از ابن عمر: پیغمبر

(ص) خشم و رضایش در چهره‌اش شناخته می‌شد. چون خشنود می‌شد گویا نور چهره‌اش دیوارها را روشن می‌نمود و چون در خشم فرو- میرفت رنگش تیره و تار می‌گشت.

رفق و مدارای نبی اکرم با امت

از انس: پیغمبر اکرم (ص) اگر سه روز یکی از اصحاب را نمیدید از حالش جويا می‌شد، اگر می‌گفتند غایب است برایش دعا می‌کرد، و اگر نه بدیدنش میشتافت. از جابر: نبی اکرم (ص) در بیست و یک جنگ شرکت کرد که در نوزده غزوه

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۹

آن من حاضر بودم، در یکی از غزوات که در رکابش بودم شترم در تاریکی شب از رفتار بازماند. پیغمبر (ص) در آخر جمعیت به کار ضعیفان میرسید و آنها را به ترک خود می‌نشانید، چون بمن رسید من می‌گفتم ای وای که همیشه مرکب بدی داشته‌ام، حضرت فرمود تو کیستی؟ گفتم: جابر پدر و مادرم فدایت. فرمود ترا چه می‌شود؟ عرضه داشتم شترم راه نمی‌رود، پرسید عصا داری؟ گفتم آری، حضرت عصا را گرفت و چند ضربه بشتر نواخت و براهش انداخت و مرا سوار کرد، و شترم بر وی سبقت گرفت، پیغمبر برایم استغفار کرد و فرمود: از پدرت عبد الله چند فرزند مانده؟ گفتم هفت دختر، پرسید پدرت قرض دار بود؟ گفتم آری. فرمود در مدینه بآنها قراری بدهند و اگر نپذیرفتند وقت چیدن میوه‌ها بمن خبر ده. بعد پرسید: آیا ازدواج کرده‌ای؟ گفتم آری. فرمود با که؟ گفتم با فلان دختر فرزند فلان مرد که در خانه مانده بود.

فرمود: پس چرا زن جوانی نگرفتی تا با او ملاعبه (شوخی و بازی) کنی و او با تو ملاعبه کند؟ گفتم: یا رسول الله (ص) زنان از پا افتاده در خانه دارم دیگر خوشم نمی‌آید زن از پا افتاده دیگری نزد آنها ببرم و این زن برای وضع من بهتر است. پیغمبر (ص)

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۰

فرمود: کار خوب و صحیحی کردی. پرسید شترت را چند خریده‌ای؟

گفتم پنج اوقیه طلا فرمود بمن بفروش و تا بازگشت بمدینه در اختیار تو باشد که سوار شوی. چون بمدینه رسیدیم شتر را نزد حضرتش بردم فرمود بلال پنج اوقیه طلا باو بپرداز که کمک قرض پدرش باشد و سه اوقیه بر آن اضافه کن و شترش را باو نیز بر گردان. پرسید آیا با طلبکاران عبد الله پدرت مقاطعه کردی؟ گفتم نه یا رسول الله.

فرمود: آیا چیزی که بدهیش را ادا کند باقی گزارده؟ گفتم نه، فرمود وقت چیدن خرما مرا یادآوری کن یادآوری کردم حضرت برای ما دعا کرد و ما میوه‌ها را چیدیم و بهر طلبکاری بابت طلبش خرما دادیم و باندازه احتیاج بلکه بیشتر برای خود ما نیز باقی ماند پس پیامبر فرمود بقیه محصول را بردارید و بفروشید و ما مدت‌ها از آن زندگی می‌کردیم. از ابن عباس: پیغمبر (ص) چون حدیث می‌گفت یا از چیزی سؤال می‌کرد آن را سه بار تکرار می‌کرد تا حدیث و سؤال او بخوبی مفهوم شود. از ابن عمر: مردی گفت یا رسول الله پیغمبر فرمود: لبیک از زید بن ثابت روایت شده چون (هر گاه) در محضر پیامبر می‌نشستیم اگر

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۱

سخن را با ذکر آخرت شروع میکردیم پیامبر (ص) با ما سخن می گفت و اگر در باره دنیا حرف میزدیم با ما حرف می زد و اگر در باره خوردنی و نوشیدنی سخن می گفتیم سخن می گفت و همه اینها را از پیامبر حدیث میکنیم. از ابی الحمیساء: من قبل از بعثت دنبال پیغمبر می رفتم موقعی با او مکانی را وعده گاه ملاقات قرار دادیم ولی تا دو شبانه روز فراموش کردم، روز سوم خدمتش رفتم فرمود ای جوان مرا به مشقت انداختی سه روز است اینجا (بانتظار تو) مانده ام. از جریر بن عبد الله: پیغمبر (ص) وارد یکی از خانه های خود شد، خانه (از اصحاب) پر شد، جریر وارد شد و بیرون خانه نشست. حضرت او را دید جامه خود را برداشته بنزد او انداخت و فرمود روی این جامه بنشین، جریر آن را برداشت و بر صورت نهاد و بوسید. از سلمان فارسی: بر پیغمبر داخل شدم و حضرت بر بالشی تکیه کرده بود و آن را بطرف من قرار داد و فرمود یا سلمان هیچ مسلمانی بر مسلمانی وارد نشود که باحترامش پشتی گذارد جز اینکه خدا او را بیمارزد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۲

در شوخی و خنده حضرت (ص)

از پیغمبر (ص) روایت است که فرمود: من مزاح میکنم ولی جز حق نمیگویم. از ابن عباس: مردی از او پرسید آیا پیغمبر (ص) مزاح میکرد گفت پیغمبر مزاح می کرد. از حسن بن علی (ع): از دائیم هند در باره صفت و حالت پیغمبر (ص) پرسیدم، گفت:

چون در غضب می شد صورتش را بر میگردانید و آثار غیرت در او پدیدار می گشت و چون مسرور می گشت چشمها را فرو می هشت. همه خنده های او تبسم بود که دندان های مبارکش چون برف نمایان میشد. از انس بن مالک: پیغمبر را دیدم چنان تبسم فرمود که دندانهای پیشین مبارکش آشکار شد. از ابی درداء: پیغمبر چون بچیزی سخن می گفت در اثناء سخن تبسم می فرمود. از یونس شیبانی: حضرت صادق (ع) بمن فرمود: شوخی شما با یک دیگر چگونه است؟

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۳

گفتم: کم است، فرمود چرا شوخی نمیکنید که شوخی از خوش اخلاقی مایه می گیرد و با شوخی دل برادر (مؤمن) خود را شاد میکنی. پیغمبر (ص) با مردم شوخی میکرد برای آنکه آنان را خوشحال کند.

در گریه پیغمبر (ص)

از انس بن مالک: ابراهیم فرزند پیغمبر را دیدم که داشت جان میداد. پیغمبر (ص) از چشمان اشک فرو ریخت و فرمود: چشم اشک می ریزد، و دل غمین می گردد ولی نمی گویم جز آنچه پروردگار ما راضی است. و ای ابراهیم ما برای تو اندوهناکیم. از خالد بن سلمه مخزومی: چون زید بن حارثه از دنیا رفت پیغمبر (ص) به خانه اش رفت، دختر زید چون حضرت را دید بنای ناله و گریه نهاد، پیغمبر (ص) بشدت گریست. گفت: یکی از اصحاب گفت یا رسول الله (ص) این چه حالت است؟

فرمود این از شوق دوست است نسبت به دوست.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۴

در راه رفتن پیغمبر (ص)

از علی (ع): پیغمبر در موقع راه رفتن چنان بود که گویی در سرازیری راه می رود و به سر در می آید. پیش از او و بعد از او مثل او ندیدم.

(کنایه از اینکه با کمال فروتنی و بحالت تواضع راه میرفت). از جابر که گوید: پیغمبر (ص) چون بیرون می آمد اصحابش جلوی او راه می رفتند و پشت سرش را برای فرشتگان خالی می گذاردند. از ابن عباس، گوید: پیغمبر (ص) چنان راه میرفت که بخوبی پیدا بود که در راه رفتن عاجز و ضعیف نمیباشد. از انس گوید: چون بنزد پیغمبر (ص) می رفتیم حلقه وار می نشستیم. روایت است که پیغمبر بهنگام سواری اجازه نمیداد کسی پیاده در رکابش برود یا آنکه او را با خود سوار می کرد، و اگر از سوار شدن امتناع می نمود. می فرمود تو جلو برو و بعد در جایی که می خواهی نزد من بیا، و جمعی از مردم مدینه او را به طعامی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۵

که برای حضرت و پنج نفر از اصحابش ساخته بودند دعوت کردند، پیغمبر (ص) دعوتشان را قبول کرد. در بین راه نفر ششمی با ایشان برخورد کرد و با آنها به مهمانی رفت. چون بخانه میزبان رسیدند به آن مرد گفت چون اینها تو را دعوت نکرده اند اینجا بنشین تا در باره تو صحبت کنم و برایت اجازه بگیرم.

در قسمتی از احوال و اخلاق او (ص)

از کتاب نبوه از علی (ع) گوید: هرگز پیغمبر (ص) با کسی مصافحه نکرد که دستش را از دست او بیرون کشد تا اینکه آن کس دستش را بیرون کشد و هیچ کس برای کاری یا سخنی با او روبرو نمیشد که حضرت از او جدا شود جز آنکه اول آن کس جدا گردد و هر کس که با او در سخن منازعه میکرد و ساکت نمیشد حضرت زود ساکت می گشت. و هرگز دیده نشد که پاهایش را جلوی همنشینی دراز نماید و هیچ گاه بین دو چیز مخیر نمیشد جز اینکه سخت ترین را انتخاب می نمود و اگر باو ستمی می شد استمداد نمی خواست مگر در جایی که یکی از احکام خدا مورد هتک قرار می گرفت که در این هنگام نیز خشمش برای خدای (تبارک و تعالی) بود و تا دم مرگ هرگز در موقع غذا خوردن تکیه نکرد و هیچ درخواستی از او نشد که در جواب «نه»

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۶

بگوید و هرگز حاجتمندی را جز حاجت روا یا با سخن نرم رد ننمود، و نمازش در جماعت از همه کس خفیف تر و سخنرانیش کوتاهتر و از بیهودگی بدورتر بود و بهنگامی که نزدیک میگشت از بوی خوشش شناخته می شد و چون با مردم غذا می خورد اول همه دست بغذا میبرد و آخر همه دست میکشید و از جلوی خود غذا می خورد و اگر غذا خرما و رطب بود از همه طرف ظرف تناول میکرد و آب را بر سه نفس مینوشید و آب را میمکید و آن را نمی بلعید و دست راست را برای خوردن و آشامیدن و دادن و گرفتن بکار میبرد و جز با دست راست چیزی را اخذ نمیکرد و جز با دست راست عطا نمیکرد و دست چپش برای دیگر کارهای بدنش بود و بدست راست ابتدا کردن را در همه کارها از لباس پوشیدن و کفش بپا کردن و براه افتادن دوست میداشت در وقت دعا گفتن سه بار دعا میکرد دعا را تکرار مینمود او چون حرف میزد یک بار میگفت و چون اجازه میگرفت سه بار اجازه میگرفت و سخنش شمرده و با فاصله ادا می کرد که مستمعان آن را ضبط کنند و چون حرف میزد گویا نور از بین دندانهای پیشین او میدرخشید و چون او را در این موقع میدیدی گمان میکردی که بین دندانهایش گشاده است و حال اینکه چنین نبود نگاهش کوتاه بود (نه خیره و هیز)

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۷

با هیچ کس آنچه را مکروه میداشت نمیگفت و چنان راه میرفت که گوئی از بالا به سرازیری پایین می آید یعنی با کمال فروتنی قدم برمی داشت و میفرمود بهترین شما خوش اخلاق ترین شما است.

از غذا نه تعریف میکرد نه بدگوئی می نمود و اصحابش در محضر او در سخن نزاع نمی کردند و این محدث در باره اش میگوید هرگز پیش از پیامبر و بعد از او مانندش را ندیدم. از امام صادق (ع) گوید: پیامبر (ص) چون در شب تاریک دیده میشد نوری همچون پاره ماه در او مشاهده می گشت. و از آن حضرت (ع): جبرئیل بر پیامبر (ص) نازل شد و گفت خداوند جل جلاله ترا سلام میرساند و بتو پیغام میرساند:

این صحرای مکه را اگر بخواهی برای تو پر از طلا کنم، پیامبر (ص) سه بار به آسمان نگاه کرد و سپس فرمود: نه خداوندا ولی دوست دارم یک روز سیر باشم ترا حمد گویم و یک روز گرسنه بمانم و از تو سؤال کنم. و نیز از آن حضرت (ع) گوید: پیامبر (ص) گوسفند خانه را می دوشید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۸

و نیز از آن حضرت (ع) گوید: پیغمبر (ص) می فرمود: من سواری الاغ و خوردن غذا را روی حصیر با بندگان و بخشش پیغمبران را بدست خودم رها نخواهم کرد. از جابر بن عبد الله گوید: در پیامبر (ص) چند خصلت بود: از هیچ راهی نمیگذشت جز آنکه هر کس در پی حضرت از آنجا عبور می کرد می فهمید پیغمبر (ص) از این راه گذشته بواسطه بوی خوشی که از عرق بدن مبارکش باقی میماند و به هیچ درخت و یا سنگی نمیگذشت جز آنکه برای او سجده می کرد. از ثابت بن انس بن مالک گوید: رنگ پوست و چهره اش روشن و درخشان بود گوئی رنگ او بسان لؤلؤ است و بوقت راه رفتن آرام و با وقار راه میرفت و من بویی از مشک یا عنبر خوشبوتر از حضرتش استشمام نکردم و دیبا و حریری نرمتر از کف او لمس ننمودم. پیغمبر از همه مردم نمازش را در جماعت خفیف تر می خواند. از جریر بن عبد الله، گوید: چون پیغمبر مبعوث گشت برای بیعت به محضرش شتافتم فرمود: ای جریر برای چه آمده ای؟ گفتم تا بدست تو مسلمان شوم، حضرت عبایش را برایم پهن کرد و سپس رو باصحاب کرد و فرمود: چون بزرگ و کریم قومی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۹

بنزد شما آید او را گرمی دارید. از ابی عبد الله (ع) گوید: پیغمبر با مردی قرار گذارد تا در صخره با او ملاقات نماید و فرمود در آنجا بانتظار تو خواهم بود تا بیائی، گرمای آفتاب بر- حضرت شدید و سخت شد، اصحاب گفتند یا رسول الله (ص)، اگر مایل باشید بسایه بروید، حضرت فرمود: من با او اینجا را میعاد نهاده ام و اگر نیامد او ترک (وعده) کرده باشد. از عایشه گوید: به پیغمبر عرضه داشتم که هر گاه از مستراح بیرون آمدید بدنبال شما رفتم و مدفوعی از شما ندیدم فقط بوی مشک شنیدم، فرمود: ای عایشه ما پیغمبران پیکرمان چون ارواح بهشتیان آفریده شده که هر چه از ما بیرون شود زمین آن را فرو میبرد. از ابن عباس، گوید: عمر بر پیغمبر (ص) وارد شد دید که حضرتش بر حصیر نشسته و حصیر بر پهلویش اثری نهاده. عمر گفت یا رسول الله چه خوب بود فرش و تشکی برای خود میگرفتی، پیغمبر (ص) فرمود: مرا با دنیا چه کار، مثل من و مثل دنیا نیست مگر مانند کسی که در روزی گرم از تابستان به سفر می رود و در زیر سایه

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۵۰

درختی ساعتی استراحت میکند و بعد برای همیشه آنجا را ترک می گوید. از ابن عباس، گوید: پیغمبر (ص) از دنیا رفت در حالی که زرهش نزد مردی یهودی به سی من جو، که برای قوت خانواده اش گرفته بود، گرو بود. از ابی رافع، گوید: از پیغمبر (ص) شنیدم که

می‌گفت: اگر اسم کسی را محمد گذاشتید به او حرف زشت نگوئید و سیلی بر رخسارش نزنید. خانه‌ای که در آن اسم محمد (ص) باشد مبارک است. و مجلسی که در آن محمد (ص) است و رفیقانی که در آن نام محمد است مبارک می‌باشد.

در (وضع) نشستن حضرت و دستور آداب جلوس باصحابش)

همواره کودکان خردسال را بمحضر پیغمبر (ص) می‌بردند تا برای آنها از خدا برکت بخواهد یا او را نامی بگذارد، حضرت برای احترام به خانواده‌اش کودک آنها را بر دامن خود می‌گذارد و چه بسا که کودکی بر دامن آن بزرگوار بول می‌کرد و یکی از حاضران در موقع بول کردن کودک بانگ بر او می‌زد. حضرت می‌فرمود:

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۵۱

از ادرار کودک جلوگیری نکنید و کودک را آسوده می‌گذاشت تا بولش را تمام کند و بعد برای او دعا می‌کرد یا اسم‌گذاری می‌نمود و خانواده‌اش را خوشحال می‌ساخت بطوری که می‌فهمیدند که حضرت از بول کودکشان ناراحت نشده و پس از آنکه می‌رفتند پیغمبر لباسش را می‌شست. مردی وارد مسجد شد و پیغمبر تنها بود حضرت خود را بکنار کشید و برای او جا باز کرد، مرد گفت یا رسول الله جا زیاد و وسیع است، حضرتش فرمود: حق مسلمان بر مسلمان اینست که وقتی ببیند که می‌خواهد در کنارش بنشیند کنارتر برود و برای او جا باز کند. و روایت است که پیغمبر (ص) فرمود: هر کس (از روی تکبر) دوست بدارد که مردم برایش برخیزند جایگاه خود را در آتش قرار داده. و نیز فرمود: آنچنان که عجم‌ها برای یک دیگر بر می‌خیزند بر مخیزید ولی اشکالی ندارد که جا باز کنید. از امام صادق (ع) روایت شده (در کتاب محاسن) که پیغمبر (ص) چون وارد منزلی می‌شد در نزدیک‌ترین مکان ورود می‌نشست و نیز از آن حضرت روایت است که پیغمبر بیشتر رو به قبله می‌نشست.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۵۲

و نیز از حضرت صادق است که: پیغمبر (ص) فرمود وقتی کسی وارد مجلسی شد هر جا که خالی است بنشیند. و روایت است که پیغمبر (ص) فرمود: وقتی کسی از مجلسی برخاست که برود سلام کند که سلام اولی (وقت ورود) از سلام آخر (بهنگام رفتن) بهتر نیست. و نیز از امام ششم مروی است که پیغمبر فرمود هر کس از مجلسی بر می‌خیزد و می‌رود و دو باره بر می‌گردد به جای خود اولی و مقدم است. و نیز از پیغمبر (ص) روایت است که فرمود: حق مجالس را ادا کنید، پرسیدند حق مجالس چیست؟ فرمود: چشمانتان را فرو هلیلید و سلام را جواب گوئید و نابینایان را راهنمایی کنید و امر بمعروف و نهی از منکر نمائید. از ابی امامه، گوید: پیغمبر اکرم (ص) بطور قرفصاء می‌نشست. از کتاب محاسن: پیغمبر (ص) سه گونه می‌نشست: یکی قرفصاء و آن باین نحو است که کپل بر زمین قرار گیرد و رانها بچسبد و دست دور ساق پا حلقه شود، و گاه بر دو زانو می‌نشست و گاه یک پا را تا می‌کرد و پای دیگر را بر آن قرار می‌داد، و هرگز دیده نشد که چهار زانو بنشیند، و دو زانو می‌نشست و هرگز تکیه نمی‌کرد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۵۳

فصل سوم در توصیف اخلاق حضرت (ص)

در کتاب موالیید صادقین (ع): پیغمبر (ص) همه نوع غذا میل می‌فرمود و آنچه را خداوند حلال کرده با اهل و خدمتگزاران و هر کس از مسلمین که او را دعوت می‌کرد میل می‌کرد و بر روی زمین و هم بر آنچه آنها غذا می‌خوردند، و از آنچه می‌خوردند، مگر آنکه مهمانی میرسید که با مهمان غذا می‌خورد و دوست‌ترین طعام برای او آن بود که با مهمان و دیگر مردم تناول میشد. روزی در محضر اصحابش

گفت: بار خدایا ما از فضل و رحمت تو که جز تو کسی مالک آن دو نیست مسألت می‌کنیم. در این حال گوسفندی بریان برسم هدیه برای حضرت آوردند. فرمود:

بگیرید که این از فضل الهی است و ما اینک انتظار رحمتش را میکشیم. و چون سفره برایش پهن می‌شد می‌فرمود:

«بسم الله اللهم اجعلها نعمة مشكورة نصل بها نعمة الجنة»

(بار خدا این را نعمتی کن سپاس شده که بوسیله آن به نعمت بهشت دست یابیم). و بسیار بود که وقتی برای خوردن می‌نشست از جلوی خود تناول می‌کرد، و پاها و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۵۴

زانوها را جمع می‌نمود، چنان که نمازگزار دو زانو می‌نشیند، جز اینکه یک پا را روی پای دیگر تکیه می‌داد (متورک) و می‌فرمود من بندهام مانند بندگان غذا می‌خورم و همچون بندگان می‌نشینم. از حضرت صادق (ع) فرمود: پیغمبر اکرم از آنگاه که خداوند او را به پیغمبری برانگیخت تا وقتی که خداوند او را قبض روح کرد هرگز بهنگام غذا خوردن تکیه نکرد برای فروتنی به پیشگاه خداوند عز و جل و چون دست مبارک به طعام دراز می‌کرد می‌فرمود: از مجموعه پدرم از حضرت صادق (ع) از پدرانش علیهم السلام: پیامبر (ص) بهنگام افطار کردن می‌فرمود:

«اللهم لك صمنا و علی رزقك افطرنا فتقبله منا»

(یعنی: خداوندا برای تو روزه گرفتیم و با روزی تو افطار می‌کنیم و (روزه را) از ما بپذیر) و می‌فرمود: تشنگی رفت، و رگهای شست و شو و گشاده و پاکیزه شد و پاداش بجای ماند. و حضرت صادق (ع) فرمود: پیغمبر اکرم چون از نزد عده‌ای غذا میل میکرد

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۵۵

می‌فرمود: در محضر شما روزه داران افطار میکنم و طعام شما نیکان را می‌خورم. و فرمود: دعای روزه‌دار بهنگام افطار کردن مستجاب است.

و در روایت آمده که: پیغمبر (ص) با خرما افطار می‌فرمود و اگر قند می‌یافت با آن افطار می‌نمود. از حضرت صادق (ع): پیغمبر (ص) با شیرینی افطار می‌فرمود و اگر شیرینی نمی‌یافت با آب ولرم افطار می‌کرد و می‌فرمود که کبد و معده را شست و شو می‌دهد و تمیز می‌نماید و دهان را خوشبو می‌سازد، و دندانها و سیاهی و قرنیه چشم را محکم و چشم را تیز بین می‌نماید و گناهان را کاملاً می‌شوید و رگهایی که به هیجان در می‌آید و همچنین صفراء را آرام میکند و بلغم را برطرف میکند و حرارت معده را فرو می‌نشاند و دردسر را از بین می‌برد.

و نیز پیغمبر (ص) گرمی نمی‌خورد مگر آنکه سردی نیز میل می‌کرد (تبرید می‌نمود) و می‌فرمود: خداوند به ما آتش نخوراند، غذای حاد بی‌برکت است تبرید کنید (غذای سرد میل کنید) «۱».

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۵۶

و چون غذا می خورد بسم الله می گفت، و با سه انگشت تناول می کرد، و از جلوی خود می خورد و از جلوی دیگری غذا نمی خورد، قبل از دیگران به غذا شروع می کرد و بعد از دیگران از آن دست می کشید، و با سه انگشت ابهام و وسطی و شست میل می کرد، و گاه انگشت چهارم را نیز بکمک می گرفت و با دو انگشت غذا نمی خورد و می فرمود: با دو انگشت خوردن روش شیطان است. یکی از اصحاب روزی پالوده برایش آورد، حضرت از آن میل کرد و از آورنده آن پرسید: این از چیست ای ابا عبد الله؟ گفت پدرم و مادرم فدایت روغن و عسل را در دیگ سنگی میریزیم و بر آتش می نهیم تا بجوشد، آنگاه مغز گندم را می گیریم و بر آن روغن و عسل می ریزیم و بهم می زنیم تا سرخ شود و این فالوده که می بینید بدست می آید.

پیغمبر (ص) فرمود: این غذای بسیار خوبی است.

پیغمبر جو را سبوس نگرفته می خورد، چه به صورت نان و چه در طعام. از کتاب روضة الواعظین عیص بن قاسم گوید: به حضرت صادق عرضه داشتم حدیثی از پدر شما نقل می کنند که فرموده: پیغمبر (ص) هرگز از نان گندم سیر نخورد. آیا این

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۵۷

مطلب صحیح است؟ گفت: آری، پیغمبر (ص) هرگز نان گندم نخورد و از نان جو هم سیر نشد. عایشه گوید: پیغمبر از نان جو دو روز سیر نشد تا از دنیا رفت. و روایت است که پیغمبر (ص) هرگز بر سفره غذا نخورد تا وفات یافت و نان نرم (بدون سبوس) نیز تناول نکرد تا از دنیا رفت. عایشه گوید: دنیا در زمان پیغمبر بر ما سخت بود، چون حضرت وفات یافت لذا یذ و نعمتها بسوی ما بشدت سرازیر شد. از امام صادق (ع): غذای پیغمبر (ص) تا وقت وفات (نان) جو بود. از انس: پیغمبر (ص)، دعوت بندگان را می پذیرفت، مردم را بر ترک خود می نشانده، بر روی زمین غذا می خورد، خیار را با خرما و با نمک میل می کرد، میوه تازه تناول می نمود، محبوبترین میوهها برای او خربزه و انگور بود، خربزه را با نان و گاه با شکر می خورد، و گاه هم با رطب. در غذا خوردن از هر دو دست کمک می گرفت.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۵۸

روزی رطب می خوردند و با دست راست بدهان می نهادند و با دست چپ هسته هایش را از دهان می گرفتند، گوسفندی از نزدیک حضرت گذشت، پیغمبر (ص) هستهها را جلوی دهان حیوان گرفت تا شروع بخوردن نمود پیغمبر (ص) تا آخر خود خرما میل می کرد و مرتب هستهها بگوسفند میداد.

پیغمبر (ص)، وقتی روزه می گرفت گاه با رطب افطار می کرد، و گاهی با انگور، و دانه دانه میل میکرد، و گاه خوشه ای را یک جا میل می فرمود، چنان که آب انگور بر محاسن مبارکش چون دانه لؤلؤ دیده می شد.

و حیص «۱» تناول می کرد، و خرما (تمر) می خورد و بر روی آن آب می نوشید و تمر و آب بیشتر غذا حضرت را تشکیل میداد.

و تمر را با شیر با هم می خورد و آن دو را بهترین می نامید و آش جو (عصیده) با روغن پیه و دنبه میل می کرد، و بیشتر هریسه «۲» می خورد و بآن سحری میل می کرد، و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۵۹

جبرئیل این غذا را از بهشت برایش آورده بود که با آن سحری می خورد، در خانه همان غذاهایی را می خورد که معمولا مردم می خوردند، و گوشت پخته را با نان میل می کرد، و نیز گوشت بریان با نان میل می کرد، و قرمه را به تنهایی می خورد، و گاه با نان می خورد، و بهترین غذا نزد او گوشت بود و می فرمود: بر شنوایی و بینایی می افزاید.

و می فرمود: گوشت آقای غذاهاست در دنیا و آخرت و اگر از خدا بخواهم که هر روز بمن گوشت عنایت کند البته خواهد کرد، و ترید را با گوشت و کدو می خورد و می فرمود: کدو درخت برادرم یونس است.

از آش خوشش می آمد، گوشت مرغ میل می کرد، و گوشت شکار و مرغ صید شده می خورد، ولی خود صید نمی کرد و صید را نمی فروخت، و دوست داشت برایش صید کنند و پخته یا خام برایش هدیه برند، در خوردن گوشت سر را بآن خم نمی کرد بلکه گوشت را بطرف دهان می برد و با دندان از آن می کند، نان و روغن تناول می نمود، از گوسفند کتف و دست را دوست میداشت، سرکه را نیز دوست داشت، از سبزی ها: کاسنی، ریحان کوهی (پونه) و کرنب - دوست داشت.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۶۰

پیغمبر (ص) سیر و پیاز و عسل با موم نمی خورد. نبی اکرم (ص): هرگز از طعامی بدگویی نکرد، اگر طعامی را دوست داشت می خورد و گر نه میل نمی کرد، و اگر خود از غذایی نمی خورد، دیگری را از آن منع نمی کرد، و آن را از نظر آنها نمی انداخت، ظرف غذا را با انگشتان تمیز می نمود، و می لیسید، و می فرمود: ته مانده غذا پر برکت ترین قسمت طعام می باشد، و چون از خوردن غذا فارغ می گشت سه انگشتی را که با آنها غذا می خورد می لیسید، و اگر چیزی در ته ظرف مانده بود با انگشت پاک می کرد و می لیسید تا ظرف تمیز می شد و دستش را با حوله خشک و پاک نمی کرد، یا آنکه انگشتانش را یکی یکی می لیسید و می فرمود: معلوم نیست در کدام انگشت برکت است.

و پیغمبر (ص) یخ (برد) میل می کرد و اصحاب را می فرمود برایش فراهم آرند و می فرمود: که بیماری دندانها (پیوره) را از بین می برد، و پس از غذا دستها را می شست تا کاملا تمیز می گشت و کمترین بویی از غذا در آن باقی نمی ماند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۶۱

و چون نان و مخصوصا گوشت می خورد دستانش را بخوبی می شست، و بعد بقیه آب دست را به صورتش می مالید، و به حد امکان تنها غذا نمی خورد و می فرمود:

آیا بدترین شما را معرفی کنم؟ گفتند: بفرمائید یا رسول الله.

فرمود: کسی که تنها غذا بخورد و بنده خود را بزند و مهمان را پذیرایی نکند.

فصل چهارم در توصیف اخلاق حضرت (ص): در آشامیدن

هنگام آشامیدن بسم الله می گفت و یکی دو جرعه می نوشید، و تأمل میکرد و خداوند را حمد می کرد و دوباره با بسم الله شروع مینمود همچنین تا سه بار که هر بار که آب می آشامید سه بسم الله و سه الحمد لله می گفت. و آب را می مکید و نمی بلعید و می فرمود: درد بعد از بلعیدن آب است، و در حین آشامیدن نفس نمیکشید و اگر خواست نفس بکشد ظرف آب را از دهان دور نگه میداشت، و گاه هم بیک نفس آب می آشامید و در ظرفهای بلورینی که از شام می آمد مینوشید و در کاسه چوبی یا پوستی و هم با

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۶۲

کفهای خود آب مینوشید و میفرمود: طرفی پاکیزه تر از دست نیست، از دهانه مشک نیز مینوشید و سر مشک را به بیرون بر نمیگردانید، و می فرمود: موجب بدبوئی آب می شود. ایستاده آب می آشامید و گاه سواره و گاه برمیخواست و از مشک یا سبو یا ابریق یا هر ظرفی که دم دست بود و یا با کف آب میخورد، و با ظرفی که شیر در آن مینوشیدند و سوبق میخوردند مینوشید: بهترین آشامیدنی برایش آشامیدنی آب شیرین بود. و در روایتی بهترین نوشیدنیها شیرین خنک بود، بعد از غسل آب مینوشید، نان ترید میکرد میل مینمود و میفرمود: عالی ترین نوشیدنیها در دنیا و آخرت آب است. انس گوید: پیغمبر (ص) شربتی برای افطار داشت و شربتی برای سحر که گاه هر دو یکی بود، و این شربت گاه شیر بود و گاه نان حل شده در آب.

پیغمبر (ص) شبی دیر آمد من بگمان اینکه میهمان است غذایش را خوردم، حضرت ساعتی بعد آمد از یکی از همراهانش پرسیدم پیغمبر (ص) افطار کرده؟ گفت

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۶۳

نه: آن شب چنان بر می گذشت که جز خدا کسی نمیداند از ترس اینکه مبادا پیغمبر غذایش را طلب کند و نیابد، ولی حضرت گرسنه خوابید فردا را روزه گرفت و از غذای خودش پرسشی نکرد و تاکنون هم در این باره چیزی نگفته، برایش ظرف شیری آوردند که ابن عباس در طرف راست و خالد در طرف چپش بودند حضرت نوشید و به ابن عباس گفت باقی مانده آن مال تست اجازه می دهی به خالد بدهم با احترام مسن تر بودن؟ ابن عباس گفت نه بخدا باقیمانده پیغمبر را به هیچ کس نمی بخشم، بعد خود کاسه را گرفت نوشید. ابن خولی کاسه ای از شیر و غسل برایش آورد حضرت از نوشیدن خودداری کرد و فرمود دو شربت در یک جا و دو ظرف در یک ظرف؟ بعد فرمود: من بر کسی حرام نمی کنم که مکروه میدارم در اینجا فخر کنم و فردای قیامت به زیاده روی دنیا حساب پس دهم و تواضع را دوست میدارم که هر که برای خدا تواضع کند خدا او را رفعت دهد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۶۴

فصل پنجم در توصیف اخلاق حضرت در عطر و روغن مالی و جامه پوشیدن و غیر اینها

(در شستن سر)

پیغمبر (ص) وقتی می خواست سر و ریش خود را بشوید با سدر می شست.

در روغن مالی حضرت (ص)

روغن مالی را دوست می داشت و از ژولیدگی مو بدش می آمد و می فرمود:

روغن درد را می برد، و انواع روغن ها را به بدن می مالید، و ابتدا به سر و ریش خود می نمود، و می فرمود: سر باید مقدم بر ریش باشد، و روغن بنفشه بکار می برد و می فرمود:

بهترین روغن ها است، و نیز بهنگام روغن مالی ابروها را مقدم میداشت و به شارب می مالید و بعد به بینی میکرد و استشمام می نمود و سپس سر را روغن میزد، و برای

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۶۵

رفع درد سر ابروها را روغن می‌زد، و شاربها را با روغنی غیر از روغنی که برای محاسن مصرف می‌کرد، روغن میزد.

شانه کردن حضرت (ص)

پیغمبر (ص) سرش را با «مدری» (نوعی شانه) شانه میزد، و زانانش او را شانه میزدند. و زانانش مواظب بودند که چه موقع موی و محاسن خود را شانه میزند تا موهایی که با شانه از حضرت می‌ریخت بگیرند، و گویند موهایی که از آن حضرت امروزه بدست مردم است از همانها است، و اما موهایی که از سر تراشیدن پیغمبر (ص) در عمره و حج فرو می‌ریخت، جبرئیل نازل می‌شد و آنها را با آسمان بالا می‌برد. و گاه در یک روز دو بار ریش خود را شانه میزد، و همیشه شانه را پس از شانه زدن زیر سر می‌گذاشت و می‌فرمود شانه زدن و با را از بین می‌برد، و ریشها را از زیر ۴۰ بار شانه میزد. و از بالا هفت بار شانه میزد و می‌فرمود: این کار حافظه را زیاد میکند و بلغم را از بین می‌برد. و در روایتی نقل شده که فرمود: هر کس شانه را هفت بار بر سر و رویش و سینه‌اش

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۶۶

بکشد هیچ دردی باو نزدیک نخواهد شد.

در عطر و بوی خوش پیغمبر (ص)

پیغمبر (ص) با مشک خود را خوشبو می‌فرمود، چندان که مشک بر فرق سر حضرت برق می‌زد و به چیزهای بی‌رنگ که مناسب مردان است مثل مشک و عنبر خود را معطر می‌فرمود و نیز به عطر خود را خوشبو می‌کرد و همسرانش او را بآن خوشبو می‌کردند، و خود را با عود قماری (نوعی از عود) خوشبو می‌نمود و در شب تاریک پیش از آنکه دیده شود از بوی خوشش شناخته می‌شد چنان که رهگذر می‌گفت، این پیغمبر است. از حضرت صادق (ع)، پیغمبر اکرم (ص) برای بوی خوش بیش از غذا خرج می‌کرد. و حضرت باقر می‌فرماید: سه خصلت در پیغمبر (ص) بود که در هیچ کس دیگر نبود، سایه نداشت، و از هیچ راهی نمی‌گذشت مگر آنکه هر کس بعد از دو سه روز

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۶۷

که از آنجا رد می‌شد از بوی خوشی که از وی باقی مانده بود می‌فهمید که حضرتش از آنجا رد شده، و بر هیچ سنگ و درختی عبور نمی‌کرد مگر آنکه برای او خم می‌شدند، و هیچ بوی خوشی برایش نمی‌آوردند مگر آنکه بخود می‌مالید، و می‌فرمود: این بوی مطبوع و خوب و حمل نمودنش آسان است و اگر هم آن عطر را بکار نمی‌برد انگشتانش را در آن می‌نهاد و بعد می‌مکید، و می‌فرمود: خداوند لذت مرا در زنان و بوی خوش و روشنی چشم مرا در نماز و روزه قرار داده است.

در سرمه کشیدن پیغمبر (ص)

حضرت در چشم راست سه میل و در چشم چپ دو میل سرمه می‌کشید، می‌فرمود:

هر کس بخواند می‌تواند سه میل همیشه سرمه بکشد، و هر کس کمتر یا بیشتر از این انجام دهد مانعی ندارد، و چه بسا که در حال روزه سرمه می‌کشید، پیغمبر (ص) سرمه‌دانی داشت که در شب از آن سرمه می‌کشید و سرمه او سنگ سرمه بود.

در نگاه حضرت (ص) در آینه

پیغمبر (ص) در آینه نگاه می کرد و موهای سرش را منظم می نمود و شانه

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۶۸

می زد و گاه در آب نگاه می نمود و موهایش را مرتب می فرمود، پیغمبر برای اصحاب خود نیز خود را آراسته می کرد، تا چه رسد به اهل خود، و این مطلب را به عایشه گوش زد کرد، وقتی عایشه دید حضرت در ظرف آبی که در منزل بود نگاه می کند و موی خود را منظم می نماید تا بنزد اصحاب بیرون رود، گفت پدر و مادرم فدایت در آب نگاه میکنی و زلفت را منظم می سازی در حالی که تو یک پیامبری و بهترین خلق خدایی؟ پیامبر (ص) فرمود خداوند دوست دارد که بنده چون به سوی برادران خود بیرون می رود خود را برای آنها منظم کند و خود را بیاراید و زیبا سازد.

در روغن مالیدن پیامبر (ص)

پیامبر (ص) به بدن روغن مالید و یکنفر بدن او را روغن می مالید تا به قسمتی میرسید که زیر شلوار بود و آن قسمت را خود حضرت انجام می داد، حضرت در سفرها شیشه روغن (بدن) و سرمه دان و قیچی و مسواک و شانه را از خود جدا نمی کرد، و در روایت دیگر: نخ و سوزن و گرز و چرم را نیز با خود بر می داشت، و لباس خود را می دوخت، و نعلین خود را وصله می زد، و وقت مسواک کردن دندانها را از عرض مسواک

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۶۹

می کرد (یعنی از بالا به پائین).

در لباس آن حضرت صلی الله علیه و آله

پیغمبر (ص) لباس بلند (شمله) می پوشید که کار شلوار می کرد و پارچه راه راه به تن می کرد و از آن شلوار تهیه می نمود و این پارچه بتن حضرت خیلی زیبا بود، بواسطه آن که سیاهی آن با سفیدی ساق و پشت پای حضرت کاملا تناسب داشت و زینده بود.

و گفته اند که وقتی از دنیا رفت از این پارچه در قبیله بنی عبد الاشهل برایش می بافتند؛ و گاه با همان لباس بلند (شمله) با مردم نماز می خواند.

و انس گوید: بسیار حضرتش را دیدم که در شمله با ما نماز می خواند، در حالی که دو طرفش را بین دو کتفش بسته و گره زده بود.

عمامه و عرقچین پیغمبر (ص)

پیغمبر (ص) عرقچین در زیر عمامه بر سر می گذاشت، و گاه عرقچین بی عمامه

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۷۰

و یا عمامه بی عرقچین بر سر می نهاد، و گاه کلاه بلند یمنی و عرقچین مصری بر سر می نهاد، و در جنگها، کلاههای گوشه دار بر سر می نهاد، و گاه در موقع نماز کلاهش را بر میداشت و جلوی سجاده می گذارد، و عمامه خز سیاه در سفر، و غیر سفر بر سر می نهاد، و گاه

عمامه نداشت و دستمالی بسر می بست، و این کار را بسیار انجام میداد، پیغمبر (ص) عمامه‌ای داشت بنام سحاب و علی (ع) آن را بسر می نهاد و بسیاری از اوقات با این عمامه بیرون می آمد.

عایشه گوید: پیغمبر (ص)، جبه و عمامه‌ای پشمین پوشید و به منبر رفت و خطبه خواند، و کسی را ندیدم که در این لباس بهتر از پیغمبر (ص) باشد.

چگونه لباس می پوشید؟

پیغمبر (ص): وقتی لباس نو می پوشید می فرمود: (سپاس خداوندی را که بمن

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۷۱

لباس داد که عورت خود را بپوشم و خود را در بین مردم بآن بیارایم).

و وقت در آوردن لباس اول طرف چپ را بیرون می آورد، و از کارهای حضرت وقت پوشیدن لباس نو این بود که خدا را حمد می کرد و بعد فقیری را می خواست و لباس کهنه را به او می داد و می فرمود: هیچ مسلمانی مسلمان دیگر را از لباس خود نپوشاند جز آنکه در این دنیا و بعد از مرگ در پناه و نگهداری و خیر و امان خداوند عز و جل می باشد، و چون لباس می پوشید و بر می خاست پیش از بیرون رفتن می فرمود:

(خداوندا بکمک تو می پوشم، و فقط به تو توجه می کنم، و به تو پناه می برم و بر تو توکل می نمایم، خداوندا تو معتمد و تکیه گاه و امید من می باشی، خداوندا مهمات و غیر مهمات مرا کفایت کن، و آنچه را که من بدان توجه ندارم و آنچه را که تو بهتر از من خبر داری و میدانی کفایت کن، که هر که در جوار تو باشد عزیز خواهد بود، و ثناء و مدح تو بزرگ است، و جز تو خدایی نمی باشد، خداوندا تو بر تقوایم بیغزا و گناهم را ببخش، و بهر کار که رو می آورم تو مرا به نیکی و خیر با آن روبرو کن).

و سپس پی کار خود می رفت، و برای جمعه دو جامه مخصوص داشت. و حوله و پارچه‌ای داشت که پس از وضوء صورت خود را خشک می کرد و گاه حوله نداشت و بر کنار عبا و ردایی که بر دوش داشت صورت را خشک می نمود.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۷۲

در انگشتر حضرت (ص)

پیغمبر (ص) انگشتری از نقره بدست می کرد که نگین آن مال حبشه بود و نگین را به آخرین بند انگشت متصل به کف دست قرار می داد و انگشتری از آهن نقره نشان بدست داشت که معاذ بن جبل به او هدیه کرده بود و بر آن کلمه «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» نقش بود. انگشتر را بدست راست می نمود و بعد بدست چپ انتقال داد و آخرین انگشتری که بهنگام وفات در دست داشت از نقره بود و نگینش نیز نقره بود. چنان که مردم انگشتر بدست می کنند و بر آن بود «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ».

و با دست چپ استنجا می کرد، در حالی که انگشتر در آن دست بود و روایت است که همواره تا دم مرگ انگشتر در دست راستش بود و بسیار بود که انگشتر را به انگشت وسط می کرد، در مفصل دومی و گاه بهمین نحو به شست می نمود، و چه بسا که وقتی پیش

اصحاب می آمد نخعی به انگشتر بسته بود که چیزی را بخاطر آورد و با انگشترها نامه ها مهر می نهاد و می فرمود مهر برنامه امان از تهمت است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۷۳

در نعلین پیغمبر (ص)

نعلین پیغمبر (ص) دو بند داشت که بین انگشتان قرار می گرفت، و کمر نعلین باریک که بطرف پاشنه بطوری زیبا باریک می شد و نوک تیز نبود، و قسمتی در موضع شیء خارجی کم و اندک بود، و بسیاری اوقات پوست دباغی شده بی مو می پوشید، و در به پا کردن نعلین ابتدا به پای راست می فرمود، و وقت در آوردن به پای چپ آغاز می کرد، و امر می فرمود: یا هر دو لنگ نعلین را به پا کنند یا هیچ کدام را و دوست نداشت که یک پا کفش و یک پا برهنه باشد، و از کفش ها همه نوع را می پوشید.

در بستر حضرت (ص)

بستر حضرت بهنگام وفات از پارچه های کهنه وادی القری بود که از پشم و کرک پر شده بود و گفته شده طول آن حدود دو ذراع و عرض آن یک ذراع و یک وجب بود. از علی (ع): تشک پیغمبر همان عباى او بود و متکای حضرت پارچه ای بود که از لیف خرما پر شده بود و یک شب دولا کردند و زیر او انداختند (که نرمتر باشد)،

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۷۴

فردا صبح فرمود: بستر دیشت مرا از نماز باز داشت، و دستور داد که یک بستر بیشتر نیندازند، و بستر او از پوستی بود که با لیف و پوست خرما پر شده بود، عباىی داشت که هر گاه بجائی دیگر میرفت آن را دولا کرده زیر خود می انداخت، و بسیار بود که زیراندازی ساده برایش می گذاردند که از پوستی درست شده بود پر از لیف خرما که بر آن می نشست، و قطیفه ای داشت مال فدک که می پوشید و خود را در آن می پیچید، و قطیفه ای مصری داشت که پرز کوتاهی داشت، و فرشی از مو داشت که بر آن می نشست، و گاه بر آن نماز می خواند.

در خواب حضرت (ص)

پیغمبر (ص) روی حصیر برهنه می خوابید بطوری که چیزی غیر از آن زیر او نبود، و چون می خواست بخوابد مسواک می کرد، و بعد به بستر می رفت، و پس از جای گرفتن در بستر بدست راست می خوابید، و دست راست را زیر گونه راست می نهاد و بعد می گفت: «خدایا مرا در آن روز که بندگان را بر می انگیزی از عذابت نگهدار».

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۷۵

دعاء حضرت در بستر خواب

پیغمبر (ص) را دعاهای مختلفی بود که وقتی به بستر خواب می رفت آنها را می خواند.

از آنهاست: «خداوندا من از عقوبت و مجازات تو به عفو تو پناه می برم و از خشم تو به خشنودی تو پناه می جویم، و از تو بتو پناهنده می شوم. بار خدایا من توان آن ندارم که حق سپاس و ثنای تو را ادا کنم، هر چند که در این راه حرص و کوشش بکار برم، تو چنانی که

خود ثنای خود کردی». و بهنگام خواب می فرمود: «بنام خدا میمیرم و زنده‌ام و بازگشت ما بسوی خداوند است (سرنوشت ما بدست اوست). بار خدایا مرا از آنچه می ترسم در امان بدار و عورت و اسرار مرا پوشیده بدار و امانت مرا ادا کن».

آنچه بهنگام خواب می فرمود:

بهنگام خواب آیه الکرسی می خواند و می فرمود: جبرئیل بر من درآمد و فرمود: ای محمد عفریتی از جن ترا در خواب رنج می دهد بر تو باد به آیه الکرسی.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۷۶

آنچه پس از بیدار شدن می فرمود:

از حضرت باقر (ع) می فرماید: پیغمبر هیچ گاه از خواب بر نمی خاست جز آنکه برای خدا سجده می کرد، و در روایت است که پیغمبر (ص) نمی خوابید مگر آنکه مسواک را زیر سر می نهاد و چون سر از خواب بر می داشت، قبل از هر چیز مسواک می کرد. و فرمود: من به مسواک کردن، مأمور شدم آنچنان که ترسیدم بر من واجب باشد. و از دعاهایی که وقت بیدار شدن می خواند این بود: «سپاس خداوندی را که پس از مردن زنده‌ام ساخت، پروردگار من آمرزنده و شکرگزار است.» و می فرمود:

«خداوند من خیر و نور و هدایت و برکت و پاکی و سلامت امروز را از تو مسألت می نمایم، خداوند خیرات امروز و هر خوبی که در این روز واقع خواهد شد از تو مسألت دارم و از شر بدیهای امروز و شرهایی که واقع خواهد شد بتو پناه می برم».

در مسواک کردن پیغمبر (ص)

پیغمبر (ص) در هر شب سه بار مسواک می کرد، یک بار قبل از خواب و بار دوم

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۷۷

پس از بیدار شدن برای نماز شب و بار سوم قبل از بیرون رفتن برای نماز صبح (در مسجد) و با چوب اراک (که درختی است در حجاز که چوبهایش را اکنون برای مسواک بکار می برند) مسواک می نمود، جبرئیل او را باین کار امر کرده بود. از حضرت صادق (ع)، فرمود: من خوش ندارم که انسانی بمیرد و یکی از سنتهای پیغمبر بگردن او باقی مانده باشد که انجام نداده باشد

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۷۸

باب دوم در آداب تنظیف و پاکیزگی و سرمه کشیدن و روغن مالی و مسواک

شامل سه فصل:

فصل اول: در تنظیف و پاکیزگی و امثال آن

از حضرت صادق (ع) روایت است که امیر مؤمنان (ع) فرمود: بوهای بد را بوسیله آب برطرف کنید که خداوند متعال از بندگان کثیف بدش می آید. و نیز از آن حضرت است که شستن لباس اندوه را بر طرف میکند و پاک کننده است برای نماز.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۷۹

و پیغمبر (ص) به انس فرمود: شست و شو زیاد کن تا خدا بعمرت اضافه کند، و اگر می توانی شب و روز با طهارت باش حتما طاهر باش که اگر با طهارت بمیری شهید خواهی بود. از کتاب روضه الواعظین، حضرت صادق (ع) فرمود: هر کس وضو بسازد و با حوله خشک کند برای او ثوابی نوشته شود و هر کس وضو بسازد و خود را خشک نکند تا آنکه آب وضو بخشکد برای او سی حسنه نوشته شود. از علی بن اسباط، گوید: از حضرت موسی بن جعفر (ابا الحسن) شنیدم که گوید:

چهار چیز از اخلاق انبیاء است: عطر زدن و پاکیزگی و ستردن مویهای تن با نوره و بسیاری آمیزش «۱».

خوشبویی

از پیغمبر اکرم (ص) روایت است که فرمود: بوی خوش دل را محکم می کند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۸۰

از امالی شیخ طوسی: از حضرت صادق (ع) فرمود: خداوند زیبایی و آراستگی را دوست دارد، و نکبت و بد حالی را مکروه دارد، و خداوند متعال دوست دارد که وقتی نعمتی به بنده اش ارزانی می کند اثر آن را بر او ببیند، پرسیدند چگونه؟ حضرت فرمود: لباسش را تمیز نگهدارد و خود را خوشبو سازد و خانه اش را سفید و گچکاری نماید و صحن خانه اش را بروید، حتی آنکه چراغ افروختن پیش از غروب آفتاب فقر را بر طرف می کند و بر روزی می افزاید. از حضرت صادق (ع) فرمود: چهار چیز از سنت پیغمبران است: مسواک، و حنا و بوی خوش، و زن. و نیز از آن حضرت: پیغمبر (ص) در هر هفته یک بار شست و شو می کرد و اگر میسر نمی شد یکی از روسریهای زنانش را می گرفت و خیس می کرد و به بدن میمالید (و تن را با آن تمیز می نمود). و نیز از آن حضرت، پیغمبر (ص) فرمود: از این دنیای شما جز بوی خوش و زنان نائل نشدم.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۸۱

و نیز از آن حضرت: آنچه در راه بوی خوش مصرف شود اسراف نمیباشد. و نیز از آن حضرت روایت است که اگر کسی برای شما شاخه گلی آورد آن را ببویید و بر دیده نهید که گل از بهشت است. مالک جهنی گوید: مقداری گل خدمت حضرت صادق (ع) بردم، آنها را گرفت و بویید و بر دیده نهاد و فرمود: هر کس گلی بدستش رسید بویید و بر دیدگان نهد و بگوید: (خداوندا بر محمد و آل محمد درود بفرست)، قبل از آنکه گل را بیافکنند آمرزیده خواهد شد. از پیغمبر (ص) اگر کسی گل ببرادر مؤمن هدیه کند، او نباید آن را رد کند، که گل از بهشت آمده. از صحیفه حضرت رضا (ع): عطر داروی علاجبخش است و نگاه به سبزه نیز حیاتبخش میباشد. از حضرت رضا (ع): جای حضرت صادق در مسجد از بوی عطر و اثر سجده

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۸۲

حضرت شناخته می شد. و نیز از آن حضرت: یکی از اخلاق انبیاء بوی خوش بکار بردن است. و امام صادق (ع) می فرماید: دو رکعت نماز با عطر بهتر است از هفتاد رکعت از کسی که عطر نزده است. و نیز از آن حضرت: سه چیز از نبوت است: نان جو، بوی خوش، آمیزش بسیار. و نیز از امام ششم و هفتم (ع): که از آن دو بزرگوار پرسیدند که قبول نکردن عطر چونست؟ فرمود احسان را رد نکنید. و از حضرت صادق (ع): احسان دیگران را رد نمی کند مگر الاغ یعنی کسی که در فهم و ادراک چون الاغ باشد. و نیز از آن حضرت: عطر بر شارب مالیدن از اخلاق انبیاء و فرشتگان است. و نیز از آن حضرت: پیغمبر (ص) مشککی داشت که پس از وضوء بدست می مالید بطوری

که وقتی از خانه بیرون میرفت مردم می فهمیدند که این پیغمبر است که می آید. از حضرت رضا (ع) حضرت زین العابدین مشکدانی داشت از قلع که در آن

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۸۳

مشک نهاده بود و وقت لباس پوشیدن و بیرون رفتن از آن مشک بخود می مالید. صولی از جده خودش نقل می کند که گفت: هیچ گاه حضرت رضا را بخاطر نمی آورم، مگر اینکه بخاطر دارم که او را دیدم که عود هندی بخور می کند، و سپس مشک و گلاب بکار می برد ... تا آخر خبر. سید ناصح الدین ابو البرکات گوید: پیغمبر (ص) فرمود: بر شما باد به عود هندی که در آن هفت شفا است، و بهترین عطر مشک است. امام ششم (ع) فرمود: پیغمبر (ص) برای عطر بیشتر خرج میکرد تا برای غذا. و پیامبر (ص) به علی (ع) فرمود: یا علی بر تو باد به بوی خوش در هر جمعه که این سنت و روش منست و تا زمانی که از آن بویی استشمام گردد برایت ثوابها نوشته شود. و از حضرت صادق (ع) مروی است که شایسته است که انسان بکار بردن بوی خوش و عطر را هر روز فراموش نکند و اگر هر روز نتواند یک روز در میان و اگر

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۸۴

این مقدار هم توانایی ندارد در هر جمعه هرگز فراموش ننماید. از پیامبر (ص): هر زنی که بوی خوش بکار برد و از خانه اش بیرون رود مورد لعن خداوند است تا آنکه بخانه باز گردد.

در باره بخور (تجمیر) کردن

از مرازم، وی گوید: با حضرت موسی بن جعفر (ع) بحمام رفتیم، حضرت وقتی از اندرون حمام به رخت کن آمد منقل آتشی خواستند و در آن بخور کرد (اسفند سوزانید) بعد فرمود: مرازم را نیز بخور دهید. من گفتم هر کس بخواد می تواند از آن استفاده کند؟ فرمود: آری! از حضرت صادق (ع)، فرمود: شایسته است که انسان هر وقت بتواند جامه خود را بخور دهد. از عمیر بن مأمون (که دخترش همسر حضرت امام حسن (ع) بود) وی گوید:

دخترم همسر امام (ع) برایم نقل کرد که: ابن زبیر حضرت حسن (ع) را به ولیمه دعوت کرد، امام (ع) در حالی که روزه دار بود برخاست که برود، ابن زبیر عرضه داشت تشریف داشته باشید تا هدیه روزه داران را برای شما بیاورم، و روغن آورد،

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۸۵

محاسن امام (ع) را روغن مالی کرد و لباسش را بخور داد، امام (ع) فرمود: تحفه زن نیز همین است که موی را شانه کند و لباس خود را بخور دهد. پیغمبر (ص) فرمود: عطر زنان باید رنگش تند و بویش خفیف باشد، و عطر مردان باید کم رنگ، و بویش زیاد باشد.

در گل و گلاب

حسن بن منذر گوید: وقتی پیامبر (ص) را به معراج بردند، زمین از دوری حضرت اندوهناک شد و درخت آصف را رویانید، و چون حضرت بزمین بازگشت زمین خوشحال شد و گل سرخ را رویانید، بنا بر این هر کس می خواهد بوی پیغمبر (ص) را استشمام کند، گل سرخ را ببوید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۸۶

از فردوس از انس: پیغمبر (ص) فرمود: گل سفید در شب معراج از عرق من خلق شد، و گل سرخ از عرق جبرئیل و گل زرد از عرق براق. و از آن حضرت (ع): گلاب به آبرو و رونق انسان می‌افزاید، و فقر را می‌برد. از ثمالی، از امام (ع): هر که گلاب به صورت بزند، در آن روز فقر و بدی و شومی نبیند، و هر که خواهد گلاب بزند؛ صورت دوستان را گلاب بزند و خدا را حمد کند و بر پیغمبر (ص) درود فرستد. از حضرت حسن (ع): پیغمبر (ص) دو دست را پر از گل کرد، و بمن داد، و فرمود این سید گل‌های دنیا و آخرت است.

نرگس

از حسن بن منذر، از امام (ع): در بو و روغن گل نرگس فضائل و خوبی‌های بسیار است، چون آتش بر ابراهیم خاموش شد و خداوند آن را سرد و سلامت گردانید،

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۸۷

خداوند در آن آتش گل نرگس رویانید و اصل این گل در آنهاست که خداوند عز و جل در آن زمان رویانیده.

در باره مرزنجوش

از انس، گوید: پیغمبر (ص) فرمود: بر شما باد به مرزنجوش و آن را ببوید، که برای بینی سودمند است. و نیز از انس، نیز گوید: چون شاخه گلی به پیغمبر (ص) داده می‌شد آن را می‌بوید و بر می‌گردانید مگر مرزنجوش را که رد نمی‌کرد. از حضرت کاظم (ع)، گوید: پیغمبر (ص) فرمود مرزنجوش گل خوبی است، گیاهی است در زیر پایه عرش و آبش شفای چشم است.

فصل دوم در سرمه کشیدن و روغن مالیدن

از کتاب (من لا یحضره الفقیه) از حضرت باقر (ع): سرمه کشیدن با سنگ سرمه

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۸۸

مژگان را می‌رویاند، و بینایی را تیز می‌گرداند و به شب‌زنده‌داری کمک می‌کند. از حضرت صادق (ع) می‌فرماید: یکنفر عرب بیابانی خدمت پیامبر (ص) شرفیاب شد که باو می‌گفتند قلیب رطب العینین (چشم تر)، پیغمبر (ص) فرمود: ای قلیب چشمان تو را پر آب می‌بینم؟ بر تو باد به سرمه که نور چشم است. از کتاب طب الاثمه، حضرت صادق (ع) می‌فرماید: مسواک چشم را جلا می‌دهد و سرمه سنگ بوی دهان را می‌برد. از حضرت رضا (ع) که فرمود: هر کس چشمش ضعیف شود به هنگام خواب هفت میل سرمه بکشد: چهار میل به چشم راست، سه میل در چشم چپ که مژگان را می‌رویاند و چشم را جلا می‌دهد و خداوند بسرمه فایده سی ساله می‌دهد. و نیز از آن حضرت است که هر کس بخدا و آخرت ایمان دارد حتما سرمه بکشد.

و نیز فرمود: بر تو باد به سرمه که چشم را جلا می‌دهد و مژگان را می‌رویاند و دهان را خوشبو می‌کند و بر نیروی باه می‌افزاید. و نیز از آن حضرت است که: هر کس را ضعف چشم عارض شود وقت خواب هفت

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۸۹

میل سرمه بکشد، چهار میل در چشم راست و سه میل در چشم چپ. از حضرت صادق (ع): سرمه موی را می‌رویاند، و آبریزی چشم را بر طرف می‌کند، و آب دهان را گوارا می‌گرداند، و چشمان را جلا می‌بخشد. و نیز از آن حضرت است که: سرمه به قوه باه و آمیزش می‌افزاید. و نیز از آن حضرت (ع): سرمه دهان را خوشگوار می‌کند. و هم از آن حضرت (ع): سرمه چهار میل در چشم راست و سه میل در چشم چپ باشد. و نیز از آن حضرت (ع): سرمه کشیدن در شب دهان را خوشبو می‌کند و فایده‌اش تا ۴۰ روز باقی خواهد بود. و در باره آن حضرت است که، بیشتر سرمه کشیدن او در شب بود، و در هر چشم سه میل می‌کشید. و نیز از آن حضرت (ع): سرمه کشیدن به هنگام خواب چشم را از آبریزش حفظ می‌کند. و از کتاب لباس از حضرت صادق (ع): پیغمبر (ص) وقت رفتن به بستر سرمه می‌کشید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۹۰

ابن فضال از حسن بن جهم: امام (ع) میل سرمه‌ای آهنین بمن نشان داد و فرمود:

این میل متعلق بحضرت موسی بن جعفر (ع) است، بگیر و بآن سرمه بکش. از نادر خادم: امام (ع) به یکی از اهل مجلس فرمود: سرمه بکش، آن مرد جواب داد که دوست ندارم در خانه زینت داشته باشم، امام (ع) فرمود: تقوی داشته باش و سرمه بکش و سرمه را فراموش مکن.

پیغمبر (ص) فرمود: سرمه را به تعداد طاق بکشید که این کار سودمند و نیکو است و عمل نکردن بآن نیز مانعی ندارد. از امام ششم (ع)، از پیغمبر اکرم (ص): سرمه را به تعداد طاق بکشید و نیز بخور را به تعداد طاق بکار برید، و همچنین در استنجاء و در استخاره. و نیز از آن حضرت: بر شما باد به سرمه که دهان را خوشبو میکند، و بر شما باد به مسواک که چشم را جلا می‌دهد. گفتم چگونه؟ فرمود: زیرا مسواک بلغم را کم میکند و در نتیجه چشم جلا می‌یابد، و سرمه بلغم را از بین می‌برد، و در نتیجه دهان خوشبو می‌شود.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۹۱

دعا وقت سرمه کشیدن

«خداوندا بحق محمد و آل محمد (ص) بر او درود بفرست و در چشمم نور و در دینم بصیرت و در دلم یقین و در عملم اخلاص و در بدنم سلامت و در روزیم وسعت بخش، و مادام که زنده‌ام توفیق سپاسگزاری عنایت کن.»

در روغن مالی

از امام صادق (ع): وقتی روغن را بکف دست بریزی بگو: بار خدایا من زینت دنیا و آخرت از تو می‌طلبم، و از زشتی‌ها و خواریهای دنیا و آخرت بتو پناه می‌برم. از امام صادق (ع): روغن پوست را نرم و عقل را زیاد میکند، و مجاری آب بدن را پاک می‌سازد، و آلودگی تن را از بین می‌برد و رنگ پوست را روشن می‌گرداند. و از آن حضرت: هر کس مسلمانی را روغن مالی کند خداوند او را به هر مویی در قیامت نوری بخشد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۹۲

و از آن حضرت (ع) فرمود: روغن بدحالی را از بین می‌برد. و فرمود: روغن بنفشه بهترین روغن‌ها است. پیغمبر (ص) در وصیت خود به علی (ع) فرمود: ای علی روغن زیتون بخور و آن را بخود بمال که هر کس روغن زیت بخورد و بر بدن بمالد شیطان تا چهل روز باو نزدیک نخواهد شد. و علی (ع) فرمود: روغن بنفشه بخود بمالید که در تابستان خنک و در زمستان گرم است. و از آن حضرت، پیغمبر

فرمود: برتری روغن بنفشه به دیگر روغن‌ها مثل برتری اسلام است بر دیگر ادیان. و در روایت حضرت صادق (ع) است که: برتری بنفشه بر دیگر روغن‌ها مثل برتری من است بر دیگر خلق. و از آن حضرت (ع) فرمود: یک روز در میان روغن مالی کنید و بطور طاق سرمه بکشید

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۹۳

فصل سوم در مسواک

از کتاب من لا یحضره الفقیه: پیغمبر (ص) فرمود: جبرئیل همواره در باره مسواک به من سفارش کرد چندان که ترسیدم دندانهایم سائیده شود یا از بین برود.

و مدام مرا در باره همسایه سفارش می نمود تا جایی که ترسیدم که او ارث خواهد برد. و پیوسته در باره مملوک بمن وصیت کرد تا آنجا که گمان کردم بعد از مدتی آزاد خواهد شد. موسی بن جعفر (ع) فرمود: خوردن اشنان بدن را آب میکند، و سفال به بدن مالیدن بدن را می فرساید، و مسواک در مستراح دهان را بدبو کند. و از پیغمبر (ص) فرمود: مسواک بر فصاحت مرد می افزاید. و پیغمبر (ص) فرمود: وقتی روزه دار هستید صبحگاه مسواک کنید، و شب مسواک ننمائید که هیچ روزه داری لبهائیش در شب خشک نباشد مگر اینکه در قیامت جلویش را روشن سازد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۹۴

و نیز فرمود: چوب زیتون مسواک خوبی است، از درختی مبارک که زردی‌های دندان را می برد، و مسواک من و انبیاء پیش از من از آن است. و نیز فرمود: چهار چیز از سنت پیامبران است: عطر، مسواک، زن، ختنه. امام صادق (ع): چهار چیز از سنت پیامبران است: عطر زدن، مسواک نمودن، زن دوستی، ختنه. از کتاب روضه الواعظین، حضرت موسی بن جعفر (ع) فرمود: شیعیان ما از چهار چیز بی نیاز نیستند: از سجاده (یا مهری) که بر آن نماز بگذارند، و انگشتری که بدست نمایند، و مسواکی که با آن مسواک کنند، و تسبیحی سی و سه دانه از تربت قبر امام حسین (ع)، که هر گاه در حال ذکر آن را بگرداند خداوند به هر دانه‌ای چهل ثواب برایش بنویسد، و اگر در حال سهو و غفلت بگرداند، خداوند بیست حسنه برایش بنویسد. پیغمبر (ص) در وصیتش به علی (ع) فرمود: یا علی بر تو باد به مسواک در وقت هر وضوء گرفتن. و نیز فرمود مسواک جزئی از وضوء است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۹۵

و امام (ع) می فرماید: چون مردم فوج فوج به اسلام روی آوردند قبیله ازد که دلی نرمتر و دهانی خوشبوتر داشتند به اسلام آمدند، مردم پرسیدند یا رسول الله اینان قلبشان از همه رقیقتر است و اما چرا دهانشان خوشبوتر است، فرمود: چون در جاهلیت مسواک می کردند. و نیز فرمود: هر چیزی را پاک کننده‌ای است، و پاک کننده دهان مسواک است. و حضرت امام باقر (ع) فرمود: پیغمبر (ص) بسیار مسواک می کرد ولی واجب نیست، و اگر در بعضی اوقات ترک کنی ضرری ندارد. و مانعی ندارد که روزه دار در ماه رمضان مسواک کند، هر روز که بخواهد. و برای محرم نیز مسواک اشکالی ندارد، و مسواک کردن در حمام مکروه است که موجب فساد دندانها می شود. و حضرت باقر و صادق (ع) فرمودند: دو رکعت نماز با مسواک بهتر است از هفتاد رکعت بی مسواک. و حضرت باقر (ع) در باره مسواک فرمود: در هر سه روز ترک نشود اگر چه یک بار مسواک را بدنندان بمالید. و پیغمبر (ص) فرمود: سرمه را بتعداد فرد بکشید و مسواک را از بالا به

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۹۶

بمالید. و حضرت صادق (ع) به علت سستی دندان مدت دو سال قبل از وفات مسواک را ترک کردند. علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر پرسید که اگر آدمی وقتی برای نماز شب بر می خیزد میتواند با دست مسواک کند، در حالی که میتواند با مسواک بدنمان بمالد؟ فرمود: اگر می ترسد صبح طلوع کند (و وقت نماز شب بگذرد) مانعی ندارد. و پیغمبر (ص) فرمود: اگر بر امت من مشکل نبود، آن ها را امر می کردم که در وقت وضوء هر نماز مسواک کنند. و روایت است که کعبه از رنج انفاس مشرکین به خداوند شکایت کرد، خداوند بوی وحی نمود: خوش دل باش که من بجای آن مردمی خواهم آورد که با شاخه درخت (اراک) دندانها را تمیز کنند. پس خداوند پیغمبر (ص) را مبعوث کرد، جبرئیل مسواک و خلال را بر او آورد. و حضرت صادق (ع) فرمود: در مسواک ۱۲ خصلت است: از سنت است و پاکیزه کننده دهان، و جلا دهنده چشم میباشد، خدا را خشنود و دندانها را سپید میکند.

بوی دهان را می برد و لثه را محکم می کند، و اشتها را زیاد و بلغم را برطرف

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۹۷

مینماید، حافظه می افزاید و حسنات را دو چندان میکند، و فرشتگان را مسرور می سازد. حضرت رضا (ع) ظرفی داشت که در آن پنج مسواک بود و بر هر کدام اسم یکی از نمازهای پنجگانه نوشته بود، که با هر یک از آنها در همان نمازی که اسم آن نوشته بود مسواک می نمود. از کتاب طب الائمه از حضرت رضا (ع): مسواک چشم را جلا می دهد و مویها را می رویاند و آب چشم را بر طرف می کند. در وصیت پیغمبر بامیر مؤمنان (ع): یا علی بر تو باد به مسواک، و اگر می توانی که از مسواک کردن نکاهی البته نگاه که هر نماز با مسواک بر نماز بی مسواک بقدر ۴۰ روز برتری دارد. و از کتاب لباس (تألیف ابی نصر عیاشی)، از حضرت صادق (ع): جبرئیل مسواک و خلال و حجامت را آورد. و نیز از آن حضرت: پیغمبر (ص) فرمود: راه قرآن را پاکیزه نگهدارید. پرسیدند مراد از راه قرآن کدام است؟ فرمود: دهانهای شما، گفتند: چگونه؟ فرمود:

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۹۸

با مسواک. پیغمبر (ص) فرمود: دهانهای خود را پاکیزه کنید که راههای تسبیح است. از امام ششم (ع): خوردن اشنان بدن را آب می کند، و سفال به تن مالیدن.

بدن را می فرساید، و مسواک در مستراح دهان را بد بو می کند. از کتاب (تهذیب الاحکام) از امیر مؤمنان می فرماید: مسواک موجب خشنودی خداوند عز و جل و سنت پیغمبر است و وسیله پاکیزگی دهان می باشد. از حضرت صادق (ع): مسواک در مستراح دهان را بدبو می کند. از حضرت صادق (ع)، امیر مؤمنان فرمود: سه چیز بلغم را میبرد و بر حافظه می افزاید: مسواک، روزه، قرائت قرآن.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۹۹

باب سوم در آداب حمام و آنچه مربوط به آن است

(در شش فصل:)

فصل اول در کیفیت دخول حمام

از کتاب من لا یحضره الفقیه، از حضرت صادق (ع): چون به حمام روی در موقع در آوردن لباس بگو: «خداوندا بند نفاق را از گردنم بردار و بر ایمان ثابتم بدار». و چون در لباس کن هستی بگو: «خداوندا من از شر نفس خود بتو پناه می‌برم و از آزارش از تو پناه می‌خواهم» و چون بگرمخانه روی بگو: «خداوندا هر نوع آلودگی و نجاست را از من ببر و دل و پیکرم را پاکیزه ساز». و مقداری آب گرم بردار و بر سر بریز، و بر پاها بریز، و اگر می‌توانی جرعه‌ای از آن بیاشام، که مثانه را بر طرف می‌کند، و مقداری توقف کن، و چون بگرمخانه داخل شوی، بگو: «از آتش بخدا

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۰۰

پناه می‌برم و از او بهشت می‌طلبم». و این دعا را تا وقت خروج از حمام تکرار کن، و از نوشیدنی آب سرد و آب جو «۱» در حمام بپرهیز که معده را خراب می‌کند و بر خود آب سرد مریز که بدن را ضعیف می‌کند، و در وقت خروج آب سرد بر پشت پا بریز که بیماری را از بدنت بیرون می‌کشد، و چون لباس پوشیدی بگو: «خداوندا لباس تقوی به من ببوش و از پستی و سقوط نگهدار»، و اگر این کارها را رعایت کنی از هر بیماری در امان خواهی بود. و قرآن خواندن در حمام اشکالی ندارد، در وقتی که لنگ بکمر داشته باشی. محمد بن مسلم از حضرت باقر (ع) پرسید: آیا امیر مؤمنان از خواندن قرآن در حمام نهی می‌کند؟ حضرت فرمود: نه، بلکه قرآن خواندن در حال برهنگی نهی شده و در وقتی که لنگ بسته است اشکال ندارد. علی بن یقطین به حضرت کاظم (ع) عرضه داشت: آیا در حمام قرآن بخوانم و نزدیکی کنم؟ فرمود: مانعی ندارد..

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۰۱

امیر مؤمنان (ع) فرمود: حمام خانه خوبی است که در آن انسان بیاد آتش (دوزخ) می‌افتد، و چرک را میبرد، و فرمود: حمام خانه بدی است که پرده حیا را می‌برد و شرم را میبرد، و حضرت صادق (ع) فرمود: حمام بدخانه‌ای است که حیا را می‌برد. و حضرت صادق فرمود: حمام بدخانه‌ای است، پنهانی‌ها را ظاهر می‌سازد، و حمام خوب خانه‌ای است که آتش دوزخ را بیاد می‌آورد، و از ادب اینست که مرد فرزند خود را با خود بحمام نبرد که به عورت او بنگرد. و پیغمبر (ص) فرمود: هر کس بخدا و آخرت ایمان دارد، همسر خود را به- حمام نمی‌فرستد. و پیغمبر (ص) فرمود: زنان امت مرا از دخول حمام نهی کنید. «۱» و حضرت کاظم (ع) فرمود: گرسنه و با شکم خالی به حمام نروید و قبل از دخول حمام چیزی میل کنید. از کتاب محاسن از حضرت صادق (ع): فرمود: بحمام نروید، مگر آنکه

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۰۲

چیزی خورده باشید که آتش معده را فرو نشاند، و این کار برای حفظ نیروی بدن بهتر است و نیز با شکم پر وارد حمام مشوید. و نیز فرمود: خواندن قرآن در حمام مانعی ندارد، اگر برای خدا باشد نه آزمایش صدای خود. ابن ابی یعفر گوید: از حضرت صادق (ع) پرسیدم انسان وقت ریختن آب به بدن می‌تواند عریان باشد، در حالی که مردم عورتش را می‌بینند یا می‌تواند او عورت مردم را ببیند. حضرت فرمود: پدرم این کار را از همه کس مکروه میداشت و بد می‌دانست حضرت صادق فرمود: هیچ کس در حمام به پشت نخواست که پیه کلیه‌ها آب می‌شود. و گفته‌اند حضرت صادق (ع) از حمام بیرون آمد و لباس پوشید و عمامه بست و فرمود: هرگز وقت خروج از حمام عمامه را رها نکردم، چه در زمستان و چه در تابستان. و موسی بن جعفر (ع) فرمود: یک روز در میان به حمام رفتن بر گوشت بدن می‌افزاید و هر روز حمام رفتن پیه کلیه‌ها را آب می‌کند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۰۳

عبد الرحمن بن مسلم گوید: در حمام در قسمت وسطی بودم که حضرت موسی بن- جعفر وارد شد، و لنگی روی نو داشت: سلام کرد، جوابش را دادم و داخل حوضخانه شدم و خود را شستم و خارج گشتم. از حضرت رضا (ع): هر کس پس از خروج از حمام پاها را بشوید یا نشوید اشکالی ندارد. حضرت امام حسن (ع) از حمام بیرون آمد، مردی باو گفت: استحمام شما عافیت باد. حضرت فرمود ای احمق این چه سخن بی پایه ایست که میگوئی؟! مرد گفت حمام شما عافیت باد. فرمود: اگر حمام عافیت است راحت بدن چیست؟ مرد گفت: حمیم شما عافیت باد فرمود نمیدانی که حمیم عرق کردن است، مرد گفت پس چه بگویم: امام فرمود: بگو: پاکیزگی تو عافیت و پاک باد. امام ششم (ع) فرمود: بهنگام خروج از حمام چون کسی بتو گوید، عافیت باد (حمامت پاکیزه باد) بگو: انعم الله بک (خدا بتو احسان کند). پیغمبر (ص) فرمود: بیماری سه تاست و دارو نیز سه تاست، اما بیماری خون

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۰۴

است، صفراء، بلغم. داروی خون حجامت است، و داروی بلغم حمام، و داروی صفراء راه رفتن است. حضرت صادق (ع) فرمود: سه چیز چاق می کند و سه چیز لاغر. اما چاق کننده ها:

حمام مداوم، بوئیدن بوی خوش، پوشیدن لباس نرم. و اما لاغر کننده ها؛ ماهی و تخم مرغ خوردن مداوم و امتلاء و نفخ معده، و مراد از حمام مداوم در اینجا یک روز در میان است ولی حمام هر روز از گوشت می کاهد. از حضرت باقر (ع): از آب حمام اگر متصل به منبع و کر باشد نجس نمی شود. از داود بن سرحان: به حضرت صادق (ع) گفتم: در باره آب حمام چه می گوئید؟

فرمود: به منزله آب جاری است. از محمد بن مسلم، وی گوید: به حضرت صادق (ع) گفتم: حمام در آن جنب و غیر جنب غسل می کند، من می توانم در آن آب غسل کنم؟ فرمود: آری، که من در آن غسل کرده ام، و بعد آدمم و پاهایم را شستم و نشستم مگر خاکهایی که به کف پا چسبیده بود. زراره گوید: حضرت باقر را دیدم از حمام بیرون می آید، و می رود گویا پاهایش

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۰۵

را نمیشوید تا نماز بخواند (مراد از این حدیث اینست که کف حمام در قسمت رخت کن نجس نمیباشد و احتراز از آن لازم نیست). از حضرت صادق (ع): پس از خروج از حمام پاها را بشوید که در دسر را بر طرف می کند و بهنگام خروج عمامه بگذارید (یعنی سر را بپوشید). حضرت باقر و حضرت صادق (ع): بهنگام خروج از حمام در زمستان و تابستان عمامه بسر می گذاشتند، و می فرمودند این کار موجب امان از درد سر است (مراد پوشیدن سر است پس از بیرون آمدن از حمام). و روایت است که چون وارد حمام شدید و حرارت بدن به هیجان آمد، آب سرد بر خود بریزید تا حرارت فرو نشیند. از حضرت موسی بن جعفر (ع): در سه شنبه ناخن بگیری، در ۴ شنبه حمامت کنی، پنجشنبه بحمام بروی و در جمعه بهترین عطرها را بکار ببری. از حضرت موسی بن جعفر (ع): سه شنبه ناخن بگیری، و چهارشنبه حمام بروی، و ۵ شنبه حجامت کنی و جمعه بهترین عطرها را بزنی.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۰۶

سعدان بن مسلم گوید: در حمام بودیم که امام هشتم (ع) وارد شد و سلام کرد، من برخاستم و غسل کردم و بیرون شدم. حنان از پدرش نقل کند که من و پدرم و جدم و عمویم وارد حمام مدینه شدیم که مردی در رخت کن حمام بود، پرسید شما از کجایید؟

گفتیم از عراق، پرسید از کجای عراق؟ گفتیم از کوفه، گفت ای اهل کوفه خوش آمدید، که شما جامه زیرین هستید نه لباس رویی (یعنی از خواص شیعیان ما هستید)، بعد پرسید چرا شما لنگ نمی‌بندید؟ پیغمبر (ص) فرموده: دیدن عورت مسلمان بر مسلمان حرام است، پسر عمویم کسی را فرستاد مقداری کرباس آورد و چهار قسمت کرد، و هر یک قسمتی را گرفتیم و لنگ کردیم، چون از حمام بیرون آمدیم پرسیدیم این آقا که بود؟ گفتند حضرت علی بن الحسین و فرزندش حضرت باقر (ع) بودند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۰۷

فصل دوم در پوشیدن عورت در حمام

پیغمبر (ص) فرمود: هر کس بخدا و آخرت ایمان دارد جز با لنگ بحمام نرود، و نیز از رفتن به نهر بی‌لنگ نهی فرمود، و فرمود که آبها نیز اهل و ساکنانی دارند (یعنی مردمانی صاحب آن و ساکن نزدیک آن خواهند بود). امیر مؤمنان (ع) فرماید: هر کس عریان شود شیطان باو بنگرد و طمع نماید پس لنگ ببندید. و نیز آن حضرت نهی فرمودند که بدون لنگ بحمام روند. به علی (ع) گفتند: سعید بن عبد الملک با کنیزانش به حمام می‌رود، فرمود: اگر همگی لنگ دارند مانعی ندارد، ولی مثل الاغها لخت نباشند که به عورت همدیگر بنگرند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۰۸

حضرت صادق (ع) فرمود: من نگاه به عورت مسلمان را مکروه می‌دارم، ولی نگاه به عورت غیر مسلمان مثل نگاه به عورت الاغ است. و نیز فرمود: هیچ کس به عورت برادر مسلمانش نگاه نکند، و بکسی که دینی دیگر دارد در حمام نگاه کردن اشکالی ندارد. و نیز فرمود: ران عورت نیست (یعنی نگاه به آن حرام نمیباشد). ابی بصیر گوید: به حضرت صادق (ع) گفتم: مرد می‌تواند بی‌لنگ شست و شو کند؟ فرمود: اگر کسی او را نمی‌بیند اشکالی ندارد. حذیفه گوید: به حضرت صادق (ع) گفتم: مردم می‌گویند که عورت مؤمن بر مؤمن حرام است. حضرت فرمود: مراد آن نیست که تو گمان کردی بلکه مراد از عورت مؤمن لغزشی است که از او سر زند یا سخنی که موجب نقص اوست بگوید و آن را بخاطر بسپرنند که روزی بر او عیب گیرند. عبد الله بن سنان گوید: از حضرت صادق (ع) پرسیدم که آیا عورت مؤمن حرام

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۰۹

است؟ گفت آری، گفتم: یعنی جلو و عقب او؟ فرمود نه چنانست، بلکه مراد افشاء سر اوست. زید شحام از حضرت صادق (ع) در باره حرمت عورت مؤمن بر مؤمن می‌پرسد، حضرت می‌فرماید مراد این نیست که بدن خود را برهنه کند یعنی بلکه مراد اینست که او را سرزنش کنی و یا عیب‌جویی کنی.

فصل سوم در مالیدن روغن زیتون و آرد به بدن

علی (ع) فرمود: در حمام به پشت نخواهید که پیه کلیه‌ها آب می‌شود و خزف به پا نمالید که جذام آرد. حضرت صادق (ع) فرمود: خزف به پا نمالید که برص آرد، و با لنگ صورت خشک مکن که آبرو را میبرد، و مراد گل مصر و خزف شام است. و فرمود: از خزف اجتناب کنید که بدن را می‌فرساید، بلکه بدن را مالش دهید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۱۰

حضرت رضا (ع) فرمود: مانعی ندارد که انسان در حمام سوپق و آرد و سبوس به بدن بمالد، و یا آرد خمیر شده با روغن زیتون بخورد بمالد، و در مصر آنچه برای بدن مفید است اسراف نمی‌باشد، اسراف در چیزی است که مال را تلف کند و به بدن ضرر زند. حضرت صادق (ع) فرمود: مانعی ندارد که در حمام خلوق (که یک نوع عطر است مرکب از اجزائی که عمده آن زعفران است) را به تن بمالد، و آن را برای معالجه ترکیدگی‌های پوست بکار برد، ولی ادامه دادن به این کار شایسته نیست، و نیز خوب نیست اثر آن بر بدن باقی بماند. از حضرت موسی بن جعفر سؤال شد که میتوان پس از نوره کشیدن روغن زیتون و آرد به بدن مالید؟ فرمود اشکالی ندارد. ابو السفاتج گوید: از حضرت صادق (ع) سؤال کردیم ما در راه مکه بودیم می‌خواستیم احرام ببندیم سبوس همراه ما نبود که پس از نوره بخود بمالیم، و بجای سبوس آرد مصرف کردیم، از این عمل خدا می‌داند چقدر ناراحت بودیم، حضرت

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۱۱

فرمود: از ترس اینکه اسراف کرده باشید؟ گفتم: آری، فرمود: در آنچه موجب اصلاح و سلامت بدن باشد اسراف نیست، من خود گاهی دستور می‌دهم آرد را با روغن زیتون خمیر کنند و آن را بتن میمالم، اسراف آن است که مالی بیهوده مصرف شود و زیان رساند، پرسیدم: بخل ورزیدن و کنس بودن چیست؟ فرمود: اینکه به نان و نمک بسازی، در صورتی که بر بهتر از آن توانایی داری، گفتم: اقتصاد و میانه روی چیست؟

فرمود: نان و گوشت و شیر و روغن زیتون و روغن حیوانی به تناوب مصرف کنید. از حضرت موسی بن جعفر (ع) پرسیدم: اگر کسی پس از نوره کشیدن خمیر آرد به بدن بمالد که بوی آن را ببرد چطور است؟ فرمود اشکالی ندارد.

فصل چهارم تراشیدن موی سر و عانه «۱» و زیر بغل

پیغمبر (ص) به مردی فرمود: سرت را بتراش که به زیباییت می‌افزاید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۱۲

حضرت صادق (ع) فرمود: سر تراشیدن شما در غیر از حج و عمره مثله است «۱» برای دشمنان شما، و زیبایی است بر شما، که آنان همچون تیری که از کمان بجهد از دین بیرون خواهند رفت، و علامت آن اینست که سر را می‌تراشند و روغن مالی را ترک می‌کنند. از حضرت صادق (ع)، علی (ع) فرمود: کودکانی را که کم مو هستند و قسمتی از سرشان مو ندارد سر متراشید. حضرت صادق (ع) فرمود: کودکی را پهلوی پیغمبر آوردند تا برایش دعا کند، و موهای دور سرش را کاملاً نسترده بودند، بلکه مقداری را زده بودند و مقداری مانده بود، پیغمبر (ص) از دعا خودداری فرمود، و دستور داد سرش را بتراشند. و پیغمبر نیز امر فرمود که موهای شکم نیز تراشیده شود. حضرت باقر (ع) فرمود: پیغمبر (ص) حسنین (ع) را ختنه کرد، و در روز هفتم ولادت سرشان را تراشید، و هموزن آنها صدقه داد، و برای ایشان گوسفند عقیقه کرد، و به قابله از قسمت‌های خوب آن هدیه داد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۱۳

در روایت است که برای سر تراشیدن از پیشانی شروع کنید و بگوئید: «بسم الله و بالله و علی مله رسول الله (ص): خداوندا بهر موئی در قیامت نوری بمن عطا کن»، و پس از تمام شدن موی سر بگوئید: «خداوندا مرا بتقوی زینت بخش، و از پستی نگهدار». امام صادق (ع) فرمود: هفت روز یک بار با تیغ و پانزده روز یک بار با نوره خود را پاکیزه کنید. حضرت رضا (ع) فرمود: سه چیز است که هر که آنها را بشناسد رها نخواهد کرد: ستردن موها، و ازدواج با کنیزکان، و کوتاه کردن لباس. حضرت رضا (ع) فرمود: سه چیز از سنت پیغمبران

است: عطر زدن، و ستردن مویهای زائد، و زیادی آمیزش. عمرو بن عثمان گوید: بحضرت رضا عرضه داشتم که مردم گمان می کنند سر تراشیدن در غیر منی (برای حج) مثله می باشد. فرمود: سبحان الله! حضرت موسی بن جعفر (ع) از حج بر می گشت، و به یکی از مزرعه های خود میرفت، و بمدینه نمی آمد تا سر خود را می تراشید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۱۴

از حضرت صادق در باره بلند نگهداشتن موی سر پرسیدند، فرمود: اصحاب پیغمبر (ص) مویهای خود را کوتاه می کردند. و آن حضرت، فرمود: چیدن موی دماغ چهره را زیبا می کند. پیغمبر (ص) فرمود: آن کس که به خدا و قیامت ایمان دارد نباید مویهای اظهار (بالای عورت) را بیش از ۴۰ روز نسترده بگذارد، و زنی که ایمان دارد نباید بیش از ۲۰ روز آن را نسترده بگذارد. و حضرت صادق (ع) فرمود: هر که بخدا و آخرت ایمان دارد، موی اظهار را بیش از یک هفته باقی نگذارد، و نوره را بیش از یکماه ترک ننماید، و اگر بیشتر ترک نماید نمازش کامل نخواهد بود. پیغمبر (ص) فرمود: موهای شکم را بسترید چه زن و چه مرد. حضرت صادق (ع) فرمود: خداوند متعال به ابراهیم فرمود: خود را تمیز کن.

ابراهیم موی عورت را بسترد، و نیز مویهای زیر بغل را در حمام نوره می کشید، و می گفت: کندن مو شانه ها را سست و فرسوده می سازد و چشمان را ضعیف می نماید، و گفت: تراشیدن بهتر است از کندن و نوره بهتر است از تراشیدن.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۱۵

و به روایت زراره نیز فرمود: کندن بهتر است از تراشیدن و نوره بهتر است از هر دو. علی (ع) فرمود: بر طرف کردن موی زیر بغل بوی زیر بغل را می برد و موجب پاکیزگی است و سنتی که پیغمبر (ص) بدان امر کرده. پیغمبر (ص) فرمود: هیچ کس موی زیر بغل خود را بلند نگذارد که شیطان آن را پناهگاه خود قرار می دهد. و مانعی ندارد که جنب نوره بکشد که نوره به پاکیزگی می افزاید. از حضرت صادق (ع): بین نوح و ابراهیم هزار سال فاصله بود و شریعت ابراهیم بر پایه توحید و اخلاص و از بین بردن انداختن شرک بود، و این همان فطرت انسانی است که بر آن خلق شده، و خداوند بر این مطلب پیمان گرفته است، که جز خدا را نپرستد، و چیزی را شریک او قرار ندهد.

و نیز ابراهیم را فرمود که نماز گذارد و امر به معروف و نهی از منکر کند، و احکام ارث را بر او نفرستاد، و به دین حنیف (حق) او ختنه، و زدن شارب و ستردن مویهای زیر بغل و گرفتن ناخن و تراشیدن مویهای عورت را اضافه کرد. و باو فرمود که خانه کعبه را بسازد و حج و مناسک بجای آرد. و اینها همه از شریعت ابراهیم

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۱۶

علیه السلام بود. و آن حضرت فرمود: خداوند به ابراهیم (ع) امر کرد: خود را پاکیزه کن، وی شارب خود را بزد، باز باو فرمود پاکیزه شو، موی زیر بغل را بسترد، بازش فرمود:

پاکیزه باش، ناخنهای خود را گرفت، باز باو فرمود پاکیزه شو، موی عورت بسترد.

بازش امر کرد که پاکیزه باش پس ختنه کرد.

فصل پنجم در شستن سر با ختمی و سدر

حضرت صادق (ع) فرمود: سر را هر جمعه با ختمی شستن موجب امان از برص و دیوانگی است، و فرمود: شستن سر با ختمی فقر را از بین می‌برد، و روزی را می‌افزاید. و در خبر دیگر شستن مو با ختمی معالجه بیماری و جنون است. امیر مؤمنان (ع) فرمود: سر را با ختمی شستن آلودگی را می‌برد، و کثافات را بر طرف می‌کند، پیغمبر (ص) اندوهناک شد، جبرئیل به او گفت که سرش را با سدر

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۱۷

بشوید، و آن سدری از سدره المنتهی بود. و حضرت موسی بن جعفر (ع) فرمود: شستن سر با سدر روزی را جلب می‌نماید. حضرت صادق (ع) فرمود: سر خود را با برگ سدر بشوید که سدر را هر پیغمبر و فرشته‌ای نیکو و مقدس دانسته، و هر کس که سر خود را با برگ سدر بشوید، خداوند تا ۷۰ روز وسوسه شیطان را از او بگرداند و هر کس ۷۰ روز وسوسه شیطان از او بگردد، هرگز گناه نکند، و هر که گناه نکند به بهشت رود. و نیز آن حضرت فرمود: هر کس شاربش را بزند و ناخنهایش را بگیرد، و سرش را روز جمعه با ختمی بشوید ثواب آن را دارد که بنده‌ای آزاد کند. امیر مؤمنان (ع) فرمود: شستن سر با ختمی چرک را می‌برد و جانوران (میکربها) را نابود میکند. جابر گوید: به حضرت باقر (ع) از شوره سر شکایت کردم، فرمود: آس را بکوب و آبش را بگیر و با سرکه بخوبی مخلوط کن، و آنقدر بزن که به قوام آید، و با آن

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۱۸

سر و ریش را بشوی، و به سختی مالش بده، بعد شیره تازه بآنها بمال ان شاء الله خوب خواهدی شد.

فصل ششم نوره کشیدن

حضرت صادق (ع) فرمود: چون خواهی نوره بکشی کمی از آن بردار و جلو دماغ بگیر و بگو: «خداوندا بر سلیمان (ع) رحمت بفرست که دستور داد نوره ساختند».

و ان شاء الله نوره سوزش ایجاد نکند. روایت است با بدن نوره کشیده نشستن خطر فتق دارد. حکم بن عیینه گوید: حضرت باقر (ع) را دیدم: که حنا بر ناخن‌های خود می‌نهد، و از من پرسید یا حکم در این باره چه عقیده داری؟. گفتم در باره آنچه شما می‌کنید حرفی نتوانم زد، ولی در بین ما فقط جوانان حنا می‌بندند، فرمود: ای

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۱۹

حکم ناخن وقتی با نوره تماس گیرد تغییر می‌پذیرد و چون ناخن مردگان می‌شود، و حنا بستن اشکالی ندارد. پیغمبر (ص) فرمود: هر کس نوره کشد و حنا بندد خداوند او را از سه چیز در امان دارد: جذام، برص، خوره (ظاهرا آکله که ما به خوره ترجمه کردیم نوعی از جذام است). امیر مؤمنان (ع) فرمود: خوب است که انسان در ۴ شنبه نوره نکشد که روزی نحس است، و در دیگر روزها جایز است، و روایت است که نوره در جمعه برص آرد. حضرت رضا (ع) فرمود: هر کس در جمعه نوره کشد و برص گیرد غیر خود را ملامت نکند. حضرت صادق (ع) فرمود: حنا بستن بعد از نوره موجب امان از برص و خوره می‌باشد. پیغمبر (ص) فرمود: پنج چیز است که پیسی آرد: نوره کشیدن در جمعه و چهار شنبه، و وضو و غسل با آبی که در آفتاب گرم شود، و غذا خوردن در حال جنابت

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۲۰

و با زن در حال حیض نزدیکی کردن، و با شکم سیر غذا خوردن. و حضرت رضا (ع) فرمود: مویها را بسترید که سودمند است. روایت شده که هر کس همه بدن را نوره بکشد و بعد از آن حنا بمالد، خداوند فقر را از او بر طرف کند. در کتاب لباس نقل کرده که کارگر حضرت صادق را در حمام نوره می کشید، و به وی سفارش کرد که چون به بالای عورت رسید سرفه کند، و آن قسمت را خود می مالید، و بقیه را دوباره کارگر نوره می کشید. و نیز روایت است که آن حضرت در موقع لزوم به حمام میرفت، و زیر بغل را نوره می کشید و بیرون می آمد. و نیز روایت است که گاهی یکی از غلامانش همه بدنش را نوره می کشید. ارقط گوید: برای کاری به جستجوی حضرت رفتم، و او را در حمام پیدا کردم، حضرت فرمود: نوره نمی کشی؟ گفتم دیروز کشیده ام، فرمود باز هم بکش که نوره پاکیزه کننده است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۲۱

علی (ع): بالای عورت را خود نوره می مالید. لیث گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم جنب می تواند نوره کشد، فرمود: اشکالی ندارد. حضرت رضا (ع) فرمود: چهار چیز خصلت پیامبران است: عطر زدن، با تیغ مویها را ستردن، و نوره مالیدن، و بسیار آمیزش کردن.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۲۲

باب چهارم در ناخن گرفتن، و شارب زدن، و ریش را اصلاح کردن، و شانه زدن و نگاه به آینه و حجامت. و این باب در چهار فصل است:

فصل اول در ناخن گرفتن

سلیمان بن خالد گوید: به حضرت صادق (ع) گفتم آیا هر جمعه ناخنهایم را بچینم؟ فرمود: اگر بلند شود بچین. موسی بن بکیر گوید: به حضرت موسی بن جعفر (ع) گفتم: رفقای ما می گویند:

باید شارب و ناخن در روز جمعه کوتاه شود، فرمود: سبحان الله. کوتاه چه در جمعه چه در روز دیگر.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۲۳

حضرت صادق (ع) فرماید: ناخن گرفتن و شارب را کوتاه کردن و سر را با خطمی شستن فقر را می برد و روزی را می افزاید. پیغمبر (ص)، فرمود: هر کس در جمعه ناخن بگیرد، خداوند درد را از انگشتانش بیرون کند و بجایش شفا وارد سازد. و از حضرت صادق (ع): گرفتن ناخن و کوتاه کردن شارب در هر جمعه موجب امان از خوره است. و پیغمبر (ص) فرمود: هر کس جمعه ناخن بگیرد، ناخنهایش آسیب نییند. و از حضرت صادق (ع): در روز جمعه ناخن و شارب را کوتاه کن، و اگر کوتاه است آن را حک کن که هرگز خوره و پیسی بتو نرسد. حسن بن علاء گوید، بحضرت صادق (ع) گفتم: ثواب کسی که در هر جمعه شارب و ناخن خود را بچیند چیست؟ فرمود تا روز جمعه آینده پاکیزه خواهد بود.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۲۴

مردی گوید: به عبد الله بن حسن گفتم برای طلب روزی چیزی بمن آموز. گفت بگو: (خداوندا تو کار مرا بعهده گیر و بدیگری وانگذار). مرد گوید به حضرت صادق (ع) این مطلب را عرضه داشتیم، فرمود: می خواهی برای روزی سودمندتر از این بتو آموزم؟ گفتم چرا. فرمود: شارب و ناخنها را در هر جمعه بچین. خلف گوید: حضرت موسی بن جعفر (ع) مرا دید و من از درد چشم بحضرتش شکایت کردم. فرمود: می خواهی ترا به کاری راهنمایی کنم که اگر انجام دهی دیگر از درد چشم نمانی؟ گفتم آری، فرمود: ناخنهایت را در هر پنجشنبه بگیر، من چنین کردم و دیگر درد چشم ندیدم. پیغمبر (ص) فرمود: هر کس ناخنهایش را روز شنبه و ۴ شنبه بگیرد و

شاربش را کوتاه کند. از درد دندان و درد چشم در امان بماند. حضرت باقر (ع) فرمود: هر کس ناخنها و شارب را در هر جمعه بگیرد و در وقت گرفتن بگوید

(بسم الله و بالله و علی سنه رسول الله)

، هیچ خرده و ذره‌ای از او نریزد، مگر آنکه بهر کدام خداوند ثواب آزاد کردن بنده‌ای بوی دهد، و به مرضی جز

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۲۵

مرض موت دچار نشود. حضرت صادق (ع) بمردان فرمود: ناخنها را بگیرید، و بزنان فرمود: کوتاه مکنید که برای شما زینت بخش تر است. و آن حضرت فرمود: هر کس چهار شنبه ناخن بگیرد، و از انگشت کوچک آغاز کند از درد چشم در امان بماند. حضرت باقر (ع) فرمود: هر کس در جمعه ناخن می‌گیرد به انگشت کوچک دست چپ ابتدا کند و به انگشت کوچک دست راست خاتمه دهد. حضرت صادق (ع) فرمود: هر کس پنجشنبه ناخن بگیرد و یک انگشت را برای روز جمعه نگهدارد خداوند فقر را از او ببرد. پیغمبر (ص) فرمود: هر کسی خواهد از فقر در امان باشد و از درد چشم و پیسی و جنون ننالند، ناخنهایش را روز پنجشنبه بعد از عصر بگیرد و از انگشت کوچک دست چپ شروع نماید. حضرت صادق فرمود: وحی از پیغمبر (ص) قطع شد، پرسیدند چرا یا رسول الله

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۲۶

وحی از شما قطع شد؟ فرمود چطور قطع نشود که شما ناخن‌های خود را نمی‌گیرید و بوی بد را از خود دور نمی‌کنید. حضرت باقر (ع) فرمود: از این رو باید ناخنها را گرفت که جایگاه شیطان می‌شود، و فراموشی می‌آورد. پیغمبر (ص) فرمود: ناخنهایتان را کوتاه کنید، و به زنان فرمود بلند بگذارید که بر زینت شما می‌افزاید. حضرت صادق (ع) فرمود: چون مو و ناخن را می‌چینید آن را دفن کنید که سنت است. و در کتاب محاسن گوید: این کار سنت و واجب است، و روایت است که دفن کردن مو و ناخن و خون از سنت است. از حضرت امام علی نقی (ع) پرسیدند: مرد می‌تواند پس از ستردن مو و گرفتن ناخن بنماز بایستد بدون آنکه آنها را از جامه پاک کند؟ فرمود: اشکالی ندارد. حضرت صادق (ع) فرمود: هر کس در جمعه ناخن‌هایش را بگیرد و شاربش را

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۲۷

کوتاه کند و بگوید:

(بسم الله و بالله و علی سنه محمد و آل محمد)

، بهر ذره‌ای که از مو و ناخنش بریزد ثواب آزاد کردن بنده‌ای از فرزندان اسماعیل داده شود. علی بن الحسین (ع) وقتی در منا سر می‌تراشیدند امر می‌فرمودند که موهای آن را دفن کنند.

فصل دوم شارب گرفتن و گرد کردن ریش و نگاه به مو (ی سر و صورت)

در ناخن گرفتن

حضرت صادق (ع) فرمود: شارب گرفتن هر جمعه موجب امان از خوره است. پیغمبر (ص) فرمود: هیچ کس شارب خود را دراز نگذارد که شیطان آن را پناهگاه خود خواهد گرفت. و نیز فرمود: هر کس شارب خود را نچیند از ما نیست. و فرمود: شارب را بزنی و ریشها را بگذاری و به یهود شبیه باشی.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۲۸

و فرمود: مجوس ریشها را می‌کنند و شاربها را پر پشت و زیاد می‌گذاشتند و ما ریشها را می‌گذاریم و شاربها را می‌زنییم، و این است فطرت (یعنی دستور دین فطری اسلام) و چون شارب را بزنی بگویند:

(بسم الله و بالله و علی مله رسول الله، ص).

حضرت صادق (ع) فرمود: تراشیدن شارب سنت است. پیغمبر (ص) فرمود: باید شارب را زد تا به پوست برسد. عبد الله بن عثمان گوید: حضرت صادق (ع) را دیدم که شاربهای خود را چنان زده بود که به بیخ مو رسیده بود.

اصلاح کردن ریش

پیغمبر (ص): چشمش افتاد بمردی که ریش بلند و درهمی داشت، و فرمود:

چه ضرر داشت اگر این مرد ریش خود را اصلاح می‌کرد، آن مرد شنید و ریش خود را بطور معتدل اصلاح کرد و به نزد حضرت آمد، پیغمبر (ص) چون او را دید، فرمود این طور اصلاح کنید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۲۹

محمد بن مسلم گوید: حضرت باقر (ع) را دیدم که ریش خود را اصلاح میکند، و فرمود ریش خود را مدور کنید. حضرت صادق (ع) فرمود: ریشهای خود را با مشت بگیر، و اضافه را بچین. علی بن جعفر گوید: از برادرم در باره چگونگی ریش پرسیدم، فرمود: دو طرف صورت را می‌تواند بچیند ولی جلوی چانه را نمی‌تواند بزند. سدید گوید: حضرت باقر (ع) را دیدم که موی صورت را کوتاه می‌کرد، و موی چانه را پر پشت می‌گذاشت. حسن بن زیات گوید: حضرت باقر را با ریشهای کم پشت و مختصر دیدم. از سدید: حضرت باقر را دیدم که موی عارض را کوتاه می‌کرد و موی زیر گلو را می‌چید. از حضرت صادق (ع): ریش بیشتر از یک قبضه در آتش است. و حضرت صادق (ع) فرمود: از سعادت مرد کم پشت بودن ریش است. حضرت صادق (ع) فرمود: عقل مرد به سه چیز او شناخته می‌شود: طول لحيه، و نقش انگشتر، و کنیه (فامیل) او.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۳۰

محمد گوید: حضرت (ع) باقر را دیدم که سلمانی ریش او را اصلاح می‌کرد و باو دستور داد که آن را گرد بسازد.

در موی سپید

پیغمبر (ص) فرمود: سفیدی جلوی سر خوب و مبارک است، و در عارض (و شقیقه) علامت فرسودگی است، و در موی چانه شجاعت و در پشت سر شومی است. حضرت صادق (ع) فرمود: مردی نزد پیغمبر (ص) آمد، پیغمبر (ص) به سفیدی ریش او نگاه کرد و فرمود هر کس ریش خود را در اسلام سفید کند، آن برای او در قیامت نوری خواهد بود. حضرت باقر (ع) فرمود: روزی ابراهیم در ریش خود موی

سفید یافت، و گفت: (سپاس خدایی را که مرا باین حد رسانید و یک آن گناه نکردم). حضرت صادق (ع) فرمود: مردم سپید مو نمی شدند تا ابراهیم سفیدی در ریش خود دید، و گفت: پروردگارا این سفیدی چیست؟ فرمود این موجب وقار است، ابراهیم گفت خداوندا بر آن بیغزا.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۳۱

پیغمبر (ص) فرمود: سفیدی مو نور است، موی سپید را نکنید. حضرت صادق (ع) فرمود: اشکالی ندارد مویهای سپید سر را بکنید و یا بچینید، و چیدن بهتر است از کندن. و نیز از حضرت علی (ع): چیدن موی سر اشکال ندارد و کندن آن مکروه است.

شانه زدن مو

از پیغمبر اکرم (ص) روایت است که از دو بار شانه کردن موی در یک روز نهی فرموده. و از حضرت صادق (ع): پیغمبر (ص) موی خود را شانه میزد، و بیشتر بآب (در حال تر بودن مو) شانه میکرد.

بآینه نگاه کردن

از کتاب نجاه: وقت نگاه بآینه آن را بدست چپ بگیرد و بگوید: (بسم الله) و دست راست را بر جلوی سر بگذارد، و بر صورت خود بمالد و ریش خود را بدست

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۳۲

گیرد و در آینه نگاه کند و بگوید (شکر خدایی را که مرا بشری سالم و کامل آفرید و آراسته ساخت، و خوار نگردانید، و بر بسیاری از آفریدگان برتری داد، و به اسلام بر من منت نهاد)، و چون آینه را بدست گیرد، بگوید: (خداوندا نعمتهایی را که بمن داده ای تغییر مده و مرا نسبت بآنها شاکر قرارده). پیغمبر (ص) در وصیت خود به علی (ع) فرمود: چون بآینه نگاه کنی بگو:

خداوندا چنان که مرا نیکو ساختی، اخلاقم را نیز نیکو کن و روزیم را وسیع گردان. حضرت صادق (ع) فرمود: سپاس خداوندی را که مرا آفرید و چهره زیبا و خلقت نیکو بخشید، و سپاس خدایی را که آنچه در دیگران زشت است در من نیکو گردانید و به اسلام گرامیم داشت.

فصل سوم در شانه زدن موی سر و صورت

از حضرت رضا (ع) پرسیدند که مراد از زینت در آیه شریفه (خُدُوا زِينَتَكُمْ

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۳۳

عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ) چیست؟ فرمود: یکی از زینتها شانه زدن بهنگام هر نماز. و حضرت صادق (ع) فرمود: مراد از زینت در آیه فوق شانه زدن است که شانه مویها را می آراید، و حاجت را بر می آورد، و به نیروی کمر می افزاید، و بلغم را قطع میکند. و نیز فرمود: شانه زدن سر وبا را از بین میبرد، و شانه کردن صورت دندانها را محکم می کند. حضرت موسی بن جعفر (ع) فرمود: پس از شانه کردن سر و صورت شانه را بر سینه خود مرور ده که بیماری و اندوه را بر طرف میکند. حضرت صادق (ع) فرمود: هر کس ریش خود را هفتاد بار شانه بزند و شانه- زدن ها را دانه دانه بشمرد، شیطان چهل روز به او نزدیک نشود. پیغمبر (ص) ریشهای خود را از زیر بیابا چهل بار، و از بالا

پنجاه هفت بار شانه می‌زد، و می‌فرمود این کار حافظه را زیاد میکند. پیامبر (ص) فرمود: هر کس شانه را بر سر و ریش و سینه خود هفت بار بکشد هرگز بدردی مبتلا نشود.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۳۴

و فرمود: هر کس ایستاده شانه بزند گرفتار قرض شود. و فرمود: با شانه عاج شانه بزیند که وبا را میبرد. حضرت صادق (ع) فرمود: شانه زدن وبا را از بین می‌برد یعنی تب را و فرمود مانعی ندارد که شانه و سرمه‌دان و روغندان از عاج باشد. و نیز از آن حضرت، پیغمبر فرمود: موی زیبا یکی از کسوت‌های الهی است پس آن را گرمی دارید. و نیز فرمود: هر کس می‌خواهد موی بلند گذارد، آن را خوب نگهداری کند، و گر نه آن را بچیند و کوتاه کند. و نیز فرمود: هر کس مو بگذارد و شانه نزند خداوند با شانه آتشین آن را شانه کند، و موی پیامبر تا نرمه گوش میرسد و بحد شانه زدن نبود. و حضرت کاظم (ع) فرمود: موها را بلند بگذارید که موجب زیبایی است. ایوب بن هارون گوید: از حضرت صادق (ع)، پرسیدم آیا پیامبر در موپهای سر فرق باز می‌نمود؟ فرمود که پیغمبر اگر مو می‌گذاشت حد اکثر تا نرمی گوش می‌رسید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۳۵

عمرو بن ثابت گوید، حضرت صادق (ع) فرمود: مردم گمان می‌کنند که فرق باز کردن در موی سر از سنت پیغمبر (ص) است، و حال اینکه سنت نیست. گفتم مردم گمان می‌کنند که پیغمبر (ص) فرق می‌گذاشت، فرمودند نمیگذاشت و پیغمبران مو را بلند نگه نمی‌داشتند. حضرت صادق (ع) فرمود: در حمام شانه نزنید که بیخ موی را سست می‌کند. و نیز فرمود: شانه زدن موی، فقر را از بین می‌برد و درد را زایل می‌کند. پیغمبر (ص) می‌فرماید: شانه زدن مو وبا را از بین می‌برد و روغن مالی بدن درد را بر طرف می‌کند. حضرت صادق (ع) فرمود: عبور دادن شانه بر سینه اندوه را بر طرف می‌کند. ابی عبد الله بن سلیمان گوید: از حضرت باقر (ع) در باره شانه عاج پرسیدم، فرمود:

اشکالی ندارد و من شانه‌ای از عاج دارم. قاسم بن ولید گوید: از حضرت صادق (ع) در باره شانه و روغندان که از عاج پیل باشد پرسیدم، فرمود: اشکال ندارد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۳۶

و نیز فرمود مکروه است در روغندان یا نقره کار روغن ریختن و همچنین شانه. محمد بن عیسی گوید: از امام جواد (ع) در باره ظرف طلا و نقره پرسیدم، حضرت اظهار کراهت کرد، گفتم بعضی از اصحاب نقل می‌کنند که حضرت موسی بن جعفر (ع) آینه‌ای با پوشش نقره داشت.

فرمود: نه الحمد لله، بلکه قاب آن نقره بوده است. و نیز فرمود: مانعی ندارد که انسان در ظرف نقره نشان آب بنوشد ولی دهانت را از جای نقره دور نگه‌دار. حضرت صادق (ع) فرمود: چون یکی از شما بخواهد موی خود را شانه بزند شانه را بدست راست بگیرد در حالت نشست، و آن را بر جلوی سر بگذارد، و اول جلوی سر را شانه کند و بگوید: (بار خدایا مو و پوست مرا نیکو و پاکیزه بدار و بیماری را از من بگردان) بعد عقب سر را شانه کند و بگوید: (خداوندا مرا به عقب بر مگردان، و مکر شیطان را از من بگردان و او را امان مده که مرا به بند اطاعت

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۳۷

خود کشد و به عقب باز گرداند). سپس ابروها را شانه زند و بگوید: (خداوندا مرا به زینت هدایت زینت بخش) بعد مو را از بالا بیائین شانه زند و سپس شانه را بر سینه عبور دهد و در هر دو حال بگوید (خداوندا غمها و وحشتها و وسوسه شیطان را از من بر طرف کن. بعد به شانه زندن (کامل) مو بپردازد و از پایین شروع کند و سوره (انا انزلنا) را بخواند. سلیمان بن یحیی گوید: روزی حضرت رضا آماده شد که سوار شود و بخانه مأمون برود، و من در میان نگهبانان حضرت بودم، پس شانه خواست و مشغول شانه زندن مویها شد و فرمود: ای سلیمان پدرم از یارانش از پیغمبر نقل کرده‌اند که فرمود: هر کس هفت بار شانه را بر سر و سینه‌اش عبور دهد هرگز مرضی باو نرسد. حضرت امام حسن عسکری (ع) فرمود: شانه زندن با شانه عاج موی سر را میرویند و کرم را از دماغ دور میسازد، و صفرا را فرو می‌نشانند، و لثه‌ها را تمیز میگرداند. از حضرت موسی بن جعفر (ع) فرمود: ایستاده شانه نکن که ضعف قلب می‌آورد و نشسته شانه کن که دل را قوی میسازد، و پوست را شاداب مینماید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۳۸

حضرت صادق (ع) فرمود: شانه کردن سر بلغم را ببرد، و شانه زندن به ابروها موجب امان از خوره است، و شانه کردن صورت دندانها را محکم نماید.

و در باره تراشیدن سر از حضرتش پرسیدند؟ فرمود: خوب است. پیغمبر (ص) فرمود: شانه زندن به سر و صورت درد را از بدن بیرون می‌کشد. و نیز فرمود: شانه کردن ریش پس از هر وضوء فقر را از بین میبرد. امیر مؤمنان (ع) فرمود: شانه زندن در حال ایستاده فقر می‌آرد، و فرمود: چون صورت را شانه میزنی، شانه را از زیر ببالا ببر چهل مرتبه و (انا انزلناه) بخوان و از بالا بیائین هفت بار بکش و سوره (و العادیات ...) بخوان و بعد بگو: (خداوندا غمها و وحشت دل و وسوسه شیطان را از من ببر).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۳۹

فصل چهارم در حجامت

حضرت صادق (ع) فرمود: زیادی و فشار خون سه علامت دارد: جوش و دمل، خارش، مور مور کردن بدن- و در خبر دیگر- چرت زندن. و چون یکی از اهل خانه مریض می‌شد، امام (ع) می‌فرمود: بچهره‌اش نگاه کنید، اگر زرد بود، می‌فرمود: از صفراء است، و دستور نوشیدن شربت می‌داد، و اگر سرخ بود می‌فرمود: فشار و بسیاری خون است، و دستور حجامت می‌داد. ... پیامبر (ص) فرمود: حجامت کنید که خون گاه بجنبش و جوشش آید و آدمی را بکشد. ... حضرت رضا (ع) هر گاه خونش زیاد می‌شد و بجنبش می‌آمد (گر چه) در دل شب بود حجامت می‌فرمود. حضرت صادق (ع) فرمود: روزه‌دار در غیر ماه رمضان هر وقت بخواهد حجامت کند، ولی در ماه رمضان در شب حجامت کند و حجامت ما در یک شبانه است و حجامت

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۴۰

دوستان و موالیان، ما در دوشنبه میباشد. و نیز می‌فرمود: از حجامت با شکم خالی بپرهیزید. و فرمود: با شکم پر بحمام مرو، و قبل از آنکه چیزی بخوری حجامت مکن، که حجامت بعد از غذا برای رگها سودمندتر است و بیرون آمدن خون را آسانتر می‌کند، و بدن را نیروی بیشتر می‌دهد. حضرت موسی بن جعفر (ع) فرمود: حجامت پس از غذا باشد که وقت سیری حجامت کردن سبب می‌شود که خون در محل حجامت جمع شود، و درد را از بدن بیرون میکشد، و حجامت قبل از غذا خون را بیرون میکشد و بیماری را باقی نگه

میدارد. زید شحام گوید: نزد حضرت صادق (ع) بودم که حجامتگر خواست و باو دستور داد تا ابزار حجامت را بشوید و بعد انار خواست و میل فرمود، و پس از حجامت انار دیگری میل کرد، و فرمود وقتی حجامت میکنی و خون از جای حجامت بیرون زد، قبل از تمام شدن حجامت بهنگام روان بودن خون بگو: (بسم الله الرحمن الرحيم -

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۴۱

در این حجامت از چشم زخم و هر بدی بخداوند کریم پناه میبرم) که با این همه دعا همه چیز را بدست می آوری که خداوند در قرآن میفرماید (اگر از غیب خبر می داشتیم بر خیرها میافزودم، و هیچ بدی را بخود راه نمیدادم). ابی بصیر گوید: حضرت باقر (ع) پرسید پس از حجامت چه میخورید؟ گفتم کاسنی و سرکه، فرمود اشکالی ندارد. روایت شده که حضرت صادق (ع) حجامت کرد و بکنیز خود فرمود قند بیاور و بعد فرمود قند پس از حجامت فشار خون را بر طرف میکند و به نیروی بدن می افزاید. پیغمبر (ص) فرمود: هر کس می خواهد حجامت کند روز شنبه حجامت کند. و حضرت صادق (ع) فرمود: حجامت در یک شنبه شفاء هر دردی است. و نیز حضرت به عده ای می گذشت که حجامت می کردند، فرمود چرا به شب یک شنبه نیانداختید؟! که درد را بهتر بر طرف می کند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۴۲

و فرمود: پیغمبر (ص) روز دوشنبه، پس از عصر حجامت می کرد. پیغمبر (ص) فرمود: هر کس روز شنبه هفدهم یا نوزدهم یا بیست و یکم حجامت کند از درد و بیماری آن سال شفا یابد. و نیز فرمود: در پانزدهم یا هفدهم یا بیست و یکم حجامت کنید که به فشار خون مبتلی نشوید که موجب مرگ شما بشود. و نیز حضرت از حجامت در چهارشنبه وقتی که خورشید در برج عقرب باشد نهی فرمود. علی (ع) فرمود: پیغمبر (ص) فرموده هر کس روز چهارشنبه حجامت کند، و گرفتار پیسی شود، ملامت نکند مگر خود را. پیغمبر (ص) فرمود: جبرئیل نهی از حجامت در چهارشنبه را برای من آورد، و گفت: که چهارشنبه روز نحس است. حضرت صادق (ع) فرمود: هر کس در پنجشنبه آخر ماه در آخر روز حجامت

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۴۳

کند، بیماری به او هجوم کند. و نیز فرمود: خون در روز پنجشنبه در جای حجامت جمع می شود، و چون خورشید غروب کند، دوباره در بدن پخش میگردد، پس قبل از غروب حجامت کن. مفضل گوید: روز جمعه بر حضرت صادق (ع) وارد شدم، و امام (ع) مشغول حجامت بود، فرمود: آیا آیه الکرسی نمی خوانی؟ و از حجامت در ظهر روز جمعه نهی فرمود. حضرت موسی بن جعفر (ع) فرمود: حجامت را در هفتم حزیران ترک نکن (حزیران یکی از ماههای رومی است که با اول تابستان مصادف است) و اگر نتوانستی در چهاردهم انجام ده. حضرت صادق (ع) فرمود: آیه الکرسی بخوان، و در هر وقت که میخواهی حجامت کن. شعیب گوید: روز چهارشنبه بر حضرت موسی بن جعفر (ع) وارد شدم، و حضرت مشغول حجامت بود (و در حبس بود)، عرضه داشتیم: این روزی است که مردم میگویند هر کس در آن حجامت کند جز خود کسی را ملامت ننماید، فرمود:

کسی از این امر بترسد که مادر در حیض باو حامله شده باشد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۴۴

حضرت صادق (ع) فرمود: هر کس خون او به هیجان آید (فشار خون گیرد) حجامت کند، او را نخواهد کشت، و چون خواهد حجامت کند در آخر روز حجامت نماید. پیغمبر (ص) فرمود: حجامت ناشتا و با شکم خالی دارو در حال سیری بیماری است.

و در هفتم و دهم ماه شفا است، و در روز سه شنبه موجب صحت بدن است، و جبرئیل چندان مرا به حجامت سفارش کرد که گمان کردم حجامت واجب است. و امام صادق (ع) فرمود: حجامت در سه شنبه هفدهم دوازدهم آن سال خواهد بود. و نیز فرمود: حجامت در یکشنبه شفا است. و نیز فرمود: حجامت در سر شفا هفت بیماری است: دیوانگی، خوره، پیسی، چرت، و بیحالی، درد دندان، تاریکی چشم، درد سر. و نیز فرمود: حجامت در گودی پشت سر فراموشی می آورد. و نیز فرمود: حجامت عقل را زیاد می کند و بر حافظه می افزاید. و حضرت موسی بن جعفر (ع) فرمود: پیامبر (ص) در سر و بین دو کتف و در پشت گردن حجامت می کرد و اولی را نافع و سودمند و دومی را مغیثه (فریادرس

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۴۵

در بیماری)، و سومی را منقذه (نجات دهنده)، نام نهاد. و در حدیث دیگر حجامت سر را منقذه و حجامت در پشت گردن را مغیثه و حجامت در شانه را نافع خواند. حضرت صادق (ع) فرمود: پیامبر به سر خود اشاره کرد و فرمود: بر شما باد به مغیثه که شما را از جنون و جذام و پیسی و خارش و درد دندان نکه می دارد. و نیز فرمود: چون کودک چهار ماهه شود ماهی یک بار حجامتش کنید که رطوبت دهان را تخفیف می دهد و گرمزدگی را از سر و بدن او می برد. پیامبر (ص) فرمود: بیماری سه تاست و دارو نیز سه تاست: بیماری از صفرا و بلغم و خون است، داروی خون حجامت است، و داروی صفرا پیاده روی، و داروی بلغم حمام می باشد. حضرت باقر (ع): پزشکی خواست و از رگ کف دست خون گرفت. محسن و شاء گوید: به حضرت صادق (ع) از بیماری کبد شکایت کردم، حضرت رگزنی را خواست و پایم را فصد کرد (رگ زد) و بعد فرمود برای بیماری و درد پا

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۴۶

و خاصره انجدان رومی بخورید. مردی به حضرت صادق (ع) از خارش شکایت کرد. فرمود: سه بار در دو پا بین عرقوب (رگ و عصب بر آمده پشت پا) و غزوک پا حجامت کند. مرد این کار را انجام داد، و درد او بر طرف شد. دیگری شکایت کرد، حضرت فرمود: در یکی از پاشنه ها و یا یکی از پاها سه بار حجامت کن، ان شاء الله شفا خواهی یافت. شخصی از بسیاری جرب به حضرت موسی بن جعفر (ع) شکایت برد، حضرت فرمود: از بخار کبد است برو و پای راست را رگ بزنی، و دو درهم روغن بادام شیرین را بر آب کشک بریز (و آن را بر زخمها ضمد کن) و از خوردن ماهی و سرکه اجتناب کن، آن مرد باین دستور عمل کرد، و بخواست خدا شفا یافت. مفضل گوید: به حضرت صادق (ع) از جرب و حرارت شکایت کردم، حضرت فرمود: رگ اکحل (رگی است در بازوی راست) را فصد کن و من چنین کردم و بحمد الله بیماری من بر طرف شد. و مردی به حضرت صادق (ع) از خارش شکایت برد، حضرت فرمود: دوا خورده ای؟

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۴۷

گفت: آری، فرمود: رگ زده ای؟ گفت آری، ولی سودمند نیفتاد، حضرت فرمود در دو پای خود رویهم سه شاخ حجامت کن، در بین عرقوب و غزوک، مرد چنین کرد و شفا یافت.

باب پنجم در خضاب و زینت، انگشتر، و متعلقات آنها

در ۶ فصل:

فصل اول در ترغیب نمودن به خضاب و فضیلت آن

پیغمبر (ص) فرمود: حنا ببندید که چشم را روشنی می‌دهد، و موی را میرویانند

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۴۸

و بو را خوش می‌کند، و همسر را آرامش می‌دهد. حضرت صادق (ع) فرمود: حنا بوی بدن را می‌برد، و آبرو را زیاد می‌کند، و دهان را خوشبو می‌نماید، و فرزند را نیکو می‌سازد. امیر مؤمنان (ع) فرمود: خضاب و رنگ بستن هدیه محمد (ص) است، و از سنت می‌باشد. حضرت صادق (ع) فرمود: هر گونه خضاب بکار بری بی‌اشکال است. و مردی بر پیغمبر (ص) وارد شد که ریشهایش زرد شده بود، پیغمبر (ص) فرمود: این چه قشنگ است، روزی دیگر آمد که ریشها را با حنا سرخ کرده بود، پیغمبر (ص) تبسم کرد، و فرمود: این گونه قشنگتر است، روز دیگری آمد، و ریشها را سیاه نموده بود، پیغمبر (ص) خندید، و فرمود: این از آن هر دو بهتر است. پیغمبر (ص) فرمود: یا علی یک درهم برای خضاب خرج کردن، بهتر است از هزار درهم برای خدا در غیر خضاب صرف کردن، و در خضاب ۱۴ خصلت است: باد را از گوشها میبرد، و چشم را روشنی می‌بخشد، و بینی را نرم و باز می‌کند، و دهان

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۴۹

را خوشبو می‌سازد، و لثه‌ها را محکم می‌نماید، و بوی بد را از بدن میبرد، و وسوسه شیطان را تقلیل می‌دهد، و فرشتگان را خوشحال می‌کند، و مؤمن را خوشنود و کافر را خشمناک می‌نماید، و خضاب زینت و بوی خوشی است که نکیر و منکر از آن خجالت می‌کشند، و موجب برائت انسان در قبر می‌گردد. پیغمبر (ص) فرمود: محبوبترین خضابها نزد خدا رنگ مشکلی است. ذروان مدائنی گوید: بر حضرت امام هادی (ع) وارد شدم که تازه خضاب بسته بود، عرض کردم جانم فدای شما! خضاب کرده‌اید؟ فرمود: آری خضاب را پاداش زیاد است، نمیدانی که آراستن مرد بر عفت زنان می‌افزاید (مرد چون خود را تمیز و زیبا بسازد همسرش بدیگری رغبت نمی‌کند)، آیا تو دوست داری وقتی بخانه میروی همسر خود را ژولیده و ناآراسته ببینی؟ گفتم: نه فرمود ... زن نیز چنین است. سلیمان بن داود هزار زن در کاخ خود داشت که ۳۰۰ تن عقدی و بقیه کنیز بودند، و در هر شبانه روز بآنها سر میزد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۵۰

فصل دوم خضاب کردن با رنگ سیاه

حضرت صادق (ع) فرمود: مردی بخدمت پیغمبر در آمد، حضرت به سپیدی‌های ریش او نگاه کرده فرمود نوری است که هر کس در اسلام مویش سپید شود، آن سپیدی در قیامت برای او نور خواهد بود، آن مرد با حنا خضاب کرد، و نزد پیغمبر (ص) آمد، حضرت چون او را دید، فرمود: این رنگ و خضاب نور است در اسلام، مرد رنگ سیاه بست، حضرت فرمود: نور و اسلام و ایمان است و هم موجب محبت زنان خود و ترس دشمنان خویش می‌باشد. حسن بن جهم گوید: بر حضرت امام هفتم وارد شدم که رنگ سیاه بسته بود، عرض کردم: فدایت شوم، رنگ سیاه بسته‌اید؟ فرمود: در خضاب پاداشی است، خضاب و خودآرائی بر عفت زنان می‌افزاید، که زنان عفت خود را از آن رها می‌کنند که شوهرانشان خود را نمی‌آرایند و ژولیده و کثیف می‌مانند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۵۱

حضرت حسین (ع) با وسمه خضاب می کرد و سر را می بست، و دستمالی که بر سر می بست نزد ماست. امام ششم (ع) فرمود: رنگ سیاه بستن مهابت برای دشمنان، و انس نزد زنان می باشد. حضرت باقر (ع) می فرماید: جمعی بر علی بن الحسین (ع) وارد شدند و دیدند که رنگ سیاه بسته، علت پرسیدند؟ حضرت دست به ریشهای خود کشید و فرمود:

پیغمبر (ص) در یکی از غزوه ها باصحاب خود امر کرد که رنگ سیاه ببندند تا در برابر مشرکین نیرومند بنظر آیند. حضرت باقر (ع) فرمود: زنها دوست دارند همان طور مردان خود را آراسته ببینند که مرد دوست دارد زن خود را.

فصل سوم خضاب با حنا و وسمه (برگ نیل) و زردی و رنگ بستن بدست برای زنان

حلبی گوید: از حضرت صادق (ع) پرسیدم رنگ بستن موی چون است؟ فرمود:

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۵۲

پیغمبر (ص) و حسین (ع) و حضرت باقر (ع) با وسمه (گیاهی است که برای رنگ موی بکار رود از برگ نیل) رنگ می بستند. معاویه بن عمار گوید: حضرت باقر (ع) را دیدم که بحناء رنگ بسته بود. ابی الصباح گوید: اثر حناء را در دستان حضرت باقر (ع) دیدم. حضرت صادق (ع)، ریشهای خود را با خطمی و حنا رنگ میکرد، و می فرمود:

حناء پیری را میبرد و به آبرو و رونق انسان می افزاید. حسن بن زیات گوید: مردی بصری با من مجالست داشت، و همواره با او بودم تا به تشیع گرایید. من وصف او را برای حضرت باقر (ع) می نمودم، و به مکه رفتیم، چون مناسک را بانجام رسانیدیم، به مدینه رفتیم، و از امام (ع) اجازه ورود خواستیم، اجازه داد. وارد شدیم. اطافی آراسته دیدیم، و حضرت لباسی خوشرنگ پوشیده بود، حنا بسته و سرمه کشیده و محاسن را اصلاح نموده، رفیق من همچنان به امام و اطاف نظر می کرد، چون برخاستیم، حضرت فرمود: حسن، چون ان شاء الله فردا شود با رفیقت نزد ما آیی، فردا به رفیقم گفتم، برویم بخانه امام (ع). مرد گفت تو برو و مرا رها کن، گفتم مگر هر دوی ما را دعوت نکرد؟ و چندان اصرار کردم که قبول کرد، و چون بر حضرت وارد شدیم در خانه امام (ع) جز ریگ و شن چیزی نبود، و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۵۳

حضرت با جامه ای کهنه و خشن نزد ما آمد و فرمود: خانه ای را که دیروز دیدید و به آن وارد شدید خانه من نبود بلکه خانه همسرم بود، و دیروز من متعلق به او بود و من خود و خانه را بخاطر او آراسته بودم و بر من است که خود را برای او بیاریم، چنان که او خود را برای من، و خانه من اینست. ای برادر بصری در دل تو تردید نباشد.

مرد گفت جانم فدایت قبلا تردیدی آمد ولی اکنون خدا آن را بر طرف کرد. اسماعیل بن یوشع گوید: بحضرت رضا (ع) گفتم: دختری است که حیض او بند آمده، فرمود سرش را با حنا خضاب کن بزودی باز خواهد شد، من چنین کردم و حائض گشت. حضرت موسی بن جعفر (ع) فرمود: در خضاب سه خصلت است: هیبت بهنگام جنگ، و محبوب شدن نزد زنان، و افزودن بر قوه باه.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۵۴

حسن بن جهم گوید: بحضرت رضا (ع) عرض کردم: خضاب فرموده اید؟ فرمود:

آری با حنا و (کتم نیل) ۱، مگر نمیدانی که این کار سودی فراوان دارد که زن دوست دارد در تو همان زینت را ببیند که دوست داری تو در او ببینی، و زنانی از عفت بیرون شدند و فاسد گشتند و چنین نشدند مگر بواسطه کم توجهی شوهرانشان به آرایش خود. حضرت رضا (ع) فرمود: پدرم از پدرانش (ع) خبر داد که زنان یهود از عفت بیرون رفتند و به فساد کشیده شدند، و چنین نشدند مگر به کم توجهی شوهران به آرایش و نظافت خود. و نیز فرمود: زن از تو همان را میل دارد که تو از او میل داری. حضرت صادق (ع) فرمود: خضاب سر و ریش سنت است. حسن بن زیات گوید: بر حضرت موسی بن جعفر (ع) داخل شدم، در حالی که خانه اش آراسته بود، فردا بر او وارد شدم، وی در خانه ای بود که جز شن چیزی در آن نبود، و حضرت آمد و پیراهنی خشن بتن داشت، و فرمود: خانه ای که دیروز دیدی اطاق من نبود، بلکه خانه همسرم بود که دیروز روز او بود (و وقت من مربوط باو).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۵۵

امام (ع) فرمود: زن نباید دست خود را بدون خضاب نگهدارد، گر چه فقط دست خود را به حنا بمالد و اگر چه مسن باشد. پیغمبر (ص) فرمود: حنا سید گل‌های بهشت است، کسی که خضاب بسته به حنا بخوابد، چنانست که در راه خدا بخون غلطیده. پیغمبر (ص) فرمود: حنا خضاب اسلام است، مؤمن را زینت می‌بخشد، و درد سر را میبرد، و نور چشم را می‌افزاید، و نیروی آمیزش را زیاد می‌کند، و مثل ثواب را ده برابر میکند، و یک درهم را ۷۰۰ برابر میکند. پیغمبر (ص) فرمود: بر شما باد به بهترین خضابها، که به نیروی آمیزش می‌افزاید، و پوست را طراوت می‌بخشاید، و فرمود: بهترین چیزها برای رنگ موی سپید، حنا و کتم (برگ نیل) است. پیغمبر (ص) فرمود: بحنا خضاب کنید که به جوانی و زیبایی و قوه نکاح و طراوت و زیبایی چهره شما می‌افزاید، و خداوند شما بر ملائکه مباحث می‌نماید، و یک درهم در راه خدا ۷۰۰ برابر، و یکدرهم برای خضاب هفت هزار برابر میباشد،

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۵۶

و چون یکی از شما بقبر مدفون شود و دو ملک (نکیر و منکر) بر او در آیند و به خضابش نظر افکنند بهمیدگر گویند: بیرون رویم که بر این راهی نداریم. پیغمبر (ص) به زن اجازه داده که سر را به رنگ سیاه خضاب کند، و زنان را به خضاب کردن (دستها) امر فرمود، - چه شوهردار و چه بی‌شوهر، - که شوهر دار برای شوهر زینت می‌کند، و دیگری دستش شبیه دست مردان نخواهد بود. حضرت صادق (ع) فرمود: زن زائو خضاب کند. و حضرت صادق (ع) فرمود: علی (ع) از ریختن موی باطراف سر و یا جمع کردن آن وسط سر و ریختن موی پیشانی نهی فرمود، و از نقش کردن روی بدن با رنگ نهی فرمود.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۵۷

فصل چهارم (در کراهت خضاب برای جنب و حائض، و آنچه در باره ترک خضاب آمده و کراهت وصل مو)

در کراهت خضاب

حضرت رضا (ع) فرمود: مکروه است که انسان در حال جنابت خضاب کند. و فرمود: هر کس در جنابت خضاب کند یا در حال خضاب جنب شود از بدی شیطان در امان نیست. حضرت صادق (ع) فرمود: در حال جنابت خضاب مکن، و در حال خضاب نیز جنب مشو، و در حال حیض نیز نزدیکی منما، که شیطان در آن حال نزد زن حاضر است، ولی برای زائو این کار اشکالی ندارد. حضرت موسی بن جعفر (ع) فرمود: زن در حال حیض خضاب نکند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۵۸

حنّان بن سدیر از پدرش گوید: من و پدرم و جدم و عمویم بحمام مدینه رفتیم، مردی در رخت کن حمام بود. فرمود: شما از کجائید؟ گفتیم: از عراق، فرمود: از کجای عراق؟ گفتیم از کوفه، فرمود مرحبا به شما ای مردم کوفه، شما جامه زیرین (ما) هستید (یعنی اصحاب سرّ و نزدیک مایید)، بعد فرمود: چرا لنگ نمی بندید؟

پیغمبر (ص) فرمود: دیدن عورت مسلمان بر مسلمان حرام است. عمویم فرستاد مقداری کرباس آوردند و آن را ۴ قسمت کرد و هر کدام قسمتی را برداشته و بکمر بستیم و به اندرون حمام رفتیم، در گرمخانه حمام باز (آقا) متوجه جدم شد و فرمود:

ای پیرمرد چرا خضاب نمیکنی؟ جدم جواب داد: من کسی را که از من و تو بهتر بود دیدار کردم که خضاب نمی کرد، (آقا) چنان خشمگین شد که آثار خشم را در او دریافتیم، و فرمود: آن کس که از من و تو بهتر است کیست؟ گفت: علی (ع) را دیدم که خضاب نمی کرد. آقا سرش را بزیر انداخت و فرمود: راست گفتی و نیکو گفتی، بعد فرمود: ای پیرمرد اگر خضاب کنی پیغمبر (ص) خضاب می کرد و او از علی (ع) بهتر بود، و اگر نکنی به علی (ع) تاسی کرده ای، چون از حمام بیرون آمدیم پرسیدیم

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۵۹

این بزرگمرد که بود؟ معلوم شد زین العابدین (ع) است که پسرش محمد (امام باقر، ع) با او بود. سلیمان بن هارون گوید: از حضرت صادق (ع) پرسیدم آیا پیغمبر (ص) خضاب می نمود؟ فرمود: آری. گفتم علی (ع) خضاب می کرد؟ فرمود: نه، ولی پدرم و جدم خضاب می کردند اگر خضاب کنی خوب است و اگر نکنی نیز خوب است. حضرت باقر (ع) فرمود: پیغمبر (ص) خضاب می نمود، و اینک موی (خضاب شده) او در نزد ماست. حفص گوید، به حضرت صادق (ع) عرضه داشتم: که شما در باره خضاب سر و ریش چه می فرمایید؟ فرمودند: سنت است، عرض کردم: حضرت امیر مؤمنان (ع) خضاب نمی کرد، فرمود: این خبر و گفتار پیغمبر به او (که محاسنت به خون سرت خضاب می شود) او را از خضاب باز می داشت

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۶۰

زدن موی دیگران به سر مکروه است

سلیمان بن خالد گوید: به امام (ع) عرضه داشتم: زن بر سر خود موی مصنوعی می نهد، آیا جایز است؟ فرمود: اگر از موی خودش یا از پشم باشد مانعی ندارد ولی از موی دیگری مکروه است. از عمار ساباطی، به حضرت صادق (ع) گفتم میگویند پیغمبر (ص) واصله (وصل کننده) و موصوله (وصل شونده) را لعنت فرموده؟ حضرت فرمود: آری. گفتم مراد کسی است که آرایشگری میکند و بر سر زلف مصنوعی می گذارد؟ فرمود: نه، این کار اشکالی ندارد. گفتم پس واصله و موصوله کیست؟ فرمود مراد زن دلاله و زن همه جایی است. ابی بصیر گوید: از امام در باره کوتاه کردن موی جلوی سر، و زلف مصنوعی و این گونه چیزها که زن برای شوهر انجام میدهد پرسیدم؟ فرمود هیچ کدام اشکالی ندارد. (یونس در تفسیر این روایت گوید: مراد آن زلف مصنوعی است که از پشم باشد، ولی موی دیگری را نباید بسر گذارد که مردار بشمار می رود).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۶۱

از حضرت صادق (ع): زن وقت حیض نباید موی خود را بیاراید، و آن را جلوی سر جمع کند.

فصل پنجم (در انگشتر و آنچه بآن مربوط است)

در انواع انگشترها و کراحت آن

از موسی بن جعفر (ع): انگشتر حضرت صادق را قیمت کردند، و پدرم آن را به هفت سکه خرید، راوی گوید: پرسیدم به هفت درهم؟ فرمود نه هفت دینار (طلا). عبد الله بن سنان گوید: از حضرت صادق (ع) در باره انگشتر پیغمبر اکرم (ص) پرسیدم که از چه بود؟ فرمود: از نقره. یکی از راویان از حضرت صادق (ع) پرسید: انگشتر پیغمبر (ص) از چه بود؟ فرمودند: از نقره بود، که بر آن نوشته شده بود: (

محمد رسول الله

.) پرسیدم نگین

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۶۲

داشت؟ فرمود: نه. از حضرت صادق (ع)، پیغمبر اکرم فرمود: خداوند دستی را که در آن انگشتری از آهن باشد پاکیزه نخواهد کرد. حضرت صادق (ع) از قول آباء و اجداد گرامیش نقل میکند که پیغمبر (ص) ما را به هفت چیز امر کرد و از هفت چیز نهی فرمود: از انگشتر طلا، و نوشیدن از ظرف طلا و نقره، و از نشستن بر زین که از ابریشم سرخ باشد، و از لباس قرمز شدید، و از پوشیدن لباس ابریشمین. و نیز امر فرمود: به عیادت بیمار و تشییع جنازه، و بلند سلام کردن، و مظلوم را یاری نمودن، و دعوت دیگران را پذیرفتن، و بر قسم عمل نمودن، و به کسی که عطسه می کند دعا گفتن به (یرحمک الله: یعنی خدا بر تو رحمت فرستد). حضرت صادق (ع) میفرماید: پیغمبر (ص) به علی فرمود: که از انگشتر طلا بپرهیز که طلا زینت بهشت است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۶۳

علی (ع)، میفرماید: پیغمبر (ص) مرا از انگشتر طلا نهی کرد و نمی گویم که شما را نیز نهی فرمود. داود بن سرحان گوید: از حضرت صادق (ع) در باره زینت کردن کودکان به طلا پرسیدم فرمودند: پدرم زنان و کودکان را به طلا و نقره زینت میکرد و مانعی ندارد. حضرت باقر (ع) از اجدادش نقل میکند که پیغمبر اکرم (ص) انگشتری از طلا بدست می کرد و مردم بدان خیره خیره نگاه می کردند، پیغمبر (ص) دستش را بین زانوها نهاد (و انگشتر را پنهان داشت) و چون بمنزل برگشت آن را بیرون آورد «۱». موسی بن جعفر (ع)، میفرماید که پدرش حضرت صادق (ع) از نگین بجادی (بجاد اسم جایی است) نهی فرمود، و فرمود که: زید بن علی بن الحسین در روز کشته شدن نگین بجادی بدست داشت. روایت شده که امیر مؤمنان (ع) چهار انگشتر بدست داشت: انگشتری که نگین آن از یاقوت سرخ بود بواسطه شرافت آن بدست می کرد، و انگشتری با نگین عقیق سرخ برای حرز و محفوظ ماندن بدست می نمود، و انگشتری با نگین

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۶۴

فیروزه، برای پیروزی، و انگشتری با نگین آهن چینی برای قوت بانگشت می فرمود:

و شیعیان را از انگشتر آهنین نهی می کرد. و آن حضرت در وصیت به اصحاب خود فرمود: هر کس در نگین انگشترش نقشی دارد که در آن اسماء الهی است از دستی که استنجا می کند به دست دیگر انتقال دهد. پیغمبر (ص) فرمود: انگشتر عقیق به دست کنید که تا

زمانی که آن را بدست دارید اندوهی بشما نخواهد رسید. و نیز فرمود: انگشتر عقیق بدست کنید که جبرئیل از بهشت برایم انگشتر عقیق آورد و گفت: محمد! انگشتر عقیق بدست کن و امت خود را نیز امر کن که عقیق بدست کنند.

انواع نگین برای انگشتر

حسین بن عبد الله گوید: از امام (ع) پرسیدم که آیا جایز است نگین انگشتر از سنگ زمزم باشد؟ فرمود: آری ولی بهنگام وضوء از دست بیرون کند (مراد مقدمه وضوء) یعنی وقت حدث و مستراح رفتن است یعنی دست بی وضوء بآن ننماید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۶۵

احمد بن محمد گوید: امام (ع) را دیدم که انگشتری عقیق بدست کرده انگشتر خود را از دست در آورده بمن داد و فرمود این انگشتر چگونه است؟ من آن را واری کردم، گفتم: بسیار عالی است: فرمود از آنگاه که این انگشتر را به انگشت کردم از خداوند نعمت فراوان بمن رسیده، آن را دوست میدارم و به وقت وضوء از دست در می آورم، و شبی مشغول طواف بودم آن را از انگشت در آوردم، و بدست گرفتم، ولی انگشتر از دستم افتاد، بدنبالش می گشتم که کسی از راه رسید و گفت پی چه می گردی؟ گفتم: انگشترم از دستم افتاده مرد دست بزمین برد و گفت:

اینجاست بگیرد و انگشتر را بمن داد. پیغمبر (ص) فرمود: انگشتر یاقوت بدست کردن فقر را می برد و هر کس عقیق بدست کند امید است که عاقبت بخیر باشد (در عاقبت و نیکبختی باشد). معاذ از امیر مؤمنان (ع) روایت می کند که فرمود: هر کس انگشتر عقیق بدست کند خداوند عاقبت او را با امن و ایمان قرین سازد. حضرت صادق (ع) فرمود: انگشتر عقیق بدست کنید که عقیق اول کوهی است که به خداوندی خدا و نبوت محمد (ص) و وصایت علی (ع) اقرار کرده، و آن کوهی است

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۶۶

که خداوند بر آن با موسی سخن گفت. و هر کس با انگشتر عقیق نماز کند نمازش چهل برابر از کسانی که از چیزهای دیگر انگشتر بدست کرده اند برتر است. «۱» سلیمان اعمش گوید: با حضرت صادق (ع) بر در خانه منصور بودیم، مردی شلاق خورده از در بیرون آمد. حضرت فرمود: یا سلیمان به نگین انگشترش نگاه کن، گفتم یا ابن رسول الله نگین غیر عقیق است. فرمود: سلیمان اگر عقیق بود تازیانه نمی خورد، گفتم یا ابن رسول الله بیشتر توضیح دهید، فرمود: عقیق امان است از بریده شدن دست، گفتم بیشتر بفرمایید، فرمود: امان است از کشته شدن، گفتم: بیشتر بفرمایید؟ فرمود:

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۶۷

خداوند دوست دارد که بهنگام دعا دستی بسوی او بالا رود که انگشتر عقیق داشته باشد، گفتم: بیشتر بفرمایید، فرمود: خیلی جای شگفت است که دستی انگشتر عقیق داشته باشد و از پول خالی بماند، عرض کردم بیشتر؟ فرمود: عقیق حرز و نگهدار از هر بلا است. عرض کردم بیشتر؟ فرمود: امان از فقر است، گفتم یا ابن رسول الله (ص) اجازه میفرمایید که این حدیث را از قول جد شما حسین (ع) از امیر مؤمنان (ع) نقل کنم؟

فرمود: آری. حضرت صادق میفرمود: هر کس انگشتر عقیق بدست کند فقیر نشود، و جز خوبی نبیند و عاقبت به خیر شود. علی (ع) فرمود: انگشتر عقیق بدست کنید که بر شما مبارک خواهد بود، و از هر بلا در امان خواهید ماند. حضرت صادق گوید: مردی به پیغمبر

اکرم (ص) شکایت کرد که گرفتار راهزن شده‌ام، حضرت فرمود: مگر انگشتر عقیق بدست نداشتی؟ که از بلا نگهداری میکند. حضرت باقر (ع) فرمود: هر کس انگشتر عقیق بدست کند، تا وقتی که آن را بدست دارد به نیکی می‌نگرد، و همواره از طرف خدا نگهبان او خواهد بود. فرماندار سراغ یکی از فرزندان خاندان علی (ع) فرستاد، حضرت صادق (ع)

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۶۸

فهمید و فرمود: انگشتری عقیق بدنبالش بفرستید، چنین کردند و باو هیچ رنجی نرسید عبد المؤمن انصاری گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرماید: دستی که انگشتر فیروزه بدست داشته باشد، فقیر نگردد. علی بن مهزیار گوید: بر حضرت موسی بن جعفر (ع) وارد شدم و انگشتری فیروزه بدستش دیدم که نقش آن بود: (اللّٰه الملك) همچنان بنگاه خود ادامه دادم. حضرت فرمود: چرا آن قدر نگاه می‌کنی؟ این سنگی است که جبرئیل از بهشت برای پیغمبر (ص) هدیه آورد، و پیغمبر (ص) آن را به علی (ع) بخشید و میدانی اسمش چیست؟ گفتم فیروزه است. فرمود این اسم فارسی آن است میدانی اسم عربی آن چیست؟ گفتم نه، فرمود: ظفر است. امیر مؤمنان (ع) فرمود: انگشتر جزع یمانی «۱» بدست کنید، که کید شیاطین گردنکش را از شما می‌گرداند. حضرت صادق (ع) فرمود: بلور خوب نگینی است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۶۹

... پیغمبر (ص) فرمود: انگشتر زبرجد بدست کنید که نوعی راحتی است که در آن سختی وجود ندارد. و نیز فرمود (ص): انگشتر زمرد فقر را بر طرف می‌کند. و نیز فرمود: هر کس انگشتر یاقوت زرد بدست کند فقیر نشود.

در نقش انگشتر

حضرت صادق (ع) فرمود: نقش نگین پیغمبر (ص) چنین بود: (

محمد رسول الله

) و نقش انگشتر علی (ع) بود

(الله الملك)

، و نقش انگشتر حضرت باقر (ع) بود:

(العزة لله)

. صفوان گوید: انگشتر حضرت صادق (ع) را برای ما آوردند و نقش آن بود:

«انت ثقتی فاعصمني من خلقک»

یعنی: تو تکیه‌گاه منی پس از خلق خودت نگه‌م بدار. ابراهیم بن عبد الحمید مثل این حدیث را نقل کرده و گوید: انگشتر حضرت ابو الحسن را برای ما آوردند نقش آن بود:

(حسبی الله)

و در پایین نوشته شکل گلی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۷۰

و در بالای آن هلال نقش شده بود. از حضرت صادق (ع) است که: نقش انگشتر علی (ع) بود:

(نعم القادر بالله)

. حسین بن خالد گوید به حضرت رضا (ع) گفتیم: برای ما روایت شده که نقش انگشتر پیغمبر (ص) بود:

محمد رسول الله

؟ فرمود: راست گفته‌اند، بعد فرمود میدانی نقش انگشتر آدم (ع) چه بود؟ گفتیم: نه، فرمود نقش آن بود:

(لا اله الا الله محمد رسول الله، علی ولی الله)

، و فرمود: خداوند به نوح وحی کرد چون با همراهانت در کشتی قرار گرفتید، هزار بار (

لا اله الا الله

(بگو، بعد حاجت خود را از من بخواه، چون نوح بکشتی در آمد و بادبان برافراشت، باد بر آن وزید و چون کشتی بطلاطم در آمد نوح کشتی را از غرق شدن در امان ندانست، گفت: می‌ترسم قبل از پایان یافتن هزار بار تهلیل کشتی غرق شود، پس امر خدا را باختصار برگزار کرد و هزار بار گفت:

(هو هو هو)

و به سریانی گفت:

«یا باری اتقن»

(و در بعض نسخه‌ها است که گفت:

«هلولیا الفا الفای مار یا اتقن»

پس کشتی آرام شد، نوح گفت که کلامی که موجب نجات من و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۷۱

همراهانم شد شایسته است که آن را نقش انگشترم سازم که از من جدا نشود. حسین بن خالد گوید: بحضرت عرضه داشتم، تفسیر کلام نوح چیست؟ فرمود تفسیر آن به عربی می‌شود (

لا اله الا الله

هزار بار، ای خدا کار مرا باصلاح آور).

و حضرت فرمود: نقش انگشتر ابراهیم شش حرف بود و آن را جبرئیل بهنگامی که ابراهیم را در منجنیقش نهاده بودند که بآتش افکنند برایش آورد، و گفت ای ابراهیم خداوندت سلام میرساند و گوید: آسوده خاطر باش که بر تو بیمی نباشد، و او را گفت که آن انگشتر بدست کند، پس خداوند آتش را برایش سرد و سلام کرد، و آن شش حرف بود: «

لا اله الا الله، محمد رسول الله توكلت على الله اسندت ظهري إلى الله فوضت امرى إلى الله، لا حول و لا قوة الا بالله
 «. و نقش نگین سلیمان (ع) بود:

«سبحان من الجم الجن بكلمته»

و نقش نگین موسی دو حرف بود که از توراۀ مشتق شده بود:

«اصبر توجر اصدق تنج»

و نقش نگین عیسی، دو حرف از انجیل بود:

«طوبی لعبد ذکر الله من اجله، و الویل لعبد نسی الله من أجله»

. از حضرت علی بن موسی الرضا (ع): نقش نگین پیغمبر (ص) بود: «

محمد رسول الله

«، و نقش نگین امیر مؤمنان (ع) بود:

«الله الملك»

و انگشتر حسن (ع) بود:

«العزة لله»

و از حضرت حسین (ع) بود:

«إِنَّ اللَّهَ بِالْغُ أَمْرِهِ»

و از حضرت علی بن الحسین (ع) مانند پدر

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۷۲

بود، و حضرت باقر (ع) (ابو جعفر کبیر) نیز انگشترش همانند جدش حسین (ع) بود، و انگشتر حضرت صادق (ع) بود:

«الله وليی و عصمتی من خلقه»

: خدا ولی و نگهبان من از خلق خود است». و انگشتر حضرت موسی بن جعفر (ع) بود:

«حسبی الله»

. و از حضرت رضا (ع) بود:

«ما شاء الله و لا قوة الا بالله»

. (و در این وقت) حضرت دستش را بسویم دراز کرد و فرمود انگشتر من همان انگشتر پدرم است، و انگشتر امام (ع) بود:

«حسبی الله حافظی»

. و انگشتر ابی جعفر ثانی چنین بود، و بر انگشتر ابی الحسن سوم (ع) (امام علی نقی، ع) بود:

«الله الملك».

عبد الله بن سنان گوید: از حضرت صادق (ع) در باره انگشتری که بر آن اسم الله باشد، پرسیدم که آیا مکروه است بدست باشد، و

انسان به مستراح رود و یا جنب باشد؟ فرمود: نقش انگشتر پیغمبر (ص) »

محمد رسول الله

« بود، و نقش خاتم علی (ع)

«الله الملك»

بود، و نقش انگشتر حضرت باقر (ع) (ابی جعفر)

«العزة لله»

بود، و انگشتر امیر مؤمنان که از آهن چینی و سپید و صیقلی بود و بر آن کلمات زیر در هفت خط نوشته شده بود، و در جنگ بهنگام

مشکلات بدست میکرد:

«اعدت لكل هول لا اله

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۷۳

آلا الله، و لكل كرب لا حول و لا قوة الا بالله، و لكل مصيبة نازلة حسبي الله، و لكل ذنب و كبيرة استغفر الله، و لكل هم و غم فادح ما

شاء الله، و لكل نعمة متجددة الحمد لله،

هر نعمتی که برای علی (ع) است از خداست». اسماعیل بن موسی گوید: انگشتر جد من حضرت باقر (ع) همه اش از نقره بود، و بر آن

نقش بود: «یا ثقتی قنی شرّ جمیع خلقک». و در میراث به پدرم ۵۰ دینار بیشتر از عبد الله بن جعفر رسید و پدرم آن را خرید. علی

(ع) فرمود: هر کس نقش انگشترش باشد: »

ما شاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله»

در آن ثوابی بس بزرگ خواهد بود. از حضرت باقر (ع): هر کس نقش انگشترش آیه‌ای از کتاب خدا باشد خداوندش بیامرزد، و نقش انگشتر قاسم را دیدم چنین بود:

«و ربک فکبر»

. از حضرت صادق (ع): نقش انگشتر پدرم حضرت باقر بود: «

ظنی بالله حسن و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۷۴

بالنبي المؤمن وبالوصی ذی المنن و بالحسین و الحسن

«محمد بن عیسی گوید: از موفق (از اصحاب و خواص امام هشتم و نهم) شنیدم که: ابی جعفر دوم (حضرت جواد (ع)) انگشترش را که بانگشت داشت بمن نمود، و فرمود: این انگشتر را می‌شناسی؟ گفتم آری نقش آن را میشناسم. ولی صورتش را نه، و همه آن نقره بود، و حلقه و نگینش گرد بود، و بر آن نوشته بود:

«حسبی الله»

و بر بالای آن نوشته هلال و زیر آن گل نقش کرده بودند، پرسیدم این انگشتر کیست؟ فرمود: از حضرت رضا (ع)، گفتم چگونه بدست شماست؟ فرمود: بهنگام وفات بمن داد، و فرمود: که از دست بیرون مکن مگر وقتی که به علی (حضرت هادی) پسر من دهی.

چگونه انگشتر بدست کنیم؟

بحر (یکی از اصحاب امام ششم (ع) گوید: از حضرت صادق (ع) راجع بدست راست کردن انگشتر پرسیدم و گفتم: من بنی هاشم را می‌بینم که همواره انگشتر را

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۷۵

بدست راست می‌کنند، فرمود: آری؛ پدرم انگشتر بدست راست می‌کرد، که از همه آنها فقیه‌تر و برتر بود. حسین بن خالد گوید: از حضرت رضا (ابی الحسن دوم) پرسیدم که برای ما روایت شده که پیغمبر (ص) در حالی که انگشتر بدست داشت استنجا می‌کرد و همچنین امیر مؤمنان (ع)، و نقش نگین پیغمبر (ص) بود: «

محمد رسول الله

«فرمود راست است، گفتم برای ما نیز این عمل جایز است؟ فرمود: نه، آنها انگشتر را بدست راست می‌کردند و شما بدست چپ می‌کنید، و بعد ساکت شد (و عاده استنجا با دست چپ است). از حضرت باقر (ع): علی و حسن و حسین (ع) انگشتر بدست چپ می‌کردند (این روایت به تقیه حمل می‌شود). از حضرت باقر (ع): حسنین (ع) انگشتر بدست چپ می‌کردند (این خبر نیز از تقیه است). از امام صادق (ع): پیغمبر (ص) می‌فرمود: امت من از اینکه انگشتر را به انگشت

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۷۶

وسط و سبابه کنند نهی شده‌اند.

در دعاء انگشتر بدست کردن

«خداوندا بر من علامت و هیأت ایمان گذار، و تاج بزرگواری بر فرقم نه، و ریسمان اسلام بر گردنم افکن، و بند اسلام از گردنم بر مدار.»

در نقش نگینی که برای هر دردی خوب است

در جمعه اول ماه رمضان بر انگشتر آهن چینی این صورت در دو سطر نقش شود:

(کعسلهون لا اهلا الا اول بالله لا انا الا الاتک یا الله)

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۷۷

فصل ششم در زینت و زیور زنان

از ابی جعفر (ع) فرمود: فاطمه (ع) سیده زنان بهشت است و مقنعه او تا اینجا بیشتر نبود و با دست تا وسط بازو را نشان داد. از امام ششم (ع): زن مسلمان را زینده نیست که روسری یا پیراهن بپوشد که بدن از زیر آن دیده شود. از امام پنجم (ع): برای زن مسلمان شایسته نیست که روسری و پیراهنی بپوشد که او را نپوشاند و بدن را مستور ندارد. محمد بن مسلم از امام (ع) در باره زیور زنان پرسید؟ فرمود: مانعی ندارد و زن نباید خود را رها کند، و بی‌زیور گذارد، اگر چه با گلوبندی باشد، و نباید دستش

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۷۸

بی‌خضاب باشد، گرچه به حنا بمالد و اگر چه مسن باشد.

در دستبندها

از امام پنجم (ع): پیغمبر (ص) بهنگام سفر به اهل خود سلام میکرد و آخرین نفر که از او جدا میشد و باو سلام میداد، فاطمه (ع) بود، و از خانه او سفر را شروع می‌نمود و در بازگشت بدیدار او آغاز مینمود. در یک سفر علی (ع) غنیمتی بدست آورد، و بفاطمه (ع) داد، حضرت دو دست بند بدست کرد و پرده‌ای بر در اطاق آویخت.

چون پیغمبر از سفر رسید به مسجد رفت و چنان که عادت داشت مانند همیشه به خانه فاطمه (ع) متوجه گشت، فاطمه (ع) از شادی و شوق دیدار پدر بسوی او رفت.

پیغمبر نگاه کرد و بر دست او دستبندها و بر در اطاق پرده را مشاهده کرد، پیغمبر همان جا بماند (و بخانه فاطمه (ع) داخل نشد) فاطمه (ع) گریان و اندوهناک گشت، و با خود گفت: که پدرم پیش از این، با من این گونه معامله نکرد، پس فرزندان خود را صدا زد، و پرده را از جلوی در برداشت، و دستبندها از دست در آورد، و به آن دو داد و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۷۹

فرمود: بنزد پدرم روید و سلام بوی ابلاغ کنید و بگویید: که پس از رفتن شما غیر از این‌ها چیزها بدست ما نرسیده، در هر راه می‌خواهید مصرف کنید. آن دو آمدند و پیام مادر رسانیدند، پیغمبر (ص) آنها را بوسید و هر یک را بر زانو نشانید. بعد دستور داد

دستبندها را شکستند و تکه تکه کردند، و اهل صفه را که جمعی از مهاجران بی خانه و بی مال بودند صدا زد و آنها را بین ایشان تقسیم فرمود، و بعد افرادی را که پوشش نداشتند و برهنه بودند صدا زد، و آن پارچه را که طولانی بود، به یکی از آنها داد تا به اندازه لنگی از آن بردارد و بقیه را بدیگری سپرد، تا آنکه جمعی را پوشید، و بزنان دستور داد که تا وقتی مردان سر از رکوع و سجده برنداشته‌اند سر بر ندارند، از آن رو که لنگ آنها کوتاه بود و از پشت سر عورتشان دیده می‌شد، و بعدا این امر سنت گشت که زنان زودتر از مردان سر از رکوع و سجده برندارند. سپس پیغمبر (ص) فرمود: خدا رحمت کند فاطمه (ع) را، خداوند با چنین پوششی از پوششهای بهشت او را بیوشاند، و با چنین دستبندهایی از بهشت زینتش بخشاید. از حضرت کاظم: پیغمبر (ص) بر دخترش فاطمه (ع) وارد شد، و او گلو بلندی بگردن داشت، پیامبر (ص) از وی روی بگردانید، فاطمه (ع) (از این رفتار پدر)

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۸۰

گلوبند از گردن بگرفت به کناری افکند، در نتیجه پیغمبر (ص) بوی فرمود: فاطمه تو از منی، بعد بینوایی بیامد و فاطمه (ع) گلوبند را بوی داد.

دندان طلا یا دندان دیگری را در دهان نهادن

حلبی گوید: از حضرت صادق (ع) در باره دندانهای پیشین پرسیدم که اگر بشکنند یا فاسد شود جایز است که با طلا روکش شود؟ و اگر بیفتد میتوان بجایش دندان گوسفند نهاد فرمود: آری پس از آنکه گوسفند تذکیه (ذبح شرعی) شود. عبد الله بن سنان گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم، مردی که دندانش می‌شکند یا خراب می‌شود، جایز است که با طلا روکش شود، و اگر بیفتد میتوان بجایش دندان گوسفند گذارد؟ فرمود: آری اگر بخواهد آن را بکشد و یا بجایش دندان گوسفند نهد بعد از تذکیه گوسفند. زراره گوید: پدرم از حضرت صادق (ع) پرسید که مردی دندانش می‌افتد، میتواند دندان انسان مرده‌ای جای آن نهد؟ فرمود: مانع ندارد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۸۱

باب ششم در لباس و مسکن، و آنچه مربوط باین دو است

و این باب ده فصل است:

(این باب جز اندکی که خواهم گفت از کتاب لباس گرفته شده)

فصل اول در آراستن خود به لباس و کیفیت لباس پوشیدن و دعا وقت پوشیدن در تجمل

از حضرت صادق (ع): ابن عباس چون امیر مؤمنان او را بسوی خوارج فرستاد، بهترین لباسش را پوشید، و عالیترین عطرها را بکار برد، و بر بهترین مرکبها نشست، و بسوی آنها براه افتاد، تا با آنان روبرو گشت، خوارج گفتند: تو بنظر ما بهترین مردمی، از چه رو با لباس و مرکب جباران آمده‌ای؟ ابن عباس این آیه را

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۸۲

بر ایشان بخواند: «بگو چه کسی زینتها و روزی‌های طیب را که خداوند برای بندگانش بر آورده حرام مینماید» (سوره اعراف آیه ۳۰)، من می‌پوشم و تجمل می‌کنم، که خداوند جمیل است، و جمال را دوست می‌دارد، ولی باید از حلال باشد. اسحاق بن عمار گوید: از امام

در باره مردیکه مالدار است، و تجمل دارد، و لباس های بسیار، جبهه ها و طیلسان ها و قمیص ها می پوشد و بدانه خود را می آراید، آیا این مرد مسرف است؟ فرمود: «هر کس که زندگیش وسعت دارد بقدر توانایی خرج کند» (سوره طلاق آیه ۷). از حضرت علی (ع): روغن غنی را ظاهر کند، و لباس زیبایی را آشکار کند، و خوشرفتاری با زیردستان دشمنان را خوار کند. از امام صادق (ع): مردی بر در خانه پیغمبر (ص) آمد، و اجازه ورود خواست، پیغمبر (ص) بیرون شد و در حجره ظرف آبی یافت، حضرت در برابر آن ایستاد و صورت خود را در آن میدید و محاسن خود را منظم می کرد؟ وقتی باندرون بازگشت، عایشه

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۸۳

گفت: یا رسول الله! تو برترین فرزندان آدم و پیامبر پروردگار جهانی، در برابر ظرف آب می ایستی، و موی سر و صورت را مرتب می کنی؟! حضرت فرمود: ای عایشه خداوند دوست دارد که وقتی بنده مؤمن بسوی برادر مؤمنش می رود آراسته باشد.

در لباس عالی و قیمتی

سفیان ثوری گوید: بحضرت صادق (ع) گفتم: شما روایت میکنید که علی (ع) لباس خشن می پوشید، و شما لباس قوهی و مروی (دو پارچه قیمتی منسوب به قهستان و مرو) می پوشید؟! حضرت فرمود: وای بر تو، علی (ع) در زمان تنگدستی مردم زندگی می کرد، ولی چون روزگار فراخی رسید، نیکان زمانه به آن شایسته ترند. حضرت رضا (ع) فرمود: یوسف (ع) لباس دیبا می پوشید، و شلوار زربفت بتن میکرد، و بر تخت می نشست، و این کار در صورتی که پول آن مورد نیاز در مورد یکی از ضروریات زندگی باشد، مذموم است. و حضرت علی بن الحسین (ع) در تابستان دو لباس که به ۵۰۰ دینار خریده می شد، می پوشید، و در زمستان پوستین خز می پوشید، و در تابستان آن را به ۵۰ دینار فروخته

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۸۴

و صدقه می داد. عبد الله بن سنان گوید: از امام ششم (ع) شنیدم که در حال طواف مردی جامه ام را کشید، برگشتم دیدم عباد بصری است گفت: ای جعفر بن محمد این چنین لباس (قیمتی) می پوشی، با آن نسبتی که با علی (ع) داری؟! گفتم: وای بر تو! این جامه کوهی است که بیک دینار و خرده ای خریده ام، و علی (ع) در زمانی بود که مناسب آن زمان همان گونه جامه بود که می پوشید، و اگر من در این زمان چنان لباسی بپوشم، مردم خواهند گفت: این آدم ریاکاری است مثل عباد. امیر مؤمنان (ع) فرمود: هر گاه یکی از شما بخواهد که نزد برادر مؤمن خود رود، چنان خود را بیاراید که برای یک نفر غریبی می آراید که دوست دارد او را در بهترین هیأت ببیند. ابی خداس مهری گوید: غلامی از حضرت رضا (ع) بنام عبید را در بصره ملاقات کردم. وی گفت قومی از مردم خراسان بر حضرتش وارد شدند، و بوی گفتند مردم خوششان نمی آید که شما این گونه لباس (خوب و گران قیمت) بپوشید، حضرت در

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۸۵

پاسخ آنها فرمود: یوسف پیغمبر بود و از اولاد پیغمبران بود و لباس دیبا بتن می کرد، و شلوار زربفت می پوشید، و در مجالس آل فرعون می نشست، و اینها مقام معنوی او را کاهش نداد. لباس گران قیمت، در صورتی مذموم است که خرج ضروری تری در پیش باشد، و آنچه بر امام لازم است عدالت در حکم، و راستگویی در سخن میباشد (نه کهنه بودن لباس). و خداوند چیزهایی را که حلال کرده یا حرام معلوم است و کم و زیاد آن فرق نمیکند. محمد بن عیسی از امام نقل میکند که: شیعیان ضعیف الایمان دوست دارند که من بر پلاس بنشینم، و لباس خشن بپوشم، ولی زمانه اقتضا ندارد.

در جامه زیاد

اسحق بن عمار گوید: بحضرت صادق (ع) گفتم: مؤمن می تواند دو دست لباس داشته باشد؟ فرمود: آری ... و همین طور تا بیست جامه پرسیدم؟ فرمود آری، و این اسراف نیست، اسراف آنست که لباسی را که برای مهمانی و حفظ آبروست در خانه و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۸۶

وقت کار بپوشی. ابی اسحاق گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم مؤمن می تواند صد دست لباس داشته باشد؟ فرمود: آری. اسحق بن عمار گوید: به امام کاظم (ع) عرضه داشتیم که اگر انسان ده دست جامه داشته باشد اسراف است؟ فرمود: نه، بلکه برای حفظ جامه ها بهتر است، اسراف آنست که لباس بیرون را وقت کار بپوشی.

در دعاء وقت پوشیدن لباس

معاویة بن عمار گوید: حضرت ابی عبد الله (امام صادق ع) بهنگام پوشیدن لباس می فرمود:

«اللهم اجعله ثوب یمن و بركة، اللهم ارزقنی فیه شکر نعمتک و حسن عبادتک و العمل بطاعتک الحمد لله الذی رزقنی ما استر به عورتی و أتجمل به فی الناس»

. و نیز از آن حضرت است: که هر کس جامه نوی برای خود بدوزد سوره (انا انزلنا) را ۳۶ بار بخواند، و چون به (تنزل الملائكة) برسد کمی آب بردارد و به-

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۸۷

جامه بپاشد، و بعد دو رکعت نماز در آن بخواند و این دعا را بخواند:

(الحمد لله الذی رزقنی ما اتجمل به فی الناس و اوارى به عورتی و اصلی فیه لربی»

و خدا را سپاس گوید تا وقتی که جامه فرسوده شود همواره در وسعت باشد. (راوی گوید): از امام باقر (ع) پرسیدم: که وقت جامه پوشیدن چه باید کرد؟

فرمود بگوئید

«بسم الله و بالله اللهم اجعل ثوب یمن و تقوی و بركة اللهم ارزقنی فیه حسن عبادتک و عملا بطاعتک و اداء شکر نعمتک الحمد لله الذی کسانى ما اوارى به عورتى و اتجمل به فی الناس».

از صالح بن ازرق از مدان جد خود: تا کنون مردی را زاهدتر از علی (ع) ندیدم، بخدا قسم هرگز دو جامه قطوانی (اسم مکانی است در کوفه) که جز مردم سطح پائین می پوشند، نپوشید تا از دنیا رفت. علی بن ابی ربیع گوید: جامه ای بتن علی (ع) دیدم که خیلی ضخیم و خشن بود.

عرض کردم این چه جامه ای است که پوشیده اید؟ فرمود: چه جامه ای عورت را پوشانده تر و عرق بدن را جذب کننده تر از این می باشد؟!

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۸۸

حضرت صادق (ع)، از امیر مؤمنان (ع): هر که از دنیا باندازه ضرورت قانع و خشنود گردد، کمترین مقدار او را بسنده است، و هر که از دنیا بقدر لازم راضی نباشد، هیچ مقدار او را کفایت نکند. عبد الاعلی گوید: به امام صادق (ع) گفتم: مردم ترا بسیار ثروتمند میدانند، فرمود: از این امر نگران نیستم، امیر مؤمنان (ع) روزی بجمعی از قریش می‌گذشت، و پیراهنی پاره و وصله‌دار بتن داشت، آنها بهم گفتند علی (ع) تهیدست گشته، این سخن بگوش حضرت رسید، به متصدی صدقات خود فرمود: که همه محصول خرما می‌امسال را جمع کند، و یک جا بفروشد و نقد نماید، متصدی دستور حضرت را عملی کرد و پول آنها را خدمت حضرت آورد، امام (ع) پولها را در همان انبار خرما ریخت، و به کارگزارش گفت: چون از تو خرما خواستم پول را با پا پراکنده کن و بیاش، در این موقع بدنبال یکی از آن افراد قریش فرستاد، و در حضور آنها از کارگزار خود خرما طلبید وی درهم‌ها را با پا پخش نمود، مردان قریش پرسیدند، یا ابا الحسن این همه اموال از کجا آمده. فرمود: این مال کسی است که مال ندارد و تنگدست شده است، پس از

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۸۹

بیرون رفتن آنان، حضرت دستور داد برای خانواده‌های بینوایی که هر سال خرما می‌فرستادند بقدر قیمت آن از آن پولها بفرستند «۱»، (در آخر این حدیث) امام صادق (ع) فرمود: دوست ندارم که غیر از این روایت کنند. مختار تمار گوید: وقتی در مسجد کوفه بیتوته می‌نمودم، و پس از آن به رحبه میرفتم، و در آنجا منزل می‌گرفتم، و نان مورد نیاز را از بقال محل که از اهل بصره بود می‌خریدم، روزی از خانه بیرون رفتم، فردی از پشت سر آواز داد که شلوار خود را کوتاهتر کن که هم تمیزتر و هم به تقوا نزدیکتر است (یعنی از کبر دورتر میشوی)، پرسیدم این آقا کیست؟ گفتند علی (ع) است، بدنبال حضرت راه افتادم، امام (ع) رفت تا بازار شتر فروشان رسید، در آن جا ایستاد و فرمود: ای بازرگانان! از قسم دروغ بپرهیزید، که قسم دروغ سرمایه شما را تباہ می‌سازد، و برکت را از بین می‌برد، بعد از آنجا گذشت، و بسوی خرما فروشان رفت، در آنجا کنیزی را

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۹۰

بر دکانی ایستاده و گریان دید، حضرت از علت گریه او سؤال کرد؟ زن گفت من کنیزم و خانم مرا فرستاده که یک درهم خرما بخرم، ولی خرمایی را که خریده‌ام نپسندیده و پس فرستاده است، و خرما فروش هم قبول نمی‌کند و پس نمی‌گیرد، حضرت بخرمای فروش دستور داد، خرما را پس بگیرد، و درهمش را باز گرداند، مرد قبول نکرد، بوی گفتند، که این شخص علی بن ابی طالب (ع) است، مرد خرما را گرفت و درهم را پس داد، و از حضرت عذر خواست. امام فرمود: ای بازرگانان از خدا بترسید و معاملات خود را بروش پسندیده و نیکو انجام دهید، خداوند ما و شما را ببخشد، سپس از آنجا نیز گذشت، در این موقع باران شروع شد، حضرت به دکانی نزدیک شد، و از صاحبش اجازه ورود خواست وی اجازه نداد، و امام (ع) را از دکان براند. (حضرت فرمود: قنبر (شلاق) را بیاور آورد، حضرت فرمود: برای اینکه مرا راندی نمی‌زنم ولی از آنرو ترا شلاق می‌زنم که دیگر مسلمان افتاده و ضعیفی را هول ندهی که احیانا زمین بخورد و یکی از اعضایش بشکند و دینی بگردنت آید. از آنجا گذشت و به بازار کرباس فروشان رفت و با مرد زیبایی برخورد کرد، حضرت فرمود: دو جامه به پنج درهم داری؟ مرد از جا پرید و عرض کرد: یا امیر مؤمنان دارم،

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۹۱

حضرت از آنجا گذشت و بر در دکان جوانی ایستاد و فرمود: ای جوان دو پیراهن به ارزش پنج درهم داری؟ گفت آری، حضرت دو پیراهن خرید یکی به دو درم و دیگری به سه درم، بعد به قنبر فرمود: پیراهن سه درهمی را برای خود بردار، قنبر گفت: آقا برای شما این زیننده‌تر است که باید به منبر بروید، و برای مردم حرف بزنید، حضرت فرمود: تو جوانی و نشاط و آرزوی جوانی داری و من از

خدایم شرم دارم که خود را بر تو برتری نهم. از پیامبر (ص) شنیدم که فرمود: (به خدمتکاران و غلامان خود) از طعام و لباس که خود بکار می‌برید بدهید، و حضرت پیراهن ارزانتر را پوشید و آستینهای آن از سر انگشتش میگذشت و به فروشنده گفت اضافه را ببر، فروشنده اضافه را برید و گفت اجازه بده لبه آن را بدوزم (و منظم کنم) فرمود:

همین طور باشد که دنیا از این بی‌اهمیت‌تر است. ابی بصیر گوید: از ابی جعفر (حضرت باقر، ع) شنیدم که علی (ع) پیراهنی سنبلی (سنبل شهری است در روم) به چهار درهم خرید و پوشید (آستینهای آن) از دست حضرت بلندتر بود، به خیاط فرمود: قیچی را بده، حضرت قیچی را گرفت و اضافه آن را برید و فرمود: «سپاس خدای را که مرا از زینت‌ها چیزی داد که خود را بپوشم و در بین مردم خود را بیارایم، خداوندا این را برایم جامه برکت قرار ده که عمرم را در آن به خشنودی تو سر کنم، و مساجد ترا آبادان سازم». بعد فرمود: از پیامبر (ص) شنیدم که هر کس جامه نوی بپوشد و این کلمات را بگوید آمرزیده شود.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۹۲

دعاء

در موقع پوشیدن شلوار گفته شود:

«اللهم استر عورتی و آمن روعتی و اعف فرجی و لا تجعل للشيطان فی ذلک نصیبا و لا له إلی ذلک وصولا فیصنع إلیّ المکائد و یهتجنی لارتکاب محارمک»

. از حضرت علی (ع) روایت شده که: انبیاء پیراهن را قبل از شلوار می‌پوشند. و در روایت دیگر است که شلوار ایستاده و رو بقبله و رو به انسان نبوش. از امام ششم (ع): امیر مؤمنان (ع) روزی اندوهناک شده فرمود: نمیدانم این اندوه از کجا پدید آمد که به خاطر ندارم بر آستانه دری نشسته باشم یا از بین گله گوسفندی رد شده و یا دست و صورتم را با دامنم خشک کرده باشم. پیغمبر (ص) فرمود: وضو و لباس پوشیدن را از طرف راست شروع کنید. از امیر مؤمنان (ع): وقتی خداوند به مؤمنی لباس نوی دهد باید وضوء

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۹۳

بگیرد و دو رکعت نماز بخواند در هر رکعت سوره حمد و توحید و آیه الکرسی و انا انزلنا را بخواند، بعد خداوندی را که عورت او را پوشانیده و او را در میان مردم بیاراسته سپاس گوید و

«لا حول و لا قوة الا بالله»

بسیار گوید، که در این صورت در این لباس گناه نخواهد کرد و به تعداد تار و پود جامه فرشته‌ای برایش خواهد بود که برای او تقدیس و استغفار نماید و بر او رحمت فرستد. از حضرت صادق (ع): شایسته است که هر یک از شما بهنگام وضوء ساختن، خوردن و نوشیدن و لباس پوشیدن یا دیگر کارها که می‌کند «بسم الله ..» گوید که اگر نگوید شیطان در کارهای او شریک شود. در حدیث دیگر است که: هر کس آب در کاسه‌ای ریزد و بر آن ۵۳ بار «انا انزلنا...» بخواند و آب را بر جامه‌اش بیفشاند تا وقتی آن جامه فرسوده شود در وسعت خواهد بود. در حدیث دیگری از حضرت رضا (ع) آمده که حضرت لباس را از طرف راست می‌پوشید، و چون جامه نوی بتن میکرد، کاسه آبی می‌طلبید و بر آن ده بار سوره

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۹۴

«انا انزلنا» و یازده بار «قُلْ هُوَ اللَّهُ» و ده بار «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» می خواند، سپس آن آب را به لباس خود می پوشید، و بعد می فرمود: هر که این کار را انجام دهد تا آن جامه باقی است همواره زندگیش گوارا خواهد بود. زراره گوید: از حضرت باقر (ع) شنیدم که امیر مؤمنان (ع) در عراق جامه ای درشت و سنبلانی خرید به چهار درهم، که تا نصف ساق پا را می پوشید، بعد اضافه آستین آن را برید، و وقتی حضرت آن را پوشید خدا را حمد گفت. از ابن عباس از نبی اکرم (ص): هر که پیراهن بلند پیدا نکند، شلوار بپوشد، و هر که نعلین ندارد، کفش بپوشد.

فصل دوم (تا کردن جامه و شست و شوی آن)

از حضرت امام صادق (ع) روایت شده که: کمترین اسراف آدمی آن است که ته مانده آب را دور بریزد، و لباس بیرون خود را دم دست و در خانه و وقت کار بپوشد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۹۵

و نیز از آن حضرت است: یکی از اسرافها اینست که لباس بیرون را دم دست بپوشی. و نیز از حضرت باقر (ع): جمع کردن جامه (که روی زمین کشیده نشود) وسیله راحتی آن است، و آن را دوام می بخشد. و از امیر مؤمنان (ع): شستن جامه اندوه را از بین می برد، و وسیله پاکیزگی برای نماز است. خداوند متعال می فرماید: «لباس خود را پاکیزه کن» (سوره مزمل آیه ۴)، یعنی کوتاه کن. و روایت است که پیغمبر (ص) فرمود: هر کس جامه ای می گیرد آن را تمیز نگهدارد. و از امام پنجم (ع): «لباس خود را پاکیزه کن» (سوره مزمل) یعنی کوتاه کن.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۹۶

فصل سوم (در پوشیدن انواع جامه رنگارنگ)

در لباس سفید

از حضرت امیر مؤمنان (ع): جامه پنبه بپوشید که لباس پیغمبر (ص) و لباس ما است. و پیغمبر (ص) جامه پشمی نمی پوشید مگر بهنگام بیماری. () و نیز از آن حضرت است که: خداوند جمیل است و جمال را دوست دارد و دوست دارد آثار نعمت خود را بر بنده اش ببیند. و نیز از اوست که: کتان از لباس پیامبران است. از امام پنجم (ع)، پیغمبر فرمود: برای لباس، رنگی بهتر از سفیدی نیست، لباس سفید بپوشید و مردگان خود را به آن کفن کنید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۹۷

در لباس سیاه

از سلیمان بن رشید از پدرش: حضرت زین العابدین را دیدم که جامه ای پشمین سیاه پوشیده بود و عبای کبود بدوش داشت. از ابی ظبیان جنبی: در رحبه بودیم امیر مؤمنان (ع) نزد ما آمد در حالی که گلیمی سیاه و چهار گوش بخود پیچیده بود و بدوش داشت. از حسین بن مختار: به حضرت صادق گفتم، آیا لباس سیاه بر مرد حرام است؟

فرمود لباس سیاه خوب نیست و مرده را بدان کفن نکنید.

در لباس زرد و زعفرانی

از ابی ظبیان: عده‌ای در رجه بودیم، امیر مؤمنان (ع) پیش ما آمد، و پوششی زرد و لباس خشنی بتن کرده بود سیاه و نعلین به پا و عصای کوچکی بدست داشت. از زراره: حضرت باقر (ع) برای خواندن نماز بر یکی از کودکان خود از خانه بیرون رفت و جبه خز زرد رنگ و عمامه خز زرد و عبایی خز زرد بتن داشت.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۹۸

از امام ششم (ع): برای کعبه بهتر از ریاط «۱» (پرده و ملافه) سابری (معرب شاپوری) که بزعفران رنگ شده باشد نیست.

لباس معصفر

(عصفر گیاهی است که رنگ زرد از آن می‌سازند) از عبد الله بن عطا: حضرت باقر (ع) را دیدم که روپوشی قرمز بتن داشت که به پوست جا انداخته بود، پرسیدم این چیست (چرا این رنگ پوشیده‌اید) فرمود:

روپوش زنانه (یعنی برای زنان است در خانه پوشیده‌ام). از حکم بن عیینه: بر امام صادق وارد شدم که روپوشی با گل زرد رنگ شده بتن داشت که اثر رنگ آن بگردنش مانده بود، حضرت فرمود: ای حکم در باره این لباس چه می‌گویی؟ عرضه داشتم: ما این گونه جامه‌ها را برای تازه جوانها می‌پسندیم اکنون چه می‌توانم گفت که شما پوشیده‌اید، فرمود ای حکم «چه کس زینت‌هایی را که خدا برای بندگانش آفریده و روزی حلال را حرام تواند کرد» ای حکم من تازه عروسی کرده‌ام.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۱۹۹

و نیز از حکم روایت است که: آن حضرت همواره لباسی قرمز تند می‌پوشید که در غیر مورد عروسی مناسب نیست. مالک گوید: بر حضرت باقر وارد شدم و روپوش سرخ تندی بتن داشت، من تبسم کردم، فرمود: میدانم چرا خندیدی از این لباس من خندیدی؟ ثقفیه همسرم مرا بپوشیدن این مجبور کرد، بعد فرمود ما با این جامه نماز نمی‌خوانیم و شما نیز در لباس سرخگون نماز نگرارید، بعدا بر حضرت وارد شدم و در باره (ثقفیه) جويا شدم، فرمود طلاقش دادم که چون با وی خلوت کردم متوجه شدم که از علی (ع) بیزاری می‌جوید و با این حال نمی‌توانستم او را نگه دارم. از حکم بن عیینه: حضرت باقر (ع) را دیدم که جامه‌ای سرخ به تن داشت، من نگاه تندی بآن کردم فرمود: ای ابا محمد پوشیدن این لباس اشکالی ندارد و این آیه را تلاوت کرد: «بگو چه کسی زینت‌هایی را که خداوند برای بندگانش خلق کرده و روزیهای حلال را حرام می‌کند».

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۰۰

در لباس گلی و عدسی و کبود و سبز

از حسن بن زیات: به تن حضرت باقر (ع) روپوشی گلی رنگ دیدم. از محمد بن علی (ع): بر تن حضرت موسی بن جعفر لباسی به رنگ عدسی دیدم. از سلیمان بن رشید: بر تن حضرت موسی بن جعفر عبایی کبود دیدم. از ابی العلاء: بر تن حضرت صادق (ع) در ماه محرم بردی سبز مشاهده نمودم. از ابان بن تغلب: در آخر روزی از شهر رمضان بر حضرت صادق (ع) وارد شدم، فرمود: ای ابان! جبرئیل در آخر روزی از ماه رمضان بر پیغمبر (ص) نازل شد، چون با آسمان رفت، پیغمبر (ص) فاطمه را صدا کرد. حضرت زهرا (ع) آمد در حالی که عبایی به برداشت که نصف آن را بکمر بسته و نصف دیگر را به سر انداخته بود، پیغمبر (ص) فرمود همسرت علی (ع) را خبر کن

بیاید، چون علی (ع) آمد: پیغمبر علی را در دست راست نشانید و دست در دامن او گذارد، و فاطمه (ع) را در طرف چپ خود نشانید، دست دیگر را در دامن او نهاد، بعد فرمود می خواهید به آنچه جبرئیل

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۰۱

بمن گفت شما را خیر دهم: گفت: آری، فرمود: جبرئیل بمن خیر داد که: من در روز قیامت در طرف راست عرش خواهم بود، و خداوند دو جامه یکی سبز و دیگری گلی به من خواهد پوشاند، و تو یا علی نیز از طرف راست عرش خواهی بود، و خداوند بر تو دو جامه یکی سبز و دیگری گلی خواهد داد، و تو یا فاطمه نیز از طرف راست عرش خواهی بود، و خداوند دو جامه سبز و گلی بتو خواهد پوشانید. ابان گوید من بحضرت گفتم: که مردم لباس گلی را مکروه می دارند؟ فرمود: ای ابان! خداوند چون مسیح را بآسمان برد او را بر بهشتی برد که ۷۰ غرفه دارد، و دو جامه سبز و گلی باو پوشانید.

ابان گوید: عرضه داشتم نظیر این مطلب را از قرآن ذکر کنید، فرمود: ای ابان «چون آسمان بشکافت چون فرش قرمز سرخگون باشد» (سوره الرحمن آیه ۳۷).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۰۲

فصل چهارم (در لباس خز و حله و غیر آن)

در لباس خز

از عبد الله بن سلیمان: از حضرت صادق (ع) شنیدم که: حضرت زین العابدین (ع) مردی صد «۱» (سرمخور) بود و جامه خز به هزار یا پانصد درهم می خرید، و چون زمستان سپری می شد آن را می فروخت و بهایش را صدقه می داد و این کار را جز با لباس خز نمی کرد. از قتیبه: به حضرت صادق (ع) گفتم: ما لباس خز می پوشیم که ریشه هایش از ابریشم باشد، حضرت فرمود: ابریشم مانعی ندارد اگر مخلوط باشد، حسین (ع) وقت شهادت جبهه خز با تار و پودهای ابریشم بتن داشت، گفتم ما لباس و روپوش های بربری می پوشیم که پشم آن از مردار است (یعنی گوسفند را بربرها ذبح می کنند که مسلمان نیستند)، حضرت فرمود: در پشم که روح و حیات وجود ندارد (تا میت داشته

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۰۳

باشد) مگر نمی بینی که از گوسفند زنده (که ذبح نشده) پشم را می چینند و می فروشند «۱»؟ روایت است که حضرت زین العابدین (ع) دو جامه در تابستان می پوشید که پانصد دینار خریده می شد و در زمستان عبای خز می پوشید که آن را در تابستان به ۵۰ دینار می فروختند و قیمت آن را صدقه می دادند. از حضرت صادق (ع) روایت است که: پدرم جامه خز می خرید به پانصد درهم و پس از پایان سال صدقه می داد، یک بار باو گفتند: بفروشید و پولش را صدقه کنید فرمود آیا جامه ای را که در آن نماز گزارده ام بفروشم. عبد الرحمن بن حجاج گوید: در محضر حضرت صادق بودم که مردی در باره پوست خز از امام سؤال کرد، حضرت فرمود: مانعی ندارد. مرد گفت: جانم فدایت این پوستها از محل ماست و سگ های دریائی هستند که از آب در می آیند. حضرت فرمود:

وقتی از آب بیرون می آید می تواند در خشکی زندگی کند؟ گفت نه فرمود مانعی ندارد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۰۴

از علی بن عمران: علی (ع) در رحبه بود و حسین (ع) نزد او آمد، در حالی که پیراهنی از خز و حلقه‌ای از طلا بگردن داشت. علی (ع) پرسید: این فرزند منست که می‌آید؟ گفتند: آری حضرت او را بخواند و پیراهن را بر تنش پاره کرد و حلقه را از گردنش در آورد و قطعه قطعه نمود.

در پوشیدن حله

از حضرت صادق (ع): حله‌هایی «۱» برای علی (ع) آوردند که در آن حله‌ای بسیار نیکو بود، حسین (ع) عرضه داشت این حله را به من ده، حضرت ابا کرد و فرمود در عوض این، دو حله به تو می‌دهم، حسین (ع) قبول نکرد و فرمود این بهتر است، امام فرمود: سه حله عوض آن می‌دهم، حسین (ع) گفت: این بهتر است، همچنین تا پنج حله، امام حسین (ع) قبول نکرد، حضرت آن را به وی داد، و فرمود: اما تو این را می‌پوشی و مردم می‌گویند این پسر امیر مؤمنان (ع) است، و بعلاوه وقتی پوشیدی کهنه و چرکین می‌شود و با قیمت آن میتوانی پنج نفر مسلمان را بپوشانی.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۰۵

پوشیدن حریر و دیباج

از حضرت صادق (ع): اسامه خدمت پیغمبر (ص) رسید و جامه‌ای حریر بتن داشت، پیغمبر (ص) فرمود: این جامه کسی است که نصیبی (در آخرت) ندارد، بعد امر کرد آن را پاره پاره کردند و برای چارقد بین زنان قسمت کرد. از حضرت صادق (ع): برای مرد شایسته نیست جامه حریر و دیباج بپوشد، ولی خریدن آن دو مانعی ندارد. روایت شده که از حضرت صادق یا موسی بن جعفر (ع) در باره پوشیدن حریر و دیبا سؤال شد؟ فرمود: در جنگ مانعی ندارد، گر چه در آن تمثال باشد. روایت است که: اسب دهقانی (ارباب و بزرگ زاده) را برای پیغمبر (ص) آوردند که سوار شود وقتی پای در رکاب نهاد، فرمود: «بسم الله»، و چون دست بر قربوس گذاشت، دستش سرخورد، پرسید این از دیبا است؟ گفتند: آری، حضرت سوار نشد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۰۶

در پوشیدن قسی «۱» و غیر از آن

از حضرت صادق (ع)، حضرت علی (ع) فرمود: پیامبر (ص) مرا از پوشیدن لباس قسی و انگشتر طلا «۲» منع کرد و سوار شدن بر پالان و بر زین سرخ و از خواندن قرائت در رکوع نهی فرمود و نمی‌گویم که شما را نیز نهی فرموده.

فصل پنجم (خودنمایی و تواضع با لباس کوتاه کردن و رعایت اقتصاد در آن و پوشیدن لباس خشن)

تکبر و خود بینی با لباس فاخر

از عبد الله بن هلال: حضرت صادق (ع) بمن فرمود که: برایش شلواری بخرم عرضه داشتیم که من جز شلوار گشاد و بلند پیدا نمی‌کنم، حضرت فرمود: مقداری از آن را ببر و کوتاه کن که پدرم فرمود: هر چه از غوزک پا بلندتر باشد در آتش است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۰۷

از عبد الله بن هلال از آن حضرت: مثل همین حدیث نقل شده و فرمود: هر جامه که از غوزک پا بگذرد در آتش است. از پیغمبر اکرم (ص): شلوار را تا نصف ساق یا تا غوزک پا بپوش، بپرهیز که جامه را بخاطر بزرگمنشی و خودنمایی بلند بپوشی، که خداوند خودخواهی را دوست ندارد، و این در شلوار و پیراهن و عمامه همه می‌باشد، و فرمود: هر کس لباسش برای بزرگمنشی و خودنمایی بزمین کشیده شود، خداوند در قیامت بوی نظر ننماید. از ابی مطر: علی (ع) روزی بر من گذشت، و پسر عمویم با من بود، حضرت با چوبی که بدست داشت، به من زد و فرمود: جامه و شلوارت را کوتاه کن که به زمین نخورد، پسر عمم گفت: کیست که پسر عمویم را می‌زند؟ علی (ع) فرمود: می‌گویم لباست را کوتاه کن که به زمین نخورد، بعد به قنبر فرمود: از من حمایت نمی‌کنی چنان که این از پسر عمش.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۰۸

از جابر، از امام پنجم، از نبی اکرم (ص): بوی بهشت از هزار سال راه استشمام می‌شود، ولی آن کس که لباسش را از خودخواهی بزمین می‌کشد، آن را نمی‌شنود، که فقط کبریائی و بزرگمنشی خاص خداوند رب العالمین است. از حضرت صادق (ع): خداوند آدم متکبر و خودخواه، و آن کس را که جامه بلند برای تکبر می‌پوشد و متاع خود را با قسم می‌فروشد دوست ندارد. از آن حضرت از پیغمبر اکرم (ص): سه کسند که خداوند با ایشان سخن نگوید، و آن‌ها را تزکیه نخواهد کرد، و برای آنها عذابی جانکاه است: آن کس که دامنش را از خودخواهی رها می‌کند، و آن کس که جنس و متاعش را به دروغ می‌ستاید، و مردی که با چهره گشاده با تو روبرو می‌شود، ولی دلش نسبت بتو پر از کینه می‌باشد. از آن حضرت از نبی اکرم (ص): هر کس متکبرانه بر زمین راه رود، زمین در زیر پایش، لعنتش میکند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۰۹

از بشیر نبال: ما با حضرت باقر (ع) در مسجد بودیم که مردی سیاه با دو جامه یکی شلوار و دیگری عبا از ما گذشت، در حالی که با تبختر راه می‌رفت، حضرت فرمود:

این جبار است، گفتم جانم فدایت، این سائل (و گدا) است، فرمود: این جبار است. از جمله وصایای پیغمبر (ص) به ابی ذر: ای ابی ذر بیشتر کسانی که بدوزخ می‌روند متکبرانند، مردی پرسید یا رسول الله کسی میتواند از تکبر رهایی یابد؟

فرمود: آری، آن کس که پشمینه پوشد، و الاغ سوار شود، و گوسفند بدوشد، و با مسکینان نشیند، و آنکه آذوقه‌اش را خود بخانه برد. از کبر پاک می‌گردد، ای ابی ذر! هر کس لباس از تکبر بزمین کشد، خداوند در قیامت بوی نظر نکند، ای ابی ذر! شلوار تا ساق پا، و تا غوزک اشکال ندارد، بیشتر و بلندترش در آتش است، ای ابی ذر هر کس جامه‌اش را برای خدا کوتاه کند، از کبر بری گردد.

تواضع در جامه

و از امام ششم (ع): حضرت زین العابدین (ع) با جامه‌ای نیکو و عالی از خانه

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۱۰

بیرون شد، و با عجله برگشت و فرمود: ای کنیزک! جامه (همیشگی و کهنه‌ام) را بیاور که با این جامه که راه رفتم گویا علی بن الحسین قبل نیستیم، و با تانی و آرام راه میرفت، تو گویی مرغ بر سرش نشسته، و شانه‌ها به چپ و راست حرکت نمی‌داد (که علامت کبر است). و از آن حضرت: بدن انسان چون جامه نرم پوشد به طغیان آید. از حسن صیقل: حضرت صادق (ع): پیراهن امیر مؤمنان را بما نشان داد و آن پیراهنی بود که در آن شهید شد، طولش ۱۲ وجب و عرضش سه وجب و آستین‌ها سه وجب بود. از امام پنجم (ع): صاحب شما

گویا مراد علی (ع) است دو جامه سنبلانی (سنبلان نام محلی است) می خرید، و غلام خود را مخیر می فرمود: که هر کدام را بخواهد بردارد، و خود دیگری را می پوشید، و اگر از انگشتانش بلندتر بود، همچنان می برید، و اگر از کف دست بلندتر بود، می برید. از زراره: از امام باقر (ع) شنیدم: علی (ع) در عراق پیراهنی سنبلانی و خشن

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۱۱

خرید، به چهار درهم (قران) و زیادی آستینها را از سر انگشتها برید، و پیراهن تا نصف ساق پایش بود، چون پوشید خداوند را حمد و ثنا گفت، بعد فرمود می خواهید جامه علی (ع) را به شما نشان دهم؟: گفتم آری، پس فرمود آوردند، آستین آن سه و جب و عرض سه و جب و طولش ۶ و جب. از اصیغ بن نباته: با حضرت علی (ع) بیرون شدیم تا به خرما فروشان رسیدیم، فرمود: سبدهای خرما را سر هم نچینید، از آنجا گذشت تا به بازار گوشت فروشان رسیدیم، فرمود: در گوشتها ظاهر سازی نکنید، از آنجا گذشت، تا به بازار گوشت فروشان رسیدیم، فرمود: در گوشتها ظاهر سازی نکنید، از آنجا گذشت، تا ببازار ماهی فروشان رسیدیم، فرمود: جری و مار ماهی و ماهی که در آب مرده باشد نفروشید، از آنجا گذشت تا به بزازها رسیدیم، حضرت با مردی قیمت دو جامه را طی کرد و قنبر همراهش بود، بعد فرمود دو جامه بمن بده مرد گفت، از آنچه دارم یا امیر المؤمنین، (امام چون متوجه شد او را میشناسد) از وی گذشت تا به جوانکی رسید، فرمود: دو جامه بمن بده و با جوان چانه زد تا قیمت را پایین آورد و بر ۷ درهم اتفاق کردند، جامه ای به چهار درهم و دیگری به سه درهم، به قنبر گفت: یکی را انتخاب کن، قنبر جامه

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۱۲

چهار درهمی را گرفت، و او سه درهمی را پوشید، و فرمود «سپاس خدایی را که بمن جامه ای داد که عورتم را بپوشم و خود را بوسیله آن در بین مردم بیارایم». بعد به مسجد آمد و زمینی پوشیده از ریگ پیدا کرد، و بر آن دراز کشید، پدر جوانک (فروشنده) بیامد، و گفت: پسرم ترا نشناخت، و این دو درهم سود جامه هاست بگیر. حضرت فرمود: نخواهم گرفت، ما با هم چانه زدیم و باین قیمت رضا دادیم. از ابی مسعده: علی (ع) را دیدم که از قصر حکومتی بیرون شد، من باو نزدیک شدم، و سلام کردم، دستش را بر دستم گذارد، بعد رفت به دار فرات رسید و پیراهنی خرید، به سه درهم و پوشید. از وشیکه: علی (ع) را دیدم شلواری پوشیده که قسمت بالای آن تا بالای ناف و پارچه ها تا نصف ساق پا می رسید و دره ای بدست داشت و دور بازار می گشت و می فرمود: «از خدا بترسید، و پیمانها را پر کنید ... تو گوئی معلم کودکان است.» از مجمع: علی (ع) شمشیرش را بیرون آورد، و فرمود: چه کس شمشیرم را گرو می گیرد که اگر پیراهنی می داشتیم آن را گرو نمی دادم و آن را به سه درهم گرو داد و بدان پول پیراهنی خرید که آستین آن تا نصف ساق دستش بود و طول آن تا نصف

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۱۳

ساق پا. از عبد الله بن ابی الهذیل: علی (ع) را دیدم که پیراهنی بتن داشت که وقتی آستینهایش را پایین می کشید تا سر انگشتهایش میرسید، و چون ول می کرد تا ساعد بالا میرفت. از ابی اشعث العبدی از پدرش: علی (ع) را دیدم که در روز جمعه در فرات غسل میکند: بعد جامه ای کرباس به سه درهم خرید، و با آن نماز جمعه خواهد و گریبانش دوخته نبود. از حضرت صادق (ع) برای علی (ع) دیناری آوردند، حضرت سه جامه بیک دینار خرید، یکی پیراهنی که تا بالای غوزک پا بود، و شلواری که تا نصف ساق پایش میرسید و ردائی که از جلو تا پستانها و از پشت تا الیه می پوشید، حضرت آنها را بتن کرد و دست با آسمان برداشت، و بر آن شکر می کرد تا به منزل

رسید و فرمود این جامه‌ئی است که شایسته پوشیدن است، ولی امروز نمی‌توانم پوشید که به پوشنده می‌گویند دیوانه است، و یا می‌گویند ریا کار میباشد، ولی چون قائم ما قیام کند لباس این خواهد بود.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۱۴

از هشام بن سالم: از امام ششم (ع): چون بودی مکه رسیدید جامه‌های کهنه بپوشید یا جامه‌های خشن بتن کنید که هیچ کس بوادی مکه نرسد که دلش خالی از تکبر باشد جز این که خدا او را بیمارزد.

عبد الله بن یعفور پرسید حد تکبر چیست؟ امام فرمود انسان چون جامه خوبی بپوشد خود را ورنه از کند و دوست بدارد که همه او را نگاه کنند. و بعد فرمود:

«بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ: آدمی نسبت به حال درونی خود بینا است» (سوره قیامت). از امام صادق (ع): پدرم دو جامه خشن داشت که در آنها نماز می‌خواند و در موقع حاجت خواستن از خدا آنها را می‌پوشید و حاجت خود را از خدا طلب می‌کرد.

در وصله زدن به جامه

از امام ششم (ع): علی (ع) برای مردم خطبه می‌خواند و جامه کرباس و خشن بتن داشت، وصله شده بود، در این باره از حضرتش استفسار کردند (که چرا جامه

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۱۵

وصله‌دار پوشیده‌اید)، فرمود دل از آن خاشع می‌شود، و مؤمنان از آن پیروی میکنند. از ابن عباس: چون از بصره با بیت المال بکوفه بخدمت علی (ع) آمد، در کوفه حضرت را در بازار ملاقات نمود که ایستاده و صدا می‌زند که ای مردم! هر کس را ببینم که جری (ماهی بی‌فلس) و طافی (ماهی ای که در آب مرده باشد) بفروشد، شلاقش می‌زنم، ابن عباس گوید: به حضرت سلام کردم، جواب داد و فرمود: ابن عباس بیت المال چه شد؟ گفتم یا امیر المؤمنین اینجاست، و اموال را به خدمتش بردم، مرا بخود نزدیک کرد و خوش آمد گفت، بعد شخصی آمد و شمشیر حضرت را آورد و به هفت درم در معرض فروش در آورد. امام (ع) اشاره به شمشیر کرد و فرمود: اگر غیر از بهاء این شمشیر پولی می‌داشتم هرگز آن را نمی‌فروختم، بعد شمشیر را فروخت و با پول آن چهار درهم پیراهن خرید، و دو درهم صدقه داد، و با یک درهم باقیمانده سه روز مرا مهمانی نمود. از یزید بن شریک: علی (ع) روزی شمشیرش را آورد، و فرمود چه کسی این شمشیرم را از من می‌خرد که اگر پول پیراهنی می‌داشتم نمی‌فروختمش. از فضل بن کثیر: بتن حضرت صادق (ع) جامه‌ای کهنه و وصله دار دیدم، و به

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۱۶

آن خیره شدم، فرمود: چی؟ در این نوشته نگاه کن، نگاه کردم در آن نوشته بود:

«هر کس کهنه ندارد نو نخواهد داشت». در روایتی است: بتن علی (ع) جامه‌ای کهنه و وصله دار دیدند پرسیدند چرا جامه شما این قدر وصله‌دار است؟ فرمود: دل بسبب آن خاشع شود و نفس سرکش ذلیل ورام می‌گردد و مؤمنان بدان اقتداء می‌کنند.

در اقتصاد در لباس

از معاویة بن وهب: به امام صادق (ع) گفتم: گاهی انسان در قسمتی از عمرش ثروتمند است و لباس و سر و وضع او اعیانی است بعدا ثروتش از دست می‌رود و وضعش عوض می‌گردد و از شماتت دشمن رنج می‌برد، برای خرید لباس که خود را بیاراید خویشتن را بمشقت می‌افکند اما جایز است این آیه را تلاوت فرمود «هر کس که زندگانش وسعت دارد بمقدار وسعتش خرج کند و هر کس روزیش تنگ است بقدری که خداوند بوی داده خرج کند» (سوره طلاق).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۱۷

در لباس پشمینه و خشن

از محمد بن کثیر: بتن حضرت صادق (ع) جبه پشمینه دیدم که زیر آن پیراهن خشن پوشیده بود، در باره آن سؤال کردم فرمود پدرم همین طور می‌پوشید و ما وقتی می‌خواهیم نماز بخوانیم خشن‌ترین جامه‌ها را می‌پوشیم. از معمر بن خلاد: از حضرت رضا (ع) شنیدم که فرمود: بخدا قسم اگر بر این خلافت دست یابم غذای ساده خواهم خورد، پس از خوردن لذیذ یعنی آنکه امروز غذای لذیذ می‌خورم و بعد از لباس نرم جامه خشن بتن خواهم کرد، و پس از راحت به سختی و مشقت خواهم افتاد (یعنی امر زمامداری مردم همراه با این ناملایمات باید باشد). پیغمبر (ص) در وصیت خود به ابی ذر فرمود: من خشن می‌پوشم و بر خاک می‌نشینم و انگشتم را می‌لیسم و حمار بی‌پالان سوار می‌شوم و بر ترک دیگری را می‌نشانم، اینها علامت تواضع و فروتنی است، و هر کس از من است از سنت من روگردان شود از من نیست. یا ابا ذر لباس خشن و جامه درشت بپوش که خود خواهی بتو راه پیدا نکند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۱۸

از پیغمبر (ص): پنج چیز است که تا هنگام مرگ آنها را رها نخواهم کرد:

با بردگان بر زمین چیز خوردن و بر پشت الاغ نشستن، و بز را بدست خود دوشیدن و جامه پشمینه پوشیدن و بر کودکان سلام کردن تا همه اینها بعد از من سنت باشد. از پیغمبر (ص): جامه پشمینه بپوشید و نیم سیر غذا بخورید تا به ملکوت آسمانها راه یابید. از امام ششم (ع): بحضرتش عرض کردند که راهبی می‌گوید لباس مسمومین به لباس مصیب درست است، و امام (ع) فرمود: آری چه مصیبتی بالاتر از مصیبت در دین. پیغمبر (ص) فرمود: جامه پشمینه بپوشید تا شیرینی ایمان را در یابید، کم بخورید تا در آخرت شناخته شوید، نگاه به پشمینه تفکر می‌آورد و تفکر حکمت می‌زاید، و حکمت در عروقتان چون خون جریان یابد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۱۹

فصل ششم (در کراهت لباس شهرت و لباس خالدار)

در لباس شهرت لباسی که انگشت نما کند

از امام ششم (ع): برای خواری انسان همین بس که لباس غیر معمول و انگشت نما بپوشد یا حیوان مشهور سوار شود. و فرمود خداوند لباس شهرت را مبعوض می‌دارد. گفته‌اند که عباد بصری بر حضرت صادق (ع) در آمد، و لباس شهرت بتن داشت، امام (ع) فرمود: ای عباد! این چه لباسی است؟ عرضه داشت: آیا این لباس را برای من عیب می‌دانید، فرمود: آری پیغمبر (ص) فرمود: هر کس در دنیا لباس شهرت بپوشد خداوند در قیامت بر او لباس ذلت خواهد پوشانید. عباد گفت چه کسی این حدیث را برای شما گفته؟ امام (ع) فرمود ای عباد مرا متهم می‌کنی؟ بخدا پدرم از پدرانم از نبی اکرم حدیث کرده‌اند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۲۰

از حضرت موسی بن جعفر (ع): چیزی در نزد خدا مبعوضتر از لباس شهرت نیست و حضرت دستور می داد لباس نو می آوردند و در آب می شست و می پوشید.

در مقنعه (روسری) انداختن

از عبد الله بن وضاح: حضرت موسی بن جعفر (ع) را دیدم، که در آخر کعبه نشسته بود و مقنعه انداخته و گوشها را از آن بیرون نهاده. از حضرت صادق (ع): مقنعه در شب موجب شک و اتهام است. از عبد الله بن ولید: شهاب بن عبد الله از من درخواست کرد که از حضرت صادق (ع) برایش اجازه ملاقات بگیرم، شبانه خدمت امام رسیدم و شهاب مقنعه بسر داشت، امام فرمود: مقنعه خود را بردار که موجب بدگمانی و تهمت در شب و خواری در روز است، و شهاب مقنعه را برداشت. از امام ششم (ع): علی (ع) فرمود: مقنعه موجب سوء ظن در شب و خواری در روز است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۲۱

در توشح «۱» شلوار

از آن حضرت پرسیدند شلوار را روی پیراهن زدن جایز است؟ حضرت فرمود:

این کار را نکنید که از کبر است. از حضرت باقر (ع): پوشیدن شلوار روی پیراهن مکروه می داشت، و میفرمود:

این کار روش جباران است. از امام صادق (ع): پیغمبر (ص) فرمود: امت من از پوشیدن لباس بی آستین نهی شده است. پیغمبر (ص) فرمود: امت من از بی شلواری و عریان بودن رانها نهی شده (چون عربها با پیراهن بلند و بدون شلوار میگذشتند از این کار نهی شده اند).

در جامه پشمی

از امام ششم (ع): پیغمبر (ص) وارد خانه فاطمه (ع) شد، فاطمه علیها سلام

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۲۲

جامه ای از موی شتر بتن داشت و جو دست آس میکرد و بچه را نیز شیر میداد! پیغمبر (ص) از دیدن این حال بگریه آمد و فرمود: ای دخترم با تحمل سختی دنیا به شیرینی آخرت بشتاب، خداوند بر من آیه فرستاده است که: خداوندت چندان بتو ببخشد که خوشنود شوی (سوره و الضحی آیه ۵). از زهری: حضرت رضا در تابستان بر حصیر و در زمستان بر پلاس می نشست و لباسش خشن بود و چون میان مردم می آمد خود را آراسته میکرد.

شبیه شدن مرد به زن

از حضرت صادق (ع) و حضرت موسی بن جعفر، در باره مرد پرسیدند که میتواند جامه اش بلند باشد، که بزمین کشیده شود؟ فرمود من مکروه میدارم که مرد خود را به زن شبیه کند. از امام ششم (ع): پیغمبر مرد را نهی می کرد که شبیه زنان شود و زن را نهی می نمود که در لباس پوشیدن شبیه بمردان باشد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۲۳

و از آن حضرت: بهترین جوانان شما آن است که به بزرگسالان شبیه شود و بدترین بزرگسالان آن است که به جوانان مانند گردد.
در پوست سنجاب و غیر آن

از یونس بن یعقوب: بر حضرت صادق وارد شدم، حضرت بیمار بود و قبائی بتن داشت و زرد پوشی بر آن حضرت افتاده بود و جلوش حنایی رنگ بود روی آن که گلی مخروطی نقش کرده بودند، و روی آن جبهای از خزنه بسیار نرم و نه خیلی درشت بود و بر آن پوست از پوست روباه که آستر نمایی داشت افتاده بود، گفتم فدایت شوم، در باره پوست روباه چه میگوی، فرمود: اینک روی بدن من می باشد. از حضرت صادق (ع): در باره گوشت و پوست درندگان سؤال شد فرمود: اما گوشت درندگان و پرندگان درنده، ما مکروهشان می داریم، اما پوست آنها را بر آن بنشینید ولی در نماز نپوشید. از عبد الله بن سنان: از حضرت صادق (ع): جبهای از پوست از عراق برای پدرم

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۲۴

هدیه آوردند، حضرت وقت نماز آن را در می آورد و کنار می گذاشت. از عبد الله بن سنان از آن حضرت: هر چه از پوست دباغی یمن برایت آوردند در آن نماز بخوان، در باره اش پرسش مکن از حضرت رضا (ع): در باره پوست روباه و سنجاب و سمور سؤال شد؟ فرمود: سنجاب را به تن پدرم دیدم ولی مرا از پوست روباه و سمور نهی فرمود.

فصل هفتم (در باره عمامه و عرقچین)

عمامه

از امام ششم (ع) ... پیغمبر (ع) فرمود: عمامه تاج عرب است. چون عمامه نهند خداوند عزتشان دهد. و نیز فرمود: عمامه بگذارید تا بر حلمتان افزون شود.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۲۵

ابی اسحاق گوید: پدرم، علی (ع) را دید که دارد سخنرانی میکند و جامه ای و عبائی و عمامه ای بتن داشت. از حضرت موسی بن جعفر (ع) در باره گفته خدای متعال (مسومین): مراد از مسومین عمامه هاست، پیغمبر (ص) عمامه گذارد و دو طرف آن را از جلو و عقب (روی سینه و پشت) انداخت و جبرئیل عمامه گذارد و دو طرف آن را فرو هشت. از معاویه بن عمار: از امام ششم (ع) شنیدم که میفرمود: پیغمبر را در روزی که وارد مکه شد دیدم که به حرم در آمد، و بر سر عمامه ای سیاه داشت، و مسلح بود، و بعد به حنین رفت و بعد از فراغ از کار ایشان به اوطاس که عده ای (گردنکش) در آن جا باقی مانده بودند رفت، بعد از آنجا به جعرانه رفت، و غنیمت ها را میان مسلمین قسمت کرد، بعد احرام بست و وارد مکه گردید. از پیغمبر اکرم (ص): دو رکعت نماز با عمامه بهتر است از چهار رکعت بی عمامه. از امام پنجم (ع): در روز بدر فرشتگان (که بکمک مسلمین آمده بودند) عمامه های سفید (با تحت الحنک) بر سر داشتند. از امام پنجم (ع): «۱» ملائکه در روز بدر عمامه های سفید بر سر داشتند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۲۶

از عبد الله بن سلیمان از پدرش: با پدرم در مسجد بودیم که حضرت علی بن - الحسین (ع) وارد شد، و من حضرت را ندیده بودم، و عمامه‌ای سیاه بسر داشت که دو طرفش را بر کتفها فروهسته بود، بمردی گفتم این شیخ کیست؟ گفت چرا غیر از این شیخ از هیچ کس دیگر که وارد مسجد شده نپرسیدی؟ گفتم کسی را از او خوش‌هیأت‌تر ندیدم، و لذا از وی پرسش کردم. گفت او حضرت علی بن الحسین (ع) است.

در کیفیت عمامه گذاردن

از امام صادق (ع): پیغمبر عمامه‌ای بر سر علی (ع) نهاد باین شکل که یکطرف آن را از جلو بروی سینه وی فروهشت. و طرف دیگرش را بقدر چهار انگشت از پشت سر فرو انداخت، و بعد او را از پشت سر و جلو ورناداز کرد و فرمود: تاج فرشتگان این گونه است. از امام کاظم (ع): من برای آن کس که در سفر عمامه بگذارد و تحت الحنک افکند ضمانت می‌کنم که سه بلا باو نرسد: دزدی اموالش، غرق شدن در آب، و آتش‌سوزی.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۲۷

دعا وقت عمامه گذاردن

«خداوندا مرا به نشانه ایمان نشانه‌گذار. و تاج کرامت بر تارکم نه، و بند اسلام بر گردنم افکن» و دستور فرمود که: عمامه بپیچ و تحت الحنک بیفکن.

در کلاه

از امام باقر (ع): بر سر حضرت زین العابدین کلاهی از خز با رویه‌ای از سمور دیدم. از امام صادق (ع): پیغمبر (ص) کلاه سیاهی بر سر می‌نهاد و کلاه جنگ او در دو طرف اضافه‌ای داشت که روی گوشها را می‌پوشید. از امام ششم (ع): پیغمبر (ص) کلاه یمنی و مصری سفید رنگ بر سر می‌نهاد، و کلاه جنگ حضرت دو طرفش روی گوشهایش را می‌پوشانید، و عمامه‌ای از سنجاب و هم کلاهی بلند داشت که گاه بر سر می‌نهاد. از امام هشتم (ع): در باره برطله (کلاه لبه‌دار که روی صورت سایه می‌افکند)

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۲۸

سؤال شد، فرمود: حضرت صادق، چنین کلاهی داشت که برای محافظت از نور خورشید بسر می‌نهاد. از یزید بن خلیفه: امام ششم (ع)، مرا در کنار کعبه دید که مشغول طوافم و برطله‌ای بسر دارم، فرمود این را در مسجد الحرام بسر مگذار. از حسن بن مختار: حضرت موسی بن جعفر (ع)، بمن فرمود: برایم کلاهی بساز که چین‌دار نباشد، که چین و فری شایسته سیدی چون من نمی‌باشد.

فصل هشتم در پوشیدن نعلین

از ابی الصباح از امام ششم (ع): علی (ع) در یکی از سفرها شبی خواست حرکت نماید (و معمولاً امام (ع) در شب راه‌پیمایی می‌کرد)، یک لنگ نعلین را بپا کرد،

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۲۹

خواست لنگ دیگر را بپا کند، که ناگهان مرغی از آسمان بسرعت فرود آمد، و آن لنگ کفش را بمنقار گرفت و با آسمان برد، و همچنان پرواز میکرد. وقتی روشنی صبح آشکار شد مرغ کفش را بزمین افکند، و ماری از آن بیرون آمد. از امام پنجم (ع): کفش بپا کردن نور چشم را زیاد میکند. از امام صادق (ع): همیشه کفش پوشیدن امان از جذام است، چه در زمستان، چه در تابستان. از ابی الجارود: بر امام صادق (ع) وارد شدم در حالی که کفش سرخ بپا داشتم، حضرت بمن فرمود: کفش سرخ مال جباران است، و کفش سپید (پوتین دار) لباس خسروان، و کفش سیاه سنت ما است. بعدا در راه مکه کفش سرخی بپای حضرت دیدم، پرسیدم: مگر نفرمودید کفش سرخ مال جباران است، فرمود: در سفر مانعی ندارد، که برای آب و گل مناسبتر است. ولی در غیر سفر نه. از امام صادق (ع): پیغمبر (ص) فرمود: نعلین (و کفش) خوب انتخاب کنید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۳۰

از امام ششم (ع): پیغمبر خواست نعلین خود را بپا کند، که مردی پیشدستی کرد و نعلین حضرت را جلوی پایش جفت کرد، پیغمبر برایش دعا کرد که: «خداوندا این مرد با این عمل قصد تقرب بتو داشت، بار خدایا او را بدرگاه خود مقرب گردان». و نیز دیگری آب دهان پیغمبر (ص) را بخورد، حضرت دعا کرد که «خداوندا این بندهات نسبت به پیغمبر تو اظهار محبت و احترام نمود، تو هم او را دوست بدار». و از علی (ع): کفش خوب حافظ بدن و کمک بر نماز و پاکیزگی است. از امام ششم (ع): در آیه شریفه خطاب به موسی (نعلینهای خود را در آور)، نعلین موسی از پوست خر بود.

در استحباب نعلین پاشنه دار

صبح حذاء گوید: حلبی برایم نعلینی آورد و گفت این چنین نعلینی برایم بدوز که این نعلین پیغمبر (ص) بوده است، گفتم از کجا بدست تو رسیده؟ گفت حضرت

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۳۱

صادق (ع) آن را بمن نشان داد، من از حضرت تقاضا کردم آن را بمن ببخشید.

صبح گوید: از روی آن برایش نعلین دوختم، و بعد از آن اصحاب مرتب مراجعه میکردند که برایشان بهمان نمونه نعلین بدوزم. و آن نعلین ظریف و پاشنه دار بود. از امام باقر (ع): من هر کسی را که کفش بی پاشنه بپوشد سرزنش میکنم. از صباح کفشدوز: برای امام ششم (ع): نعلینی دوختم مطابق نمونه ای که فرستاده بود، و آن نمونه ظریف و کم رویه بود. از منهال: نزد حضرت صادق (ع) بودم و نعلینی بپا داشتم که همه پشت پایم را پوشیده بود. امام (ع) فرمود: این کفش بیهود است، برو آن را کم رویه و بی پشت کن.

در کراهت گره زدن بند نعلین

از امام ششم (ع): گره زدن بند نعلین مکروه است (مراد از بند نعلین قسمت رویه باریک آن است که روی انگشتان را می گیرد)، و نعلین کسی را که گره زده بود

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۳۲

گرفت و بندش را در آورد. و از آن حضرت است که اول کسی که بند نعلین خود را بست ابلیس بود.

کیفیت نعلین بپا کردن

از امام پنجم (ع) سنت است که کفش راست را قبل از چپ بپا کنی، و چپ را قبل از راست در آوری. از کتاب نجات: کفش و نعلین را در حال نشسته بپوشید و بگوئید: «بنام خدا و بیاری خدا، خداوندا بر محمد و آلش درود بفرست و پاهایم را در دنیا و آخرت محکم بدار، و بر صراط ثابت نگهدار روزی که قدمها لغزد. بنام خدا حمد خدای را که کفش بمن داد. که پاهایم را از ناراحتی حفظ کنم و خداوندا قدمهایم را بر صراط خودت ثابت بدار. و از راه راست و مستوی ملرزان.» پیغمبر (ص) فرمود: در باره آیه شریفه «هر گاه بمسجدی روید خود را زینت کنید» مراد زینت کفش و انگشتری است. و فرمود: نعلین خود را دم در مسجد رسیدگی کنید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۳۳

در باره بند کفش زمانی که بریده باشد

از یعقوب سراج: با حضرت صادق (ع) به تسلیت عبد الله بن حسن (برای وفات فرزندش) رفتیم، بند نعلین حضرت پاره شد، یکی از همراهان آن را گرفت که اصلاح کند حضرت فرمود: صاحب مصیبت به شکیبایی او لیتراست. و از آن حضرت (ع): هر کس لباسش را وصله زند، و نعلین خود را بدوزد، و وسایل خانه را خود به منزل برد، از کبر آسوده گردد.

با یک لنگه کفش راه رفتن

از امام ششم (ع) فرمود: علی (ع) گاهی با یک لنگه کفش راه می‌رفت و دیگری را اصلاح می‌کرد. از امام باقر (ع): پیغمبر (ص) فرمود: هر کس ایستاده آب بیاشامد، یا بر روی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۳۴

قبری تخی کند، یا شب گرسنه سر ببالین نهد، یا با یک لنگ کفش راه رود، شیطان چنان بر او چیره شود که دیگر هرگز از او جدا نگردد.

در بیرون آوردن کفش وقت نشستن

از پیغمبر اکرم (ص): کفشها را (وقت نشستن) در آوردید، که روشی نیکو است و برای پا راحت تر است. و در روایتی آمده که وقت غذا خوردن کفشهایتان را در آورید که برای پاها بهتر و راحت تر است و سنتی نیکو بشمار آید. از امام ششم (ع)، هر کس کفش زرد بپوشد آن را کهنه نکند مگر آنکه مالی بدست آورد، و بعد این آیه را خواند: «زرد روشنی که رنگش بینندگان را بوجود آورد.» (سوره بقره آیه ۶۴) و از آن حضرت: هر کس نعلین زرد بپوشد در خوشحالی خواهد بود تا آن را کهنه کند. از حنان بن سدیر: بر امام ششم (ع) وارد شدم در حالی که نعلین سیاهی پیداشتم، فرمود: چرا نعلین سیاه پوشیدی؟ مگر نمیدانی که در آن سه چیز نهفته پرسیدم بیان

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۳۵

فرمایید فرمود: چشم را ضعیف می‌کند، ذکر را سست می‌کند و اندوه می‌آورد، بعلاوه زی جباران است، بر تو باد به نعلین زرد که در آن سه خاصیت وجود دارد: چشم را تیز بین کند، ذکر را محکم کند، و اندوه را بر طرف سازد بعلاوه از پوشش انبیاء می‌باشد. و از آن حضرت: کفش سیاه و نعلین زرد از سنت بشمار می‌رود. و از آن حضرت: کفش پوشیدن به نور چشم می‌افزاید. از امام حسن عسکری

(امام یازدهم، ع): هر کس، گرفتار کفش زدگی و میخک شود خاکی بردارد و با شیر آمیخته کند و با آب دهان بر سنگی بساید و بر جراحت نهد ان شاء الله برطرف شود.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۳۶

فصل نهم (در مسکن و آنچه در باره آن جایز است و آنچه جایز نیست و متعلقات آن)

در مسکن وسیع و غیره

از حضرت امام ششم (ع): از سعادت انسان وسعت خانه است. و از آن حضرت: وسعت خانه موجب راحت و آسایش مؤمن می‌باشد. و از حضرت موسی بن جعفر پرسیدند که بالاترین لذت و عیش دنیا چیست؟

فرمود: وسعت خانه و کثرت دوستان. و نیز از آن حضرت: عیش و لذت در وسعت خانه و خوبی خدمتگزاران است. از معمر بن خلاد: حضرت موسی بن جعفر خانه‌ای خرید و به غلامش گفت بآنجا منتقل شود، و باو گفت این خانه توست، غلام پرسید آیا این خانه را برایم اجاره کرده‌ای؟ حضرت فرمود: اگر پدرت احمق بود، جا داشت که تو هم مثل او باشی.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۳۷

از حضرت صادق (ع): پیغمبر (ص) فرمود: از سعادت مرد همسر صالح، و خانه وسیع، و مرکب راهوار، و فرزند صالح می‌باشد. از امیر مؤمنان (ع): برای هر چیزی شرفی است، و شرف خانه وسعت صحن خانه و معاشران و آمیزش کنندگان صالح می‌باشد، و برای خانه برکتی است و برکت آن خوب بودن مکان آن و وسعت صحن و خوبی همسایگان آن است. از امام صادق (ع) فرمود: از سعادت مرد حسن مجلس و وسعت خانه و نظیف بودن مستراح خانه است. پیغمبر (ص) فرمود: چهار چیز از سعادت است و چهار چیز از شقاوت، اما چهار چیزی که از سعادت است: زن صالح، خانه وسیع، همسایه خوب و مرکب راهوار، و چهار چیزی که از بدبختی است: همسایه بد، زن بد، خانه تنگ و مرکب بد. پیغمبر (ص) فرمود: هیچ بنده‌ای در امان نخواهد بود مگر اینکه از شر و رو ناراحتیهای همسایه در امان باشد. پیغمبر (ص) فرمود: احترام همسایه برای انسان مثل احترام مادر لازم است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۳۸

مقدار ارتفاع خانه

محمد بن مسلم از حضرت باقر (ع): ای محمد بلندی اطاعت هفت ذراع باشد و بیشتر از این مسکن شیطان خواهد شد که شیاطین در آسمان و در زمین نیستند بلکه در فضا و هوا منزل دارند. از امام ششم (ع): بلندی و ارتفاع خانه باید هفت یا هشت ذراع باشد که بیشتر از آن مسکن شیطان خواهد بود. از امام ششم (ع): اگر سقف (و ارتفاع) خانه بیش از هشت ذراع باشد بر آن آیه الکرسی بنویس. عبد الله بن سنان گوید: از حضرت صادق (ع) شنیدم: هر خانه‌ای که، سقف آن بالاتر از نه (ذراع) باشد مسکن شیاطین خواهد شد یا هر مقدار از خانه که سقفش

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۳۹

بالتر از نه ذراع باشد، مسکن شیاطین است. و از آن حضرت: مردی از انصار به پیغمبر (ص) شکایت کرد که خانه‌ام از هر طرف با خانه‌های بلند احاطه شده حضرت فرمود تا جایی که می‌توانی آن را بلند و مرتفع کن و از خدا بخواه که خانه وسیعی بتو دهد. از امام ششم (ع): هیچ انسانی سقف خانه‌اش را از هشت متر بلندتر نسازد مگر آنکه در آنجا (بالتر از ۸ ذراع) مسکن گیرد. و در این صورت بر آن آیه الکرسی نویسد، تا شیطان در آن مأوی نکند. و نیز از آن حضرت: هر ساختمانی که بیش از مقدار کفایت باشد در آخرت بر صاحبش وبال خواهد بود. و از آن حضرت (ع): هر انسانی که از هشت ذراع بلندتر بسازد منادی آسمانی باو ندا کند که ای فاسق تا کجا می‌خواهی بروی؟! و از نبی اکرم (ص): هر بنایی در قیامت بر صاحبش وبال است مگر آنکه بقدر

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۴۰

ضرورت باشد.

در آنچه وقت ساختن خانه مستحب است

از نبی اکرم (ص): هر که خانه می‌سازد، گوسفندی ذبح کند، و گوشت آن را به بینوایان دهد، و بگوید: «خداوندا جنیان و شیاطین سرکش را از من و اهل بیت من دور کن، و سکونت را در اینجا مبارک بدار»، که ان شاء الله حاجتش روا گردد.

در اسراف در ساختمان

از امام ششم (ع): هر خانه‌ای و بنائی که بقدر کفاف نباشد بر صاحبش وبال خواهد بود. و از آن حضرت: هر که مالی از غیر حلال بدست آرد؛ آب و گل بر او چیره گردد.

در روبیدن منازل

از امام صادق (ع): پیغمبر (ص) فرمود: درگاه منزلتان را بروبید و پاکیزه

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۴۱

کنید و به یهود شبیه مباحثید. امام ششم (ع) فرمود: شستن ظرف و روبیدن درگاه خانه جلب روزی میکند.

موقع وارد شدن بخانه و خروج از آن

از آن حضرت (ع): پیغمبر (ص) چون در تابستان از خانه بیرون میرفت، روز پنجشنبه بیرون می‌رفت، و چون در زمستان می‌خواست باز گردد روز جمعه وارد می‌شد. از ابن عباس: چون تابستان می‌شد پیغمبر شب جمعه بیرون می‌رفت، و چون زمستان می‌رسید شب جمعه بر می‌گشت.

در بستن درها و غیر آن

از سماعه بن مهران: از حضرت صادق (ع) در باره بستن درها و سرپوش ظرفها سؤال شد، فرمود: در خانهات را ببند که شیطان در بسته را باز نخواهد کرد، و چراغت را از فتیله خاموش کن که خانهات را نسوزاند، و ظرفت را پر کن، که شیطان ظرف

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۴۲

پر را بر نمی‌دارد. پیغمبر (ص) فرمود: بهنگام خواب آتش را در خانه روشن مگذارید. از حضرت رضا (ع)، پیغمبر (ص) فرمود: چراغها را خاموش کنید که فتیله بیرون نیفتد و خانه و آنچه در آنست را به آتش کشد.

در آنچه مربوط به مسکن است

از حضرت باقر (ع): مردی بنزد وی بشکایت آمد که جن ما را از خانه‌هایمان بیرون رانده، فرمود: سقف خانه‌ها را هفت ذراع کنید، و حمام را در گوشه خانه (دور از خانه) بسازید، آن مرد گوید چنین کردیم و دیگر چیزی که ناراحت‌کننده باشد ندیدیم. از داود رقی روایت شده: در خدمت حضرت صادق (ع)، کبوتری را دیدم که از زیر تخت بیرون آمد، گفتم جانم فدایت (اجازه دهید) مرغان ابلق و خوش آواز که

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۴۳

می‌خوانند و چه چه می‌زنند بشما هدیه کنم. امام (ع) فرمود: آنها مرغان مسخ شده‌اند، اگر خواهی در خانه پرنده نگهداری کنی از این گونه نگهدار، که اینها یادگار از کبوتران اسماعیل (ع) میباشد. مردی به رسول اکرم (ص) از (ترس) شکایت کرد، حضرت به او دستور داد یک جفت کبوتر در خانه نگهدارد. از امیر مؤمنان (ع): بهم خوردن بالهای کبوتر شیطان را طرد می‌کند و میراند. و نیز از آن حضرت روایت است که: در باره خدمتگزاران و غلامان و کنیزان و اموال بی‌زبان کاملاً مواظبت کنید، پرسیدند مراد از اموال بی‌زبان چیست؟ فرمود:

گوسفند، کبوتر، گربه و امثال آنها. از نبی اکرم (ص): گوسفند در خانه هفتاد در فقر را بروی انسان می‌بندد. و نیز فرمود: گوسفند در خانه (نگهداشتن) برکت است. و گربه در خانه نیز موجب برکت است؛ یک گوسفند یک مقدار برکت است و دو تا دو برابر برکت دارد و سه تا موجب برکتهای بسیار است. و نیز از آن حضرت: گوسفند از حیوانات بهشت است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۴۴

و از امام ششم (ع): هیچ مؤمنی در خانه بزغاله‌ای ندارد مگر آنکه اهل آن خانه را برکت و تقدیسی خواهد بود، و اگر دو تا بزغاله داشته باشد هر روز دو بار تقدیس شوند. مردی پرسید چگونه؟ فرمود به ایشان گفته می‌شود: تا زمانی که سفره شما پاک و رنگین است در برکت و قدس بروی شما گشاده باد. و نیز فرمود: زنی بواسطه اینکه گربه‌ای را حبس کرد تا از تشنگی جان داد گرفتار عذاب (خداوند) گردید. و نیز فرمود: کبوتر را مانع نشوید در خانه شما لانه گزیند. و فرمود: شبانگاه به لانه پرنده‌گان دست نبرید که شب هنگام امان (و آسایش) آنهاست که در کنف رحمت خداوند می‌باشند. از نبی اکرم (ص): از حیوانات در خانه نگهدارید تا شیطان بجای فرزندانان به آنها بپردازند. از امام پنجم (ع) هر کس ما- اهل بیت را- دوست دارد کبوتر را دوست بدارد. حضرت موسی بن جعفر (ع) شایسته نیست که خانه هیچ کدام شما از سه چیز

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۴۵

خالی بماند که آنان خانه را آباد نگه می‌دارد: گربه، کبوتر، خروس و اگر با خروس انیسی (مرغی) باشد اشکالی ندارد. حضرت رضا (ع) فرمود: در خروس پنج خصلت از خصال انبیاء وجود دارد:

آشنایی به اوقات نماز و غیرت و سخاوت و زیاد آمیزش و جماع کردن. پیغمبر (ص) فرمود: هر گاه بانک خروس را شنیدید خروس حتما ملکی را دیده است، پس از خدا حاجت بخواهید، و سویش توجه کنید، و چون بانک الاغ را شنیدید، بخدا از شر شیطان پناه برید که شیطانی مشاهده کرده است. از انس: پیغمبر اکرم (ص) فرمود: خروس سفید دوست من است، و دشمن آن دشمن خداست، خروس صاحب خود و هفت خانه را نگه می‌دارد. و پیغمبر (ص) خروس را شب با خود نگه می‌داشت و می‌فرمود: مرغ، گوسفند فقیران امت من است. و فرمود: خروس را دشنام مگوئید که شما را به اوقات نماز دلالت می‌کند. و فرمود: خروس را دشنام نگوئید که دوست منست و من دوست اویم، و دشمن

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۴۶

او دشمن منست، قسم به آنکه مرا بحق برانگیخت اگر بنی آدم بدانند چه خاصیت‌ها در او نهفته است، پر و گوشت او را به زر و سیم بخرد، خروس جنیان شریر را از خانه میراند. و نیز فرمود: هر کس خروس سفیدی در خانه نگه دارد، از شر سه چیز مصون خواهد ماند: کافر، ساحر، کاهن. از امام باقر (ع): خداوند خروسی بزرگ در زیر عرش آفریده که هیچ خروسی نمی‌خواهد مگر آنکه او بخواند و در وقت خواندن بالها بهم می‌زند و می‌گوید:

«منزه است خداوند عظیمی که مانند ندارد». خداوند نیز او را جواب دهد که: «هر که قسم دروغ بخورد به این گفته تو ایمان نیاورده است». جعفری روایت می‌کند که: در خانه حضرت موسی بن جعفر بن جعفر (ع) یک جفت کبوتر دیدم که نر آنها سبز و ماده آنها سیاه بود، و حضرت برای آنها نان خرد می‌کرد، و می‌فرمود: که این کبوترها از شب تحرک دارند، و انس می‌گیرند، و هیچ گاه در شب بال بهم نمی‌زنند، جز آنکه هر کس داخل خانه باشد از جانوران موذی در امان خواهد بود. از امام صادق (ع): در خانه هر پیغمبری کبوتری وجود داشت، زیرا جنیان

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۴۷

با کودکان بازی می‌کنند، و چون کبوتر در خانه‌ای باشد به آن سرگرم شده و از کودکان دست بر میدارند.

فصل دهم (وسائل زینت و اثاث و فرش خانه و رعایت بی‌پیرایگی آن)

از عبد الله بن عطا: بخانه حضرت باقر (ع) رفتم و در منزل حضرت بالش و پستی و غذاهای خوب و برهم چیده دیدم، از امام پرسیدم اینها چیست؟ فرمود: متاع زنان و زندگی آنهاست. از حضرت باقر (ع): جمعی بخانه حضرت حسین (ع) آمدند و گفتند یا ابن رسول الله (ص) در خانه شما چیزهایی بچشم می‌خورد که در خور شأن (زاهدانه) شما نیست و مراد آنها فرشها و پستی‌ها (ی قیمتی) بود. امام (ع) فرمود ما مهر زنان خود را می‌پردازیم و آنها از مهر خود اثاث خانه و آنچه بخواهند می‌خرند و چیزی از اینها مربوط به ما نیست.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۴۸

از امام باقر (ع): چون حضرت علی با حضرت زهرا ازدواج کرد در کف خانه‌اش شن گسترده بود و فرش آنها پوست گوسفندی و بالش آنها پوستی آکنده از لیف خرما بود، و چوبی هم بدیوار زده بودند که بند مشک را بدان می‌آویختند و پوشش علی (ع) کسائی بود. از حسین بن نعیم، از امام صادق (ع): شنیدم پیغمبر وقتی فاطمه را بخانه علی (ع) فرستاد، جامه او کسائی و فرش او پوست گوسفندی و بالش او پوستی پر از لیف خرما بود. و از آن حضرت: بستر علی و فاطمه (ع) پوستی دباغی نشده بود. روایت شده که پیغمبر (ص) دو ماه از زنان خود کناره گرفت، در بالاخانه و غرفه‌ای بسر برد، عمر بر حضرت وارد شد، و دید در خانه پوستی دباغی نشده افتاده و پیغمبر

(ص) روی حصیری خوابیده و اثر حصیر در پهلویش باقی مانده بوی آن پوست بدماغ عمر خورد، گفت: یا رسول الله (ص) این پوست چیست؟ فرمود: عمر! این متاع زنده است چون پیغمبر (ص) برخاست و نشست و حصیر در بدنش جا انداخته بود،

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۴۹

عمر گفت: من شهادت میدهم که تو رسول خدایی وی نزد خدا از قیصر و کسری محترمتر و گرامیتری، و آنان چنان دستگاهی دارند، و تو بر حصیری می خوابی که در پهلویت جا انداخته و اثر گذارده. پیغمبر (ص) فرمود: نمی خواهی دنیا برای آنان و آخرت از آن ما باشد. از فضل: از حضرت صادق (ع): پرسیدم که تخت طلا کاری شده جایز است در خانه نگهداشته شود، فرمود: اگر طلا باشد نه، و اگر آب طلا باشد مانعی ندارد. از حضرت صادق (ع): گاهی که به نماز می ایستم و در برابرم فرشی است که بر آن تمثال مرغان نقش شده، من روی آن پارچه ای می افکنم، و از شام برایم فرشی آورده اند، که بر آن تمثالهای برجسته ای نقش شده است، دستور دادم که سر آن را دستکاری کردند و به صورت درخت در آوردند، و فرمود: شیطان آن موقع بر (گمراهی) انسان بیشتر همت می گمارد که تنها باشد. از امام هفتم (ع): جمعی بر حضرت باقر (ع) وارد شدند، و حضرت بر فرشی نشسته بودند که بر آن تمثالهایی نقش شده بود، در این باره از حضرت پرسش کردند، فرمود: تصمیم دارم آن را هبه کنم.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۵۰

از امام باقر (ع): مانعی ندارد که تمثال در خانه باشد اگر صورت آنها تغییری داده شود. از محمد بن مسلم: از امام ششم (ع) سؤال کردم در باره تمثال درخت و خورشید و ماه؟ فرمود: مانعی ندارد مادام که صورت حیوان در آن نباشد. از ابی العباس: از حضرت صادق (ع) پرسیدم در باره گفته خداوند متعال: «جنیان برای سلیمان هر چه می خواست از محرابها و تمثالها می ساختند» که مراد از این تمثال چیست؟ فرمود:

تمثال و عکسهایی که شبیه مردم باشد نبود، بلکه تمثال درخت و مانند آن بود. از ابی بصیر: به حضرت صادق (ع) گفتم: گاه برای خود زیراندازهایی گسترانیم که بر آنها تمثال است، فرمود: مانعی ندارد، اگر برای فرش و تکیه گسترده شود، بلکه آنچه را که بدیوار نصب گردد پسندیده نمی باشد. از عقیل بن عبد الرحمن، وی گوید: عمه ام همسر عقیل برادر علی (ع) بود،

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۵۱

و در کوفه بخانه علی (ع) وارد گشت، حضرت بر پلاسی کهنه و مندرس نشسته بود، در این بین همسر تمیمی امام (ع) وارد شد، بوی گفتم وای بر تو، خانه ات پر از اثاث است، و امیر مؤمنان بر چنین پلاسی بنشیند، وی پاسخ داد: مرا ملامت نکنید که امام هر چیزی را که ببیند ارزشی دارد آن را به بیت المال می سپرد. از شریک بن عبد الله: ...: علی (ع) را دیدم که نان خوراکی در زیر سر می نهاد (یعنی صندوق یا ظرف مخصوصی نداشت).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۵۲

باب هفتم در خوردن و آشامیدن و آنچه بآن دو مربوط است.

شامل ۱۳ فصل:

فصل اول (در فضیلت اطعام کردن و نیکی و احسان و روزه داشتن)

از کتاب من لا یحضره الفقیه - خداوند میفرماید: «هر چه انفاق کنید خداوند عوض آن را عنایت خواهد کرد، که خداوند بزرگترین روزی دهندگان است» «۱»، و خداوند انفاق کنندگان را مدح کرده میفرماید: «دیگران را در طعام اختصاصی خود

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۵۳

بر خویشتن بر می‌گزینند، و آنها که از بخل مصون بمانند، رستگار خواهند بود.» «۱» پیغمبر (ص) فرمود: آنکه سیر باشد و برادر مؤمن او گرسنه بماند ایمان ندارد، و هم آن کس که پوشیده باشد و برادر مؤمن او برهنه بماند ایمان ندارد، و حضرت این آیه را تلاوت فرمود: «هر که یقین داشته باشد که خداوند احسان‌های او را عوض میدهد سخی می‌گردد» «۲». امیر مؤمنان از مردی شنید که بخیل از ظالم معذورتر است، فرمود: دروغ گفتمی که ظالم گاه توبه و استغفار میکند و مال مردم را بر می‌گرداند، ولی بخیل بواسطه بخل از صدقه و زکاة و صلح و مهمانداری و انفاق در راه خدا و کار نیک سرباز می‌زند، و بهشت بر بخیل حرام است. از امام صادق (ع): نجات دهنده انسان سه چیز است: اطعام کردن و بلند سلام گفتن، و نماز شب خواندن در وقتی همه در خوابند. و از آن حضرت: اگر انسانی هزار درهم برای غذایی خرج کند که فقط یک

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۵۴

مؤمن از آن بخورد اسراف نمیباشد. پیغمبر (ص) فرمود: هر که بخدا و آخرت مؤمن باشد مهمان را گرمی می‌دارد، و هر که بخدا و جهان دیگر ایمان دارد، یا سخن نیکو گوید، و یا سکوت نماید. و می‌فرمود: میهمان خود را بآنچه زحمت اوست ملزم مکن. از امیر مؤمنان (ع): اول چیزی که در آخرت مورد رسیدگی و پاداش قرار می‌گیرد صدقه و احسان است. از امام باقر (ع): خداوند سیراب کردن تشنه را دوست دارد، و هر که تشنه‌ای سیراب کند (از چهار پا و غیر آن) در روزی که جز سایه عرش پناهی نیست خداوند در پناه عرش پناهش دهد. از امام صادق (ع): هر که کسی را در جایی که آب یافت شود سیراب کند چنان است، که بنده‌ای آزاد کرده، و هر کس در جایی که آب وجود ندارد بکسی آب دهد چنانست که انسانی را زنده کرده «و هر کس انسانی را زنده کند چنان است که همه مردم را زنده نموده» - (مائده / ۳۵).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۵۵

و از آن حضرت: از محبوبترین کارها نزد خداوند متعال سیر کردن مؤمن، و بر طرف نمودن اندوه و اداء بدهی اوست. از حضرت موسی بن جعفر (ع): هر که قدرت ندارد بما صلح و احسان کند شیعیان فقیر ما را صلح و احسان کند، و هر کس نمی‌تواند قبور ما را زیارت نماید، قبور برادران صالح ما را زیارت کند. از امام صادق (ع): پیغمبر (ص) فرمود: صدقه ده برابر و قرض دادن هجده، و صلح برادران (مؤمن) بیست، و صلح رحم به بیست و چهار برابر (پاداش دارد). و از آن حضرت: خداوند متعال فرماید: هیچ چیزی نیست جز آنکه کسی را برای گرفتن آن کفیل و مأمور کرده‌ام، جز صدقه که خود بدستم تحویل می‌گیرم، حتی انسان دانه خرما یا نیمه خرمایی صدقه می‌دهد، من آن را پرورش می‌دهم - آن طور که مرد گوساله‌اش را می‌پرورد، وی در قیامت مرا ملاقات میکند و (این صدقه او) باندازه احد یا بزرگتر خواهد بود. و از آن حضرت (ع): خداوند عز و جل اطعام در راه خدا را دوست دارد و آن کس را که در راه خدا اطعام می‌کند، دوست میدارد، و برکت در خانه او از اثر تیغه کارد در کوهان شتر سریعتر خواهد بود. از نبی اکرم (ص): اول کسانی که بیبهشت وارد شوند و هم بر لب حوض کوثر نزد

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۵۶

من آیند احسان و احسان کنندگان خواهند بود. از امام صادق (ع): هر که برادر مؤمن خود را صلّه و احسان کند، پیغمبر (ص) را صلّه و احسان کرده است. و نیز از آن حضرت (ع): خوبی و احسان را چون اسم آن (خوب) یافتم، و هیچ چیز برتر از احسان نیست مگر ثواب آن، و همین است علت خوبی آن، و چنین نیست که هر که احسان را دوست داشته باشد آن را انجام دهد، و هر که بکار نیک رغبت پیدا کند بانجام آن قدرت یابد، و هر کس بر آن قادر باشد ... بانجام آن اذن یابد، پس اگر میل و قدرت و اذن بر کار نیک برای کسی یک جا جمع شود، سعادت برای او کامل شده. و از آن حضرت (ع): بنظر من نیکی جز با سه خصلت صالح نباشد: کوچک شمردن آن، و پنهان داشتن آن، و عجله در انجام آن، که چون کار نیک را کوچک شمرد بزرگش ساخته‌ای، و چون پنهانش داشتی کاملش کرده‌ای، و چون عجله نمودی، گوارایش نموده‌ای و در غیر این صورت باطل و ناچیزش گردانیده‌ای.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۵۷

و از آن حضرت: اگر می‌خواهی بدانی که انسانی سعید است یا شقی، بنگر که کارهای خوب را برای چه کسی انجام میدهد، اگر برای آن کس که شایسته احسان است انجام دهد بدان که آدم خوبی است و اگر برای نااهل انجام میدهد بدان که نزد خدا پاداشی و از آن حضرت: نیکان شما سخاوتمندان و بخشندگان شما هستند، بدهای شما بخیلان شما میباشند و یکی از لوازم ایمان خالص، نیکی به برادران مؤمن و کوشش در راه حاجات ایشان است. و از آن حضرت: جوان گناهکار و سخاوتمند نزد خدا محبوبتر است تا پیرمرد عابدی که بخیل باشد. پیغمبر (ص) فرمود: آن کس که حقوق واجب الهی را بپردازد سخی‌ترین مردم است. و نیز فرمود: هیچ چیز مانند بخل اسلام را از بین نمی‌برد، بعد فرمود: بخل همچون راه رفتن مورچه است (که بی‌سر و صدا و آرام در انسان راه پیدا می‌کند) و چون شرک شاخه‌ها دارد. و نیز فرمود: صدقه دادن یک قرص نان بهتر است از قربانی لاغر.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۵۸

از حضرت باقر (ع): صدقه و احسان فقر را میبرد، و به عمر می‌افزاید، و مرگ فاجعه را از آدمی بر میگرداند. از امام ششم (ع): بدست خود صدقه دادن آدمی را از مرگ بد ننگه میدارد، و از هفتاد نوع بلا جلوگیری میکند، و شر هفتاد شیطان گمراه‌کننده را از سر انسان میگرداند که هر یک از آن شیاطین آدمی را بترک وظیفه میخواند. از نبی اکرم (ص): صدقه پنهانی آتش خشم خدا را فرو می‌نشاند. از امیر مؤمنان (ع): این گفته پیغمبر و ابکار بندید که هر کس دری از سؤال (گدایی) را بروی خود گشاید، خداوند دری از فقر برویش باز کند. از امام ششم (ع): هیچ بنده‌ای بدون ضرورت سؤال (گدایی) نکند مگر آنکه خداوند او را قبل از مرگ به سؤال نیازمند سازد. و از آن حضرت (ع): مردی به پیغمبر (ص) عرضه داشت که مرا چیزی یاد ده که با انجام آن خداوند در جهان بالا و مردم در زمین مرا دوست بدارند، حضرت فرمود:

بآنچه از نعمتها که نزد خداست میل و رغبت داشته باش تا خدا دوستت بدارد، و بآنچه بدست مردم است بی‌اعتنا باش تا مردم دوستت بدارند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۵۹

از امام باقر (ع): اگر سائل بداند که در سؤال و حاجت خواستن چه منقصتی است هیچ کس از دیگری سؤال نخواهد کرد، و اگر دهنده بداند در عطا کردن و بخشش چه فضیلتی نهفته است هیچ سائلی را رد نخواهد کرد.

و حضرت سجاد (ع): در ایامی که روزه دار بود، دستور میداد گوسفندی می آوردند و ذبح می نمودند و امام (ع) اعضای آن را قطعه قطعه میکردند و بدیگ میریختند و می پختند، و وقت افطار با شکم گرسنه بوی آن را استشمام می نمود، بعد دستور میداد ظرفهایی حاضر کنند، و برای خانواده ها غذا بکشند، سپس برای خود او نان و خرما می آوردند و افطار میکرد. از امام صادق (ع): هر کس روزه داری را افطار دهد بقدر ثواب او برایش خواهد بود. از نبی اکرم (ص): هر که سیر بخوابد و همسایه اش گرسنه باشد مؤمن نیست. و فرمود: هر کس روزه داری را افطار دهد (در ماه رمضان) ثواب آزاد کردن بنده برایش خواهد بود، و گناهانش آمرزیده گردد، گفتند یا رسول الله همگی توانایی افطار دادن نداریم؟ فرمود خداوند متعال کریم است و بآن کس که حتی یک جرعه

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۶۰

شیر و یا شربتی آب و یا دانه ای خرما افطار دهد و بیش از این نتواند همین ثواب را خواهد داد. از حضرت رضا (ع): افطار دادن به برادر (مؤمن) روزه دار بهتر است از روزه. و پیغمبر (ص) باصحاب فرمود: بشما خبر دهم از چیزی که اگر آن را انجام دهید شیطان از شما باندازه فاصله مشرق از مغرب از شما فاصله گیرد؟ گفتند آری یا رسول الله؛ فرمود: روزه روی شیطان را سیاه می کند، و صدقه کمرش را می شکند، و دوستی در راه خدا و اعانت در کار خیر بیچاره اش می سازد، و استغفار رگ گردنش را قطع میکند، بعد فرمود: هر چیز زکاتی دارد و زکاء بدن روزه است، و فرمود: روزه دار گر چه خواب باشد در حال عبادت است تا زمانی که مسلمانی را غیبت نکند. و فرمود: خداوند متعال فرماید: روزه برای من است و من پاداش آنم، و برای روزه دار دو خشنودی است: یکی هنگام افطار، دوم وقت ملاقات خداوند عز و جل و قسم بآن کس که جان محمد (ص) بدست اوست، بوی دهان روزه دار نزد خداوند از مشک خوشبوتر است. از امام صادق (ع): پیغمبر (ص) چندان روزه می گرفت که گمان می کردند دیگر

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۶۱

هیچ روزی غذا نخواهد خورد و باز چندان افطار می کرد که می گفتند دیگر روزه نخواهد گرفت، و باز یک روز در میان روزه می گرفت، و بعد مدتی دوشنبه ها و پنجشنبه ها روزه می گرفت، و بعد مدتی به سه روز روزه در ماه اکتفا می کرد: روز پنجشنبه اول ماه و چهارشنبه وسط و پنجشنبه آخر ماه. و می فرمود این روزه همه عمر است (یعنی ثواب روزه هر روز را دارد). و از آن حضرت (ع): هر کس در ماه سه روز روزه بدارد، با کسی مجادله نکند، جهالت بکار نبرد، و به قسم به الله شتاب نگیرد، و اگر کسی با او جاهلانه رفتار کرد تحمل نماید. از امیر مؤمنان (ع): روزه یکماه شکیبایی است، و روزه سه روز در هر ماه وسوسه ها و اندوه ها را می برد، و روزه سه روز در هر ماه روزه همه عمر است. خداوند متعال می فرماید: «هر کس حسنه ای انجام دهد ثواب ده برابر دارد» (سوره انعام/ ۱۶۱). از امام صادق (ع): سؤال شد، کسی که برایش سخت است روزه سه روز در هر ماه، عوض و فدیهای برای آن هست؟ فرمود آری: یک مد (چارک) طعام در هر روز. از علی (ع)، پیغمبر (ص) فرمود: هر کس یک روز روزه مستحبی بگیرد، خداوند

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۶۲

عز و جل او را به بهشت برد. از امام ششم (ع): افطار کردن در خانه برادر (مؤمن) هفتاد برابر بهتر است از روزه تو. و از آن حضرت: هر کس روزه دار باشد و بخانه برادر (مؤمن) خود رود و روزه اش را افطار کند، و از روزه خود خبر ندهد که منتی بر صاحب خانه باشد ثواب یک سال روزه برایش نوشته شود. پیغمبر (ص) وقت افطار می فرمود:

«اللهم لك صمت ...»

: خداوندا برای تو روزه گرفتم و با روزی تو افطار میکنم.»

فصل دوم (در آداب شستن دست و غیر آن)

از نبی اکرم (ص): هر که خواهد خیر و خوبی او زیاد ادامه یابد وقت غذا خوردن دستها را بشوید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۶۳

و فرمود: وضوء را کامل بگیرید تا خداوند پریشانیهای شما را بر طرف کند. و نیز فرمود: شستن دست پیش از غذا فقر را میبرد و بعد از غذا اندوه را بر طرف میکند، و چشم را سالم میدارد. از امام صادق (ع): هر که پیش و بعد از غذا دست را بشوید غذا از اول تا آخر بر او با برکت و گوارا گردد و مادام که زنده است در وسعت رزق باشد، و بدنش از بیماری در امان بماند. و فرمود: در دهان و دندانها سعد (عنصر خوشبو است) بگذارید، که دهان را پاکیزه می نماید و به نیروی جماع بیفزاید. و از آن حضرت (ع): هر کس قبل از طعام دست بشوید، و با حوله خشک نکند؛ تا وقتی که رطوبت در دست او باقی است در غذای او برکت خواهد بود. از نبی اکرم (ص): پس از غذا دست را با حوله پاک نکنید و آن را با دهان بلیسید. و از آن حضرت: در شستن دست قبل از غذا صاحب خانه اول از خود شروع کند بعد از طرف کسی که در طرف راست اوست و پس از پایان طعام از طرف چپ شروع نماید بی آنکه دست خود را اول بشوید که او برای صبر بر چربی دست اولی است،

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۶۴

و بعد از آن با حوله خشک کنند. روایت است که پیغمبر (ص)، چربی دست خود را می شست، و بعد دست بر سر و صورت می مالید و گفته اند حوله را بصورت می مالید و می فرمود: «خداوندا مرا از آنان قرار ده که چهره شان تیرگی و ذلت (در قیامت) نبیند». و از آن حضرت (ص): شستن دست قبل و بعد از غذا فقر را می برد چنان که سوهان کوره زنگ آهن را میبرد و تا زنده است در وسعت خواهد بود و فرشتگان بر کسی که انگشتان خود را در آخر غذا بلیسد رحمت می فرستند. و از آن حضرت است که: در وقت غذا خوش نمیداشت که طشت آب را (که دست را روی آن می شویند) بردارند تا پر شود و آبش ریخته شود، و بگوید هر که می - خواهد خیر خانه اش بسیار شود، وقت حاضر شدن غذا و بعد از آن دست را بشوید و از آن حضرت: چون دست خود را پس از غذا بشویی، با تری دست به چشمان بمال که امان از درد چشم خواهد بود. از صفوان جمال: روزی خدمت حضرت صادق (ع) بودیم. سفره آوردند، خادم

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۶۵

برای شستن دست آب و حوله آورد، حضرت حوله را رد کرد و فرمود دست خود را از حوله شستیم (یعنی از آلودگی های که در اثر تماس با این چیزها بدست رسیده دستها را شستیم). و از آن حضرت (ع): شستن دست قبل و بعد از غذا فقر را از بین میبرد، و روزی را زیاد می کند. از امام باقر (ع): شستن دست قبل و بعد از طعام فقر را می گدازد (از بین میبرد). از یونس: حضرت موسی بن جعفر نزد من به مهمانی نشسته بود، آب آوردند، خادم اول آن را بمحضر حضرت که در صدر مجلس بود برد، حضرت فرمود: از اولین فرد دست راست خود شروع کن، چون یکنفر دستش را شست خادم خواست ظرف آب را ببرد، امام فرمود بگذار باشد. از نزار: حضرت رضا را می دیدم که چون قبل از غذا دست می شست با حوله خشک نمی کرد و پس از غذا با حوله خشک می نمود. در کتاب موالید، پیغمبر (ص) چون پس از غذا دست خود را می شست، با رطوبت

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۶۶

آن به صورت می‌مالید و می‌فرمود: (سپاس خداوندی را که ما را هدایت کرد و ما را طعام و غذا داد ...»

فصل سوم (در آداب خوردن و آنچه بآن مربوط است)

از امیر مؤمنان (ع) روایت است بهنگام غذا خداوند عز و جل را یاد کنید و لغو مگوئید که غذا یکی از نعمتهای خدایی است که شکر آن بر شما واجب است و با نعمت پیش از آنکه از دست بشود بخوبی معامله کنید که نعمت از دست می‌رود و نسبت به صاحب نعمت آن طور که با آن عمل کرده شهادت می‌دهد. و فرمود: چون کسی بخوردن طعام می‌نشیند چون بندگان بنشینند و بر زمین غذا بخورد و پا را روی پا نیندازد و چهار زانو بنشیند که خداوند این گونه نشستن را دوست ندارد و آن کس را که این چنین (متکبرانه) بنشیند خدا را غضبناک می‌گرداند. از امام صادق (ع): نشستن سر سفره را طولانی کنید که آن مقدار که سر سفره

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۶۷

هستید از عمر شما حساب نشود. از امام صادق (ع): در سفره ۱۲ خصلت است که واجبست هر مسلمانی آن را بشناسد، چهار تا واجب و چهار تا سنت (مستحب) و چهار تا ادب. اما آن چهار که واجب است: معرفت (خداوند که نعمتها از اوست)، رضا (خشنود بودن بآنچه بتو اطعام کرده)، بسم الله گفتن، شکر. و اما چهار چیز مستحب و سنت: شستن دست قبل و بعد از طعام، بطرف چپ بدن تکیه کردن (متورک مثل وقت نماز)، با سه انگشت غذا خوردن، و انگشتان را لیسیدن. و اما آنچه از ادب است: از جلوی خود خوردن، لقمه را کوچک برداشتن، زیاد جویدن و بدیگران کم نگاه کردن. از عمرو بن قیس: در مدینه بر امام باقر (ع) وارد شدم، در برابر حضرت سفره‌ای گسترده بود، و غذا میل می‌فرمود، پرسیدم دستور سفره چیست؟ فرمود وقتی سفره را گستردی بسم الله بگو، و چون آن را برچینی، خدا را حمد کن، و آنچه در اطراف سفره می‌ریزد بر چین و بخور. پیغمبر اکرم (ص) فرمود: هر که پاره‌ای نان یا دانه‌ای خرما ببیند و آن را

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۶۸

بردارد و بخورد، از معده‌اش جدا نگردد مگر آنکه خداوندش بیامرزد. از حضرت رضا (ع): پیغمبر (ص) فرمود: آنچه از سفره می‌ریزد، (خوردنش ظ) مهریه حور العین می‌باشد. از محمد بن ولید: روزی در محضر حضرت جواد (ع) غذا می‌خوردم، وقتی سفره را برچیدم، غلام خواست خرده غذاها را برچیند، حضرت فرمود: آنچه در بیابان میریزد بگذار، و این کار را برای اطاق بگذار. از امام صادق (ع): حضرت خوردن و آشامیدن و برداشتن با دست چپ را مکروه میداشت. پیغمبر (ص) به علی (ع) فرمود: غذا را با نمک شروع کن و بنمک ختم نما که موجب شفاء هفتاد بیماری است، که بعضی از آنها دیوانگی و خوره و پیسی و درد شکم و دندان می‌باشد. از ابن عباس، پیغمبر (ص) فرمود: سه لقمه نمک بعد و قبل از غذا خوردن ۷۲ نوع بلا را می‌گرداند که از جمله آنها جنون و جذام است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۶۹

از امیر مؤمنان (ع): غذا را با نمک شروع کنید، که اگر خاصیت‌های نمک را میدانستید آن را بر همه داروهای مجرب برتری میدادید. از امام ششم (ع): ما غذا را با نمک شروع و به سرکه ختم می‌کنیم. نبی اکرم (ص) فرمود: سرکه خورشت خوبی است و فقر بخانه‌ای که سرکه در آن باشد راه نیابد. از امام صادق (ع): وقتی سفره گسترده شود چهار ملک گرد آن بنشینند، وقتی بنده خدا بسم الله گوید ملائکه به شیطان گویند دور شو که دیگر کاری نتوانی کرد، و اگر پس از غذا (الحمد لله) گویند، ملائکه گویند که این بنده شکر نعمت خدا را بگزارد، ولی اگر بسم الله نگویند ملائکه به شیطان گویند با این هم غذا شو. و اگر پس از غذا حمد خدا نکند، ملائکه گویند، که

این شخص نعمت خدا را فراموش کرد پیغمبر (ص) به علی (ع) فرمود: یا علی بهنگام غذا خوردن: (بسم الله) و بعد از غذا (الحمد لله) بگو، که فرشتگان موکل بر تو تا پایان غذا از نوشتن ثواب برای تو بیکار نمانند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۷۰

از امیر مؤمنان (ع): برای کسی که وقت غذا خوردن (بسم الله) بگوید ضمانت میکنم که هرگز از غذا شکایت نکند، ابن کوازه گفت یا علی (ع) دیشب وقت غذا خوردن بسم الله گفتم، و غذا مرا اذیت کرد، امام (ع) جواب داد غذاهای متنوع خورده‌ای و برای بعضی بسم الله گفته و برای بعضی نگفته‌ای ای احمق نادان. از امام صادق (ع): هر کس فراموشش می‌شود که برای هر نوع غذا جداگانه بسم الله گوید، بگوید:

«بسم الله علی اوله و آخره».

از امام صادق (ع): هر کس فراموشش می‌شود که برای هر نوع غذا جداگانه بسم الله گوید، بگوید:

«بسم الله علی اوله و آخره».

از امام صادق (ع): تاکنون بنا را احتی معده مبتلی نشده‌ام زیرا به هیچ غذایی شروع نکردم مگر آنکه بسم الله گفتم و از غذا فارغ نشدم مگر آنکه (الحمد لله) گفتم. و فرمود: شکم وقتی سیر شود طغیان میکند. از امیر مؤمنان (ع): روایت است که بفرزندش حسن (ع) فرمود: فرزندم هیچ لقمه‌ای بر دهان نگذار، و هیچ آشامیدنی منوش، مگر آنکه قبل از خوردن و آشامیدن بگویی: «خداوندا از تو مسألت دارم که با این خوردنی و نوشیدنی بمن

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۷۱

سلامت بخشی و توفیق ذکر خودت و شکر بر نعمت‌هایت عنایت کنی، و بر عبادت خود دلیر گردانی و احتراز از گناه را بمن الهام نمایی»، امام فرمود: اگر این عمل را انجام دهی از رنج و زیانهای آن در امان باشی. پیغمبر (ص): وقتی که سفره پهن میشد میفرمود: «خداوندا این سفره را نعمت مشکور برایم قرار ده (یعنی توفیق شکر آن را بمن عنایت کن)، که نعمت بهشت را در پی آن باشد» و چون دست به طعام می‌برد میفرمود: «بسم الله خداوندا روزی خود را بر ما مبارک گردان و عوض آن را بر عهده خود قرار ده». حضرت زین العابدین (ع) وقت غذا خوردن می‌فرمود: «سپاس خداوندی را که بما غذا و آب داد، و ما را کفایت کرد، یاری فرمود، و پناه داد، و بما احسان نمود سپاس خدایی را که اطعام می‌کند و طعام نمی‌خواهد». از امام باقر (ع): سلمان چون دست از طعام می‌کشید می‌فرمود: «خداوندا نعمتت را بر ما بسیار و پاکیزه گرداندی، باز هم بر آن بیفزای، و ما را از آب و غذا سیر گردانیدی، و این همه را بر ما گوارا بدار». از امام صادق (ع) نقل شده که چون غذا میل می‌کرد، می‌فرمود: «سپاس خداوندی را که ما را در بین گرسنگان اطعام و در میان تشنگان سیراب نمود و در میان

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۷۲

برهنگان پوشش داد، و در میان گمراهان هدایت بخشید، و در بین پیادگان سواره، قرار داد، و در بین بی‌پناهان پناه داد و در میان مردم آقا گردانید، و بر بسیاری از جهانیان برتری بخشود». و پیغمبر (ص) فرمود: چون سفره را برچینند بگو: «سپاس آفریدگار عالمیان را، بار خدایا این سفره را برای من نعمت مشکور قرار ده» (یعنی توفیق شکر آن را بمن عنایت کن). از کتاب النجاة: دعا وقت غذا خوردن:

«شکر خدایی را که اطعام می‌کند و طعام نمی‌خورد، و پناه می‌دهد و نیاز به پناه ندارد، و از همگان بی‌نیاز است و همه باو نیازمندند، خداوند ترا به غذاهایی که بدون رنج و مشقت و در حال راحتی و عافیت بمن روزی کرده‌ای سپاس می‌گویم، بنام خداوند بهترین نامها، پروردگار زمین و آسمانها، بنام خداوندی که با نام وی هیچ چیز زیان نرساند، خداوند شنوا و دانا. خداوند مرا از خیر این غذا برخوردار کن، و از شر و زیان آن در امان بدار».

و دعاء پس از غذا: سپاس خدایی را که مرا اطعام کرد و سیراب گردانید و مرا پناه داد و حفظ نمود، سپاس خداوندی را که برکت و میمنت نعمتهایی را که بآن رسیده

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۷۳

یا نرسیده‌ام بمن شناسانید. خداوند این غذا را بر من گوارا کن و سبب بیماری و مرگ من قرار مده، و بعد از آن هم مرا سالم و شکرگزار بدار و به کوشش و مواظبت بر اطاعت خود موفق فرما و روزی فراوان و پر برکت، و زندگی خوش و بادوام بمن عنایت کن و هم مرا پاکیزه و پارسا و نیکوکار و با تقوی بدار و آنچه را که در معاد و آخرت بمن می‌رسد وسیله خوشی و سرور من قرار میده، برحمت خود ای بهترین رحمت آرنندگان». از محمد بن جعفر بن عاصم ... از جدش: با جمعی از اصحاب حج کردیم، و از آنجا بمدینه رفتیم، در مدینه بدنبال مکانی می‌گشتیم که در آن منزل کنیم، در بین راه غلام موسی بن جعفر (ع) را دیدیم که بر الاغی نشسته و غذا می‌برد، ما در بین نخل‌های خرما فرود آمدیم، امام (ع) نیز تشریف آورد و نشست، طشت آبی برایش آوردند، اول خود دستش را شست، و بعد از طرف راست حضرت دست همگی را تا به آخر شستند، بعد غذا آوردند، حضرت از نمک شروع کرد، بعد فرمود بخورید «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بعد سرکه آوردند، بعد کتف بریان گوسفندی را آوردند، فرمود بخورید «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» این غذایی است که پیغمبر (ص) آن را خیلی دوست می‌داشت، بعد زیتون آوردند، فرمود: بخورید: «بنام خداوند رحمان و رحیم»

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۷۴

این غذایی است که فاطمه (ع) آن را خیلی دوست داشت، بعد آبگوشت آوردند، فرمود بخورید «بنام خدا» این غذایی است که امیر مؤمنان (ع) دوست می‌داشت، بعد خورش بادمجان با گوشت آوردند، حضرت فرمود: بخورید بنام خداوند رحمان و رحیم این غذایی است که حضرت حسن بن علی (ع) دوست داشت بعد شیر آوردند که در آن تردید کرده بودند؛ فرمود: بخورید بنام خداوند رحمان و رحیم که این غذایی است که حسین بن علی (ع) دوست داشت بعد ماهیچه خنک آوردند، فرمود: بنام خداوند رحمان و رحیم میل کنید، و این غذایی است که علی بن الحسن (ع) آن را دوست می‌داشت، بعد پنیر آوردند، حضرت فرمود بنام خداوند رحمان و رحیم میل کنید این غذایی است که حضرت محمد بن علی (ع) دوست داشت. بعد ظرفی آوردند که در آن کوکو بود فرمود: میل کنید بنام خداوند رحمان و رحیم، این غذایی است که آن را حضرت صادق (ع) دوست می‌داشت، بعد حلواء آوردند فرمود بخورید بنام خداوند رحمان و رحیم، این غذایی است که آن را من دوست دارم. بعد از غذا سفره بر چیده شد یکنفر بلند شد که خرده‌های غذایی که از سفره ریخته بود جمع کند فرمود: جمع

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۷۵

نکن این کار برای خانه‌های سقف‌دار است ولی در اینجا (باغستان) خرده عدا مورد استفاده پرندگان و حیوانات قرار می‌گیرد، بعد خلال آوردند فرمود: قاعده خلال اینست که زبان را دور دهان بگردانی هر چه با زبان بیرون آمد فرو بری، و هر چه در لای دندانها باقی ماند با خلال بیرون آوری، و دور بیندازی، بعد طشت و آب آوردند، از دست چپ حضرت شروع کردند و دست همه را تا آخر بشستند، بعد

حضرت فرمود: ای عاصم، در دوستی و نیکوکاری نسبت بهم چگونه‌اید؟ گفتم: به بهترین وجه ممکن، پرسید: آیا می‌شود که یکی از شما بمنزل برادر مؤمن خود برود و او در خانه نباشد، دستور دهد که کیسه پول او را بیاورند و مهر آن را بشکنند، و بقدر نیاز از آن بردارد، و کسی بر او ایراد نگیرد. گفتم نه، فرمود پس به بهترین وجه ممکن دوست و نزدیک بهم نیستید. از حضرت صادق (ع): در حال راه رفتن چیزی مخور مگر مجبور و مضطر باشی. از عمر بن ابی شعبه: هرگز ندیدم در حال تکیه داده غذا بخورد، و امام (ع) پیغمبر (ص) را بیاد آورد و فرمود: پیغمبر (ص) تا وقت وفات هرگز تکیه داده غذا نمی‌خورد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۷۶

امیر مؤمنان (ع): فرمود: هر چه از سفره بریزد (خرده‌های غذا) شفاء همه دردها است برای کسی که قصد استشفاء بآن را داشته باشد. از انس: پیغمبر (ص) فرمود: هر که خرده‌های غذایی که از سفره می‌ریزد بخورد تا زنده است در وسعت رزق خواهد بود و فرزندش و فرزندان فرزندش از جدام در امان خواهند بود. و نیز پیغمبر (ص) فرمود: فوت کردن و دمیدن، به غذا برکت را می‌برد. پیغمبر (ص) ابو ایوب انصاری را دید که خرده‌های غذا را که از سفره افتاده جمع می‌کند، حضرت فرمود: زندگی تو پر برکت باد، ابو ایوب گوید عرضه داشتم یا رسول الله (ص)! این دعا برای دیگری هم هست: فرمود: آری، آنچه را تو خوردی (از خرده‌های غذا) هر کس بخورد همین دعا برای او نیز می‌باشد، و فرمود: هر که چنین کاری کند خداوند او را از دیوانگی و جدام و پیسی و زرداب و کودنی نگهدارد. از عالم، ع (مراد امام هفتم، ع است) حدیث شده است که فرمود: سه چیز است که مؤمن بخاطر آنها تحت حساب کشیده نمی‌شود، غذایی که می‌خورد (و ضروری است)، و جامه‌ای که می‌پوشد، و همسر صالحی که در زندگی مددکار اوست، و بوسيله

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۷۷

او دین خود را نگه می‌دارد. از علی (ع): غذای گرم را بگذارید تا سرد شود که پیغمبر (ص)، هر گاه برایش غذای داغ می‌بردند می‌فرمود بگذارید سرد شود، خداوند آتش بما اطعام نکرده.

و برکت در غذای خنک است و غذای داغ برکت ندارد. و نیز فرمود (ع): هر کس لقمه را (خوب) بجود و بمکد فرشتگان برایش دعا می‌کنند، که روزیش زیاد شود و حسناتش مضاعف گردد. و نیز فرمود: هر کس گرسنه غذا بخورد، و خوب غذا را بجود، و هنوز به غذا اشتها دارد (قبل از سیری) از طعام دست بکشد و مدفوع خود را نگه ندارد، بهیچ بیماری جز مرض موت گرفتار نیاید. از امام صادق (ع)، پیغمبر (ص): چون میوه‌ای تازه برایش می‌بردند آن را می‌بویید و بر چشم می‌نهاد، و می‌فرمود: (خداوند) چنان که اول میوه را در حال سلامت و عافیت بما دادی تا آخر آن همچنان ما را در عافیت و سلامت نگهدار. و از آن حضرت: پیرمرد خوب نیست بخوابد مگر با شکم پر از طعام، که خوابش گوارتر و دهانش خوشبوتر خواهد بود.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۷۸

از پیغمبر (ص): شگفتا از کسی که از ترس بیماری از غذا پرهیز می‌کند، چطور از ترس آتش دوزخ از گناه نمی‌پرهیزد. از امام صادق (ع): هر گاه به مهمانی دعوت شدید، فرزندان را با خود نبرید که حرام خورده‌اید و گناهکار وارد (مهمانی) شده‌اید. و نیز از آن حضرت (ع): با شکم سیر غذا خوردن پیسی می‌آورد. و نیز آن حضرت (ع): پیغمبر (ص) می‌فرمود: هر که بیشتر آروغ زند در قیامت گرسنه‌تر خواهد بود (کنایه از آنکه بسیار پرخوری در دنیا موجب گرسنگی در عقبی است). و از آن حضرت (ع): اگر یکنفر بر سر سفره بسم الله گوید اجر و ثواب آن به همگی داده می‌شود. و از آن حضرت (ع): چون سفره پهن شود: (بسم الله) مگو، و وقت خوردن بگو

(بسم الله علی اوله و آخره)

و پس از برچیدن سفره بگو

«الحمد لله».

و نیز از آن حضرت روایت شده: وقتی چند ظرف غذا بر سفره هست برای خوردن از هر کدام

«بسم الله»

بگو، پرسیدم: اگر فراموش کنم؟ فرمود اول بگو

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۷۹

«بسم الله علی اوله و آخره».

از حضرت رضا (ع): پس از غذا به پشت بخواب و پای راست را بر پای چپ بگذار. امام صادق (ع): فرمود: پر خوری مکروه و ناپسند است (و زیانبخش). و از آن حضرت (ع): هر کس بر سفره‌ای که دعوت نشده غذا بخورد قطعه‌ای آتش خورده است. از کتاب زهد امیر مؤمنان (ع) از امام ششم (ع): .. از امیر مؤمنان علیهم السلام:

از گناهان بپرهیزید که بلایی بدتر و زشت‌تر و سخت‌تر از گناهان نیست، و خداوند روزی را بر کسی حرام نمی‌کند مگر بواسطه گناهی که از او صادر شده، گرچه خراش و جراحت یا مصیبتی باشد چنان که خداوند فرماید: «هر مصیبتی که بشما رسد بواسطه کارهایی است که انجام داده‌اید و تازه بسیاری از گناهان شما را عفو می‌کند «۱» وقت غذا خوردن خدا را بسیار یاد کنید و سرکش مباشید که غذا یکی از نعمتها و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۸۰

روزی‌های الهی است که شکرش بر شما واجب می‌باشد، با نعمتها پیش از آنکه از دستتان برود خوب رفتار کنید که نعمتها از دست می‌رود و هر طور که صاحب نعمت با آنها رفتار کرده شهادت می‌دهد هر کس از خدا بروزی کم قانع و خشنود باشد خداوند به عمل کم از او راضی خواهد بود. بپرهیزید از کوتاهی در وظیفه که موجب حسرت می‌شود در وقتی که حسرت سودی نبخشد چون در میدان جنگ با دشمن روبرو شوید کم- حرف بزنید، و خدا را بسیار بیاد آرید و بدشمن پشت نکنید که خدا را بغضب آرید، و هر کس می‌خواهد بداند که مقام و منزلتش در نزد خدا چو نیست، بنگرد که وقت گناه کردن خداوند در نظرش چگونه است، که اگر منزلت خدا در نزد او چندان بزرگست که مانع گناه او می‌شود مقام او نیز در نزد خدا همین طور می‌باشد. مروک بن عبید گوید، از حضرت صادق (ع)، پرسیدم: کسی از مزرعه گندمی می‌گذرد میتواند سنبلی از آن بردارد؟ فرمود: نه. گفتم یک سنبلی ارزشی ندارد، فرمود: اگر هر عابری سنبلی از مزرعه بردارد چیزی از مزرعه باقی نخواهد ماند. از فضل بن یونس، وی گوید: روزی خادم منزل بمن وارد شد و گفت: مردی بنام

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۸۱

موسی بن جعفر (ع) بر در خانه ایستاده، گفتم ای غلام اگر این آقا همانست که من خیال می‌کنم تو برای خدا آزادی؟ و من فوری بطرف در دویدم و امام (ع) را بر در خانه دیدم. عرضه داشتم آقای من بفرمائید. حضرت از مرکب فرمود آمد و وارد شد من جلو رفتم که او را ببالای اطاق ببرم، فرمود: بهتر است صاحب خانه در بالای خانه بنشیند، مگر آنکه مرد هاشمی در مجلس باشد، عرض کردم: جانم فدایت شما هم که هاشمی هستید؟ بعد گفتم فدای شما غذای حاضری برای رفقا آماده شده اگر مایلید بیاوریم؟ فرمود: ای فضل مردم به غذای حاضری میلی نشان نمی‌دهند (و با بی‌اعتنایی) می‌گویند غذای حاضری!!! ولی من در آن عیبی نمی‌بینم، بیاوردید. من بغلام دستور دادم ظرف آب آوردند، امام (ع) فرمود: شکر خداوندی را که برای هر چیزی دستوری و قاعده‌ای قرار داد. گفتم قاعده و دستور این (شستن دست قبل از غذا) چیست؟ فرمود: صاحب خانه اول دست خود را بشوید تا مهمانان بی‌خجلت دست بشویند بعد از طرف راست خود شروع کند و دست همه را بشوید، و چون ظرف آب حاضر شد حاضران بسم الله بگویند و چون آن را ببرند (خدا را حمد کنند) پس از شستن دست ما گفتیم سفره آوردند. پرسیدم دستور سفره چیست؟ فرمود وقت گستردن سفره (بسم الله) بگوید و وقت جمع کردن سفره خدا را حمد نماید.

خلال آوردند پرسیدم قاعده و دستور خلال چیست؟ فرمود: سر خلال را بشکن

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۸۲

که تیزی آن لثه را خونی و مجروح نکند. بعد ظرف آب آوردند پرسیدم دستور این چیست؟ فرمود از جای شکسته آن (اگر شکستگی دارد)، نیاشامی که شکستگی آن نشیمن شیطان است و وقت نوشیدن بسم الله بگو، و پس از نوشیدن خدا را حمد کن و پس از غذا صاحب خانه آخر و بعد از همه دست خود را بشوید.

بعد فرمود: امیر مؤمنان (ع) دستور می‌دهد که برای فلان خانواده ده هزار درهم بفرستی و من دوست دارم که این دستور را اکنون انجام دهی. گفتم فدایت شوم اگر این پول از دستم برود یکدرهم آن بمن بر نخواهد گشت، فرمود: از خانه خارج شو که پول به آنها نمیرسد و باز می‌گردد ان شاء الله و بخدا قسم هنوز به آنها نرسیده بود که ده هزار درهم بمن باز گردید (تا آخر خبر). پیغمبر (ص) فرمود: در راه غذا خوردن از پستی است. مردی از پیغمبر (ص) سؤال کرد: ما غذا می‌خوریم ولی سیر نمی‌شویم. فرمود:

شاید بطور متفرق غذا می‌خورید دسته جمعی بدور سفره بنشینید، و نام خدا را بر سر سفره یاد کنید تا غذا را وسیله برکت شما قرار دهد. پیغمبر (ص) فرمود: وقتی سفره پهن می‌شود حاضران باید از جلوی خود

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۸۳

بخورند و از جلوی دیگری نخورند، از وسط بشقاب نخورند، که از قسمت بالای آن (وسط ظرف غذا) خوردن برکت را از بین می‌برد و اگر سیر شود (قبل از دیگران) دست از طعام نکشد که این کار موجب خجلت آنها می‌شود و چه بسا که هنوز احتیاج به غذا داشته باشند (دست می‌کشند). انس گوید: پیغمبر (ص) هرگز بر خوان و سینی غذا نخورد و نیز از نان سفید (سبوس گرفته) میل نفرمود، پرسیدند بر چه چیز غذا می‌خورد؟ گفت بر سفره. از ابی جحیفه: بنزد پیغمبر (ص) رفتم در حالی که از سیری آروغ می‌زدم، پیغمبر فرمود: ای ابا جحیفه آروغ کم بزن (یعنی کم بخور) که هر کس در دنیا سیرتر بخورد در آخرت گرسنه خواهد بود. و پیغمبر (ص) فرمود: نور حکمت گرسنگی است، و دوری از خدا سیری است و قرب بخدا دوستی با فقیران و بینوایان و نزدیک شدن بآنهاست. و نیز فرمود: دلها را با آب و غذای بسیار نمیرانید، که دل آدمی چون زراعت است که اگر آب زیاد بخورد فاسد می‌شود.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۸۴

و نیز فرمود: سیر و پر غذا مخورید که نور معرفت را در دل شما خاموش می‌سازد، و هر که شب با شکم سبک نماز بخواند در آن شب حور العین اطراف او خواهند بود. از نبی اکرم (ص) سؤال شد: چه چیز آدمی را بیشتر بدوزخ می‌برد؟ فرمود:

شکم و شهوت. پیغمبر (ص) فرمود: هر که حلال بخورد ملکی بر بالای سرش بایستد و برایش استغفار نماید تا از غذا دست بکشد. و نیز فرمود: چون لقمه‌ای حرام به شکم بنده داخل شود، همه فرشتگان آسمان و زمین او را لعنت کنند، و تا وقتی که آن لقمه در شکم اوست خداوند باو نظر ننماید، و هر کس لقمه‌ای حرام بخورد خشم خدا را برانگیخته است، و اگر توبه کند خدا توبه‌اش را می‌پذیرد. و اگر بمیرد (بی‌توبه) آتش دوزخ بوی نزدیک خواهد بود.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۸۵

فصل چهارم (در آداب آشامیدن و آنچه بدان مربوط است)

از نبی اکرم (ص): ظرف طلا و نقره را کسانی بکار می‌برند که بخدا یقین ندارند. از حضرت صادق (ع) فرمود: جایز نیست در ظرف طلا و نقره آشامیدن و خوردن. از حضرت باقر (ع): در ظرف طلا و نقره غذا نخورید. از حضرت صادق (ع) روایت است که فرمود: آشامیدن در ظرف نقره و جام نقره نشان مکروه است و ناپسند، و نیز مکروه است شانه و روغندان نقره نشان باشد، و اگر کسی مجبور است در ظرف نقره نشان بیاشامد مواظب باشد دهان او بجای نقره نشان نخورد. و روایت است که حضرت آب طلبید، برایش کاسه مسی پر آب آوردند، یکنفر

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۸۶

از حاضران گفت: عباد بصری آشامیدن از ظرف مسی را بد میدانند. حضرت فرمود:

از او بپرس که از ظرف طلا یا نقره بیاشامم؟! از حضرت صادق (ع) سؤال کردند که با یک نفس آب خوردن چگونه است؟

فرمود: اگر بنده آب می‌خورد به سه نفس و اگر آزاد است به یک نفس بیاشامد (ظاهراً علت اینکه آزاد بیک نفس بخورد اینست که بنده و نوکر برابر او معطل نشود). و به روایت دیگر که صحیحتر می‌باشد از امام (ع) آمده که: به سه نفس آشامیدن بهتر است از یک نفس خوردن، و امام مکروه می‌داشت که شبیه شتر آب بخورد.

دعاهایی که برای وقت نوشیدن آب روایت شده

«شکر خدایی که از آسمان آب نازل می‌کند، و کارها را هر گونه بخواهد به انجام میرساند، بنام خدا بهترین نامها». از امام صادق (ع): جمعی نزد پدرم آمدند و از او سؤال کردند که شما نظرتان اینست که هر چیزی دستوری دارد. پدرم فرمود: آری و برای آنها آب خواست.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۸۷

آنان گفتند: ای ابا جعفر (لقب امام پنجم، ع) این کوزه نیز چیز است؟ فرمود: آری.

گفتند: دستور و قاعده آن چیست؟ فرمود: دستور و قاعده آن اینست که از دهانه آن بنوشید و وقت آشامیدن خدا را یاد کنید، و با سه نفس بیاشامید و با هر نفس خدا را حمد نمایید و از سر لوله کوزه آب نخورید که جای نوشیدن شیطان است، بعد از نوشیدن می‌گویید: سپاس خداوندی را که مرا آب داد و سیراب گردانید، و بمن عطا کرد و مرا خشنود ساخت، و عافیت داد و کفایت نمود. خداوند مرا از آن دسته قرار ده که در قیامت از حوض محمد (ص) سیراب می‌کنی و به رفاقت او سعادت می‌بخشی، برحمت خود ای بهترین رحم آرنندگان. از عبد الله بن مسعود: پیغمبر (ص) آب را به سه نفس می‌خورد و در اول هر نفس بسم الله می‌گفت و در آخر خدا را حمد می‌نمود. از انس: پیغمبر (ص) از ایستاده آب خوردن نهی فرمود، پرسیدند ایستاده غذا خوردن چطور؟ فرمود: بدتر است. ولی در یک روایت آمده که حضرت ایستاده آب خورد. از امام صادق (ع) پرسیدند طعم آب چگونه است؟ فرمود: طعم حیات دارد. و نیز فرمود: آب را با سه نفس بخورید و در هر نفس خدا را سپاس گوید شکر اولی شکر آب است، و دومی شیطان را طرد می‌کند، و سومی شفاء درون

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۸۸

بدن می‌باشد. از ابن عباس: پیغمبر (ص) را دیدم که آب را به دو نفس آشامید. از موسی بن جعفر (ع): در باره دستور آب خوردن پرسیدند؟ فرمود:

دستور آب خوردن آنست که اگر کوزه، شکستگی دارد از جای شکسته نیاشامی که نشیمن شیطان است، و اول آشامیدن (بسم الله) بگویی و پس از آن خدا را حمد کنی. از عمر بن قیس که گوید: در مدینه وارد بر امام پنجم (ع) شدم، در مقابل حضرت کوزه‌ای بود، پرسیدم دستور این کوزه چیست؟ فرمود: از دهانه آن آب بخور، و (بسم الله) بگو و چون کوزه را از دهان برداشتی خدا را حمد کن، و از جای بند و دسته آن آب نخور که نشیمن شیطان است. پیغمبر (ص) فرمود: هر گاه مگسی در ظرف شما افتاد آن ظرف را در آب فرو برید، که یک بال مگس آلوده به بیماری است و در بال دیگرش شفا است. و مگس بال آلوده‌اش را در ظرف فرو می‌برد. پس همه ظرف را در آب فرو برید و او را بیرون اندازید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۸۹

فصل پنجم (در آداب خلال کردن)

از وهب بن عبد ربه: حضرت صادق (ع) را دیدم که خلال می‌نمود، من نگاه می‌کردم، امام فرمود: پیغمبر (ص) دهنش پاکیزه و طیب بود ولی خلال می‌نمود، و در خبر دیگر است که یکی از حقوق مهمان اینست که برایش خلال آورند. و فرمود: زبان را دور دهان بگردان هر چه با زبان در آمد فرو ببر، و آنچه را با خلال بیرون آوری از دهان بیرون افکن. فضل بن یونس از حضرت صادق (ع) در دستور خلال پرسید. فرمود: سر خلال را بشکن که لته ترا زخم نکند و از آن خون جاری نسازد. از امام ششم (ع): سرمه دهان را پاکیزه میکند، و خلال روزی را زیاد می‌نماید. سعد بن معاذ گوید: پیغمبر (ص) فرمود: دهانتان را با خلال پاکیزه کنید، که

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۹۰

دهان جایگاه دو ملکی است که اعمال ترا می‌نویسند، مرکبشان آب دهان و قلمشان زبان است. و هیچ چیز برای آنها بدتر از باقیمانده غذا در دهان نمی‌باشد. از علی (ع): خلال با چوب شوره گز موجب فقر شود. از حضرت رضا (ع): با چوب انار و شاخه ریحان خلال نکنید که رگ جذام را بحرکت آرد، پیغمبر (ص) با هر چوبی که بدستش میرسید خلال می‌کرد مگر با چوب خرما و نی. پیغمبر (ص) فرمود:

خداوند خلال کنندگان امتم را در وقت وضو و غذا رحمت کند. و از امام هفتم (ع): منادی ای از آسمان فریاد کند که: خداوندا خلالین و متخللین را برکت ده و سرکه چون مرد صالحی است که برای اهل خانه برکت آرد.

راوی گوید: از امام (ع) پرسیدم خلالین و متخللین کیانند؟ فرمود: خلالین آنهایند که سرکه در خانه دارند و متخللین خلال کنندگان میباشند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۹۱

و نیز فرمود: خلال را جبرئیل از آسمان با شاهد و قسم بر پیغمبر (ص) نازل کرد. و از امام ششم (ع)، پیغمبر (ص) فرمود: پس از غذا خوردن خلال کنید که دهان و دندان را سالم نگه میدارد و روزی را جلب میکند. از حضرت رضا (ع) ... حسین بن علی فرمود: امیر مؤمنان بما امر می کرد که پس از خلال آب نخوریم تا سه بار مضمضه کنیم (و آب را در دهان بگردانیم و بریزیم). از محمد بن حسن روایت شده که: هر کس بانی خلال کند، هفت روز حاجتش بر آورده نگردد. از امام صادق (ع): بانی خلال نکنید و اگر مجبور شدید پوست لزوج و چسبنده آن را بکنید. پیغمبر (ص): از خلال بانی و چوب انار نهی کرد، که جذام را تحریک میکنند. از امام کاظم (ع)، پیغمبر (ص) فرمود: خلال کنید که بدترین چیزها برای ملائکه اینست که در لای دندانها غذا ببینند. از انس از پیغمبر (ص): آفرین بر خلال کنندگان امتم.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۹۲

پیغمبر (ص): هر کس بخور می کند طاق بخور کند، که اگر این چنین کند کار خوبی کرده ولی اگر نمود اشکالی ندارد، و هر کس سرمه می کشد طاق بکشد، که هر کس چنین کند کار خوبی نموده و هر که نکرد مهم نیست هر کس غذا خورد و خلال نماید آنچه را که با خلال از لای دندان در آید نخورد، و آنچه با حرکت زبان بیرون آید ببلعد.

فصل ششم (آنچه در باره نان وارد شده)

از امیر مؤمنان (ع): نان را گرمی شمارید، که خداوند عز و جل آن را از برکات آسمان فرستاده و از برکات زمین بیرون آورده، پرسیدند اکرام آن چیست؟

فرمود گرمی داشتن نان آنست که دور و زیر پا نریزید. و از آن حضرت (ع): نان را گرمی بدارید که خداوند عز و جل آن را از برکات آسمان فرستاده است، پرسید گرمی داشتن نان چیست؟ فرمود: وقتی بر سفره گذارده

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۹۳

شد بانتظار غذای دیگری نباشید (بآن بچشم بی اعتنایی منگرید). پیغمبر (ص)، فرمود: خداوندا به نان ما برکت ده، و بین ما و آن جدایی مینداز، که اگر نان نباشد نماز نمی خوانیم (نمی توانیم بخوانیم) و روزه نمیگیریم، و واجبات الهی را انجام نمیدهیم. از امام صادق (ع) که فرمود: نان را گرمی بدارید که برای ایجاد آن همه موجودات بین عرش و زمین بکار افتادهاند. و از آن حضرت: بدن آدمی بر نان پایه گذاری شده.

در نان جو

از امام ششم: قوت پیغمبر (ص) نان جو و شیرینی او خرما و خورشید او روغن زیتون بود. از حضرت رضا (ع): برتری نان جو بر نان گندم چون برتری ماست بر مردم،

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۹۴

هیچ پیغمبری (ص) نبود مگر آنکه برای خورندگان نان جو دعا می کرد، و نان جو وارد هیچ بدنی نشود جز آنکه همه بیماریها از آن بیرون رود، نان جو قوت پیامبران و غذای نیکان است، و خداوند ابا دارد که خوراک انبیاء را به اشقیاء دهد. از امام صادق (ع): اگر خداوند در چیزی بیشتر از جو شفا سراغ داشت همان را خوراک انبیاء قرار میداد.

در نان برنج

از آن حضرت (ع): هیچ چیز مانند برنج در بدن مسلمین وارد نشده، که بیماری را از بدن بیرون می کشد. و نیز فرمود: برنج داروی خوبی است، و طبیعت آن خنک است، از هر بیماری عاری می باشد. از حضرت رضا (ع) ... پیغمبر (ص) فرمود: بهترین غذای دنیا و آخرت گوشت و برنج است.

در نان ارزن

از امام ششم (ع): ارزن به معده سنگینی ندارد و خوردن آن با شیر لینت بیشتری میدهد و برای معده نافعتر میباشد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۹۵

فصل هفتم (در منافع آبها)

از حضرت صادق (ع): آقای آشامیدنی های بهشت آب است. از ابی طیفور طیبی: وی گوید به حضرت رضا (ع) (ابی الحسن الماضي) وارد شدم و او را از آشامیدن آب نهی کردم، فرمود: ضرر آب چیست؟ که غذا را در معده حل می کند، صفراء را از بین میبرد، و غضب را فرو می نشاند، و به عقل آدمی می افزاید، و حرارت بدن را تسکین میدهد. از یاسر خادم حضرت رضا (ع): امام (ع) فرمود: روی غذا آب زیاد خوردن مانعی ندارد، بعد فرمود: گمان میکنی که اگر انسان این گونه غذا بخورد: - حضرت هر دو دست را جمع کرد- و بعد روی آن آب نخورد، شکم او پاره نمیشود؟ (و در بعض نسخه ها: به امتلاء معده دچار نمیگردد).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۹۶

در آب زمزم

از حضرت صادق (ع): آب زمزم شفاء هر بیماری است. و از آن حضرت (ع): آب زمزم شفاء است برای کسی که قصد شفا گرفتن داشته باشد. و در حدیث دیگر است که: آب زمزم شفاء هر بیماری است، و امان از هر ترسی و خوفی است.

در آب ناودان

از صارم (از اصحاب حضرت صادق ع): یکی از اصحاب ما بیمار شد چنان که به حال احتضار افتاد، بملاقات حضرت صادق (ع) رفتیم، امام (ع) پرسید: صارم! حال فلان (شخص مریض) چون است؟ گفتم فدای شما در حال احتضار است، فرمود: من اگر جای شما بودم، باو آب

ناودان میدادم. من برای بدست آوردن آب باران بهمه جا سر زدم ولی پیدا نکردم، در این بین ابری پیدا شده و رعد و برقی بر آورد، و شروع بباریدن کرد، من به یکی از مسجیدیان مراجعه کردم، درهمی باو دادم، و کاسه‌ای از آب ناودان از وی گرفتم، و آن را بنزد بیمار بردم و باو خورانیدم، هنوز از پیش او نرفته بودم که قاووتی خورد و بهبودی یافت.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۹۷

در آب آسمان باران

امیر مؤمنان (ع) فرمود: آب باران بیاشامید، که بدن را پاک و بیماریها را دفع میکند. خدای متعال می‌فرماید: «خداوند از آسمان بر شما آب فرستاد تا شما را بآن پاکیزه گرداند و آلودگیهای شیطانی را از شما ببرد، و دل‌هایتان را محکم کند، و قدم‌هایتان را ثابت نگهدارد.» (سوره انفال آیه ۱۱).

در آب فرات

از خالد بن جریر: حضرت صادق (ع) فرمود: اگر من نزد شما (در کوفه) بودم، هر روز بفرات میرفتم و در آن شست و شو می‌کردم، و هر روز یک انار از انارهای سوری می‌خوردم (سوری محلی است در حوالی بغداد)

در آب نیل مصر

علی (ع) فرمود: آب نیل دل را میمیراند، سر خود را با گل مصری نشوید که زمین‌گیرتان میسازد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۹۸

در آب سرد

امیر مؤمنان (ع). فرمود: بر آدم تبار آب سرد بریزید، که حرارت تب را فرو می‌نشانند. از امام صادق (ع): آب سرد حرارت را فرو می‌نشانند، و صفراء را تسکین میدهد، غذا را در معده حل میکند، و تب را از بین می‌برد. از صحیفه حضرت رضا (ع) ... علی (ع)، در باره آیه شریفه «سپس در آن روز- قیامت- از نعمت باز خواست خواهید شد «۱»» فرمود: مراد از این نعمت: خرما، و آب سرد است.

در آب جوش

و از آن حضرت: آب جوشان، از هر جهت سودمند است و از هیچ رو زیان نمیرساند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۲۹۹

و از آن حضرت: هر کس بحمام در آید و سه کف آب گرم بیاشامد، به آب و رنگش افزوده شود، و بیماری او برطرف شود. از حضرت رضا (ع): آب ولرم چون هفت جوش بزند و از ظرفی به ظرفی بریزد تب را میبرد، و به ساقها و پاها نیرو بخشد.

در نهی از زیاد آب خوردن

از امام صادق (ع): از خوردن زیاد آب بهره‌یز، که ریشه همه بیماریها است، و فرمود: اگر مردم کمتر آب بیاشامند، بدنشان پر استقامت گردد، و فرمود: پیغمبر (ص) اگر غذای چرب تناول می‌فرمود؛ کم آب می‌آشامید، پرسیدند یا رسول الله (ص) کم آب می‌خورید؟ فرمود برای هضم غذا بهتر است.

در ایستاده آب خوردن

امام پنجم (ع) فرمود: ایستاده آب آشامیدن گوارتر و سالمتر است. «۱» از امام صادق (ع): ایستاده آب خوردن در روز غذا را هضم و گوارا میکند، و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۰۰

در نهی از بلعیدن آب

پیغمبر (ص) فرمود: آب را به آرامی بمکید، و آن را نبلعید، که بیماری کبد آرد. از علی (ع): حضرت از بلعیدن آب در یک نفس نهی فرمود، و فرمود: به سه یا دو نفس بیاشامید.

فصل هشتم (در گوشت و آنچه بدان مربوط است)

از صحیفه حضرت رضا (ع): در محضر پیغمبر سخن از گوشت بمیان آمد، حضرت فرمود: هیچ قطعه گوشتی در معده وارد نمیگردد، مگر آنکه بجای آن شفا ایجاد می‌شود، و درد و بیماری از آن می‌رود. و نیز از آن حضرت: نبی اکرم (ص) فرمود: وقتی گوشت می‌پزید، آب آن را زیاد کنید که آب گوشت هم از نظر غذایی مانند گوشت میباشد و هم برای پذیرایی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۰۱

در شب زرد آب تولید می‌کند و هر که شب آب بخورد، و بگوید: سلام آب زمزم و فرات بر تو باد آب او را در آن شب ضرر نرساند. همسایگان کافی‌تر میباشد که اگر گوشت به آنها نرسید از آب گوشت بهره‌برند. از علی (ع): گوشت سید غذاهای دنیا و آخرت است. از زراره: ۱۴ روز در ماه شعبان با امام باقر (ع) از گوشت تغذیه کردیم. از امام صادق (ع)، پیغمبر (ص) فرمود: ما انبیاء گوشت‌خوار و طرفدار گوشت می‌باشیم. ادیم گوید: بحضرت صادق (ع) گفتم خداوند دلی را که گوشت را دوست داشته باشد دشمن دارد، فرمود مراد از آن خانه‌ایست که در آن گوشت مسلمان‌ها را با غیبت می‌خورند، ولی پیغمبر (ص) گوشت را دوست میداشت، و هر کس ۴۰ روز گوشت نخورد بد اخلاق می‌گردد، و هر که خلش بد شد گوشت به او بخورانید، و هر که قطعه‌ای گوشت بخورد بهمان اندازه از بیماری او بیرون شود. امام صادق (ع) فرمود: بهترین گوشتها، گوشت پشت است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۰۲

در گوشت با شیر

از امام صادق (ع): هر کس گرفتار ضعف قلب یا بدن شود گوشت بره را با شیر بخورد. از عقبه بن علقمه: بر امیر مؤمنان (ع) وارد شدم، در برابر حضرت سیری ترش شده و تکه نان خشکی بود، عرضه داشتم یا امیر مؤمنان، این غذای شماست؟ حضرت فرمود: ای ابا الجنود! من محضر پیغمبر (ص) را درک کردم که خشک‌تر از این میل می‌فرمود، و می‌ترسم اگر روش پیغمبر را دنبال نکنم بوی ملحق نشوم. از

امیر مؤمنان (ع): یکی از انبیاء الهی از ضعفی که عارض امت او شده بود بخداوند شکایت برد، پروردگار امر فرمود گوشت را با شیر بخورند، آنها چنین کردند و نیرو و قوت در بدنشان آشکار گشت.

در پیه

از حضرت موسی بن جعفر (ع): گوشت خوردن در بدن گوشت میرویاند، و هر که لقمه‌ای پیه وارد معده‌اش شود بهمان مقدار بیماری از او جدا گردد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۰۳

از حضرت صادق (ع): در سخن پیغمبر اکرم (ص) «یک لقمه پیه خوردن بهمان اندازه بیماری آورد» مراد پیه گاو است. و از آن حضرت: پیغمبر اکرم گوشت دست گوسفند را دوست داشت و از ران خوشش نمی‌آمد. و از آن حضرت (ع): هر کس چهل روز (پول نداشته باشد که) گوشت نخورد، قرض بگیرد و گوشت بخورد. و از آن حضرت پرسیدند که مردم می‌گویند هر که ۳ روز گوشت نخورد بد اخلاق می‌شود؟ فرمود نه دروغ گفته‌اند، هر که ۴۰ روز گوشت نخورد کج خلق می‌گردد.

گوشت بره

از سعد بن سعد: به حضرت موسی بن جعفر عرضه داشتم که خانواده من گوشت بره نمی‌خورند. فرمود چرا؟ گفتم معتقدند که گوشت بره صفراء را تحریک میکند و درد سر و بیماریهای دیگر میزاید، فرمود: ای سعد! اگر خدا از بره چیزی بهتر سراغ

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۰۴

می‌داشت آن را برای فدیة اسماعیل می‌فرستاد.

در گوشت گاو

از امام صادق (ع): گوشت گاو بیماری آرد، و روغنش شفا زاید و شیرش دوا باشد. و از آن حضرت: خدمت حضرتش سخن از گوشت گاو بمیان آمد، فرمود: شیرش دواست، و گوشتش بیماری است. و از آن حضرت (ع): آبگوشت گاو بیماری بیاض (کفگیرک) را بر طرف میکند. از امام پنجم (ع): بنی اسرائیل از برص به موسی شکایت کردند، و او بخدا شکایت برد، خدای متعال بوی وحی فرمود که: به آنان بگو گوشت گاو را با چغندر بخورند. از امام صادق (ع): ده چیز از گوسفند نباید خورده شود: پشکل، خون، نخاع، طحال، غده‌ها، آلت، بیضه‌ها، رحم، فرج، شاهرگ‌ها، و فرمود از (مردار) حیوان

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۰۵

مرده ده چیز پاک است: شاخ، سم، استخوان، دندان، پنیر مایه، شیر، مو، پشم، پر، تخم. از رسول اکرم (ص): بر شما باد بخوردن گوشت شتر که جز مؤمن مخالف یهود آن را نمی‌خورد.

در گوشت گوسفند پرواری

ابراهیم بن سمان گوید: یکی از مکمل‌های اسلام علاقمندی به گوشت گوسفند است.

در گوشت قرمه (خشک و مانده)

از امام صادق (ع): سه چیز است که بدن را فرسوده میکند و گاهی موجب مرگ انسان میگردد، خوردن گوشت قرمه که بو گرفته باشد (گوشتی که خشک میکنند برای ذخیره زمستان)، و با شکم سیر بحمام رفتن، و با پیر زنان عجوزه آمیزش نمودن. در روایت دیگر این جمله اضافه شده (و نزدیکی با شکم سیر و پر).

در گوشت مرغ

از جابر: پیغمبر پولداران را فرمود گوشت گوسفند بخورند و فقیران (که قدرت

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۰۶

ندارند گوسفند بخرند) گوشت مرغ تناول نمایند.

در گوشت کبک

از حضرت موسی بن جعفر (ع): به آدم تبار گوشت کبک دهید که ساق را محکم میکند و تب را میبرد.

در گوشت کبوتر قطا (طوقدار)

از علی بن مهزیار: برای حضرت باقر (ع) گوشت کبوتر آوردند، فرمود: گوشت با برکتی است، و میفرمود: آن را به آدم مبتلی به یرقان بخورانید، و بریان و کبابی کنید.

در گوشت غاز «۱»

از حضرت موسی بن جعفر (ع): در خوردن گوشت مرغابی اشکالی نمی بینم، که برای بواسیر و درد کمر مفید است، و به نیروی جماع می افزاید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۰۷

در گوشت دراج

از نبی اکرم (ص): هر کس از دل خود شکایت دارد و اندوهش زیاد گردد گوشت دراج بخورد. از امام صادق (ع): اگر کسی در خود اندوه و ناراحتی احساس کند و سبب آن را نداند؛ گوشت دراج بخورد، که ان شاء الله غم و ناراحتی او را بر طرف نماید. از نبی اکرم (ص): هر کس دوست دارد که عصبانیت او کم شود گوشت دراج بخورد.

ماهی

از امام ششم (ع): خوردن گوشت ماهیان سل می آورد. از آن حضرت (ع): گوشت ماهی تازه بدن را می گدازد (لاغر میکند) (شاید مراد بسیار خوردن و همیشه خوردن آنست). از آن حضرت (ع): پیغمبر (ص) بهنگام خوردن ماهی میفرمود «خداوندا آن را برای ما برکت ده و بهترش را نصیب ما فرما (یعنی در بهشت).»

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۰۸

حمیری گوید: بحضرت باقر (ع) نامه نوشتم و از فشار خون و صفراء شکایت کردم، که اگر حجامت می کردم گرفتار صفرا میشدم و اگر در حجامت تأخیر می نمودم (فشار) خون آزارم میداد، حضرت جواب نوشت: حجامت کن و پشت سرش ماهی تازه بخور، دوباره بهمین مضمون نامه نوشتم: جواب دادند که حجامت کن و پشت سرش ماهی تازه با آب و نمک بخور، من بدستور امام (ع) عمل کردم، و شفا یافتیم و این غذای من شد.

در اسقنقور

از احمد بن اسحق: بحضرت عسکری (ع) نوشتم که: اسقنقور را در داروی باه (نیروی جماع) مخلوط میکنند، و این حیوان چنگال و دم دارد، آیا خوردن آن دارو جایز است؟ امام (ع) جواب نوشت اگر فلس دارد اشکالی ندارد.

در ملخ

از امام پنجم (ع): علی (ع) میفرمود: ملخ و ماهیان تذکیه شدنی است، و آنچه در دریا میمیرد (قبل از صید) مردار است. و نیز از آن حضرت (ع): ماهیان و ملخها

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۰۹

همگی تذکیه پذیر میباشند (حلالند).

در متفرق کردن ملخ

از حضرت موسی بن جعفر (ع): ملخ را متفرق کنید و تکبیر بگویید، این عمل را انجام دادند، ملخها رفتند.

در تخم مرغ

از علی بن محمد بن اشیم: بحضرت رضا (ع) شکایت کردم که بغذا اشتهای کامل ندارم، فرمود زرده تخم مرغ بخور: خوردم و نافع واقع شد. از امام ششم (ع): هر کس فرزند ندارد، تخم مرغ زیاد بخورد. از علی (ع): پیغمبری از کمی نسل امتش بخدا شکایت برد، خداوند عز و جل فرمود: نان را با تخم مرغ بخورند.

در هریسه (حلیم)

از امام باقر (ع): نبی اکرم (ص) بخداوند از درد کمر شکایت کرد، خداوند

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۱۰

فرمود: حلیم بخورد. پیغمبر (ص) فرمود: جبرئیل بر من نازل شد و امر فرمود حلیم بخورم تا کمرم محکم گردد و نیرویم برای عبادت پروردگار زیاد شود.

مثلثه

پیغمبر (ص) فرمود: اگر چیزی انسان را از مرگ نگهدارد آن چیز مثلثه خواهد بود، پرسیدند مثلثه چیست؟ فرمود: غذایی که از آرد و آب و شیر پخته می شود (گویا غذایی چون فرنی باشد). حضرت صادق (ع) به ولید فرمود: در زمستان چه غذایی برای عیالت تهیه میبینی؟ گفت: گوشت، فرمود: اگر گوشت نبود؟ گفتم: روغن، فرمود: چرا کوبک نمیکوری؟ که سه جزء آن (مثلثه) برای بدن مقوی تر است، و آن از سه چیز است:

برنج، نخود، باقلا یا غیر باقلا، همه اینها آرد شود، و با هم پخته گردد، و هر روز صبح تناول شود.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۱۱

کله

علی بن سلیمان: در محضر حضرت رضا (ع) آبگوشت کله خوردیم، حضرت دستور داد قاووت آوردند، گفتم من کاملاً سیر شدم، امام (ع) فرمود: کمی قاووت کله‌ها را هضم میکند و دوی آن بشمار می‌رود.

کباب

یونس بن بکر: حضرت رضا (ع) فرمود: چرا رنگت زرد شده؟ گفتم کسالت و ضعف عارضم گشته، فرمود: گوشت بخور، خوردم، پس از یک هفته حضرت مرا بهمان حال دیدار کرد، و فرمود مگر نگفتم گوشت بخور. عرضه داشتم در آن روز که شما بمن امر فرمودید جز گوشت چیزی نخوردم، فرمود گوشت را چگونه درست کردی؟ گفتم بصورت پخته، فرمود کباب کن و بخور، بعد از یک هفته حضرت بدنبال من فرستاد که خون در صورتم دویده بود، فرمود خوب شدی.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۱۲

در پرندگان و تخم‌های حلال از پرندگان

از زراره: از حضرت باقر در باره پرندگان حلال گوشت پرسیدم؟ فرمود: آنها را که بهنگام پرواز مرتباً بال میزنند حلال است بخور و آنها که وقت پرواز بالها را نگه میدارند نخور. پرسیدم تخم پرندگان جنگلی چطور؟ فرمود تخم‌هایی که دو طرفش یکسانست نخور، و آنها که دو طرفش بیک اندازه نیست بخور، پرسیدم مرغهای آبی چطور؟ فرمود: در مرغانی که گاهی بال میزنند و گاه نمی‌زنند، اگر بال زدن آنها بیشتر است حلال میباشد و اگر کمتر است حرام. و از مرغان دریا اگر سنگدان و انگشت در عقب پا دارند حلال است و اگر ندارند حرام.

در باره ترید

از امام ششم (ع): بر شما باد بخوردن ترید که چیزی مناسبتر از آن نیافتم. از غیاث بن ابراهیم از امام (ع): از بالای ظرف ترید نخورید، بلکه از اطراف ظرف بخورید که برکت در بالای آن است (یعنی باید تا آخر غذای باقی باشد و آخر همه خورده شود).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۱۳

فصل نهم در حلوها

پیغمبر (ص) فرمود: وقتی حلوها بمیان آمد نصیب خود را بردارید و آن را رد نکنید.

عسل

از حضرت صادق (ع): پیغمبر عسل را خیلی دوست میداشت، و فرمود بر شما باد به دو شفا: عسل و قرآن. و از آن حضرت: خوردن عسل شفاء هر بیماری است. خداوند عز و جل میفرماید:

از شکم نحل شراب و خوردنی برنگها و انواع مختلف بیرون می آید که شفاء مردمان در آن میباشد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۱۴

از حضرت رضا (ع): هر کس آب کمرش دگرگونی یابد، شیر مخلوط به عسل او را نافع باشد. از امام ششم (ع): مردم چون مکیدن و خوردن عسل دارویی نخواهند یافت. از انس: پیغمبر (ص) فرمود: هر که ماهی یک بار بقصد آنچه در قرآن آمده (فیه شفاء للناس) عسل بخورد، از ۷۷ درد و بیماری عافیت یابد. و از آن حضرت (ع): پیغمبر (ص) فرمود: هر که امان می خواهد، عسل بخورد. و پیغمبر (ص) فرمود: عسل چه خوب خوردنی است، (نیروی) دل را حفظ میکند و سردی سینه را میبرد. از صحیفه حضرت رضا (ع) ... از علی (ع): سه چیز حافظه را زیاد میکند و بلغم را از بین می برد: قرآن، عسل، کندر. و بهمان سند از پیغمبر (ص): اگر در چیزی شفا باشد، در شاخ حجامت و شربت عسل است. از برقی از یکی از اصحاب: زنی پارچه ای بمن داد و گفت این را بمکه ببر

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۱۵

تا از آن برای کعبه پرده بدوزند، من کراهت داشتم که آن را به متصدیان و پرده داران کعبه دهم که آنها را می شناختم (که یا دشمن اهل بیت هستند یا آن را خود مصرف میکنند)، چون بمدینه رسیدم بر حضرت باقر (ع) وارد شدم، و جریان را بحضرتش عرضه داشتم، امام فرمود: بپول آن عسل و زعفران بخر و کمی از تربت حسین (ع) را با آب باران مخلوط کن و با عسل بیامیز و به شیعه تقسیم کن تا بیماران خود را مداوا کنند. از امیر مؤمنان (ع): عسل داروی هر بیماری است، و در خود آن هیچ بیماری وجود ندارد، بلغم را کم میکند و قلب را جلا می دهد. از حضرت رضا (ع): پیغمبر اکرم (ع) فرمود: خداوند برکت را در عسل قرار داد، و در آن شفاء بیماری ها است و هفتاد پیغمبر (ص) از آن برکت گرفتند. از علی (ع): پیغمبر (ص) فرمود: پنج چیز فراموشی را بر طرف میکند، و بحافظه می افزاید؛ و بلغم را از بین می برد: مسواک، روزه، خواندن قرآن، عسل، کندر.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۱۶

در خاک قبر حسین (ع)

از امام ششم (ع): خاک قبر حسین (ع) داروی هر بیماری است اگر بقدر سر میلی باشد. و از آن حضرت (ع): خاک قبر حسین (ع) دارو و شفاء هر بیماری است، و چون برداشتی بگو: «بنام خدا، خداوند آن را روزی وسیع، و علم سودمند، و شفاء هر بیماری قرار ده که تو بر هر چیز توانایی». و از آن حضرت (ع): خاک قبر حسین (ع): مشککی مبارک است، هر شیعه ما که از آن بخورد، از هر بیماری شفا یابد، و

هر دشمن که از آن بخورد، چون دنبه آب می‌شود، و چون از خاک قبر حسین (ع) خوردی بگو: «خداوندا بحق ملکی که آن را قبض کرد، و بحق پیغمبری که آن را نگه داشت، و بحق وصیی که در آن است بر محمد (ص) و آل او درود بفرست، و در آن برای من شفاء هر بیماری و حفظ از هر بلا، و امان از هر نگرانی قرار ده برحمتت ای ارحم الراحمین و درود خدا بر محمد و آل محمد». و نیز بگو: «خداوندا گواهی میدهم که این تربت ولی توست، و گواهی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۱۷

میدهم که این شفاء از هر بیماری و امان از هر خوف است، برای هر کس که تو بخواهی، و آنچه در باره آن گفته شده حق است و از جانب تست، و پیامبران راست گفتند». از آن حضرت پرسیدند: که خاک قبر حسین (ع) به یکی نفع میدهد و به دیگری سودی نمی‌بخشد؟ فرمود: بخدایی که جز او خدا نیست هیچ کس از آن بر نمیدارد با عقیده باینکه خداوند بوسیله آن نفع می‌بخشد مگر اینکه فایده خواهد برد. از امام صادق (ع) از کیفیت استفاده از آن سؤال شد؟ فرمود: هر کس می‌خواهد از آن استفاده کند با سر انگشت بقدر ذره‌ای بردارد، و آن را بیوسد و بر دیده نهد، و بر بدن بمالد و بگوید: «خداوندا بحق این تربت و آن کس که در آن دفن است و بحق جد و پدر و مادر او، و بحق امامان که فرزندان اویند و بحق فرشتگانی که اطراف آن هستند، این را شفاء هر بیماری و نجات از هر آفت و نگهبان از هر چه «موجب ترس و خوف ماست قرار ده»، بعد آن را مصرف کن. و در باره آن حضرت آمده که وقت خوردن تربت حسین (ع) میخواند: «بنام خدا و بیاری خدا، بار پروردگارا خداوند این تربت مبارک پاکیزه، و خداوند نوری که

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۱۸

در آن تربت نهفته و خداوند پیکری که در آن جا گرفته، و خداوند فرشتگان گماشته بر آن، این تربت را برای من شفاء هر بیماری قرار ده.» و پشت سر آن جرعه‌ای آب می‌نوشید و می‌فرمود: «خداوندا این را بر من روزی وسیع، و علمی سودمند و شفاء از هر بیماری قرار ده که تو بر هر چیز توانائی». و از آن حضرت (ع): خاک قبر حسین (ع) داروی هر مرضی است، و بزرگترین داروهاست. از امام صادق (ع): در باره گل ارمنی که برای معالجه اسهال و شکستگی بکار می‌رود سؤال شد؟ که آیا خوردن آن حلال است؟ امام (ع) فرمود: مانعی ندارد که آن خاک قبر ذو القرنین می‌باشد، و خاک قبر حسین (ع) از آن بهتر میباشد. و از آن حضرت (ع): خوردن خاک حرام است همانند گوشت خوک، و هر کس خاکی غیر از خاک قبر حسین (ع) بخورد و بمیرد، بر او نماز نخواهم گزارد، ولی هر که آن را (خاک قبر امام، ع) را بی‌اشتیاق و عقیده بخورد از آن سودی نیابد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۱۹

در باره شکر (قند)

از امام ششم (ع): هیچ چیز را بیش از شکر دوست ندارم. از آن حضرت (ع): در بیماری یکی از اصحاب خود فرمود: چرا از مبارک استفاده نمی‌کنی؟ پرسیدند مبارک چیست؟ فرمود: قند، پرسیدند چه نوع قند؟

فرمود قند سلیمانی، شخصی از بیماری رنج آوری بوی شکایت کرد، فرمود وقتی به بستر رفتی، دو حبه قند بخور، گوید به این دستور عمل کردم و شفا یافتم. علی بن یقظین: از حضرت موسی بن جعفر (ع) شنیدم که می‌فرمود: هر کس به هنگام خواب دو حبه قند بخورد، از هر دردی شفا یابد جز مرض موت. از آن حضرت (ع): اگر کسی برای حبه قندی هزار درم خرج کند اسراف ننموده. از آن

حضرت (ع): برای بر طرف شدن تب بوزن ده درم شکر را با آب خنک ناشتا بخورید. از آن حضرت (ع): سه چیز زیان ندارد: انگور رازقی، و نیشکر، و سیب. و از آن حضرت (ع): نیشکر گرفتگی بینی و عروق را بر طرف میکند، و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۲۰

رنج و ضرری هم ندارد.

تمر خرما

از امیر مؤمنان (ع): تمر بخورید که شفاء هر دردی است. از محمد بن اسحق، امام (ع) فرمود: هر کس خرما را به محبت پیغمبر (ص) بخورد به او زبانی نرساند. از امام صادق (ع): عجوه (نوع عالی خرما سیاه) مادر همه خرماها است، که آدم آن را از بهشت آورده است. از آن حضرت (ع): عجوه از بهشت است و داروی سحر میباشد. از آن حضرت (ع): هر کس ناشتا هفت دانه عجوه عالیه (قریه‌ای است نزدیک مدینه) بخورد؛ در آن روز هیچ زهر یا سحر یا شیطانی باو زیان نرساند. از پیغمبر (ص): هر کس صبح را با خوردن ده دانه خرما (عجوه) آغاز کند، در آن

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۲۱

روز هیچ سم و سحری باو ضرر نرساند. از امام صادق (ع): خانه‌ای که در آن خرما نباشد اهل آن خانه گرسنه‌اند (کمبود غذایی دارند). از ابن عباس از نبی اکرم (ص): خرما را ناشتا بخورید که کرم (انگل) را می‌کشد، و فرمود: جبرئیل برنی (نوعی خرما عالی) از بهشت برایم آورد. پیغمبر اکرم (ص) فرمود: زن را در ماهی که می‌زاید (ماه آخر حاملگی) خرما بخورانید که فرزندش بردبار و پاکدامن خواهد بود. و نیز فرمود: بر شما باد به خوردن برنی که خستگی را میبرد و از سرما حفظ می‌کند، و آدمی را سیر می‌نماید، و ۷۲ در از شفا بروی انسان می‌گشاید. از صحیفه حضرت رضا (ع): پیغمبر (ص) چون خرما می‌خورد هسته‌اش را بر پشت دست می‌نهد و پرتاب می‌کند، و نیز فرمود: خرما برنی (نوعی خرما) را ناشتا خوردن فلج را بر طرف می‌کند. از امام صادق (ع): زنانان را در حاملگی خرما بدهید تا فرزندانان

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۲۲

خوشگل شود. پیغمبر اکرم (ص): خرما برنی را توصیف می‌کرد، فرمود: در آن نه خاصیت است: کمر را محکم، شیطان را فلج، و غذا را هضم، و دهان را خوشبو می‌کند، به نیروی شنوایی و بینایی می‌افزاید، و انسان را بخدای عز و جل نزدیک می‌نماید، و از شیطان دور می‌سازد، و بر نیروی آمیزش می‌افزاید، و درد را بر طرف می‌کند. و از آن حضرت (ع): هر گاه به حلوا دست یابید از آن بهره گیرید و از دست ندهید و بهترین نوشیدنی‌ها برای پیغمبر (ص) نوشیدنی شیرین و سرد بود. و نیز فرمود: من آدم خرمایی (آنکه خرما زیاد می‌خورد) را دوست دارم. از حضرت حسین (ع) ...: پیغمبر (ص) وقتی که روزه داشت افطارش را با خرما شروع میکرد.

فالوده

روایت است که حضرت حسین (ع): مردی را دید که از فالودج عیب میگیرد،

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۲۳

حضرت فرمود: لعاب گندم، با لعاب زنبور عسل (عسل)، با روغن خالص، مسلمان آن را عیب نمیکنند.

فصل دهم میوه‌ها

از امام صادق (ع): پیغمبر (ص) چون میوه تازه‌ای میدید، آن را می‌بوسید و بر دیده و لب می‌نهاد، و می‌فرمود: «خداوند چنان که ابتدای میوه را بسلامت بما دادی، تا آخر نیز به سلامت بما عنایت کن». از ابن عباس: پیغمبر (ص) فرمود: هر که میوه بخورد و (غذای خود را) بآن آغاز کند، او را ضرر نرساند. و فرمود: چون آدم از بهشت بیرون شد خداوند باو از میوه‌های بهشت توشه داد، و ساختن و تهیه هر چیز را باو یاد داد، بنا بر این میوه‌های شما از میوه‌های بهشت است، جز اینکه این میوه‌ها تغییر پذیرد و آنها تغییر نپذیرد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۲۴

انار

از پیغمبر اکرم (ص) فرمود: در هر اناری دانه‌ای بهشتی وجود دارد، چون دانه‌هایی از انار فرو ریخت بردارید، که آن دانه‌ها وارد معده مسلمان نشود مگر آنکه تا ۴۰ روز او را نورانی بدارد. در باره امام ششم (ع) روایت است که هر شب جمعه انار تناول می‌فرمود. از امیر مؤمنان (ع): انار را با پیه آن (پرده‌های درون آن) بخورید که معده را پاک میکند، و هیچ دانه‌ای از انار در معده مسلمان قرار نگیرد مگر آنکه او را نورانی گرداند و تا ۴۰ روز شیطان و وسوس را از او دور سازد. و از امیر مؤمنان (ع): حضرت وقت انار خوردن دستمالی می‌گسترده، و می‌فرمود:

در انار دانه‌هایی بهشتی نهفته است، گفتند یهود و نصاری و دیگر کسان از آن می‌خورند، فرمود در موقع انار خوردن آنها خداوند ملکی می‌فرستد که آن دانه‌های بهشتی را ببرد تا خوراک آنها نگردد. از امام ششم (ع): پنج چیز میوه بهشتی است در دنیا: انار میخوش، سیب لبنانی،

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۲۵

انگور، گلابی و خرمای مشانی (نوعی از بهترین خرما). و نیز از آن حضرت: هر کس اناری را تا آخر بخورد، خداوند تا صد روز شیطان را از وسوسه دل او باز دارد، و هر کس سه انار کامل بخورد، خداوند یک سال شیطان را از او دور کند، و هر که خداوند تا یک سال شیطان را از دل او براند گناه نکند، و هر کس گناه نکند به بهشت رود. از نبی اکرم (ص): انار برترین میوه‌هاست، و هر که اناری بخورد شیطان خود را برای ۴۰ روز خشمگین ساخته، و در یک انار هیچ کس را شریک قرار ندهد. از حضرت زین العابدین (ع): هر که جمعه اناری ناشتا بخورد، دلش تا ۴۰ روز پاک باشد، و وسوسه شیطان از او دور گردد، و هر که وسوسه شیطان از او دور باشد گناه نکند، و هر که گناه نکند به بهشت رود. از مرجانه: علی (ع) را دیدم که اناری می‌خورد و هر دانه‌ای که می‌افتاد بر میداشت. از علی (ع): از پیغمبر (ص) شنیدم که: هر که اناری را کامل و تا آخر بخورد، خداوند قلبش را تا چهل روز نورانی بدارد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۲۶

از نبی اکرم (ص): آدم و درخت خرما و انگور و انار از سرشت و گل واحد خلق شده‌اند. از نبی اکرم (ص): انار بخورید که هیچ دانه‌ای از آن در معده قرار نگیرد، مگر آنکه دل را نورانی گرداند و شیطان را بیچاره کند. از املاء شیخ طوسی: به کودکان انار دهید که که زودتر زبان واکنند.

به

از نبی اکرم (ص): به بخورید که دل را نیرومند کند و ترسو را شجاع گرداند. در روایت دیگر: به بخورید که سه خاصیت دارد: دل را پر نشاط کند، و بخیل را سخاوت بخشد، و ترسو را شجاعت دهد. و از آن حضرت (ص): به بخورید و بهم هدیه دهید، که دیده را جلا دهد، و در دل درخت دوستی رویاند، به زنان آبستن به دهید، که فرزند را زیبایی بخشد. و در روایت دیگر: اخلاق فرزند را نیکو گرداند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۲۷

از امیر مؤمنان (ع): به قوت قلب و حیات دل است، و جبان را شجاعت می بخشد. از امام صادق (ع): هر که به بخورد خداوند تا ۴۰ روز حکمت را بر زبانش جاری سازد. و فرمود: بوی به بوی انبیاء است. از نبی اکرم (ص): به را ناشتا بخورید. از حضرت رضا (ع): برای پیغمبر (ص) به آوردند، حضرت که به خیلی دوست میداشت آن را با دست قطعه کرد و خود میل فرمود، و به مجلسیان نیز خوراند. بعد فرمود: بر شما باد به به که دیده را بینایی دهد و اندوه را از دل ببرد. و از آن حضرت (ع): به بخورید که عقل را زیاد میکند. از آن حضرت (ع): خداوند هیچ پیامبری نفرستاد جز آنکه بدستش به بود. و نیز فرمود: بوی انبیاء بوی به است، و بوی حور العین بوی ریحان است. و بوی ملائکه بوی گل سرخ است، و خداوند هیچ پیامبری را بر نیانگیخت جز آنکه از او بوی به بر آورد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۲۸

از امام باقر (ع): به اندوه را ببرد. از امام صادق (ع): نگاهش به کودکی زیبا افتاد و فرمود: باید پدر این کودک بهنگام جماع به خورده باشد. از نبی اکرم (ص): به بخورید که دل را صفا دهد، و خداوند هیچ پیامبری را نفرستاد جز آنکه باو به بهشت داد و نیروی چهل نفر باو افزود. و نیز فرمود: به بخورید که حافظه را زیاد می کند، و خلط سینه را ببرد، و فرزند را زیبا گرداند.

و فرمود: هر که سه روز ناشتا به بخورد، حافظه اش زیاد شود، و دلش از علم و حکمت سرشار گردد و از کید شیطان در امان ماند.

سیب

از سلیمان در درستویه: بر حضرت صادق وارد شدم و سیبی سبز در جلوی حضرت

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۲۹

بود، عرضه داشتم. جانم فدایت، این چیست؟ فرمود: ای سلیمان دیشب تب شدیدی عارضم شد. این سیب برایم فرستاده شد که بآن حرارت تن فرو نشیند و امعا و درون بدن خنک گردد و تب بریده شود. و در حدیث است که سیب ترش فراموشی آرد، از آنرو که در معده چسبندگی ایجاد میکند. از حضرت موسی بن جعفر (ع): ما اهل بیت خود را معالجه نمی کنیم مگر با ریختن آب سرد بر تبار، و خوردن سیب. و پیغمبر (ص) فرمود: سیب را ناشتا بخورید که رطوبت معده را می برد. از حضرت رضا (ع): سیب برای چند چیز سود بخش است: سحر، زهر، جنون، بلغم و هیچ چیز از آن زودتر نفع نبخشد. از زیاد قندی: با برادرم سیف بمدینه رفتم، خون دماغ شدیدی بر مردم عارض گشت، چنان که هر کس دو روز خون دماغ می کرد و میمرد، چون بخانه رسیدم سیف دچار خون دماغ شدیدی شده بود، بمحضر حضرت صادق (ع) رفتم، امام فرمود: باو سیب بده، سیب خورد و خوب شد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۳۰

انجیر

از ابی ذر (ره): طبقی انجیر برای پیغمبر (ص) هدیه آوردند، حضرت به اصحاب فرمود: بخورید که اگر بگویم میوه‌ای از بهشت آمده این میوه است که میوه‌ای بی‌هسته است، بخورید که بواسیر را قطع میکند و بیماری نقرس را سودمند است. از امام رضا (ع): انجیر بوی بد دهان را بر طرف می‌کند، و استخوان را محکم می‌سازد و بیماری را بر طرف می‌کند چندان که نیازی بدارو نباشد. در حدیث دیگر: هر که خواهد رقت قلب پیدا کند، بخوردن انجیر ادامه دهد. از کعب: پیغمبر (ص) فرمود: انجیر تازه و خشک بخورید که به نیروی جماع می‌افزاید و بواسیر را بر طرف می‌کند، و برای رطوبت و نقرس سودمند است.

انگور

از امام صادق (ع): نوح بخدا از اندوه شکایت کرد، خداوند به او وحی کرد که:

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۳۱

انگور سیاه بخور که غم را میبرد. و از آن حضرت: پیامبری بخداوند از غصه شکایت برد، خداوند به او وحی کرد که انگور بخورد. و از آن حضرت: دو چیز دو دستی خورده می‌شود، انگور و انار. از عایشه: پیغمبر (ص) فرمود: بهترین غذا نان است، و بهترین میوه‌ها انگور. و فرمود: نخل و انار و انگور از گل آدم است. از علی (ع): پیغمبر (ص) فرمود: انگور را دانه دانه بخورید که گوارا تر و هضم‌شونده تر است. و فرمود: بهار امت من انگور و خربزه است. از امیر مؤمنان (ع): حضرتش انگور را با نان میل می‌کرد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۳۲

از آن حضرت: انگور هم غذاست و هم خورش و هم شیرینی و هم میوه. از حضرت رضا (ع): حضرت زین العابدین انگور را سخت دوست می‌داشت.

کنیزی برایش خوشه‌ای انگور آورد و جلویش نهاد، سائلی رسید، حضرت فرمود انگور را به وی دادند، غلام این سخن به مادر خود (گویا کنیز حضرت بوده) رسانید، وی دستور داد تا غلام انگور را از سائل خرید و خدمت امام (ع) نهاد: سائلی دیگر آمد و امام انگور را به سائل داد تا سه بار. در دفعه چهارم میل فرمود.

گلابی

از علی (ع): گلابی قلب را جلا دهد و دردهای درون را به اذن حق شفا بخشد. از امام ششم (ع): گلابی معده را دباغی می‌کند و معده را قوی می‌کند.

اجاص (نوعی گلابی)

زیاد قندی: بحضرت رضا وارد شدم، در برابر امام (ع): ظرفی از اجاص سیاه

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۳۳

نوبرانه قرار داشت، امام (ع) فرمود: حرارت مزاج بر من غالب گشته و اجاص حرارت را فرو می‌نشانند، و صفراء را تسکین می‌دهد، و خشک آن خون را آرام می‌کند (گویا مراد کم شدن فشار خون باشد) و به اذن خداوند داروی بیماری است.

کشمش و مویز

از نبی اکرم (ص): هر که ناشتا یازده دانه کشمش (یا مویز) سرخ بخورد جز بمرض موت دچار نشود. و از علی (ع): هر که یازده دانه کشمش سرخ بخورد در بدن خود مکروهی نیابد. و از آن حضرت (ع): کشمش قلب را محکم میکند و مرض را شفا می‌دهد و حرارت را فرو می‌نشانند و دهن را خوشبو میکنند. در روایتی از شیخ طوسی: کشمش غم را میبرد و دهن را خوشبو می‌کند. از نبی اکرم (ص): بر شما باد به کشمش، که سودا را بر طرف میکند، و بلغم را

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۳۴

می‌خورد، و تن را سالم می‌کند، اخلاق را نیکو می‌سازد و اعصاب را قوی می‌گرداند و ضعف و بیماری را میبرد.

عناب

از علی (ع): عناب تب را می‌برد. از ابی‌الحصین: دو چشم سفید شد که هیچ چیز را نمی‌دیدم، امیر مؤمنان (ع) را در خواب دیدم، عرضه داشت: آقا چشمم چنان که می‌بینید بیمار گشته، فرمود:

عناب را بکوب و به چشم بکش، من چنین کردم، سیاهی و تیرگی از آن‌ها رفت، و معاینه کردم دیدم که هر دو سالم است. امام ششم (ع) فرمود: برتری عناب بر میوه‌ها چون برتری ما بر مردم است.

سجد

از صحیفه الرضا: پیغمبر (ص) بر علی (ع) وارد شد در حالی که تب داشت، حضرت

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۳۵

دستور داد سنجد میل کند. از ابن بکیر: از امام ششم شنیدم که در باره سنجد فرمود: گوشت آن گوشت میرویانند، و استخوانش (هسته‌اش) استخوان را و پوستش پوست را میرویانند، با این حال کلیه‌ها را گرم و معده را شست و شو و پاکیزه می‌گرداند، و نگهدار انسان از بواسیر و قطره قطره آمدن بول است، ساقها را نیرومند می‌کند، و عرق جذام را ریشه کن می‌نماید.

فصل یازدهم در سبزی‌ها

در حدیث: سفره را با سبزی سبز کنید (یا زینت دهید) که سبزی همراه با گفتن بسم الله شیطان را میراند. از امام ششم (ع): هر چیزی زینتی دارد و زینت سفره سبزی است. از احمد بن هارون: بر حضرت رضا (ع) وارد شدم، حضرت سفره طلبید، سبزی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۳۶

بر سر سفره نبود. حضرت دست نگه داشت، و به غلام فرمود: مگر نمیدانی من بر سفره‌ای که سبزی نباشد غذا نمی‌خورم، سبزی بیاور: غلام سبزی حاضر کرد، و امام غذا میل فرمود.

کدو

از امام صادق (ع): کدو عقل را زیاد میکند. از حضرت حسین (ع): پیغمبر (ص) فرمود: کدو بخورید، که اگر خدا درختی بهتر و سبکتر (غذایی سبکتر) از آن سراغ داشت برای برادرم یونس میرویانید. در آبگوشت زیاد کدو بریزید که بعقل می‌افزاید. از نبی اکرم (ص): هر که کدو با عدس بخورد چون یاد خدا کند قلبش برقت آید، و بر نیروی جماعش افزوده شود. از صحیفه الرضا (ع): پیغمبر (ص) فرمود: کدو در غذا زیاد بریزید که دل غمگین را خوشحال می‌گرداند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۳۷

از انس: خیاطی پیغمبر (ص) را به مهمانی خواند، و غذایی برای حضرت آورد که کدو با روغن در آن بود، من مشاهده کردم که پیغمبر (ص) از اطراف ظرف کدوها را میل میکند، من پس از آنکه دیدم پیغمبر (ص) کدو را خیلی دوست میدارد به کدو علاقه‌مند شده‌ام. و نیز گوید: پیغمبر (ص) کدو را خیلی دوست می‌داشت و آن را از اطراف ظرف غذا جمع می‌کرد، و نیز در یک مهمانی برای حضرتش کدو آوردند، حضرت در ظرف غذا می‌گشت و کدوها را پیدا میکرد و تناول می‌فرمود.

کاسنی

از امام صادق (ع): هر که در شب که می‌خواهد هفت برگ کاسنی در شکمش باشد در آن شب از قولنج در امان بماند. و از آن حضرت: هر که خواهد مال و فرزندش زیاد شود، کاسنی زیاد بخورد، که هر صبحگاه قطره‌ای از بهشت بر آن فرو ریزد، و مواظب باشید چیزی از آن نریزد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۳۸

و از آن حضرت (ع): هر که کاسنی بخورد، در آن روز و شب در امان باشد. و از آن حضرت: کاسنی شفای هزار بیماری است، و کاسنی هر بیماری را که در درون انسان باشد بر طرف می‌کند. از آن حضرت (ع): هر که در روز جمعه هفت برگ کاسنی پیش از نماز بخورد به بهشت رود. از حضرت رضا (ع): کاسنی شفای هزار بیماری است، و هر بیماری را که در درون باشد ریشه کن می‌سازد، روزی برای یکی از اهل خانه که به بیماری و دردسر دچار شده بود کاسنی طلبید، و دستور داد که آن را بکوبند و بر کاغذی ضماص نمایند، و روغن بنفشه بر آن بریزند و بر سر بیمار نهند. و فرمود کاسنی: تب را ریشه کن میکند و سر درد را برطرف می‌نماید. از امام (ع): بر شما باد به کاسنی که به نطفه می‌افزاید، و فرزند را زیبا می‌کند، و گرم و نرم می‌باشد، و پسر را زیاد می‌کند. از نبی اکرم (ص): هر کس کاسنی بخورد و بخوابد، هیچ زهر و سحری در او اثر نکند، و هیچ جانوری از عقرب و مار باو نزدیک نگردد. از انس: پیغمبر (ص) فرمود: کاسنی از بهشت است و کاسنی گوش و چشم را میبرد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۳۹

تره

از امام پنجم (ع): ما سیر و پیاز و تره می‌خوریم. از موسی بن بکر: جوانی از حضرت موسی بن جعفر (ع) بیمار شد، امام (ع) سراغش را گرفت، گفتند: به طحال (بیماری طحال) گرفتار شده است، امام (ع) فرمود:

تا سه روز باو تره بخورانید، خورائیدیم، شفا یافت. روایت است که علی (ع) تره را با نمک درشت میل می کرد. از امام صادق (ع): هر چیزی آقایی دارد، و آقا و برتر سبزیها تره میباشد. از امام باقر (ع): در تره چهار خصلت است: باد را بر طرف میکند، و دهان را خوشبو می سازد، بواسیر را قطع میکند، و همیشه خوردن آن موجب ایمنی از جذام است. از موسی بن بکر: به خدمت موسی بن جعفر (ع) رفتم، فرمود ترا رنگ زرد می بینم؟! تره بخور خوردم و خوب شدم.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۴۰

از نبی اکرم (ص): برتری تره بر دیگر سبزیها چون برتری نان است بر دیگر چیزها.

ریحان کوهی

از امام صادق (ع): امیر مؤمنان ریحان کوهی را خیلی دوست می داشت. از علی (ع): نام ریحان خدمت پیغمبر (ص) برده شد، حضرت فرمود: آن سبزی من و انبیاء پیش از من است، من از آن می خورم و درخت آن را در بهشت می بینم. از امیر مؤمنان (ع): پیغمبر (ص) ریحان را خیلی دوست می داشت. از امام صادق (ع): ریحان سبزی انبیاء است و در آن هشت خاصیت است: غذا را هضم میکند، و عروق را باز می کند، و دهان را خوشبو می سازد، و اشتها را زیاد می نماید، و خون را صاف می کند، و موجب ایمنی از جذام است، و چون در اندرون بدن قرار گیرد همه بیماریها را ریشه کن می کند، و اهل بهشت سفره خود را بدان می آریند. پیغمبر (ص) فرمود: ریحان سبزی طیب و پاکیزه ای است گویا آن را روییده در

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۴۱

بهشت می بینم، و جرجیر (ترتیزک) سبزی بدی است گویا می بینم که در آتش روییده. و نیز فرمود: هر که ریحان کوهی بخورد خداوند به ملائکه دستور میدهد تا صبحگاه برایش حسنه بنویسند. از حضرت موسی بن جعفر (ع) آمده که بر سر سفره ریحان طلبید و فرمود من دوست دارم که غذا را بآن شروع کنم که عروق را می گشاید و اشتها را زیاد می کند و سل را معالجه می نماید، و اگر غذا را بآن آغاز کنم برایم مهم نیست که چه غذایی بعد از آن بخورم، که دیگر از هیچ بیماری و رنجی نمیترسم، و چون غذا تمام شد، باز هم ریحان طلبید، و برگهای آن را از اطراف سفره جمع میکرد، و میل می فرمود، و بما میداد و میفرمود: غذا را با این ختم کنید که آنچه خورده اید هضم می کند و برای غذای بعد اشتها می آورد، و سنگینی معده را بر طرف می کند و دهان را خوشبو می سازد.

خرفه

از حضرت صادق (ع): هیچ سبزی ای سودمندتر و بهتر از خرفه در زمین نروییده

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۴۲

و آن سبزی فاطمه (ع) است. و از آن حضرت: پیغمبر (ص) فرمود: بر شما باد به خرفه، که اگر چیزی بعقل بیفزاید همان است.

جرجیر (تره تیزک)

از امام ششم (ع): هر که شب جرجیر بخورد رگ و عرق جذام از بینی او زده شود. و از آن حضرت: خوردن جرجیر در شب برص آرد.

کرفس

پیغمبر (ص) در ضمن وصیت‌هایی به علی (ع) فرمود: کرفس بخور که کرفس سبزی الیاس و یوشع (ع) است. پیغمبر (ص)، فرمود: کرفس سبزی انبیاء است و طعام خضر و الیاس کرفس و قارچ میباشد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۴۳

پیغمبر اکرم (ص) فرمود: خرما سیاه از بهشت است، و داروی زهر میباشد و قارچ از من (مائده آسمانی) است و آبش داروی چشم است.

سداب (فیجن)

از نبی اکرم (ص): سداب برای درد گوش سودمند است. از حضرت رضا (ع): سداب عقل را زیاد می‌کند جز آنکه آب کمر را خشک میکند، و هر کس پس از خوردن آن بخوابد، از طاعون و دمل و سینه پهلو در امان خواهد بود. حضرت رضا (ع) فرمود: بر شما باد به چغندر، که در کنار نهری در بهشت میرویند، و در آن داروی هر دردی است، و اعصاب را قوی می‌کند، حرارت خون

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۴۴

را فرو می‌نشانند، و استخوان را ستبر می‌سازد، و اگر دستهای خطاکار بآن نمیرسید برگش یک مرد را می‌پوشید. مردی گفت: فدای شما محبوبترین سبزیها نزد من چغندر است، حضرت فرمود: سپاس خدا را بر این معرفتی که داری. از حضرت صادق (ع): چغندر موجب ایمنی از جذام است. و از آن حضرت (ع): خداوند جذام را با خوردن چغندر و رگ زدن از یهود برداشت. از حضرت رضا (ع): به مریضان خود چغندر بخورانید، که در آن شفا هست و ضرری وجود ندارد و خواب بیمار را آرامش میدهد. و از آن حضرت (ع): چغندر ریشه جذام را بر می‌کند و در شکم بیمار برسامی «۱» بهتر از چغندر وارد نمی‌شود. و نیز از آن حضرت: شکم را از غذا خالی مگذار و آب کم بیاشام، و جز با میل و تحریک شدید جماع مکن، و چغندر چه خوب گیاهی است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۴۵

شلغم

از حضرت صادق (ع): بر شما باد به شلغم، شلغم بخورید، و از آن تغذیه کنید، و خاصیت آن را از غیر اهل پنهان بدارید، در بدن هر کس رگ جذامی هست و آن را با شلغم از بین ببرید.

تریچه

از ابن مسعود، پیغمبر (ص) فرمود: اگر دوست دارید که تریچه بخورید و بو ندهد نام مرا (یعنی صلوات بفرستید) در اولین لقمه ببرید. از حنان بن سدر: با حضرت صادق (ع) بر سر سفره نشسته بودم، حضرت تریچه‌ای بمن داد و فرمود: ای حنان تریچه بخور که سه خاصیت دارد: برگش بادبر است، مغزش آمدن بول را آسان می‌کند، و ریشه‌اش بلغم را ریشه کن می‌سازد. از امیر مؤمنان (ع): تریچه ریشه‌اش بلغم را ریشه کن می‌کند، و غذا را هضم می‌نماید، و برگش ادرار آور است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۴۶

سیر

از حضرت باقر (ع): ما سیر و پیاز و تره می خوریم. از حضرت صادق (ع): در باره سیر سؤال شد، فرمود پخته اش اشکال ندارد، ولی وقتی سیر خورید به مسجد نروید. از حضرت امیر مؤمنان (ع): پیغمبر (ص) فرمود: سیر بخورید و بآن مداوا کنید، که داروی هفتاد بیماری است. و از آن حضرت (ص): سیر را جز پخته خوردن صلاح نیست.

پیاز

از پیغمبر اکرم (ص): بهر شهر که در آمدید از پیاز آن بخورید، که و باو بیماری آن شهر را از بین میبرد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۴۷

از امام صادق (ع): در باره پیاز سؤال شد؟ فرمود: بعنوان ادویه غذا بکار بردن مانعی ندارد، و اشکالی ندارد که سیر را بعنوان مداوا بخورید ولی اگر خورید به مسجد نروید. و از آن حضرت (ع): پیاز درد را از بین میبرد، و اعصاب را محکم، و آب (نطفه) را زیاد می کند، و به پیاده روی کمک میکند، و تب را میبرد. و از آن حضرت (ع): پیاز دهان را خوشبو میکند، پشت را محکم میسازد، و پوست را نرم میگرداند. و نیز فرمود (ع): در پیاز سه خاصیت است: دهان را خوشبو می کند، و لثه را محکم میسازد، و به نیروی جماع می افزاید.

کاهو

از امام صادق (ع): بر شما باد به کاهو، که خون را تصفیه می کند. از امیر مؤمنان (ع): پیغمبر (ص) فرمود: کاهو بخورید، که غذا را هضم میکند، و خواب آور است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۴۸

باقلا

از انس: پیغمبر (ص) فرمود: غذای عیسی (ع) باقلا بود تا وقتی که با آسمان رفت، عیسی غذایی را که با آتش پخته شده باشد نخورد. از فردوس: امام (ع) فرمود: هر که باقلا را با پوست بخورد، خدای عز و جل بهمان اندازه که باقلا خورده از بیماری او کم گرداند. از حضرت رضا (ع): باقلا مغز استخوان را زیاد می کند، و خون تازه در بدن میرویند. و فرمود باقلا را با پوست بخورید، که معده را پاکیزه و دباغی مینماید. از امام صادق (ع): باقلا بخورید که مغز استخوانهای ساق را محکم میکند و عقل را زیاد می نماید و خون تازه میسازد. و فرمود: باقلا بیماری را برطرف می کند و خود ضرر ندارد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۴۹

بادنجان

از امام ششم (ع): بادنجان برای سوداء سودمند است. حضرت امام هادی (ع): بیکی از کارگزاران خود فرمود: برای ما بادنجان زیاد بخر که در فصل گرما گرم است و در فصل سرما سرد می باشد، در همه اوقات دیگر معتدل است، و بهر حال سودمند میباشد. از امام صادق (ع): بر شما باد به خوردن بورانی بادنجان که دارو است و موجب ایمنی از برص می باشد، و هم چنین سرخ شده آن در روغن زیتون. از فردوس: پیغمبر (ص) فرمود: بادنجان بخورید که درخت آن را در بهشت دیدم، که بخدایی آفریدگار و نبوت من و ولایت علی (ع)

گواهی میدهد، و اگر بقصد شفا بخورید شفا است، و اگر بگمان ضرر داشتن بخورید ضرر و بیماری است. از انس: پیغمبر اکرم (ص) فرمود: بادنجان زیاد مصرف کنید، که اول درختی است که بخدا ایمان آورده است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۵۰

از امام ششم (ع): در فصلی که نخل را می‌برید بادنجان زیاد بخورید که شفاء هر بیماری است، و آب و رنگ را زیاد می‌کند و عروق را نرم میکند و به آب کمر می‌افزاید. از امام صادق (ع): در برابر حضرت زین العابدین بادنجان پخته‌شده در روغن زیتون بود و امام آن را میل می‌فرمود در حالی که چشم حضرت ورم کرده بود، راوی پرسید این غذا را می‌خورید که چون آتش است؟! حضرت فرمود: ساکت باش، پدرم از جدش حدیث کرد که: بادنجان چربی زمین است و در هر شکمی که وارد شود بدان نفع میدهد و شفا می‌بخشد.

هویج

از داود فرقد: بخدمت حضرت صادق (ع): رسیدم در حالی که در برابرش هویج نهاده بودند، فرمود: از آن هویج بمن بده و خود نیز بخور، گفتم آقا من دندان ندارم حضرت پرسید کنیز داری؟ گفتم: آری، فرمود دستور ده که برایت بپزند و بخور، که کلیه‌ها را گرم می‌کند و نعوظ کامل می‌آورد. و نیز فرمود: هویج موجب ایمنی از قولنج و بواسیر است و به آمیزش کمک میکند. «۱»

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۵۱

خریزه

از نبی اکرم (ص): خربزه بخورید که آبش رحمت و شیرینیش از بهشت است، و در حدیثی است که خربزه از بهشت آمده، و هر کس یک قاچ خربزه بخورد هفتاد هزار حسنه برایش نوشته شود و هفتاد هزار خطایش محو گردد، و هفتاد هزار درجه بالا رود. از حضرت کاظم (ع): پیغمبر (ص): خربزه را با شکر و هم با رطب می‌خورد. امام ششم (ع) فرمود: ناشتا خربزه خوردن موجب فلج است. امیر مؤمنان (ع) فرمود: خربزه گوشت زمین است که نه ضرری دارد و نه- بیماری زاید. و فرمود: در آن ده خاصیت است: غذا است، آشامیدنی، میوه، ریحان، خورش،

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۵۲

حلوا، اشنان، خطمی، و سبزی، دواء است. از امام صادق (ع): خربزه بخورید که ده خاصیت در آن جمع است. گوشت زمین است، بیماری و ناراحتی ندارد، طعام و شراب، و میوه، و ریحان، و اشنان و خورش می‌باشد، بقوه باه می‌افزاید، مثانه را شست و شو میدهد، ادرار آور است در حدیثی دیگر است: سنگ مثانه را آب میکند. این اشعار منسوب بحضرت رضا (ع) است:

«زمانه بما از زمین و دار السلام خربزه‌ای هدیه کرد.

خواصی بزرگ در آن جمع است، که ما در اینجا بنظم ذکر میکنیم.

جدم مصطفی چنین فرموده:

آب است و شیرینی، ریحان، میوه، اشنان، غذا، خورش، مثانه را پاکیزه میکند و چهره را صفا می‌بخشد، دهان را خوشبو می‌کند. و از حضرت رضا (ع): خربزه ناشتا خوردن فلج و به روایتی قولنج آرد.

خیار

از حضرت صادق (ع)، پیغمبر (ص): خیار را با نمک میخورد، و فرمود: خیار را از بن آن بخورید (نه از سر) که برکتش بیشتر است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۵۳

سیاه دانه

() از سعد، پیغمبر (ص)، فرمود: در این دانه سیاه شفاء هر دردی جز سام نهفته است، پرسیدم سام چیست؟ فرمود: مرگ. پرسیدم دانه سیاه چیست؟ فرمود: سیاه دانه، پرسیدم چگونه مصرف کنیم؟ فرمود: بازده دانه از آن بردارید و در پارچه‌ای بریزید و یک شب در آب خوابانید، فردا صبح یک قطره در بینی راست و یک قطره در بینی چپ بریزید، در روز سوم دو قطره در بینی راست، و یک قطره در بینی چپ بچکانید و در روز سوم در بینی راست یک قطره و در بینی چپ دو قطره بچکانید، و دانه‌ها را در هر روز تازه کنید. از امام ششم (ع): سیاه دانه شفاء همه بیماریها است، و محبوب پیغمبر (ص) بوده، و اگر گفتم محبوب رسول الله (ص) را برایم بیاورید برایم سیاه دانه بیاورید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۵۴

از محمد بن ذریح: بحضرت صادق (ع) عرضه داشتم که شکمم درد و صدا می‌کند؟

فرمود: چرا سیاه دانه نمی‌خوری؟ که در آن شفاء همه بیماریهاست. از مفضل: به امام صادق (ع) شکایت کردم که وقت بول ناراحتی و سوزش احساس می‌کنم؟ فرمود: در آخر شب سیاه دانه بخور. و از آن حضرت (ع): در سیاه دانه شفاء هر بیماری است! و ما از آن برای تب، سردرد، ورم چشم، درد معده، و هر دردی استفاده میکنیم و بوسیله آن از خدا شفاء می‌گیریم.

اسفند

پیغمبر اکرم (ص) فرمود: از اسفند درخت یا برگ یا میوه‌ای نمیروید، مگر آنکه فرشته‌ای بر آن گماشته است تا آن را به آنکه باید برساند، یا خشک شود، و در ریشه و ساقه‌اش شفاء است، و در دانه آن داروی ۷۲ بیماری است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۵۵

از محمد بن حکم: پیغمبری بخداوند از جین و ترسوئی امتش شکایت کرد، خداوند بوی وحی فرمود که: دستور ده تا اسفند بخورند که شجاعت را زیاد می‌کند. از حضرت صادق (ع): در باره اسفند و کندر سؤال شد؟ فرمود: اما اسفند ریشه‌ای از آن بزمین نشانیده نشود و شاخه‌ای از آن سر بر نیارد مگر آنکه خداوند ملکی بر آن بگمارد تا آن را به آن کس که باید برسد یا خشک گردد، و شیطان تا ۷۰ خانه از خانه‌ای که در آن اسفند است میگریزد، و اسفند شفاء ۷۰ بیماری است که کمترین آنها جذام است. پس (از خاصیت و مصرف آن) غافل و محروم نمانید، و اما کندر برگزیده انبیاء است و مریم از آن کمک می‌جست و هیچ دودی از دود آن زودتر باسماں بالا نرود، و دودش شیطان را میراند و مرض را دفع می‌کند، از آن محروم نمانید.

فصل دوازدهم (در حبوبات)

ماش

یکی از اصحاب حضرت رضا (ع) در باره لکه‌های بدن پرسید؟ فرمود: ماش را بپز و بخور و خوراک خود قرار ده، چنین کرد و شفا یافت. و از آن حضرت (ع): ماش تازه را در فصلش با برگ آن بکوب و آبش را بگیر

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۵۶

و ناشتا بخور و بر لکه‌های بدن بگذار. راوی گوید: چنین کردم و خوب شدم.

حلبه

پیغمبر (ص) فرمود: حلبه بخورید که اگر امت من خاصیت آن را میدانستند، اگر هموزن آن طلا لازم بود میدادند و خود را بآن مداوا می‌نمودند.

زیره

روایت است که نبی اکرم (ص) جوارش و پونه و سیاه دانه می‌طلبید و چون شیر یا غذای سنگینی میل میکرد از آن استفاده می‌نمود، و می‌فرمود اگر آن را صبحگاه بخورم از خوردن هیچ غذا بیم نخواهم داشت، و می‌فرمود: زیره معده را قوی و بلغم را قطع مینماید، و از لقوه (لرزش دهان و صورت) جلو می‌گیرد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۵۷

حمص

از امام ششم (ع): در محضر حضرتش از حمص سخن بمیان آمد و فرمود: که برای درد کمر نافع است.

عدس

از امام صادق (ع): یک روز در حالی که پیغمبر (ص) در جای نماز خود نشسته بود؛ عبد الله بن تیهان آمد، و گفت یا رسول الله (ص) من بسیار خدمت شما می‌نشینم و بسخن شما بسیار گوش فرا میدهم ولی رقت قلب پیدا نمیکنم و اشکم نمی‌آید، حضرت فرمود: عدس بخور که قلب را رقت می‌بخشد و اشک را فرو میریزد، و ۷۰ پیغمبر بآن تبرک جستند. از فردوس، نبی اکرم (ص) فرمود: پیغمبری از سنگدلی امتش بخدا شکایت کرد، خداوند متعال بوی وحی کرد که: به قوم خود دستور بده عدس بخورند، که قلب را رقیق میکند و گریه می‌آورد و خودخواهی را می‌برد و طعام ابرار میباشد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۵۸

از صحیفه الرضا (ع): پیغمبر (ص) فرمود: عدس بخورید، که مبارک و مقدس است، و قلب را رقت می‌دهد و اشک را جاری و زیاد می‌سازد و ۷۰ پیغمبر از آن برکت یافته‌اند.

سنا

از امام صادق (ع): رسول اکرم فرمود: بر شما باد به سنا و بآن مداوا کنید، اگر چیزی مرگ را بگرداند سنا است. و از آن حضرت (ع): اگر مردم خاصیت سنا را بدانند، هر مقالش را بیک مثال طلا می‌خریدند، که از لکه‌های بدن، برص، جذام، جنون، فلج، لقوه امان

می‌بخشد، و با مویز سرخ بی‌هسته خورده شود و باندازه مساوی هلیله زرد و سیاه بآن افزوده گردد، و ناشتا بوزن سه درهم بخورد، و چون به بستر روی، همین مقدار بخورد، که این سید دواهاست.

تخم شربتی

از امام صادق (ع): هر که تب کند و همان شب بوزن دو درهم بر تخم شربتی بخورد از بر شام در امان بماند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۵۹

فصل سیزدهم پنیر و گردو (غذاهای زبده)

از امام ششم (ع): گردو و پنیر در هر کدام از آنها شفاست (اگر با هم خورده شود) و اگر جداگانه خورده شود در هر کدام بیماری است. و از آن حضرت (ع): پنیر غذای قبل را هضم میکند و اشتها را برای بعد زیاد می‌نماید و از آن حضرت (ع): خوردن گردو در شدت گرما دمل ایجاد می‌کند، و در زمستان کلیه‌ها را گرم می‌نماید؛ و برودت را دفع می‌کند.

نمک

پیغمبر (ص) در وصیت خود بعلی (ع) فرمود: یا علی (ع) غذا را با نمک شروع کن؛ و بنمک ختم نما، که در نمک داروی هفتاد بیماری است که از آنهاست: جنون،

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۶۰

جذام؛ برص؛ درد گلو؛ درد دندان؛ و درد شکم. از امام صادق (ع): هر که بر اولین لقمه غذایش نمک بپاشد خالهای صورتش از بین می‌رود. حضرت امام صادق (ع): از اصحابش سؤال کرد که: کدام خورشت بهتر است، یکی گفت: گوشت، دیگری گفت: روغن، دیگری گفت: روغن زیتون، حضرت فرمود: نه بلکه نمک است، راوی گوید: با امام (ع) به گردش بیرون رفتیم، غلام نمک را جا گذاشت، از هیچ خوردنی استفاده نکردیم تا برگشتیم. از عایشه، پیغمبر (ص) فرمود: هر کس قبل و بعد از هر چیز نمک بخورد، خداوند ۳۳۰ نوع بلا را از وی بگرداند که کمترینش جذام است.

سرکه

از انس، پیغمبر (ص) فرمود: هر که بخوردن سرکه مشغول می‌شود، خداوند ملکی بر سر او بگمارد که تا پایان خوردن برایش استغفار کند، نمک از لوازم ضروری خانه چون نان و آب بشمار می‌رود، و پیغمبر (ص) برام سلمه وارد شد، وی تکه

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۶۱

نانی برای حضرت آورد، پیغمبر (ص) پرسید خورشت دارید؟ ام سلمه گفت یا رسول الله جز سرکه چیزی موجود نیست، فرمود: سرکه خوب خورشتی است، و خانه‌ای که در آن سرکه باشد فقیر نشود. از امام صادق: ما در غذا خوردن به سرکه ابتدا می‌کنیم چنان که شما به نمک شروع می‌کنید که سرکه عقل را زیاد می‌کند. و از آن حضرت (ع): سرکه خورشت خوبی است که سوداء را بر طرف می‌کند، و قلب را زنده می‌سازد. و از آن حضرت: بر شما باد به سرکه انگور که هر انگلی را در درون بدن می‌کشد. و نبی اکرم (ص) فرمود: سرکه

خوب خورشتی است، خداوندا سرکه را وسیله برکت ما قرار ده که خورشت انبیاء پیشین بوده. از صحیفه الرضا، از علی (ع): از سرکه انگور آنچه که خود به خود فاسد شده بخورید نه آنچه که خودتان فاسد ساخته‌اید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۶۲

مری غذای بیات

از امام ششم (ع): یوسف در زندان از خوردن نان خالی بخدا شکایت کرد و از او خورشتی طلبید، و نان خشکیده زیاد پیش او بود، خداوند امر فرمود که: نان خشک را در کوزه یا مشکمی ضخیم نهد و بر آن آب و نمک بریزد، با این کار مری (غذای بیات) درست شد و آن را خورشت خود قرار داد.

زیتون

از صحیفه الرضا (ع)، پیغمبر (ص) فرمود: بر شما باد به زیتون، که سوداء را خوب کند، و بلغم را بر طرف نماید، و اعصاب را محکم و قوی گرداند، و ضعف و ثقل را (از معده) می‌برد، و اخلاق را نیکو می‌سازد، و اندوه را از میان بر می‌دارد. و حضرت فرمود: زیتون غذای خوبی است، دهان را خوشبو می‌گرداند، و بلغم را می‌برد، و رنگ رخساره را صفا و روشنی می‌بخشد، اعصاب را قوی می‌سازد، و رنج و درد را بر طرف می‌کند، و آتش غضب را فرو می‌نشانند. نبی اکرم (ص)، به علی (ع) فرمود: زیتون بخور و بدن بمال، که هر که زیتون

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۶۳

را بخورد و بتن مالد شیطان چهل روز به او نزدیک نخواهد شد. از امام ششم (ع)، پیغمبر (ص) فرمود: زیتون بخورید و بتن بمالید که درختی مبارک است و فرمود: زیتون روغن ابرار و طعام اخیار است.

پونه و رازیانه و زیره و نمک و گردو

از امام صادق (ع): چهار چیز چشم را روشنی می‌دهد و سودمند است و ضرر ندارد، پرسیدند آنها کدامند؟ فرمود: زیره و نمک و پونه کوهی و گردو اگر با هم جمع شوند (و یک جا خورده شوند). سؤال شد چرا اگر جمع شوند؟ فرمود زیره و گردو بواسیر را خوب میکند و باد را میبرد، و رنگ پوست را نیکو و معده را زبر و کلیه را گرم می‌گرداند، و پونه کوهی و نمک بادهای را از قلب میبرد، و عروق را باز می‌کند، و بلغم را میسوزاند، و ادرار را زیاد کند، و دهان را خوشبو و معده را نرم سازد و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۶۴

بادهای مودی و بد را از دهان می‌برد و قدرت جنسی را زیاد میکند.

خردل زیره

از ابن عباس پیغمبر (ص) فرمود: خردل دواء هر دردی است، و ورم و ضربان قلب به هیچ چیز مانند آن معالجه نشود (ثفاء یعنی زیره، و بقولی خردل، و بقولی حب الرشاد).

از ابراهیم بن نظام: در سفری دزدان مرا گرفتند، و در دهانم پالوده داغ ریختند چنان که طاول زد، بعد با برف پر کردند چنان که دندانهایم تو خالی شد، حضرت رضا (ع) را در خواب دیدم و باو شکایت کردم، فرمود سعد مصرف کن که دندانهایت محکم شود، وقتی حضرت بخراسان می آمد شنیدم که از نزدیک ما می گذرد، باستقبالش شتافتم، و بر او سلام کردم و حال خودم را به وی عرضه داشتم، که شما را در خواب دیدم ... فرمود: اکنون در بیداری ترا بهمان چیز امر میکنم، چنان کردم و دندانهایم محکم گردید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۶۵

اشنان

از امام باقر (ع) است که حضرت هر گاه با اشنان شست و شو مینمود، آن را بدهان میکرد و در دهان میگردانید و دور میریخت، و فرمود: اشنان فاسد دهان را بدبو و رنگ را زرد و زانو را ضعیف می سازد.

قاووت «۱» (سویق)

مردی بحضرت صادق (ع) عرضه داشت: کودکان ما بهنگام ولادت ضعیف و مریضند، حضرت فرمود چرا سویق بآنها نمی دهید، که گوشت میرویند و استخوان را محکم می سازد. از حضرت زین العابدین (ع) شکم تبار را با سویق و غسل سه بار پر کنید و از این ظرف بآن ظرف بریزید و به کسی که تب دارد بخورانید، که تب داغ را می برد و بوحی عمل کرده اید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۶۶

از امیر مؤمنان (ع) بهترین سحری برای روزه دار خوردن سویق است با خرما. حضرت رضا (ع) فرمود: سویق اگر شسته شود و هفت بار ظرف بظرف شود تب را می برد و ساق پا را نیرومند می سازد. از امام ششم (ع): شکم تبار را با سویق پر کنید، قبلا هفت بار شسته و سپس خورده شود. و از آن حضرت (ع): بهترین سحری سویق و خرما است. و از آن حضرت (ع): به کودکان سویق بدهید، که گوشت را میرویند و استخوان را محکم می سازد. و فرمود: هر که چهل روز سویق بخورد پاهایش نیرومند شود.

آرد جو

سیف خرما فرش در باره مریضی که داشت از امام صادق (ع) دوائی خواست حضرت فرمود: بمریض مغز جو بخورانید که ان شاء الله شفا می یابد که جو برای مریض بهترین غذا است، و در شکم مریض غذا و مواد غذایی است. سیف گوید: یک بار

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۶۷

بیشتر به او ندادم که شفا یافت.

مغز جاورس گورس

ابن کثیر گوید: به اسهال دچار شدم، امام صادق (ع) بمن فرمود که: سویق جاورس را با آب انیسون بگیرم، مصرف کنم، بدستور عمل کردم اسهالم خوب و شفا یافتم.

سویق سیب

از احمد بن یزید: اگر مار و یا عقربی یکی از اهل خانه را می‌گزید، می‌فرمود با سویق سیب ضماد کنید (سیب را رنده و خرد کنند سویق سیب است). و از ابن بکیر: خون دماغ شدم، از امام صادق درمانی خواستم فرمود: سویق سیب بخور، خوردن خون دماغ من قطع گردید.

سویق عدس

از امام صادق (ع): سویق عدس عطش را از بین می‌برد، و معده را قوی می‌سازد،

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۶۸

و شفاء ۷۰ درد است و حرارت را فرو می‌نشاند، و معده را تبرید می‌نماید، و هر گاه حضرت مسافرت می‌کرد، آن را از خود جدا نمی‌نمود، و اگر در کسی از اهل خانه فشار خون دچار می‌شد می‌فرمود: سویق عدس بخورید، که هیجان خون (فشار خون) را تسکین می‌دهد و حرارت را فرو می‌نشاند. از علی بن مهزیار: کنیزی از او گرفتار خونریزی شدید حیض شد چنان که مشرف به موت گشت، حضرت باقر (ع)، دستور داد که به او سویق عدس بخوراند، سویق عدس خورد و خوب شد.

شیر

پیغمبر اکرم (ص) وقتی شیر می‌آشامید می‌فرمود: «خداوند در آن برکت قرار ده و بیشتر روزی فرما» و می‌فرمود: این دو غذا پاکیزه و طیب است: خرما و شیر، و پیغمبر (ص)، وقت نوشیدن شیر آن را مضمضه می‌کرد و می‌فرمود: که چربی خوبی دارد. و در روایتی دیگر است که فرمود: شیر را مضمضه کنید که چربی خوبی دارد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۶۹

مردی به امام صادق (ع) عرضه داشت که شیر مرا اذیت می‌کند، امام (ع) فرمود: شیر تاکنون ضرری نرسانده، ولی تو آن را همراه با غذای دیگر خورده‌ای و آن غذا بتو زیان رسانیده و خیال کرده‌ای که ضرر از شیر بوده. از امیر مؤمنان (ع): شیر گاو دوا است، پرسیدند که بول گاو را می‌توان خورد؟ فرمود برای دوا ضروری مانعی ندارد. از جعفری: از حضرت موسی بن جعفر (ع) شنیدم که بول شتر بهتر از شیر آن است، و خداوند شفا را در شیر شتر قرار داده. از یحیی بن عبد الله: با حضرت صادق (ع) غذا می‌خوردم، ظرفهایی از شیرینی (مربا) جات آوردند، حضرت بیکی از آنها اشاره کرد و فرمود: این ماست چکیده الاغی است که برای بیماران تهیه می‌کنیم، هر که مایل است میل کند، از حضرت در باره بول الاغ سؤال شد؟ فرمود: مانعی ندارد.

در جویدن کندر

از نبی اکرم (ص)، پیغمبر فرمود: به زنان آبستن کندر بدهید که عقل کودک را زیاد می‌کند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۷۰

از امام صادق (ع): هیچ بخوری به آسمان نمی‌رود جز کندر، و در هیچ خانه‌ای کندر بخور نشود مگر اینکه بخور آن جنیان مودی را طرد کند. از امیر مؤمنان (ع): جویدن کندر دندانها را محکم می‌کند، و بلغم را بر طرف می‌نماید، و بوی دهان را میبرد. از حضرت امام رضا

(ع): کندر زیاد بجوید، که خوب جویدن آن بهتر است، که بلغم را میبرد، و عقل را زیاد و طعام را هضم و گوارا می نماید. از حضرت رضا (ع): به زنان باردار کندر بدهید که اگر جنین پسر باشد، پاکدل و دلیر گردد، و اگر دختر باشد شمایل و اخلاقش خوب و نیکو شود، و کپل های او بزرگ شود و در نزد شوهر ارجمند باشد.

شام خوردن

شام خوردن انبیاء در ثلث اول شب است، خوردن شام را فراموش نکنید که ترک آن بدن را فرسوده می کند. از نبی اکرم (ص): هر که شب شنبه و یکشنبه پشت سر هم شام نخورد، نیرویی از

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۷۱

او برود که تا ۴۰ روز باز نگردد. حضرت ابو الحسن (موسی بن جعفر، ع): شام را ترک نکنید گر چه با یک کیک باشد که نیروی بدن در آن نهفته است، و نمیدانم که امام (ع) فرمود: که شام برای ازدواج مفید است یا برای جماع. از امام صادق (ع): شام را فراموش مکن گر چه سه لقمه نان و نمک باشد، و فرمود: هر که یک شب شام نخورد عرقی و رگی در بدن او بمیرد که دیگر زنده نشود.

کماة

از حضرت رضا (ع)، پیغمبر (ص) فرمود: کماة از مائده آسمانی است و آبش شفاء چشم است. و فرمود: خرماي برنی از بهشت است و داروی سم میباشد.

خوردن پیاز با تخم مرغ و غیر آن

از حضرت موسی بن جعفر (ع): هر که تخم مرغ و پیاز و زیتون بخورد نیروی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۷۲

آمیزش او زیاد گردد، و هر که گوشت را با تخم مرغ بخورد استخوان فرزندش قوی و ستبر شود (یعنی فرزندی که نطفه اش از این غذا باشد). یکی از اصحاب امام صادق (ع) بحضرت عرضه داشت: جانم فدایت من کنیزانی خریدم، دستوری فرماید که بر آمیزش قوی شوم. فرمود: پیاز را خرد کن، و در روغن زیتون سرخ کن، و تخم مرغ را بشکن و در ظرفی بریز و بر آن نمک بپاش و بر روی پیاز و زیتون بریز، و مختصری بجوشان بعد تناول کن، راوی گوید: چنین کردم، و به آنچه می خواستم توانا گشتم.

در گوشت خشک، و پنیر و طلع (غوره خرما)

از امام ششم (ع): سه چیز است که چاق می کند و خوردنی نیست، و سه چیز لاغر می کند و خوردنی است، و دو چیز برای هر چیزی سودمند است، و هیچ ضرری ندارد، اما آنچه چاق می کند، و خوردنی نیستند، لباس کتان و بوی خوش، نوره و آنچه خوردنی است و لاغر میکند، گوشت کهنه، پنیر، طلع. و در حدیث دیگر است که: آنچه برای همه چیز سودمند است و هیچ ضرر ندارد شکر و انار است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۷۳

باب هشتم در آداب نکاح و متعلقات آن

- در ده فصل

فصل اول (در رغبت به ازدواج و برکت و شومی زن)

از امام پنجم (ع)، پیغمبر (ص) فرمود: چرا مؤمن زن نگیرد که شاید خداوند باو فرزندی دهد که زمین را به لا إلهَ إِلاَّ اللَّهُ سنگین سازد. و پیغمبر (ص) فرمود: هر که ازدواج کند نصف دین خود را حفظ کرده، در باره نصف دیگر تقوی پیشه کند. و نیز فرمود: در اسلام کاخی که در نزد خدا محبوبتر از ازدواج باشد بر افراشته نشده.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۷۴

و نیز فرمود: هر که (دین و) فطرت مرا دوست دارد باید به سنت من عمل کند، و یکی از سنن من نکاح است. و نیز فرمود: هر که قدرت بر ازدواج داشته باشد، و ازدواج نکند از من نیست. و نیز فرمود: روزی را از راه ازدواج بجوید. از امام ششم (ع): هر که از ترس خرج و نفقه تزویج نکند بخدا بدگمان گشته که خداوند فرماید: «اگر فقیر باشند خداوند از عنایت خود بی نیازشان گرداند». و پیغمبر (ص) فرمود: ای جوان ازدواج کن و زنا نکن، زیرا زنا ایمان را از قلب تو می برد. و فرمود: ازدواج کنید با زنان زیرا آنها برای شما سبب روزی هستند. از امام صادق (ع) فرمود: بهترین واسطه گری در ازدواج است تا خدا بین دو نفر حلال را جمع کند. و پیغمبر (ص) فرمود: ازدواج کنید که من در قیامت بزیادی شما امت می بالم، حتی اینکه کودک سقط شده؛ خشمگین بر در بهشت می ایستد، باو می گویند داخل

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۷۵

بهشت شو، میگوید: تا پدر و مادرم پیش از من وارد بهشت نشوند من وارد نخواهم شد. و نیز فرمود: دو رکعت نماز زن دار بهتر است از یک شبانه روز عبادت عزب که روزش را روزه بگیرد، و شب را نماز بخواند. و نیز فرمود: بدترین مردگان عزبها هستند. و نیز فرمود: ای جوانان، هر که قدرت بر ازدواج دارد ازدواج کند، که چشم را با حیا و دامن را پاک نگه میدارد، و هر که قدرت ندارد، بسیار روزه بگیرد که از نیروی جنسی میکاهد. از امام ششم (ع): دو رکعت نماز همسردار بهتر است از ۷۰ رکعت نماز عزب. از امام هفتم (ع): مردی خدمت امام باقر (ع) آمد و حضرت باو فرمود: همسر گرفته ای؟ گفت: نه، امام (ع) فرمود: دوست ندارم که همه دنیا از من باشد و یک شب بی زن بخوابم، و بعد فرمود: دو رکعت نماز همسر دار بهتر است از اینکه عزبی شب را نماز گزارد و روز را روزه دار باشد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۷۶

از امام ششم (ع): مرد هر چه بیشتر زن دوست باشد ایمانش بیشتر است. از آن حضرت: به زنان بسیار نیکی کنید. و از آن حضرت: ازدواج کنید و طلاق مدهید که از طلاق عرش بلرزه آید. و از آن حضرت (ع): ازدواج کنید و طلاق مدهید که خداوند زن و مرد عیاش و لذتجو را دوست ندارد. و از آن حضرت (ع): از خاندان صالح همسر بگیرید که نطفه اثر (پنهانی) دارد (یعنی صفات و حالات والدین از راه نطفه بفرزند میرسد). و از آن حضرت (ع): یکی از صفات انبیاء زن دوستی بود. و از آن حضرت (ع): مؤمن بر سه چیز حساب کشیده نشود: غذایی که می خورد، و لباسی که باید بپوشد و همسری صالح که مددکار زندگانی او و وسیله حفظ عفت او باشد. و از آن حضرت (ع): هر که از ترس فقر همسر نگیرد بخدا بدگمان است که میفرماید: «اگر فقیر باشند خداوند از فضل خود بی نیازشان سازد» (نور آیه ۳۳). از نبی اکرم (ص): هر که خواهد که خدا را با حالت پاک و پاکیزه ملاقات کند،

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۷۷

با داشتن همسر صالح ملاقات نماید. از حضرت زین العابدین (ع): هر که برای رضای خدا و صلح رحم همسر گیرد خداوند تاج شاهی بر سرش نهد. از نبی اکرم (ص): هر که بتواند و همسر نگیرد از من (مسلمان) نیست. از امام صادق (ع): هر که در حال قمر در عقرب ازدواج کند، نیکی نبیند، و روایت است که در آخر ماه ازدواج نکنید. از نبی اکرم (ص): بهترین زنان امتم آنانند که مهرشان کمتر و صورتشان زیباتر است. از حضرت صادق (ع): از مبارکی های زن، کمی نفقه و آسان زاییدن اوست، و از شومی زن پر خرجی و سخت زائی اوست. و از آن حضرت (ع): در سه چیز شومی است: زن، چهارپا، خانه. اما شومی زن زیادی مهر و سختی زایمان اوست. و اما شومی چهارپا: چموشی و کم زایی اوست، و اما شومی خانه: کوچکی و بدی همسایه های آن است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۷۸

و روایت است که از برکت زن کمی مهر و از شومی او زیادی مهر است. از نبی اکرم (ص): کبود چشمان را ازدواج کنید که پر برکتند. و امام (ع) فرمود: شومی در میان (بعضی) زن ها و اسب ها و خانه ها وجود دارد.

فصل دوم (انواع زنان و صفات و اخلاق آنان)

در اخلاق ستوده زنان

از امام ششم (ع): زنها چهار نوعند:

ربیع مربع

(بهار چهار شانه) و

جامع مجمع

(جامع خوبی ها)،

کرب مقمع

(بد اخلاق)،

غل قمل

(پوست خشکیده). اما ربیع: آنهاوند که یک فرزند در بغل و یکی در شکم دارد (یعنی ولود، و بچه زاست).

جامع مجمع

: آنکه پر خیر و پاکدامن است. و

کرب مقمع

: آن زن که با شوهر بد خواست، و

غل قمل

: زنی است که غل قمل را ماند، و آن ریسمانی است از پوست که بر گردن اسیر افکنند و چون خشک می شود گردن را می خورد و می ساید، و این مثلی است برای

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۷۹

کسی که جز نکبت و زیان ندارد. داود کرخی به امام ششم (ع) گفت: همسر من که همسر موافقی بود وفات یافت و می خواهم زن دیگر بگیرم، فرمود: بنگر و دقت کن که خود را بکجا می افکنی، و چه آدمی را شریک مال خود می سازی. و بر دین و اسرار و امانات خود مسلط می سازی و اگر ناچاری زن بگیری زنی خوب و خوش اخلاق بگیر:

«بدان که زنان بصفت مختلفند، بعضی سودمند و نافعند و بعضی چون ماهند بوقت نور افشاندن، و بعضی تاریکی و ظلمتند پس هر که به زن نیک دست یابد خوشبخت است، و هر که مغبون گرد رشته زندگیش گسیخته است».

و زنان سه دسته اند: زن بسیار بچه آور، با محبت، که شوهر را بر دین و دنیایش کمک است. و زنی که عقیم است، نه زیبایی دارد و نه خوشحویی، و نه شوهر را به کاری نیک کمک می باشد، و سوم زن زیاد غرولند کن، پرسه زن و بیرون رو، عیب جو، زیاد را کم شمرد و کم را نپذیرد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۸۰

امیر مؤمنان (ع) فرمود: زن بزرگ چشم، گندم گون، بزرگ کپل، چهارشانه بگیر و اگر چنین زنی را نخواستی صداقتش و مهرش با من. از امالی صدوق از امام (ع): عقل زنان در زیبایی آنهاست، و زیبایی مردان در بسیاری عقل آنها، پیغمبر وقتی می خواست زن بگیرد، یکی را میفرستاد او را ببیند و می فرمود: گردنش را بو کن که اگر آن خوشبو باشد بویش خوب و طیب است، و اگر غوزک پایش پر گوشت باشد، فرجش پر گوشت خواهد بود. از زین العابدین (ع): پنج چیز است که هر کس یکی از آنها را فاقد باشد زندگیش همواره ناقص و عقلش زائل، و دلش گرفتار خواهد بود: اول سلامتی تن، دوم و سوم وسعت روزی و خانه، چهارم انیس موافق یعنی فرزند و همسر صالح، پنجم:

یعنی آنکه شامل همه این خصلت هاست، آسایش. و نیز فرمود: هر که خواهد زن بگیرد، از موی او نیز بپرسد همان طور که از زیباییش می پرسد، که موی یکی از دو قسمت زیبایی است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۸۱

و فرمود: بهترین زنان آنست که: خوشبو، و طباخ (خوش غذا) خوبی باشد، اگر خرج کند در راه صحیح و خوب خرج کند، و اگر امساک نماید بروش صحیح باشد.

و این گونه زنان از عمال الهی هستند و عمال خدا پشیمانی، و نکبت نخواهند داشت. از امام صادق (ع): بهترین زنان آنست که اگر خشمگین شود بشوهر گوید دست من در دست تست (یعنی اختیار من با تست) به بستر خواب نخواهم رفت تا از من راضی شوی. پیغمبر (ص) فرمود: می خواهید بهترین زنان را معرفی کنم؟ گفتند آری یا رسول الله. فرمود: بهترین زنان آنست که بچه زیاد می آورد و با عاطفه و محبت و عفیف و پوشیده باشد، در خانواده اش عزیز و محترم، و برای شوهر متواضع و فروتن باشد. با شوهر شوخ و مزاحگر و نسبت به دیگران (از مردان) مستور و خوددار باشد.

به سخن شوهر گوش فرا دهد، و فرمانبرداری نماید، در خلوت خود را برای او بیازاید و چون مردان ترک زینت ننماید. و فرمود: هیچ مردی بعد از اسلام نفعی بالاتر از همسر مسلمان عایدش نشد که چون به او بنگرد مسرور گردد، و چون به او فرمانی دهد اطاعت نماید، و در نبود شوهر مال او و ناموس خود را حفظ نماید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۸۲

مردی بمحضر پیغمبر (ص) آمد و گفت: یا رسول الله! همسری دارم که چون بخانه میروم به پیشبازم می آید و وقتی بیرون میروم بدرقه‌ام می‌نماید، و اگر مرا غصه‌دار ببیند؛ می‌گوید: غم مخور، که اگر غم روزی می‌خوری؛ خداوند آن را بعهدہ گرفته. و اگر برای آخرت غم داری و فکر میکنی خداوند بر فکر و غم تو بیفزاید، پیغمبر (ص)، فرمود: او را بشارت بهشت ده، و به وی بگو که تو یکی از عاملان خداوندی و در هر روز پاداش ۷۰ شهید برای تو خواهد بود.

و در حدیثی است که فرمود: خداوند عمالی دارد که این زن یکی از آنهاست، و نصف اجر شهیدی را دارد. از امام صادق (ع): خیرات الحسان (در سوره الرحمن) از زنان دنیا هستند، که از حور العین زیباترند. و از آن حضرت: شجاعت در خراسانیها، و قدرت جنسی در مردم بربر و سخاوت و حسد در عرب است، پس برای نطفه‌های خود (همسر مورد نظر) انتخاب کنید. و از آن حضرت: حیاء ده جزء است: نه جزء آن در زنان است و یک جزء در

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۸۳

مردان. زن چون حیض ببیند یک جزء آن را از دست میدهد، و چون شوهر کند جزء دیگرش برود و چون بکارتش ازاله شود جزء دیگری از حیائش برود، و پنج جزء آن بماند، و اگر به گناه (زنا) آلوده گردد و بفساد گراید همه حیاء او زائل شود، ولی اگر عفت خود را نگهدارد، پنج جزء آن باقی بماند. از امیر المؤمنین (ع): هر که جماع (خوب) خواهد؛ زن کوتاه قد و چهار شانه، گندمگون بگیرد، و اگر لذت نبرد مهرش بعهدہ من است. از جابر، پیغمبر (ص) فرمود: اگر زن پنج نماز خود بگذارد و روزه رمضان را بگیرد، و دامن از زنا نگهدارد، و شوهرش را اطاعت نماید، از هر دری که بخواهد به بهشت در آید. و نیز فرمود: هر زنی که شوهرش را بر حج و جهاد و طلب علم یاری کند، خداوند به او پاداش زن ایوب دهد. از امام صادق (ع): پیغمبر (ص) فرمود: بهترین زنان امتم زیباترین و کم‌مهرترین آنهاست.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۸۴

اخلاق زشت زنان

از امام صادق (ع): بیشتر دشمنان مردم مؤمن همسر بد است. و پیغمبر (ص) بزنان فرمود: من سست ایمان و کم عقلی ندیدم که بیش از شما عقل مردان را ببرد. و نیز فرمود: زنان عورت (ناموس) و گمراهند، عورت (ناموس) را با خانه و گمراهی را با سکوت بیوشید. و فرمود: اگر زن نبود خدا بحقیقت پرستش میشد. از امیر مؤمنان (ع): در آخر الزمان و نزدیک قیامت که بدترین زمانهاست زانی پیدا شوند، خیابان گرد، عریان، از دین بیگانه، دنبال فتنه‌ها و هوسباز و پیرو شهوت‌ها و شتابان به لذتها، حلال داننده گناهان و به دوزخ ابدی گرفتار. از کتاب ریاض: پیغمبر (ص) فرمود: زن زشتی که بچه آرد بهتر است از زن زیبای نازا.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۸۵

و نیز فرمود: زیبارویان نازا را رها کنید و زنی که بچه آرد بگیرد (گر چه) سیاه باشد. که من به زیادی شما امت حتی به سقطشده‌ها می‌بالم. و فرمود: هر زنی که شوهر را در نفقه به آنچه قدرت ندارد وادارد، خداوند هیچ عمل او را نپذیرد، مگر آنکه توبه کند، و از این روش بازگردد، و از شوهر بقدر قدرت او بخواهد. و فرمود: اگر زنی همه زر و سیم زمین را بخانه شوهر برد، و روزی بر او منت نهد که: تو کی هستی؟! مال‌ها و اثاث خانه از من است، اعمال خیرش نابود شود، مگر آنکه توبه کند و از شوهر عذر بخواهد. از سلمان فارسی (رضی الله عنه): پیغمبر (ص) فرمود: زنی که از روی منت گذاشتن به شوهرش بگوید: تو از مال من می‌خوری، اگر همه مالش را در راه خدا صدقه دهد از او پذیرفته نگردد تا وقتی که شوهرش از او راضی گردد. و از امیر مؤمنان: از نبی اکرم (ص) شنیدم که: هر زنی که از شوهر بستم فاصله

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۸۶

گیرد در قیامت با فرعون و هامان و قارون در پست‌ترین طبقات دوزخ جای گیرد، مگر آنکه توبه نماید. پیغمبر (ص): به زنانی گذشت، ایستاد و فرمود: من ناقص دین و ناقص عقلی ندیدم که بیش از شما عقل مردان را بدزدد، و من دیدم که اکثر دوزخیان در قیامت شماید، پس تا می‌توانید بخدا تقرب جوید. زنی گفت یا رسول الله نقصان دین و عقل ما چیست؟ گفت: اما نقصان دینتان از حیض است که مدتی از نماز و روزه محرومید و اما نقصان عقل شما در آنست که شهادت شما نصف شهادت یک مرد است. و نیز فرمود: می‌خواهید بدترین زنان را معرفی کنم؟ گفتند: آری. فرمود:

آن کس که در خانواده‌اش دلیل و نسبت بشوهر عزیز (در دانه)؛ نازا، کینه‌توز، ناپرهیزکار از بدی، در غیبت شوهر خودنما و خود آرا و عریان خوددار از او، نه سخن او را بشنود و نه فرمانش را ببرد، وقتی شوهر با او خلوت کند، چون شتر چموشی سرکشی نماید، نه عذری از وی پذیرد و نه از لغزش او درگذرد. پیغمبر (ص) سخنرانی فرمود که: مردم از گلها و سبزه‌های مزبله‌ها بیرهیزید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۸۷

پرسیدند مراد چیست؟ فرمود: زن خوشگل در خانواده بد. و فرمود: بدانید که زن سیاه زانو بهتر است از زیباروی نازا. از امام ششم (ع): اگر مرد زن را برای زیبایی و یا ثروتش بگیرد، از این هر دو محروم ماند و اگر برای دین و تقوایش بگیرد، خداوند مال و جمال نیز نصیبش گرداند. از حسین بن بشار: به حضرت موسی بن جعفر نوشتم که من قوم و خویشی دارم از من (دخترم را) خواستگاری کرده ولی در او بدخویی است، فرمود: اگر بد اخلاق است با او ازدواج نکنید. از حضرت صادق (ع): مردی به امیر مؤمنان (ع) از همسرش شکایت کرد، حضرت به سخنرانی ایستاد و فرمود: ای مردم بهیچ حال از زنان اطاعت نکنید، و آنها را بر مالی امین مگردانید، و تدبیر امر خود را بآنها وامگذارید، که اگر بحال خود واگذار شوند، به مهلکه‌ها در آیند، که من آنها را در مقام خواستم چیزی بی‌ورع، و بهنگام شهوت ناشکیبا یافتم. اگر چه پیر شوند دست از کبر برندارند، و هر چند عاجز شوند

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۸۸

خود خواهی را از دست ندهند، اگر مختصری از خواسته‌هاشان را ندهی احسان بسیار را سپاس نگویند، خوبی را فراموش کنند، و بدی را نهبانی نمایند، با بهتان ساقط گردانند، و بگردنکشی ادامه دهند و پذیرای شیطان باشند، بهر حال با آنها مدارا کنید، و بزبان خوش با آنها سخن گوید، شاید بنیک کرداری گرایند.

فصل سوم (در کفو و همسر و نکته‌هایی از نکاح)

از حسین بن بشار: به حضرت باقر نوشتیم که مردی از من خواستگاری کرده (یعنی دختری را از خانواده‌ام) حضرت جواب نوشت: اگر خواستگاری کننده از دین و امانتش راضی هستی هر که باشد با او ازدواج کنی، (یعنی اگر دیندار نباشد با او زن ندهی و گر نه فتنه و فساد بزرگ در زمین خواهد بود (یعنی غیر دین و درستی را در نظر داشتن).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۸۹

پیغمبر (ص) فرمود: من بشری چون شما هستم (در امور زندگی) و (بمیل خود) با شماها ازدواج میکنم مگر فاطمه (ع) که تزویج او باشاره الهی و آسمانی است، و پیغمبر (ص) به فرزندان علی (ع) و جعفر نگاه کرد و فرمود: دختران ما از آن پسران ما و پسران ما مال دختران ما هستند (یعنی بین آنها ازدواج واقع می‌شود). از امام ششم (ع): مؤمنون کفو و همسر یک دیگرند، و همسر کفو و همشان آن است که با عفت باشد. از حلبی از آن حضرت (ع): با مرد و زنی که آشکارا زنا میدهد ازدواج نکنید مگر آنکه بدانید توبه کرده‌اند. از زراره: از امام صادق (ع)، در باره گفته خداوند: «مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نکند و زن زناکار را نیز جز مرد مشرک و زناکار نگیرد» سؤال کردم؟

امام (ع) فرمود: مردان و زنان مشهور به زنا هستند، و مردم امروز بهمان منزلت می‌باشند. هر که بر او حد زنا جاری شود یا بزنا مشهور گردد، نباید کسی با او ازدواج کند تا توبه‌اش مسلم شود. مردی برای مشورت ازدواج دخترش خدمت حضرت امام حسن (ع) آمد، امام فرمود او را بمردی پاکدامن ده که اگر دوستش داشته باشد گرامیش میدارد و اگر

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۹۰

دوستش نداشته باشد باو ستم نکند. پیغمبر (ص): هر کس دخترش را به فاسقی دهد قطع رحم کرده است. و فرمود: هر که شراب بنوشد اگر خواستگاری کرد شایسته ازدواج نیست. علی بن اسباط در باره دخترانش به امام باقر (ع) نامه نوشت که هیچ کس مثل (هم شأن) من پیدا نمیشود که به او دختر دهم: حضرت جواب نوشت: مقصود تو را راجع بدخترانت دانستم، خدایت رحمت کند این چنین میاندیش و انتظار مبر، که پیغمبر (ص) فرمود: اگر خواستگاری آمد که اخلاقش مورد رضایت است با او ازدواج کنی «و اگر نکنی فتنه و فساد در زمین شده است»- (سوره انفال / ۷۴). روایت است که حضرت از ابی بصیر پرسید: یکی از شما میخواهد ازدواج نماید چه میکند؟ گفت نمیدانم. امام فرمود چون به این کار تصمیم گرفت دو رکعت نماز گزارد و خدا را حمد کند و بگوید: «خداوند من قصد ازدواج دارم، زیباترین و خوشخوترین و عقیف ترین زنان را نصیب من کن که مال من و ناموس خود را بهتر حفظ کند و رزق و برکت او از همه وسیعتر باشد، و از او فرزندی پاک که در حیات

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۹۱

و مرگ من یادگاری صالح باشند بمن عنایت کن». ابو طالب هنگام ازدواج پیغمبر اکرم (ص) با خدیجه چنین خطبه خواند:

- در حالی که دستها را بدو طرف در گرفته بود و بزرگان قریش حضور داشتند:- «سپاس خدایی را که ما را از نسل ابراهیم و ذریه اسماعیل قرار داد، و بر ایمان خانه‌ای محبوب و حرمی امن (یعنی مکه و کعبه) قرار داد، و مرا در شهر و دیار خود حاکم بر مردم ساخت. بعد، پسر برادرم محمد بن عبد الله با هیچ مردی سنجیده نشود جز آنکه بر او رجحان یابد و هیچ کس را باوی قیاس نتوان کرد، گر چه ثروت او ناچیز است که ثروت روزی انسان است که می‌آید و مانند سایه دیر یا زود رونده است، وی بخدا مایل است و خدیجه به وی علاقه‌مند و مهر آنچه بگوید نقد یا بدمه از مال من خواهد بود و محمد مقامی بس بزرگ و شانی بسیار والا و زبانی شفاعتجو و گویا

دارد، پس خدیجه را به ازدواج وی در آورد و فردا بخانه‌اش فرستاد. و چون حضرت جواد با دختر مأمون ازدواج کرد برای خود چنین خطبه خواند: «سپاس خداوندی که نعمتهایش را از رحمت و لطف بر ما کامل کند و با منت و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۹۲

احسان ما را به تشکر آنها رهبری می‌نماید و درود بر محمد (ص) برترین آفریده‌ها که همه فضایل پیامبران پیشین در او جمع بود و میراث خود را برای آن کسی که او را بخلافت برگزید و مخصوص گردانید (علی، ع) قرار داد. و این امیر المؤمنین دخترش را به آنچه که برای زنان مسلمان بگردن مردان ثابت کرده من تزویج فرمود یعنی (بخوبی نگهداشتن یا به نیکی رها ساختن) و مهر او را به اندازه آن مهری که رسول خدا (ص) بزنانش داد یعنی پانصد درم بدل نمودم، و یک صد هزار درهم از مال خود به وی بخشیدم، یا امیر المؤمنین تزویج کردید؟ مأمون گفت: آری، قبول کردم و راضیم. و مستحب است در موقع عقد نکاح خطبه حضرت رضا (ع) که دارای معنای جامعی است برای تبرک خوانده شود و خطبه اینست: «سپاس خدایی را که خویشتن را در کتابش حمد نموده، و قرآنش را بحمد خود آغاز کرده، و حمد و سپاس خویش را اولین جایگاه نعمت و آخرین پاداش اهل طاعت قرار داد، و درود خداوندی بر محمد بهترین انسانها و بر آل او پیشوایان رحمت و معدنهای حکمت، و سپاس خداوندی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۹۳

را که در خبر راستین و کتاب گویایش آورده که شایسته‌ترین اسباب برای صلح کردن و زبندترین امور در جلو افتادن سببی است که نسب را پدید آرد و فرمود: «برای جوانان و دختران و پسران صالح خود ازدواج کنید که اگر فقیر باشند خداوند بفضل خود بی‌نیازشان گرداند که خداوند وسعت بخش و دانا «۱» است».

اگر در ازدواج آیه محکم قرآنی و سنت جاری نبوی هم نبود بواسطه آنکه خداوند در آن خوبی به نزدیکان و الفت و خویشی با دوران را قرار داده حتما خردمند بدان تمایل نشان میداد و آدم سعادت‌مند بسویش شتاب می‌کرد. و نزدیکترین مردم بخدا کسی است که فرمان او برد و امرش را اجرا سازد و به پاداش او دل بندد، و از خدا خواهیم که برای ما و شما بهترین کارها را پیش آرد، سپس آقای فلان که مروت و خردمندی و فضیلت و پاکی نیتش را می‌دانید؛ دوست دارد که با شما شریک زندگی شود و دخترتان خانم فلان را بازدواج در آورد و باین مقدار ... مهر بپردازد، پا در میانی واسطه را بپذیرد و به روشی آسان نه مشکل به خواستگار پاسخ مثبت دهید، این سخن منست، و برای خود و شما استغفار می‌نمایم.

خطبه حضرت جواد هنگام تزویج دختر مأمون

«سپاس خدا را برای اقرار به نعمتهایش، و لا اله الا الله برای اخلاص در یگانگیش

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۹۴

و درود بر محمد بهترین انسانها و بر برگزیدگان خاندانش (ائمه ع). اما بعد: یکی از احسان‌های خداوند بر مردم آنست که به حلال از حرام بی‌نیازشان کرد و فرمود (برای جوانان و دختران صالح خود ازدواج کنید که اگر فقیرند خداوند به فضل خود بی‌نیازشان سازد که خداوند وسعت دهنده داناست».

سپس «محمد بن علی بن موسی»، ام الفضل دختر عبد الله مأمون را نکاح میکند، و مهر او را باندازه مهر جدش فاطمه (ع) قرار میدهد که عبارتست از پانصد درهم، یا امیر المؤمنین باین مهر دختر را بمن تزویج می‌کنی؟ مأمون گفت: آری او را به ازدواج شما در آوردم و نکاح را قبول کردم و بدان راضی و خشنودم. از امام ششم (ع): هر که دختری را بگیرد و قصد دادن مهرش را نداشته باشد، در نزد خداوند زناکار است. از امیر مؤمنان (ع): مهمترین شرطی که باید وفا شود مهری است که زنان را بآن بخود حلال کرده‌اید و سنت محمد (ص) در مهر ۵۰۰ درهم است، و هر که بر سنت بیفزاید آن را رد کرده است و اگر از پانصد درهم یک درهم یا بیشتر را بزن بپردازد و بعد باوی آمیزش کند دیگر چیزی بگردن مرد نیست و زن فقط مالک همانست که

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۹۵

قبلا دریافت «۱» کرده، هر مقدار از مهر که زن بدمه مرد پذیرفته از مال مرد در زمان حیات و هم بعد از مرگ باید داده شود، و بهتر است که ورثه آنچه را که زن در حیات خود از شوهر مطالبه نکرده مطالبه نکنند، و هر چه زن قبل از دخول از مرد نقد گرفته همان صداق او باشد. و علت اینکه مهر السنه ۵۰۰ درهم شده آنست که خداوند بر خود واجب کرده که اگر مؤمن صد بار تکبیر و صد بار تسبیح، و صد بار تهلیل (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) و صد بار حمد گوید و صدر بار بر پیغمبر (ص) و آتش درود فرستد و بعد بگوید: «خداوندا از حور العین بمن تزویج کن» خداوند حتما از حوران بهشتی بازدواج او در آورد و همان اذکار را مهر او قرار دهد، و چون مردی دخترش را بازدواج کسی در آورد نباید مهر او را بخورد. از حضرت زین العابدین (ع): پیغمبر (ص) بهنگام تزویج فاطمه (ع) به علی (ع) چنین خطبه خواند: «سپاس خدایی را که بواسطه نعمتهایش ستایش می‌شود و بواسطه.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۹۶

قدرتش پرستش می‌گردد، به واسطه سلطنتش اطاعت می‌شود، و بواسطه هیبت و عذابش ترسیده، و به عنایاتش رغبت و دلبستگی پیدا می‌شود، فرمانش در آسمان و زمین نافذ است. سپس خداوند عز و جل مرا فرموده که فاطمه (ع) را به ازدواج علی در آورم و اینک او را به ۴۰۰ مثقال نقره اگر علی باین مقدار راضی باشد بازدواج وی در می‌آورم»، سپس طبقی، نقل طلبید و فرمود بردارید، در این بین علی (ع) وارد شد، پیغمبر (ص) لبخندی برویش زد، و فرمود: یا علی میدانی که خداوند بمن امر کرده که فاطمه را به ۴۰۰ مثقال نقره اگر راضی باشد بعقد تو در آورم و من چنین کردم.

علی (ع) فرمود: راضی هستم از طرف خدا و رسول او. پیغمبر (ص) فرمود: خداوند پریشانی شما را بر طرف کند و سعادت‌مندان سازد، و بشما برکت دهد، و از شما نسل فراوان و پاکی برآرد.

و از رسول اکرم (ص): خداوند پریشانی شما را بر طرف کند، و خوشبخت سازد، و برکت به شما عنایت کند، و ذریه پاک و فراوان بشما مرحمت فرماید. پیغمبر اکرم (ص) فرمود: به زید بن حارثه زینب دختر جحش را ازدواج کردم، و ضباعه دختر زبیر بن عبد المطلب را بنکاح مقداد در آوردم، تا بدانید که شریفترین شرفها اسلام است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۹۷

جابر بن عبد الله: چون پیغمبر (ص) فاطمه را به علی داد، جمعی از قریش خدمت حضرت رسیدند و گفتند: دخترت را با مهری ناچیز بنکاح علی (ع) در آوردی؟

حضرت فرمود: من تزویج نکردم بلکه خدا فاطمه را در شب معراج من بنکاح علی (ع) در آورده در نزد سدره المنتهی بمن وحی کرد که من نثار کنم، و من گهرهایی بر حور العین نثار نمودم و حوران آن نثارها را بهم دیگر هدیه دهند و بدان افتخار نمایند، و گویند این نثارهای عروسی فاطمه (ع) است. و در شب زفاف بر مرکب شهباء نشست و به فاطمه گفت: سوار شو، و به سلمان دستور داد، که عنان مرکب را بگیرد و پیغمبر (ص) خود از دنبال آن را میراند، در بین راه صدایی سخت شنید، وقتی نظر کرد، دید جبرئیل با ۷۰ هزار فرشته و میکائیل با ۷۰ هزار دیگر آمده‌اند، پیغمبر (ص) پرسید برای چه بزمین آمده‌اید؟ گفتند برای بدرقه فاطمه (ع) تا حجله و خانه شوهر، و جبرئیل و میکائیل و ملائکه تکبیر گفتند و پیغمبر (ص) نیز تکبیر گفت و از آن شب تکبیر گفتن برای عروسی‌ها سنت گردید. از امام صادق (ع): عروسی را در شب قرار دهید و روز اطعام نمایید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۹۸

فصل چهارم (در آداب زفاف و آمیزش و غیر از آن)

از امام صادق (ع): روایت است که بیکی از اصحاب خود فرمود: چون همسرت بخانهات آمد، (شب عروسی) دست به پیشانی او بگذار، و رو بقبله بایست، و بگو:

«خداوندا امانت ترا گرفتم، و با کلمات تو (صیغه عقد) ناموس و عورت او را بر خود حلال کردم، اگر از او فرزندی بمن دادی، او را مبارک و سالم بدار، و شیطان را در نطفه‌اش شریک مکن». و در روایت دیگری است که: «پروردگارا به پیروی کتاب تو تزویج نموده‌ام، و به امانت تو دست گذارده‌ام»، تا آخر. از کتاب نجات: روایت از ائمه (ع): چون زفاف نزدیک گشت، مستحب است که به همسرت دستور دهی دو رکعت نماز بخواند، و چون بر تو وارد شد با وضوء باشد، و تو نیز باید همین طور نماز بخوانی، و خدا را سپاس بگو و بر پیغمبر (ص) و آل او درود

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۳۹۹

بفرست، و بگو «خداوندا مهر و الفت و دوستی و محبت و خشنودی او را نصیبم کن، و او را وسیله خوشدلی و دلشادی من قرار ده، و بین ما را به بهترین صورت و راحت‌ترین همکاری با هم جمع کن، که تو حلال را دوست داری و از حرام بیزاری».

و بهنگام آمیزش بگو «خداوندا فرزندی بمن عطا کن که پاک و متقی باشد، و در او نقص و اضافه‌ای نباشد، و پایان کارش بخیر انجامد» و بهنگام جماع (بسم الله ...) بگو. از ابی سعید خدری: پیغمبر (ص)، به علی (ع) وصیت فرمود: چون عروس بخانهات در آید، کفش او را بدر آر، و پاهایش را بشوی، و جلوی در خانهات را آب بپاش، و با این عمل خداوند هفتاد هزار نوع فقر را از خانهات براند و بجایش هفتاد هزار گونه غنا و برکت فرستد، و هفتاد رحمت بر سر عروست نازل سازد تا برکتش هر گوشه خانهات را بگیرد، و عروس را تا در آن خانه است از جنون و جذام و برص نگهدارد، و عروس را در هفته اول از لبنیات و سرکه و گشنیز و سیب ترش منع کن.

علی (ع)، عرضه داشت: چرا از این چهار چیز او را جلوگیرم؟ فرمود: زیرا رحم به این چهار چیز نازا شود، و حصیر خانه بهتر از زن نازاست- علی (ع) پرسید سرکه چه عیب دارد؟ فرمود: چون اگر پس از خوردن سرکه حیض بیند هیچ وقت

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۰۰

بطور کامل پاک نشود، و گشنیز حیض را برانگیزد و زایمان را مشکل کند، و سیب ترش حیض را قطع نماید و بیماری پدید آرد. بعد فرمود: یا علی! در اول و وسط و آخر ماه آمیزش مکن که جنون و جذام و خلی و نقصان بزن و فرزند (اگر درست شود) روی آرد. بعد از ظهر آمیزش مکن، که اگر فرزندی پاگیرد، (احول) دو بین باشد (از این رو که در چشم او پیچ و تاب ایجاد شود) و شیطان از دو بین خوشنود شود.

بهنگام آمیزش سخن مگو، که اگر فرزندی در آن حال پاگیرد از لال شدن ایمن نباشد، و کسی در عورت همسر ننگرد که نگاه به عورت موجب نابینائی فرزند شود.

با همسر خود بیاد و میل زن دیگر جماع مکن، که میترسم اگر فرزندی پاگیرد، دیوانه و ابنه، و در صفت زنان باشد.

یا علی: آنکه جنب و با همسرش در بستر است؛ قرآن نخواند، که میترسم آتشی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۰۱

فرود آید و هر دو را بسوزد. یا علی: نزدیکی مکن، مگر آنکه تو و همسرت هر یک کهنه و پارچه‌ای جدا داشته باشید، و با یک چیز خود را پاک نکنید که شهوت بر شهوت نشیند، و بین شما عداوت انگیزد و کارتان بطلاق انجامد.

... ایستاده جماع مکن که این کار الاغ است و اگر فرزندی در این حال بوجود آید، در بستر بول کند و چون الاغ همه جا بول کند.

... در شب فطر جماع مکن، که فرزند آن شرور باشد.

... زیر درخت میوه‌دار نزدیکی مکن که اگر فرزندی شود جلاد، یا آدمکش یا کاهن گردد.

... در برابر خورشید و آفتابش نزدیکی مکن مگر آنکه با پرده‌ای خود را از نور آن بپوشانید که اگر فرزندی شود همواره در فقر و نکبت بسر برد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۰۲

یا علی بین اذان و اقامه جماع مکن که اگر کودکی پدید آید بخونریزی حریص باشد.

... با زن حامله‌ات جز با وضوء نزدیکی مکن که اگر فرزندی شود کوردل و بخیل گردد.

... در شب نیمه شعبان نزدیکی مکن که فرزند آبله رو، و زشت‌رو و زشت مو پدید آید.

... در اواخر ماه- دو روز مانده بآخر ماه- جماع مکن، که اگر فرزندی شود، یاور ستمکاران باشد و گروه مردمان را بهلاکت رساند.

... بر پشت بام نزدیکی مکن که فرزند منافق، و ریاکار و بدعت‌گذار باشد.

... شبی که عزم مسافرت داری جماع مکن که اگر فرزندی شود مالی را بنا حق مصرف کند، و «تبذیر کنان برادر شیطانند»- (سوره اسراء ۲۹).

در طریق سفر تا سه شبانه روز از آغاز سفر نزدیکی مکن که اگر فرزندی شود

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۰۳

معین هر ستمکاری گردد. ... شب دوشنبه آمیزش کن، که اگر فرزندی شود، حافظ قرآن گردد، و به قسمت خدا خشنود باشد.

اگر شب سه شنبه جماع کنی، و فرزندی آید، شهادت روزیش گردد پس از آنکه به یگانگی خدا و نبوت من شهادت دهد، و خداوند با مشرکان عذابش نکند، و دهانش خوشبو باشد، رحم دل، دست و دل باز، و زبانش از دروغ و غیبت و بهتان پاک باشد.

اگر شب پنجشنبه آمیزش کنی و فرزندی گردد یا حاکم و یا عالم گردد.

... اگر در روز پنجشنبه بهنگام رفتن خورشید از وسط آسمان نزدیکی کنی و فرزند پا گیرد شیطان باو نزدیک نگردد، و پر فهم باشد، و خداوند سلامت دین و دنیا روزیش سازد.

... اگر شب جمعه جماع کنی و فرزندی شود؛ سخنگو، حرفزن باشد، و اگر

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۰۴

روز جمعه پس از عصر نزدیکی کنی؛ دانشمند و معروف و شهیر گردد، و اگر شب جمعه پس از عشاء آمیزش کنی؛ امید است فرزندی یکی از ابدال گردد ان شاء الله تعالی.

... در ساعت اول شب جماع مکن که ایمن نیستی فرزندی سحر شود و دنیا را بر آخرت برگزیند.

یا علی وصیت مرا حفظ کن چنان که من از برادرم جبرئیل حفظ کردم. از امام صادق (ع): در اول و وسط و آخر ماه جماع مکن، و گر نه آماده سقط فرزند باش، و اگر سقط نشود ممکن است مجنون گردد، مگر نمی بینی که دیوانه در اول و وسط و آخر ماه جنونش شدت گیرد. و از آن حضرت (ع): جماع بهنگام طلوع و غروب که خورشید زرد رنگ شده مکروه است. و از آن حضرت (ع): در کشتی و رو بقبله و پشت بقبله جماع مکن. پیغمبر (ص) فرمود: پس از جنابت مکروه است جماع دوباره مگر از جنابت اول غسل کند که اگر فرزندی شود، و مجنون باشد جز خودش را ملامت نکند. و فرمود: اگر در حال حیض با زن جماع کردی و فرزندی جذامی یا پیس بدنیا بیاید جز خودت را ملامت مکن.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۰۵

و فرمود: هر که می خواهد باقی بماند گر چه بقائی وجود ندارد؛ ناشتای کامل بخورد، و کفش راحت بپا کند، و لباس سبک بپوشد، و آمیزش کم کند، پرسیدند سبکی جامه چیست؟ فرمود: کمی قرض. از امام صادق (ع): اگر یکی از شما بهمسرش نزدیک شود و سپس برخیزد و او را ارضاء نکند همسر که از زیر او برخیزد اگر بیک زنگی دست یابد باو متوسل و متشبث شود پس بهنگام نزدیکی شوخی و بازی و ملاعبه کنی که لذت بخش تر و بهتر است و زن ارضاء شود. و از آن حضرت (ع): زن ۹۹ بار بیش از مرد لذت و شهوت احساس میکند ولی خداوند عز و جل او را برشته حیا مقید کرده است. پیغمبر (ص) فرمود: چون زن از جای برخیزد مادام که جایش گرم است کسی آنجا ننشیند. و نیز حضرت علی (ع) وصیت فرمود که جز در پنج چیز ولیمه نیست عروسی، میلاد فرزند، ختنه سوری، خرید خانه، بعد از سفر مکه.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۰۶

از انس: پیغمبر (ص) چون حفصه یا یکی از دیگر از زنان را گرفت بمردم خرما و سویق ولیمه داد. و نیز پیغمبر (ص) به ولیمه‌ای مهمان شد که نان و گوشت نداشت بلکه چون سفره گسترده شد خرما و روغن آوردند، و خرما برای پیغمبر (ص) بسیار نیست. از ابی قلابه: پیغمبر (ص) اگر دوشیزه می‌گرفت هفت روز و اگر بیوه می‌گرفت سه روز نزد او می‌ماند. مردی به امام پنجم (ع): گفت آیا جماع با آنکه حلال است در بعضی اوقات مکروه می‌باشد؟ فرمود: آری از طلوع صبح تا طلوع آفتاب و از غروب خورشید تا مغرب، و در روز خورشید گرفتگی، و در شب و روزی که باد سرخ و سیاه و یا زرد می‌وزد، یا زلزله شود. پیغمبر (ص) شبی که ماه گرفته بود در خانه یکی از همسرانش بسر برد، و چیزی بین آنها واقع نشد، صبحگاه همسرش پرسید یا رسول الله مگر دیشب نسبت بمن

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۰۷

ناراحتی داشته‌اید؟ فرمود: نه ولی این آیه خداوندی (خسوف) در این شب واقع شد و من نخواستم بلذت بپردازم، که خداوند اقوامی را در قرآن باین کار سرزنش فرمود:

«و اگر قطعه‌ای از آسمان بر سرشان فرو افتد؛ می‌گویند که این ابری متراکم است پس واگذارشان تا (در غفلت و بازیگری فرو روند و) روز مرگ و بیهوشی ایشان فرا رسد». از امام صادق (ع): مانعی ندارد که مرد به پیکر عریان همسرش نظاره کند. و از آن حضرت پرسیدند: آیا غلام میتواند به مویهای خانمش نگاه کند؟ فرمود آری و بساق پایش. از علی (ع): مستحب است که مرد شب اول ماه رمضان با همسر آمیزش کند بگفته خداوند متعال: (شب ماه رمضان نزدیکی با زنان حلال است).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۰۸

فصل پنجم (حق مرد بر زن و زن بر مرد)

اما حق مرد بر زن

پیغمبر (ص) فرمود: مردی که بر بدخویی همسرش صبر کند؛ خداوند اجر مصائب ایوب را بوی دهد، و زنی که بر بدخویی شوهرش شکیبایی کند؛ خداوند ثواب آسیه بدو دهد. از امام پنجم (ع): زنی بمحضر پیغمبر (ص) آمد و عرضه داشت: حق شوهر بر زن چیست؟ فرمود: آنکه فرمان او برد و مخالفت و عصیان او نکند، و چیزی از خانه او بدون اجازه او صدقه ندهد و روزه مستحب جز با اجازه او نگیرد، و اگر بر پشت مرکب (آماده سفر) است و شوهر از او آمیزش خواست امتناع نکند. و جز با اجازه او از خانه بیرون نرود، که اگر بی‌اجازه او بیرون رود فرشتگان آسمان و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۰۹

زمین و رحمت و غضب بر او نفرین فرستند، تا گاهی که بخانه برگردد. زن پرسید:

یا رسول الله چه کسی حقش بگردن مرد بیش از همه می‌باشد؟ فرمود: پدر و مادر، پرسید چه کسی حقش بر زن بیش از همگان است؟ فرمود: شوهر، پرسید: منم باندازه شوهر بگردن او حق دارم؟ فرمود: نه؛ و صد یک آن را نیز ندارد، پرسید: قسم بخداوندی که ترا برگزید، اختیارم بدست هیچ شوهری نخواهم داد. و پیغمبر (ص): هر زنی که شوهرش را بزبان اذیت کند، خداوند هیچ رفت و آمد (در باره خیرات) و حسنه‌ای را از او نمی‌پذیرد تا او را خشنود و راضی گرداند، و اگر چه روزها روزه بدارد و شبها نماز گزارد، و بردگان آزاد کند و آنها بر پشت اسبان در راه خدا (بجهاد) بفرستد و اول کسی خواهد بود که باتش در آید، و همچنین است مرد اگر بر زن

ستمگری کند. پیغمبر (ص) فرمود: هر زنی که با شوهرش مدارا نکند و او را بر آنچه قدرت ندارد وادارد؛ خداوند از او هیچ حسنه‌ای نپذیرد، و خدا را خشمگین ملاقات کند. پیغمبر خدا زنی را بنکاح مردی در آورد، زن از شوهر ناملایماتی دید و به پیغمبر (ص) شکایت برد. پیغمبر فرمود گویا می‌خواهی طلاق بگیری که در نزد

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۱۰

خداوند از مردار الاغ بدتر و پست‌تر باشی. از امام صادق (ع): زن نمیتواند کاری مثل بنده آزاد کردن، و بخشش، و نذر در مال خود انجام دهد مگر با اجازه شوهر، مگر در حج واجب و زکاة، و نیکی به والدین و صلح رحم. از نبی اکرم (ص): حق مرد بر زن اینست که چراغ برایش برافروزد، و طعام خوب تهیه بیند، و تا در حیاط باستقبالش شتابد و باو خوش آمد گوید، و طشت و حوله آرد و دست او را بشوید و جز بواسطه علتی خود را از او منع ننماید. از امام صادق (ع): جمعی خدمت نبی اکرم (ص) آمدند و گفتند: ما مردمی را می‌بینیم که به یک دیگر سجده می‌کنند، حضرت فرمود: اگر کسی را دستور میدادم که بکسی سجده کند، بزن می‌گفتم که شوهر را سجده نماید. و فرمود: اگر زنی برای شوهر سینه و پستانها را بریان کند حق شوهر را ادا نکرده است و اگر با این همه یک لحظه نسبت به شوهر نافرمانی کند در درک اسفل جهنم جای گیرد مگر آن که توبه نماید و باز گردد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۱۱

و فرمود: زن حق خداوند عز و جل را ادا نکرده تا حق شوهر را ادا کند. از امام باقر (ع): خداوند بر مردان و بر زنان هر دو جهاد نوشته است جهاد مرد بذل مال و جان است تا کشته شود و جهاد زن آنست که بر غیرت و ناراحتی‌های شوهر صبر کند. و فرمود: نجات یابندگان از مردها کم است و از زنها کمتر. و در حدیث دیگر جهاد زن خوب شوهرداری است. و از امام صادق (ع): هر زنی که شب کند و شوهر بر او بحق خشمگین باشد خداوند نماز او را قبول نکند تا از او خشنود گردد. و از آن حضرت: هر زنی که بی‌اجازه شوهر از خانه بیرون رود تا برگردد حق خرجی ندارد. و فرمود: هر زنی که برای غیر شوهر عطر بزند خداوند نمازش را قبول نکند تا از آن غسل کند چنان که از جنابت غسل می‌کند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۱۲

و فرمود: هر زنی که در غیر خانه شوهر بی‌اجازه او جامه از تن در آرد تا وقتی که بخانه باز گردد در لعنت خدا باشد. و از آن حضرت (ع): هر زنی که به شوهر بگوید: من از تو تا کنون خیر ندیده‌ام همه اعمالش باطل گردد. از انس: مردی بجهاد رفت و به زنش سفارش کرد که تا وقتی باز گردد از بالا خانه فرود نیاید، و پدر زن در طبقه پایین بود، پدر بیمار شد، زن بمحضر پیغمبر (ص) فرستاد که از او اجازه گیرد نزد پدر رود، پیغمبر (ص) جواب فرستاد: از خدا بترس و از شوهر اطاعت کن (تا آخر خبر ...) و از آن حضرت: در زمان نبی اکرم (ص) مردی برای کاری بیرون رفت و از همسرش پیمان گرفت که تا او باز گردد، از خانه بیرون نرود، پدر زن مریض شد و قاصدی خدمت پیغمبر (ص) فرستاد که قصه را بحضرت باز گوید و از او اجازه خواهد که بیعت پدر رود، پیغمبر (ص) اجازه نداد. و پیغام داد که در خانه‌ات بنشین،

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۱۳

و فرمان شوهر ببر، پدر مرد، زن از پیغمبر اجازه خواست بجنایزه پدر حاضر شود، حضرت فرمود: در خانه بنشین و شوهر را اطاعت کن. مرد را دفن کردند، پیغمبر برای زن قاصدی فرستاد که خداوند متعال تو و پدرت را آمرزید بواسطه این اطاعت که از شوهر نمودی.

پیغمبر (ص) فرمود: بهترین شما آنست که برای خانواده خود بهتر باشد و من بهترین شما هستم برای اهل بیت و خانواده خود بهتر هستم.

حق زن بگردن شوهر

از امام باقر (ع)، پیغمبر (ص) فرمود: پیغمبر مرا در باره زن چندان سفارش کرد تا جایی که گمان کردم که او را جز بواسطه فاحشه آشکار (زنا و بی‌عفتی علنی) طلاق نتوان داد. و فرمود: هر کس حتی بر یک سخن ناگوار زن شکیبایی کند؛ خداوند او را از دوزخ رهایی بخشد و بهشت را برایش حتمی سازد، و ۲۰۰ هزار حسنه برایش بنویسد، و دویست هزار گناه از او محو نماید، و دویست هزار درجه بالایش برد، و بهر موی تنش عبادت سالی برایش بنویسد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۱۴

اسحق بن عمار از امام ششم (ع) پرسید حق زن بشوهر چیست؟ فرمود: شکمش را سیر کند، بدنش را بپوشد، و اگر جهالت کرد از او درگذرد. ابراهیم خلیل بخداوند از تند خوئی ساره شکوه کرد، خداوند باو وحی فرمود: زن همانند استخوان دنده است اگر بخواهی راستش کنی می‌شکند و اگر با او همچنان مدارا نمایی از او بهره‌ور گردی، گفتم: این سخنان از کیست؟ حضرت خشمگین شد، و فرمود بخدا این سخن پیغمبر (ص) است. و از آن حضرت (ع): امام صادق (ع) زنی داشت که او را اذیت می‌کرد، و امام از او در می‌گذشت. از پیغمبر (ص): هیچ بنده‌ای از کسب حلال برای عیالش خرج نمی‌کند مگر آنکه خداوند هر درمی را هفتصد برابر به او عطا نماید. و نیز فرمود: بهترین مردان امت من کسانی هستند که به اهل خانه خود تعدی روا ندارد، و بر آنها رحمت آرد و ستم نکند، بعد این آیه را خواند: «مردان بواسطه برتریهایی که خداوند به آنان داده بر زنان تفوق دارند» (سوره نساء- ۳۸).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۱۵

از امام باقر (ع): هر که همسر دارد و لباس و غذای ضروری او را ندهد بر امام لازم است که بینشان جدایی افکند. از امام ششم (ع)، در باره آیه شریفه: «و هر کس قدرت دارد باید از آنچه خدا به او داده است انفاق نماید» فرموده: مرد باید بزنی چندان نفقه و خرجی دهد که بتواند خود را اداره کند و گر نه بینشان جدایی افکنده شود. و از آن حضرت (ع): چون این آیه آمد: «ای مردم مؤمن خود و اهل بیت خود را از آتش بترسانید، و حفظ نمایید» (سوره تحریم- ۶)، مردی مسلمان بگریه نشست، و گفت: من از خودم عاجزم، و تکلیف خانواده‌ام نیز بگردنم افتاد. پیغمبر (ص) فرمود:

همین کافیسست که آنها را به آنچه خودت را میخوانی امر نمایی و از آنچه خودت را باز می‌داری نهی کنی. و از آن حضرت (ع): زنی برای کاری خدمت پیغمبر (ص) آمد. حضرت فرمود:

گویا تو از تسویف دهندگانی، پرسید تسویف دهنده کیست؟ فرمود: زنی که شوهر او را برای حاجتی صدا کند، و او همچنان شوهر را سر بگرداند تا وقت بگذرد و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۱۶

شوهر بخواب رود، که چنین زنی را ملائکه لعنت کنند تا شوهر از خواب بر آید. و از آن حضرت (ع): خدای رحمت کند بنده‌ای را که رابطه میان خود و زنش را نیکو سازد، که خداوند عز و جل سرنوشت زن را بدست او داده و وی را قییم و اختیاردار او نموده. از نبی اکرم

(ص): عیال یک مرد اسیران اویند، و محبوبترین بندگان پیش خدا کسی است که به اسیرانش نیکوکارتر باشد. از امام هفتم (ع): عیال یک مرد اسیران اویند، و هر که خداوند به او نعمتی دهد بر اسیرانش وسعت دهد، و گر نه ممکنست نعمت از دستش برود. خوله به نبی اکرم (ص) عرضه داشت: من خود را برای شوهرم چون عروسی که بزفاف می‌رود معطر و آراسته می‌کنم، و به بسترش می‌روم و او بمن پشت می‌کند، دوباره بطرف صورت او می‌روم، باز بمن پشت می‌کند، بنظرم می‌رسد که از من ناراحت است، چه دستور می‌فرماید؟ فرمود: از خدا بترس و از همسرت اطاعت کن. پرسید حق من بر گردن او چیست؟ فرمود: خوراک ترا از هر چه خود می‌خورد تأمین نماید و از

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۱۷

آنچه می‌پوشد برای تو پوشاک بخرد، و سیلی بصورت تو نزند، و داد بسرت نکشد، پرسید: حق شوهر بر من چیست؟ فرمود: جز با اجازه او بیرون نروی، و روزه مستحبی بی‌اجازه او نگیری، و بی‌اجازه او از خانه‌اش صدقه ندهی، و اگر سوار مرکب باشی و ترا بخواند؛ اجابت کنی. پیغمبر (ص) فرمود: زن وسیله خوشی است، هر که زن می‌گیرد او را نگه دارد و ضایع مگذارد. و امیر مؤمنان (ع): به محمد بن حنفیه فرمود: پسرم اگر نیرومندی، بر طاعت حق نیرومند باش. و اگر ضعیفی بر گناه ضعیف باش، و اگر می‌توانی کاری کنی که زن جز به اندازه کار خود، شغلی نداشته باشد چنین کن، که برای حفظ جمالش بهتر، و برای جان‌ش راحت‌تر، و آسانتر است، که زن گل است، و قهرمان نیست، و بهر حال باوی مدارا کن، و خوب مصاحبت کن تا عیش تو صافی و خوب و غیر مکدر باشد. از امام صادق (ع): از خدا بترسید در باره دو ضعیف: مملوک و زن.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۱۸

فصل ششم (در فرزند و آنچه مربوط به اوست)

در فضیلت فرزند

پیغمبر (ص)، فرمود: فرزند خوب و صالح گلی از گلهای بهشت است. امام صادق (ع): میراثی که از بنده بخدا می‌رسد، بنده صالحی است که برای او استغفار کند. و از آن حضرت: دختر حسنۀ و پسر نعمت است. حسنه ثواب دارد و نعمت سؤال و محاسبه. به پیغمبر (ص)، بشارت دختری دادند، به اصحاب نگریست، آثار کراهت در چهره آن‌ها مشاهده کرد، فرمود: چه می‌شود شما را؟ گلی است که من می‌بویم و خدا روزی او را می‌دهد. پیغمبر (ص) فرمود: چه خوب فرزندانیند دختران پوشیده و پرده‌نشین،

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۱۹

هر که یک دختر داشته باشد، خداوند او را همچون سپری از آتش برایش قرار می‌دهد، و هر که دوتا داشته باشد، خداوند او را بواسطه آنها به بهشت برد، و اگر سه تا داشته باشد، یا سه خواهر جهاد و صدقه (زکاة) از او برداشته است. از حدیقه، پیغمبر (ص) فرمود: بهترین فرزندان دختر است. از امام رضا (ع): چون خدا خواهد به بنده‌ای خیری دهد، نمیرد تا فرزند خود را ببیند. و روایت است هر که بی‌اولاد بماند و بمیرد چنانست که در میان مردم نبوده، و هر که بمیرد و فرزندی بگذارد چنان است که نمرده. از امام صادق (ع): خداوند به مردی که بفرزند خود محبت زیاد ورزد رحمت آرد. عمر بن یزید به حضرت عرضه داشت که: چند دختر دارم، فرمود گویا آرزوی مرگشان را می‌کشی؟ اگر چنین باشد و بمیرند هرگز در قیامت اجری نخواهی داشت، و با حالت عصیان خدا را ملاقات خواهی کرد. روایت است که مردی خدمت نبی اکرم (ص) آمد، و بمرد دیگری که خدمت حضرت نشسته بود، بشارت فرزندی داد، پیغمبر (ص) فرمود: چه می‌شود ترا؟ مرد گفت خیر است، فرمود بگو چیست؟ مرد گفت، من از خانه که بیرون آمدم همسرم درد

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۲۰

زایمان داشت، و خبر یافتم که دختر زاییده، حضرت فرمود: زمین او را می کشد، و آسمان بر او سایه می افکند، و خدا روزیش می دهد، و خود او گلی است که می بوئیش، و بعد رو باصحاب کرد و فرمود: هر که یک دختر دارد؛ او مجروح (یا در مشقت) است، و هر که دو دختر دارد، وای بر او، و هر که سه دختر دارد، از او جهاد برداشته است، و هر که چهار دختر دارد، ای بندگان خدا او را کمک کنید، باو قرض دهید، باو ترحم آرید. و پیغمبر (ص) فرمود: هر که سه دختر یا سه خواهر داشته باشد، بهشت بر او واجب شود، پرسیدند یا رسول الله (ص)! و نیز اگر کسی دوتا داشته باشد؟ فرمود: و اگر دو دختر هم داشته باشد. پرسیدند اگر چه یک دختر داشته باشد؟ فرمود اگر چه یک دختر داشته باشد. از نبی اکرم (ص): از سعادت مرد اینست که دخترش در خانه اش حیض نبیند. از نبی اکرم (ص): کودکان را دوست بدارید و بایشان ترحم کنید، و اگر بانها وعده ای دادید وفا نمایید، که جز شما برای خود روزی آوری نمی شناسند. و از آن حضرت (ع) آمده است که: مردی را دید یکی از دو کودک خود را بوسید و دیگری را نبوسید، حضرت فرمود: چرا بین دو کودک خود مساوات نکردی!؟

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۲۱

و فرمود: بین فرزندانان به عدالت رفتار کنید چنان که می خواهید بین شما عدالت باشد. و روایت است که پیغمبر (ص)، حسنین را بوسید، افرح بن حابس گفت: من ده فرزند دارم و تا کنون هیچ کدام را نبوسیدم، حضرت فرمود: اگر خدا رحمت را از دل تو برداشته بمن چه مربوط است. از نبی اکرم (ص): بر فرزندان خود نامهای پیامبران را بگذارید، و بهترین اسمها عبد الله و عبد الرحمن میباشد. از نبی اکرم (ص): از حقوق فرزند بر پدر این سه چیز است: نام خوب بر او بگذارد، و باو نوشتن بیاموزد، و چون بالغ شد برایش ازدواج کند. و فرمود: کودکان خود را ببوسید که بهر بوسه ای درجه ای در بهشت برای شما خواهد بود که هر درجه پانصد سال راه است. از حضرت رضا (ع): پیغمبر (ص) فرمود: هیچ قومی به مشورت نشینند که در

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۲۲

میان آنها محمد (ص) یا احمد نام باشد، مگر اینکه وی برای آنها مفید و خیر خواهد بود. و نیز فرمود: نظیر همان حقوقی که از پدر و مادر بر گردن فرزند ثابت است از فرزند برگردن والدین نیز ثابت می باشد. و نیز فرمود: قسم به آنکه مرا به حق برانگیخت، فرزندی که عاق والدین باشد بوی بهشت را نخواهد شنید. امیر مؤمنان (ع) فرمود: بوسیدن فرزند رحمت است، و بوسیدن همسر (زن) شهوت است، و بوس والدین عبادت است، و بوسیدن مرد برادر مؤمنش را دین است، و حسن بصری باین روایت این جمله را اضافه کرده: بوسیدن امام عادل طاعت است. از امام صادق (ع): نیکی مرد بفرزندش نیکی به والدین اوست. رفاعه گوید: از حضرت موسی بن جعفر سؤال کردم در باره مردی که فرزندان دارد، و مادرشان یکی نیست، آیا میتواند یکی از آنها را بر دیگری برتری دهد؟

فرمود: آری، اشکالی ندارد، پدرم مرا بر برادرم عبد الله برتری میداد. از امام صادق (ع): یکی از نعمت های خداوند عز و جل بر مرد اینست که فرزندش

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۲۳

شبيه او باشد. و از آن حضرت (ع): خداوند متعال اگر بخواهد کسی را خلق کند، همه صورتهایی که بین او و بین آدم است جمع میکند، بعد او را بر صورت یکی از آنها خلق میکند پس هیچ کس بفرزندش نگوید، که این شبیه من و شبیه آباء و اجداد من نیست. مردی از

پیغمبر (ص) پرسید: چرا در اولاد خود چیزهایی می بینیم که در خود نمی بینیم؟ فرمود: زیرا آنان از شما هستند، و شما از ایشان نیستید. و به حضرت زین العابدین (ع)، عرضه داشتند که: تو از هر کس بمادر نیکوتری پس چرا دیده نشده که با او در یک سفره غذا بخوری؟ فرمود: میترسم دستم به لقمه ای برود که چشم مادر بآن بوده و عاق او شوم. و از امام صادق (ع): مردی خواست بدیگری برای تازه مولودش تبریک گوید بوی گفت: این سوار (عرب القابی را بر فرزند می نهاد برای تفأل که هم چنان شود) را بتو تبریک می گویم، حضرت حسن (ع) شنید و بوی گفت: از کجا میدانی که سواره

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۲۴

خواهد شد یا پیاده؟ مرد گفت پس چه بگویم فدایت شوم؟ فرمود: بگو: به سپاس خداوندی که بخشنده این فرزند به تست موفق باشی، و فرزند نیز بر تو مبارک باشد و به رشد نائل آید و وسیله خیر تو گردد. و پیغمبر (ص)، به مردی که همراه کودکش بود، فرمود: این کیست؟ گفت فرزندم فرمود: خداوند ترا از او بهره دهد، اگر میگفتم بارک الله از این فرزند بتو؛ او را بر تو مقدم داشته بودم. از ابن عباس (ره)، پیغمبر (ص) فرمود: هر که از بازار چیزی برای خانه بخرد و برای عیالش ببرد، چنانست که برای مستمندان صدقه برده است، و اول بدختران و زنان بدهد، که هر کس دخترش را خوشحال کند چنانست که برده ای از خاندان اسماعیل آزاد کرده، و هر که پسرش را شاد سازد چنان است که از خوف خدا گریسته و هر که از خشیه و خوف خدا بگیرد به بهشت در آید. از امام پنجم یا ششم علیهما السلام: چون کودک سه ساله شود هفت بار باو بگو بخوان «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بعد، واگذارش تا به سن سه سال و هفت ماه و بیست روز رسد، هفت

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۲۵

بار باو بگویند: بگو «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ»، و دیگر تا چهار سالگی او را واگذار، و چون چهار سالش تمام شد هفت بار بگوید: «صلى الله على محمد و آل محمد» و ولش کنید تا پنج سالگی باو گفته شود دست راست و چپ کدامست؟ وقتی فهمید، رو بقبله واداشته شود، و سجده کند، و باز واگذارش کنید تا ۶ سالگی چون شش ساله شد رکوع و سجود آموزد تا هفت ساله شود، در این سن دستور دهند تا دست و صورت را بشوید وضو بگیرد، بعد بنمازش وادارند، و چون نه ساله گردد، وضوء یادش دهند و اگر ترک کرد تنبیه گردد و به صلاة فرمانش دهند، و بر ترک آن تنبیهش کنند. و چون نماز و وضوء فرا گیرد، و والدینش آمرزیده شوند ان شاء الله. از امام صادق (ع): از سعادت مرد اینست که فرزندش به شباهت، و شکل و اخلاق او شناخته شود. پیغمبر (ص) فرمود: یکی از نعمت های خدا بر مرد اینست که فرزندش شبیه خودش باشد. از موسی بن جعفر (ع): پدرم می گفت، سعادت مند است مردی که نمیرد تا فرزند خود را ببیند، سپس به حضرت رضا (ع) اشاره کرد و فرمود: خداوند فرزندم را بمن

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۲۶

نشان داد. از امام صادق (ع): کودک را تا ۷ سال ببازی واگذار، و هفت سال دیگر تربیتش کن، و هفت سال دیگر همراه خود ببر، اگر خوب شد که شده و گر نه دیگر امید خوبی نیست. از آن حضرت (ع): فرزندت را تا شش سال رها کن، و ۶ سال به کتاب تربیتش کن، بعد هفت سال با خود همراه ببر و ادب یادش ده، اگر قبول ادب کرد و صالح شد که خوب و گر نه بخودش واگذار. پیغمبر (ص) فرمود: فرزند تا هفت سال حاکم است (یعنی آزاد) و تا هفت سال بنده است (یعنی باید کاملاً تحت تربیت باشد)، و هفت ساله سوم وزیر است (باید مورد مشورت قرار گیرد)، اگر در ۲۱ سالگی اخلاقش رضایت بخش شد، که بهتر و گر نه تیپائی باو بزن که در نزد خدا معذوری. و

از آن حضرت (ع): اگر کسی به تربیت فرزندش نپردازد بهتر است که نیم من نان هر روز صدقه دهد. و از پیغمبر (ص): فرزندان را گرامی دارید، و خوب تربیت کنید، تا خداوند

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۲۷

شما را بیامرزد. از حضرت رضا (ع): پیغمبر اکرم (ص) فرمود: کودکان را از کثافات بشوید، که شیطان آنها را می‌بوید و کودک به فریاد و فغان آید و موجب ایذاء فرشتگان موکل گردد. از امیر مؤمنان (ع): کودک تا شش سال آزاد است و باید باو آسان گرفته شود، و هفت سال تحت تربیت قرار گیرد، و هفت سال بکار گمارده شود و طول قامتش در ۲۳ سالگی و عقلش در ۳۵ سالگی کامل شود، و بعد از این آنچه بدست آرد با تجربه است. از امام پنجم (ع): دختر و پسر چون ۱۰ ساله شوند باید بسترشان جدا شود. از نبی اکرم (ص): کودکان را از شیر زنان زناکار و دیوانه نگهدارید، که شیر اثر دارد. از امیر مؤمنان (ع): چون کودکی را دیدید که شیرین چشم، و دارای پیشانی عریض، و گونه‌های گلگون، قامتی سالم، چابک، باشد امید هر خوبی و میمنت از وی داشته باشید، و اگر دارای چشمانی فرو رفته و پیشانی کوتاه و تنگ و بینی برآمده و نوک تیز که در پیشانی‌ش شبه برآمدگی باشد باو امیدی نداشته باشید. از امام ششم (ع): کودک در هر سال بقدر چهار انگشت خود بلند شود.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۲۸

و از آن حضرت (ع)، پیغمبر (ص) فرمود: باید بستر دو پسر و دو دختر و پسر و دختر در ده سالگی جدا شود. و از آن حضرت: چون دختر به شش سالگی رسد، دیگر او را نبوسید، و زن پسرش را پس از هفت سالگی نبوسد. و از آن حضرت (ع): مباشرت زن با دختر شش ساله‌اش شعبه‌ای از زنا است. و احمد بن نعمان از آن حضرت (ع) پرسید: دختری شش ساله پیش من است که با او خویشی و محرمی ندارم، فرمود: بدامنت منشان و او را مبوس. از پیغمبر (ص) فرمود: کودکان را چون هفت ساله شدند، از هم جدا بخوابانید، و روایت است که باید بستر کودکان در شش سالگی جدا باشد.

در طلب فرزند

بکر بن صالح گوید: به حضرت هادی (ع) نوشتم: من پنج سال است که از

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۲۹

بچه‌دار شدن خودداری کرده‌ام که همسرم فرزند نمی‌خواهد و می‌گوید بواسطه نداری تربیت فرزند مشکل است؟ امام جواب نوشت: بچه‌دار شو که خداوند روزیش دهد. ابن عمر: پیغمبر (ص) فرمود: فرزند بخواهید که نور چشم و ریحانه دل است، و از زن عجوزه و نازا بپرهیزید. حضرت زین العابدین بیکی از اصحاب فرمود: برای طلب فرزند هفتاد بار بگو: «خداوندا مرا تنها مگذار که تو بهترین وارثانی (سوره انبیاء/ ۸۹) و برایم جانشینی قرار ده که در زندگی بمن احسان و نیکی کند، و پس از مرگ استغفار نماید، و او را سالم و کامل بدار و شیطان را در او شریک مساز و نصیب مده، خداوندا از تو مغفرت می‌طلبم و بسوی تو توبه و بازگشت می‌نمایم، که تو غفور و رحیمی»، اگر کسی این دعا را زیاد بخواند خداوند آنچه از مال و فرزند و خیر دنیا و آخرت که آرزو دارد به او خواهد داد، که خداوند میفرماید: خدا را استغفار کنید که او غفار است و اوست که برای شما آب گوارا و روان از آسمان فرو می‌فرستد، و شما را به مال و فرزند یاری می‌نماید، و برایتان باغها آفریده، و نهرها جاری ساخته.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۳۰

از زراره، از امام پنجم (ع): نزد هشام بن عبد الملک رفتم، چندان در اجازه ملاقات دیر کرد که ملول شدم، هشام حاجبی داشت که ثروت زیاد داشت ولی فرزند نداشت حضرت باقر (ع) بوی نزدیک شد، و فرمود: میتوانی مرا به هشام برسانی تا دعایی بتو بیاموزم که فرزندی پیدا کنی؟ گفت آری. و او را بهشام رسانید و کارش را انجام داد، و بیرون آمد، حاجب گفت: جانم فدایت آن دعا را تعلیم من کن، امام فرمود: در هر صبح و شام ۷۰ بار بگو: «سبحان الله»، و خدا را ده بار استغفار نما، و او را نه بار تسبیح گوی، و آن را به استغفار ختم کن که خداوند میفرماید: «خدا را استغفار کنید، که او غفار است و آب گوارا از آسمان برای شما میفرستد، و بمال و فرزند یاریتان می کند و برای شما باغها و نهرها قرار داده» (سوره نوح آیات ۹ و ۱۰ و ۱۱).

حاجب این دعا را بخواند و فرزند بسیار پیدا کرد، و بعد از این همواره بدیدار حضرت باقر و صادق (ع) میشتافت. سلیمان گوید: من با دختر عمه ام عروسی کردم و این دعا را خواندم ولی فرزندی نیامد، دعا را به زنم آموختم، او هم خواند و بچه دار شدیم، و دانستم که اگر زن بخواند بچه دار می شود، و بکسانی که بچه دار نمیشدند

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۳۱

دعا را آموختم و خواندند و فرزندان متعدد پیدا کردند. از ابی بکر بصری: به حضرت صادق (ع) گفتم: من از خانواده ای هستم که منقرض شده اند و من تنها باز مانده آنها هستم و فرزندی ندارم، فرمود: در سجده این دعا (آیه) را بخوان: «خداوندا مرا ذریه ای پاک عنایت کن که تو شنوا و پاسخ گوی دعایی» (سوره آل عمران ۳۳) و «بار خدا یا مرا تنها (و بدون وارث) نگذار که تو بهترین وارثانی» (سوره انبیاء ۸۹) من این دعا را خواندم و دو فرزندم علی و حسین دنیا آمدند. و از آن حضرت روایت است که برای طلب فرزند، در وقتی که اراده آمیزش داری این آیه را سه بار بخوان: «وَ ذَا التُّونِ إِذْ ذَهَبَ ...» (انبیاء- ۸۷) و از آن حضرت (ع): هر کس از شما زنش باردار است و فرزندش چهار ماهه شد رو بقبله بایستد و آیه الکرسی بخواند، و دست به پهلو می همسرش گذارد و بگوید:

«خداوندا من این فرزند، را محمد نام گذاردم» خداوند این جنین را پسر کند، و اگر به عهد خود وفا کند و نام او را محمد نهد خداوند آن را وسیله برکت او قرار دهد و گر نه اختیار با خداست که او را نگهدارد یا ببرد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۳۲

از امام ششم (ع): مردی بر آن حضرت وارد شد و عرضه داشت: یا ابن رسول الله من هشت دختر پشت سر هم دارم و پسری ندارم، دعا بفرمایید که خداوند بمن پسری دهد، امام (ع) فرمود: چون آهنگ آمیزش کردی و در دامن زن نشست، دست راستت را بر ران چپ زن نه و سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ...» را هفت بار بخوان، و سپس آمیزش کن که آنچه میخواهی می بینی، و چون آثار حمل پیدا شد، هر وقت زن در شب پهلو به پهلو شود دست راست خود بر ران راست او نه و «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» را هفت بار بخوان. مرد گوید چنین کردم و هفت پسر پشت سر هم برایم متولد شد، و دیگران نیز چنین کردند و پسر دار شدند. روزی حسن بن علی (ع): از نزد معاویه بیرون شد، یکی از دربانان معاویه بدنبال حضرت راه افتاد، و گفت من مردی پولدارم که بچه دار نمی شوم، چیزی بمن بیاموز که خداوند بمن فرزندی دهد. امام (ع) فرمود: بسیار استغفار کن، وی بسیار استغفار میکرد که گاهی بروزی ۷۰ بار میرسید، و ده پسر برایش متولد شد. این خبر بمعاویه رسید، بمرد گفت: چرا از او نپرسیدی که این سخن را از کجا گفته؟ باری دیگر که امام (ع) به معاویه وارد شد مرد همان سؤال را از او کرد، امام (ع) فرمود مگر گفته قرآن را نشنیدی که در داستان هود گوید: «و بر نیروی شما بیفزاید» (سوره

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۳۳

هود (۵۵) و در قصه نوح گوید: «شما را بمال و فرزند کمک کند» (نوح آیه ۱۱).

فصل هفتم (در عقیقه و متعلقات آن)

عمر بن یزید گوید: از امام ششم (ع) شنیدم که: هر مردی در قیامت در گرو عقیقه است، و عقیقه از قربانی (مستحب) لازم است. و از آن حضرت (ع): هر انسانی در گرو فطره (عید رمضان) است و هر مولودی در گرو عقیقه میباشد. عمر بن یزید گوید: به امام صادق (ع) عرضه داشتیم که بخدا نمیدانم پدرم برایم عقیقه کرده یا نه؟ حضرت دستور داد من برای خود عقیقه کنم، در حالی که در سن پیری بودم. از حضرت موسی بن جعفر (ع): چون فرزندی برای آدمی متولد شود عقیقه بر او واجب گردد، و اگر خواهد همان روز او را نام بگذارد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۳۴

از امام صادق (ع): عقیقه بر هر پولداری لازم است، و فقیر هر گاه توانست عقیقه کند، و اگر نتوانست بر او لازم نیست، و اگر برای فرزند عقیقه نکرد تا وقتی که برای او قربانی نماید همان کافاست، و هر مولودی در گرو عقیقه میباشد. و در باره عقیقه فرمود: قوچی عقیقه کند، و اگر نیافت؛ هر چه برای قربانی کافاست در عقیقه نیز کافی است، و گر نه بره‌ای عقیقه نماید. و از آن حضرت (ع) در باره عقیقه سؤال شد، فرمود: گوسفند، یا گاو، یا شتر باشد و بعد از عقیقه کودک اسم گذاری شود، و روز هفتم سر او تراشیده شود، و بوزن موهایش زر و سیم صدقه دهند، و اگر پسر است حیوان نر و اگر دختر است ماده عقیقه شود.

ابو طالب در روز هفتم ولادت پیغمبر (ص)، عقیقه‌ای کرد، و خاندان خود را دعوت نمود، گفتند: این مهمانی برای چیست؟ فرمود: عقیقه برای احمد (ص): پرسیدند چرا نامش را احمد نهاده‌ای؟ گفت چون اهل زمین و آسمان او را حمد و ثنا می‌گویند. از امام صادق (ع): ربع عقیقه باید بقبله داده شود و اگر قابله نبود، بمارد

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۳۵

کودک داده شود تا او بهر کس که خواهد هدیه کند، و نیز ده مسلمان از آن اطعام گردد، و اگر بیشتر اطعام شوند بهتر است و از آن حضرت (ع): چون خواهی عقیقه دبح کنی، بگو: «ای قوم من از بتانی که شریک خدا ساخته‌اید بیزارم، و من به حقیقت رو میکنم بآن کس که آسمان و زمین را آفرید و من مشرک نیستم. نماز و حج و زندگی و مرگم برای خداوند آفریدگار جهانیان است، خدایی که شریک ندارد، و باین کار مأمورم و من از تسلیم‌شده‌گانم، خداوند از سوی تو آمده‌ام و بسوی تو باز خواهم گشت، بنام خدا و خدا بزرگتر است، خداوند بر محمد و آل او درود فرست، و این عقیقه را از فلان (نام فرزند را ببرد) قبول کن.» بعد از این دعا عقیقه را دبح کند. از امام صادق (ع): مولود در روز هفتم نام گذاری شود، و سرش را بتراشند و هم وزن مویش نقره صدقه دهند، و از طرف او قوچی نر عقیقه کنند، و اعضاء او را قطعه قطعه نمایند و بیزند، و گروهی از مسلمین را بآن مهمان کنند. و مانعی ندارد

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۳۶

که گوشش را صدقه دهند، و این عمل برای دختر و پسر یکسان است. و از عقیقه مرد (صاحب فرزند) و عیالش نخورند، و پای عقیقه را بقبله دهند، و اگر قابله از اهل و عیال مرد باشد لازم نیست چیزی از عقیقه ببرد، و اعضایش را اگر بخواهد صدقه دهد و اگر خواهد بیزد، و با آن نان و آبگوشت بدهد، و جز به اهل ولایت ندهد. و از آن حضرت (ع): مولود چون دنیا آید، در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفته شود. و فرمود: هر که چهل روز گوشش نخورد، بد اخلاق شود و هر که بد اخلاق گردد در گوشش اذان گوئید. از

امام باقر (ع): هر گاه فرزندی برای شما متولد شود در روز هفتم قوچی عقیقه کنید، و پای آن را به قابله دهید، و کامش را با آب فرات بردارید، و در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گویند، و برای او اسم نهید و سرش را بتراشید و هم وزن مویش نقره یا طلا صدقه دهید که خدا نامش را از آسمان نازل کند، و در موقع ذبح بگوئید: «بنام خدا و بیاری خدا، و سپاس خدا را، و خدا بزرگ است، بخاطر ایمان بخدا، و ثنا و مدح رسول خدا (ص) و شکر روزی خدا، و نگهبانی فرمان خدا، و شناسائی فضل خدا بر ما اهل بیت». و اگر مولود پسر است بگویند: «خداوندا تو بمن

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۳۷

پسر دادی و بهتر به آن آگاهی، و آنچه دارم از تست و آنچه می‌کنم برای تست و از من قبول کن، بر سنت تو و سنت رسول تو، و شیطان رجیم را از ما بران و این عقیقه را برای تو کشتم، برای تو شریکی نیست و اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». از امام ششم (ع): رسول اکرم (ص) برای حسنین قوچی عقیقه کرد (در روز هفتم ولادتشان) و اعضایش را قطعه قطعه نمود، و فرمود آن را پختند و بهمسایگان اطعام کرد و فرمود: پس از ولادت کودک هفت چیز سنت است: اول- نام‌گذاری، دوم- تراشیدن سرش، سوم- هموزن سرش زر یا سیم صدقه دادن در صورت توانائی، چهارم- عقیقه دادن، پنجم- سر گوسفند را با زعفران بپزند، ششم- او را ختنه کردن، هفتم- از عقیقه بهمسایگان اطعام نماید. پیغمبر (ص) فرمود: یا فاطمه گوشه‌های حسنین را سوراخ کن بر خلاف یهود. و روایت است که: پیغمبر (ص) به فاطمه فرمود که سر حسنین (ع) را در روز هفتم ولادت بتراشد و بوزن موهایش نقره صدقه دهد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۳۸

و در حدیث است که: چون حضرت حسن (ع) متولد شد پیغمبر (ص) در گوش او اذان گفت. حضرت زین العابدین (ع): وقتی بولادت کودکی بشارت داده میشد، نمی- پرسید: دختر است یا پسر؟ بلکه می‌پرسید: آیا سالم و کامل است، اگر صحیح و سالم بود می‌فرمود: «سپاس خدایی را که او را ناقص نیافرید». از امام ششم (ع) پرسیدند: حکمت تراشیدن سر مولود چیست؟ فرمود: پاک ساختن اوست از آلودگی و موی رحم. علی بن جعفر از برادرش حضرت امام کاظم پرسید اگر سر مولود را تا روز هفتم نتراشیدند چه؟ فرمود پس از هفت روز دیگر لازم نیست. از امام ششم (ع): کام فرزند را با آب فرات و خاک قبر حسین (ع) بردارید، و اگر نبود به آب باران. از امیر مؤمنان (ع): کام فرزند را با خرما بردارید که پیغمبر (ص) با حسنین (ع) چنین کرد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۳۹

فصل هشتم (در ختنه و متعلقات آن)

از نبی اکرم (ص): ختنه برای مردان سنت (لازم) و برای زنان مکرمت است. عبد الله بن جعفر حمیری به حضرت عسکری (ع) نوشت: از افراد صالح روایت شده که فرزندان خود را در روز هفتم ختنه کنید که پاکیزه شوند، که زمین از بول آدم ختنه نشده بفرغان آید، ولی- جانم فدایت- در حجامتگرهای شهر ما مرد حاذقی نیست که بتواند در روز هفتم ختنه کند، و ختنه‌گر یهودی هست، آیا یهود میتواند اولاد مسلمین را ختنه کند؟ حضرت (ع) جواب نوشت: روز هفتم را فراموش و سنت را مخالفت نکنید. ان شاء الله. از امام صادق (ع): وقت ختنه کودک بگویند: «خداوندا این سنت تو و سنت پیغمبر تو (ص) است، و هم فرمانبرداری تو و کتاب تست، به خواست و اراده و قضاء تو، بواسطه امری که اراده کرده‌ای، و قضائی که حتم نموده‌ای، و فرمانی که نافذ گردانیده‌ای،

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۴۰

و سوزش آهن را در ختنه و حجامت بوی چشانیدی به سببی که خود بهتر میدانی. خداوندا او را از گناه پاک نگه‌دار، و به عمرش بیفزای و آفات و دردها را از او بگردان، و غنای بیشتر باو ده، و فقر را از او دور بدار، که تو آگاهی و من نمیدانم.» و از آن حضرت (ع): هر که این دعا را در وقت ختنه فرزند خود نخوانده تا پیش از بلوغ او هر وقت شد بخواند که فرزند را از سوزش آهن، از کشته شدن و امثال آن نگه دارد. از امام هفتم (ع): چون فرزندش حضرت رضا متولد شد، امام فرمود: این مولود من ختنه شده، و طاهر و پاکیزه بدنیا آمد، ولی ما تیغ بر جای ختنه‌اش میکشیم تا سنت را پیروی کرده باشیم. از نبی اکرم (ص): فرزندانان را در روز هفتم ختنه کنید، که پاکیزه‌تر است زودتر معالجه می‌شود و گوشت می‌ریزد. فرمود: زمین از بول ختنه نشده تا ۴۰ روز آلوده است. از امام ششم (ع): سوراخ کردن گوش پسر سنت است، و ختنه او تا روز هفتم سنت است، و ختنه زنان مکرمت آنهاست و سنت نیست، و بهتر از مکرمت چیست؟

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۴۱

از امام صادق (ع): چون زنان با پیغمبر (ص) بمدینه هجرت کردند، در میانشان زنی بنام ام حبیبه بود که زنان را ختنه میکرد، حضرت به او فرمود که ام حبیبه! امروز هم شغل سابق را داری؟ عرضه داشت آری یا رسول الله و اگر حرام است و نهی کنید ترک کنم؟ فرمود: نه بلکه حلال است، نزدیک آخر تا چیزی یادت دهم، ام حبیبه نزدیک پیغمبر رفت، حضرت فرمود: افراط مکن و کم بردار که صورت را شاداب‌تر میکند و شوهر بیشتر لذت میبرد؟ ام حبیبه خواهری داشت بنام ام عطیه که آرایشگر بود، ام حبیبه سخن پیغمبر (ص) را باو گفت، ام عطیه خدمت پیغمبر رفت و گفته خواهر را به او عرضه داشت، حضرت فرمود: نزدیک بیا، بعد فرمود صورت دختر و زن را با کهنه خشک و پاک مکن که آب و رنگ او را میبرد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۴۲

فصل نهم نقصانهایی در زنان

پیغمبر (ص): چون آهنگ جنگ می‌کرد با زنان مشورت می‌فرمود و مخالف عقیده آنها عمل میکرد. یکی از اصحاب امیر مؤمنان بحضرت از زنش شکایت برد: امام خطبه‌ای خواند ... (چون این روایت قبلا خود و ترجمه‌اش ذکر شد تکرار نمی‌کنیم). پیغمبر اکرم (ص) فرمود: اطاعت زن پشیمانی است، پیغمبر (ص) نهی کرد که زن بر زین نشینند. از علی (ع): زنان را بر زین سوار مکنید که بهیجان آیند (گریزه آنها تحریک شود).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۴۳

از امام ششم (ع): پیغمبر از زنان حرف می‌زد، فرمود: آنها را پیش از آنکه شما را ببدی بخوانند به خوبی دعوت کنید، و از بدهایشان بخدا پناه برید، و از خوبهایشان بپرهیزید. (یعنی مواظب خوبانشان باشید). از امام باقر (ع): در خلوت از ایشان مشورت مکنید، و در باره خویشان گفته آنها را فرمان مبرید، که زن چون پیر شود خوبیش برود و بدیش بماند: یعنی زیبایی او فانی شود و نازایی پیدا کند، و زبانش تند گردد، ولی مرد چون پیر شود بدیش می‌رود و خوبیش می‌ماند: عقلش ثابت و استوار و رأیش محکم شود، و جهلش کم گردد. از علی (ع): هر مردی که تدبیر امورش بدست زنش باشد ملعون است، و فرمود: برکت در مخالفت با آنهاست. از امام ششم: نبی اکرم (ص) فرمود: هر که از زن خود اطاعت کند خدا او را به صورت بدوزخ افکند، پرسیدند مراد چه اطاعتی است؟ فرمود: رفتن بحمامها و عروسیها، و مجالس جشن و عزا، و پوشیدن لباس نازک.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۴۴

از امام پنجم (ع): زن برای تشییع جنازه نرود، زنان مطلقه (طلاق گرفته) مانعی ندارد، ولی دختر نرود. از امام صادق (ع)، پیغمبر (ص) فرمود: زنان را در بالاخانه منزل ندهید، و نوشتن نیاموزید، آنها را بیافندگی وادارید، و سوره نور تعلیم دهید. و فرمود: زن برابر مرد خواجه سر برهنه ننشیند. و از آن حضرت (ع)، پیغمبر (ص) فرمود: دو مرد بهم نچسبند مگر آنکه بین آن دو جامه‌ای فاصله باشد، و هم چنین دو زن، خداوند مخنث‌ها (ابنه‌ای‌ها) را لعنت کرده آنها را از خانه برانید. و از آن حضرت (ع): دو زن در یک لحاف نخواستند مگر بضرورت. و از آن حضرت (ع): مساحقه (یعنی دو زن عورت خود را بهم بمانند تا لذت برند) در زنان چون لواط در مردان است، و هر زن که چنین کند، بکشیدش. و از نبی اکرم (ص): دو مرد در یک لحاف نخواستند مگر بضرورت، هر یک زیر

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۴۵

روپوش و لباس خود بخوابند، و لحاف را روی هر دو بکشند، و هم چنین زنان، و دختر باید در یک لحاف نخواستند، و هم چنین با مادر. از امام ششم (ع): در باره گفته خداوند «مگر آنچه ظاهر است» «۱» پرسیدند که مراد چه مقدار از بدن میباشد فرمود: صورت و ساق‌ها. و نیز از آن حضرت (ع):

در باره «مگر آنچه ظاهر است»، مراد زینت آشکار یعنی سرمه و انگشتر است، و در روایت دیگر: انگشتر، دستبند ذکر شده که از زینت‌های ظاهر است. و زینت‌هایی که نباید آشکار گردد: گلوبند، گوشواره و دستبند و النگو، و خلخال که بپا افکنند. از امام صادق (ع): در گفته خداوند «در کار خیر با تو مخالفت نکند»- (سوره ممتحنه / ۱۲) مراد از کار خیر اینست که (زن) گریبان چاک نکند، و سیلی بصورت نزند، و داد و فریاد راه نیاندازد، و در کنار قبر عزیزش نوحه و ناله سر ندهد، و مو پریشان ننماید. و از آن حضرت (ع): نبی اکرم (ص) از زنان پیمان گرفت که ناله نکنند و با مردان خلوت ننمایند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۴۶

و از آن حضرت (ع): چون فاطمه (ع) در جواب پیغمبر (ص) عرضه داشت که:

بهترین زنان کسی است که مردی او را نبیند و او مردی را نبیند، پیغمبر (ص) در مقام تعریف و تمجید او فرمود: فاطمه از منست. از ام سلمه: من با میمونه نزد پیغمبر (ص) بودیم، ابن ام مکتوم آمد- پس از نزول آیه حجاب- پیغمبر دستور داد که پس پرده برویم، گفتیم یا رسول الله این شخص کور نیست؟ حضرت فرمود: مگر شما هم کورید، و او را نمی‌بینید.

فصل دهم (در مهماتی در باره نکاح)

از امام صادق (ع): پیغمبر (ص) از جنگ شبانه‌ای که بسیاری از مسلمین زخم‌دار شده بودند بازگشت، زنان پیش پیغمبر (ص) آمدند و در باره کشتگان خود پرس‌وجو می‌کردند، زنی پیش آمد و عرضه داشت یا رسول الله فلان کس چه شد؟ حضرت فرمود

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۴۷

چه نسبتی با تو داشت؟ زن گفت برادرم بود، حضرت فرمود خدا را سپاس گوی و استرجاع کن (آیه إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ بخوان) که شهید شد، زن چنان کرد. سپس از دیگری پرسید، پیغمبر فرمود: با تو چه نسبتی داشت؟ گفت شوهرم بود، حضرت فرمود حمد و استرجاع کن که شهید شد، زن گفت: امان از ذلت، پیغمبر (ص) فرمود:

من تا قبل از دیدن این زن نمیدانستم که زن شوهر خود را می‌جوید. و فرمود (ص): نماز فرادای زن در خانه‌اش مساوی است با ۲۵ نماز در و از آن حضرت (ع): خداوند پیامبرش (ص) را به اخلاق شایسته اختصاص داد، خود را بیازمایید، اگر چیزی از آنها در شما هست خدای متعال را سپاس گوید، و بیشترش را بخواهید، و ده تا از آن اخلاق کریمه را یاد کرد که: یقین، قناعت، صبر، شکر، حلم، خوشخویی، سخاوت، غیرت، شجاعت، جوانمردی، باشد. و روایت است که از شومی‌ها در نزد آن حضرت (ع) یاد کردند، فرمود در سه چیز شومی وجود دارد: زن، چارپا، خانه، اما شومی زن زیادی مهر و عاق شدن همسر است، و اما شومی چهارپا چموشی است و اینکه از سواری دادن خودداری کند، و اما شومی خانه، تنگی حیاط و بدی همسایه‌ها و زیادی عیب‌های آن است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۴۸

و از آن حضرت: به عیسی (ع) گفتند چرا ازدواج نمی‌کنی؟ فرمود: ازدواج بچه کارم آید؟ گفتند: فرزند پیدا می‌کنی، گفت فرزند بچه کار آید؟ اگر زنده ماند موجب گرفتاری است و اگر بمیرد وسیله اندوه و نگرانی. زید بن علی (ع) ... نبی اکرم (ص) ذکر جهاد کرد، زنی پرسید یا رسول الله برای زن جهاد نیست؟ فرمود چرا، زن از وقت حامله شدن تا زاییدن و تا بچه را از شیر گرفتن ثواب مجاهد در راه خدا را دارد، و اگر در این بین بمیرد مقام شهید را دارد. از امام باقر (ع): امام زین العابدین (ع) هنگام تولد طفل زنان را امر می‌فرمود از اطاق خارج شوند تا اول کسی که چشمش به عورت طفل می‌افتد زن نباشد. از امام باقر (ع): پیغمبر (ص) فرمود: خداوند برای شما امت ۲۴ چیز را مکروه میدانند و از آنها نهی کرده: بازی در نماز، منت در احسانها، خنده بین قبرها، از

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۴۹

دیوارها (بخانه‌ها) سر کشیدن، نگاه به فرج زنان (که اگر فرزندی شود کور باشد) سخن گفتن وقت جماع، (که بچه لال می‌شود)، خواب قبل از نماز عشاء، سخن گفتن پس از نماز عشاء، بی‌لنگ در زیر آسمان غسل کردن، جماع زیر آسمان، بی‌لنگ به نهر رفتن، (و فرمود که در نهرها فرشتگانی ساکنند)، بی‌لنگ گرفتن بحمام، سخن گفتن بین اذان و اقامه، در نماز صبح تا نماز تمام شود، بهنگام طلاطم دریا به کشتی نشستن، بر پشت بامی که نرده ندارد خوابیدن، (که هر که بر پشت بام بی‌نرده بخوابد ذمه از او بری است)، تنها خوابیدن مرد در خانه، در حال حیض با زن آمیزش کردن، که اگر فرزندی شود و جذامی و پیس باشد جز خود را ملامت نکند، پس از احتلام و قبل از غسل نزدیکی کردن، که اگر کند و فرزندی آید و جذامی و پیس باشد جز خود را ملامت نکند؛ با جذامی حرف زدن کمتر از فاصله حد اقل یک ذراع- فرمود از جذامی بگریز چنان که از شیر می‌گریزی- بول کردن بر کنار نهر جاری، زیر درخت میوه‌دار تخلی نمودن، ایستاده کفش بپا کردن، به خانه تاریک بی‌چراغ وارد شدن،

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۵۰

و در حال نماز دمیدن و فوت کردن. از امام صادق (ع): اکثر بهشتیان از زنان مستضعف هستند، که چون خدا ضعف ایشان را میداند بر آنان رحم آرد. از اسحق بن عمار: به امام صادق (ع) گفتم: آیا غلام میتواند به موی خانمش نگاه کند؟ فرمود: آری و به ساق او. از امام ششم (ع)، پیغمبر (ص) بر فاطمه (ع) وارد شد که جامه‌ای از پشم شتر بتن داشت، و دست آس می‌کرد، و بچه را نیز شیر میداد، چشمان پیغمبر (ص) پر اشک شد، و فرمود: دخترم به تلخی دنیا پیشی گیر، تا به شیرینی آخرت دست یابی. خداوند بر من این آیه فرستاد: «پروردگارت چندان بتو عطا کند که خشنود گردی». از حضرت رضا (ع): آیا مرد خواجه میتواند به پیش زنان رود و آب وضو بدستان دهد و مویشان را ببیند؟ فرمود: نه.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۵۱

امیر مؤمنان (ع) بزنان سلام میکرد، و خوشش نمی آمد که به زنان جوان سلام کند، و می فرمود: میترسم، از صدای او خوشم آید، و گناهم بر ثوابم فزونی گیرد. ابی بصیر از امام ششم (ع) پرسید: آیا مرد میتواند با زن نامحرم مصافحه کند و باو دست دهد فرمود نه مگر از پشت لباس. ساباطی از آن حضرت پرسید: زنان وقتی وارد بر جمعی از مردم شوند چگونه سلام کنند؟ فرمود: زن بگوید: علیکم السلام، و مرد می گوید: السلام علیکم. و از علی (ع): هیچ مردی تا کنون مویش زیاد نبوده جز آنکه شهوتش کم بوده. محمد بن اسحق گوید: حضرت باقر (ع) از من پرسید میدانی چرا مهر زنان چهار هزار درم است؟ گفتم: نه، فرمود ام حبیبه دختر ابو سفیان در حبشه بود، پیغمبر (ص) از او خواستگاری کرد، و نجاشی از طرف پیغمبر (ص) چهار هزار درم مهر معین کرد و پرداخت، ولی در اصل ۱۲ هزار پیمانان و اندی بود. از سکونی: علی (ع) به چهار پای ماده ای گذشت که وسط راه عمومی نر بر پشت او رفته بود، حضرت رو گردانید، گفتند چرا رو گردانیدی؟ فرمود: سزاوار نیست و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۵۲

منکر است که این کار در ملاء عام انجام شود و باید در جایی پنهانی باشند که زن و مردی آنها را نبیند. از امام صادق (ع): اگر کسی چشمش بزنی افتد و چشم از او بردارد و با آسمان اندازد، یا ببندد، هنوز چشم بهم نزده که خداوند حور العینی باو تزویج نماید. و فرمود: نگاه اول برای تست، و نگاه دوم بضرر تو، و سومین موجب هلاک تو. از حضرت باقر (ع): مرد میتواند به موی مادر و خواهر و دختر نظر کند. از صحیفه الرضا از علی (ع): زن ده عورت (پوشیدنی و حفظ کردنی) دارد که با ازدواج یکی از آنها پوشیده شود، و (بقیه تا وقت مرگ باقی است) و چون بمیرد همه آنها مستور گردد. از امام ششم (ع): موسی (ع) پرسید: چه عملی نزد تو بهتر است؟ خداوند فرمود: مهر بفرزندان، که من آنان را بر فطرت توحید آفریدم، و اگر بمیرانمشان به رحمت خود به بهشتشان برم. از امام صادق (ع): کثیف ترین گناهان سه چیز است: کشتار چهارپایان، و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۵۳

ندادن مهر زنان، و ندادن اجرت کارگر. از علی (ع): مهر زنان را خیلی بالا نگیرید که موجب عداوت گردد. از امام صادق (ع): من تصمیم گرفته ام زنی معین را ازدواج کنم، و پدرم به دیگری نظر دارد، حضرت فرمود: آنکه خود دوست داری ازدواج کن، و آنکه را که پدر می خواهد واگذار. و از آن حضرت (ع)، پیغمبر (ص)، فرمود: هیچ مردی مهر زن را قبل از آمیزش و عروسی ندهد مگر آنکه خداوند بر هر دیناری ثواب آزاد کردن بنده ای عنایت نماید، پرسیدند: بخشش بعد از عروسی (دخول) چطور است؟ فرمود: آن از مودت و الفت بشمار آید. از حسین بن مختار: سلمان فارسی (ره) زنی ثروتمند گرفت، و بمنزل او داخل شد، در خانه فرش عالی گسترده بود، سلمان گفت: خانه شما حرم است، یا کعبه در آن واقع شده، در این بین کنیزی دوشیزه پیش آمد، سلمان پرسید: این کنیز از کیست؟ گفتند از همسر تست، سلمان گفت: هر کس کنیزی داشته باشد و با او نیامیزد، گناهِش بگردن اوست.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۵۴

از امام صادق (ع): هر کس کنیزی گیرد چهل روز یک بار (لا اقل) با او آمیزش کند. و از آن حضرت (ع): اگر مردی با جاریه ای آمیخت و خواست بار دیگری در آمیزد قبلا غسل کند. و از آن حضرت (ع): علی (ع) می فرمود: برای کودک دایه احمق نگیرید که شیر بر طبع فرزند غالب آید. و پیغمبر (ص) فرمود: دایه احمق نگیرید، که فرزند با همان شیر جوان گردد. از عمرو بن ابی سلمه، پیغمبر اکرم (ص) فرمود: خداوند حیاء را ده قسمت کرد و نه قسمت را بزنان داد و یکی بمردان، و اگر چنین نبود: زنان خود را همچون حیواناتان بزیر

فرزندان شما می‌افکنند. امام (ع) فرمود: زن در دوران حاملگی و شیر دادن اجر مجاهد در راه خدا را دارد، و اگر درین بین بمیرد، اجر شهید دارد. و فرمود: مخنث‌ها چون زنان رحم دارند ولی رحم آنها سرنگون است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۵۵

و فرمود: زن پس از زایمان اولین خوراکش رطب باشد (خرمای عالی تازه) و اگر نبود تمر (خرمای متوسط) بخورد، که اگر چیزی بهتر از آن باشد به مریم (ع) بهنگام زائیدن عیسی (ع) میداد. از امیر مؤمنان (ع)، پیغمبر (ص) فرمود: زنا نکنید که لذت همسر از کام شما برود، و شما عفت پیشه کنید، تا زنانتان عقیف گردند، فلان قبیله زنا می‌کردند، زنانشان زناکار گشتند. و فرمود: هیچ زنی نباید بخواهد تا خود را به شوهر عرضه کند، و مراد از عرضه داشتن اینست که لباس را در آورد و بزیر لحاف شوهر برود، و به او بچسبد. از امام صادق (ع): خداوند به کسانی که لواط دهند نشستن بر استبرق بهشتی را حرام کرده. پیغمبر (ص)، فرمود: هر که پسری را به شهوت ببوسد، خداوند در قیامت دهانه آتشین بدهانش بزند. از علی (ع): هر که خود را در اختیار کسی نهد که با او بازی کند، خداوند شهوت زنان بر او افکند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۵۶

از امام صادق (ع): خداوند متعال شهوت مؤمن را در کمر و شهوت کافر را در مقعدش نهاده. و از آن حضرت (ع): هر که دخترش را به شرابخوار دهد، قطع رحم کرده، (و خویشی خود را از او بریده). و از آن حضرت (ع): چرخ ریسندگی در دست زن چون نیزه است در دست جنگجوی در راه خدا. و فرمود: زنان را بریسندگی وادارید، که این شغل برای آنها خیر و زینت است. از انس، پیغمبر (ص) فرمود: هیچ یک از شما بی‌مشورت کاری نکند و اگر مشاوری نیافت با زنش مشورت کند، و بعد مخالف آن عمل کند، که در مخالفت او برکت است. پیغمبر (ص)، فرمود: خوب وسیله‌ای است چرخ ریسندگی برای زن صالح. و فرمود (ص): ابراهیم پدرم غیور بود، و من از او غیورترم، و خداوند دماغ مؤمن بی‌غیرت را بخاک ذلت بمالد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۵۷

از امام باقر (ع): غیرت زنان حسد است، و حسد ریشه کفر است، زنان چون غیرت بخرج دهند غضب کنند، و چون غضبناک شوند کافر گشته‌اند، مگر زنان مسلمان. جابر از آن حضرت (ع): روایت کند که خداوند برای زنان غیرت نهاده، که برای مردان چهار زن آزاد و کنیز حلال کرده و برای زن جز یک همسر حلال ننموده، و اگر زن بمراد دیگری غیر از شوهر خود تمایل پیدا کند، زناکار خواهد بود، و باید مرد غیرت داشته باشد ولی زن مؤمنه نه. از محمد بن اسماعیل بن بزیع: از حضرت رضا (ع) در باره اینکه زنان باید جلوی خواجه‌ها (آنهايي که مردی ندارند) روسری سر کنند سؤال شد؟ فرمود:

خواجه‌ها بر دختران پدرم موسی بن جعفر (ع) وارد می‌شدند و آنها روسری سر نمی‌کردند گفتیم آن خواجه‌ها آزاد بودند؟ فرمود: نه، بلکه در برابر خواجه‌های آزاد روسری سر می‌کردند (و برای برده‌ها سر نمی‌کردند).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۵۸

باب نهم (در آداب سفر و متعلقات آن)

در هشت فصل (این باب از کتاب من لا یحضره الفقیه و از مجموعه آداب پدرم است و نیز از دیگر جاها)

فصل اول در سفر و اوقات خوب و بد سفر

از امام صادق (ع): عاقل نباید جز در یکی از سه حال باشد: یا تهیه توشه آخرت، یا تأمین معاش، یا لذت حلال. نبی اکرم (ص) فرمود: مسافرت کنید تا سلامت باشید، جهاد کنید تا سود برید، حج کنید تا غنی شوید. و فرمود: مسافرت کنید که اگر مالی بدست نیارید بهره عقلانی میبرید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۵۹

و فرمود: سفر میزان مردم است. از امام صادق (ع): چون خداوند اسباب رزق را برای بنده اش در زمین فراهم آرد، حاجت او را در آن قرار دهد. و از آن حضرت (ع): هر که خواهد سفر کند روز شنبه بمسافرت رود که اگر سنگی در این روز از جا کنده شود، خداوند بجایش باز گرداند. و هر که کارها و نیازها بر او مشکل افتد و یا مانعی پیش آید، در روز سه شنبه بدنبال آنها رود که در این روز خداوند آهن را برای داود نرم کرد. و از امام (ع): مانعی ندارد شب جمعه بسفر بیرون رفتن. از امام باقر (ع)، پیغمبر اکرم (ص) پنجشنبه مسافرت میکرد و امام (ع) فرمود: پنجشنبه روزی است که خدا و پیغمبر (ص) و ملائکه آن را دوست دارند. از انس: محبوبترین روزها پیش پیغمبر (ص) برای سفر روز جمعه بود، و اگر روزی را برای سفر جنگ در نظر داشت به روز دیگری وانمود می کرد (که خبر بدشمن نرسد و مجهز و آماده گردد).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۶۰

یکی از اهل بغداد بحضرت امام هادی علیه السلام نوشت و در باره سفر در چهارشنبه آخر ماه پرسش نمود؟ حضرت جواب نوشت: هر که برای چهارشنبه آخر ماه بخلاف مردمی که فال بد میزنند، بسفر بیرون رود از هر آفتی در امان باشد و از هر رنج و بلیه ای مصون بماند، و خداوند حاجتش را بر آورد. پیغمبر (ص) فرمود: بر شما باد به سفر در شب، که زمین در شب در می نوردد. و از آن حضرت: روز جمعه برای حاجت بیرون مرو، و شنبه بهنگام طلوع خورشید بطلب حاجت بیرون برو. از ابو ایوب خزاعی: امام ششم در باره تفسیر آیه «چون نماز را خواندید پراکنده شوید و بدنبال فضل و روزی خدا بروید» فرمود: روز جمعه برای نماز، و پراکنده شدن دنبال روزی روز شنبه. و از آن حضرت (ع): از مسافرت در روز سوم و چهارم و بیست و یکم و بیست و پنجم بپرهیزید (که این روزها نحس است).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۶۱

و فرمود: در دوشنبه بسفر نروید و حاجت طلب نکنید. از امیر مؤمنان (ع): روز شنبه روز مکر و خدعه است (یعنی برای جنگ) و یک شنبه روز درختکاری و ساختمان کردن، و دوشنبه روز سفر و طلب، سه شنبه روز جنگ چهارشنبه روز شوم که مردم در آن تطیر زنند، پنجشنبه روز داخل شدن بر امراء و قضاء حوائج و روز جمعه روز نکاح. از ابو ایوب خزاعی: خواستیم بسفر رویم بخدمت امام صادق (ع) رفتیم، که سلامی عرض کنیم، فرمود: گویا می خواهید از برکت دوشنبه استفاده کنید؟ گفتیم:

آری. فرمود چه روزی شومتر از دوشنبه که در این روز وحی از ما قطع شد (نبی اکرم وفات یافت) ... دوشنبه بیرون نروید بلکه سه شنبه بیرون روید. و از آن حضرت: هر که در قمر در عقرب مسافرت یا ازدواج کند؛ نیکی نبیند. عبد الملک بن اعین گوید، به امام ششم (ع) عرضه داشتیم: من به این علم (نجوم)

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۶۲

گرفتارم، و چون کاری دارم طالع بلند میکنم و بآن مینگریم و اگر بد نشان دهد می‌نشینم و بدنبال کار خود نمیروم، و اگر خیر نشان دهد میروم. امام فرمود: حاجت در این صورت بر می‌آید؟ گفتم آری، فرمود: کتب خود بسوزان، و امیر مؤمنان بهنگامی که قمر در محاق بود مسافرت و تزویج را مکروه میداشت. از موسی بن جعفر (ع): شومی برای مسافر در راه سفر در شش چیز است: کلاغ که طرف راست بانگ کند، و سگی که دنب بجنباند، گرگ که در برابر انسان زوزه کشد و بزمین نشیند و بانگ کند، آهوپی که از چپ و راست انسان در آید، بومی که بانگ زند، و زن خاکستر موی که چهره نشان دهد، الاغ گوش بریده، اگر کسی یکی از اینها را ببیند و در دل احساسی کند بگوید: «خداوندا بتو از تو محافظت می‌جویم، از شر آنچه در دل احساس میکنم. خداوندا مرا نگهبانی کن» از شرور اینها حفظ خواهد شد. از حلبی از امام صادق (ع): سفر در روزهای مکروه کراهت دارد، روز چهارشنبه و دیگر ایام مکروه، و فرمود اگر ناچاری و برایت پیش آمد سفر را با صدقه شروع کن و آیه الکرسی بخوان. و از آن حضرت: حضرت زین العابدین (ع) فرمود: حج و عمره کنید تا بدنتان

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۶۳

سالم بماند، و روزی شما فراخ گردد، و احتیاجات شما و خانواده شما تأمین گردد. و از آن حضرت (ع): اگر کسی سوره «انا انزلناه» بخواند و پیاده حج برود رنج پیاده روی را احساس نکند. و فرمود: هیچ کس بهنگام سوار شدن مرکب «انا انزلنا» نخواند مگر آنکه سالم و آمرزیده باز گردد و پیاده شود و خواننده آن از آهن محکمتر بر چهار پا باشد، و شتری که هفت سفر با او بحج روند از حیوانات بهشت شود. امام باقر (ع) فرمود: اگر چیزی بتواند بر قدر الهی پیشی گیرد، میگفتم:

خواننده «انا انزلنا» بهنگام سفر یا خروج از منزل سالم بخانه باز آید ان شاء الله تعالی.

فصل دوم (افتتاح سفر با صدقه و مانند آن)

از امام صادق (ع): صدقه بده و هر روز که خواهی سفر کن. از حماد بن عثمان: به امام صادق (ع) عرضه داشتم: آیا سفر در روزهای مکروه

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۶۴

مثل چهارشنبه کراهت دارد؟ فرمود: هر وقت پیش آمد و خواستی صدقه بده و بسفر برو و آیه الکرسی بخوان و حجامت کن هر وقت خواستی. از ابن ابی عمیر: گاه بنجوم نگاه میکردم و بطالع می‌نگریستم و از آن در دل من چیزهایی خلجان می‌کرد، بحضرت موسی بن جعفر (ع) شکایت کردم، فرمود هر گاه در دل ناراحتی حس کردی، به اول بینوایی که رسی صدقه ده و براه خود ادامه ده که خداوند عز و جل از تو دفاع خواهد کرد. از امام صادق (ع): هر که صبحگاه صدقه دهد خداوند نحسی آن روز را از او بگرداند. از عبد الله بن سلیمان از امام (ع): چون پدرم در چهارشنبه یا روزهای دیگری که مردم مکروه میدانند، مثل روز محاق (آخر ماه) صدقه میداد و به سفر میرفت. از امام صادق (ع): هر که صبح صدقه دهد خداوند نحوست آن روز را از او بگرداند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۶۵

از امام پنجم (ع): حضرت زین العابدین چون می‌خواست بیکی از قراء یا املاک خود برود سلامت خود را با صدقه‌ای که مقدورش بود می‌خرد، در موقعی که پا در رکاب می‌نهاد، صدقه می‌داد و چون سلامت بر می‌گشت خدا را شکر می‌کرد و بمقدار مقدور صدقه میداد. و از آن حضرت (ع): چون قصد سفر داری سلامت خود را به مقدار صدقه‌ای که دلت راضی است از خداوند بخر و بعد به سفر برو، و بگو:

«خداوندا من اراده فلان سفر دارم و سلامتتم را در این سفر به فلان صدقه و یا فلان چیز از تو می خرم،» بعد هر جور صلاح بدانی صدقه بده. و اگر سالم برگشتی نیز برای شکر صدقه بده.

برداشتن عصا

از انس، پیغمبر (ص) فرمود: مگر عاجزید که عصایی بدست گیرید که ته آن آهنی باشد، که چون خسته شوید بر آن تکیه کنید، و به کمک آن از آب بگذرید، و موزیها را از سر راه برانید، و گزندگان را بکشید، و با درنده بجنگ و دفاع پردازید، و در بیابان بی نشان قبله قرار دهید (شاید مراد آن است که شاخص قرار داده شود که

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۶۶

وقت بآن شناخته گردد). و از آن حضرت (ع)، پیغمبر (ص) فرمود: گرفتن عصا نشانه مؤمن و سنت انبیاء (ع) است. ام سلمه گوید، پیغمبر (ص) فرمود: با عصا راه رفتن تواضع است، و برای هر قدمی که با عصا راه رود هزار حسنه است و هزار درجه مقامش بالا رود. از امیر مؤمنان (ع): هر که بسفیری بیرون رود و عصایی با او باشد از بادام تلخ و این آیه را بخواند «وَلَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ ... تا الی ما نقول وکیل» (سوره قصص آیه ۲۱) خداوند او را از هر درنده مودی و دزد متجاوز، و از هر جانور زهر آگین تا وقت بازگشت بخانه اش نگهدارد. و نیز فرمود (ص): عصا برداشتن فقر را میبرد و شیطان نزدیک نمیشود. و پیغمبر (ص)، فرمود: هر که دوست دارد زمین زیر پایش نرم (و پیاده روی برای او آسان باشد) عصایی از چوب بادام تلخ بردارد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۶۷

و فرمود: عصا بردارید که از سنت برادرانم پیامبران میباشد و بنی اسرائیل از خرد و بزرگ با عصا راه میرفتند، که در راه رفتن سر نخورند.

عمامه بستن و تحت الحنک

از امام صادق (ع): هر که با عمامه ای که تحت الحنک داشته باشد بیرون رود برایش ضمانت میکنم که سالم برگردد. و از آن حضرت (ع): هر که بسفیری بیرون رود، و عمامه یا تحت الحنک نگذارد و گرفتار دزدی بی درمان شود کسی غیر از خود را ملامت نکند. از موسی بن جعفر (ع): من آن کس را که با عمامه تحت الحنک دار بیرون رود ضمانت می کنم که گرفتار دزد و آتش سوزی نشود، و در آب غرق نگردد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۶۸

فصل سوم (مستحبات وقت رفتن بسفر)

دعاء وقت خروج

پیغمبر (ص)، فرمود: هر که خواهد بسفر رود جانشین و نگهبانی برای خانواده اش بهتر از این نیست که دو رکعت نماز بگذارد و بوقت خداحافظی و تودیع بگوید: «خداوندا، دین و جان، مال و خانواده و فرزندان و همسایگان و غم خوران خودم را از حاضر و غایب و هم چنین تمام نعمتهایی را که بمن داده ای بتو می سپرم خداوندا این همه را در کنف و حفظ و پناه و عز خود نگهدار که هر که در پناه تو

باشد عزیز میباشد که مقام تو بس جلیل و بلند است و جز تو خدایی وجود ندارد، بر آن زنده‌ای که مرگ در او راه ندارد، توکل میکنم، و سپاس خدایی را است که فرزند نمیگیرد، و در سلطنت خود شریک ندارد، و ولی و سرپرستی نمی‌خواهد، و او را تکبیر گوی. خدا بزرگ است و خدا را بسیار میستایم، و او را هر صبح و شب تسبیح میگویم.»

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۶۹

و امام باقر (ع) وقتی قصد سفر داشت، اهل و عیال خود را در خانه‌ای جمع میکرد، و میفرمود: «خداوند اینها را بتو میسپرم ... تا آخر دعای مذکور». از حضرت موسی بن جعفر (ع): اگر مردی عازم سفر است بر در خانه‌اش رو بمسیری که می‌رود بایستد، و سوره «حمد» و آیه الكرسی را بجلو و چپ و راست بخواند و بعد بگوید: «خداوند مرا و آنچه با منست نگهداری کن، و مرا و آنچه با منست سالم نگهدار، و مرا و آنچه با من است سالم بازگردان» خداوند خودش را با آنچه همراه دارد سالم و محفوظ بدارد و سالم بازگرداند، بعد فرمود: ندیده‌ای گاهی انسان محفوظ می‌ماند ولی آنچه همراه او است سالم نمی‌ماند؟! گفتم چرا جانم فدایت. و حضرت وقت سفر میخواند: «راه را بر ما آسان و نیکو گردان و عاقبت ما را بزرگ مدار». از امام هشتم (ع): بهنگام خروج از خانه در سفر یا حضر بگو «بنام خدا، بخدا ایمان آوردم و بر او توکل میکنم آنچه بخواهد همان است و بدون یاری خدا هیچ کس

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۷۰

نیروی ندارد» اگر شیطان‌ها چون این دعا را بخوانی پیش تو آیند فرشتگان بانان سیلی زنند و گویند دیگر باین شخص تسلطی نخواهید داشت، از آنرو که نام خدا را برده و باو ایمان آورده و توکل نموده ... از امام باقر (ع): هر که وقت بیرون رفتن از خانه بگوید: «بخدا پناه میبرم از آنچه فرشتگان پناه میبرند و از شر امروز و از شر شیاطین، و از شر جن و انس و درندگان و گزندگان و از شر ارتکاب گناهان، خودم را از شر هر چیز بخدا میسپارم» خداوند او را بیامرزد، و مهماتش را کفایت کند، و از شر و بدی نگهش دارد. از انس: پیغمبر (ص) قصد هیچ سفری نمی‌کرد مگر آن که وقت حرکت می‌فرمود:

«خداوندا بیاری تو میروم، و بتو رو می‌آورم، از تو کمک و محافظت می‌جویم که تو پناهگاه و امید منی، خداوندا آنچه را در نظر دارم و ندارم و آنچه را که تو از من بهتر میدانی کفایت کن، خداوندا توشه تقوی بمن ده، و بهر جا که رو میکنم مرا بخیر پیش ببر» بعد خارج می‌شد. حضرت صادق (ع) بهنگام سفر می‌فرمود: «خداوندا مرا و آنچه با من است

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۷۱

محفوظ بدار و به مقصد برسان، بیاری خدا شروع میکنم، و از او رستگاری می‌طلبم، و به شفاعت محمد (ص) بتو توجه میکنم. خداوندا هر مشکلی را بر من آسان کن، و هر سرکشی را مطیع و رام من گردان، و همه خیرات را بیش از آنچه امید دارم بمن عطا کن، و شرور و آنچه را که از آن میترسم از من بگردان ای بهترین رحم‌کنندگان». و نیز می‌فرمود: «از خدایی که بدست اوست هر کوبنده و حرکت‌کننده‌ای و بدست اوست روزی فرشتگان و همه مردمان مسألت می‌نمایم، که در این سفر بما امنیت و سلامت و ایمان و اسلام، و فهم و توفیق و برکت و هدایت و شکر و عافیت ببخشد و مغفرت و اراده عنایت فرماید و هیچ گناهی برای ما بقای نگذارد». و از آن حضرت (ع): هر که بهنگام خروج از خانه بگوید: «اللَّهُ اکبر اللَّهُ اکبر اللَّهُ اکبر، بنام خدا داخل و خارج می‌شوم، و بخدا توکل می‌کنم، و هیچ قوتی جز بیاری خدای عظیم وجود ندارد و درود بر محمد و آل او، خداوندا این سفر مرا بخیر افتتاح کن، خداوندا من از شر خودم، و دیگران، و از شر هر جنبنده‌ای که سرنوشتش

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۷۲

بدست تست بتو پناهنده میشوم، که خدایم بر راه راست است.» چنین کسی در ضمانت خداست تا برگردد، بعد بگوید: «بخدا توکل میکنم که جز خواست خدا نباشد، و جز بکمک او نیرویی وجود ندارد، خداوند برای آنچه بیرون میروم از تو خیر می جویم، و از شر بتو پناه میبرم، خداوند به فضل خودت بمن توسعه ده، و نعمتت را بر من کامل کن، رغبت مرا به آنچه نزد تست متوجه گردان و مرا در راه خود و بر دین و ملت پیغمبر خود بمیران» بعدا آیه الکرسی و (معوذتین) (و سوره اخلاص) را بخوان سه مرتبه بطرف جلو و سه مرتبه بطرف بالا و سه بار به طرف پایین و سه بار به طرف پشت سر، و سه بار برآست و سه بار بچپ و بخدا توکل کن.

عوده (پناه بردن بخدا)

پیغمبر (ص) وقتی قبل از شب بسفر میرفت میفرمود: «ای زمین پروردگار من و تو خداست، و به خدا از شر تو و آنچه در تست و بدی‌هایی که در تو خلق شده، و بدی آنچه بر تو جنبش دارد و بخدا پناه میبرم، و از شر شیر درنده و مار و عقرب گزنده، از شر ساکنان شهر و از شر زایندهگان و آنچه زاینده، بخدا پناه میگیرم.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۷۳

خداوند پروردگار آسمان‌های هفتگانه و بر آنچه سایه افکنند، و پروردگار زمین‌های پنجگانه و آنچه را در بر گیرند، و پروردگار بادها و آنچه بر آن میوزند، و خداوند شیاطین و آنها را که گمراه سازند از تو مسألت دارم که بر محمد و آل محمد درود بفرستی؛ و هم از تو مسألت دارم که خیر امشب و امروز، و این ماه و این سال و این شهر و اهل آن، و این قریه و ساکنان آن را نصیب من فرمایی، و بتو پناه میبرم از شرهای آن و شر آنچه در آن است و از شر هر جنبنده‌ای که سرنوشت او بدست توست که خداوند من بر راه مستقیم است.» آنچه وقت سوار شدن و در مسیر گفته می‌شود

از امام ششم (ع): چون پا در رکاب می‌نهاد می‌فرمود: «منزه است خداوندی که این مرکب را مسخر ما کرد و گر نه ما قدرت بر تسخیر او نداشتیم» و خداوند را هفت بار تسبیح و حمد و تهلیل (لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) می‌گفت.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۷۴

از اصبع بن نباته: برای امیر مؤمنان (ع) رکاب گرفتم که سوار شود، حضرت سر به آسمان برداشت و تبسم کرد، به حضرت گفتم: سر بلند کردی، و تبسم فرمودی؟

فرمود آری، من روزی برای پیغمبر رکاب گرفتم و او چنین کرد، از او پرسیدم که یا رسول الله سر به آسمان برداشتی؟ و تبسم کردی؟ فرمود: یا علی (ع) هیچ کس بر مرکبی که خدا به او داده سوار نشود و در موقع سوار شدن آیه سخره «خداوند شما کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید؟ تا آخر آیه» را بخواند و بعد بگوید: «مغفرت می‌طلبم از خدایی که جز او زنده و قیومی نیست و بسوی او توبه و بازگشت میکنم.

خداوند گناهانم را بیامرزد که جز تو کسی نمی‌آمرزد» مگر آنکه خدای کریم گوید که: «ای فرشتگانم بنده من میداند که جز من کسی او را نمی‌آمرزد بدانید که ذنوبش را بخشیدم». از امام رضا (ع)، پیغمبر (ص) فرمود: هر که سوار مرکب شود و بسم الله گوید، فرشته‌ای

برای حفظ او بر ترک او نشیند تا از مرکب فرود آید، و اگر سوار شود و بسم الله نگوید شیطانی ردیف او نشیند و باو می گوید آواز بخوان، و اگر بگوید خوب

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۷۵

نمی توانم، باو میگوید زمزمه کن، و همواره در آرزو بسر برد تا فرود آید. و فرمود: هر که بوقت سوار شدن گوید: «بنام خدا، جز از طرف خدا نیرویی وجود ندارد، سپاس خدایی را که این مرکب را برای ما تسخیر کرد، و گر نه ما قادر بر تسخیر او نبودیم» جان و مرکبش مصون بماند تا فرود آید، و در روایتی دیگر وقت سوار شدن بگوید: «سپاس خدایی را که ما را به اسلام رهبری کرد، و قرآن تعلیم داد، و به وجود محمد بر ما منت نهاد، پاک است خدایی که این مرکب را مسخر ما کرد، و گر نه برای ما تسخیر آن امکان پذیر نبود، و ما بسوی حق باز میگردیم، و سپاس خدایی را سزد که پروردگار جهانیان است، خداوندا تو ما را بر پشت مرکب بنشانی، و در کارها یاری کنی، و رفیق و همراه سفر مایی و جانشین ما بر زن و مال فرزند مایی، خداوندا تو بازوی من و یاور منی» و چون مرکب براه افتاد در راه بگو: بحول و قوه الهی بیرون میروم بی آنکه در خود نیرویی داشته باشم، خداوندا بتو از هر حول و قوه ای اجر تو، براثت می جویم، خداوندا در این سفر از تو برکت می خواهم و برای اهل این سفر نیز برکت می طلبم، خداوندا از فضل واسع تو رزق حلال و پاک می جویم و مرا در زندگی راحت و خوش و سلامت بدار، خداوندا به نیرو و قدرت تو، من به این سفر میروم بی آنکه بغیر تو امید و اعتمادی داشته باشم، در این سفر بمن توفیق شکر و عافیت عنایت کن، و به اطاعت و عبادت خود موفق بدار، تا از من خشنود شوی ای دارای جلالت و بزرگی. و به رحمت خودت ای رحمت آرنندگان».

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۷۶

در تشییع و بدرقه

پیغمبر (ص): چون جعفر طیار را به حبشه فرستاد، او را بدرقه کرد و این کلمات را توشه سفر او قرار داد: «خداوندا در آسان کردن هر مشکلی به او عنایت داشته باش، که این کار بر تو آسان و تو بر هر کار و هر چیز توانایی- و از تو برای او راحتی و عافیت همیشگی و دنیا و آخرت می طلبم». پیغمبر (ص): مردی را وداع کرد و فرمود: «خداوند بتو توشه تقوی (بدهد) و گناهانت بیامرزد و بهر جا روی ترا با خیر روبرو سازد». چون امیر مؤمنان (ع) ابا ذر رضی الله عنه را بدرقه کرد امام حسن و امام حسین (ع) و عقیل و عبد الله جعفر و عمار یاسر نیز او را بدرقه کردند، حضرت فرمود:

برادرتان را بدرقه کنید که رونده باید برود و بدرقه کن باید برگردد، و نیز هر یک در خور خود با او سخنی گفت. حضرت حسین (ع) فرمود: «ای ابا ذر خدا ترا رحمت کند این قوم ترا با بلا و مصیبت برنج و محنت مبتلی ساختند که تو دین خود را

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۷۷

بآنها ندادی و آنها دنیای خود را از تو دریغ داشتند و آنها چقدر بآنچه تو ندادی نیازمندند و تو از آنچه آنها دریغ نمودند، بی نیازی». ابو ذر گفت: خدا شما اهل بیت را رحمت کند، که من در دنیا محبوب و خواسته ای جز شما اهل بیت ندارم، که هر گاه بیاد شما افتم پیغمبر (ص) جد بزرگوارتان را بخاطر آرم. و پیغمبر (ص) چون مؤمنی را وداع میکرد، میفرمود: «خداوند بشما توشه تقوی دهد و شما را به همه خوبی ها متوجه سازد، و حاجتتان را برآرد، و دین و دنیای شما را سالم بدارد و سلامت بسوی من باز گرداند.» و در خبر دیگر است که: پیغمبر (ص)، چون می خواست مسافری را تودیع کند، دست او را می گرفت، و میفرمود: خداوند همراهان خوبی نصیب تو کند،

و معونه ترا کامل سازد، و ناملایمات را بر تو آسان گرداند، و دور را بر تو نزدیک گرداند، مهمات ترا کفایت نماید، و دین و امانت ترا نگهبانی کند، و عمل ترا ختم بخیر نماید، و ترا بهمه نیکی‌ها متوجه سازد، بر تو باد به تقوا و ترس از خدا، ترا بخدا ودیعه میدهم، به برکت خدا حرکت نما.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۷۸

وداع

هر که خواهد با مردی وداع کند باید بگوید: «دین و امانت تو و عاقبت کار ترا بخدا ودیعه می‌سپرم، خداوند همراهان و رفیقان ترا برای تو نیک گرداند و عاقبت بزرگ بتو دهد و حاجت ترا بر آرد و تقوی را توشه تو گرداند و بهر جا ترا متوجه خیر گرداند و سالم و سودمند بازگرداند.» از امام ششم (ع): پیغمبر (ص) با مردی وداع نمود و فرمود: «خدا ترا سالم بدارد و سود فراوان نصیب تو گرداند.»

فصل چهارم اخلاق پسندیده در سفر و حسن معاشرت و رعایت حقوق دیگران و مدارا و رفاقت با همراهان

از ابی ربیع شامی: در خدمت حضرت امام صادق (ع) بودیم، خانه امام پر از جمعیت بود، حضرت فرمود: از ما نیست هر که با همراهانش حسن معاشرت نداشته باشد و با دوستانش رفاقت و مدارا ننماید و بآن کس که نمک می‌خورد نمکشناسی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۷۹

ننماید و با آنکه همراه است حسن خلق نداشته باشد. از آن حضرت (ع)، پدرم می‌گفت بآن کس که باین خانه رو کند و سه خصلت نداشته باشد اعتنایی باو نیست: اخلاقی که با همراهان بخوبی رفتار کند و حلمی که خشم او را مهار نماید پارسایی و ورعی که او را از گناهان ننگه دارد. و از آن حضرت (ع): از مروت نیست که انسان بدو خوبی که در سفر می‌بیند، بازگو کند. از عمار بن مروان: حضرت صادق مرا وصیت کرد و فرمود: «ترا به تقوی و ترس از خدا و اداء امانت و راستی گفتار و حسن معاشرت وصیت میکنم و قوتی جز از طرف خدا وجود ندارد.» ابی بصیر گوید: بامام صادق (ع) عرضه داشتم، جایز است انسان با مردمی پولدار که نمیتواند مثل آنها خرج کند بسفر رود؟ حضرت فرمود: دوست ندارم که مؤمن خود را ذلیل کند بلکه با همطرازان خود بیرون رود. از امام باقر (ع): با هر که معاشرت داری، اگر میتوانی که همیشه دست تو بالا

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۸۰

باشد (یعنی دهنده باشد نه گیرنده) حتما چنین باشد. از نبی اکرم (ص): اول رفیق موافق انتخاب نما سپس عزم سفر کن. و امام (ع) فرمود: دو نفر که با هم مصاحب هستند آن کس در نزد خداوند اجرش بیشتر و محبوبتر است که بیشتر با رفیقش مدارا و رفاقت کند. و امیر مؤمنان (ع) فرمود: با کسی که برای تو فضیلت قائل نیست بقدری که تو برای او فضیلت قائلی سفر مکن. نبی اکرم (ص) فرمود: سنت است که چون جمعی به سفر میروند خرج خود را در آورند (در میان گذارند) که برای خودشان و هم از نظر حسن اخلاق بهتر است. امام صادق (ع): با کسی سفر کن که زینت و افتخار تو باشد، نه آنکه تو زینت او باشی. و از آن حضرت (ع): کسی که تنها در خانه بخواهد شیطان است، و دو نفر رفیق مصاحب و سه نفر مونس هم هستند. از شهاب بن عبد ربه: به امام صادق (ع) گفتم: شما از حال من و دست و دل بازی من

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۸۱

نسبت به برادران مؤمنم آگاهی، در سفر مکه چند تن از آنان را با خود میبرم و برایشان زیاد خرج میکنم، امام (ع) فرمود: چنین کاری مکن، که اگر تو زیاد خرج کنی و آنها نیز زیاد خرج کنند به آنان اجحاف کرده‌ای و اگر تو خرج کنی و آنها امساک نمایند موجب ذلت و سرشکستگی آنها شده‌ای پس با هم طرازان خود سفر کن. از امام ششم (ع): با کسی معاشرت کن که هم طراز تو باشد نه کسی که خرج ترا دهد، که این ذلت مؤمن است. نبی اکرم (ص) فرمود: بهترین و مناسب ترین عدد برای سفر چهار نفر است و اگر بر هفت تن فزونی گیرند سر و صدا در آید. امام ششم (ع): حق مسافر اینست که اگر مریض شود رفقاییش تا سه روز بخاطر او اقامت گزینند و بمانند. از نبی اکرم (ص): هیچ خرجی از آنچه بر پایه اقتصاد باشد در نزد خداوند محبوبتر نیست، که خداوند اسراف را جز در حج و عمره دشمن دارد. پیغمبر (ص): در سفری که عازم حج بودند فرمود: بد اخلاق با ما مصاحبت و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۸۲

همراهی نکند. حلبی به امام صادق (ع) عرضه داشت: جمعی که بعضی ثروتمندند و بعضی ثروتمند نیستند با هم مسافرت می‌کنند، آیا ثروتمند میتواند برای دیگران خرج کند؟ امام (ع) فرمود: اگر آنها راضی باشند مانعی ندارد. نبی اکرم (ص): آقای جمعیت در سفر خدمتگزار جمعیت است. از نبی اکرم (ص): پیغمبر در سفری فرمود گوسفندی ذبح کنند، یکی ذبح آن را بعهده گرفت و دیگری پوست کندن آن را و سومی تکه کردن و یکی پختن آن را حضرت فرمود: من هم هیزم جمع میکنم، گفتند: یا رسول الله شما زحمت نکشید، پدر و مادر ما فدای شما- ما کار شما را انجام میدهیم، فرمود: میدانستم ولی خداوند از بنده‌ای که در میان همراهان برای خود امتیازی و تشخیصی قائل شود بدش می‌آید، و برخاست و به جمع آوری هیزم پرداخت.

آداب سفر

پیغمبر (ص) در سفر شانه و مسواک و سرمه‌دان را با خود بر می‌داشت.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۸۳

از امام صادق (ع): لقمان بفرزندش گفت چون با جمعی به سفر می‌روی در کار خود و آنها با ایشان زیاد مشورت کن، و زیاد بر آنها لبخند بزن، و از توشه خود بآنها بخشنده باش، اگر ترا بخوانند جواب ده، و اگر کمک طلبند به کمک آنها بشتاب، و زیاد نماز بخوان و بسیار سکوت کن، و بر آنچه داری از آب و مرکب و توشه سخاوتمند باش، و چون برای حقی از تو گواهی خواهند گواهی ده، و چون از تو مشورت کنند فکرت را بکار بر و تا فکر نکرده‌ای و بر یک رأی ثابت قدم نشده‌ای تصمیم مگیر و اقدام مکن و جواب مشورت را مگو تا برخیزی و بنشیننی و بخوری و بخوابی و نماز بگزاری، و در این مدت در باره امر مورد مشورت فکر و دانش خود را بکار بری، که هر کس در باره مشورت‌کننده خود خیر خواهی کامل و خالص نکند، خداوند رأی و عقلش را سلب کند و امانت داری را از او بگیرد، و چون رفقاییت میروند تو هم برو.

و چون کار می‌کنند، تو هم بکن، و چون صدقه یا قرض میدهند تو هم با آنها بده، و از بزرگ‌ترین آنها حرف بشنو، و اگر از تو چیزی خواستند، و یا سؤالی کردند، بگو:

چشم، و نگو: نه، که نه گفتن عیب و نقص است، و اگر در راه متحیر گشتید، فرود

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۸۴

آیید، و اگر در قصد خود تردید پیدا کردید، باز ایستید، و مشورت کنید، و اگر شخص تنهایی را دیدید از او در باره راه سؤال مکنید، که شخص واحد در بیابان خود در تردید و شک است، که ممکنست جاسوس راهزنان یا شیطان گمراه کننده باشد. و نیز از راهنمایی دو نفر بپرهیزید، مگر آنکه آثار درستی را در آنها ببینید که عاقل اگر بچشم خود چیزی را ببیند، حق را از آن باز شناسد، و حاضر چیزی را می بیند که غایب نمی بیند، پسرم چون وقت نماز رسید، آن را برای هیچ چیز عقب مینداز و نماز را بوقت بخوان و خیالت را از آن راحت کن، که دین تست (و بهر حال باید ادا کنی) و در جماعت نماز بگزار گرچه بر سر نیزه یا لبه شمشیر باشی (یعنی جا خیلی تنگ باشد)، و بر روی مرکب مخواب، که این موجب سرعت زخم پشت او شود، و حکیمان چنین کاری نمی کنند، مگر آنکه در محملی باشید که، بتوانی پا را جابجا کنی و دراز نمایی برای راحتی مفصلها. و چون بمنزلگاه رسی، از مرکب فرود آی، و اول برای او علوفه بریز که او بمنزله خود تست. و در جایی فرود آیید که خاکش نرمتر و رنگش بهتر، و گیاه و سبزه اش بیشتر باشد. و چون فرود آیی، پیش از نشستن دو رکعت نماز بخوان و برای قضاء حاجت و تخلی بجای دور دست برو، و بوقت حرکت

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۸۵

دو رکعت نماز بگزار، و با زمینی که در آن بودی وداع گو، و بر آن و اهل آن سلام کن، که هر قطعه زمینی فرشتگانی دارد، و اگر می توانی هیچ وقت غذا مخور مگر آنکه نخست صدقه دهی، و در حال سواره تا می توانی قرآن بخوان، و تا می توانی تسبیح گوی، و در حال فراغت دعا کن، و از اول تا آخر شب سیر مکن، و در مسیر حرکت صدا بلند مکن و فریاد مزن.

بذل کردن توشه و جوانمردی در مسافرت

پیغمبر (ص): از بزرگواری اینست که انسان چون بسفر میرود توشه اش خوب و حلال باشد. و حضرت زین العابدین چون بحج و عمره میرفت، بهترین توشه ها را از بادام و قند و سویق و حلوا با خود بر میداشت. از امام صادق (ع): مروت نیست که انسان نیک و بدی را که در سفر می بیند نقل کند. از نبی اکرم (ص): از شرافت انسان آنست که چون بسفر میرود، توشه خوب بردارد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۸۶

در روایت است که ابو ذر در کنار کعبه بود، فرمود: من جندب بن سکن هستم، مردم گرد او جمع شدند، گفت: هر که قصد سفر دارد بمقدار کافی توشه بر می دارد، آیا برای سفر آخرت توشه ای که برای شما لازم است و کارتان را اصلاح کند بر نمی دارید؟

مردی گفت: ما را راهنمایی کن؛ ابو ذر گفت: روزیهای گرم را روزه بدارید، و برای کارهای مهم حج کنید، در تاریکی دل شب برای تاریکی قبر دو رکعت نماز گزارید، یا سخن خیری بگویید، یا از سخن شری احتراز کنید یا صدقه ای به بینوایی دهید تا در روز سخت قیامت نجات یابید، مال خود را دو قسمت کنید، یکی را برای خانواده خود خرج نمایید و یکی را برای آخرت خود بذل کنید، و غیر از این دو مصرف جز زیان نخواهد داشت. در دنیا دو گونه سخن بیش نگوئید سخنی که برای کسب و در آمد حلال ضروری باشد و کلمه ای که برای آخرت توشه است، و دیگر هر چه گویی ضرر است، بعد گفت: غصه و فکر روز نیامده مرا کشت (یعنی روز قیامت). لقمان به فرزند گفت: پسرم! دنیا دریایی ژرف است که مردمی بسیار در آن غرق گشته اند، کشتی نجات را ایمان بخدا و بادبانش را توکل، و توشه اش را در آن

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۸۷

تقوی قرار ده، که اگر نجات یافتی از لطف و مرحمت خداست، و اگر هلاک گشتی بواسطه گناهان خود تست. پسر! شمشیر و چکمه و عمامه و خیمه (پوستین) و مشک آب، و ابزار دوخت و درفش خود را بردار. و از دارو آنچه برای تو و اهل تو لازم است بردار، و در هر کار جز در گناه با رفیقانت موافقت کن. در باره معنی فتوت از امام صادق (ع) پرسیدند؟ فرمود: گمان کرده‌اید فتوت و مردانگی با فسق و فجور است! نه بلکه فتوت آنست که اطعام کنی و امید مردم را بر آری و چهره خندان داشته باشی و مردم را از رنج و اذیت خود مصون داری و غیر آن نیرنگ و فسق است. امام (ع) پرسید مروت چیست؟ اصحاب گفتند نمی‌دانیم فرمود: مروت آن نیست که انسان سفره‌اش در درگاه خانه برای مردم گسترده باشد بلکه مروت دو تاست: در سفر و در حضر اما مروت در حضر: قرائت قرآن و ملازمت با مساجد، بکار برادران مؤمن پرداختن و بکارگر خرج کافی دادن که اینها دوست را خشنود و دشمن را منکوب میکند. و اما مروت در سفر خوبی و فراوانی توشه و به همراهان دادن آنها و کار مردم را پس از جدایی از ایشان کتمان داشتن و شوخی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۸۸

زیاد در غیر موردی که غضب خدا را برانگیزد. بعد فرمود: قسم بآن که محمد (ص) را بحق مبعوث گردانید خداوند بهر کسی بقدر مروتش روزی دهد که رزق باندازه خرج فرود آید، صبر بقدر شدت بلاء داده شود.

فصل پنجم (نگهداری کالای خود، و استخاره و حاجت خواستن)

(نگهداری کالا)

از امام صادق (ع): هر که در سفر آیه‌الکرسی را در هر شب بخواند خود و همراهانش سالم بمانند، و بگوید: خداوندا سیر مرا وسیله عبرت و سکوتم را وسیله تفکر و سخنم را ذکر قرار ده. از محمد بن عیسی از مردی: حضرت رضا (ع) از خراسان برایم جامه‌ای فرستاد، که در آن جامه قدری خاک نهاده شده بود، از آوردنده جامه پرسیدم: این خاک چیست؟ گفت خاک و تربت قبر حسین (ع) است و حضرت هیچ چیز از لباس و دیگر اشیاء بجایی نمی‌فرستد مگر آنکه از این تربت در آن می‌گذارد، و می‌فرماید:

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۸۹

این موجب امان است (با اجازه الهی). از آن حضرت (ع): برادرانی محضر نبی اکرم (ص) آمدند و گفتند ما بقصد تجارت بسوی شام می‌رویم بما چیزی بیاموز که بخوانیم، حضرت فرمود: پس از آنکه در منزلی جا گرفتید و نماز عشاء را خواندید، و به بستر استراحت رفتید، تسبیح حضرت فاطمه و بعد از آن آیه‌الکرسی را بخوانید که از هر چیز در امان خواهید بود.

در سفر دزدانی آنها را تعقیب کردند تا جایی منزل گرفتند، دزدان جاسوسی فرستادند که ببیند اینها خوابند یا بیدار، غلام وقتی به آنها رسید یکی از ایشان در بستر مشغول خواندن تسبیح حضرت زهرا (ع) و آیه‌الکرسی بود. جاسوس دزدان چون پیش آمد جز دیواری بلند ندید، دور زد، همه جا جلوی خود دیواری مشاهده کرد، و خبر مشاهدات خود را برای دزدان برد، دزدها او را تخطئه کردند، و گفتند: خوار شوی که دروغ می‌گویی و این خیالاتی است که از ترسویی و کم دلی بتو دست داده، و خود بسوی جوانان آمدند، ولی جز دیواری مشاهده نکردند (که بر گرد جوانان کشیده شده بود) ناچار ناامید بازگشتند، فردا به نزدیک آنها آمدند و پرسیدند دیشب

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۹۰

کجا بودید؟ گفتند: همین جا، دزدان گفتند ولی ما آمدیم جز دو دیوار بلند چیزی مشاهده نکردیم، قضیه شما چیست؟ گفتند پیغمبر بما تعلیم داد که تسبیح فاطمه (ع) و آیه الكرسی بخوانیم، و خواندیم، دزدان رفتند و قسم خوردند که دیگر آنها را تعقیب نکنند.

استخاره برای تجارت

از عبد الرحمن بن سیابه: سالی با کالای تجارتی قماش بمکه رفتیم، و کارم کساد شد. رفقا بمن گفتند که خوب است که مال التجاره را به مصر ببریم، و به کوفه یا یمن باز نگردانیم. و آراء آنها در این مطلب مختلف شد، پس از بازگشت از عرفات در مکه بخدمت امام هفتم رسیدم، و آراء رفقا را بحضرتش عرضه داشتم، و گفتم رأی شما چیست تا به آن عمل کنم؟ حضرت فرمود: بین مصر و یمن قرعه بزن و کارت را بخدا بسپر، هر شهری که قرعه بنام آن در آمد به آنجا برو، گفتم چگونه قرعه بزنم؟ فرمود:

بر یک صفحه بنویس: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، خداوندا تو خداوندی هستی که جز تو خدایی نیست و بر هر عیب و آشکار عالمی، تو میدانی و من از تو میپرسم، کدامیک برایم

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۹۱

بهتر است تا با توکل بتو بدنبالش بروم. بعد کلمه (مصر) را پشت سر آن بنویس، بعد صفحه دیگری بردار و همین دعا را با کلمه (یمن) بنویس، و در کاغذ دیگری بنویس: که به هیچ شهری فرستاده نشود، بعد این سه کاغذ را بدست یکی از رفقای بده تا چنان مخلوط کند که آنها را از هم باز شناسی، بعد دست ببر، و یکی از آنها را بردار، و هر کدام بیرون آمد بخدا توکل کن و به نوشته همان عمل نما. از علی بن جعفر (ع): حضرت زین العابدین (ع) چون قصد حج یا عمره یا خرید و فروش؛ یا آزاد کردن غلامی را می نمود، دو رکعت نماز استخاره می خواند، و در آنها سوره الرحمن و حشر را قرائت می نمود، پس از نماز دویست بار از خدا طلب خیر می کرد. بعد قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ و معوذتین، را می خواند، بعد می فرمود: «خدایا قصد انجام کاری را دارم که از آن خبر داری، اگر میدانی که این کار برای دنیا و آخرت خوب است؛ برایم مقدر کن، و اگر میدانی که برای دنیا و آخرت من بد است آن را از من بگردان، خداوندا مرا براهی که مصلحتم هست ببر، دوست داشته باشم یا نداشته باشم، به برکت

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ

، خداوند مرا کافی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۹۲

است و خوب و کیلی میباشد» بعد تصمیم بگیرد و بدنبال کار برو.

صبحگاه بدنبال کار و حاجت رفتن

از امام صادق (ع): چون خواهی که بامداد پس از طلوع خورشید بدنبال کار و حاجتی بروی، دو رکعت نماز بخوان، با حمد و قُلْ هُوَ اللّٰهُ- و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ- و پس از سلام بگو: «خداوندا من بدستور و فرمان تو بامداد بیرون میروم تا از روزی و احسان تو بدست آرم، پس روزی خوب و فراوان و حلال و پاکیزه بمن عنایت کن و آنچه را که بمن روزی دهی وسیله سعادت من قرار ده، بحول و قوه خدا صبح میکنم و بیرون میروم، و بامدادان بدنبال روزی میروم بی آنکه خود نیرو و توانی داشته باشم، ولی با نیرو و قدرت تو میروم و از هر

قوت دیگری براثت می جویم، خداوندا از تو برکت امروز را خواستارم ای بهترین رحم آرنندگان بهمه کارهایم برکت ده، و بر محمد و آل پاکش درود بفرست».

و چون ببازار رسی بگو: «شهادت میدهم که جز الله خدایی نیست، سلطنت و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۹۳

سپاس مختص اوست، بدست قدرت خود میمیراند و زنده میکند، و زنده میکند و میمیراند، وجود زنده‌ای است که مرگ در او راه ندارد، و بر هر چیز توانا است، و شهادت میدهم که محمد (ص) بنده و پیامبر اوست. خداوندا خیر و سعادت بازار و اهل آن را از تو خواهانم، و از شر آن و اهل آن بتو پناهنده میشوم، و خداوندا، از اینکه بکسی تجاوز کنم یا بمن تجاوزی شود و یا ستم کنم و یا مظلوم واقع شوم بتو پناه میبرم، و از شر ابلیس و لشکرش و از شر فاسقان عرب و عجم بتو پناه می‌برم، خداوند مرا کفایت میکند، جز او خدایی نیست، بر او توکل دارم، و او آفریدگار عرش عظیم است.

و چون خواهی چیزی بخری بگو: «ای زنده و نگهدار جهان، ای دائم و مهربان، ترا بقدرت و عزت و آنچه بدان آگاهی قسم میدهم که از تجارت امروز فراوانترین روزی و وسیعترین تفضلات خود و خوش‌عاقبت‌ترین آنها را به من عنایت کنی.

و چون چهارپا یا حیوانی می‌خری بگو: «خداوندا پرعمرترین و سودمندترین و خوش‌عاقبت‌ترین آنها را نصیب من فرما». و از آن حضرت (ع): چون چیزی می‌خری تکبیر بگو، و بعد بخوان: «خداوندا من این را خریده‌ام که از فضل و احسان تو بهره یابم، پس در آن برکت و احسان برایم قرار ده، خداوندا با خرید این چیز روزی ترا می‌طلبم، پس روزی خود را بوسیله آن نصیب من فرما» و این دعا را سه بار تکرار کن.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۹۴

فصل ششم (در آداب پیاده روی، و کراهت تنهایی در سفر و دعاها متفرقه)

در پیاده روی

از امام صادق (ع): پیاده روی کنید و تند بروید که رفتن را بر شما خفیف‌تر سازد. روایت است که جمعی پیاده می‌رفتند؛ پیغمبر (ص) بآنان برخورد کرد، از سختی پیاده روی بحضرت شکایت کردند، حضرت (ص) فرمود: از تند روی کمک بگیرید. از امام ششم (ع): تند رفتن رونق و وقار و هیبت مؤمن را میبرد. و از آن حضرت (ع): تند رفتن نقص و دنائت است، و پیغمبر (ص) فرمود: تند رفتن رونق مرد را میبرد. معاویه بن عمار از امام صادق (ع) پرسید: بر مرد مقروض حج واجب می‌شود؟

فرمود: آری حجة الاسلام بر هر مسلمانی که قدرت بر پیاده روی دارد واجب است،

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۹۵

که بیشتر حج‌کنندگان با پیغمبر (ص) پیادگان بودند، و پیغمبر (ص) به سرزمین، کراع الغمیم، (وادی در دو منزلی مکه) گذشت، از رنج سفر (پیاده) بوی شکایت کردند، حضرت (ع) فرمود: کمرها و شکم‌ها را ببندید، چنین کردند، ناراحتی بر طرف شد، و در روایتی دیگر است که بر ایشان دعا کرد، و فرمود: ان شاء الله خیر خواهد بود، و فرمود: بر شما باد به تند روی و بامداد راه رفتن، و سیر در تاریکی

شب که زمین در شب درنوردیده می‌شود. ابی بصیر گوید از امام صادق (ع) در باره آیه شریفه: «برای خدا بگردن مردم حج خانه او واجب است هر که قدرت دارد راه بیفتد، (سوره آل عمران ۹۱) سؤال کردم؟

حضرت فرمود، باید اگر نمیتواند بر مرکبی برود پیاده برود، گفتم: پیاده روی نمیتواند، فرمود: سواره و پیاده برود، گفتم: کسی که نمیتواند، فرمود: بعنوان خدمتکار عده‌ای برود. از امام صادق (ع): پیادگان خدمت پیغمبر (ص) آمدند و از رنج و ناراحتی شکایت بردند، فرمود: تند بروید، چنین کردند و رنج آنها بر طرف شد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۹۶

و از آن حضرت: پیغمبر (ص) به کراع الغمیم، رسید. پیادگان در برابرش صف کشیدند و گفتند برای اجابت دعوت حق (به مکه) میرویم. پیغمبر (ص) دعا کرد که:

«خداوندا بآن پاداش ده و قوت عنایت کن»، بعد فرمود: از تند روی کمک بگیرید، که بدنها سبک شود و راه را براحتی طی کنید، چنین کردند و راه‌پیمایی برایشان راحت شد. از آن حضرت، از پیغمبر اکرم (ص): سواره از پیاده و پا برهنه از کفش پوشیده بر جاده سزاوارتر است. و از آن حضرت (ع): زن نباید در وسط جاده راه برود بلکه در کنار جاده راه‌پیمایی کند. و از آن حضرت (ع): نبی اکرم (ص) فرمود: زن‌ها نباید به وسط جاده بروند بلکه باید از کنار بروند.

تنها به سفر رفتن مکروه است

از امام ششم (ع): پیغمبر (ص) فرمود: مایلید بدترین مردم را بشما معرفی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۹۷

کنم؟ گفتند آری یا رسول الله (ص) فرمود: آن کس که تنها بسفر رود، و از نفقه لازم و بخشش خودداری نماید، و غلام خویش را بزند. و از آن حضرت (ع): پیغمبر اکرم (ص) به علی «ع» فرمود: یا علی تنها بسفر مرو، که شیطان با یکنفر همراه است و از دو نفر دور. از حضرت کاظم (ع): پیغمبر اکرم سه نفر را لعن فرمود: آنکه توشه خود را تنها بخورد، و آن کس که در خانه تنها بخوابد، و کسی که تنها در بیابان راه پیماید و بسفر رود. از اسماعیل بن جابر: در مکه در محضر امام صادق (ع) بودم که مردی از مدینه آمد، حضرت به او فرمود: همسفر تو کیست؟ جواب داد، همسفر ندارم. امام (ع) فرمود: اگر قبلا بتو دست یافته بودم خوب ادب می‌کردم و بعد فرمود: یک نفر شیطان است و دو نفر دو شیطان و سه نفر همسفر و چهار نفر رفیق. از موسی بن جعفر (ع): هر که تنها بسفر میرود بگوید:

«ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله»

- خداوندا در وقت وحشت مونس من باش، در تنهایی یاریم کن، و در غیاب من آنچه دارم حفظ کن.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۹۸

دعا برای راه‌گم‌کرده

از امام ششم (ع): چون راه را گم کردی؛ فریاد بزن: «یا صالح، و یا اینکه بگو:

یا ابا صالح- رحمت خدا بر تو باد- ما را به راه برسان» و بدان که بر زمین (صالح) موکل و گماشته است و بر دریا (حمزه) موکل است. از آن حضرت (ع): چون جانور موذی بتو حمله آرد، یا غول وحشتناکی بنظرت آید اذان گویند. ابی عبیده حذاء: با حضرت باقر (ع) بودم، مرکبم گم شد، امام (ع) فرمود:

دو رکعت نماز بگذار و بعد بگو: «خداوندا تو که گمشده را باز می گردانی، و از گمراهی به هدایت می آوری، گمشده ام را بمن باز گردان، که آن از احسان و بخشش تست» بعد فرمود: ای ابا عبیده پیش آی و سوار شو، با حضرت سوار شدم، همچنان که راه می پیمودیم در راه سیاهیئی بچشم ما خورد، امام (ع) فرمود: این شتر تست، چون دقت کردم دریافتم که شتر من است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۴۹۹

دعا بهنگام مسکن گرفتن و فرود آمدن

پیغمبر (ص) فرمود: یا علی هر وقت در منزلی فرود آیی، بگو: «خداوندا مرا به منزلی مبارک فرود آر، که تو بهترین فرود آرنندگان و منزل دهندگانی». و در روایت دیگر است که بگو: «خداوندا به آنچه مردم صالح را یاری دهی تأیید فرما، و در همه حال و همه وقت سلامت و عافیت بمن بخش، به کلمات کامله الهی پناه میبرم از شر آنچه آفرید، و از شر آنچه را که جان بخشید» بعد دو رکعت نماز بخوان و بگو:

«خداوندا از خوبی این بقعه روزیم کن و از شرور و آفاتش پناهم ده، خداوندا مرا از میوه هایش بخوران و از بیماریهایش مصون بدار، و مرا بنزد اهل این منزل محبوب گردان، و هم محبت خوبان ایشان را در دلم بیفکن» و چون خواهی کوچ کنی، دو رکعت نماز بخوان، و خدا را برای حفظ خود بخوان، و با خانه و اهلش وداع کن که هر جایی اهلی از فرشتگان دارد، و بگو: «درود بر فرشتگان حافظ و نگهبان، و سلام بر ما و بندگان صالح خدا، و هم رحمت و برکات خداوند».

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۵۰۰

دعا بهنگام بازگشت از سفر

روایت است که نبی اکرم (ص) در بازگشت از خیبر فرمود: «ان شاء الله تائب و عابد و راکع و ساجد و شکرگزار پروردگار باشیم، بار خدایا سپاس ترا که مرا در سفر و حضر نگهداری فرموده ای، خداوندا این بازگشت مرا مبارک و همراه با توبه نصح قرار ده، توبه ای که پایه گذار سعادت من قرار دهی، ای بهترین رحم- آرنندگان».

دعا برای وقت ورود به شهر و دهی

نبی اکرم (ص) به علی (ع) فرمود: بهنگام ورود شهر یا دهی بگو: «خداوندا خیر و سود این جا را از تو می خواهم و از شر و زیانش بتو پناه میبرم، خداوندا مرا محبوب اهل این جا قرار ده و مهر خوبانشان را بقلیم بیفکن».

دعاء در مسیر

از امام صادق (ع): پیغمبر چون در سفر فرود می آمد؛ تسبیح خدا می نمود، و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۵۰۱

چون سوار میشد تکبیر می گفت. پیغمبر (ص) فرمود: قسم به آنکه جان ابو القاسم بدست اوست هیچ کس از شما بر بلندی که میرسد تکبیر یا تهلیل (لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) نگوید، مگر اینکه هر چه در پشت سر اوست تهلیل گوید و آنچه در جلوی روی اوست تکبیر بر آرد، تا به مقصد برسد.

سوار شدن کشتی

(این دعا وقت سوار شدن کشتی خوانده شود): «بنام خداوند پادشاه حقیقی جهان و آنچنان که باید حق او شناخته نشده، زمین در قیامت همه در اختیار اوست، و آسمانها بدست قدرت او بهم پیچیده است، خداوند از آنچه شریکش قرار داده اند منزّه است، بنام خدا در حرکت و سکون آن، پروردگار من آمرزنده و مهربان است.»

دعاء بر روی پل

چون قدم بر پلی میگذاری بگو: «بنام خدا، خداوندا شیطان رجیم را از من

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۵۰۲

دور کن». از امام ششم (ع): بر بالای هر پلی شیطانی است و چون به پل رسی، بگو:

بسم الله تا از تو دور شود. از امام ششم (ع): چون در بیابان یا سفری از جن و آدمی بترسی دست راست خود را بر سر نه و با صدای بلند بخوان: «آیا دینی غیر دین خدا می جویند، و حال اینکه همه آسمانها و زمین خواه و ناخواه تسلیم اوست و بسوی او باز گردد».

به مسافر حج چه باید گفت؟

از امام ششم: پیغمبر به کسی که از حج می آمد می فرمود: «خداوندا از تو قبول کند، و خرجی و نفقات را بدنالت فرستد، و گناهانت را بپامرزد». از امام صادق (ع): هر کس با مسافر حج که هنوز غبار سفر بدوش دارد معانقه کند چنانست که حجر الاسود را استلام کرده است، و چون مردی از سفر آید، و به منزل خود داخل شود، بهیچ کار نپردازد، تا آنکه آب بر خود بریزد و دو رکعت نماز کند، و سجده کند و صد بار شکر خدا گوید، و چون جعفر طیار از حبشه بمدینه وارد

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۵۰۳

شد، پیغمبر (ص)؛ او را به سینه چسبانید و بین دیدگانش را بوسید، و فرمود: نمیدانم از آمدن جعفر خوشحالتتر باشم یا از فتح خیبر. و اصحاب پیغمبر اکرم (ص) با همدیگر مصافحه می کردند، و دست میدادند، و چون یکی از سفر می آمد، و کسی او را زیارت و ملاقات می کرد، با وی معانقه می نمود.

فصل هفتم نگهداری از حیوانات و حق آنها بر صاحبان

از ابی ذر: از پیغمبر (ص) شنیدم که چهارپا می گوید: «خداوندا مالک خوبی روزی من کن که از آب و علف سیرم کند و بیش از طاقت بارم نکند». از امام ششم (ع): هیچ کس چهارپایی نخرد مگر آنکه حیوان گوید: «خداوندا مالک مرا بر من مهربان بدار». و از آن حضرت (ع): چهارپا (مرکب) بگیرد، که موجب حشمت شما و هم ابزار کار و وسیله انجام امور شماست و روزیش با خداوند می باشد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۵۰۴

از سکونی ... پیغمبر (ص) فرمود: خداوند متعال رفق و مدارا را دوست دارد و بآن کمک میکند، و چون بر چهار پایان لاغر سوار شوید، آنها را در جای مناسب فرود آرید، (که آب و علفش کافی باشد) چنان که اگر سرزمینی خشک و بی آب و علف است زود از آن بگذرید، و اگر سبز و خرم می باشد در آن فرود آئید و حیوانات را منزل دهید. از علی (ع): هر که با چهارپایی سفر کند، وقتی فرود آید اول آب و علف او را آماده سازد. از امام پنجم (ع): وقتی در زمین پر علف و خرم میروی با تانی و تفریحانه سیر کن، و از سرزمین خشک و لم یزرع سریعاً بگذر. از امام ششم (ع): هر که دابه‌ای می‌خرد سواریش برای او و روزیش بگردن خداوند است. از نبی اکرم (ص): چهارپا چند حق بگردن صاحبش دارد: وقتی از سفر فرود می‌آید اول به او علف و خوراک دهد، و وقتی به آب می‌گذرد او را بر لب آب برد که

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۵۰۵

اگر تشنه باشد بیاشامد، و بصورتش سیلی یا ضربه نزند که چهار پا ذکر و تسبیح خدا می‌گوید، و در حال ایستاده و در غیر مسیر بر پشت او توقف نکند مگر در میدان جهاد، و بیش از طاقش بر او بار نکنند، و زیاده‌تر از قدرتش راه نبرد. از امام صادق (ع): از سعادت مرد داشتن چهارپا و مرکبی است که برای انجام کار بر آن سوار شود، و کار برادران مؤمن را نیز بوسیله آن انجام دهد. و فرمود: زین؛ مرکب بدو ملعونی است برای زنان. و فرمود: از سختی زندگی مرکب سرکش و بد است. و فرمود: سواری «نشره» است. مردی از امام ششم (ع) پرسید: کی میتوانم چهارپای زیر پایم را بزخم؟ فرمود:

وقتی که زیر پای تو آن طور راه نرود که به سوی آخور و چراگاه می‌رود. و از آن حضرت (ع): دابه را وقتی بلغزد و سکندری بخورد، بز، ولی برای فرار مزین، که آنچه شما می‌بینید او هم می‌بیند (بدنبال جفت یا آب و علفی که می‌بیند میل پیدا می‌کند و میدود) از نبی اکرم (ص): اگر چهار پا زیر پایت بلغزد بگویی: «لغزیدی و بزمین خوردی؟ و حیوان جواب می‌دهد: که از خوف خدا بلغزش افتادم». از امیر مؤمنان (ع): تا کنون مرکب سواریم لغزش نکرده، پرسیدند چرا؟

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۵۰۶

فرمود: چون زراعتی را بپای او لگدکوب نکردم. از امیر مؤمنان (ع): چهارپایان را بصورتشان زنید، و دشنامشان مگویید، که خداوند لعن‌کننده آنها را لعن می‌کند. و نبی اکرم (ص) فرمود: چهارپا اگر لعن شود لعن بر صاحبش آید، (که او را لعن کرده). امام (ع) فرمود: دو زانو روی چهارپا ننشینید، و پشت آنها را مجلس و نشیمنگاه مسازید. و نبی اکرم (ص) به علی (ع) فرمود: یا علی سه نفر بر ترک اسب منشینید، که یکی از آن سه تن ملعون خواهند بود، و آن کسی است که جلو نشسته. امام (ع) فرمود: هر چیزی احترامی دارد و احترام چهارپایان در چهره آنهاست. از سکونی: ... پیغمبر شتری را دید که او را در حالی که پالان و بار بدوش اوست عقال کرده‌اند (زانویش را بسته‌اند)، حضرت (ص): فرمود: صاحب این شتر کجاست، که مروت ندارد، و باید فردای قیامت برای مخاصمه آماده گردد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۵۰۷

حضرت زین العابدین با ناقه‌ای چهل حج رفته بود و یک تازیانه در این مدت به او زده بود. از ام سلمه: از پیغمبر (ص) شنیدم که فرمود: ملائکه با قافله‌ای که جرس و زنگ در آن باشد همراهی نمی‌کنند.

آنچه در باره شتر روایت شده

امام صادق (ع): شتر سرخ نخرید، که از همه شتران کم عمرتر است. و فرمود: شتر سیاه رنگ قوی مفصل بخريد که از همه شتران عمرش طولانی تر است. پیغمبر (ص): از رد شدن بین قطار شتران نهی فرمود، پرسیدند چرا یا رسول الله؟

فرمود: زیرا در هر قطار شتر بین هر دو شتر شیطانی است. و نیز نهی فرمود: که شتر نجاستخوار شیر و گوشتش خورده شود، و خوردنی بر او بار شود، و مردم بر او سوار گردند، تا آنکه چهل شبانه روز علف بخورد (و نجاست نخورد).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۵۰۸

اسب و غیره

پیغمبر (ص) فرمود: خیر و خوبی در سرشت اسب تا قیامت قرار داده شده، و آن کس که در راه جهاد اسبی انفاق کند چنانست که همیشه دستش به صدقه دادن گشاده است و هرگز بسته نشود. از نبی اکرم (ص): موی پیشانی و یال و دم اسب را نکنید که فایده خوبی آن در پیشانی اوست و یالش برای حفظ گرمای تن اوست و دنبش وسیله دفاعی اوست. و فرمود: میمنت در اسب سیاه کمرنگ آمیخته به سرخ است و هم چنین در اسب سیاه تندی است که پیشانی و ساق پایش سفید باشد. از امام رضا (ع): بر بینی هر چهارپایی شیطانی است، هر که خواهد حیوانی را لجام زند، بسم الله بگوید. از ابی عبیده از امام (ع): هر گاه دابه‌ای موقع لجام زدن سرکش یا فراری باشد، در گوشش بخوانید: «آیا جز دین خدا را می‌جویند، در حالی که همه اهل آسمان و زمین خواه و ناخواه تسلیم فرمان اویند و بسوی او بازمی‌گردند» و بگوید:

«خداوندا این حیوان را مسخر من کن، و وسیله برکت من قرار ده، بحق محمد و آل محمد» و هم سوره «انا انزلنا» بخوانید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۵۰۹

از امام باقر (ع): بهترین مرکب‌ها نزد من الاغ است، و پیغمبر (ص): الاغی داشت بنام یعفور.

فصل هشتم در نوادر سفر

پیغمبر اکرم (ص) به علی (ع) فرمود: چون بمسافرت روی در بیابانهای (بی‌آب و علف) فرود میا که جای درندگان و گزندگان است. از کتاب محاسن: در محضر پیامبر (ص) نام مردی بمیان آمد، حاضران از او تعریف کردند و گفتند یا رسول الله با ما بسفر حج بیرون آمد، چون فرود می‌آمدیم، همواره ذکر خدا می‌گفت تا وقتی که حرکت می‌کردیم، و وقتی حرکت می‌کردیم، پیوسته ذکر خدا را می‌گفت تا موقعی که فرود می‌آمدیم، پیغمبر (ص) پرسید پس چه کسی علف مرکبش و غذای خودش را فراهم می‌آورد؟ گفتند همه ما، حضرت فرمود: همه شما بهتر

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۵۱۰

از او هستید. از امام صادق (ع): پیغمبر (ص) در سفری بر ناقه‌ای راه می‌پیمود، چون فرود آمد، پنج سجده کرد، و چون سوار شد؛ گفتند: یا رسول الله کاری از شما دیدم که قبلا انجام نداده‌اید؟ فرمود: آری، جبرئیل به پیشباز من آمد، و از جانب خداوند عز و جل بشارتهایی برایم آورد، برای خدا سجده شکر نمودم. که برای هر خیر خوشی سجده‌ای لازم است. از اسحق بن عمار: با حضرت صادق بیرون رفتیم، امام (ع) با خود سخن می‌گفت، بعد رو بقبله کرد و بسجده طولانی رفت، بعد گونه راستش را بطور طولانی بخاک نهاد، بعد صورتش را پاک کرد و سوار شد، گفتم یا ابن رسول الله پدر و مادرم فدایت، کاری کردی که قبلا از شما ندیده بودم؟ گفت: ای اسحق

بیاد یکی از نعمت‌های خداوند عز و جل افتادم، خوشم آمد که در برابرش خود را ذلیل گردانم، بعد فرمود: ای اسحق! خداوند به هیچ بنده‌ای نعمتی ندهد، که او آن را شکر گزارد، و از سجده فارغ گردد مگر آنکه خداوند، بفرشتگان امر می‌کند که در دو جهان بر نعمت او افزوده شود. پیغمبر (ص): هر کس بسفر می‌رود وقتی به سوی خانواده‌اش باز می‌گردد، برای

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۵۱۱

آنها هدیه‌ای آورد گر چه آن هدیه سنگی باشد. و فرمود: چون یکی از شما خسته است آرام بدود (لکه برود). از امام صادق (ع)، امام پنجم (ع) فرمود: در چهار چیز امساک روا مدار: قربانی، کفن، بهای موجود زنده‌ای که می‌خری (یعنی چهار پا یا غلام) و کرایه سفر مکه. و حضرت زین العابدین (ع) وقتی می‌خواست به وکیل خرج خود دستور دهد برای نیازمندیهای سفر حج چیزی بخرد بوی می‌فرمود: امساک مکن. از جابر بن عبد الله: پیغمبر (ص) نهی فرمود که مرد شبانه بخانه آید اگر مدتی غایب بوده، مگر آنکه قبلاً بآنها خبر دهد. و پیغمبر (ص)، فرمود: سفر قطعه‌ای از عذاب است، و هر که سفرش بی‌پایان آمد (و کارش تمام شد) بخانه و خانواده‌اش بشتابد. از امام صادق (ع): سفر توشه را تمام می‌کند، و اخلاق را بد می‌سازد، و لباس را کهنه می‌نماید. پیغمبر (ص): اگر راه را گم کردید، بطرف راست بروید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۵۱۲

و امام صادق (ع) فرمود: بر وسط و بالای هر پلی شیطنی است، چون بآنجا رسیدی بگو: بسم الله، تا از تو دور شود. از امام رضا (ع): از حضرت پرسیدند، که اگر در زین و دهانه مرکب نقره بکار رفته باشد میتوان سوار آن مرکب شد؟ فرمود: اگر طوری مخلوط و ممزوج با آن است که نمیتوان آن را جدا کرد و کند، اشکالی ندارد، و گر نه سوار نشو. پیغمبر (ص) فرمود: هر که مسافری مؤمن را کمک و یاری کند، خداوند ۷۳ نوع رنج را از او ببرد، و از غم و اندوه در دنیا و آخرت نجاتش بخشد، و ناراحتی‌های بزرگ او را برطرف سازد، (روزی که ستمکار دست خود را بدنندان می‌گزد یعنی روز قیامت). از یعقوب بن سالم: بامام ششم گفتم، درهمهایی دارم که بر آن عکس و تمثال است، و من محرم هستم، میتوان آنها را در حال احرام در همیانم نهم، و بکمر ببندم، فرمود:

مانعی ندارد، این نفقه تو و بعد از خدا عز و جل، تکیه‌گاه توست. و از آن حضرت (ع): چون بسفر می‌روید، سفره و غذا بردارید، و وسایل خوب انتخاب کنید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص: ۵۱۳

از نصر خادم: حضرت موسی بن جعفر (ع) به سفره‌ای نظر افکند و دید که بر آن حلقه‌هایی زرد (طلا، برنج) نهاده شده، حضرت فرمود: اینها را بردارید و بجایش آهن بگذارید، که گزنده بآن نزدیک نگردد. از نبی اکرم (ص): توشه مسافر؛ حدی و شعرهایی است که در آن سخنان رکیک نباشد (حدی یعنی آوازی که شتریان برای شتر خوانند). از امام صادق (ع)، پیغمبر (ص) فرمود: بیرهیزید از اینکه شبانه در وسط راه و یا وسط بیابان، فرود آئید که آنجاها مکان رفت و آمد درندگان و ماران است. امام صادق (ع) فرمود: وقتی با جمعی همراهی، مگو اینجا فرمود آیییم، و آنجا فرود نیاییم، که در میان آنها کسانی هستند که این کار را انجام دهند. پایان جلد اول

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱

جلد دوم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

باب دهم در دعا و آنچه مربوط به آن است.

شامل پنج فصل پدرم و ولی نعمت و مولایم- که خداوند عمرش را دراز گرداند و مسلمین را بطول عمر او بهره‌مند سازد- مجموعه ای کامل از دعا دارد که من بابتی مختصر که در خور این کتاب و حاوی مطالبی نفیس است از آن جدا نموده و در اینجا ذکر کرده‌ام و در این همه از خداوند خیر و کمک خواسته‌ام و بحمد الله بابتی جامع از آب در آمده است، و از خداوند یاری می‌جویم که بفضل خود توفیق عنایت کند که آنچه در آنست مورد عمل قرار گیرد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲

(فصل اول در فضیلت دعا و کیفیت آن)

(در روایاتی که در فضیلت دعا آمده است)

نبی اکرم (ص) فرمود هیچ چیز نزد خدا از دعا گرامی‌تر نمی‌باشد. از حنان بن سدر از پدرش روایت شده که بحضرت باقر (ع) عرضه داشتیم که چه عبادتی از همه عبادتها بالاتر است؟ امام علیه السلام فرمود:

هیچ چیز نزد خداوند تبارک و تعالی از آن محبوبتر نیست که دعا کنی و از او حاجت بخواهی و هیچ کس نزد خداوند مبعوض‌تر از آن نمی‌باشد که در عبادت او (یعنی دعا کردن و حاجت خواستن از او تکبرورزی و از نعمتهایش چیزی نخواهی). از امام ششم علیه السلام: هر کس از فضل و احسان الهی درخواست نکند فقیر و بیچاره گردد. نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: قضاء الهی را جز دعا بر نمی‌گرداند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳

و فرمود: دعا اسلحه مؤمن و عمود دین و روشنی‌بخش آسمانها و زمین است. و فرمود: می‌خواهید که شما را به سلاحی رهبری کنم که شما را از دشمنان محفوظ نگهدارد، و روزیتان را فراوان سازد؟ گفتند آری یا رسول الله، فرمود آفریدگار خود را شب و روز بخوان که سلاح مؤمن دعا است. از حسین بن علی علیه السلام: پیغمبر (ص) به هنگام گرفتاری و ناراحتی دست به دعا بر میداشت و مانند مسکین و گرسنه‌ای که از کسی طعام می‌طلبد دعا میکرد و از خدا مسألت مینمود. پیغمبر (ص) فرمود: عاجزترین مردم آنست که از دعا عاجز باشد و بخیل‌ترین مردم آنست که در سلام بخل ورزد. و فرمود: هیچ مسلمانی دعا نمیکند بشرط آنکه دعای او برای قطع رحم و ارتکاب گناهی نباشد مگر آنکه خداوند یکی از سه چیز را باو عنایت میکند: یا دعایش را مستجاب می‌کند و یا پاداشش را برای آخرت ذخیره می‌سازد و یا آنکه بقدر خواسته‌اش بدی را از وی می‌گرداند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴

از امیر مؤمنان (ع): دعای هیچ کس را کوچک بشمارید که گاهی دعای یک نفر جهود در باره شما مستجاب می‌شود، گر چه در باره خودش به اجابت نمیرسد. و نیز فرمود: محبوب‌ترین کارها نزد خداوند دعا و برترین عادت‌ها عفت و پاکدامنی است. از عبد الله بن سنان:

امام ششم (ع) فرمود: دعا قضاء خداوند را پس از آنکه حتمی شده باشد بر میگرداند بسیار دعا کنید که دعا کلید همه رحمتها و وسیله رسیدن بهممه خواسته‌ها است و به فیوضات حق نتوان رسید مگر بوسیله دعا، که هر دری که زیاد کوبیده شود بروی انسان گشاده خواهد شد. از امام (ع): دعا منبع و مرکز و هم وسیله رسیدن بحاجات است چنان که ابرها پایگاه باران می‌باشد. و از آن حضرت (ع): هیچ بنده دست بدرگاه خداوند عزیز جبار بر ندارد مگر آنکه خداوند عزّ و جلّ شرم میکند که دست او را خالی برگرداند و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۵

بهر حال از فضل و رحمت خود چیزی در دست او می‌نهد پس همیشه بعد از دعا دست‌ها را به سر و صورت خود بکشید. هشام بن سالم گوید حضرت صادق (ع) فرمود: آیا میدانید که به چه سبب گاهی بلا طولانی می‌شود و گاهی مدت آن کوتاه است؟ گفتند نه، فرمود اگر هنگام بلا بیاد دعا بیفتید و ملهم شوید که دعا کنید بدانید که مدت بلا کوتاه است. و فرمود: دعا کردن در وقت راحت سبب بر آمدن حاجت بوقت گرفتاری است. و فرمود: خداوند متعال بداد و وحی کرد که در وقت راحت مرا بخوان تا در موقع سختی دعای ترا مستجاب کنم. و فرمود: هر که از بلایی بترسد و قبل از آمدن آن دعا کند، خداوند هرگز آن بلا را باو ننماید. از امام پنجم و ششم (ع): بخدا قسم هیچ بنده‌ای بدرگاه حق الحاح نکند مگر آنکه خداوند جوابش دهد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۶

از امام ششم (ع): هر که خوب وضوء بگیرد و دو رکعت نماز گزار در رکوع و سجده‌اش را کامل انجام دهد و بعد از سلام خدا را حمد کند و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرستد و بعد حاجت خود را بخواهد خوبی را به نحو شایسته‌ای طلب نموده و نومید نخواهد شد. پیغمبر (ص) فرمود: بلا چون قندیلی بین زمین و آسمان معلق می‌ماند، اگر بنده از خدا عافیت بخواهد خداوند بلا را از او بگرداند، و فرمود:

نیازمندیهای خود حتی بند کفش را از خدا بخواهید که اگر خداوند آنها را برآورده نکند، هرگز بر آورده نخواهد شد. و فرمود: حاجات خود حتی محکم شدن بند کفش را از خدا بخواهید. از امام ششم (ع): خداوند روزی مردم مؤمن را از جای بیگمان قرار داده، زیرا وقتی بنده ممری معین برای روزی خود در نظر نداشته باشد بسیار دعا میکند. و نیز از آن حضرت روایت است که هر که میخواهد در هنگام مشکلات و شدائد حاجتش برآورده شود در موقع راحتی بسیار دعا کند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۷

از حضرت رضا (ع): یک دعاء پنهانی برابر است با هفتاد دعای آشکار. از امام ششم (ع): خداوند حاجت بنده‌اش را میداند ولی دوست دارد که بنده‌اش بسیار اصرار کند. و از آن حضرت (ع): دعایی که از روی بی‌توجهی و غفلت باشد مستجلب نمی‌گردد، پس از ته دل بخدا توجه کن و بعد به استجاب دعا یقین داشته باش. و از آن حضرت (ع): خداوند دوست ندارد که بندگان در خواهش به یک دیگر اصرار کنند، ولی در باره خود این مطلب را دوست دارد، که همواره دعا کنند و از فیوضات او مسألت نمایند. حضرت رضا (ع) همواره به اصحاب خود می‌فرمود: بر شما باد به اسلحه انبیاء. گفتند سلاح انبیاء چیست؟ فرمود: دعا و از امام صادق علیه السلام: دعا از سنان نیزه نافذتر است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۸

از حماد بن عثمان: از امام شنیدم که: دعا قضاء و قد را بر می گرداند و آن را همانند ریسمان پاره میکند اگر چه سخت و محکم شده باشد. از موسی بن جعفر (ع): به دعا بسیار دست یازید، که دعا بلا را میگرداند بلائی که مقدر شده و تا سر حد امضاء باری تعالی رسیده باشد، که چون خدا را بخوانی بلا را بشدت بر می گرداند. از امام ششم (ع): بر شما بد به دعا که وسیله شفاء هر بیماری است. و از آن حضرت (ع): هر که در دعا پیشدستی کند، بهنگام بلا جواب داده شود، و فرشتگان می گویند: این صدا بسیار آشنا است و از این رو محجوب نمی ماند و رد نمی شود، و هر که در دعا پیشدستی ننماید، بهنگام نزول بلا جوابش داده نشود و ملائکه گویند: ما با این صدا آشنا نیستیم. از امام صادق علیه السلام: دعا پس از نزول بلا نتیجه نمیدهد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۹

از امام صادق (ع): چون خواهی دعا کنی با همه دل بخدا رو کن و حاجت خود را روا بدان. و فرمود: هیچ بنده ای بدرگاه حق اصرار و الحاح نکند مگر آنکه حاجت روا شود. نبی اکرم (ص) فرمود: خدا رحمت کند بنده ای را که حاجتش را از خدا بخواهد و در دعا اصرار ورزد مستجاب بشود یا نشود، و بعد این آیه را تلاوت فرمود: (خدا را میخوانم و امیدوارم در دعایم محروم نمانم- سوره مریم ۴۶). از علی (ع): آدم گرفتار از آنکه در عافیت است بدعا کردن شایسته تر است.

(اوقاتی که در آنها امید استجاب است)

از زید شحام: حضرت صادق (ع) فرمود: در این وقت دعا کنید وقت وزش بادهای، و غروب خورشید، و فرود آمدن باران، و ریختن اولین

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۰

قطره خون شهید.

که در این اوقات درهای آسمان بروی مردم باز می شود. و از آن حضرت (ع): دعا در چهار جا مستجاب است: در وتر (نماز شب) و بعد از فجر، و بعد از ظهر، و بعد از مغرب. از امیر مؤمنان (ع): در چهار وقت دعا را غنیمت دانید: خواندن قرآن، گفتن اذان، آمدن باران، روبرو شدن صفهای سپاه مسلمین در برابر کفار برای شهادت. از حضرت باقر (ع): پدرم هر گاه حاجتی بحق داشت وقت ظهر آن را از خدا مسألت می نمود. از امام ششم (ع): چون قلب شما رقت پیدا کرد، دعا کنید که قلب هر گاه رقت آرد خلاصی پیدا میکند. از معاویه بن عمار از امام (ع): پدرم اگر حاجت داشت وقت ظهر دعا میکرد، چون قصد دعا داشت، چیزی صدقه میداد، و عطر میزد و به مسجد میرفت، و برای حاجت خود دعا مینمود.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۱

و از آن حضرت (ع): هر گاه تنت بلرزه آمد و چشمانت پر آب شد، این حالت را غنیمت شمار و از آن بهره گیر و دعا کن، که به مقصود نایل خواهی شد. از امام باقر (ع): خداوند از میان بندگان آدم بسیار دعاکننده را دوست دارد، بر شما باد که از سحر تا بر آمد خورشید دعا کنید، که در این ساعت درهای آسمان مفتوح می گردد، روزیها تقسیم می شود، و حاجت های بزرگ برآورده می گردد. عمر بن اذینه گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: در شب ساعتی است که هیچ مسلمانی در آن ساعت نماز نگذارد و دعا نکند مگر آنکه خداوند دعای او را مستجاب گرداند، پرسیدم آن چه ساعتی است فرمود ۱/۶ اول از نیمه دوم شب.

(دعا وقت خواستن مطلب خود)

از امام ششم (ع): موقع دعا کردن برای مطلوبی دست را به آسمان کن، و بهنگام دعا برای ترس از چیزی پشت دست با آسمان بگیر، و در باره

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۲

آیه شریفه که میفرماید: (بسوی خدا بسیار ابتهال و ناله و زاری کنید- مزمل آیه ۸) فرمود: ابتهال آنست که با یک انگشت به آسمان اشاره کنی و تضرع آنست که یک انگشت را حرکت دهی، و تبتل اینست که هر دو دست را با آسمان برداری و اشک بریزی و دعا کنی. و از آن حضرت (ع) روایتست که دست با آسمان بلند کرد و فرمود: رغبت (دعا برای طلب خیری)، و پشت دست با آسمان کرد و فرمود: این برای بیم از چیزی است، و انگشتان را براست و چپ حرکت داد و فرمود: این برای تضرع است، و انگشتان خود گاه بالا برد و گاه پائین می آورد و فرمود: تبتل چنین است، و دو دست را تا جلوی پیشانی بلند نمود، و می فرمود: این ابتهال است، بعد فرمود ابتهال جز با ریختن اشک نباشد. از امام ششم (ع): از دعا کردن و دست با آسمان برداشتن پرسیدم:

فرمود: چهار گونه است.

تعوذ پناه بردن بخدا از ناملازمات که پشت دستها را با آسمان گیری و دعا برای روزی که کف دستها با آسمان کنی، و تبتل که با انگشت سبابه اشاره نمائی، و ابتهال که دست را از سر بالا بری و با تضرع دعا نمائی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۳

(مقدمات دعا)

ابن المغیره: از امام صادق (ع) شنیدم که: هرگز از خدا حاجتی برای دنیا و یا آخرت نخواهید مگر آنکه دعا را بمدح و ثناء الهی آغاز نمائید و بر محمد درود فرستید، و بعد حاجت خود را یاد کنید. از امام صادق (ع): در کتاب امیر مؤمنان است که باید قبل از دعا مدح خدا شود، پس چون خدا را می خوانی نخست او را مدح گو، گفتم چگونه او را مدح کنم؟ فرمود بگو: ای آنکه از رگ گردن به من نزدیک تری و ای آنکه هر چه بخواهی میکنی، و ای کسی که بین انسان و دل او حائل شوی و ای آنکه در مقامی بلند دور از دسترس فکرها میباشی، و ای آنکه همانند تو کسی نیست. از امام ششم (ع): چون خواهی دعا کنی خداوند عز و جل را تمجید کن، و حمد گو و تسبیح نما، و تهلیل بگو و او را ثنا نما و بر نبی اکرم (ص) درود فرست و سپس دعا کن که خواستهات برآورده شود.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۴

و از آن حضرت علیه السلام: هر که بخدا حاجتی دارد، خدا را ثنا گوید و مدح نماید، که وقتی کسی از پادشاهی قصد سؤالی دارد سخنی نیکو و مدحی در خور او آماده می نماید، پس بهنگام طلب حاجت، خداوند عزیز جبار را مدح و ثنا کنید، و بگویید: ای باجودترین عطاکنندگان، و ای برترین سؤال شوندهگان، و ای مهربانترین کسی که از او رحمت خواهند، ای واحد واحد و صمد، ای آنکه زاییده نشده و نزیاییده و همسری برایش نباشد، ای آنکه زن و فرزندی نگیرد، و ای آنکه هر چه خواهد کند، و به آنچه اراده دارد حکم نماید، و آنچه را که دوست میدارد انجام بدهد، و ای آنکه بین انسان و دلش حائل میگردد، و ای آنکه در منظر بلندی، و ای آنکه مثل و مانندی ندارد، شنوا و بینا است، و بالاخره اسماء خدا را بسیار بگویید که اسماء الهی بسیار است، و بر محمد و آلش صلوات بفرستید و بگویید: خداوندا روزی حلالیت را بر من فراوان کن، چندان که آبرویم را حفظ کنم، و امانتم را اداء کنم، و صلح رحم نمایم، و حج و عمره انجام دهم.

و فرمود: مردی به مسجد در آمد، و دو رکعت نماز خواند و از

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۵

خداوند حاجت خواست. پیغمبر (ص) فرمود: این بنده عجله کرد، دیگری آمد و نماز گزارد و خدا را مدح گفت و صلوات فرستاد، پیامبر فرمود: حاجت را بخواه که برآورده خواهد شد. از امام ششم (ع): هیچ گروه چهل نفری گرد هم جمع نشوند که بطور اجتماع خدا را بخوانند مگر اینکه خداوند دعایشان را مستجاب خواهد کرد، و اگر چهل نفر نباشند چهار نفر هر یک ده بار خدا را بخوانند خداوند دعایشان را اجابت خواهد کرد، و اگر چهار نفر نبودند یک نفر چهل بار خدا را بخواند خداوند عزیز و جبار جوابش را خواهد داد. و از آن حضرت (ع): هر گاه چیزی پدرم را غمگین میساخت، زنان و کودکان را جمع میکرد، و دعا میفرمود، آنها آمین میگفتند. و از آن حضرت (ع): دعاکننده و آمین گوینده هر دو در اجر برابرند از امام ششم: همواره دعا از خدا محبوب خواهد بود تا آنگاه که دعاکننده صلوات بفرستد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۶

و از آن حضرت (ع): هر که دعا کند و درود به پیغمبر (ص) نفرستد دعا بر سرش بال زنان می ایستد (یعنی بالا نمی رود) و چون بر پیغمبر (ص) صلوات فرستد دعایش بالا رود. و از آن حضرت (ع): مردی محضر نبی اکرم (ص) شرفیاب شد و عرض کرد، یا رسول الله ثلاث نه بلکه نصف، بلکه همه درودهایم را نثار شما می کنم حضرت فرمود: با این کار فیض دنیا و آخرت را تأمین کرده ای. ابی بصیر و ابن الحکم گویند: از حضرت صادق (ع) پرسیدم مراد از اینکه ثلاث صلوات و درود را نثار تو میکنم یعنی چه؟ فرمود: درود را قبل از هر دعایی می فرستد، و از خداوند هیچ چیز نمی طلبد مگر آنکه سخن خود را بنام پیغمبر آغاز می کند، و بعد حاجت می طلبد. و از آن حضرت (ع): پیغمبر (ص) فرمود: نام مرا مانند ظرف آبی که مسافر سوار با خود بر میدارد که هر وقت بخواهد از آن می آشامد بحساب میاورد، بلکه نام مرا در اول و آخر و وسط دعا قرار دهید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۷

و از آن حضرت (ع): هر که را حاجتی باشد اول صلوات بفرستد، بعد از خدا حاجت بخواهد، و دعا را نیز بصلوات ختم کند، که خداوند متعال کریمتر از آنست که دو طرف دعا را قبول کند و وسط آن را فراموش نماید که صلوات هرگز بی استجاب نخواهد ماند. از امام ششم: پیغمبر (ص) فرمود: هیچ قومی در مجلسی جمع نشوند که در آن مجلس یاد خداوند و صلوات بر محمد نباشد مگر آنکه آن مجلس حسرت و وبال بر مجلسیان خواهد بود.

(کسانی که دعایشان مستجاب می شود)

از امام ششم (ع): سه عده دعایشان مستجاب است: حاجیان جنگجویان در راه خدا، بنگرید که آنها را با چه حالی نسبت بخود بدرقه کرده اید، و بیمار، که بیماران را فراموش مکنید (و عیادت نمائید) و دلتنگشان مسازید

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۸

و از آن حضرت (ع): پدرم میفرمود: پنج دعاست که از پروردگار متعال محبوب نامند: دعای امام عادل، دعای مظلوم، که خداوند عزّ و جل بوی میفرماید: قسم به عزّت و جلالم که حق ترا خواهم گرفت گر چه بعد از مدتها باشد، و دعای فرزند صالح برای پدر و مادر و

دعای پدر صالح در حق فرزندش، و دعایی که مؤمنی در غیبت مؤمنی برای او می کند که خداوند می فرماید: ای دعاکننده همین دعا برای تو نیز خواهد بود. پیغمبر (ص) فرمود: سه دعا بیشک مستجاب است: دعای پدر برای فرزند، دعای مظلوم، دعای مسافر. و نیز فرمود: کسب خود را پاک و حلال بدار، که دعایت مستجاب گردد، که مرد گاهی لقمه (حرام یا مشتبهی) را به دهن مینهد و تا چهل روز بعد دعایش مستجاب نمی گردد. از امام پنجم: آن دعا که از همه بهتر و باجابت نزدیکتر است. دعای مؤمن است در پشت سر برادر مؤمنش.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۹

از امام ششم (ع): دعای انسان برای برادر مؤمنش در غیبت او روزی را فراوان میکند، و ناملايمات را بر طرف می نماید. از یحیی بن معاذ: امام پنجم (ع) بمرودی فرمود این دعا را بخوان من بر آوردن حاجتت را ضمانت میکنم: (خداوندا تو ولی نعمت منی و بر خواسته من توانائی و حاجت مرا میدانی) (بحق محمد و آل محمد از تو میخواهم که آن را برآوری). از امام ششم (ع): دعای تو در پشت سر برادر مؤمنت روزی را برای تو فراوان میکند، و بلا را از تو میگردداند و فرشته میگوید: بقدر همین دعا نیز برای تو خواهد بود. و از آن حضرت (ع): از دعای مظلوم بترسید که دعای مظلوم بالا خواهد رفت. و از آن حضرت (ع): هر که چهل مؤمن را پیش از خود دعا کند و بعد حاجت خود را بخواهد برآورده خواهد شد. و از آن حضرت علیه السلام: هر که در پشت سر برادر مؤمن برایش دعا کند خداوند ملکی را بگمارد که باو میگوید: مثل همین دعا برای تو نیز

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۰

خواهد بود. یکی از اصحاب حضرت صادق علیه السلام گوید بآن حضرت عرض کردم که: من دو آیه در قرآن دیده ام که هر چه آن دو را می طلبم نمی یابم فرمود:

چیست؟ عرضه داشتم این آیه: (مرا بخوانید تا جوابتان دهم- سوره مؤمن آیه ۶۲) و هر چه من خدا را میخوانم جواب نمیشنوم و دعایم مستجاب نمیگردد، فرمود گمان میکنی که خداوند خلف وعده میکند؟ گفتم نه فرمود پس چه گمان میکنی؟ گفتم نمیدانم. فرمود: پس من واقع را برایت بگویم هر که اوامر الهی را اطاعت کند و بعد او را با شرایط دعا بخواند، خداوند دعایش را مستجاب نماید، پرسیدم شرایط و جهات دعا چیست؟ فرمود اول خدا را حمد کنی و بعد نعمت هایش را متذکر شوی و شکر آنها را بجای آری بعد بر پیغمبر (ص) درود فرستی، بعد گناهانت را بیاد آری، و بآنها اقرار نمائی و از آنها استغفار کنی، اینها شرایط و جهات دعا است، بعد امام پرسید آیه دیگر کدامست؟ گفتم این آیه: (هر چه انفاق کنید پس انداز می شود و عوض دارد، سبا آیه ۳۷-) من انفاق میکنم و عوض نمی بینم، فرمود: بگمانت که خدا خلف وعده میکند؟ گفتم نه، فرمود:

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۱

پس چه خیال میکنی؟ فرمود: اگر کسی از حلال مالی بدست آرد، هیچ چیز از آن انفاق ننماید، مگر آنکه خداوند باو عوض دهد. از سلمان فارسی نقل شده: از نبی اکرم (ص): خداوند حیا میکند که دست بنده ای را که بسویش بنیاز بلند شده خالی و نومید برگرداند.

(فصل دوم) (دعاهائی برای روز و شب)

(دعاهای بامداد و شامگاه)

از امام صادق علیه السلام: هر که قبل از طلوع و غروب آفتاب ده بار بگوید: (

لا اله الا الله وحده لا شریک له

، سلطنت جهان خاص اوست و سپاس مختص ذات اقدس او می باشد- بدست قدرت خویش میمیراند و زنده میگرداند و خود زنده ای است که مرگ در او راه ندارد- و او بر همه چیز توانا است) این عمل کفاره گناهان آن روز او خواهد بود.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۲

و از آن حضرت (ع): نوح صبح و شام میفرمود: (خداوندا شهادت میدهم هر نعمتی که صبح و شام بمن میرسد و هر عافیتی که در دین و دنیا نصیب من میگردد از ناحیه تست و تو تنها و بی شریکی، و حمد و سپاس این نعمت‌ها بر گردن من است تا آنجا که از من خوشنود گردی ...) و این دعا را ده بار در صبح و شام میخواند و از این رو (عبد شکور) بنده شکر گذار لقب یافت. از مسمع بن عبد الملک: ۴۰ روز با حضرت صادق (ع) نماز گزاردم از امام علیه السلام بعد از نماز دست به آسمان بر می‌داشت، و میفرمود:

(صبح کردیم در حالی که سلطنت از آن خداست، خداوندا ما بنده تو و فرزند بنده توئیم، خداوندا ما را محافظت کن، و ما را در سایه حفظ و حراست خود قرار ده، خداوندا گناهان ما را مستور بدار آن طوری که ما خود مستور میداریم و نمیتوانیم مستور بداریم. خداوندا جامه غنا و عافیت ببوشان و توفیق شکر بر عافیت عنایت کن.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۳

(دعای صبحگاهی در وقتی که ترس از چیزی پیش آید)

از ابی نواس: بحضرت امام هادی (ع) عرض کردم: آقای من، از حضرت صادق راجع به روزهای ماه چیزهایی و اختیاراتی بمن رسیده میخواهم آنها را بیاورم و به شما عرضه بدارم. امام علیه السلام فرمود: بیاور من آنها را آورده با نظر امام تصحیح نمودم. و عرضه داشتیم: سید من بسیاری از روزهای ماه نحس شمرده شده و به بعضی از آنها خطرها و نحس‌ها نسبت داده شده که مانع از رفتن من بدنبال کار است، مرا به آنهایی که احتراز از آنها لازمست رهبری فرما. که گاهی ضرورت است که بدنبال حوائج خود بروم، امام (ع) فرمود: ای سهل برای شیعیان ما ولایتی که دارند نگهدار و پناه است، که اگر به عمق دریاها غوطه خورند و در دل بیابانهای بی آب و علف به میان درندگان و دشمن از جن و انس راه پیمایند از خطرها در امان باشند، پس بخدای متعال اتکاء کن و در ولایت به ائمه علیهم السلام خالص باش، بعد به هر جا خواهی برو و هر مقصدی را که داری

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۴

دنبال نما، ای سهل اگر در بامداد سه بار بگویی: (خداوندا صبح میکنم در حالی که بریسمان محکم تو- که نه قدرت کسی بر آن چیره شود و نه کسی آن را میتواند بگسلاند- چنگ میزنم، از شر هر ظالم و کاهن و از هر کس و هر مخلوقی گویا و خاموش تو و در سپری از لباس ولایت اهل بیت نبی تو از شر هر کس که قصد اذیت مرا دارد در حصار حصین تو پناه می‌برم که می‌پوشم، که اخلاص و اعتراف بحق ایشان است و بحبل ایشان و به شفاعت آنها از تو مسألت مینمایم و یقین دارم که حق با ایشان و برای ایشان و در ایشان است، و بواسطه آنها با هر کس که ولایت آنها را دارد دوستی می‌ورزم و از هر که از آنها دوری و کناره گیرد کناره میگیرم، و با محاربان ایشان محاربه میکنم خداوندا بر محمد و آل او درود بفرست، و به برکت ایشان ما را از شر چیزهایی که هراس دارم، در امان بدار، ای خدای

بزرگ برای دشمنان به یاری آفریننده آسمانها و زمین از جلو و پشت سرشان سدی قرار دادیم و بر چشمانشان پرده کشیدیم که نمی‌بینند. و این را سه بار میگوئی: (از هراس و بیم‌ها در حصن تو و از سختیها در امان تو قرار می‌گیرم. و اگر اراده داری در روزی که دوست نداری بسفر یا

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۵

کاری بروی، سوره حمد و معوذتین، و اخلاص و آیه الكرسی و ۵ آیه اول آل عمران را بخوان. و بعد بگو: خداوندا افراد قوی و با صولت از عظمت تو نیرومندی می‌یابند، و مردم منعم و ثروتمند از دست کرم تو بدولت میرسند و هیچ صاحب حول و قوه‌ای جز از ناحیه تو قوه‌ای ندارد ترا بحق برگزیده آفریده‌ها و بهترین انسانها محمد پیامبر تو و هم بحق خاندان و ذریه او که- درود بروان پاکشان باد- بر آنها درود فرست و مرا از شرّ امروز کفایت فرما، و خیر و برکت آن را نصیب من نما، و در کارهای امروزم حسن عاقبت و موفقیت بمن عنایت کن و به خواسته‌هایم برسان و از گردنکش گمراه و شیطان و هر قدرتمندی که قصد آزارم را دارد محفوظ بدار، چندان که از هر بلا و نعمتی در پناه تو باشم، و نیز در این روز از امور ترس آور امانم بخش، و از مشکلات و سختیهایش راحتیم عنایت کن، چنان که هیچ کس نتواند مرا از مقصود باز دارد و از آزار مردم به من چیزی نرسد، که تو بر هر چیزی توانائی داری و سرانجام امور بتو باز گردد، ای آنکه همانندی نداری و شنوا و بینائی.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۶

(دعاء هر صبح و شام)

امام صادق (ع) بهنگام صبح میفرمود: بنام خدا و بیاری خدا و از خدا و بسوی خدا و در راه خدا و بر دین رسول خدا، خداوند خود را تسلیم تو میکنم و کارم را بتو می‌سپرم، و روی بسوی تو می‌آورم، و فقط بر تو توکل میکنم ای پروردگار جهانیان خداوندا ایمانم را حفظ کن و مرا از جلو و پشت سر و از راست و چپ و از بالا و پائین محافظت نما، جز تو خدائی نیست، و جز از تو تولی نمیباشد، و از خداوند از هر بدی در دنیا و آخرت عفو و عافیت میجویم خداوندا از عذاب قبر و تنگی و فشار قبر بتو پناه میبرم و از عذابهایی نازله در شب و روز بتو پناه میجویم، ای خداوند ماه حرام و خدای بیت الحرام، و شهر حرام و خداوند حلّ و حرام، پیغمبر و آلش را از من درود فرست خداوندا به پناه تو که چون زرهی نگهدار است پناه میگیرم، و از مردن با غرق یا سوخت و یا بوسیله دزدان یا ضربه‌های کوبنده یا سقوط در چاه و یا بوسیله درندگان یا به مرگ ناگهان با مرگ شومی بمیرانی، و مرا بر طاعت خود و پیغمبر

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۷

(ص) بمیران در حالی که بر طریق حق باشم و از خطا ایمن بمانم که در صف بندگان ستوده خودت که در شأنشان فرمودی: (چون دیوار پولادین هستند/ سوره صف آیه ۴) قرار بگیرم. خودم و دینم و مالم و اهلیم و فرزندانم و آنچه خداوند به من عطا کرده همه را به خداوند واحد بی‌نیازی که نژائیده و نژاید و همسری ندارد می‌سپرم و خود اهل و مال و فرزندانم و آنچه را خداوند بمن روزی فرموده است می‌سپرم به پروردگار سپیده دم از شرّ همه آفریده‌هایش و از شرّ تیرگی و ظلمت آنگاه که سراسر جهان را فرا گیرد، و از شرّ دمیدن‌های در گره‌ها و از شرّ حسود آنگاه که رشک برد و خود و مال و فرزندانم و آنچه را که خدا بمن روزی فرموده به آفریده‌گار مردمان ... تا آخر سوره ناس، می‌سپرم، و بگوید: سپاس خدا را به تعداد آفریده‌هایش، و حمد خدا را به اندازه نوشته‌های حکمایش، و سپاس خدا را به وزن عرش الهی، و سپاس خدا را به قدر خشنودی او، نیست خداوندی جز خداوند حکمی و کریم، و نیست خدایی مگر خداوند علی و عظیم، منزّه است خداوند پروردگار آسمانهای هفتگانه و زمین‌های هفتگانه، و آنچه بین آنها

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۸

است، و پروردگار عرش عظیم، خداوندنا من از ورطه‌های بدبختی بتو پناه می برم، و هم از ذلت و پستی در میان اهل و مال و فرزندم بتو پناه می جویم، و بر نبی اکرم ده بار صلوات بفرستد.

(دعای مخصوص پس از نمازهای واجب)

در اخبار آمده: هر که تسبیح حضرت زهراء (ع) را بعد از هر نماز پیش از آنکه پاها را جابجا کند، بخواند، خداوند او را بیامرزد. و در روایت است که امیر مؤمنان (ع) بمردی از بنی سعد فرمود: می خواهی از حال خود و فاطمه (ع) برایت شرح دهم: فاطمه (ع) در خانه من چندان با مشک از چاه آب بیرون آورد که دستهایش آبله زد، و چندان خانه را جاروب کرد، تا که جامه‌اش تیره و غبارآلود گشت و چندان در اجاق آتش روشن کرد، که جامه‌اش دود آلود شد و رنج بسیار باو رسید، باو گفتم اگر (بخواهی) بخدمت پدر بزرگوار خود شرفیاب شو، و از او خادمی بخواه که این همه رنج را از گردن تو بردارد، فاطمه (ع) خدمت پیغمبر (ص) رسید

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۹

دید جمعی نزد پدر نشسته و مشغول سخن گفتن میباشند از این رو شرم کرد که سخنی بگوید، و بخانه بازگشت، پیغمبر (ص) دانست که فاطمه برای حاجتی آمده، فردا صبح بخانه ما آمد و ما در رختخواب بودیم، پیغمبر (ص) فرمود: سلام بر شما، ما در این حالت خجالت کشیدیم که سلام او را جواب گوئیم، و ساکت ماندیم، دوباره فرمود (سلام بر شما)، ترسیدیم که اگر جواب ندهیم باز گردد که همواره چنین عادت داشت که بر در هر خانه سه بار سلام می کرد اگر صاحب خانه اجازه میداد وارد میشد و گر نه برمیگشت، از این رو گفتم یا رسول الله بر تو سلام باد، بفرمائید، حضرت وارد شد، و بالای سرما نشست، و فرمود: فاطمه دیروز با پدر چه کار داشتی؟ من ترسیدم که اگر حرف نزیم حضرت برخیزد و برود، گفتم یا رسول الله فاطمه چندان آبکشی کرده که دستش طاول زده باو گفتم اگر مایل باشد خدمت شما شرفیاب شود و از شما خادمی بخواهد تا این همه رنج و مرارت نبیند، پیغمبر (ص) فرمود:

مایلید چیزی بشما بیاموزم که از خادم بهتر باشد؟ بهنگام خواب ۳۴ بار تکبیر، و ۳۳ بار تسبیح (سبحان الله) و ۳۳ بار تحمید (الحمد لله)

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۰

فاطمه (ع) سر بر آورد و سه بار عرضه داشت: باین مطلب از طرف خدا و پیغمبرش راضیم. از امام ششم (ع): خواندن تسبیح حضرت فاطمه (ع) را بعد از هر نماز از هزار رکعت نماز در هر روز دوست تر میدارم. و فرمود: هر که پس از هر نماز واجب قبل از آنکه پا بپا شود تسبیح حضرت زهراء (ع) را بخواند گناهانش بخشیده شود، و (در موقع گفتن تسبیح فاطمه علیها سلام) تکبیرها را اول بگوید. از امام هفتم (ع): مؤمن از پنج چیز جدا نخواهد بود: مسواک شانه، سجاده، تسبیح ۳۴ دانه، انگشتر عقیق. از ابراهیم بن محمد ثقفی: فاطمه (ع) تسبیحش از ریسمان پشمین بود که به تعداد تکبیرها (۳۴ عدد) گره داشت، حضرت آن را همواره می گردانید و با آن تکبیر و تسبیح می گفت، تا وقتی حمزه شهید شد، از خاک قبر

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۱

او دانه‌های تسبیح بساخت، مردم نیز به تقلید او از تربت حمزه تسبیح‌ها ساختند و در موقع گفتن ذکر بکار بردند، و چون حسین (ع) شهید شد تربت آن حضرت جای تربت حمزه را گرفت که فضل و برتری دارد. از امام ششم (ع) در باره استعمال تربت حسین (ع) و حمزه (ع)، سؤال شد که کدام برتر است؟ فرمود: تسبیحی که از تربت حسین علیه السلام است در دست انسان ذکر می‌گوید بدون آنکه دارنده آن تسبیح گوید. و روایت است که حور العین چون فرشته‌ای را می‌بیند که عازم زمین است از او تقاضا میکنند که از تربت حسین (ع) برایشان هدیه آرد. از نبی اکرم (ص): هر که خواهد در دنیا از گناهان پاک و مانند زر ناب از دنیا بیرون رود و هیچ کس از او مظلمه‌ای نخواهد، پس از هر نماز واجب ۱۲ بار سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند بعد دستها بگشاید و بگوید: (بار خدایا ترا بنام پنهانی و مخزون و پاک و پاکیزه و مبارک تو می‌خوانم، و ترا بنام عظیم و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۲

سلطنت قدیمت مسألت مینمایم، ای بخشنده نعمتها و آزادکننده اسیرها و رهاکننده گردن‌ها از آتش از تو مسألت دارم بحق محمد و آل محمد (ص) که مرا از آتش دوزخ رهائی بخشی و از دنیا با دل و ایمان سالم بیرون بری و به بهشت در آوری، و ابتدای دعای مرا رستگاری و وسط آن را موفقیت و آخرش را صلاح من قرار دهی که تو بر همه غیبها آگاهی.

امیر مؤمنان فرمود: این دعا از اسرار پنهانی است که نبی اکرم آن را به من آموخت و به من فرمود که آن را به حسین (ع) بیاموزم.

(دعای دیگری از نبی اکرم (ص))

هر که این دعاها را پس از نمازهای واجب بخواند خود و مال و خانه و فرزندانش را محفوظ داشته:

خداوندا بیامرز برای من گناهان پیشین و پسین و آشکار و پنهان مرا و اسراف بر نفسم را و توبه آن از من دانا تری خدا یا تویی مقدم و تویی مؤخر نیست سزاوار پرستش کسی مگر تو به سبب علم غیبت و قدرتت بر همه مخلوق. خدایا اگر زندگی برای من بهتر است مرا زنده بدار و اگر مردن

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۳

برای من بهتر است مرا بمیران. خدایا از تو می‌خواهم خشیت از تو را در پنهان و آشکار و گفتار حق در هنگام غضب و رضا و میانه‌روی در هنگام ناداری و دارایی. و سؤال می‌کنم از تو نعمتی که فنا نداشته و روشنی چشمی که انقطاع نداشته باشد. و سؤال می‌کنم از تو راضی بودن به قضا را و راحتی مردن بعد از زندگی را و لذت دیدار تو را و شوق ملاقاتت را بی‌آنکه ضرر و فتنه‌ای در آن باشد. بار خدایا ما را به ایمان زینت بخش و راهنمایان هدایت شده قرار ده. خدایا هدایت کن ما را براه خودت.

خدایا سؤال می‌کنم از تو تصمیم به رشد و رستگاری و ثبات در امر دین و توفیق شکرگزاری نعمت و حسن عافیت و اداء حق را و می‌خواهم ای پروردگار من از تو قلب سالم و زبان راستگو و طلب آمرزش می‌کنم از آنچه می‌دانی و بهتر از آن را و پناه می‌برم به تو از شر آنچه می‌دانی همانا تو می‌دانی و ما نمیدانیم و تو داننده اسرار پنهان هستی.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۴

از امام ششم (ع): هر که این کلمات را پس از هر نماز واجب گوید جان و مال و خانه و فرزندانش محفوظ بماند: (جان و مال و اهل و فرزندان و آنچه را که از منست به پناه خداوند واحد بی‌نیازی که نزاده است و زائیده نشده. و همسری ندارد می‌سپارم، مال و جان و اهل

و فرزندانم را به پروردگار سپیده دم «۱»- می سپرم، و به پروردگار مردم «۲»... و به خدائی که جز او خداوندی نیست و زنده و قیوم است «۳» می سپرم. از امیر مؤمنان علیه السلام: پیامبر (ص) فرمود: یا علی پس از هر نماز واجب آیه الکرسی را بخوان که بر خواندن آیه الکرسی مداومت نمی کند مگر پیغمبر یا صدیق یا شهید.

(دعایی دیگر)

امام ششم علیه السلام فرمود: کمترین دعا بعد از نماز واجب این

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۵

است: (خداوندا بر محمد و آلش درود بفرست، خداوندا من از تو مسألت می کنم هر آنچه از خوبی ها را که علم تو بر آن احاطه دارد و پناه می برم به تو از شری که دانش تو به آن محیط می باشد، خداوندا در همه امور از تو عافیت می جویم و از ذلت دنیا و عذاب آخرت به تو پناه می برم.

(دعایی دیگر)

از آن حضرت علیه السلام: جبرئیل در زندان بر یوسف نازل شد و بوی گفت: ای یوسف پس از هر نماز واجب بگو خداوندا در کارم فرج و گشایشی قرار ده و از جایی که گمان دارم و از جای بیگمان مرا روزی مقرر فرما.

(دعایی دیگر)

حضرت امام باقر بعد از هر نماز میفرمود (خداوندا مرا هدایت بخش و از فضل خود مرا بهره مند فرما و سایه رحمت خود را بر من گسترش ده، و برکاتت را بر من نازل فرما).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۶

(دعایی دیگر)

هلقام روایت میکند که بخدمت امام هفتم (ع) رفتم، و عرضه داشتم دعائی کوتاه و جامع که برای دنیا و آخرت سودمند باشد به من بیاموز.

حضرت فرمود: بعد از نماز صبح قبل از طلوع آفتاب بگو: (منزه است خداوند عظیم و سپاس او راست، از خداوند طلب مغفرت می کنم و از فضل او مسألت مینمایم).

هلقام گوید: وضع من در میان قوم و خویش خود از همه بدتر بود که ناگهان از مردیکه هرگز از خویشی او با خود اطلاع نداشتم ارثی فراوان به من رسید، و اکنون وضع من از همه فامیلم بهتر است و این جز نتیجه دعای حضرت موسی بن جعفر نمیباشد.

(دعایی دیگر)

خداوندا از تو مسألت مینمایم که بر محمد و آل او درود بفرستی و هر نوع خوبی آنچه را که بخاطر دارم و آنچه را که بخاطر ندارم بمن عنایت کنی و از شر آنچه میترسم و نمیترسم بتو پناه میبرم، بعدا حمد و (آیه الکرسی) و (شهد

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۷

اللَّهُ، (و آیه سخره) - إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي ... اعراف آیه ۵۲) را بخوان و سه بار بگو
(سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و سه بار بگو

اللهم صل على محمد و آل محمد و اجعل لي من امري فرجا و مخرجا و ارزقني من حيث احتسب و من حيث لا احتسب- يا ربّ محمد و آل صل على محمد و آلّه و عجل فرج محمد و آلّه و اعتق رقبتی من النار

. (دعایی دیگر)

روایت است هر که این دعا را همیشه پس از هر نماز واجب بخواند عمر او چندان طولانی شود، که زندگی بر او ملال آور گردد، و به ملاقات حضرت مهدی عج مشرف شود: (خداوندا بر محمد و آلش درود فرست، خداوندا رسول راستگوی تو خبر داده: که تو فرموده‌ای: من در انجام هیچ چیزی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۸

به اندازه قبض روح مؤمن مردّد نشوم که او از مرگ کراهت دارد و من از آزردن او.

خداوندا بر محمد و آلش درود بفرست و در فرج و یاری و عافیت اولیاء خود تعجیل فرما، و مرا و فلان کس (نام هر که خواهی بگو) را بد حال مکن.

(دعایی دیگر)

با دست راست ریش خود را بگیر و دست چپ را بطرف آسمان بگشا و بگو: (ای خدای) بزرگوار و کریم بر محمد و آلش درود بفرست و مرا از آتش دوزخ پناه ده، بعد دست راست را بگشا، و کف دست را با آسمان کن و سه بار بگو:

(یا عزیز یا کرم یا غفور یا رحیم)

بعد پشت دست را با آسمان کن و سه بار بگو:

(صل على محمد و آل محمد و اجرنی من العذاب الالیم)

بعد دستها را فرود آر و بگو:

(خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و مرا بدین معرفت و در میان

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۹

مسلمین محبوبیت عنایت کن و زبانی راستگو بمن عنایت کن، و هیبت متقیان بمن عطا فرما، یا الله یا الله یا الله بحق آنکه حق او بر تو بزرگ است مسألت مینمایم که بر محمد و آتش درود فرستی و مرا در اداء حقوق خودت موفق بداری و روزی حلال را بر من زیاد نمایی.

(دعایی دیگر)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. خداوند برای دین و دنیایم کافیت و هم قدرت او در کارهای مهم من و جلوگیری از ستم کسانی که بمن ستم روا میدارند کافیت و نیز خداوند وقت مرگ و سؤال قبر و میزان و صراط مرا کافی است خدائی که جز او خدایی نیست مرا کفایت میکند و بر او توکل میکنم و اوست پروردگار عرش عظیم.

(دعایی دیگر)

و این دعا از اسرار است: ای محمد هر که خواهد نمازش را چند برابر پاداش دهم بعد از هر فریضه دست بردارد و بگوید: ای پنهان دارنده

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۰

اسرار و ای آشکارکننده پنهانیها و ای تشریح کننده احکام و ای آفریننده چهار پایان، و ای خالق انسانها، و ای آنکه اطاعتش لازم و با جمعیتها ملازم است، ترا بحق پاک کنندگی نماز و بحق آن کس که نماز را ببرکت او پاکیزگی دادی، این نماز را وسیله پاک شدنم قرار دهی و با قدرت دگرگون دهنده خود آن را وسیله دگرگونی قرار دهی و دینم را بوسیله آن پاک نمایی و قلبم را بر محافظت آن ملهم کنی، تا جایی که از نمازگزاران با خشوع قرارم دهی که فقط تو شایسته هر گونه سپاسی که جز تو خدایی نیست و همه حمدها مختص ذات اقدس تست حمدی که تو خود ولی آن باشی و تو یگانه ای که جز تو خدایی نیست که هر نوع یگانگی مختص تست، و همه تهلیلها برای تست و جز تو خدایی نیست که همه تهلیلها مختص تست، و تو صاحب همه گونه تکبیری که جز تو خدایی نیست و هر نوع تکبیری اختصاص بتو دارد، و تو ولی هر گونه تسبیح می باشی که جز تو خدایی وجود ندارد و هر نوع تسبیحی مختص تو است، خداوندا این نماز را قبول کن و با قبول آن مرا مورد عنایت خود قرار ده که تو

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۱

شنا و دانایی.

و اگر این دعا را بخوانی پاداش نمازت در لوح محفوظ چند برابر شود. محمد بن مسلم از امام علیه السلام: دعا بعد از نماز واجب بهتر است از دعاء بعد از نماز مستحب بهمان اندازه که خود نماز واجب از نماز مستحب برتر است. از امام پنجم (ع): دعاء بعد از نماز واجب از نماز نافله برتر است. از امام عسگری علیه السلام: از امیر مؤمنان (ع): هر که نماز واجب خدا را انجام دهد، پس از نماز یک دعای مستجاب برای او هست:

(سجده شکر)

از امام ششم علیه السلام: حضرت موسی وقتی نماز میخواند از جا بر نمی خاست تا آنکه گونه راست و چپ خود بر زمین می نهاد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۲

و امام باقر (ع) فرماید: خداوند به موسی خطاب کرد که می دانی چرا تو را برای سخن گفتن با خود برگزیدم و دیگری را انتخاب نکردم؟ موسی (ع) گفت خداوند نه، خداوند فرمود: ای موسی من به همه بندگان خود نظر کردم، از تو متواضعت و ذلیل تر نسبت بخودم نیافتم، ای موسی تو پس از نماز صورت بر خاک می نهی. از امام ششم (ع): بنده اگر در سجده بقدر یک نفس بگوید:

(یا رب یا رب یا رب)

خداوند متعال باو میگوید: لبیک، حاجت چیست؟ از امام ششم علیه السلام: سجده شکر بر هر مسلمانی واجب است نماز را به آن پایان دهی و با این کار خداوند را خشنود سازی، و فرشتگان را بشگفت آری، و بنده چون پس از نماز سجده شکر بجا آرد، خداوند پرده بین او و فرشتگان را کنار زند، و بگوید: ای فرشتگان من به بندهام بنگرید، که نماز واجب مرا انجام داد، و بر این نعمتی که باو دادم سجده شکر نمود اینک چه چیز میتواند پاداش او باشد؟ فرشتگان گویند: خداوند رحمتت باز

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۳

خداوند میپرسد دیگر چه؟ ملائکه گویند: بهشتت، باز میپرسد دیگر چه؟

ملائکه گویند: برآوردن حاجات مهم، باز می پرسند دیگر چه؟ ...

و بهمین ترتیب هیچ خوبی نماند مگر آنکه ملائکه همه را برای او ذکر میکنند و باز خداوند میپرسد دیگر چه؟ فرشتگان میگویند دیگر چیزی سراغ نداریم خداوند میفرماید: پاداش او اینست که من از او تشکر کنم، چنان که او از من سپاسگزاری کرد، و بفضل خود باو روی آورم و جمال و عظمت خود را به او بنمایم. حضرت سجاد (ع) در سجده میفرمود: (خداوند اگر من گناه کردم ولی در محبوبترین چیزها در نزد تو یعنی ایمان بتو تو را اطاعت نمودم البته در این نعمت ایمان هم تو بر من منت داری، نه من بر تو و بآنچه بیش از هر چیز مبعوض تست یعنی شریک فرزند برای تو معتقد نشدم و در این مطلب هم تو بر من منت داری نه من بر تو.

خداوند اگر در چیزیهائی ترا عصبان کرده ام، انگیزه من دشمنی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۴

و یا تکبر نسبت بتو و انکار خداوندی تو یا گردنکشی از بندگی تو نبوده، بلکه صرفا پیروی از تمایل نفسانی بوده، و شیطان مرا لغزانیده پس از آنکه بر من اتمام حجت کرده ای پس اگر مرا به گناهم عذاب کنی ستمکار نئی و اگر ببخشی و بیمارزم سزاوار جود تست ای ارحم الراحمین. از حضرت صادق علیه السلام: بمردی فرمود: چون اندوهی ترا رسد دست بر جای سجدهات بمال، بعد دستت را از طرف گونه چپ بر صورت بمال و از جانب گونه راست به پیشانی مرور ده و سه بار بگو (بنام خدائی که جز او خدائی نیست و بر هر پنهان و آشکار عالم است، خداوند رحمان و رحیم، خداوند اندوه را از من بردار. و روایت است که هر کس در سجده بگوید:

(یا رباه یا سیداه)

بقدری که نفسش قطع شود (یعنی بقدر یک نفس) پاسخ داده شود: که حاجتت را بخواه. یکی از امامان علیهم السلام در سجده میفرمود: خداوندا ترا سجده میکنم در حالی که ثواب ترا میجویم، و از عقاب تو میگریزم، و از خشم تو ترسانم بعد میگفت:

(یا الله، یا ربه، یا رباه)

و ادامه میداد تا نفسش قطع

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۵

میشد بعد حاجت خود را میخواست. از امام ششم علیه السلام: پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم به مردی گذشت که در سجده بود و می گفت: خداوندا چه مانعی دارد که افرادی که به آنها مدیونم از من راضی کنی و گناهانم را ببخشی و به بهشتم در آوری، که عفو تو برای گناهکاران است و من گناهکارم، پس سایه رحمتت را بر سرم قرار ده ای ارحم الراحمین. پیغمبر (ص) باو فرمود: سر بردار که دعایت مستجاب شد تو دعای پیغمبر قوم عاد را خواندی.

(دعاهای وقت خوابیدن و موقع بیدار شدن) اعمال وقت خواب

از امام ششم (ع): خداوند خواب زیاد و بیکاری بسیار را دوست ندارد. و فرمود: خواب زیاد دین و دنیا را از دست میبرد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۶

و فرمود: پیامبر اکرم (ص) فرموده: خواب اول روز موجب کودنی است، و خواب قیلوله (نزدیک ظهر) نعمت است، و خواب بعد از عصر موجب احمقی است، و خواب میان مغرب و عشاء آدمی را از روزی محروم میدارد از امام صادق (ع): هر که وقت خواب وضوء بگیرد و به بستر رود شب را بسر آورد در حالی که بسترش بمنزله مسجد باشد و اگر وقتی به بستر رفت یادش بیاد که وضوء نگرفته می تواند بجای وضوء بر روی ملافه و رواندازش تیمم کند و اگر این کار را انجام دهد چنانست که دائما در نماز و ذکر خداوند متعال باشد. و از آن حضرت (ع): چون در شب چراغ روشن شود با خودت بگو:

(خداوندا بمن نوری ده که در پرتو آن در میان مردم راه بروم و در روز ملاقات (قیامت) ما را از نور خودت محروم مدار و بما روشنی عطا کن و جز تو خدایی وجود ندارد)، و چون چراغ خاموش گردد بگو: (خداوندا ما را از تاریکی بیرون آور و به روشنی وارد کن). از محمد بن مسلم: امام پنجم (ع) فرمود وقتی که سر بر متکا میگذاری

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۷

بگو: (بسم الله - خداوندا من جان خود را تسلیم تو میکنم و با همه نیرو و با همه وجود بتو روی می آورم و کارم را بتو وامیگذارم و ترا تکیه گاه خود ساخته ام بر تو توکل میکنم از بیمی که از تو دارم و رغبتی که بتو یافته ام، پناه و نجاتی جز تو نیست به کتابی که بر پیامبرت فرستادی ایمان دارم) و بعد تسبیح حضرت زهراء (ع) را بخواند و هر که در موقع خواب ناراحتی پیدا کند، چون به بستر رود، آیه الكرسي و معوذتین را بخواند. از امام صادق علیه السلام: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ را بهنگام خواب بخوان که خواندن آنها برائت جستن از شرک میباشد، و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ نسب نامه خداوند عز و جل است. از امیر مؤمنان (ع): از پیامبر (ص) شنیدم که: هر که

پس از هر نماز واجب آیه الكرسی بخواند، هیچ چیز جز مرگ فاصله بین او و بهشت نخواهد بود، و جز مردم صدیق و عابد بر این کار مواظبت نخواهند کرد، و هر کس در بستر خواب آن را بخواند خداوند او و همسایه‌ها و خانه‌های اطرافش را در امان بدارد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۸

از نبی اکرم (ص): هر که قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را در بستر بخواند خداوند گناه پنجاه ساله او را بیامزد. از محمد بن مسلم از امام (ع): مرد نباید وقت خواب از این دعا غفلت ورزد: (خودم و ذریه و اهل بیت و مالم را از شرّ هر شیطان موذی و از زخم چشم هر ملامتگری بخدا میسپرم، و این تعویذی است که جبرئیل برای حسنین (ع) آورد. و از امام ششم علیه السلام: هر که وقت خواب که به بستر می‌رود سه بار بگوید: (سپاس خدایی را که بلند پایه و پیروز و غالب است، و سپاس خدایی را که از چشم‌ها پنهان است و بر پنهانی‌ها خبیر و آگاه می‌باشد، شکر خدایی را که مالک و توانا است، و شکر خدایی را که مردگان را زنده می‌سازد و زندگان را می‌میراند، و بر همه چیز توانا است) از همه گناهان بیرون رود چنان که از مادر زائیده شده. از نبی اکرم (ص): هر که سوره (الْهَاقِمُ التَّكْوِثُ) را در وقت خواب بخواند از عذاب قبر در امان بماند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۹

(ترس در شب)

اگر در شب (و موقع خواب) گرفتار ناراحتی و وحشت گشتی ده بار بگو:

از غضب خدا و از عقاب الهی و از شرّ بندگان و از وسوسه‌های شیطان به خدا پناه میبرم.

(و نبی اکرم (ص) دستور میداد این دعا را بخوانند) و معوذتین و آیه الكرسی را بخوان و نیز آیه (إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِّنْهُ - انفال آیه ۱۱) و آیه (جَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا - سوره نباء آیه ۹) را بخوان.

(برای ترس از دزد)

امیر مؤمنان (ع) فرمود: وقتی می‌خواهی بخوابی دست راست را زیر گونه راست بگذار و بگو: (بنام خدا، برای خدا و بر دین ابراهیم و دین محمد (ص) و ولایت امامانی که خداوند اطاعتشان را واجب کرده پهلوی بر بستر نهاده‌ام هر چه خدا خواهد شدنی است و آنچه نخواهد نشدنی است، و شهادت میدهم که خداوند به هر کاری توانا است، هر کس این را وقت خواب بگوید، از دزد و ماندن زیر آوار در امان خواهد بود و فرشتگان

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۵۰

برایش استغفار خواهند کرد و هر که در بستر خواب (قُلْ هُوَ اللَّهُ) بخواند خداوند پنجاه فرشته برای نگهبانی او در آن شب می‌گمارد. روایت است که هر که از دزد می‌ترسد وقت خواب از آیه (قُلْ ادْعُوا اللَّهَ ... سوره بنی اسرائیل / ۱۱۰ و ۱۱۱) تا آخر سوره بخواند.

(برای رفع احتلام)

از امام ششم (ع): اگر می‌ترسی که در خواب محتلم و جنب شوی وقتی به بستر رفتی بگو (خداوند من از احتلام و خوابهای بد و وحشتناک و از اینکه شیطان در خواب یا بیداری مرا به بازی و ملاحبه بگیرد، به تو پناه میبرم.

(بیخوابی)

اگر از بیخوابی میترسی وقت خواب بگو: (منزه است خداوند، سلطنتش ابدی و نیرویش عظیم است و همیشه و هر روز در کار خلقت است) بعد بگو: ای سیرکننده شکمهای گرسنه و پوشاننده پیکرهای عریان، و آرام کننده قلبهای ناراحت و رگهای پر خون و ای خواب کننده چشمهای بیدار رگهای

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۵۱

پر هیجان مرا آرامش ده و به چشمانم اجازه خواب عطا کن.

(دعای دیگر)

آیة الكرسي و آیه (إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ) و آیه (جَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا) را بخوان.

(محفوظ ماندن از ویرانی و فرو ریختن ساختمان)

اگر از زلزله و خرابی آن میترسی در وقت خواب بخوان (إِنَّ اللّٰهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَ لَئِنْ زَالَتَا إِنَّ أُمَّسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا).

(برای حفظ گزش عقرب)

از امام پنجم علیه السلام: هر که این کلمات را بگوید من ضامنم که تا صبح هیچ عقرب و حشره مؤذی او را نیازارد: به صفات و کلمات الهی که هیچ انسانی نمیتواند بر آنها چیره شود پناه میبرم از شر هر چه آفریده و از شر هر جنبنده ای که سرنوشتش بدست خداست پروردگار من بر راه راست است، و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۵۲

حضرت رضا علیه السلام وقتی به ستارگان بنات النعش و سها «۱» نگاه می کرد میفرمود: (ای خداوند هوذ بن آسیه مرا از شر هر مار و عقربی پناه ده) و میفرمود: هر که در شب به آنها نگاه کند و سه بار این دعا را بگوید هیچ عقرب و ماری باو اذیت نرساند.

(دعای دیگر)

اسحق بن عمار به امام ششم (ع) عرضه داشت: من از عقرب میترسم امام (ع) فرمود: به ستارگان بنات نعش نگاه کن در جنب سه ستاره وسطی بنات النعش ستاره ای کوچک است که عرب آن را سها نامد، و ما آن را اسلم مینامیم، هر شب به آن بنگر و سه بار بگو: (ای خداوند اسلم بر محمد و آلش درود فرست و فرجشان را نزدیک بدار و ما را از شر هر صاحب شری در امان بدار). (اسحق گوید: من این دعا را در همه عمر جز یک شب فراموش نکردم که در همان شب عقرب مرا گزید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۵۳

(بیدار شدن از خواب)

از امام ششم (ع): هیچ بنده‌ای آیه آخر سوره کهف (قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ ...) را وقت خواب نخواند مگر آنکه در ساعتی که دوست دارد از خواب بر خواهد خاست.

(هر که خواهد برای نماز از خواب بیدار شود)

از امام ششم (ع): نبی اکرم (ص) فرمود: هر که خواهد در ساعتی از شب برای نماز برخیزد چون به بستر رود بگوید: (خداوندا مرا از مکر خود در امان بدار و یادت را از خاطر من مبر و مرا از غافلین قرار مده و مقرر فرما که فلان ساعت را بیدار شوم، خداوند فرشته‌ای را بر او بگمارد که در آن ساعت بیدارش کند، و پیغمبر اکرم در وقت رفتن به بستر مسواک میکرد، و در بستر بدست راست میخوابید و دست راست خود را زیر گونه چپ خویش می‌نهاد. پیغمبر (ص) میفرمود: چون به بستر بروید کنار جامه خود را دست

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۵۴

بکشید که ممکنست چیزی در آن رفته باشد و بعد بگوید: (خداوندا اگر جان مرا در خواب نگهداشتی مورد عفو قرار ده و اگر باز گردانیدی آن طور که بندگان نیکت را نگه میداری نگه‌دار.

(دعا وقت بیدار شدن)

حضرت صادق (ع) چون در آخر شب از خواب برمیخاست با صدائی بلند که همه اهل خانه میشنیدند میفرمود: (خداوندا مرا در وحشت قیامت یاری کن، و قبرم را گشاده گردان، پیش از مرگ و پس از مرگ خیر و عافیت را نصیبم فرما). از آن حضرت علیه السلام: پیغمبر (ص) از هیچ خوابی بر نمی‌خاست مگر آنکه برای خداوند عزّ و جلّ به سجده می‌افتاد، و وقتی میخواست چشمانش بخواب می‌رفت ولی دل او خواب نبود، و میفرمود: دل من در انتظار وحی میباشد، و چون در خواب چیزی او را به وحشت می‌افکند، میفرمود: (هو الله لا شریک له)، و پیغمبر (ص) بسیار خواب میدید و هیچ مطلبی را در خواب

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۵۵

نمی‌دید مگر آنکه بزودی به ظهور می‌پیوست همان طور که سپیده صبح ظاهر می‌شود، و چون از خواب برمیخاست می‌فرمود: (منزه است خداوندی که مردگان را زنده میکند، و بر همه چیز توانا است) و چون برای نماز برخیزی بگو: سپاس برای خداوند بخشنده نور وجود باآسمانها و زمین، سپاس خدای بپا دارنده آسمانها و زمین، و حمد خدا را پروردگار آسمانها و زمین و هر که در آنهاست تو حقی و قول تو حق است، و دیدار تو و بهشت تو و دوزخ تو و قیامت حق است خداوندا تسلیم توام و بتو ایمان دارم، و بر تو توکل می‌نمایم، و به سوی تو باز می‌گردم، و بیاری تو مخاصمه میکنم، و به نزد تو محاکمه می‌نمایم، همه گناهان گذشته و آینده و پنهان و آشکار مرا ببخشای، تو خدای منی که جز تو خداوندی نیست، بعد مسواک کند پیش از وضوء گرفتن. امیر مؤمنان (ع) فرمود: نبی اکرم (ص) وقت بیدار شدن از خواب می‌فرمود: سپاس خداوندی را که مرا از این خواب برانگیخت و بیدار کرد، و اگر می‌خواست مرا تا قیامت در آن نگاه میداشت، حمد خدائی را که شب و روز را نماینده قرار داد برای کسی که بخواهد حق را بیاد آورد یا شکرگزاری کند سپاس

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۵۶

خداوندی را که شب را پوشش و برای خواب، و روز را برای بیداری و فعالیت قرار داد، منزّهی تو که جز تو خداوندی نیست، تو منزّهی و من از گناهکارانم، سپاس خدایی که عظمت دریاها از تو پنهان نیست، و آنچه در دلها نهانست از وی پنهان نیست. از امام ششم (ع):

علی (ع) فرمود: هر گاه از خواب برمیخیزید بگویید: (نیست خدائی جز آن خدای حیّ و قیومی که بر همه چیز توانا است، منزّه است آفریدگار انبیاء و ابرار، منزّه است پروردگار آسمانهای هفتگانه و آنچه در آنهاست و خداوند عرش عظیم و سپاسها مخصوص خداست) و چون نشستید بگویید: (یاری خدا مرا از یاری مردم بی نیاز میکند، آن کس که تاکنون مرا بی نیاز کرده برای حل مشکلات من کافیت، و او وکیل خوبی است.

(دعائی دیگر)

سپاس خدائی را که مرا زنده میکند پس از آنکه میمیراند، و بازگشتم

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۵۷

بسوی اوست، سپاس خدائی را که روحم را بمن بازگردانید تا او را شکر کنم و بندگی نمایم، و چون باآسمان بنگری بگو: (ای نور نور و ای تدبیرکننده نور) ای مدبّر امور جهان و مجری مقدرات، خداوندا امروزم را بسلامت و عافیت مقدر فرما) بعد آیات پنجگانه آخر آل عمران را (إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ ...) تا (إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ).

(در بانگ خروس)

از امام ششم (ع): چون بانگ خروس را بشنوی بگو:

(سَبَّوحٌ قَدَّوْسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ)

رحمتت بر خشیتت پیشی گرفته

لا اله الا انت سبحانک و بحمدک

، بدی کردم و بخود ستم نمودم مرا ببخشای که کسی جز تو نمیتواند گناهان را ببخشد. و فرمود: از خروس پنج چیز بیاموزید مواظبت بر اوقات پنج گانه نماز غیرت، سخاوت، شجاعت، زیادی آمیزش.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۵۸

و فرمود از کلاغ سه چیز بیاموزید: پنهان داشتن آمیزش، صبح زود به دنبال روزی رفتن و حرص بر مواظبت از خود و فرار از خطرها.

(دعا در دل شب)

حضرت زین العابدین (ع) در دل شب که چشمان مردم بخواب بود این دعا را قرائت میکرد (پروردگارا ستارگان آسمانت چشمک میزنند و چشمان مخلوقهایت بخواب رفته است و صدای بندگان و حیوانات بلند است درهای سلاطین بسته است، و نگهبانان بر در کاخ آنها پاس میدهند و از دسترس حاجتمندان و امیدواران بدورند و تو ای خدای زنده و قیوم نه خوابت گیرد و نه چرتت برد و هیچ کاری ترا از کار دیگر غافل نمی سازد درهای آسمانت بروی دعاکنندگان گشوده و در گنجینه های (احسان) تو مسدود نشده، و بابهای رحمتت بسته نگشته و احسانهای تو از سائلان ممنوع نمیباشد.

تو ای خداوند کریم که نه سائلی را نومید میکنی و نه از هیچ مؤمن که به درگاه تو روی می آورد محجوبی - نه بعزت و جلال خودت - و نه حاجات

مکارم الأخلاق - ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۵۹

بندگان را بدیگری حواله مینمائی، و نه کسی جز تو میتواند که حاجات ایشان را روا کند، خداوندا وقوف و ذلت و خشوع مرا در پیشگاه خود میبینی و از ژرفای قلب نهفته های دلم آگاهی، و آنچه را که وسیله اصلاح دنیا و آخرت من است میدانی، خداوندا چون باید مرگ و قیامت و ایستادن در پیشگاه حساب و محکمه عدل تو می افتم غذا بکامم ناگوار می شود و آب دهانم می خشکد، و خواب از چشمانم می رود، چطور بخوابد کسی که آمدن ملک الموت را شب و روز به یاد دارد. و عاقل چگونه میخوابد که ملک الموت نمی خوابد. و برای گرفتن جان او در پی فرصت است)، بعد از این دعا بسجده رود و گونه بر خاک نهد و بگوید:

(از تو برای لحظه مرگ راحت و برای روز دیدارت عفو و بخشش می خواهم). نبی اکرم (ص) در وصیت خود به علی علیه السلام فرمود ای علی: در دل شب نماز بخوان گر چه (چند دقیقه) باندازه دوشیدن بزی باشد که خداوند متعال میفرماید: (استغفارکنندگان در سحرها ...

عمران - ۱۵).

مکارم الأخلاق - ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۶۰

(دعای نماز وتر)

از امام (ع): در قنوت نماز وتر بگوید: (جز خداوند علی و عظیم خدائی نیست، و منزّه است پروردگار آسمانهای هفتگانه و زمینهای هفتگانه و آنچه در آنها و در بین آنهاست و پروردگار عرش عظیم، خداوندا روشنی آسمانها و زمین از توست و تو زینت آسمانها و زمینی و تو جمال آسمانها و زمینی، و تکیه گاه آسمانها و زمینی، و تو قوام آسمانها و زمینی، و تو فریادرس فریادخواهانی و گره گشای گرفتارانی، و زداینده غم از دل غمدیده گانی، و اجابت کننده دعای مضطرائی، و تو خدای جهانیان، و تو رحمان و رحیمی، و بر طرف کننده بدیهائی، تو آن خدایی که هر حاجتمندی بتو روی آرد، خداوندا غضب تو را جز حلم تو باز نگرداند، و از عذاب تو جز برحمت تو نجاتی نباشد، و از تو جز با تضرع بدرگاه تو رستگاری بدست نیاید، خداوندا از جانب خود بر من رحمت آر که از رحمت دیگری بی نیاز باشم بآن قدرتی که همه را زنده میداری و مردگان را بر می انگیزی پیش از آنکه مرا بیامیزی و مورد

مکارم الأخلاق - ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۶۱

رحمتت قرار دهی و دعایم را اجابت کنی جانم را مگیر، و عافیت و سعادت همیشگی را روزی من فرما، و از لغزشها مصون و از شماتت دشمن محفوظم بدار و دشمن را بر من مسلط مگردان. خداوندا اگر تو مرا ذلیل گردانی کیست که بتواند عزیزم کند، و اگر تو مرا رفعت و بزرگی دهی کیست که بتواند پست و خوارم نماید و اگر بخواهی هلاکم سازی که میتواند مانع شود، و دانسته ام که تو در کارها ستم نمیکنی و در عذاب و انتقام شتاب نمی نمائی، زیرا آن کس عجله دارد که میترسد فرصت از دستش برود، و آن کس بستم نیازمند است که ضعیف باشد و تو از این هر دو برتر و بالاتری، خداوندا مرا در مسیر بلاهای خود قرار مده، و هدف نقتم خود مگردان، و مرا مهلت ده، و لغزشهایم را ببخش و بلاهای متوالی بر من مفرست که از ضعف و بیچارگیم آگاهی، امشب بتو پناه می برم خداوندا پناهم ده، و از شر آتش بتو پناهنده میشوم مرا در کنف حمایت خود قرار ده، بهشت را از تو می طلبم، مرا از آن محروم مگردان.

پس از خواندن این دعا هر چه می‌خواهی از خدا بخواه و ۷۰ بار استغفار کن و بگو: (خداوندا از مظلومه‌های بسیاری که از بندگان تو بگردن

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۶۲

من است استغفار میکنم و توبه مینمایم. و هر بنده‌ای که از نظر بدن یا آبرو یا مال بگردن من حق دارد که نمیتوانم آن را اداء کنم و از او نیز حلیت نخواستهم بهر گونه که میدانی از من راضی کن، و هر عوض که میدانی بوی عنایت فرما خداوندا ترا از عذاب من چه سود که رحمتت همه چیز را فرا گرفته. خداوند چه مانعی دارد که به من احسان کنی؟ و با عذابت خوارم نسازی خدایا اگر حاجتم را بر آری در تو نقصانی پدید نیاید که همه خوبیها از تو و در توست خداوندا با تکرار من گناهان را جای ملامتست، و ترک استغفار با رحمت وسیع تو عجز است، خداوندا با آنکه از من بی‌نیازی چقدر بمن محبت میکنی و با آن نیازی که من بتو دارم چقدر اظهار گردنکشی می‌نمایم، منزّه است خدائی که به وعده‌هایش وفا میکند ولی از وعده‌های عذابش صرف نظر مینماید.

(دعاء حزین)

حضرت سجّاد (ع): پس از نماز شب دعاء حزین میخواند: (ای خدای موجود در همه جا با تو مناجات میکنم شاید بندایم گوش دهی، که جرمم

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۶۳

بسیار و شرمم اندک گشته، مولای من کدام وحشت را بخاطر آرم؟ و کدام را از یاد ببرم؟ که اگر غیر از مرگ چیزی نبود، همان کافی بود. و حال آنکه منزل‌های بعد از مرگ بزرگتر و وحشتناکتر است، مولای من، مولای من، تا کی پی در پی بگویم: خشنودی و رضای تو را میجویم ولی صدق و وفا از من نبینی خداوندا، وای وای از هوسهایی که بر من غالب گشته و از دشمنی که چون سگ بر من حمله می‌آورد، و از دنیائی که برای فریبم خود آرائی نموده، و از نفس اماره‌ایکه همواره مرا به بدی میخواند مگر آنکه رحمت تو دستم را بگیرد.

مولایم مولایم، اگر به گناهکاری دیگر چون من رحمت آری بر من رحمت آر، و اگر عصیان نگری گر چون مرا بپذیری مرا نیز بپذیر، ای پذیرنده توبه، مرا بپذیر، ای آنکه همیشه از تو خوبی دیده‌ام، ای آنکه شب و روز از نعمتهایت بهره‌مندم می‌سازی، در آن روزی بر من رحمت آر که تنها و با چشمان وحشتزده سر بزیر دارم و نامه عملم بگردنم آویخته و مردم همه از من دوری و بیزاری میجویند بجان والدینم و قسم بآن که سعی من برای اوست اگر تو بر من رحمت نیآوری که خواهد آورد، و چه کسی در قبر مونس من خواهد

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۶۴

بود، آنگاه که با اعمالم به پیش تو آیم و از اعمال من که بر آنها بهتر از من آگاهی باز خواست بنمائی؟ که اگر اقرار کنم از عدالت تو به که پناه برم، و اگر انکار نمایم علیه تو شهادت داده‌ام، پس خداوندا عفو تو، عفو تو (را می‌طلبم) پیش از آنکه لباسهای دوزخ را بر من بپوشانی، ای مولای من عفو تو را می‌طلبم پیش از آنکه دستهایم بگردن غل گردد، ای ارحم الراحمین و خیر الغافرین.

(دعا هنگام رفتن به بستر خواب)

چون نماز صبح را سلام دادی بدست راست و رو بقبله بخواب و گونه راستت را بر روی دست راست بگذار و بگو: (مستمسک میشوم بریسمان محکم الهی که ناگسستنی است و بریسمان محکم الهی چنگ میزنم، و از فسّاق عرب و عجم بخدا پناه میبرم، و از شرّ فسّاق جن و انس بخدا پناه میبرم پروردگار من خداست ... باو ایمان دارم و بر او توکل میکنم و بر او تکیه میکنم، و کارم را بخدا می سپرم و حاجتم را از او میخواهم، و حول و قوه‌ای جز از جانب خدا وجود

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۶۵

ندارد، هر که بخدا تکیه کند خداوند او را کفایت نماید، خداوند آنچه را بخواهد میکند و برای هر چیز اندازه‌ای قرار داده، نصرت خدا برای من کافی است و او نیکو و کیلی است، خدایا اگر همه دست حاجت بسوی مخلوق تو دراز کنند، من روی نیاز بتو می‌آورم، که ترا شریکی نیست، سپاس خداوند بامداد را، و سپاس خداوند برآورنده صبحگاه را، و سپاس خداوند برانگیزنده ارواح را، و شکر خداوند بخش‌کننده روزی را، سپاس خداوندی را که شب را وسیله آرامش و ماه و خورشید را وسیله وقت‌شناسی حساب قرار داد خداوند عزیز و دانا است، خداوند بر محمد و آل او درود فرست و در دلم نور قرار ده و زبان و دیده‌ام را روشنی ده، و در جلو و عقب و راست و چپ، و بالای سرم و جلوی پایم روشنی قرار ده، و نور خود را بر من بسیار گردان، و مرا چنان کن که در بین مردم با نور و روشنی راه سپرم، و در روز ملاقات مرا از نور محروم مدار) بعد از این دعا (آیة الکرسی) و (معوذتین) و پنج آیه آخر آل عمران (إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ ...) را بخوان بعد بنشین و تسبیح حضرت فاطمه (ع) را بخوان و صد بار صلوات بفرست، که هر کس بین دو رکعت نماز نافله صبح و نماز صبح صد بار

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۶۶

صلوات فرستد خداوند او را از آتش دوزخ در امان دارد، و هر که صد بار

(سبحان ربّی العظیم و بحمده، استغفر الله ربّی و اتوب الیه)

گوید، خداوند در بهشت برایش خانه‌ای بسازد، و هر که یازده بار (قُلْ هُوَ اللهُ) را بخواند خدا در بهشت نیز خانه‌ای برایش بسازد و هر که/ ۴۰ بار آن را بخواند خداوندش بیامرزد، و بگو (خداوند درهای اموری را که در آن عافیت و آسانی است برویم بگشا، خداوند راه آنها را برایم آسان گردان و بر انجام آنها بصیرتم ده خدایا اگر برای مخلوقی مقدر کرده‌ای که بر من قدرت و تسلط سوئی یابد، اکنون جلوی من را از هر سو جلو و عقب و راست و چپ و بالا و پائین بگیر، و چنان که خواهی مرا کفایت کن، و هفت بار بگو:)

بسم الله الرحمن الرحيم، و لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم

(، سپس بعد یا قبل از رفتن به بستر و بعد از دو رکعت نماز فجر سجده کن، و در سجده بگو: (ای بهترین سؤال‌شوندگان، و سخی‌ترین بخشندگان، بر محمد و آلش صلوات بفرست، و مرا ببخشای و بر من رحم کن، و مرا و عائله‌ام را از فضل خودت روزی ده که تو دارای فضل بس بزرگی).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۶۷

و مستحب است که برای برادران مؤمن خود دعا کند و بگوید:

(خداوندا آفریدگار روشنی صبحگاهان و شبهای دهگانه، و شفیع و وتر و شب آنگاه که در آید و آفریدگار هر چیز و خداوند هر چیز و مالک هر چیز و خالق هر چیز بر محمد و آلش درود فرست، با من و فلان ... چنان کن که سزاوار خدائی تست و با ما به آنچه سزاواریم رفتار مکن که تو اهل تقوی و مغفرتی) بعد به مسجد رود که نماز واجب در مسجد افضل است و نماز مستحب در خانه بهتر است.

(ورود به مسجد و گفتار در مسجد)

از امام ششم (ع): هر که بسوی مسجد می رود پیش را بر هیچ خشک و تری نمی گذارد مگر آنکه تا هفتمین زمین باریش تسبیح کنند. در تو را تست که: آنان را که در تاریکی شب بمسجد میروند بروشنی بشارت دهید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۶۸

و مناجات کنندگان شب و روز و از خاشعان در نماز قرار ده و شیطان رجیم و سپاه ابلیس را از من دور کن بعد آیه الکرسی و (معوذتین) را بخوان و خدا را هفت بار تسبیح و تکبیر و تهلیل و حمد گوی بعد بگو خداوند احمد برای تست که مرا هدایت کردی و فضیلت دادی و شرافت بخشیدی و ترا بر گرفتاریها و امتحانهای خوبی که (برای تکامل من) دچارم گردانیده‌ای سپاس میگویم پیغمبر اکرم فرمود: خداوند متعال میفرماید: مساجد زمین خانه‌های من است، که برای آسمانیان میدرخشد، چنان که ستارگان برای اهل زمین، خوش بحال آن کس که مساجد خانه اوست، خوشا بحال بنده‌ای که در خانه خود وضو میسازد و در خانه من مرا زیارت مینماید، بدان که بر زیارت شونده است که زائر خود را گرمی دارد آنان که در تاریکی بمساجد روی می‌آورند در قیامت بانان نور بسیار داده خواهد شد. موقع ورود به مسجد اول پای راست را بمسجد بگذار و بگو: (بنام خدا و بیاری خدا و از خدا و بسوی خدا، و بهترین اسماء برای خداست بر خدا توکل میکنم و هیچ حول و قوه‌ای جز از طرف او نیست. خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و درهای رحمت و توبه را برویم بگشا و درهای گناه را برویم ببند و مرا از زائران خود و بناکنندگان مسجدها

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۶۹

خداوندا نماز و دعایم را قبول فرما و دلم را پاک کن و شرح صدرم ده و مرا توبه عنایت فرما که تو توبه دهنده و رحیمی) و در مسجد منشین مگر آنکه قبلا دو رکعت نماز تحیت بجای آری و اگر نماز صبح را نخوانده باشی آن را بخوان که بجای نماز تحیت نیز حساب می‌شود.

(چون رو بقبله کنی بخوان)

خداوندا بتو توجه میکنم، و خشنودی ترا میجویم، و به ثواب تو امید دارم، و بتو ایمان آورده‌ام و بر تو توکل میکنم، خداوندا بر محمد و آلش درود فرست، و دلم را بیاد خود بدار، و بر دینت استوارم نگهدار، و قلبم را پس از هدایت تیره مساز، و از جانب خود بر من رحمتی بزرگ فرست که تو بسیار بخشنده‌ای.

(دعا در وقت شنیدن اذان)

چون مؤذن الله اکبر گوید، تو هم تکبیر گوی، و چون (اشهد ان

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۷۰

لا اله الا الله و اشهد ان محمدا ... گوید، بگو: (من نیز گواهی میدهم به لا إله إلا الله و به رسالت محمد (ص) و بوسیله این گواهی از هر کس که آن را انکار کند خود را حفظ میکنم، و بآنها هر که را که اقرار به آنها دارد یاری مینمایم) روایت است که وقتی مؤذن گوید:

(اشهد ان محمدا ...)

بگو:

صلی الله علیه و آله الطاهرین

، خداوندا علمم را نیکو گردان و مودت آل محمد (ص) را در دلم مستقر بدار، و روزی را بر من فراوان کن، و چون گوید

(حیّ علی الصلاة و حیّ علی الفلاح)

بگو:

لا حول و لا قوة الا بالله العلی - العظیم.

(دعا در وقت طلوع فجر)

چون فجر طالع شد و بآن نظر کردی سر باسماں بلند کن و بگو: (بار خدایا تو پروردگار ما و ولی و اختیاردار ما، و صاحب مائی، پس بر محمد و آلش درود بفرست، و بآنچه سزاوار خدایی توست بر ما تفضل کن، و از آنچه ما سزاوار آنیم نجات ده، خداوندا خوبیها به نعمت توکل شود، پس بر محمد و آلش درود

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۷۱

بفرست، و آنها را بر ما کامل گردان) بعد سه بار بگو: (از آتش دوزخ بخدا پناه میبرم) بعد بگو: شکافنده فجر آنچنان که من میدانم، و برآورنده فجر از جایی که میبینم، بر محمد و آل او درود بفرست، در امروز اول روزم را صلاح و وسط آن را رستگاری و آخر آن را پیروزی قرار ده) پس بگو: (منزه است خداوند شکافنده صبح، منزّه است خداوند شب و روز، خداوندا صبح را بر آل محمد (ص) با برکت و عافیت و خوشی و روزی وسیع قرار ده، خداوندا تو هر چه خواهی در شب و روز فرو میفرستی، پس برای من و خانوادهام از برکات زمین و آسمانها روزی وسیعی بفرست که بوسیله آن مرا از همه خلق تو بی نیاز گردانی).

(دعاء هنگام شنیدن اذان)

خداوندا تو را به آمدن روز و رفتن شب هنگام نماز، و آوای دعاکنندگان و تسبیح فرشتگان درخواست میکنم که بر محمد و آلش درود بفرست، و مرا توبه موفق فرما که تو توبه دهنده و بخشاینده‌ای.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۷۲

(دعا بین اذان و اقامه)

پس از فراغت از اذان سجده کن و بگو: (ای پروردگرم که جز تو خدایی نیست، برای تو با حالت خضوع و خشوع و ذلت سجده میکنم پس بر محمد و آلش صلوات بفرست و مرا مشمول رحمت و مغفرت خود قرار ده و مرا توبه ده که تو بهترین توبه دهندگان و رحمت آورندگانی.

(دعائی دیگر)

بمن قلب سالم و روزی فراوان و زندگی روشن عنایت کن، برایم در جوار قبر پیامبر خود قرار گاهی قرار ده، پیغمبر (ص) فرمود: دو وقت درهای آسمان باز و دعا مستجاب شود، آنگاه که بانگ اذان بلند شود و آنگاه که اعلام بسیج شود برای جهاد.

(دعا بعد از سجده)

چون سر از سجده برداری بگو: (منزه خدائی که آثار قدرتش پایان

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۷۳

ندارد، و هیچ کس را فراموش نمیکنند، و سائل را محروم بر نمیگرداند، منزه خدائی که حاجبی و پرده داری ندارد و درباری که پاسداری کند و رشوه بگیرد.

و ترجمانی تا با او مناجات کند، منزه خدائی که برای خود بهترین اسماء را برگزید منزه خدائی که دریا را برای موسی بشکافت و بخشش زیاد جز بر جود و کرمش نیفزاید، منزه خدائی که چنین است و کسی جز او چنان نباشد.

(در فضیلت نماز)

از امام ششم (ع) پیغمبر (ص) فرمود: هیچ نمازی وقتش فرا نمیرسد مگر آنکه ملکی ندا می کند: (ای مردم برخیزید برای آتشی که (با گناه) برای خود افروخته‌اید، و آنها را با اداء نماز خاموش سازید). از امام ششم (ع): چون خواهی نماز بخوانی مانند کسی بخوان که با نماز وداع میکند، چنانچه که گویا دیگر پس از آن به نمازی موقت نخواهی شد، و چشمت را بجای سجده بدوز، که اگر بدانی چه کسی در چپ و راست

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۷۴

تواست خوب نماز خواهی کرد، و بدان که تو در برابر کسی ایستاده‌ای که تو را می بیند و تو او را نمی بینی. از آن حضرت (ع): برای نمازگزار سه چیز است: چون به نماز ایستد خوبیها از اطراف آسمان بر سرش فرود آید، و ملائکه از زمین تا فراز آسمانها پر میشوند و ملکی فریاد میکند: ای نمازگزار اگر بدانی که با چه کسی مناجات میکنی هرگز غفلت نخواهی کرد. و از آن حضرت (ع): هر که دو رکعت نماز گزارد و در نماز حضور قلب داشته باشد و متوجه باشد که چه می گوید، از نماز که فارغ شود برای او گناهی نیامرزیده نماند. نبی اکرم (ص) فرمود: دو رکعت مختصر با تدبیر بهتر است از یک شب تا صبح نماز خواندن با غفلت بی حضور قلب. از امام ششم (ع): چون بنده‌ای روی بنماز آرد خداوند نیز به او روی آورد و ملکی بر وی گماشته شود، که قرآن را از دهانش فرا گیرد، و اگر در نماز فکرش بغیر خدا متوجه باشد خداوند از او روی میگرداند و به آن ملک واگذارش میکند، و اگر با تمام وجود به خدا توجه کند، خداوند با

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۷۵

عظمت خود به او روی کند تا نمازش بالا رود، و اگر در نماز گرفتار سهو و غفلت گردد و یا فکرش به چیزی متوجه شود آن مقدار از نمازش که با توجه و حضور قلب بوده بالا رود و بدل غافل چیزی عطا نشود. از آن حضرت (ع): ارزش و فضیلت نماز اول وقت برای مؤمن از همه مال و فرزندش بیشتر است. و از آن حضرت (ع): برتری نماز اول وقت بر نماز آخر وقت مثل برتری آخرت بر دنیا است. (ذکر بعد از فجر- بامداد)

پیغمبر (ص) فرمود: هر مسلمانی که پس از نماز صبح تا طلوع آفتاب در سجاده بنشیند و ذکر خدا گوید، ثواب حج برایش نوشته شود، و گناهان گذشته‌اش آمرزیده شود، و اگر بنشیند تا ساعتی که نمازی در آن وارد است فرا رسد و دو یا چهار رکعت نماز گزارد، گناهان گذشته‌اش بخشیده گردد و ثواب حج برایش منظور شود.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۷۶

از امام پنجم (ع): پیغمبر (ص) فرمود: خداوند عزّ و جل فرمود ای پسر آدم پس از بامداد ساعتی بیاد من و در عبادت من بسر آر و بعد از عصر نیز مرا ساعتی یاد کن، تا خواسته‌هایت را کفایت کنم. (تعقیبات مخصوص نماز صبح)

پس از نماز صبح سه بار تکبیر گوی و بگو: (جز الله خداوند واحد خداوندی نیست و ما تسلیم اویم، نیست خداوندی جز الله و جز او کسی را نپرستیم، و در برابر او با اخلاصم که این از آن اوست، گر چه کافران اکراه داشته باشند، جز الله خدائی نیست که پروردگار ما و پدران گذشته ماست، جز الله خدائی نیست که یگانه است، و وعده‌اش را وفا کرد و بنده‌اش را یاری نمود و لشکرش را غالب گردانید، و به تنهایی بر احزاب غالب گشت سلطنت عالم و حمد مخصوص اوست، خداوندی که زنده میکند، و میمیراند، و خود زنده و نمردنی است، و بر هر چیزی توانا است، خداوندی در آنچه مورد اختلاف است مرا بخواست خود هدایت فرما که هر که را بخواهی براه راست هدایت میکنی) بعد سه بار بگو: خداوندی را که جز او خدائی نیست

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۷۷

و حیّ و قیوم و دارای جلال و عظمت است مغفرت می طلبم، و بسوی او باز میگردم، بعد بگو: (خداوند مرا هدایت فرما، و از فضل و احسان خود مرا روزی کن، و برکات و رحمت را بر من فرو فرست، و از برکات بر من فرو فرست، تو منزّهی که جز تو خدائی نیست، همه گناهانم را ببخش که جز تو کسی گناهان را نمی بخشاید) سپس تسبیح حضرت زهراء (ع) را بخوان، که ۳۴ الله اکبر و ۳۳ الحمد لله و ۳۳ بار سبحان الله است، اول تکبر و بعد تحمید و بعد تسبیح است. روایت است از امام صادق (ع): که تسبیح فاطمه (ع) در هر روز پس از هر نماز برایم از هزار رکعت نماز محبوبتر است. و از آن حضرت علیه السلام: هر که پس از هر نماز واجب تسبیح حضرت زهرا (ع) را بگوید: و پس از آن لا إله إلا الله بگوید، و بهتر است که تسبیح از تربت امام حسین (ع) باشد، و فرمود: هر که تسبیح تربت را یک بار بگرداند و استغفار یا ذکر دیگری بگوید: ثواب هفتاد دور تسبیح برایش بنویسند که

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۷۸

سجده بر تربت حسین (ع) حجابهای هفتگانه را بر طرف کند.

(دعای دیگر)

از امام ششم (ع): بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ. حمد خداوند را خداوند نیکان و پاکان و آنها که خداوند از هر نوع آلودگی پاکشان ساخته و بآنها عصمت و طهارت عنایت فرموده، کار خود را به خدا وامی گذارم، و توفیق من جز از ناحیه حق نمیباشد، و بر او توکل میکنم، هر که بر خدا توکل کند خدا او را کفایت نماید، که خداوند کار خود را عملی میسازد و خداوند برای هر چیزی اندازه و مقداری قرار داده، آنچه خدا خواهد شدنی است و خوب و کیلی است، و از شرّ شیطان رجیم و وساوس او بخداوند سمیع و علیم پناه می برم، خداوند بتو پناه میبرم که شیاطین بر من چیره نشوند، و حول و قوه ای نیست مگر از طرف خداوند علی و عظیم، حمد خداوند را آن طور که سزاوار حمد است، بسبب عظمت و کرامت و عزّت و جلالت او سپاس خداوندی را که شب تیره را بقدرت خود بر طرف کرد، و برحمت خود روز روشن را بر آورد

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۷۹

و ما از ناحیه او در عافیت و سلامت میباشیم، مرحبا بخلق جدید خدا (امروز) و دو ملکی که گواه اعمال ماست. ای دو فرشته گرامی، مرحبا بر شما و ای شما دو نویسنده اعمال ما، خدا شما را زنده بدارد. شما را شاهد میگیرم و برایم شهادت دهید و شهادت مرا بنویسید، تا با این شهادت خدایم را ملاقات کنم. من شهادت میدهم که جز خدا اللّٰه خدائی نیست و یگانه و بی شریک است و گواهی میدهم که محمد بنده و رسول اوست هدایت و دین حق را بوسیله او فرستاد تا دین او را بر همه ادیان پیروز گرداند گرچه مشرکان آن را مکروه دارند و دین همان است که خدا تشریح کرده و اسلام همان است که خداوند توصیف کرده و سخن آنست که او گفته و همانا خدا حق است، و رسول (ص) حق است و قرآن، مرگ و سؤال نکیر و منکر در قبر و زنده شدن در قیامت و صراط و میزان و بهشت و جهنم حق است و قیامت آمدنی است و خداوند همه مردگان را زنده خواهد کرد و از قبر بیرون خواهد آورد. خداوند بر محمد و آل او درود بفرستد خداوند شهادت مرا در ردیف شهادت علماء و مردم عارف بخودت بنویس و من از هر کس که از قبول این

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۸۰

شهادت سر باز زند و برای تو همسر و یا فرزند و یا شریکی و یا غیر از تو خالق و رازقی قائل باشد بیزارم جز تو خدائی نیست، و از آنچه ظالمان گویند برتر و والاتری خداوند شهادت مرا بجای شهادت آنان بنویس و مرا بر این عقیده استوار بدار و بر این عقیده بمیران و بر این عقیده زنده گردان، و به لطف و رحمتت در زمره بندگان صالح قرارم ده، خداوند بر محمد و آلش درود فرست و امروزم را بر برکت و پاک از رسوائی و زیان قرار ده، خداوند بر محمد و آلش درود فرست و اول روزم را اصلاح و وسط آن را توفیق و رستگاری و آخر آن پیروزی قرار ده، و از روزی که اول آن فزع و ناراحتی و وسط آن جزع و زاری و آخر آن رنج و ناراحتی است بتو پناه میبرم، خداوند بر محمد و آلش درود بفرست و خوبیهای امروز و خیرات قبل و بعد آن را روزیم فرما، و از شرّ امروز و آنچه در آنست و از شرّ قبل و بعد آن بتو پناه میبرم، خداوند بر محمد و آلش درود فرست و درهای همه خیراتی که بر اهل خیر گشاده ای برویم باز کن و دیگر بروی من میند، و درهای شرور را برویم ببند و دیگر برویم مگشا، خداوند بر محمد و آلش درود فرست و در هر جا که باشم، و در هر شدت و یا راحت، که بسر برم با محمد و آل او قرارم ده،

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۸۱

خداوند بر محمد و آل او درود فرست و مرا مورد آمرزش خود قرار ده، و هیچ گناه یا خطائی نیامرزیده باقی نگذار، و خداوند استغفار میکنم از گناهی که آن را توبه کرده و باز بدان بازگشته ام و از هر چه را که وعده داده ام و وفا نکرده ام و از آنچه را خواستم خالص برای

تو انجام دهم و دیگری را در آن شریک قرار داده‌ام خداوندا بر محمد و آلش درود بفرست و مرا و والدینم و فرزندان مؤمن آنها را ببخش و همه برادران مؤمن ما که قبل از ما ایمان داشته‌اند بیامرزد و در دل ما نسبت به مؤمنان غش و کینه‌ای باقی نگذار پروردگارا تو مهربان و رؤوفی، شکر خدا را که بمن توفیق داد نماز واجب را اداء کنم و مرا از غافلان قرار نداد) و پس از نماز فجر پیش از سخن گفتن سه بار بگو: سپاس خدا را به قدر گنجایش میزان، و بحدّی که رضای او حاصل شود و بوزن عرش و تسبیح میگویم خدا را به قدر گنجایش میزان و در حدّ رضای او و هموزن عرش، و خدا را تکبیر میگویم به قدر گنجایش میزان و منتهای خشنودی او و هم از عرش و خدا را تهلیل می‌گویم

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۸۲

بقدر گنجایش میزان و منتهی علم و خشنودی و هموزن عرش) سپس بگو خداوندا بعنوان یک بنده ذلیل از تو سؤال میکنم که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و گناهان ما را ببخشی، و حوائج ما را در دنیا و آخرت با راحتی و عافیت برآوری.

(ذکرهای بعد از فجر)

پس از تعقیب نماز صبح

(قُلْ هُوَ اللَّهُ)

را صد بار بخوان، و صد بار

(استغفر الله ربی و اتوب الیه)

و صد بار

(لا اله الا الله الملك الحق المبين)

و صد بار تسبیحات اربعه، و صد بار

(بسم الله الرحمن الرحيم و لا حول و لا قوة الا بالله العلیّ العظیم)

و صد بار

(و اسأل الله العافیه)

و صد بار

(استجیر بالله من النار)

و صد بار

(اسأل الله الجنة)

و صد بار

(أَسْأَلُ اللَّهَ الْحُورَ الْعَيْنِ)

و صد بار

(اللَّهُمَّ قَدْ رَضِيتَ بِقَضَائِكَ وَ سَلَّمْتَ لِمَرْغِ اللَّهْمِ أَقْضَى لِي بِالْحَسَنِيِّ وَ أَكْفَنِي مَا أَهَمَّنِي)

و صد بار

(اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَ أَمِدِّدْ لِي فِي عَمْرِي وَ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ)

بگو. و اگر صد بار

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۸۳

گفتن هر کدام از آنها برایت ممکن نباشد، هر کدام را ده بار بگو، بعد ۱۵ بار بگو:

(لا اله الا الله حقا حقا، لا اله الا الله ايمانا و تصديقا، لا اله الا الله عبودية و رقا)

و تا میتوانی بگو:

(سبحان الله العظيم و بحمده، استغفر الله و اسأله من فضله)

که این کار روزی را زیاد مینماید. و نبی اکرم به زنان مهاجر فرمود: بر شما باد به تسبیح، و تهلیل، و تقدیس، و از آنها غفلت نورزید که از رحمت محروم شوید، و با بند انگشتان شماره کنید که سخن میگویند. و از امام ششم (ع): هر که بعد از نماز صبح تا طلوع خورشید در سجاده درنگ کند (و به تعقیب مشغول باشد) این کار از اینکه ماهها در زمین بدنبال روزی بدود بهتر است.

(بیرون شدن از مسجد)

چون خواهی از مسجد بیرون روی بگو: (خداوندا مرا دعوت کردی اجابت نمودم و نماز واجب تو را بگزاردم، و بفرمان تو بیرون میروم و در زمین تو

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۸۴

فعالیت میکنم، و از تو درخواست دارم که از فضل خودت بمن توفیق عنایت کنی که از تو اطاعت کنم، و از گناهت بپرهیزم و برحمت خود روزیم را کفایت کن.

(بازگشت از مصلی)

چون خواهی از جای نماز برخیزی و بیرون شوی بگو: (خداوند تو خداوند عزیز از آنچه در توصیف او گویند منزّه است و بر پیامبران درود و همه سپاسها مختص ذات پروردگار جهانیان است- سوره صافات آیههای ۱۷۰ و ۱۱۸ و ۱۸۲). از امیر مؤمنان (ع) روایت است که: هر کس کم فروشی نکند آخرین سخن او این باشد (سبحان ...) بتعداد هر مسلمانی برای او حسنه‌ای نوشته شود، موقع بیرون رفتن

از مسجد پای چپ را جلو بگذار، و بگو: (خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و درهای رحمت و فضل خود را بروی ما بگشای ای ارحم الراحمین) و بکوش که قبل از طلوع خورشید حرف نزنی، بلکه بدعا و قرائت قرآن مشغول باشی.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۸۵

که از نبی اکرم (ص) روایت است که هر کس از طلوع فجر تا طلوع خورشید در جای نماز خود بنشیند خداوند او را از آتش دوزخ محفوظ بدارد. از امیر مؤمنان (ع): بخدا یاد خدا پس از نماز صبح تا طلوع خورشید برای طلب روزی از کوشش و مسافرت بهتر است. از امام پنجم (ع): شیطان لشکر شب خود را از غروب تا مغرب پراکنده میکند و لشکر روز خود را از طلوع فجر تا طلوع آفتاب منتشر میسازد پس در این دو ساعت بسیار با خدا باشید که ساعتهای غفلت است. از امام ششم (ع): خواب بامداد شوم است، روزی را کم می کند و چهره را زرد و پژمرده میسازد، و خواب این ساعت خواب انسانهای بیچاره است که خداوند متعال روزی را از طلوع فجر تا طلوع خورشید پخش می کند پس از خواب این ساعت بپرهیزید. از امام پنجم (ع): خواب اول روز فرسودگی و خواب بعد از عصر احمقی است، و خواب بین مغرب و عشاء روزی را بر انسان حرام میکند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۸۶

امام هشتم (ع) فرمود: (در تفسیر آیه شریفه- تقسیم کنندگان کارها و امور): ملائکه روزیهای بنی آدم را پخش می کنند بین طلوع فجر تا طلوع خورشید، هر که در این وقت بخوابد، از روزی خود خوابیده است. معمر بن خلاد گوید: حضرت رضا (ع) در خراسان چون نماز صبح را میخواند در جای نماز خود می نشست تا آفتاب طلوع میکرد، بعد ظرف مسواکی می آوردند و حضرت مسواکها را یکی یکی بر میداشت و پی در پی مسواک می کرد، بعد مقداری کندر می جوید، بعد قرآن میخواست و تلاوت میفرمود.

فصل سوّم (صلوات بر نبی اکرم (ص) و استغفار و ذکر و گریه)

(در تسبیح و تحمید و تهلیل و تکبیر)

از امام ششم (ع): پیغمبر (ص) رو به اصحاب کرد و فرمود: سپرهای

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۸۷

خود را بردارید گفتند برای دشمنی که در کمین ماست؟ فرمود: نه بلکه از آتش، و بگوئید

سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر.

و از آن حضرت (ع): پیغمبر (ص) فرمود:

(سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر)

بسیار گوید که این تسبیح در قیامت خواهد آمد در حالی که مقدمات و مؤخرات و عقبهائی دارد و از باقیات صالحات و یادگارهای نیک میباشد. از ابی بصیر از امام صادق (ع): پیغمبر (ص) به اصحابش فرمود اگر همه لباس و ظروف و وسایل خود را رویهم نهید و از آنها بالا بروید با آسمان میرسید؟

گفتند نه، فرمود: خواهید شما را به چیزی رهبری کنم که ریشه‌اش در زمین و شاخسارهایش در آسمانست؟ گفتند: آری، فرمود: پس از نماز واجب سی بار بگوید:

(سبحان الله ...)

که هر روزی که آن را بگویید، ویرانی، آتش‌سوزی، غرق، سقوط در چاه، و گرفتار درنده شدن، و مرگ بد، و بلایای آسمانی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۸۸

را از شما در آن روز می‌گرداند، و برای شما باقیات الصالحات است. از نبی اکرم (ص): هر که چهار چیز را واجد باشد بهشتی است، هر که نگهدار و پناه او شهادت به لا إله إلا الله باشد، و چون نعمتی باو رسد (الحمد لله) بگوید، و چون لغزش کند، (استغفر الله) گوید، و پس از هر مصیبتی (إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) گوید. از نبی اکرم (ص): فقرا خدمت پیغمبر (ص) رسیدند و عرضه داشتند که اغنیاء میتوانند که بنده آزاد کنند و ما نداریم، و حج بروند، و صدقه دهند و جهاد کنند و ما نمیتوانیم، فرمود: هر که صد بار (الله اکبر) گوید از آزاد کردن صد بنده برتر است، و صد بار تسبیح از صد بار قربانی بحج بردن بالاتر است و صد بار تحمید (الحمد لله) برتر است از صد اسب امتعه و اسلحه که در راه جهاد خدا بکار رود، و هر که لا إله إلا الله گوید در آن روز بهترین مردم است

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۸۹

از نظر عمل مگر کسی که بیشتر گفته باشد، این گفته نبی اکرم به گوش اغنیاء رسید و آنان همه آنها را انجام دادند، فقیران دوباره محضر پیغمبر صلی الله علیه و آله رسیدند و گفتند یا رسول الله اغنیاء نیز آنچه فرمودید عمل کردند، حضرت فرمود: (این فضل الهی است که به هر که خواهد عنایت کند). و نیز فرمود (ص): اگر یک بار

(سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر)

بگوییم: برایم بهتر است از آنچه خورشید بر آن می‌تابد.

حمد گفتن (تحمید)

از امام ششم (ع): پیغمبر چون صبح میکرد ۳۶۰ بار خدا را حمد میگفت (به تعداد رگهای بدن) به ابن صورت

(الحمد لله كثيرا علی کل حال)

و در حدیث دیگر است که شب نیز به همین تعداد خدا را حمد می‌کرد. نبی اکرم فرمود: اول کسانی که به بهشت خوانده میشوند کسانی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۹۰

هستند که خدا را بسیار حمد می‌کنند و او را در نهان و آشکار سپاس میگویند. از حضرت پرسیدند که باغهای بهشت کجاست فرمود آنجا که ذکر خدا باشد صبح و شام در ذکر خدا بسر برید. از امام ششم (ع): شکر هر نعمتی هر چند که بزرگ باشد آنست که خدا را حمد گوئی. و نیز خداوند به هیچ مؤمنی نعمتی ندهد که او خدا را بر آن نعمت شکر گوید مگر اینکه این شکر و حمد برتر و وزین تر و

بزرگتر از آن نعمت است آن نعمت هر چه که باشد. استر امام باقر (ع) در بین راه مکه و مدینه فرار کرد امام فرمود اگر خدا استرم را باز گرداند او را چنان که سزاوار است شکر گویم چون استر باو رسید سه بار فرمود (

الحمد لله رب العالمین

(و سه بار فرمود:

(شکر الله)

ابی حمزه گوید: امام (ع) بمن فرمود مایلی که بتو حمدی بیاموزم که از سپاس دیگری ترا بی نیاز کند؟ گفتم: آری، فرمود بگو:

(اللهم لك الحمد

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۹۱

بمحمادک کلها علی جمیع نعمک کلها حتی ینتهی الحمد الی ما تحبّ و ترضی

- خدایا ترا بر همه خوبیهایت سپاس و بر همه نعمتهایت شکر تا حدّی که خشنود و راضی باشی). از امام ششم (ع): هر که صبح چهار بار گوید (

الحمد لله رب العالمین

(شکر آن روز را گزارده، و هر که سر شب چهار بار آن را بگوید شکر آن شب را ادا نموده. از امام ششم (ع): هر که بگوید:

(الحمد لله كما هو اهله)

نویسندگان آسمان را بنوشتن ثواب آن مشغول و سرگردان سازد، پرسیدم چگونه؟ فرمود ملائکه گویند: خداوندا ما غیب نمیدانیم (که اهلیت تو برای حمد چقدر است)، خداوند فرماید که عین گفته او را بنویسید ثوابش با من است. از نبی اکرم (ص) هر که گوید: (خدا را بر همه نیکی هایش از آنچه میدانیم و آنچه که نمیدانیم سپاس و در همه حال سپاس با نعمت های او بر من و همه مخلوقاتش موازنه کند) خداوند متعال میفرماید: (بندهام به سر

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۹۲

حد خشنودی من رسید و من او را در بهشت به خواسته اش می رسانم). مردی خدمت امام صادق (ع) آمد و عرضه داشت، من پیرمردی هستم دعائی کامل بمن بیاموز، فرمود: خدا را حمد کن که چون حمد گوئی هیچ نمازگزاری نباشد مگر آنکه ترا دعا گوید، زیرا هر نماز خوان گوید

(سمع الله لمن حمده

- خدا حمد همگان را مستجاب کند). از نبی اکرم (ص): در انسان ۳۶۰ رگ است که / ۱۸۰ عدد متحرک است و / ۱۸۰ ساکن. اگر متحرکها باز ایستند آدمی زنده نماند و اگر ساکتها بحرکت آیند انسان بمیرد. و نبی اکرم هر روز بهنگام طلوع آفتاب و اول شب ۳۶۰ بار میفرمود:

(الحمد لله رب العالمین کثیرا علی کل حال

.) (تمجید و ثناء حق گفتن)

زراره گوید: به امام باقر (ع) گفتم: چه عملی نزد خدا محبوبتر است

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۹۳

فرمود: ثنا گفتن او. از امام ششم (ع): خداوند در روز و شب سه بار خود را ثناء گوید هر که خدا را بآنچه که خود ثنای خود کند مدح و ثناء گوید اگر در شقاوت باشد به سعادت بازگراید. از نبی اکرم (ص): هر دعائی که قبل آن ثناء خدا نباشد ناقص است پرسیدم کمترین حد ثنا گفتن چیست؟ فرمود: خداوند تو اولی که پیش از تو چیزی نباشد و آخری که بعد از تو چیزی نباشد و تو ظاهری که بالاتر از تو نباشد و تو پنهانی که از تو چیزی جدا نیست و تو عزیز و حکیمی).

(تسبیح)

یونس بن یعقوب گوید به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم هر که صد بار

(سبحان الله)

گوید از آنهاست که خدا را زیاد ذکر گفته؟ فرمود:

آری. از امام پنجم: هر که زیاد

(سبحان الله)

گوید و بر او گران نیاید خدا

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۹۴

ملکی با دو بال و یک زبان بیافریند که تا قیامت برایش استغفار گوید، و هم چنین است

(الحمد لله)

) و

لا اله الا الله

) و

(الله اکبر)

. از امیر مؤمنان (ع): تسبیح میزان اعمال را تا نیمه پر میکند، و حمد آن را آکنده می سازد، و (الله اکبر) بقدر بین زمین و آسمان را پر مینماید. و از آن حضرت: هر که اول شب سه بار بگوید: (تسبیح میگویم خدا را در آغاز شب و روز، و در همه آسمانها و زمین و شب و

ظهر سپاس مختص باوست) هیچ خوبی در آن شب از او فوت نشود و از همه بدیهای آن شب مصون بماند و هم چنین است کسی که صبح آن را بگوید.

تهلیل (لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) گفتن

از نبی اکرم (ص): هیچ کلامی نزد خدا از (لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) محبوبتر نیست، و هیچ بندهای با صدای بلند آن را نگوید مگر آنکه گناهانش بریزد چنان که برگ درختان میریزد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۹۵

از نبی اکرم (ص): بهترین عبادت گفتن (لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) است. از نبی اکرم (ص): خداوند را ستونی است از یاقوت سرخ که سر آن زیر عرش است که چون بندهای (لا اله ...) گوید: عرش بلرزد و عمود بتکان آید، خداوند بعرض گوید: آرام گیر، وی گوید چگونه آرام شوم که گوینده (لا اله ...) را نیامرزیده‌ای، حق متعال فرماید: ای ساکنان آسمان بدانید که آمرزیدمش. از امیر مؤمنان (ع): هیچ مسلمانی نگوید (لا اله ...) مگر آنکه (لا اله ...) هر سقفی را بشکافد و با آسمان بالا رود، و بهیچ گناه او نرسد مگر آنکه آن را محو گرداند، و به حسنات تبدیل شود آنگاه باز ایستد. از امام ششم علیه السلام: (لا اله الا ...) گفتن بهاء بهشت است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۹۶

نبی اکرم (ص) برای مردگان لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تلقین بخوانید که گناهان او را معدوم میسازد، پرسیدند یا رسول الله آن کس که در حال سلامت و با زبان خود آن را بگوید چه؟ فرمود گناهان او را معدوم میسازد که لا اله

برای مؤمن در زندگی و بهنگام مرگ و در وقت زنده شدن وسیله ایمنی است. از امام ششم (ع): هر که در روز صد بار لا اله ... گوید عملش از همگان برتر است مگر کسی که بیشتر آن را گفته باشد. از نبی اکرم (ص): هر که لا اله ... را با اخلاص گوید به بهشت در آید، و اخلاصش آن است که او را از محرمات الهی باز دارد. از نبی اکرم (ص): من و گذشتگان پیش از من کلمه‌ای بهتر از لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ نگفته‌ایم. از نبی اکرم (ص): هیچ مؤمن لا اله الا نگوید جز آنکه گناهان او از نامه اعمالش محو شود و به ثوابها بدل گردد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۹۷

(تکبیر و دیگر چیزها)

ابی حمزه ثمالی گوید: از حضرت سجاد علیه السلام شنیدم که هر کس شب صد بار تکبیر گوید چنانست که صد بنده آزاد کرده. از حضرت رضا (ع): پدرم میفرمود: هر که

لا حول و لا قوة الا بالله

گوید خداوند ۹۹ نوع بلاء دنیوی را از او بگرداند که کمترین آنها خناق است. نبی اکرم فرمود: هر که صبح که از خانه بیرون میرود بگوید:

(بسم الله لا حول و لا قوة الا بالله توكلت على الله)

فرشتگان مأمور اعمال او گویند کفایت و محفوظ و هدایت شدی، و شیطان میگوید: من با بنده‌ای که محافظت و هدایت شده باشد چه می‌توانم کرد. از امام ششم (ع): هر که ده بار یا الله گوید: پاسخ داده شود لبیک حاجت چیست؟ و هر که ده بار یا رب گوید: پاسخ داده شود: لبیک حاجت را بخواه، و هر که هفتاد بار گوید:

(ما شاء الله لا قوة الا بالله)

خداوند/ ۷۰ نوع بلا از او بگرداند که کمترین آنها خناق است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۹۸

از آن حضرت (ع): هر که هر روز سی بار گوید:

(لا اله الا الله الملك الحق المبين)

غنا و مالداري باو روی آرد و فقر باو پشت کند و در بهشت را کوبیده است. پیغمبر (ص) فرمود: نسبت خانه‌ای که در آن ذکر خدا گفته شود به خانه‌ای که در آن ذکر خدا گفته نشود، چون زنده است نسبت بمرده. و فرمود (ص): مردمی که ذکر خدا گویند ننشینند مگر آنکه فرشتگان بر گردشان فراوان آیند و رحمت ایشان را فرو گیرد، و به ایشان آرامش عطا گردد و خداوند او را در میان بندگان خود از او نام برد. و از آن حضرت پرسیدند که ما را به کدامیک از سنت‌های اسلام دستور می‌دهید؟ فرمود باینکه همواره زبانتان گویای خدا باشد. از نبی اکرم (ص): به باغهای بهشت سبقت جوئید و دست یازید،

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۹۹

پرسیدند باغهای بهشت چیست؟ فرمود مجالس ذکر. پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم چندان فرمود: خدا را بسیار یاد کنید که گفتند مجنون است. از امالی: صاعقه به کسی که ذکر خدا گوید نخواهد رسید. از امام (ع): لقمان به پسر گفت: پسرکم در هر مجلس به افراد جلسه با نظر دقت بنگر اگر مردمی بودند که خدا را یاد میکنند با ایشان بنشین که اگر عالم باشی بر علمت بیفزاید و اگر جاهل باشی بتو علم یاد دهند و چه بسا که خداوند بر ایشان سایه رحمت گسترد و آن رحمت شامل حال تو نیز بشود و اگر افراد مجلس را دیدی که خدا را یاد نمیکنند با آنان منشین که از علم خود در آنجا سودی نبری، و اگر جاهلی بر جهل تو بیفزاید، و شاید خداوند عقابی بر ایشان بفرستد و ترا هم در بر گیرد. پیغمبر (ص) فرمود: هیچ مردمی برای ذکر خدا گرد هم ننشینند مگر آنکه (از طرف خداوند) منادی‌ای از آسمان بایشان ندا کند که بپا خیزید

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۰۰

که گناهان شما را به حسنات تبدیل کردم و همه شما را بخشیدم، و هیچ عده از مردم زمین برای ذکر خدا نمی‌نشینند مگر آنکه ملائکه با ایشان می‌نشینند و هیچ جمعی برای ذکر خدا نمی‌نشینند مگر آنکه ملائکه گرد ایشان جمع میشوند و رحمت آنها را فرو می‌گیرد و آرامش بر آنها فرود می‌آید، و خداوند با کسانی که نزد اوست یاد آنها را مینماید. از نبی اکرم (ص) پرسیدند: باغهای بهشت کجاست؟ فرمود:

مجالس ذکر، صبح و شام بذکر خدا بروید.

(در صلوات فرستادن بر نبی اکرم و اهل بیت او)

از نبی اکرم روایت است که: چون اسم پیغمبر برده شود بسیار بر وی صلوات بفرستید، که هر که یک صلوات بر پیغمبر (ص) بفرستد، هزار صف فرشته بر او درود می فرستند، هیچ مخلوقی نماند مگر آنکه بروی درود میفرستند، زیرا که خدا و فرشتگان بروی صلوات میفرستند، و هر که به این ثواب عظیم میل نشان ندهد جاهل و مغرور است، و خداوند و پیغمبر (ص)

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۰۱

از وی بری و بیزار هستند. از نبی اکرم (ص): من در قیامت نزد میزان هستم، و هر که گناهانش بر ثوابهایش فزونی گیرد صلواتهایی را که بر من فرستاده می آورم تا بدانها میزان اعمالش سنگین گردد. از علی (ع): هیچ دعائی باسماں بالا نمیروند، مگر آنکه بر محمد و آل او درود فرستاده شود. از امام ششم (ع): در یکی از کتب خوانده ام که هر کس بر محمد (ص) صلوات فرستد خداوند صد حسنه برایش بنویسد، و هر که بگوید: صلوات و درود خدا بر محمد و اهل بیت او خداوند هزار حسنه برایش بنویسد. نبی اکرم (ص): سزاوارترین مردم بمن در قیامت آن کس است که بیشتر بر من درود فرستد. و نیز فرمود: بخیل کسی است که نام من نزد او برده شود و او بر من صلوات نفرستد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۰۲

و نیز از آن حضرت روایت است: که هر فردی از امتم که با اخلاص بر من صلوات فرستد خدا ده بار بر او درود فرستد و ده درجه او را بالا برد و ده ثواب برایش بنویسد و ده گناه از نامه عملش محو گرداند. و نیز فرمود: بلند بر من صلوات بفرستید که این عمل نفاق را ببرد. (استغفار و گریه)

از نبی اکرم (ص): هر دردی دوائی دارد و داروی گناهان استغفار است. از علی (ع): شگفتا از کسی که ناامید باشد و نجات با اوست، پرسیدند نجات چیست؟ فرمود: استغفار. و نیز نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: سه صدا را خداوند دوست دارد: صدای خروس و صدای قاری قرآن، و صدای استغفارکننده در سحرگاهان.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۰۳

از امام ششم (ع): هر که وقت خواب صد بار (استغفر الله) بگوید گناهانش جملگی چون برگ درختان بریزد، و صبح که برخیزد گناهی برایش نماند. و از آن حضرت: هر که پس از عصر ۷۰ بار خدا را استغفار گوید خداوند / ۷۰۰ گناه آن روز او را ببخشد، و اگر گناهی نداشته باشد گناهان پدرش را و اگر نه گناهان مادرش را و اگر نه گناهان برادرش و اگر نه گناهان خواهرش و اگر نه گناهان خویشانش را ببخشد. اسماعیل گوید: به حضرت جواد (ع) نامه نوشتم بمن چیزی بیاموز که اگر بگویم در دنیا و آخرت با شما باشم، حضرت بخط خود جواب نوشت (انا انزلناه ...) زیاد بخوان و زبانت را به استغفار مشغول بدار. از نبی اکرم (ص): خوشا بحال کسی که در قیامت در نامه عملش از هر گناهی استغفاری باشد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۰۴

از امام صادق (ع): بنده ای که زیاد استغفار گوید، نامه عملش چون بالا رود درخشان باشد. نبی اکرم (ص) از هیچ مجلسی اگر چه مختصر بود بر نمی خاست مگر آنکه ۲۵ بار استغفار می نمود و از قسمهای حضرت این بود (نه، استغفر الله). از امام صادق (ع): توبه کننده

از گناه چون کسی است که گناه ندارد، و آن کس که به گناه ادامه دهد و استغفار گوید، چون مسخره کنندگان است. از امام ششم (ع): اگر بنده‌ای گناه کند و نعمت تازه‌ای به او رسد و استغفار را ترک نماید، مورد ریش خند و انتقام الهی است. و نیز فرمود: هر مؤمنی که گناه کند از صبح تا شام به او مهلت داده شود اگر توبه کند گناه او نوشته نشود. و فرمود: خداوند پس از بیست و چند سال گناه بنده را به خاطرش

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۰۵

می آورد تا استغفار کند و آمرزیده شود. از نبی اکرم (ص): استغفار و لا إلهَ إِلاَّ اللهُ، بهترین عبادتست، خداوند فرماید: (بدان که جز الله خدائی نیست، و بر گناهانت استغفار کن). شخصی در محضر حضرت علی (ع) گفت (استغفر الله) حضرت فرمود مادرت بر تو سوگ کند، میدانی استغفار چیست؟ استغفار درجه علیین است، و اسم است برای شش چیز: اول: پشیمانی بر گذشته، دوم تصمیم بر عدم بازگشت به گناه در آینده، سوم حقوق مردم را اداء کنی بطوری که با حالتی پاک و بی آنکه حقی بگردنت باشد خدا را ملاقات کنی، و چهارم هر فریضه ای را که از تو فوت شده قضا کنی، پنجم گوشتهائی که از گناه و در حال گناه بر تن تو روئیده با حزن و اندوه آب کنی تا پوستت با استخوان بچسبد و گوشت تازه‌ای برآید، ششم بدن خود رنج طاعت را بچشانی چنان که شیرینی گناه را چشانده‌ای، بعد از این کارها بگو (استغفر الله).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۰۶

امیر مؤمنان (ع) فرمود: در زمین دو وسیله برای امان از عذاب الهی است، یکی از آن دو از دست رفته، و اینک بدو می متمسک شوید، اما امان اولی رسول اکرم (ص) است، ولی امان دوم استغفار است، که خداوند متعال گوید (خداوند ایشان را عذاب نکند که تو در بین ایشان هستی، و در حالی که استغفار می کنند) و در دنیا جز برای دو کس خیر وجود ندارد: کسی که چون گناهی مرتکب شود آن را با توبه جبران کند، و کسی که به کارهای نیک دست یازد هر که توبه کند از قبول توبه محروم نماند، و هر که استغفار کند از مغفرت محروم نگردد، و تصدیق این سخن در کلام الهی است: (هر که بدی کند یا بخود ستم روا دارد (گناه نماید)، و سپس استغفار نماید، خداوند را غفور و رحیم خواهد یافت- النساء/ ۱۱۰) و فرمود: (توبه برای کسانی است که از روی نادانی گناهی کنند و سپس بزودی توبه نمایند، اینهاند که خداوند توبه ایشان را قبول فرماید، که خداوند دانا و حکیم است- النساء/ ۲۱). از امام صادق (ع): نبی اکرم (ص) هر روز / ۷۰ بار استغفار میکرد پرسیدند چه میگفت؟ فرمود: میفرمود: ۷۰ بار (استغفر الله) و / ۷۰ بار

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۰۷

(اتوب الیه) می فرمود. از امام ششم (ع): هر که پس از نماز واجب پیش از پا شدن سه بار گوید:

(استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم ذا الجلال والاکرام واتوب الیه)

خداوند گناهانش را بیامرزد گر چه بقدر کف دریاها باشد، و در روایت، دیگر است که: خداوند ۴۰ گناه کبیره‌اش را ببخشد اگر آن را هر روز بگوید.

(گریه)

از نبی اکرم (ص): هر چشمی در قیامت گریان خواهد بود مگر سه چشم: چشم گریان از ترس خدا، و دیده‌ای که از گناه پوشیده شود، و چشمی که شبها برای خدا بیدار بماند. از امام رضا (ع): هر که بیاد مصیبت‌های ما بگرید یا حالت گریه بخود گیرد روزی که همه دیدگان گریان باشد دیدگان او گریان نشود. از امام ششم (ع): گریه‌کنندگان پنج تن بودند: آدم، یعقوب،

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۰۸

یوسف، فاطمه (ع)، زین العابدین (ع)، اما آدم (ع): برای بهشت چندان گریست که گونه‌هایش چون گودبهای آبی شد، اما یعقوب (ع) چندان گریه کرد که چشمانش را از دست داد، باو گفتند: (بخدا آنقدر یوسف یوسف کنی که هلاک شوی) ولی یوسف در فراق پدر آنقدر گریست که زندانیان را بستوه آورد، و از او خواستند که یا شب گریه کند یا روز، و اما فاطمه (ع) برای پدر چندان گریست که اهل مدینه بستوه آمدند، و باو پیغام دادند که از گریه تو بستوه آمده‌ایم، و از آن پس بکنار مقابر شهداء میرفت و می‌گریست، و بازمی‌گشت. ولی زین العابدین (ع) برای پدر ۲۰ یا ۴۰ سال گریست، و هر گاه طعام میدید می‌گریست تا آنکه خادمش باو گفت: یا ابن رسول الله میترسم خود را هلاک کنی فرمود: بر این اندوه خود بخدا پناه میبرم از جانب خدا امیدی دارم که شما نمیدانید، بیاد قتلگاه بچه‌های زهرا (ع) نمی‌افتم مگر آنکه گریه گلوگیرم می‌شود.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۰۹

موسی پرسید خداوندا پاداش آن کس که از خوف تو بگرید چیست؟

فرمود: او را از آتش دوزخ مصون و از فرع قیامت در امانش خواهم داشت. از امام صادق (ع): چون وفات حضرت مجتبی رسید، می‌گریست پرسیدند یا ابن رسول الله چرا می‌گریی که تو فرزند پیغمبری و رسول اکرم (ص) در باره تو این همه ثناء گفته، و ۲۵ بار پیاده حج رفته‌ای، و سه بار همه مالت را در راه خدا نصف نموده‌ای، فرمود: از دو چیز می‌گیرم: وحشت قیامت و فراق دوستان. از نبی اکرم (ص): هر که از گناه خود چندان بگرید که اشکهایش بر محاسنش فرو ریزد، خداوند چهره‌اش را بر آتش حرام گرداند. و فرمود: هر که بقدر بال مگسی از ترس خدا اشک ریزد خداوند از فرع قیامت نگهش بدارد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۱۰

از امام صادق (ع): خداوند بموسی وحی فرمود: بندگانم بیچیزی که بهتر از این سه چیز باشد بمن تقرب نمی‌توانند یافت: زهد و بی‌علاقه‌گی بدنیا، اجتناب از گناه، گریه از خوف من، موسی پرسید با آن کس که این سه چیز را دارد چه می‌کنی؟ خداوند وحی کرد که: اما زاهدان، در بهشت حکمشان را نافذ گردانم، و اما گریه‌کنندگان، در مقام اعلاى بهشت جای دهم و اما دوری‌کنندگان از گناه، در حساب با ایشان سخت‌گیری و دقت روا نمیدارم. از آن حضرت (ع): یحیی چندان گریست که گوشت گونه‌هایش برفت و بر استخوان گونه پارچه‌ای مینهاد که اشکش نیز بر آن جاری بود، زکریا باو گفت پسر من، من ترا از خدا خواسته‌ام که مایه نشاط من باشی: جواب داد ای پدر بر دوزخ خداوند لغزشگاه‌ها و پرتگاه‌هایی است که از آن سالم نگذردند مگر گریه‌کنندگان از خوف خدا، و من میترسم که پایم بر آنها بلغزد، زکریا نیز از این سخن بیهوش شد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۱۱

امیر مؤمنان (ع): فرمود: گریه و ترس از خدا یکی از احسانها و از رحمت‌های خدا است، اگر واجد آن بودید آن را غنیمت شمردید و دعا کنید، که اگر در یک ملت مردی بگرید خداوند از گریه او بر همه ملت ترحم آرد. و فرمود: اگر اشکت نیامد، حالت گریه بخود گیر و

خوش بحالت اگر بقدر بال مگسی اشکت بیرون آید. از امام پنجم (ع): هر چیزی وزن و اندازه بردار است مگر اشکها، که چون چشمی پر اشک شود، خداوندش بر آتش حرام کند، و اگر اشک بر گونه جاری شود بر آن چهره در قیامت ذلت و گرفتگی نرسد، که قطره‌ای اشک دریاهی آتش را فرو نشاند، و اگر در میان امتی یکنفر بگرید خداوند بر همه آنها رحمت آرد. ابراهیم پرسید: خداوند برای کسانی که چهره از اشک تر کنند چه داری؟

فرمود: مغفرت و خشنودی من پاداش آنست. از امام پنجم (ع): حاجت را بهنگام لرزش تن از خدا، و ریزش اشک، و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۱۲

باریدن باران و رسیدن خورشید بوسط آسمان بخواه، که در این ساعتها درهای رحمت گشوده شود، و کمک فرشتگان و اجابت الهی مورد امید است، و فرمود: زاری و نماز در نزد خدا چنانست که: اگر در سجده اشک بنده جاری شود رحمت خدا فرود آید، و آن دم را برای خواستن حاجت غنیمت دانید و فرصت شمیرید، و حاجت خود را برای خدا بزرگ بدانید که در نزد خدا بیش از قدرت شماست، و حوائج کوچک را ناچیز مشمرید که محبوبترین مؤمن نزد خدا خواهنده ترین آنهاست. امام پنجم (ع) بر پدر خود وارد شد و دید که چندان عبادت میکند که مانند آن برای کسی ممکن نیست، چهره‌اش از شب‌زنده‌داری زرد شده و چشمانش از گریه سرخ گشته و پیشانی‌اش از سجده پینه بسته، و ساقهایش از قیام در نماز ورم کرده. امام فرماید: من از این حالت پدر بگریه افتادم، پدرم که در فکر فرو رفته بود پس از مدتی متوجه من شد، بمن فرمود صحیفه اعمال جدم را بیاور، آن را گرفت، و مطالعه فرمود، بعد با دلتنگی زمین نهاد، و فرمود:

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۱۳

که میتواند عبادتهای علی را انجام دهد؟ و حضرت زین العابدین چون وضوء میگرفت، رنگش زرد می‌شد، میپرسیدند این چه حالتست؟ می‌فرمود: میدانید که در برابر چه کسی باید بایستم. و حضرت کاظم (ع) از خشیت چندان میگریست که محاسنش از اشکهایش خیس میشد.

فصل چهارم (چند نماز مهم)

(استخاره)

از امام ششم: هر کاری که قصد داری انجام دهی قبل از مشورت با هر کس با خدا مشورت کن، پرسیدند چگونه؟ فرمود: صد بار بگو (از خدا طلب خیر میکنم) بعد با مردم مشورت کن، که خداوند خیر ترا بر زبان هر کس

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۱۴

که دوست دارد می‌نهد. از امام ششم (ع): مشورت با چهار شرط خوب است و گر نه زیانش بر مشورت‌کننده بیش از سود است، اول: شخص مورد مشورت عاقل باشد، دوم: متدین و آزاد مرد باشد، سوم: دوست و برادر باشد، چون بر سر خود آگاهش کنی آن را چون خودت پنهان بدارد، که اگر عاقل باشد از مشورتش سود ببری و اگر متدین و آزادمرد باشد، در خیر خواهی تو خود را برنج افکند، و اگر دوست و برادر باشد رازت را پنهان دارد. از آن حضرت (ع): از مردان پاک و عاقل مشورت کن که تو را جز به خیر نخوانند و هرگز با رای

چنین کسی مخالفت مکن که مخالفت با عاقل متقی موجب فساد دین و دنیا است. از نبی اکرم (ص): مشورت با خردمند خیرخواه صلاح و میمنت، و توفیق الهی است، و چون عاقل خیر خواهی ترا به چیزی بخواند و طرف

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۱۵

مشورت تو قرار گیرد از مخالفت او بپرهیز که در این مخالفت هلاک تو نهفته است. حسن بن جهم گوید: در محضر حضرت رضا (ع) بودیم که نام پدر بزرگوارش برده شد، امام (ع) فرمود: عقل پدرم با عقول همه مردم قابل سنجش نبود با این حال گاهی با غلامان خود مشورت میکرد، بوی میگفتند که با چنین فردی مشورت میکنی؟ می فرمود: چه بسا که خداوند زبان او را به مصلحت میگذارد و چه بسیار که آنان چیزهایی به حضرت تذکر میدادند و حضرت آنها را در کشت و زرع خود بکار می بست. به نبی اکرم (ص) گفتند، احتیاط و دور اندیشی چیست؟ فرمود مشورت از خردمندان و اطاعت از رأی ایشان از وصایای حضرت به علی (ع): تکیه گاهی بهتر از مشورت نیست، و عقلی چون تدبیر نمیباشد، گفتن چیزی را قبل از انجام گرفتن و حتمی شدن آن موجب فساد است. از امام ششم (ع): شخص طرف مشورت باید حدود و شرایطی داشته

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۱۶

باشد، که هر کس آن شرایط را نداند ضرر مشورت با او بیش از سود آنست اوّل آنها آنست که طرف مشورت عاقل باشد، دوّم آنکه آزاد مرد و متدین باشد، سوّم آنکه صدیق و دوست باشد که یک رنگی و برادری کند، چهارم که خبردار شدن او از سرّ تو مثل اطلاع خود تو بر آن باشد (امین بر اسرار باشد) که اگر عاقل باشد مشورت با او سودمند افتد، و اگر آزاد مرد و متدین باشد، خود را برای خیر خواهی توبه تعب افکند، و اگر صدیق و برادر باشد رازت را پنهان دارد، و در این صورت مشورت کامل و صحیح است. از امام ششم (ع): پرسیدند محبوب ترین مردم نزد حق کیست؟

فرمود: آنکه از خدا بهتر اطاعت کند، پرسیدند مبعوض ترین خلق نزد خدا کیست؟ فرمود: آنکه خدا را متّهم کند، پرسیدند مگر کسی خدا را متّهم میکند؟ فرمود: آری آن کس که از خدا استخاره کند و خداوند خیر او را در امری پیش آرد که بر او مکروه و ناملایم باشد و او از این امر بخشم آید ...

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۱۷

از امام ششم (ع): استخاره آنست که انسان در سجده آخر نماز صبح صد بار از خدا طلب خیر کند و یک بار حمد او گوید، و درود بر پیغمبر و آل او فرستد، بعد ۵۰ بار دیگر طلب خیر کند و حمد خدا کند و درود بر نبی اکرم و آل او فرستد. محمّد بن خالد از آن حضرت در باره استخاره جويا شد، فرمود:

در سجده آخر نماز شب صد بار از خدا طلب خیر کن، پرسید چگونه؟

فرمود بگو:

(استخیر الله برحمته)

... علی (ع) دو رکعت نماز میخواند و پس از آن صد بار میفرمود:

(استخیر الله)

بعد میفرمود: بار خدایا میدانی که من قصد کاری را که از آن آگاهی دارم، اگر آن کار برای دین و دنیا و آخرت من خیر است آن را برایم میسر فرما، و اگر برای دین و دنیا و آخرتم شر است مرا از آن باز دار دوست داشته باشم یا مکروه، که تو دانایی و من نمیدانم و تو علّام الغیوب هستی، بعد تصمیم میگرفت.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۱۸

مردی خدمت امام ششم آمد و عرضه داشت جانم فدایت، من گاهی کاری را انجام میدهم بعد پشیمان میشوم، فرمود چرا استخاره نمی کنی عرضه داشت چگونه؟ فرمود: پس از نماز صبح چون دست خود برابر صورت میگیری بگو: (خداوندا تو میدانی و من نمیدانم و تو بر غیبها آگاهی پس بر محمد و آل او درود فرست و در آنچه مورد عزم و اراده من است خیر و برکت و عاقبت قرار ده، بعد سجده کن و در آن صد بار بگو:

(استخیر الله برحمته، استقدر الله فی عافیة بقدرته)

، بعد از آن حاجت تو برآید که به هر حال خیر تو در آن باشد و خدا را در آنچه میکنی متهم مکن. از آن حضرت (ع): هیچ بندهای از خداوند این چنین طلب خیر نمیکند مگر آنکه خداوند او را بسوی خیر میبرد: (ای بینندهترین بینندگان و ای بهترین شنوندگان وای سریع ترین حساب کنندگان وای ارحم الراحمین و ای بهترین حکم کنندگان، بر محمد و آل او درود فرست و در این کار برایم خیر پیش آور.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۱۹

(نماز استخاره)

حسن بن جهم از امام رضا (ع) پرسید در باره ابن اسباط چه میگوید که ما همگی باو میگوییم که از راه خشکی سفر کند و او قصد دارد از راه دریا به مسافرت برود شما برتری راه خشکی را باو گوشزد کنید، حضرت باو فرمود: در غیر وقت نماز واجب به مسجد برو، و دو رکعت نماز بخوان و صد بار از او طلب خیر کن، بعد بنگر که در دل خود چه احساس میکنی بهمان عمل کن حسن گفت خشکی نزد من بهترین است از دریا، او گفت نزد من نیز. از امام پنجم (ع): حضرت زین العابدین وقتی تصمیم حج یا عمره یا خرید و فروش ... میگرفت دو رکعت نماز استخاره میخواند و در آن سوره (حشر) و (الرحمن) و (معوذتین) و (توحید) را تلاوت مینمود و بعد میفرمود: خداوندا اگر این کار ... برای دنیا و آخرتم خیر است آن را برایم میسر گردان و مرا بر آن مصمم بدار، اگر چه نزد من مکروه و ناملایم باشد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۲۰

از امام ششم: هر گاه میخواست غلام یا چهار پا یا چیزی دیگری بخرد یا هر کار کوچکی انجام دهد از خدا طلب خیر می کرد، و اگر کار مهمی بود صد بار میگفت

(استخیر الله)

(نماز دیگر)

از امام ششم (ع): هر گاه قصد کاری داری، دو رکعت نماز بخوان و خدا را حمد و ثنا گو، و بر محمد و آل او درود فرست و بگو: (خداوندا اگر این کار برای دین و دنیای من خیر است برایم میسر کن و گر نه از من بگردان، راوی گوید پرسیدم چه چیز در دو رکعت نماز بخوانم امام فرمود: هر سوره‌ای که میخواهی و اگر خواستی (سوره توحید) و (سوره قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ) بخوان.

(نماز دیگر)

اسحق بن عمار گوید به امام ششم (ع) گفتم: چه بسا در کاری که

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۲۱

قصد انجام آن را دارم عده‌ای میگویند بکن و عده‌ای میگویند نکن امام فرمود: در این وقت دو رکعت نماز بخوان و ۱۰۱ بار از خدا طلب خیر کن بعد توجه کن اگر بر انجام آن مصممی آن را انجام ده، که ان شاء الله در آن خیر خواهد بود، و استخاره تو در طلب عافیت باشد که چه بسا خیر انسانی در این است که دستش بریده شود و خود و فرزندش بمیرد و مال او از بین برود.

(نماز دیگر)

از امام ششم (ع): چون قصد انجام کاری داشته باشی ۶ برگ کاغذ بردار و در سه برگ آن بنویس: (

بسم الله الرحمن الرحيم

، از خداوند عزیز و حکیم برای قبول فلان فرزند فلانه استخاره میکنم) و در سه برگ دیگر بنویس: (از خداوند عزیز و حکیم برای ترک فلان استخاره میکنم). بعد برگ‌ها را زیر سجاده بنه، و دو رکعت نماز بگذار و بعد از نماز به سجده برو و صد بار بگو

(استخیر الله برحمته خیرا فی عافيته)

بعد بنشین و بگو

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۲۲

(نماز دیگر)

از امام (ع): به یکی از اصحابش که سؤال کرده بود وقتی در انجام کاری مشاور خوب پیدا نشود چه کنم؟ فرمود: با خدا مشورت کن، پرسید چگونه؟ فرمود در یک برگ نعم (آری) و در دیگری لا (نه) بنویس و آن دو را در لای دو قطعه گل بگذار، و دو رکعت نماز بخوان و آنها را زیر سجاده بگذار و بگو: (خداوندا در این کار با تو مشورت میکنم، و تو بهترین مشاور و آنچه صلاح و خوبی و عافیت دارد مرا رهبری کن) بعد دست ببر و یکی از آن دو را بردار اگر (نعم) بر آن شد انجام ده و گر نه (لا) باشد انجام مده.

(نماز دیگر)

از جابر: پیغمبر اکرم (ص) به ما استخاره یاد میداد چنان که سوره قرآن می‌آموخت، و میفرمود وقتی یکی از شما قصد کاری دارد دو رکعت نماز بخواند، و بگوید: (خداوندا من از علم تو خیر را میجویم و از قدرت تو توانائی میطلبم، و فضل و احسان تو را مسألت مینمایم، که تو قادری و من

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۲۳

ناتوان، و تو عالمی و من نادان، و تو علّام الغیوب هستی، خداوندا اگر این کار را برای دین و دنیا و عاقبت کارم خیر میدانی آن را برایم مقدر کن، و مبارک قرار ده، و اگر آن را برای دین و دنیا و عاقبت شرّ میدانی، آن را از من بگردان و خیر را از هر جا که باشد برایم مقدر کن و مرا بآن خوشنود بدار). از مسعده: از امام ششم (ع) شنیدم که فرمود: بجای

(اللّهم انی استخیرک بعلمک و استقدرک بقدرتک)

بگو

(اللّهم انی استخیرک برحمتک و استقدرک الخیر بقدرتک علیه)

زیرا عبارت اوّل شامل خیر و شرّ هر دو هست و چون با خدا شرط کردی که خیر و شرّ مرا مقدر کن اگر دعایت، مستجاب شود این (خواستن شرّ) شرط خود توست بلکه بگو (خداوندا از رحمت تو طلب خیر میکنم و از قدرت تو خیر میجویم که تو بر آشکار و نهان عالمی و رحمان و رحیمی، از تو مسألت دارم که بر محمّد و آل او درود فرستی چنان که بر ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی که تو حمید و مجیدی، خداوندا اگر این کار

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۲۴

مورد نظر من برای دین و دنیا و آخرتم خیر است برایم میسر کن و گر نه آن را از من بگردان. از امام ششم (ع): یکی از اجدادم میفرمود: (خداوندا همه سپاسها برای تو و همه خیرها بدست توست، خداوندا از رحمت تو خیر طلب میکنم و از قدرت تو خیر میجویم، که تو بر آن قادری و من ناتوان و تو عالمی و من بی‌خبر و تو علّام الغیوب هستی، خداوندا آنچه بطاعت تو نزدیک، و از عصیان تو بدور است و مورد رضایت تو و اداکننده حق توست آن را برایم میسر گردان و آنچه غیر از این است از من بگردان، و مرا از آن منصرف نما که تو لطیف و توانائی. از امام صادق (ع): دو رکعت نماز بگزار و از خدا طلب خیر کن، که بخدا قسم هیچ مسلمانی از خدا طلب خیر نمیکند مگر آنکه خداوند برای او خیر پیش می‌آورد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۲۵

(نماز برای قرعه زدن به قرآن)

نماز جعفر را بخوان، بعد دعای پس از نماز را بخوان و قرآن را بدست گیر، و فرج آل محمّد (ص) را مقصود خود قرار ده و بگو: (خداوندا اگر در قضا و قدر تو اینست که در کار وّالی و حجت خود در این سال و این ماه فرج کنی آیه‌ای بیاور که بتوانم از آن بر این مطلب استدلال کنم) بعد قرآن را بگشا و هفت ورق بزن و سپس ده سطر از پشت ورق هفتم بشمار و ببین در سطر یازدهم چه نوشته، بعد همین کار را برای کار خود انجام ده که مقصود ترا بیان خواهد کرد. راوی گوید به حضرت صادق (ع) گفتم: من گاهی برای انجام کار

خود استخاره میکنم جایز است یا نه؟ فرمود: انسان وقتی به نماز می‌ایستد شیطان از او بسیار دور است، در آن موقع ببین چه تصمیم و نظری در تو پیدا می‌شود بهمان عمل کن و قرآن را بگشا، و اول آیه آن را بخوان و به همان عمل کن.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۲۶

(حاجت خواستن)

امیر مؤمنان (ع) فرمود: هر که وقت بیرون رفتن از خانه انگشتر را بطرف کف دست بچرخاند و (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ ...) بخواند و بعد بگوید (به خداوند یگانه بی شریک ایمان آوردم و به سرّ و آشکار آل محمّد (ص) ایمان آوردم) در آن روز مکروهی نبیند.

(نماز حاجت)

از امام ششم (ع): چون شما مریض میشوید به طبیب مراجعه میکنید و پول میدهید، و اگر بسلطانی حاجتی دارید به درباریان رشوه میدهید، پس اگر به شما کاری مشکل روی آرد، بدرگاه حق تضرع کنید و تطهیر نمائید و صدقه دهید و به مسجد بروید و دو رکعت نماز بخوانید و حمد و ثنای خدا گوئید و بر نبی و آلش درود فرستید و بگویید (خداوندا درخواست دارم که مرا از بیماریم نجات بخشی یا سلامت از سفر بازم گردانی، یا از این که میترسم نگهداریم کنی) خداوند حاجت شما را بر آورد و این قسم واجب است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۲۷

(نماز دیگر)

در نیمه شب غسل کن و دو رکعت نماز بگزار در رکعت اول (قُلْ هُوَ اللَّهُ) را پانصد بار بخوان و همین طور در رکعت دوم، و در رکعت دوم پس از قرائت آخر سوره حشر و ۶ آیه اول سوره حدید را بخوان و در حال ایستاده صد بار بگو:

(إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ) بعد نماز را تمام کن و حمد خدا گوی که حاجت روا شود و اگر نشد در مرتبه دوم و سوم روا شود.

(نماز دیگر)

از امام ششم (ع): چون حاجت مهمی داشتی سه روز پشت سر هم روزه بگیر (چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه) در روز جمعه غسل کن و لباس نو بپوش و ببالاترین اطافهای خانه برو و در رکعت نماز بخوان و دست باآسمان بردار و بگو: (خداوندا بدرگاه تو روی نیاز آورده‌ام چون میدانم که تو یگانه

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۲۸

و بی‌نیازی و جز تو کسی بر حاجت من توانائی ندارد، و بار پروردگارم میدانم هر چه نعمتهایت بیشتر بمن روی آورد نیازم به تو فزونی گیرد، و اینک غم این کار مرا بخود مشغول داشته و تو بر حلّ آن توانا و دانائی، و بی‌رنج و مشقت وسعت دهنده‌ای، پس بآن اسم خود که آن را بر کوهها نهادی برافراشته شد و بر آسمانها گزاردی شکافته گشت، و بر ستارگان نهادی پراکنده شد و بر زمین نهادی گسترده شد، و هم سؤال میکنم بآن اسمی که بر محمّد صلی الله علیه و آله و عترت او نهادی که بر آنها درود فرستی و حاجتم را بر آری و مشکلاتش را بر من هموار سازی و مهمّاتش را کفایت نمائی، و اگر بکنی یا نکنی حمد تو راست که تو در حکم و کار خود ستم و جور

نمیکنی و در اجرای عدل خود هراسی نداری) بعد گونه بر زمین نه و بگو: (خداوندا یونس بنده تو تو را در شکم ماهی خواند، او را جواب دادی و من بنده تو تو را میخوانم جوابم ده). امام فرمود: برای کارهای بسیاری این دعا را خواندم و حاجت روا گشتم.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۲۹

(نماز دیگر)

از موسی بن جعفر (ع): چون گرفتاری بزرگ برایت پیش آید، در همان روز به ۶۰ مسکین هر کدام نصف صاع (پنج سیر تقریباً) خرما یا گندم یا جو صدقه ده. و در شب در ثلث آخر شب غسل کن، و کمترین لباس خود و شلوارت را بیوش و دو رکعت نماز بخوان و در آن سوره توحید و (قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ) را بخوان و چون سر بسجده رکعت آخر گزاردی خدا را تهلیل بگو و تقدیس کن، و به مجد و عظمت یاد نما، و بگناهان اعتراف کن، آنچه را که بخاطر داری نام ببر آنچه را که بیاد نداری، مجملًا اقرار نما بعد سر بردار و وقتی بسجده دوم رفتی صد بار از خداوند طلب خیر نما و بگو:

(خداوندا من از علم تو طلب خیر میکنم) بعد خدا را به هر اسمی که خواهی بخوان و بگو: (ای آنکه قبل از هر چیز بوده‌ای و ای آنکه ایجادکننده هر شیء و بعد از هر چیز وجود داری برایم چنین و چنان کن و بمن ... عنایت فرما و وقتی می‌خواهی به سجده روی پاچه شلوار را بالا زن و ساقها برهنه کن و ران و ساق بزمین بگزار، امیدوارم که ان شاء الله حاجتت روا گردد، و در

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۳۰

دعا ابتداء کن بدرود به پیغمبر و اهل بیت او (ص)

(نماز حاجت)

از حضرت رضا (ع): چون گرفتاری شدیدی برایت پیش آید که ترا غمگین سازد دو رکعت نماز بخوان، در رکعت اول فاتحه و آیه الکرسی و در رکعت دوم فاتحه و (انا انزلناه ...) بعد قرآن را بر بالای سر گذار و ده بار بگو (خداوندا بحق آن کس که او را بر خلق خود به رسالت فرستادی و بحق همه آیه‌های قرآن و بحق کسانی که آنها را در آن مدح کرده‌ای بر تو و بحق تو بر آنها و هیچ کس را از تو بحق تو عارفتر نمی‌شناسم)

(یا سیدی یا الله)

و ده بار بگو:

(بحق محمد، ص)

و ده بار:

(بحق فاطمة)

و بعد یکی یکی ائمه را بهمین نحو نام ببر تا بامام بحق امام زمان (ع) برسی. از جای خود بر نخواهی خواست مگر حاجت روا.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۳۱

(نماز دیگر)

راوی گوید: بامام رضا (ع) عرض کردم: فدایت شوم دعائی برای بر آمدن حاجتها بمن تعلیم کن، فرمود: چون کار مهمتی با خدا داری غسل کن و تمیزترین جامه‌ها را بپوش و عطر بزن و زیر آسمان برو و دو رکعت نماز کن و حمد و (قل هو الله) را ۱۵ بار بخوان و برکوع برو و در رکوع نیز ۱۵ بار آنها را بخوان بعد سجده کن و در سجده بگو: (خداوند همه معبودها جز تو باطل است و تو حق مبینی، حاجت ... مرا هم اکنون روا بفرما)، و بر حاجت خود اصرار کن و چون حاجتت روا شد نماز شکر بجای آر. از امام ششم (ع): چون خداوند به نعمتی بر تو منت نهاد دو رکعت نماز بگزار در رکعت اول حمد و توحید بخوان و در رکعت دوم (حمد) و (قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ) بخوان و در رکوع و سجده رکعت اول بگو:

(الحمد لله شکرا و حمدا حمدا)

و در رکعت دوم در رکوع و سجده بگو: (سپاس خدائی را که

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۳۲

دعای مرا مستجاب کرد و حاجتم را بر آورد). از امام ششم (ع): عافیت نعمتی است که قدرش مجهول است وقتی واجد آنی از آن غافل و چون از دستش می‌دهی بیاد آن می‌افتی، و عافیت نعمتی است که از شکر آن عاجزی. از حضرت زین العابدین (ع): هر که بگوید (الحمد لله) شکر هر نعمت الهی را بجای آورده.

(نماز برای طلب عفو)

هر گاه در خود احساس سستی و بی میلی (به عبادت) پیدا کردی نماز عفو بخوان و آن دو رکعت است در هر رکعت حمد و یک (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ) و بعد از آن پانزده بار بگو:

(رب عفوک عفوک ...)

و در رکوع همین را ده بار بگو و نماز خود را مثل نماز جعفر بیابان آور.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۳۳

(نماز برای رفع وسوسه)

از امام صادق (ع): بر هیچ مؤمنی چهل روز نمیگذرد مگر اینکه گرفتار وسوسه می‌شود، پس دو رکعت نماز بخواند و از آن بخدا پناه برد. و از آن حضرت (ع): آدم بخداوند از حدیث نفس شکایت کرد جبرئیل نازل شد و گفت بگو:

(لا حول و لا قوة الا بالله)

. آدم آن را گفت و حدیث نفس از او بر طرف شد، و این اصل نزول (لا حول ...) است. از امام باقر (ع): مردی به نبی اکرم از وسوسه و حدیث نفس شکایت کرد، و از فقر و قرض کمر شکن نیز شکایت کرد، حضرت (ص) فرمود: بگو: (بر زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد توکل

میکنم، و حمد خدائی را که فرزند نگیرد، و در سلطنت خود شریکی ندارد و بواسطه ناتوانی سرپرست و آقا بالا سری ندارد و او را تکبیر گوی) و این دعا را مکرر بگو مرد پس از کوتاه زمانی بخدمت حضرت

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۳۴

بازگشت و عرضه داشت که: وسوسه از من رفت و قرضم ادا شد و فقر برطرف گشت.

(نماز استغفار)

از نبی اکرم (ص): چون روزی تو کم شود و کارت بپراکندگی گراید حاجتت را بدرگاه حق ببر و نماز استغفار را ترک مکن، و نماز استغفار دو رکعت است در هر رکعت حمد و *إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ رَا بَخْوَانٍ* و بعد از قرائت ۱۵ بار بگو:

(استغفر الله)

و بعد برکوع که رفتی آن را ده بار بگو و مثل نماز جعفر نماز را تمام کن که همه کارهایت ان شاء الله با صلاح آید.

(نماز کفایت)

از امام صادق (ع): دو رکعت نماز بخوان و سجده کن و خدا را حمد و ثناگوی و بر محمد و آل او درود فرست و صد بار بگو یا محمد یا جبرئیل، یا جبرئیل یا محمد مرا در گرفتاریم کفایت کنی که شما کفایت کننده اید و مرا باذن حق محافظت کنی که شما نگهبانانید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۳۵

(نماز برای کسی که گرفتار اندوه و ناراحتی است)

از امام هشتم (ع): دو رکعت نماز بخوان در هر رکعت حمد یک بار و انا انزلناه ۱۳ بار، و بعد از نماز سجده کن و بگوی: خداوندا ای بر طرف کننده غمها و اندوهها و پاسخ دهنده بیچارگان، و ای رحمان دنیا و رحیم آخرت بر محمد و آل او درود بفرست و بر من رحمتی آر که بدان غضبت را فرو نشانی، و مرا از غیر خودت بی نیاز گردانی، بعد گونه راست را بزمین بگذارد و بگو: (ای ذلیل کننده هر جبار و ای عزیز کننده هر ذلیل، بحق خودت فلان مشکل مرا گشایشی ده) بعد گونه چپ را بزمین نه و همین را بگو، بعد برگرد به سجده و باز همین را بگو، که خداوند غمت را بر طرف و حاجتت را روا سازد.

(نماز فرج)

از امیر مؤمنان (ع): دو رکعت نماز بخوان، در رکعت اول حمد و هزار بار توحید و در رکعت دوم حمد و یک بار (توحید) بعد تشهد بخوان و سلام

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۳۶

بده و دعای فرج بخوان و بگو: (ای آنکه چشمها نتواندش دید و گمانها نتوان او را یافت، وصف گویان توصیفش نتوانند کرد، و زمانها در او تغییری نتواند داد، ای آنکه از حوادث نترسد، و طعم مرگ نچشد، ای آنکه از فوت هرآسی ندارد و گناهان بوی ضرری نرساند، و آمرزش از او نگاهد، ای آنکه وزن ذرات کوهها را میداند و بر گنجایش دریاها و عدد قطرات باران، و برگ درختان، و راه روی مورچه آگاه

است، آسمانی آسمان دیگر و ارضی ارض دیگر را و سطح دریا عمق دریا را و کوه اندوخته‌های درون خود را از نظر او نمیتواند بپوشاند، دیدگان خائن و نهفته‌های دل و آنچه شب بر آن ظلمت و روز بر آن پرتو افکند میداند، از تو مسألت میکنم به اسم مخزون و مکنون در علم غیبیت که اختصاص بخودت دارد و اسمهايت را از آن برآورده‌ای، که تو خدائی هستی که جز تو خدائی نیست و یکتای بی‌شریکی، و باسمی از تو که چون ترا بدان خوانند جواب دهی، و اگر از تو بدان سؤال کنند عطا کنی، و بحق انبیاء مرسل تو و بحق نگهداران عرش و بحق ملائکه مقرب تو

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۳۷

و بحق جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل، و بحق محمد و آل او (ص) که بر محمد و آل او درود فرستی، و قسمت بهتر عموم را در آخر قرار دهی و بهترین اعمالم آخرین آنها قرار دهی و از تو مغفرت و خشنودی ترا مسألت می‌کنم ای ارحم الراحمین).

(نماز مکروب و غمناک و گرفتار)

دو رکعت نماز بخوان و قرآن را بطرف بالا گیر و بگو: (خداوندا به تو توجه میکنم بآنچه در این قرآن است و در آن اسم اکبر و اسماء حسناى تو و آنچه وسیله بیم و امید است در آن میباشد، سؤال میکنم که بر محمد و آل او درود فرستی و حاجتم را برآوری (و حاجت را اسم ببر).

(نماز استغاثه بحضرت زهراء (ع))

دو رکعت بخوان و سر بسجده بگذار و صد بار بگو: (یا فاطمه) بعد گونه راست را بزمین نه و همین طور بگو و بعد گونه چپ را بر زمین بگذار و بگو بعد پیشانی بمهر نه و آن را ۱۱۰ بار بگو و بگو: (ای آنکه از هر چیزی در امانی، و همه چیز از

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۳۸

تو ترسانست، و از تو سؤال میکنم بایمنی تو از هر چیز، و ترس هر چیز از تو اینکه بر محمد و آل او صلوات فرستی، و به جان و خانواده و مال و فرزندان من امان ده تا اینکه از کسی ترسی نداشته باشم که تو بر هر چیز توانائی.

(نماز استغاثه)

چون شب خواهی خوابی ظرف آبی تمیز کنار سرت بگذار، و بر آن پارچه‌ای تمیز بگذار، و وقتی که برای نماز شب برخیزی، سه جرعه آب بنوش و با باقی آب وضو بگیر، و رو بقبله کن، و اذان و اقامه بگو و دو رکعت نماز بخوان هر چه از قرآن خواهی در نماز بخوان بعد در رکوع ۲۵ بار بگو: (یا غیاث المستغیثین) و سر بردار و ایستاده همین را بگو و به سجده برو و همین را بگو و بعد از سجده و در سجده دوم و بعد از آن همچین بگو، و رکعت دوم را مثل رکعت اول تمام کن که سیصد بار گفته باشی، بعد سر باسماں بردار و سی بار بگو: (از عبد ذلیل به مولای جلیل) بعد حاجت را بخواه که اجابت بسویت شتاب گیرد باذن خدا.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۳۹

(نماز غیاث و فریادرسى خواستن)

از امام ششم: اگر استغاثه ای بخدا داری دو رکعت نماز بگزار بعد سجده کن و بگو: (ای محمد رسول خدا، ای علی سید مؤمنان، بشما بسوی حقتعالی استغاثه میکنم، ای محمد ای علی بشما استغاثه می کنم و از پناه به خدا و محمد و به علی و به فاطمه ... تا آخر ائمه (ع) نزد خدا بشما متوسل میشوم)، همان دم به فریادت برسند ان شاء الله تعالی

(نماز برای رفع بد حالی و نداری)

دو رکعت نماز نیکو بخوان و به سجده برو و بگو:

(یا ماجد یا واحد یا احد یا کریم)

بوسیله نبی تو نبی رحمت بتو توجه میکنم، یا رسول الله من به وسیله تو بخدا پروردگار من و تو و همه چیز توجه میکنم، یا الله از تو سؤال میکنم بحق محمد و آل محمد که نفعه ای از نفعات خود بر من بدمی که گشایشی زود و روزی وسیع بمن عنایت کنی، که پراکندگیهایم را بر طرف کنم، و قرضهایم را بپردازم

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۴۰

و مخارج عیالم را تأمین کنم.

(نماز مکروب و گرفتار)

از امام ششم (ع): هر که را کربی رسد غسل کند و دو رکعت نماز گزارد، بعد به بستر رود و گونه راست بر دست راست نهد و بگوید: (ای عزیزکننده هر ذلیل و ذلیل کننده هر عزیز قسم بحق تو که فلان چیز ... بر من مشکل آمده).

(نماز یاری خواستن)

از امام صادق (ع): هر وقت خواهی وضوء کامل بگیر، و دو رکعت نماز بخوان، و بعد از آن گونه هایت را بر زمین بنه و چندان بگو: (یا ربّاه) که نفست تمام شود، بعد بگو: ای آنکه عاد و ثمود را هلاک کردی و پیش از آن قوم نوح را که راه ظلم و طغیان سپردند نابود ساختی، و مؤتفکه را که براه هوی و هوس رفتند و عذاب آنها را فرو گرفت، اگر فلان کس در این کاری که با

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۴۱

من کرد نسبت بمن ظالم است مهلتش را سر آر و در باره او حلمی بکار مبر ای اقرب الاقربین).

(نماز داد خواهی و انتقام خواستن «از پیشگاه حق»)

وضوء بگیر و دو رکعت نماز کن و سر باسما بردار و دستها بگشا و بگو:

(خداوندا رب محمد و آل محمد بر محمد و آل او درود فرست و دشمنانشان را هلاک کن، خداوندا اگر فلان کس بمن ستم کرده و جز تو برای دفاع و حمله باو کمکی ندارم، هم اکنون انتقام را بکمال از او بستان بحق آن کس که برایش بر خود حق قائل شدی، و بحق تو برایشان که این کار را انجام دهی، ای صاحب حکام و دستگیرکننده، و ای آنکه سطوت تو خوف انگیز است و دارای احسان و بخششی.

(نماز برای یاری خواستن علیه ظالم)

از امام ششم (ع)، فرمود: اگر مظلومه ای طلب می‌کند بر رفیقت نفرین مکن که انسان دائماً مظلوم است تا نفرین کند که ظالم می‌شود ولی وقتی بتو

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۴۲

ظلم شد غسل کن و در زیر آسمان دو رکعت نماز بخوان و بگو: (خداوندا فلان کس بمن ستم کرده و هیچ یآوری جز تو ندارم که بوی حمله آرم، هم اکنون حق من از او بازستان، بحق آن اسمت که مضطر ترا بخواند و رفع اضطرارش کنی و در زمین قدرتش بخشی و او را بر خلق خودت خلیفه گردانی (یعنی امام عصر علیه السلام) که بر محمد و آل او درود فرستی و هم اکنون حق مرا بکمال از او باز بازستانی، که تو باز نایستی از ما آنچه را دوست داری ببینی).

(نماز دیگر)

از یونس بن عمار: به امام هادی (ع) از مردی که مرا اذیت می‌کرد شکایت کردم فرمود: نفرینش کن، گفتم نفرین کرده‌ام، فرمود: نه آنچنان که نفرین کردی بلکه از گناهان توبه کن و روزه بدار و صدقه بده و در آخر شب وضوء بگیر و دو رکعت نماز بخوان بعد به سجده برو و بگو: (خداوندا فلان کس مرا اذیت میکند، خداوندا بدنش را بیمار کن، و نسلش را برانداز، و عمرش را کوتاه گردان، و هم در هلاکتش در این سال تعجیل فرما، یونس

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۴۳

گوید چنین کردم و بزودی هلاک شد «۱».

(نماز عسرت و تنگدستی)

از امام صادق (ع): چون امری بر تو مشکل شود، وقت ظهر در رکعت نماز بخوان در رکعت اول (حمد و توحید و انا فتحنا ... تا

يَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا

) و در رکعت دوم (حمد و توحید و الم نشرح ...) که بسیار مجرب است.

نماز برای امور مهم

از امام سوم (ع): ۴ رکعت نماز و قنوت کامل بجای آر، در رکعت اول یک (حمد) هفت بار (

حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ

) و در رکعت دوم یک (حمد) و هفت بار

(ما شاء الله لا قوة الا بالله، ان ترن انا اقل منك مالا

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۴۴

و ولدا)

بخوان و در رکعت سوم یک حمد و هفت بار

(لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ)

بخوان، و در رکعت چهارم یک (حمد) و هفت بار

(أَفْوُضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ)

بخوان و حاجتت را بخواه

(نماز برای مصیبت زده)

۴ رکعت نماز بخوان در هر رکعت حمد (یک بار) و (توحید) ۷ بار و آیه الكرسی یک بار، بعد از سلام بگو

(صلى الله على النبي الامي و آله)

بعد تسبیح و تحمید و تکبیر بگو ان شاء الله خداوند بوعده اش عمل خواهد کرد (و حاجتت را خواهد داد).

(نماز برای ازدیاد روزی)

از نبی اکرم (ص): دو رکعت نماز بخوان در رکعت اول سوره (حمد) یک بار و سوره (کوثر) سه بار و (توحید) سه بار، و در رکعت دوم

(حمد) یک بار، و معوذتین هر کدام سه بار خوانده شود.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۴۵

(نماز برای بر طرف شدن فقر)

راوی گوید: خدمت امام صادق (ع) بودم که یکی از اصحاب حضرت از در آمد و عرضه داشت یا ابن رسول الله فدایت، مردی فقیرم

امام (ع) فرمود روزهای ۴ شنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بگیر و ظهر روز جمعه به پشت بام یا بیابانی که کسی ترا نبیند برو و پیغمبر

(ص) را زیارت کن و رو بقبله بنشین و دست راست را بروی دست چپ بگذار و بگو: (خداوندا توئی تو و امید به غیر تو به نومیدی بدل

شود و آرزومندی بغیر توبه نتیجه و مقصود نرسد تکیه گاه آنکه تکیه گاهی ندارد، من جز تو تکیه گاهی ندارم، در کارم فرج و گشایشی

قرار ده، و مرا از جایی که گمان ندارم و گمان دارم روزی ده) بعد بر زمین سجده کن و بگو: (ای فریادرس از فضل خود برایم ممری از

روزی قرار ده). و آفتاب روز شنبه بر تو طلوع نکند مگر با روزی تازه. نبی اکرم (ص) چون برای اهل بیتش مشکلی پیش می آمد

میفرمود

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۴۶

ای اهل من نماز بخوانید، نماز بخوانید.

(نماز پدر برای فرزند)

۴ رکعت است: در رکعت اول یک حمد و ده بار (رَبَّنَا وَ اجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ ... خداوندا مرا تسلیم خود قرار ده، و از ذریه ما امتی مسلمان پدید آور، و مناسک خود بما بنما، و توبه ما بپذیر که تو تواب و رحیمی). و در رکعت دوم یک (حمد) و ده بار (خداوندا مرا نمازگزار قرار ده، و هم از ذریه من خداوندا دعایم را بپذیر، خداوندا مرا و والدینم و مؤمنان را در روز حساب مورد بخشش قرار ده، سوره ابراهیم / ۴۲ و ۴۳)، و در رکعت سوم حمد یک بار بخوان و سپس ده بار بگو (خداوندا همسران و ذریه‌ای بما ببخش که نور چشم و خوشحالی ما باشند و ما را رهبر متقیان قرار ده- فرقان / ۷۴) و در رکعت چهارم یک حمد و ده بار گو (خداوندا توفیقم ده که نعمتهائی که بمن و والدینم داده‌ای شکرگزاری کنم و عمل صالحی که موجب خشنودی تو باشد بجای آرم و ذریه مرا باصلاح آور و من بتو باز میگردم و من از مسلمین میباشم احقاف / ۱۴) بعد از سلام ده بار بگوید (رَبَّنَا هَبْ ... فرقان / ۷۴).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۴۷

(نماز فرزند برای والدین)

دو رکعت است: رکعت اول یک حمد و ده بار (خداوندا مرا و والدینم و مؤمنان را در روز حساب بیامرز) و در رکعت دوم (حمد) و ده بار (خداوندا مرا و والدینم و آن کس را که مؤمن بخانه من در آید و مؤمنان را بیامرز، نوح / ۲۹)، و بعد از سلام ده بار گوید (خداوندا بر والدینم رحمت آر چنان که آنان مرا در خردی بیروانیدند- اسراء / ۲۵).

(نماز دیگر)

دو رکعت: در رکعت اول (حمد) و ۲۰ بار (خداوندا بر آنها رحم کن چنان که مرا در کودکی بیروانیدند) و بعد از نماز به سجده رود و آن را ده بار بگوید.

(نماز برای غناء و رفع فقر)

دو رکعت است: در هر رکعت حمد و ده بار

اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ

... آل عمران ۲۵) و بعد از سلام ده بار گوید: خداوندا بمن رحمت آر و مرا بیامرز که

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۴۸

بهترین رحمت‌کننده‌گانی) و ده بار:

(اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ)

بعد به سجده رود و گوید: (خداوندا مرا ببخش و سلطنتی ده که پس از من شایسته هیچ کس نباشد که تو بسیار بخشنده‌ای).

(نماز دیگر)

دو رکعت در هر رکعت حمد و ۱۵ بار سوره قریش و بعد از سلام ده بار صلوات فرستد و بعد بسجده رود و ده بار گوید: (خداوندا بفضل خود مرا از خلق بی نیاز کن)

(نماز دیگر)

۴ رکعت: در اول یک بار حمد و ده بار سوره (فلق) و در رکعت دوم یک حمد و ده بار (قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ) و ده بار آیه الكرسي و ده بار آیه (أَمَّنَ الرَّسُولُ ...)

بقره/ ۲۸۵-۲۸۶) بعد از سلام ده بار

(سبحان الله الابد، سبحان الله الواحد الاحد- سبحان الله الفرد الصمد، سبحان الله الذي رفع السماوات بغير عمد،

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۴۹

المتفرد بلا صاحبه و لا ولد)

و در سوم: حمد و سوره (الهاکم) سه بار و در چهارم یک بار فاتحه و سه بار (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ) و سه بار (إِذَا زُلْزِلَتْ) را بخواند و بعد از نماز سجده کند و در آن هفتاد بار بگوید (خداوندا از تو میخواهم که هر مشکلی را بر من آسان کنی که آسان کردن مشکل بر تو آسان است).

بعد سر بردارد و ده بار بگوید (حمد برای خداست خدای آسمانها و زمین تا آخر سوره جاثیه آیه ۳۵ و ۳۶).

(نماز برای اداء قرض)

۴ رکعت: رکعت اول حمد یک بار و معوذتین ده بار و توحید ده بار و در رکعت دوم یک حمد و آیه الكرسي ده بار و (قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ) ده بار و آیه (أَمَّنَ الرَّسُولُ ...) ده بار بعد از نماز تسبیح گوید، در رکعت سوم حمد یک بار و (الهیکم ...) ۳ بار و سوره (و العصر) سه بار و سوره کوثر سه بار و در رکعت چهارم حمد یک بار و (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ) سه بار و (إِذَا زُلْزِلَتْ) سه بار بعد از سلام به سجده رود و دعائی را که قبلا ذکر شد

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۵۰

بخواند.

(نماز گرسنه)

از امام ششم (ع): گرسنه دو رکعت نماز بخواند و بگوید (خداوندا غذائی بمن ده که گرسنه ام) خداوند بیدرنگ اطعامش کند. از آن حضرت (ع): پشت سر مؤمن، دعا کردن روزی را جلب و بلا را رفع می کند. و از آن حضرت (ع): فاطمه (ع) خدمت پیغمبر آمد و از گرسنگی نالید حضرت فرمود: بگو ای سیرکننده گرسنه فاطمه دختر محمد (ص) را گرسنه مگذار.

(نماز برای جلب روزی)

مردی محضر نبی اکرم (ص) رسید و گفت: من مردی عیالمندم و مقروضم و وضع من بسیار نابسامان شده بمن دعائی آموز که خداوند بوسیله

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۵۱

آن بمن درآمدی دهد که قرضم را ادا و خانوادهام را اداره کنم، فرمود ای بنده خدا وضوء کاملی بگیر و دو رکعت نماز با رکوع و سجده کامل بگذار و بعد بگو (ای ماجد و ای واحد، ای کریم، بوسیله محمد نبی تو نبی رحمت (ص) بتو توجه میکنم، ای محمد ای رسول خدا بشفاعت تو بخداوند پروردگار من و تو و همه چیز روی می آورم، و خداوند از تو مسألت دارم که بر محمد و آل او درود فرستی، و از تو گشایشی ارجمند و آسان و روزی وسیعی که کارم را استوار و دینم را ادا و عیالم را اداره کنم، مسألت مینمایم).

(نماز حاجت دیگر)

از امام ششم (ع): پس از گذشت ثلث شب دو رکعت نماز کن و در آن (سوره ملک) و (سجده) را بخوان و بعد بگو: (خداوند چشمان بخوابند و ستارگان فرو رفته اند، و تو زنده و نگهدارنده ای هستی که چرت و خواب نداری، شبهای بلند و تاریک و آسمانهای پر بروج و زمین گهواره شده از تو پنهان نماند، و دریای ژرف، و ظلمتهای انباشته بر هم از تو

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۵۲

مستور نباشد، ای فریادرس خوبان برحمت تو استغاثه میکنم پس بر محمد و آلش درود فرست و فلان ... حاجت مرا روا کن و محروم و زیانبارم مگردان ای ارحم الراحمین، و این کار برای قضاء حاجت چنانست که خواسته خود را با دست گرفته باشی.

(نماز شدت)

امام کاظم (ع) فرمود: هر نمازی که خواهی بخوان و بعد از آن گونه و چهره بر زمین نه و سه بار بگو: (ای نیروی هر ضعیفی، و ای دلیل کننده هر جباری، بحق تو که بیم و اضطراب مرا فرو گرفته پس در کارم گشایشی ده بعد گونه راست را بر زمین گذار، و سه بار بگو: (ای خوارکننده هر جبار، و ای عزیزکننده هر ذلیل و خوار، بحق تو که صبرم لبریز گشته پس گشایشی بمن ده)، بعد گونه چپ را بر زمین نه، و همین را سه بار بگو، بعد پیشانی بر زمین نه و سه بار بگو شهادت میدهم که هر معبودی جز تو باطل است، تو گرفتاری مرا میدانی آن را بر طرف فرما، بعد با آرامش خاطر بنشین و سه بار بگو (ای خداوند زنده قیوم و بزرگ، و خالق و آفریدگار، و زنده کننده و میراننده، و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۵۳

ایجاد و اختراع کننده، بزرگواری و سپاس خاص توست، جود و امتنان از آن تست، تنها و بی شریک هستی، ای واحد و ای احد و ای صمد ای آنکه نژائیده و نژاید و همسری ندارد آفریدگار من این چنین است بر محمد و آل او درود فرست و برایم چنین ... کن).

(نماز مظلوم)

دو رکعت با هر سوره ای که میخواهی بخوان و بقدری که میتوانی بر محمد و آل او درود فرست بعد بگو: (ای خداوند روزی برای تست که از ظالم برای مظلوم انتقام خواهی گرفت ولی جزع و بیتابی من صبر مرا به حلم تو نمیرساند و میدانی که فلان کس بمن ستم کرده،

و با قدرتی که دارد بمن ضعیف تعدی نموده- ای پروردگار عزیز و در هم شکننده قدرت جباران و یاور مظلومان از تو مسألت دارم که هم اکنون قدرتت را بوی بنمائی.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۵۴

(نماز دیگر)

راوی گوید به امام عرضه داشتم که فلان کس بمن ظلم میکند، امام (ع) فرمود وضو بگیر و دو رکعت نماز بخوان و خدا را ثنا کن و بر محمد و آل او درود فرست و بگو: (خداوندا فلان کس بمن ظلم کرده و بر من تجاوز نموده خدا او را بمرضی بی دوا و بد بختی آشکار مبتلی نما)، راوی گوید که چنین کردم و او مبتلی به برص شد. در روایتی دیگر، هیچ مؤمنی مظلوم نمیشود که دو رکعت نماز بخواند و بگوید: (خداوندا من مظلومم یاریم کن) مگر اینکه خداوند بسرعت یاریش نماید.

(نمازهای دیگر برای مهمات،)

روایت است که گرفتاری و اندوهی برای حضرت زین العابدین پیش می آمد، تمیزترین جامه ها را میپوشید، و وضوء میساخت، و به بام میرفت و چهار رکعت نماز میخواند، در رکعت اول حمد و (اذا زلزلت) و در دوم حمد و (اذا جاء...) و در سوم حمد و (قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ) و در چهارم حمد

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۵۵

و توحید را میخواند، بعد سر باسماں برمیداشت و میفرمود خداوندا ترا قسم میدهم باسمائی که اگر بر درهای بسته آسماں بخوانی باز می شود، و اگر برای گشاده شدن تنگی های زمینها بخوانی گشاده میگردد، و به اسماء تو که اگر برای مشکلات بخوانی آسان میگردد و باسمائی که اگر بر قبرها برای برانگیختن مردگان بخوانی برانگیخته میشوند، بر محمد و آل او درود بفرست و مرا حاجت روا باز گردان. حضرت زین العابدین فرمود به خدا هیچ کس پس از این عمل قدم بر نمی دارد مگر آنکه حاجتش روا میگردد ان شاء الله تعالی.

(نماز دیگر)

از امام ششم (ع): دو رکعت نماز بهر جور که میخواهی بخوان و بعد بگو: (خداوندا امیدواری خود را در دلم جایگزین گردان و امید بدیگری را از دلم بر کن که جز بتو دل و امید نبندم و جز بتو تکیه نداشته باشم).

(نماز برای خواستن فرزند)

از امیر المؤمنین (ع): اگر از خدا فرزند میخواهی وضوی کاملی بگیر و دو رکعت نماز خوب بخوان و بعد از آن بسجده رو و ۷۱ بار بگو: (استغفر الله

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۵۶

بعد با همسرت آمیزش کن، و بگو: (خداوندا فرزندی بمن ده که نام پیغمبر تو محمد (ص) را بر وی نهیم)، خداوند باو فرزندی خواهد داد و گفتم وضو بگیر که خداوند فرماید: (خدا پاکان و طاهران را دوست دارد) و گفتم نماز بخوان از پیغمبر (ص) شنیدم که نزدیکترین حالات بنده بخدا وقتی است که او را در رکوع و سجده ببیند) و دستور استغفار دادم که خداوند فرموده:

(خدا را استغفار کنید که آمرزنده است- و بر شما آب گوارا میفرستد، و بمال و فرزند یاریتان میدهد) و خداوند بر پیغمبرش (ص) فرمود: (اگر ۷۰ بار برای ایشان استغفار کنی خداوند نخواهد بخشیدشان) پس گفتم بیش از ۷۰ بار استغفار کنید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۵۷

(نماز ترس از ظالم)

فرمود: غسل کن و دو رکعت نماز کن و ساقها را برهنه ساز و بر زمین گذار و صد بار بگو: (ای حیّ و ای قیوم، جز تو خدائی نیست به رحمت تو استغاثه میکنم پس بر محمد و آل او درود فرست و هم اکنون بفریادم برس) و چون از این عمل فارغ گشتی بگو: (از تو مسألت دارم که بر محمد و آل او درود فرستی و بمن لطف نمائی، و مرا غالب گردانی و بنفع من چاره‌ای کنی و شرّ فلانی را از من بگردانی) و این دعای پیغمبر صلی الله علیه و آله بود در روز غزوه احد.

(نماز کفایت)

از امام (ع): هر کس حاجتی بدرگاه حق دارد بعد از نصف شب جمعه غسل کند و دو رکعت نماز گزارد در رکعت اول حمد و (إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ) را صد بار تکرار کند، بعد بقیه حمد را بخواند و سوره توحید را

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۵۸

یک بار بخواند و ذکر رکوع و سجده را هفت بار گوید و رکعت دوم را بهمین منوال انجام دهد و پس از نماز این دعا را بخواند که خداوند حاجت او را هر چه باشد برآورده فرماید مگر قطع رحم باشد و دعا اینست: (خداوندا اگر تو را اطاعت کردم حمد برای تو است و اگر ترا عصیان کردم حجت برای تست فقط فرج از جانب تو و بدست توست منزّه است خداوندی که نعمت میدهد، منزّه خدائی که قدرت انتقام دارد و در عین حال می‌بخشد، خداوندا اگر ترا عصیان کردم در محبوب‌ترین چیزها نزد تو از تو اطاعت نمودم و آن ایمان به توست برای تو فرزندی معتقد نشدم و شریکی قائل نگشتم و این ایمان من نیز منت تست بر من نه منتی از من بر تو و خداوندا اگر گناه کردم بر سبیل خود خواهی و منازعه با تو و بیرون شدن از بندگی تو و انکار خدائی تو نبوده بلکه صرفاً بموجب پیروزی هوای نفس و وسوسه شیطان بوده پس حجت برای تست بر گردن من بنا بر این اگر عذابم کنی ظالم نیستی و اگر مرا ببخشائی جواد و کریم میباشی) در اینجا بقدر یک نفس (یا کریم) گوید بعد بگوید ای آنکه از هر

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۵۹

چیز در امانی و همه چیز از تو خائف است از تو مسألت میکنم بایمنی تو از همه چیز و ترس همه چیز از تو که بر محمد و آلش درود فرستی و جان و اهل و فرزند و دیگر نعمتهائی که بمن داده‌ای در امان بداری چنان که از هیچ چیز بیم و هراسی نداشته باشم و تو بر همه چیز توانائی و خداوند برای من کافیست و نیکو و کیلی میباشد ای نگهدار ابراهیم از شرّ نمرود و ای نگهدار موسی از شرّ فرعون، از تو مسألت میکنم که بر محمد و آل او درود فرستی و شرّ فلانی را از سر من بگردانی، و شرّ آن کس را که از او میترازم از من بگردانی (پس از انجام این عمل) محفوظ خواهد شد، بعد سجده کند و از خدا حاجتش را بخواند و بوی تضرّع نماید، و روایت است که هیچ زن و مرد مؤمن این نماز را با این شرائط با اخلاص نخواند مگر آنکه درهای آسمان برای اجابت او باز شود و حاجتش فوری مستجاب گردد و این از فضل خداست بر ما و بر مردم.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۶۰

(نماز برای تیز هوشی و قدرت حافظه)

از امام صادق (ع): حمد و آیه الکرسی، و انا انزلناه، و یس، و الواقعة، حشر، تبارک، و توحید، و معوذتین را با زعفران بنویسید بعد با آب زمزم یا باران، یا آب تمیز بشوئید، بعد دو مثقال کندر و ده مثقال شکر و ده مثقال عسل در آن بریزید و آن را شب در زیر آسمان گذارید و روی ظرف آن سرپوش آهنی بنهید، بعد در آخر شب دو رکعت نماز بخوانید در هر رکعت پنجاه بار حمد و قل هو الله، و پس از نماز آن را بنوشید که برای حافظه بسیار مفید و مجرب است ان شاء الله تعالی.

(نماز برای حفظ قرآن)

در شب یا روز جمعه چهار رکعت نماز بگزار، و در رکعت اول حمد و یس و در دوم حم دخان و در سوم (حم سجده) و در چهارم (تبارک) و بعد

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۶۱

از سلام خدا را حمد و ثنا گوی، و بر محمد و آل او (ص) درود فرست، و برای مؤمنان صد بار استغفار کن و بعد بگو: (خداوندا مرا برای همیشه از گناهان حفظ کن و مرا باز دار از اینکه خود را در پی کارهای بیهوده به رنج افکنم و نسبت به آنچه موجب خوشنودی تست خوشبینم کن، ای آفریننده آسمان و زمین و ای صاحب جلالت و بزرگی و عزت که بعقل نگنجی، یا الله یا رحمان به جلال و نور وجه خودت دلم را بر نگهبانی کتابی که بر پیغمبرت فرستاده‌ای ملزم فرما، و مرا وادار کن که آن را آنچنان تلاوت کنم که از من راضی شوی. خداوند ایجادکننده آسمانها و زمین، صاحب جلالت و بزرگی و عزت که بفهم نیائی، یا الله، یا رحمان، ترا به جلال و نور و جهت میخوانم که با کتابت دیده مرا نورانی و زبانم را باز و قلبم را وسیع و سینه‌ام گشاده سازی، و بدنم را بکار اندازی و بر این امر یاریم کنی، که جز تو کسی نتواند مرا در خوبی‌ها نصرت نماید و بآنها موقت گرداند، و حول و قوه‌ای جز از ناحیه خداوند علی و عظیم وجود ندارد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۶۲

(دعا و نماز برای پیدا شدن گمشده)

از جابر: نبی اکرم (ص): به علی (ع) و فاطمه (ع) این دعا را آموخت: که اگر مصیبتی بشما رسید و از ستم سلطانی هراس پیدا کردید و یا گمشده‌ای داشتید وضوء کاملی بسازید و دو رکعت نماز بخوانید و دستها را با آسمان بردارید و بگویید: (ای عالم بر غیب و علن، ای اطاعت‌شونده ای علیم، یا الله، یا الله، یا الله، ای درهم شکن قدرت احزاب برای محمد (ص) و کیدکننده به فرعون برای موسی، و ای نجات بخش عیسی از دست ستمکاران، و ای خلاص کننده قوم نوح از غرق، و ای رحم کننده بر یعقوب، و ای برطرف کننده رنج ایوب، و ای نجات دهنده ذو النون از تاریکی، ای فاعل همه خوبیها، و ای راهبر بهر نیکی، و ای امرکننده به هر خیر و ای خالق نیکی و ای نیکی کننده تو خدای منی که برای حاجتی که تو خود میدانی بتو توجه پیدا کرده‌ام و تو بر امور پنهانی عالمی از تو میخواهم که بر محمد و آلش درود فرستی) بعد حاجت خود را

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۶۳

بخواه که ان شاء الله مستجاب خواهد شد.

(دعا هنگام دیدن هلال)

با دست چپ بر انگشت سبابه دست راست بنویس: (الله- محمد علی- فاطمه- حسن- و حسین- ... تا آخر ائمه (ع)) و سوره توحید را تا آخر بنویس و بگو (خداوندا مردم چون به هلال بنگرند به چهره همدیگر نگاه میکنند و بهم تبرک میجویند، و من با اسماء تو و اسم نبی تو و ولی و اولیاء تو و کتاب تو نظر می افکنم، پس خوبیهائی را که دوست دارم بمن عطا کن و بدیهائی را که مورد نظر من است همه را از من بگردان و فضل خودت را بر من زیاد کن بقدری که شایسته مقام توست و هیچ حول و قوه نیست مگر از جانب خداوند علی و عظیم.

(نسخه‌ای از یک رقعه و نامه)

با قلم بکر و کار نکرده یا بر رقعه‌ای که حاجت تو بر آن نوشته باشد این دعا را چنان بنویس که هیچ سطر آن از حروف این دعا خالی نباشد:

(محمد)

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۶۴

و علی و الخضر، ابو تراب، بسم الله الرحمن الرحيم، الملك الحق المبين

خداوند به صابران راهی برای نجات از ناملایمات و روزی ای از جای بیگمان وعده داده، که خداوند سمیع و علیم است. خداوند ما و شما را از آن کسان قرار دهد که ترس و اندوهی بر ایشان نمیباشد، خداوند بحق محمد و علی و فاطمه و حسن و ... و الحجة قائم منتظر (ص) بر محمد و آتش درود فرست، و کارم را آسان گردان و خیر آن را نصیبم گردان، و از شر آن نگهم بدار برحمتت ای ارحم الراحمین).

(کلماتی پس از ختم قرآن)

از امیر مؤمنان (ع): حبیبم پیغمبر (ص) مرا امر کرد که این دعا را وقت ختم کردن قرآن بخوانم: (خداوند از تو خشوع خاشعان و اخلاص مؤمنان و رفاقت نیکان و شایستگی برای ایمان و بهره یافتن از هر نیکی، و سلامت از هر گناه و رحمت واسعه خودت و عزائم مغفرتت و نائل شدن ببهشت و نجات از دوزخ را مسألت مینمایم.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۶۵

(فصل پنجم) (دعاهای نادره)

(دعا برای بدست گرفتن قرآن)

حضرت صادق (ع) چون میخواست قرآن را برای قرائت به دست گیرد این دعا را میخواند: (خداوند گواهی میدهم که این کتاب توست که برسولت فرستاده شده و کلام تست که بزبان محمد (ص) جاری گشته که آنها را هادی مردم و رشته پیوند خود و بندگانت قرار

داده‌ای، خداوندا کتابت را باز کرده‌ام، خداوندا نگاهم را بر قرآن عادت و قرائت آن را توأم تفکر و تفکر را وسیله عبرت قرار ده، و از کسانی قرارم ده که مواظب آن را بپذیرم و از گناهان کناره کنم، و در وقت خواندن آن بر گوش و دلم مهر منه، و بر دیدگانم پرده مکش و قرائت مرا قرائت بدون تفکر قرار مده بلکه چنان کن

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۶۶

که در آیات و احکامش تدبیر کنم و آنها را بخاطر بسپرم و نظرم را در قرآن نظر غفلت و خواندنم را لغو قرار مده که تو رؤوف و رحیم میباشی).

(دعا بعد از قرائت قرآن)

(خداوندا مقداری از کتابت را که بر نبی صادق محمد فرستاده‌ای خواندم، خداوندا حمد برای تو است، خداوندا مرا از افرادی قرار ده که به حلال و حرام آن عمل کند، و به محکم و متشابهش مؤمن باشد، و آن را مونس قبر و روز حشر من قرار ده و مرا از کسانی قرار ده که با هر آیه‌ای که میخواند درجه‌ای در اعلی علیین بالا می‌رود آمین ای رب العالمین) و چون آیه سجده واجب را شنیدی به سجده برو و بگو:)

لا اله الا الله حقا حقا، لا اله الا الله ايمانا و تصديقا، لا اله الا الله عبودية و رقا، لا مستنكفا و لا مستكبيرا بل انا عبد ضعيف خائف مستجير (بعد سربردار و تکبیر گوی.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۶۷

از امام صادق (ع): هر که صد آیه از هر جای قرآن بخواند و بعد هفت بار (یا الله) گوید اگر بر سنگ سخت بخواند شکافته شود.

(دعائی که در آن اسم اعظم خداست)

از معاذ روایت است که: روزی نبی اکرم مرا نزد عبد الله سلام فرستاد تا او را بحضور حضرت دعوت کنم، وقتی عبد الله شرفیاب خدمت حضرت شد نبی اکرم (ص) از وی پرسید، آیا ده کلمه‌ای را که خداوند بآبراهیم آنگاه که بآتش پرتاب شد آموخت در تو راه یافته‌ای؟ عبد الله گفت پدر و مادرم فدایت آیا در این باره چیزی بر تو نازل شده است؟ من ثواب آنها را در تو راه یافته‌ام نه خود آنها را و اسم اعظم خدا در میان آنهاست، پیغمبر (ص) فرمود آیا خداوند آنها را بموسی آموخته بود؟ عبد الله گفت: نه و جز بآبراهیم نیاموخته بود، فرمود ثواب آنها در توراہ چیست؟ عرضه داشت: یا رسول الله که میتواند ثواب آنها را درک کند؟ من در توراہ دیده‌ام که خداوند آنها را در دل هیچ بنده‌ای قرار ندهد مگر آنکه بوسیله آنها بقلبش یقین و به

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۶۸

عطا کند و اگر خدا را بآنها قسم دهد کارش را بانجام رساند و در دار الجلال خداوند رحیم، در ظل همسایگی وی باشد و ثواب همه شبها را از اول خلقت دنیا داشته باشد، پیغمبر (ص) پرسید دار الجلال چیست؟ گفت بهشت عدن و موضع عرش خداوند صاحب عزت و آن در جوار خداست، ابن سلام گوید یا رسول الله، آنها را بما تعلیم کن و بدان بر ما منت نه چنان که خدا بر شما منت نهاد، حضرت (ص) فرمود: به سجده افتید، همه به سجده رفتند چون سر برداشتند نبی اکرم (ص) فرمود: بگوئید (یا الله یا الله یا الله، توئی که همه

خلق از تو در هراسند، ای نور نور توئی که از خلق خود پوشیده ای و هیچ نوری نور تو را در نیابد، یا الله یا الله یا الله تو آن بلند مرتبه‌ای بر فوق عرش بلندی جسته‌ای و هیچ مخلوقی توان وصف عظمت تو ندارد، ای نور نور اهل آسمان تو از نور تو نور میگیرند، و اهل زمین از روشنی تو روشن میشوند یا الله یا الله یا الله تو آن خدائی که جز تو خدائی نیست و برتر از آنی که داری شریک باشی و بزرگتر از آنی که فرزند بخواهی و کریمتر از آنی شبیه داشته باشی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۶۹

چشمانش فروع و بصیرت بخشد و سینه‌اش را بایمان گشاده گرداند و از او تا عرش نوری برایش برآرد که برای او بدرخشد، و ملائکه بوجودش افتخار کنند و حکمت را در زبان او قرار دهد، و حفظ کتاب خود را نصیب او گرداند، و بصیرت در دین باو دهد و روز قیامت با دلی آرام برانگیزدش، و در قیامت با ابراهیم بیک نحو شنوا باشد، و بوسیله این دعاها چیزی از خدا نخواهد مگر آنکه باو و پیروزتر و نیرومندتر از آنی که ضدی برای تو باشد، تو آن خدائی که در هر زمان ستایش شده‌ای، و در هر مکان پرستش میشود و نام تو در هر جا و هر زمان برده می‌شود، ای روشنی همه روشنی‌ها، هر نوری در برابر نور تو تاریک است

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۷۰

ای سلطان وجود هر سلطانی جز تو فنا پذیرد، ای دائم و ابدی هر زنده‌ای جز تو بمیرد، یا الله یا الله یا الله، ای رحمان و رحیم، بمن رحمتی آر که بدان آتش غضبت را فرو نشانی و عذابت را از من بگردانی و سعادت از خوان احسانت نصیبم گردانی و در سرائی فرودم آری که بندگان شایسته‌ات را در آن جای میدهی، ای ارحم الراحمین، ای آنکه اعمال خوب را آشکار میکنی، و کردار زشت را میپوشانی، ای آنکه بر گناهان مؤاخذه نمی‌کنی و پرده درمی‌نمیکنی ای دارای عفو عظیم و گذشت بسیار، ای بزرگ بخشاینده و ای آنکه دستت به رحمت گشاده، ای آگاه برز و سخن پنهانی، و ای آنکه همه شکایتها بسوی تو آید، ای آنکه در چشم پوشی بزرگی و کریمی و در منت عظیمی، ای آغازکننده به نعمتها پیش از آنکه استحقاقی باشد، ای آفریدگار، ای آقای بزرگوار و ای غایت میل و آرزوها یا الله یا الله یا الله، از تو مسألت دارم که تنم بآتش بریان مکنی و زشت مسازی، و از راه رحمت پدر و مادرم را به بخشائی، و خیر دنیا و عقبی را بمن عطا کنی که تو بر همه چیز توانائی، و بر محمد و آلش درود فرست). پرسید یا رسول الله ثواب خواننده این دعا چیست؟ فرمود: هیئات که اگر فرشتگان هفت آسمان و زمین گرد آیند که تا قیامت ثواب آن را وصف کنند نتوانند که یکی از هزارش را توصیف نمایند، و بعد ثوابهای بسیار برای آن ذکر فرمود که اینجا جای گفتارش نیست.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۷۱

(حاجت خواستن)

بهنگام خروج از خانه بگو:

(بسم الله و لا قوة الا بالله توكلت على الله)

، و حمد و معوذتین و توحید و آیه الکرسی را بخواند و به جلو و عقب و راست و چپ و بالا و پائین بدمد، و بوقت بازگشت بخانه و دخول به خانه بگو:

(بسم الله و بالله و اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله)

بعد اگر کسی در خانه هست سلام کند و گر نه بگوید (سلام بر محمد (ص) خاتم انبیاء و سلام بر امامان هدایت کننده و هدایت یافته، و سلام بر ما و بندگان صالح خدا) و چون برای کاری وارد بازار شود بگوید:

(اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله)

. (از دعاهاى على (ع) برای حاجت)

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۷۲

لا اله الا الله وحده لا شریک له الحکیم و الکریم، لا اله الا الله وحده لا شریک له العلیّ و العظیم

، سپاس خداوندی را که کارهای نیک با نعمت او کامل شود،

یا هو، یا من هو هو، یا من لیس هو الا هو، یا هو، یا من لا هو الا هو

. (ایضا در طلب حاجت)

از امام ششم (ع): چون برای پدرم حاجتی بزرگ پیش می آمد سجده میکرد و در آن هفت بار میگفت (ای

ارحم الراحمین

) و فرمود: هیچ کس این را نگوید مگر آنکه خداوند عزّ و جل فرماید: اینک منم ارحم الراحمین خواستهات را بخواه. پیغمبر (ص) به علی

(ع) فرمود: علی جان چون برای کاری بیرون میروی آیه الکرسی را بخوان که حاجتت ان شاء الله بر آورده شود. و از امام ششم (ع): هر

که بی وضو بدنبال حاجتی رود و حاجتش روا نشود خود را ملامت کند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۷۳

از علی (ع): هر که حاجتی دارد بامداد روز پنجشنبه بدنبال آن رود و وقت خروج از منزل آخر سوره آل عمران و آیه الکرسی و حمد را

بخواند که در آنهاست روا شدن حاجات دنیا و آخرت.

(در کارهای مهم)

از امام ششم (ع): چون بمردی سختی و ناراحتی رسد ساعد و ساقها را برهنه کند و به زمین بچسباند، و سینه را نیز به زمین نهد و دعا

کند.

[دعائی] (دیگر)

علی (ع) بفرزندش فرمود: چون کاری مهم راجع بدین و دنیا برایت

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۷۴

پیش آید، وضوء بساز و دستها را باسماں بلند کن و هفت بار بگو: (یا الله) بعد حاجتت را بخواه که مستجاب شود.

[دعائی] (دیگر)

از موسی بن جعفر (ع): هیچ کس را کاری مهم و رنجی بزرگ نرسد که سر بسوی آسمان بلند کند، و سه بار (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) گوید مگر آنکه خداوند رنجش را بر طرف کند، و غمش را ببرد ان شاء الله

(بدهکاری)

از حسین بن خالد: در بغداد سیصد هزار درم بدهکار شدم و چهار صد هزار درم طلبکار بودم، طلبکاران فرصت نمیدادند که طلبم را بازستانم و بایشان دهم، وقت حج رسید، پنهانی از بغداد خارج شدم تا بخدمت موسی بن جعفر (ع) برسم، ولی نتوانستم، شرح حالم را برای حضرت نوشتم، امام (ع) در پشت نامه‌ام جواب نوشت پس از هر نماز سه بار بگو:

(خداوندا ای آنکه جز تو خدائی نیست بحق آنکه جز تو خدائی نیست مسألت دارم که بحق لا إلهَ إِلاَّ أَنْتَ، بر من رحمت آر، و ای خدائی که جز تو خدائی نیست بحق آنکه جز تو خدائی نیست به برکت آنکه جز تو خدائی نیست از من

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۷۵

خشنود و راضی شو مرا ببخش که حاجتت ان شاء الله روا شود حسین گوید بر این دعا مداومت کردم و چهار ماه نشد که طلبم را وصول و بدهییم را اداء کرده و صد هزار درم برایم ماند.

(دعا برای رفع ظالم)

نبی اکرم (ص) فرمود: اگر از قدرتمند و امیری ترسانی و میخواهی که شرّ او از تو بگردد مواظب باش تا اول ماه برسد چون هلال شب اول ماه را دیدی برخیز و چنان که گویا بوی خطاب میکنی بگو: (هیچ کس از شما میخواهد که باغستانی از خرما و انگور، و دارای نه‌های جاری و در آن هر گونه میوه‌ای باشد، چون پیر شود و فرزندان خردسالی گردش را گرفته باشند صاعقه‌ای بآن رسد و آن را بسوزاند- بقره/ ۲۶۸) و باین کلمات بخانه مردی که از وی میترسی اشاره کن و بگو: (خداوندا او را به بلائی مبتلا کن که وجودش را فرو

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۷۶

گیرد و اندوه بسیار بر وی چیره گردان، و با سنگهای سجّیل و طیر ابابیل سنگبارانش کن ای علیّ و ای عظیم) و شب دوم و سوم ماه نیز این را تکرار کن اگر در ماه اول بمقصود رسیدی که خوب و گر نه در شب اول ماه بعد این عمل را انجام ده و اگر نشد در ماه سوم که دیگر نیاز بتکرار نباشد به اذن خداوند عزّ و جل.

(دعائی دیگر)

مردی از شرّ ظالمی بامام ششم (ع) شکایت برد، فرمود بگو: (ای یاور ستم‌دیده و اگر فلان کس بر من ستم کرده و تجاوز نموده او را بفقری جبران ناپذیر و بلائی غیر پنهانی گرفتار کن) و هیچ مردی برای ظالم بر خود این دعا را سه بار نخواند مگر اینکه آثار نکبت در چهره ظالم پدید آید و بعد بفقر گرفتار شود.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۷۷

(دعائی دیگر)

چون بر سلطان داخل شوی بگو: (خوبی تو برابرت و شرت زیر پایت باد) و من از خدا یاری میجویم.

(دعائی دیگر)

از امام رضا (ع): هر که خواهد بر دشمن نفرین کند بگوید: (خداوندا بر او بلائی فرست که نظیر نداشته باشد ای آنکه از هر چیز در امانی و هیچ چیز از تو بی نیاز نیست بر محمد (ص) و آل درود فرست و مرا از شرّ او کفایت

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۷۸

(دعائی دیگر)

چون از کسی بستوه آئی بگو: (خداوندی که جز او خدائی نیست مرا کافی است که او ربّ عرش بزرگ است بحول و قوه خدا از حول و قوه ایشان امتناع میورزم، از شرّ همه مخلوق به پروردگار مخلوق ها پناه میبرم آنچه خدا بخواهد همانست و قوتی جز از ناحیه او نباشد.

(طلب روزی)

مردی به امام ششم (ع): از فقر شکایت کرد فرمود: وقتی صدای اذان را میشنوی همراه مؤذن و بنوای او اذان گو. از امام ششم (ع): (خداوندا اگر روزیم در آسمانست فرود آر و اگر در زمین است بر آور، و اگر دور است نزدیک گردان، و اگر نزدیک است عطا فرما و اگر عطا کرده ای در آن برکت نه و آن را بر من مبارک بدار، و تا روزی باقی است مرا از گناه و هلاک بر حذر بدار.

(ترس)

از امام ششم (ع): اگر در سفر و بیابانی و از جن و آدم میترسی دست راست بر فرق سر نه و بصدای بلند بخوان: (آیا جز دین خدای جویید در حالی که

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۷۹

هر که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه تسلیم اوست و همه باو باز میگردند آل عمران / ۷۷) و روایت است که این آیه را در گوش چهارپائی که چموشی میکند بخوان و بگو: (خداوندا آن را برایم رام کن و مبارک گردان به حق محمد و آل او و سوره (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ) بخوان. علی (ع) فرمود: هرگز اسم سکندری نخورده و بسر در نیامده، پرسیدند چرا؟ فرمود زیرا زراعتی را به پایش لگد مال نکرده ام.

(برای ترس از شیر بر جان و بر گوسفند خود)

از امام ششم (ع): هر که از درنده ای برای خود و گوسفندانش در هراس باشد بر گرد آنها خطی بکشد و بگوید: (ای پروردگار دانیال و چاه ژرف و پروردگار هر درنده مرا و گوسفندانم را نگه دار). نبی اکرم به علی (ع) فرمود: چون گرفتار شیری شدی و کار بر تو تنگ شود، سه بار تکبیر گوی و بگو: (خداوند از هر چیز بزرگتر و بالاتر و عزیزتر و عظیمتر است، و خدا از خلق خود تواناتر و غالبتر است، بخدا پناه میبرم از شرّ آنچه میترسوم) که ان شاء الله از شرّش مصون خواهی ماند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۸۰

(برای آنکه از سگها و درنده‌ها میترسد)

بگوید: (به مؤمنان بگو تا کسانی را که به ایمان خدا امید نبسته‌اند ببخشاید، تا قوم باعمال خود کیفر شوند- جائیه/ ۱۲)، (و چون قرآن خوانی ما بین تو و بین مردم بی‌ایمان بآخرت پرده‌ای قرار میدهیم- اسراء/ ۴۸) (و بر دل‌هایشان پوششی قرار میدهیم تا نفهمند، و در گوششان سنگینی می‌اندازیم، و اگر همه معجزات و نشانه‌های خدا را ببینند ایمان نخواهند آورد، و چون بنزد تو برای مجادله آیند مردم کافر گویند که اینها جز خرافات گذشته نیست- انعام/ ۲۵).

(فال نیک و بد زدن)

نبی اکرم فال نیک زدن را دوست داشت و از تطییر (فال شوم زدن) بدش می‌آمد و امر میفرمود که هر کس چیز ناملایم و مکروهی را ببیند و به نظرش بدشگون آید بگوید: (خداوندا جز تو کسی خیر نمیدهد و بدیها را کسی جز تو نتواند بر طرف کند، و هیچ حول وقوه از غیر تو نیاید).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۸۱

(آنکه از دزد میترسد)

بر چفت و قفل در بخواند: (قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ ... تا آخر سوره- اسراء).

(در خشم)

از حضرت صادق (ع): مردیکه خشمگین شود اگر ایستاده است بنشیند، که خوی شیطانی از او برود، و هر که نسبت به رحم و همخون خود غضب کند بدن او را لمس کند که غضبش فرو نشیند. و از آن حضرت (ع): بهنگام غضب بگو: (خداوندا خشم دلم را ببر و گناهم را ببخش، و از فتنه‌های گمراه‌کننده در امانم دار، از تو خشنودی ترا میطلبیم و از خشم بتو پناه میبرم، بهشتت را مسألت دارم، و از دوزخت به تو پناهنده میشوم، و همه خیرها را از تو میخواهم و از همه شرور به تو پناه میگیرم خداوندا مرا بر هدایت و صواب ثابت مدار، و مرا از خودت خشنود مدار و هم مورد خشنودی خودت قرار ده بی‌آنکه گمراه و گمراه‌کننده باشم)

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۸۲

و فرمود: خدای متعال گوید: پسر آدم بهنگام غضب مرا یاد کن تا من وقت غضب خود تو را یاد کنم و ترا هلاک و خوار نسازم به آنچه که دیگران را هلاک میگردانم. و امام ششم (ع) فرمود: هر کس خشم خود را برای مردم فرو برد خداوند در قیامت خشم خود را از او بگرداند.

(ایضا در غضب)

بر نبی اکرم درود فرستد و بگوید: (خداوندا گناهم را ببخش و غضبم را ببر، و از شیطان نگهم مدار که حول و قوتی جز از ناحیه تو نباشد).

(دعائی دیگر)

این دعا را امام صادق (ع) بهنگام ورود بر منصور میخواند و در نتیجه

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۸۳

منصور که در نهایت غضب بود غضبش تسکین یافت: (ای پناه من به هنگام سختی و شدت، و ای فریاد رسم بوقت رنج و مصیبت، مرا با توجه خود و دیده بی خواب خود حفاظت کن و در پناه خود پناهم ده).

(در ترس و وحشت)

شخصی به نبی اکرم از وحشت شکایت کرد، فرمود: این کلمات را بسیار بگوی: (منزه است خداوند سلطان و مقدس، پروردگار ملائکه و روح خالق آسمانها و زمین و صاحب عزت و جبروت).

(در اندوه گذشته و آینده)

نبی اکرم (ص) فرمود: هر که این دعا را بخواند: (خداوند من بنده و فرزند بنده تو و فرزند کنیز توام، سرنوشتم بدست تست، فرمانت را مجری میداری، و در قضا و قدرت عادل، ترا قسم بهمه اسماء خودت که خود را بدانها نامیده‌ای یا آنها را در کتابت نازل کرده یا به یکی از خلق خود تعلیم داده‌ای یا در علم غیب خود مکنون داشته‌ای قرآن را روشنی دل و نور سینه و وسیله بر طرف شدن حزن و از بین رفتن اندوه من قرار ده) خداوند غم او را بر طرف سازد و اندوهش را بشادی بدل نماید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۸۴

(در بلا)

هر که یکی از اهل بلا را ببیند آهسته و پنهانی بگوید: (سپاس خدائی را که مرا از این بلا عافیت داده و اگر میخواست بدان مبتلایم می ساخت). از امام پنجم (ع): چون مبتلای را بینی آنچنان که نفهمد سه بار بگو:

(سپاس خدائی را که مرا از این بلا مصون داشت و اگر میخواست مبتلایم می گردانید) و هر که این را بگوید آن بلا هرگز باو نرسد، و فرمود: نبی اکرم (ص) فرمود: (هر گاه مبتلایانی را ببینید خدا را حمد گوئید چنان که نشنوند که موجب اندوهشان شود).

(در جنازه)

حضرت زین العابدین هر گاه جنازه‌ای را میدید میفرمود: (سپاس

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۸۵

خداوندی را که مرا فردی بیچاره و مستأصل قرار نداد) و نیز میفرمود: (سپاس خدائی را که با قدرت خویش پیروز و غالب است و بر بندگان با میراندن ایشان غلبه میفرماید).

(در کار سخت)

روایت است که هر کسی را مهمتی پیش آید و دوست دارد که راه خلاصی پیدا کند شایسته است که چون به بستر می‌رود این دو سوره را هفت بار بخواند (سوره و الشمس و سوره و اللیل). که شخصی خوابش آید و راه نجات از آن و یا انجام آن را برایش باز گوید.

(عافیت)

یکی از دعاهای پیغمبر (ص): (خداوند من از تو عافیت میجویم و شکر بر عافیت و عافیت کامل را در دنیا و آخرت از تو خواستارم). نبی اکرم (ص) فرمود: هر کسی مردی یهودی یا نصرانی یا مجوس یا هر غیر مسلمانی را به بیند و بگوید: (سپاس خدائی را که مرا بر تو برتری داد باین که اسلام دین من و قرآن کتاب من و محمد (ص) نبی من و مؤمنان برادران من و کعبه قبله منست): خداوند بین او و آن مرد را در دوزخ جمع ننماید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۸۶

(سؤال و حاجت را از خداوند بطور جدی و قاطع بخواه) مستحب است که دعاکننده در سؤال خود قاطع باشد که پیغمبر (ص) فرمود: هیچ کس نگوید: (خداوندا اگر میخواهی مرا ببخش یا رحمت کن) بلکه جدی و قاطع مسألت کند که خداوند این گونه خواستن را مکروه نمیدارد، و چون خداوند دعاء بر تو را مستجاب کرد بگو: (سپاس خداوندی را که بعزت خود صالحات را کامل می گرداند) و چون استجابت بتأخیر افتاد بگو: (خدا را در هر حال سپاس میگویم) و مکروه است که دعاکننده اجابت خدا را دیر بشمرد، بلکه همواره دعا کنند و مسألت نمایند و خسته نشود که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: (دعای بنده مستجاب می شود مادام که عجله نکند و نگوید که دعا کردم و مستجاب نشد) و چون حاجتی داری بگو: (خداوندا ترا باسم اعلی و اکبر و اعزّ و اجلّ و اعظم و اکرم تو مسألت مینمایم که برایم چنین و چنان کن) که این گونه دعا ردّ نشود.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۸۷

(گرفتاری و بلای بزرگ)

روایت است که نبی اکرم (ص) به علی (ع) فرمود: (چون در ورطه ای هولناک افتی بگو:)

بسم الله الرحمن الرحيم لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم

، خداوندا فقط ترا میپرستم و از تو یاری میخواهم) که خداوند باین دعا بلا از او بگرداند.

(اسم اعظم خدا)

روایت است که حضرت زین العابدین (ع) فرمود: (یک سال پس از هر نماز از خدا می خواستم که اسم اعظم بمن آموزد بامدادی که نماز صبح را خوانده بودم نشسته خوابم برد مردی را برابرم ایستاده دیدم که میگوید (از خدا اسم اعظم خواسته ای؟ گفتم آری گفت بگو: خداوندا ترا مسألت میکنم باسم الله الله الله الله که جز او خدائی نیست و ربّ عرش عظیم است) و بخدا قسم این دعا را برای هیچ چیز نخواندم جز آنکه رستگار شدم.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۸۸

(رعد و صاعقه)

چون صوت رعد را شنیدی و صاعقه را دیدی بگو: (خداوندا ما را بغضب خودت مکش و به عذابت هلاک مکن و ما را عافیت بخشای).

(باران)

چون باران آید بگو: (باران گوارا).

(بادها)

از امام ششم (ع): وقت وزش باد بسیار تکبیر گوی و بگو: (خداوندا من خیر و برکت بادها و آنچه را که بوسیله آنها بحرکت آید از تو مسألت مینمایم و از شر آنها بتو پناه میبرم، خداوندا این بادها را بر ما رحمت و بر کافران عذاب قرار ده و بر نبی و آل او درود فرست).

(برای کشت)

از امام پنجم (ع): (چون خواهی کشت کنی مشتی بذر بردار و رو به قبله کن و سه بار بگو: (شما آن را میرویانید یا ما- سوره واقعه) بعد بگو:

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۸۹

(خداوندا این کشت مرا مبارک بدار و بوسیله آن سلامت و همه چیز به من عنایت کن، و از آن دانه بسیار بوجود آور، و ما را از خیراتی که از آن در نظر داریم محروم مفرما و آنچه بما دادی از ما مگیر بحق محمد و اهل بیت پاک او) بعد آن مشت بذر را بیاش.

(دعاء تنهائی)

ای زمین خدای من و تو الله است و بخدا از شرّ تو و آنچه در توست و آنچه در تو خلق شده پناه میبرم، و از شرّ هر شیر و درّنده و گزنده و از شرّ هر زاینده و زاییده اش بخدا پناه میگیرم، آیا غیر از دین خدا دینی دیگر میجوید و حال اینکه هر چه در زمین و آسمانهاست خواه و ناخواه تسلیم اویند و باو باز میگردند، سپاس خدا را بر نعمتها و آزمایشهای نیکوی او، خداوندا تو در سفر مصاحب ما باش و فضل خود را بر ما فرو فرست که حول و قوه ای جز از ناحیه خدا نباشد، بعد: (سوره الهیکم التکائر را تا آخر بخوان) که هیچ درنده و گزنده ای ترا آسیب نرساند گرچه بر روی مار گزنده بخوابی ان شاء الله.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۹۰

(عطسه)

از امام ششم (ع): هر که عطسه ای بشنود خدا را حمد گوید و بر محمد و آل او درود فرستد، هرگز از چشم و دندان رنج نبیند، و اگر بین او و عطسه کننده دریائی باشد و عطسه را بشنود این دعا را بگوید. از علی (ع): هر که پس از عطسه گوید: (در هر حال حمد برای خداوند آفریدگار جهانیان است) هرگز درد دندان و درد گوش نبیند. از امام باقر (ع): هر کس تا سه بار که عطسه کند بسم الله گوید و برای بیشتر از سه بار لازم نیست. از نبی اکرم (ص): هر که عطسه برادر مؤمنش را بشنود و بر او دعا نگوید، وی می تواند روز قیامت مؤاخذه اش کند و بضرر او حکم خواهد شد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۹۱

از نبی اکرم (ص): هر گاه مؤمنی برای بیماری عطسه کند و ساکت بماند، ملائکه عوض او گویند: (سپاس خداوند رب العالمین را) و اگر خود گوید (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) ملائکه گویند خداوند تو را ببخشد. تسنیم خادم امام عسکری (ع) گوید: یک شب پس از ولادت حضرت صاحب الزمان بنزد او رفتم و عطسه‌ام گرفت، امام عصر (ع) فرمود: (خدا ترا رحمت کند) پس خوشحال شدم، امام فرمود از عطسه ترا بشارتی دهم عطسه موجب است که سه روز از مرگ در امان باشی. از ابن مریم: مردی خدمت امام باقر (ع) عطسه کرد، امام فرمود:

عطسه خوب چیزی است که با عطسه بدن راحت می‌گردد و خدا یاد می‌شود و درود بر نبی فرستاده می‌شود، گفتم محدثان عراق گویند در سه وقت صلوات نفرستید: وقت عطسه، و موقع ذبح، و هنگام جماع فرمود: خداوند اگر دروغ گویند دستشان را به دامن شفاعت محمد صلی الله علیه و آله و سلم مرسان.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۹۲

از امام ششم (ع): هر که وقت شنیدن عطسه گوید: (در هر حال و در هر وضعی از امور دین و دنیا که باشم خدا را سپاس می‌گویم و صلوات خدا بر محمد و آل او) هرگز بنا را احتی دهان مبتلی نشود. از پیغمبر اکرم (ص): هر که بر عطسه‌کننده در حمد سبقت گیرد از درد دندان و خاصره در امان باشد. از امام صادق (ع): هر که عطسه کند و بگوید

(الحمد لله)

دو فرشته‌ای که بر او گماشته‌اند گویند:

(رب العالمین کثیرا لا شریک له)

و اگر خود او این جمله را نیز بگوید فرشتگان گویند

(و صلی الله علی محمد)

، و اگر خود او این را نیز بگوید دو ملک گویند

(و علی آل محمد)

و اگر خود او این را هم بگوید آن دو گویند: (خداوندت رحمت کناد). امیر مؤمنان (ع) فرمود: صدای عطسه هر کس را که بشنوید دعایش گویید و اگر کسی بعد از عطسه شما گوید (خداوند ترا رحمت کند) بگو (خداوند ترا ببخشد و رحمت کند) که خداوند دستور میدهد که (اگر درود بشما فرستادند مثل یا بهتر از آن را جواب گویید- سوره نساء/ ۸۸).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۹۳

از عبد الله بن ابی یعفر: در مجلس امام صادق (ع) بودم که چون کسی عطسه میکرد امام میفرمود:

(رحمک الله)

و همگان میگفتند «آمین»، امام عطسه کرد، مردم خجلت کشیدند که واضح دعا کنند، فرمود: بگویند (دعا کنید) آیا ذکر تو بعهدہ خداست؟ (یعنی خدا باید عوض شما دعا گوید؟). از امام (ع): چون کسی عطسه کند انگشت سبابه را بر بینی نهد و بگوید: (سپاس خداوند عالمیان را و درود بر محمد و آل پاک او)، بینی من برای خدا بخاک مالیده باد با ذلت و تواضع نه بحالت انکار و تکبر) و اگر دیگری عطسه کند با این جمله دعایش گوید (خدا رحمتت کند) تا سه بار و اگر خواهد بیشتر هم میتواند بگوید (خداوند شفایت دهد). و چون خواهد مرد مؤمنی را بر عطسه دعا کند بگوید

(رحمک الله)

و بمن بگوید: (خدا عافیت دهد) و به کودک گوید: (خدا بزرگت کند) و بمریض گوید: (خدا شفایت دهد) و به کافر ذمی: (خدا هدایتت کند) و به پیغمبر و امام: (درود خدا بر تو) و اگر دیگری او را بر عطسه دعا گوید جواب دهد: (خدا ما و شما را ببخشد).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۹۴

از امام ششم (ع): زیادی عطسه آدمی را از پنج چیز در امان دارد جذام، بادهای مودی در سر و صورت، آب چشم، گرفتگی رگهای بینی مو در آمدن در چشم، و اگر دوست داری که عطسه کنی یک دانگ روغن مرزنجوش بکار برو آن را به بینی بکش، راوی گوید این کار را پنج روز ادامه دادم و عطسه ام ایستاد. از آن حضرت (ع): هر که در بیماری عطسه کند برای او امان باشد از مرگ در آن بیماری، و فرمود خمیازه از شیطان و عطسه از خدا است. از امام ششم (ع): پیغمبر (ص) فرمود: هر که مشغول سخن باشد و کسی عطسه کند این عطسه شاهد است بر حقانیت گفتار او. و فرمود: عطسه مریض دلیل بر سلامتی و راحتی تن اوست.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۹۵

(فراموشی)

از امام ششم (ع): هر گاه شیطان چیزی را از خاطرت ببرد دست بر پیشانی خود نه و بگو: (خداوندا ای بیاد آورنده خیر و فاعل خیر و آمر بخیر از تو میخواهم که بر محمد و آلش درود فرستی و آنچه را که شیطان از خاطر من برده بیادم آری).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۹۶

«باب یازدهم» آداب بیمار و علاج او و آنچه در این باره است

- پنج فصل (این باب از طب الائمة از مجموعه نوشته های پدرم- که عمرش دراز باد- انتخاب شده)

(فصل اول) (آداب مریض و عیادت کننده و علاج او)

(ثواب مریض)

از رسول اکرم (ص): تب پیشرو مرگ است، و زندان خداوند است در زمین، و جوشش آن از دوزخ است و بهره مؤمن است از آتش. و پیغمبر اکرم (ص) هر گاه در بدن مبارکش جوش میزد بخدا پناه میبرد و باو التجا میکرد، میپرسیدند یا رسول الله مگر جوش بیماری است؟ میفرمود خداوند اگر بخواهد کوچکی را بزرگ کند بزرگ میکند و اگر بخواهد بزرگی را کوچک گرداند کوچک میگرداند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۹۷

از امام ششم (ع): هیچ تب و نکبت و سر دردی و بیماری ای پیش نمی آید مگر از گناه چنان که خداوند میفرماید: (هر مصیبتی که بستران آید از اعمالی است که کسب کرده‌اید و تازه خداوند از بسیاری از آنها صرف نظر میکند شوری / ۲۹) و آنچه خدا میبخشد و ندیده میگیرد بیشتر است از آنچه را که بدان انتقام میکشد. از زین العابدین (ع): تب بیماری خوبیست که بهمه اعضاء بهره ای از رنج میچشاند، و در آن کس که تب نکند خیری وجود ندارد. از امام (ع): وقتی مؤمن یک بار تب کند گناهانش چون برگ درختان بریزد، و اگر به بستر بیفتد ناله اش تسبیح، و فریادش تهلیل، و پهلو به پهلو شدنش چون شمشیر زدن در راه خداست و چون رو بقبله کند برای عبادت حق عزّ و جل آمرزیده است، خوشا بحالش اگر بمیرد و وای باو اگر باز گردد و عافیت بنزد ما محبوبتر است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۹۸

از امام چهارم (ع): تب یک شب کفاره یک سال است زیرا دردش تا یک سال در تن میماند. از امام ششم (ع): تب یک شب کفاره گذشته و آینده است. و از آن امام (ع): هر که یک شب ناراحتی ببیند و بر آن راضی باشد و شکرش را برای خدا اداء نماید آن ناراحتی کفاره / ۶۰ سال او باشد پرسیدم راضی بودن او چیست؟ فرمود: صبر بر ناملايمات آن. از امام پنجم (ع): یک شب از بیماری بیداری کشیدن از عبادت یک سال بهتر است. از امام پنجم (ع): اجر یک شب بیداری از مرض و یا دردی برتر و بالاتر است از عبادت یک سال. از امام پنجم (ع): تب یک شب برابر با عبادت یک سال است و تب دو شب برابر بیماری دو سال، و تب سه شب برابر بیماری هفتاد سال است، ابو حمزه گوید پرسیدم اگر به / ۷۰ نرسد؟ فرمود: ثوابش به پدر و مادرش

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۱۹۹

برسد، گفتم اگر آن دو نیز به هفتاد سال نرسند، فرمود: برای خویشان، گفتم اگر خویشان نیز نرسند؟ فرمود: برای همسایگانش. از امام رضا (ع): بیماری برای بیمار پاکیزگی و رحمت آرد، و برای کافر عذاب و لعنت، و بیماری برای مؤمن چندان ادامه پیدا کند تا گناهانش همه بریزد. از امام ششم (ع): یک شب درد سر کشیدن هر گناهی جز گناهان کبیره را از بین بردارد. از رسول اکرم (ص): برای بیمار / ۴ چیز است: قلم از او برداشته شود (از او چیزی نخواهند) و خداوند به ملائکه دستور دهد که ثواب همه اعمال خیری را که در حال سلامت انجام میداده برایش بنویسند و بیماری بهر عضوی از او که راه یابد گناه آن عضو بخشیده شود، از آن برود، و اگر بمیرد آمرزیده باشد، و اگر زنده بماند باز آمرزیده بماند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۰۰

از نبی اکرم (ص): مسلمان چون بیمار شود خداوند بهترین اعمال حالات سلامت را برایش مینویسد، و گناهانش چون برگ درخت بریزد. از امام ششم (ع): خداوند چون بنده ای را دوست بدارد باو نظر کند چون بر او نظر رحمتی کند یکی از سه چیز را باو هدیه کند: یا تب، یا درد چشم، یا درد سر. از امام کاظم (ع): مؤمن چون بیمار شود خداوند عزّ و جل به اصحاب شمال (ملائکه ای که اعمال بدش را بنویسند) وحی کند برای بنده ام گناهی ننویسد تا زمانی که در حبس و زنجیر منست، و به اصحاب یمین (ملائکه ای که ثوابها را مینویسند) همه حسناتی را که در حال سلامت برای بنده ام می نوشتید بنویسید.

(صبر بر بیماری)

از پیغمبر اکرم (ص): خداوند عزّ و جل میفرماید: چون بنده‌ای را گرفتار کنم و او صبر نماید و تا سه روز به عیادت‌کنندگان شکایت نکند گوشتش را به

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۰۱

گوشت بهتر و پوستش را بپوست خوبتر و خونسش را به خون سالمتر تبدیل گردانم و اگر بمیرانمش برحمت خود در آرمش، و اگر شفایش دهم از گناهان عافیتش بخشم چنان که گناهی بر او نماند. از امام رضا (ع): بیماری برای مؤمن رحمت و وسیله پاک شدن او است و برای کافر عذاب و نعمت میباشد. از نبی اکرم (ص): بنده چندان مصیبت بیند که بر زمین راه رود و بر او گناهی نباشد. از امام ششم (ع): بیماران را عیادت کنید و از ایشان التماس دعا بدارید که دعاء بیماری برابر دعاء ملائکه است، و هر که شبی بیمار شود و آن را به خشنودی و قبول بپذیرد ثواب عبادت/ ۶۰ ساله برایش نوشته شود پرسیدند معنی پذیرفتن آن چیست؟ فرمود: از ناراحتی آن بکسی شکایت نکند. از امام ششم (ع): شکایت اینست که انسان بگوید: بدردی مبتلا شده‌ام که احدی بدان مبتلی نگشته، یا بگوید: مصیبتی بمن رسیده که کسی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۰۲

بدان نرسیده، و شکایت آن نیست که بگوئی: دیشب بیدار خوابی کشیدم و امروز تبار بودم و امثال اینها. از امیر مؤمنان (ع): بیماری اجر ندارد ولی همه گناهان را بریزد و اجر در برابر گفتار یا کردار خوبی است که بدست و زبان انجام دهی و خداوند متعال جمع بسیاری را بواسطه نیت راست و باطن و سریره خالص به بهشت میبرد.

(عیادت بیمار)

از نبی اکرم (ص): حق مسلمان بر مسلمان آنست که چون او را ببیند باو سلام کند، و چون مریض شد عیادتش نماید، و چون بمیرد جنازه‌اش را تشییع نماید. و آن حضرت همسایه یهودی را عیادت کرد. و فرمود: عیادت کامل بیمار این است که دست بر او بگذارید، و از او بپرسید چگونه‌ای؟ چگونه صبح و شب کردید، و درود کامل اینست که با وی مصافحه نمایید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۰۳

از امام ششم (ع): شایسته است که بیمار به برادران مؤمنش اجازه دهد که در بیماری عیادتش کنند تا او و آنها اجر ببرند، پرسیدند عیادت‌کنندگان بواسطه عیادت اجر میبرند، مریض چگونه اجر میبرد، فرمود: اجازه موجب می‌شود که عیادت‌کنندگان با عیادت کسب حسنه کنند و از این راه اجر میبرد، و از این رو ده حسنه برایش نوشته می‌شود و ده درجه بالا می‌رود و ده گناه از او بر طرف می‌شود. و فرمود: سزاوار است که صاحبان میت به مؤمنان اجازه دهند تا بر جنازه او نماز خوانند و برایش استغفار نمایند و آن را تشییع نمایند تا این کار برای آنها اجر و برای میت استغفار باشد. علی (ع) صعصعه را عیادت کرد و فرمود: ای صعصعه، بخود مبال و بر مؤمنان فخر مفروش که ترا عیادت کردم بخود بنگر که گویا مرگ گریبان‌ت را گرفته تا آرزوها ترا غافل مسازد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۰۴

از امام صادق (ع): برای درد چشم عیادت نباشد، و عیادت در کمتر از سه روز نباشد، و اگر خواهی یک روز در میان و یا دو روز در میان عیادت کن و اگر بیماری طولانی شد مریض را به اهل و عیالش بگذار. امیر مؤمنان (ع) فرمود: پر اجر ترین بنده نزد خدا آن کس است

که در وقت عیادت بیمار کم بنشینند، مگر آنکه بیمار خود بخواهد و تقاضا نماید. و فرمود: عیادت کامل آنست که عیادت کننده دست بر دست مریض یا بر پیشانی او نهد. و فرمود: عیادت کامل آنست که دستت را بر بازوی او نهی و زود بر خیزی، که عیادت احمق و پر حرف برای مریض از بیماری او سخت تر است. و از آن حضرت روایت است که در قیامت منادی ای ندا کند که بنده را نزد حق آرند و خداوند از او حسابی آسان کشد و باو گوید: ای مؤمن چرا در بیماریم عیادت نکردی؟ مؤمن گوید خدا یا تو پروردگار منی و من بنده توام

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۰۵

تو زنده پایداری هستی که رنج و بیماری بتو نرسد، خدای عز و جل گوید هر که مؤمن را عیادت کند مرا عیادت کرده، بعد باو گوید: آیا فلان کس را میشناسی؟ میگوید: آری پروردگار من خداوند گوید: چرا در بیماری عیادتش نکردی؟ که اگر عیادتش میکردی مرا عیادت کرده بودی، و مرا در نزد او می یافتی، و اگر حاجتی از من میخواستی برای تو بر می آوردم و ترا رد نمی کردم از امام هفتم (ع): هر که بیمار شود بمردم اجازه عیادت دهد و هیچ کس به عیادت او نیاید مگر آنکه دعائی مستجاب دارد. از نبی اکرم (ص): بعیادت سلمان رفت و چون خواست از بالین او برخیزد فرمود: ای سلمان خداوند رنج ترا بر طرف نماید، و گناهت را ببخشد و بدن و دینت را تا آخر عمر محفوظ نگهدارد. از امام ششم (ع): نبی اکرم (ص) سلمان را عیادت کرد و فرمود:

ای سلمان برای تو بواسطه بیماری سه چیز است: بواسطه اینکه او را یاد میکنی و باو نزدیک میباشی و دعایت مستجاب است، و بیماریت هیچ گناهی را باقی نگذارد که همه آنها را از بین میبرد، خداوند تو را تا آخر عمر بهره دهد و سلامت بخشد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۰۶

و از آن حضرت (ع): عیادت سه بار است و عزاداری یک بار. و از امام ششم (ع): هر مؤمنی که مؤمنی را در بیماریش عیادت کند، اگر صبح باشد هفتاد هزار ملک او را تشییع کنند، و چون نزد او بنشیند رحمت او را فرا گیرد، تا شب برایش استغفار کنند، و اگر شب باشد همین اجر تا صبح برای او باشد. از امام پنجم (ع): از مناجاتهای موسی (ع) بدرگاه حق اینست که پرسید خداوند اجر عیادت بیمار چقدر است؟ خدای عز و جل فرمود:

ملکی بر او می گمارم که در قبر او را عیادت کند، و تا محشر با او باشد. از نبی اکرم (ص): هر که مریضی را عیادت کند منادی ای از آسمان او را باسم ندا کند که ای فلان ... پاک شدی و مسیرت را پاک شد، و بهشت را مأوای خود ساختی.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۰۷

و فرمود: پر اجر ترین عیادت کنندگان شما آن کسی است که کمتر نشیند. و فرمود: چون یکی از شما برادر مؤمن خود را عیادت کند برایش دعا گوید و از او التماس دعا نماید که دعاء بیمار مثل دعاء فرشته است. و فرمود: هر که مریضی را برای خدا عیادت کند بیمار برای او چیزی از خدا نخواهد جز آنکه خداوند آن را مستجاب نماید. علی علیه السلام فرمود: بیماری کودک کفاره والدین او است. یکی از غلامان امام پنجم (ع) گوید: یکی از غلامان حضرت مریض شد ما جمعی از غلامان برای عیادتش بیرون شدیم در راه به امام علیه السلام برخوردیم، پرسید کجا میروید؟ گفتیم به عیادت فلان ... فرمود بایستید، ایستادم، فرمود: آیا سیب یا گلابی یا کمی عطر یا یک قطعه عود ... برای هدیه برداشته اید؟ گفتیم نه چیزی از اینها همراه

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۰۸

ما نیست، فرمود: مگر نمیدانید که بیمار از هر چیزی که برایش برده شود احساس راحت میکند.

(در معالجه بیمار)

نبی اکرم (ص) فرمود: حتما بدنبال معالجه بروید که خداوند عزّ و جل دردی را نفرستاده مگر آنکه دوائی برایش فرستاده. و فرمود: مرگ مردم از گناه بیش از مرگ آنها باجل است، و زندگی بواسطه نیکی کردن بیشتر است از زندگی با عمر. و از آن حضرت (ص): هیچ مرضی نباشد مگر از گناه، و آنچه خدا عفو میکند بیشتر است. و از آن حضرت (ص): دو نفر همواره بیمارند: سالمی که به سلامتش مغرور باشد و مریضی که پرهیز نکند. و فرمود: تا بدنت قدرت تحمل مرض را دارد دوا مخور، و چون تحملش پایان پذیرد دوا بخور.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۰۹

از امام ششم (ع): پیغمبری مریض شد و گفت دوا نمی کنم تا خدائی که بیمارم کرد شفایم دهد، خداوند باو وحی کرد که تو را شفا ندهم تا دوا بخوری که درد از منست و دارو نیز از من، آن پیامبر آنگاه به مداوا پرداخت و خوب شد. از حضرت رضا (ع): اگر مردم غذا کم بخورند بدنشان با استقامت گردد. از امام ششم (ع): خود داری از چیزی نخوردن آن نیست بلکه کم خوردن آنست. از امام (ع): کم خوری سر دسته دواها و معده خانه همه بیماریها است و تنت را تا آنجا که قابلیت دارد و عادت پذیر است عادت ده.

(در وصیت)

نبی اکرم (ص): هر که بی وصیت بمیرد، چون مردم جاهلیت مرده.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۱۰

و فرمود: شایسته نیست که هیچ مسلمانی بمیرد مگر آنکه وصیت او زیر سرش باشد. و فرمود: هر که وقت مرگ خوب وصیت نکند در عقل و مروّت او نقصانی است. و امیر مؤمنان (ع) فرمود: هر که وصیت کند و در آن حقی را از بین نبرد و بکسی ضرری نرساند، (افراط و تفریط نکند) چنانست که همان را در حیات خود صدقه داده، و فرمود: باک ندارم که مال خود را صدقه دهم که یا بورته ضرر میرسد، یا فرض میکنم دزد برده است. امام ششم (ع) فرمود: وصیت بر هر مسلمانی حق است. و فرمود: هر که وقت مردن برای آن عده از خویشانش که از وی ارث نمیرند وصیت نکند عملش را به معصیت ختم نموده.

(فصل دوّم) (شفا طلبیدن از قرآن)

نبی اکرم (ص) فرمود: هر که از قرآن شفا نطلبد خداوند

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۱۱

شفایش ندهد. و امام صادق (ع) فرمود: هر که صد آیه از قرآن بخواند و بعد هفت بار (یا الله) بگوید اگر بر سنگ بخواند آن بشکافد. از حضرت موسی بن جعفر (ع): چون از چیزی ترس و هراس داشته باشی صد آیه از هر جای قرآن که خواهی بخوان و بعد سه بار بگو: (خداوندا بلا را از من بگردان). موسی بن جعفر (ع): اگر کسی از شرق تا مغرب برود و آیه‌ای از قرآن را پشتیبان خود قرار دهد آن آیه او را کفایت کند. و نیز فرمود: در قرآن شفاء هر بیماری است.

(سوره‌های قرآن و آنچه در باره آنها آمده)

از امام (ع): هر که دچار مرضی شود هفت بار (حمد) بخواند درد و مرض او آرام گیرد و اگر آرام نشد هفتاد بار بخواند که آرام خواهد گرفت.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۱۲

از نبی اکرم (ص): هفت بار (سوره حمد) شفاء هر بیماری است، و اگر به کسی / ۷۰ بار بآن تعویذ خوانده شود و روح از تنش بیرون رفته باشد خداوند آن را باز گرداند. از امام صادق (ع): اگر / ۷۰ بار (حمد) را بر مرده بخوانی و زنده شود عجیب نباشد. از امام باقر (ع): اگر گرفتار مرض شوی که از آن بر جان خود ترسان باشی سوره انعام را بخوان، که از آن بیماری ناملایمی بتو نرسد. و از آن حضرت (ع): هر که سوره نحل را در هر ماه بخواند، از بدهکاری در امان باشد و ۷۰ نوع بلا از او برطرف گردد که آسانترین آنها دیوانگی و جذام و برص است، و در روایت دیگری سوره نحل برای محفوظ ماندن از شر ابلیس و سپاه و پیروان اوست.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۱۳

و از آن حضرت (ع): هر که هر شب سوره لقمان را بخواند خداوند بر او فرشتگانی گمارد که تا صبح از شر ابلیس و سپاهش محفوظش بدارند، و اگر روز بخواند تا شب او را از شر ابلیس و لشکرش نگهداری کنند. از امام صادق (ع): هر چیزی قلبی دارد و قلب قرآن (یس) است و هر که سوره (یس) را در روز بخواند در آن روز محفوظ بماند و روزیش وسیع باشد و هر که آن را در شب قبل از خواب بخواند خداوند هزار ملک بر او بگمارد تا او را از شر هر شیطان و هر آفتی نگهداری کنند، و اگر آن روز بمیرد خداوند بهبهشتش درآورد، و در روایتی سوره (یس) برای دنیا و آخرت محفوظ ماندن خود و اهل بیت و مالش از هر بلیه و آفت، خوانده شود. و روایت است که هر که کمبود عقلی داشته باشد بر او (یس) خوانده شود یا بنویسند و باو بخوراند که علاج گردد، و اگر آن را با آب زعفران در ظرفی شیشه‌ای بنویسید بهتر است. و از امام صادق (ع): هر که در هر جمعه سوره (الصافات) را بخواند

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۱۴

از هر آفتی در امان بماند، و در دنیا هر بلائی از او بگردد، و فراوانترین روزی نصیب او گردد و از شیطان و ستمگر و دشمنی بمال و فرزند و بدن او آسیبی نرسد و در روایتی است که این سوره برای تحصیل آبرو و جاه و عزت دنیا خوانده شود. و از او علیه السلام: کسی که سوره زمر را در روز یا شب بخواند خداوند باو شرف دنیا و آخرت عطا فرموده و بدون قوم و خویش و مال او را عزت کرامت فرماید. و کسی که سوره طور را بخواند خداوند خیر دنیا و آخرت را برای او جمع میگرداند.

و کسی که سوره واقعه را در هر شب جمعه بخواند خدا او را دوست دارد و دوستی او را بدل مردم افکند و هرگز در دنیا پریشانی و فقر و فاقه و آفت نبیند و این در شأن علی و اولاد او علیهم السلام میباشد.

و کسی که سوره حدید و مجادله را در نماز واجب بخواند و بر آن مداومت کند در اهل و بدن و مالش بدی و احتیاج نبیند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۱۵

از علی بن حسین (ع) فرمود: کسی که سوره ممتحنه را در نمازهای واجب و مستحب بخواند خداوند دلش را به ایمان بیازماید و دیده‌اش را نورانی کند و هرگز فقر و دیوانگی پیرامون او نگردد و همچنین در اولادش، و در روایتی فرمود در نزد مردمان پسندیده

خواهد بود. از امام صادق (ع) فرمود: کسی که سوره جن را زیاد تلاوت کند در زندگی دنیا هرگز آسیبی از جن و انس باو نرسد و مورد سحر و کید آنان واقع نگردد.

و هر که سوره (المزمل) را در نماز عشاء یا آخر شب بخواند همواره نگهبان و حافظ او باشد.

و هر که سوره (و النازعات) را بخواند خداوند او را سیراب (بی‌رنج عطش) به بهشت برد، و در دنیا هرگز بدبختی باو نرسد، و در روایتی این سوره شفاء برای مسموم و گزیدگی است.

و هر که (وَ السَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ) را بآب آشامیدنی خود بخواند آن آب باو ضرری نرساند ان شاء الله.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۱۶

و هر که در همه فرائض (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ) بخواند باو ندا شود که ای بنده خدا گذشته‌هایت بخشوده شد اینک اعمال خود را از سر گیر.

و هر که سوره (زلزال) را در نمازهای مستحب بخواند هرگز گرفتار زلزله نشود و به زلزله و صاعقه و آفتی نمیرد، و فقر او بر طرف شود و روزی فراوان بسویش سرازیر شود.

و هر که (وَيُلِّ لِكُلِّ هَمَزَةٍ) را در نمازهای واجب بخواند فقر از او دور شود و روزی بسویش سرازیر گردد و مرگ غیر طبیعی و موت سوء از او بگردد.

و هر که سوره (حمد) و (توحید) را در یکی از نمازهای واجب بخواند خداوند او و پدر و مادر و فرزندان را بیامرزد، و اگر شقی باشد اسمش از دفتر اشقیاء محو گردد و در دفتر سعادت‌مندان نوشته شود، و خداوند او را در قیامت زنده کند در حالی که سعید باشد، و او را بمیراند و زنده گرداند در حالی که بمنزله شهید باشد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۱۷

از نبی اکرم (ص): هر که بسر درد یا مرض دیگر چار شود، دستها به آسمان بردارد و (حمد) و (معوذتین) را بخواند و دستها را بصورت بکشد تا بیماریش برطرف گردد. از امام صادق (ع): خداوند عوض فدک تب را بفرمان حضرت زهرا علیها سلام در آورد و هر یک از دوستان فاطمه (ع) و فرزندان فاطمه (ع) که به تب مبتلی شود، (توحید) را هزار بار بخواند و خدا را بحق آن حضرت بخواند تب او قطع شود باجازه حق.

و هر که سوره (اذا جاء) را در نماز واجب و مستحب بخواند خداوند او را بر همه دشمنان پیروز گرداند. از امام ششم (ع): هر که دچار مرض و یا گرفتاری شود و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ نخواند و در آن بیماری و شدت بمیرد از اهل آتش است. هر که به بستر رود (توحید) را یازده بار بخواند خانه او و همسایگانش مصون بماند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۱۸

(از آیات تهلیل قرآن شفا خواستن)

(تهلیل در قرآن شفاء همه بیماریهاست)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (خداوند شما واحد است و جز او خدائی نیست و رحمان و رحیم است- الله که جز او خدائی نیست حی و قیوم است.

و چرت و خواب عارضش نشود ... تا آخر العلیّ العظیم - آیه الكرسی).

بسم الله الرحمن الرحيم (الم، الله خدائی جز او نمیباشد و حی و قیوم است اوست خدائی که در رحمها هر جور بخواهد شکلتان میبخشد و جز او خدائی نیست و عزیز و حکیم میباشد) (خدا گواهی دهد که جز او خدائی نیست ... تا سریع الحساب).

(و چون به شما درود فرستند، بهتر از آن یا بمثل آن پاسخ دهید که خداوند همه چیز را بحساب آرد، الله جز او خدائی نیست که بی شک در قیامت شما را گرد آرد و که از خدا راستگوتر است؟).

(اینست الله خداوند شما که جز او خدائی نیست و خالق همه چیز)

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۱۹

است، او را بپرستید که بر هر چیز وکیل است) (آنچه را که از خدا بتو وحی می شود پیروی کن که جز او خدائی نیست و از مشرکان روی بگردان). (بگو: ای مردم من رسول خدا هستم بسوی همه شما خدائی که برای او است سلطنت آسمانها و زمین، جز او خدائی نیست که زنده میکند و میمیراند پس باو و رسول امی او که بخدا و کلمات او ایمان دارد ایمان آرید، و از او اطاعت کنید تا رستگار شوید).

و مأمور نیستند مگر آنکه خدای واحد را عبادت کنند و بپرستند و او از آنچه برایش شریک قرار میدهند (مثل آتش و بت و پرستش مردم) منزّه است.

(اگر پشت کنند بگو: خدا مرا کافی است که جز او خدائی نیست، فقط- بر او توکل میکنم که او پروردگار عرش بزرگ است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۲۰

و (فرعون) در حالی که غرق میشد گفت ایمان آوردم که خدائی نیست مگر آن کس که بنی اسرائیل باو ایمان آورده اند و من از مسلمینم - یونس / ۹۰).

(و اگر دعوت شما (انبیاء) را پاسخ مثبت ندادند بدانید که دین به علم خدا نازل گشته و اینکه جز او خدائی نباشد آیا مسلم میباشد- هود / ۱۴).

(بگو او پروردگار منست که جز او خدائی نیست فقط باو توکل میکنم و بسوی اوست بازگشت از گناه- رعد / ۲۹).

خداوند ملائکه و روح را بسوی هر بنده ای که بخواهد میفرستد که مردم را بترسانید که جز من خدائی نیست و از من بپرهیزید و مرا رعایت کنید، نمل / ۹).

(اگر بلند سخن بگویی او آشکار و نهان را میداند الله جز او خدائی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۲۱

نیست و برای او است (اسماء حسنی - طه ۶ و ۷) تو در وادی مقدسی و من تو را برگزیده‌ام و بس، بآنچه بتو وحی می‌شود گوش فرا ده که من الله هستم که جز من خدائی نیست مرا بپرستید و نماز را بیاد من بیا دارید، قیامت حتما آمدنی است، آن را پنهان داشته‌ام تا هر کس به پاداش کوشش خود برسد - طه / ۱۲ الی ۱۵) فقط خدای شما الله است که جز او خدائی نیست و علمش بر همه چیز دامنگستر است، طه / ۹۸). (و جز تو هیچ رسولی را نفرستادیم مگر اینکه باو وحی نمودیم که جز من خدائی نیست مرا بپرستید - انبیاء ۲۵).

(بیاد آر ذو النون را آنگاه که دشمنانک از قوم خود کناره گرفت و گمان داشت که بر او دسترسی نداریم و در تاریکی (شکم ماهی) فریاد بر آورد که خداوند جز تو خدائی نیست و تو منزهی و من ستمکار - انبیاء / ۸۷).

پس خداوند سلطان و حق بلند پایه است و جز او خدائی نیست، که دارای سلطنت عظیمی است (مؤمنون - ۱۱۷).

آنچه پنهان دارید یا آشکار کنید میدانید، الله جز او خدایی نیست رب عرش عظیم است، نمل / ۲۵ و ۲۶.

(اوست الله که جز او خدائی نیست، در دنیا و آخرت سپاس مختص باوست

مکارم الأخلاق - ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۲۲

و حکم فرمان تنها از آن اوست و بسوی او باز خواهید گشت - قصص / ۷۱). (ای مردم نعمت‌های خدا را بیاد آرید، آیا جز الله خالق هست که شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد؟ جز او خدائی نیست پس بکجا می‌روید فاطر / ۱۳).

ما با مجرمان چنین رفتار میکنیم، که چون بایشان گفته شود جز الله خدائی نیست تکبر میکنند و میگویند: آیا ما خدایان خود را بخاطر شاعری مجنون ترک گوئیم، بلکه محمد (ص) کتاب و دین حق آورده و پیامبران راستگویند - صافات / ۳۳ الی ۳۷).

خداوند بخشنده گناه و پذیرنده توبه، و شدید العقاب، و دارای قدرت عظیم است جز او خدائی نیست و بسوی اوست سرنوشت و بازگشت - مؤمن / ۳).

(اینست پروردگار شما خالق همه چیزها که جز او خدائی نیست بکجا می‌روید مؤمن - ۶۴).

(اوست زنده‌ای که جز او خدائی نیست پس با حالت اخلاص او را بخوانید که از اوست دین، سپاس مختص خداوند تربیت‌کننده جهانیان است - مؤمن / ۶۵).

مکارم الأخلاق - ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۲۳

و حکم و فرمان تنها از آن اوست و بسوی او باز خواهید گشت - قصص / ۷۱). (ای مردم نعمت‌های خدا را بیاد آرید، آیا جز الله خالق هست که شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد؟ جز او خدائی نیست پس بکجا می‌روید فاطر / ۱۳).

ما با مجرمان چنین رفتار میکنیم، که چون بایشان گفته شود جز الله خدائی نیست تکبر میکنند و میگویند: آیا ما خدایان خود را بخاطر شاعری مجنون ترک گوئیم، بلکه محمد (ص) کتاب و دین حق آورده و پیامبران راستگویند - صافات / ۳۳ الی ۳۷).

خداوند بخشنده گناه و پذیرنده توبه، و شدید العقاب، و دارای قدرت عظیم است، جز او خدائی نیست و بسوی اوست سرنوشت و بازگشت - مؤمن / ۳).

(اینست پروردگار شما خالق همه چیزها که جز او خدائی نیست بکجا میروید مؤمن - ۶۴).

(اوست زنده‌ای که جز او خدائی نیست پس با حالت اخلاص او را بخوانید که از اوست دین، سپاس مختص خداوند تربیت‌کننده جهانیان است - مؤمن / ۶۵).

مکارم الأخلاق - ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۲۴

(پروردگار آسمانها و زمین و آنچه بین آنها است اگر یقین داشته باشید جز او خدائی نیست که زنده میکند و می‌میراند پروردگار شما و نیاکان گذشته شما - دخان / ۶ و ۷).

(آنان را چه می‌شود وقتی بایشان تذکر داده می‌شود که جز الله الهی نیست پس برای لغزشهای خود و مؤمنان طلب آمرزش کن که خداوند از جا و مکان و رفت و آمد شما با خبر است - محمد / ۲۰ - ۲۱).

(اگر این قرآن را بر کوه فرود آریم آن را از خشیت و ترس عظمت حق خاشع و شکافته بینی، و این مثالها را برای مردم میزنیم تا تفکر کنند، او است الله که جز او خدائی نیست و بر غیب و نهان عالم است و رحمت عام و رحمت ابدی دارد، اوست الله که جز او خدائی نیست و سلطان منزّه و پاک و ایمنی بخش و مراقب و نیرومند، مقتدر و جبار و متکبر است، و خداوند از شریکهای که برای او قرار داده‌اند منزّه و بری است، اوست خداوند آفریننده، صورتبخش و برای اوست اسماء حسنی، و آنچه در آسمانها و زمین است برای او تسبیح میکنند، اوست عزیز و حکیم - حشر / از ۲۱ تا آخر).

مکارم الأخلاق - ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۲۵

(فقط وظیفه رسول رساندن است، الله جز او خدائی نیست مؤمنان فقط باید بر خدا توکل کنند - تغابن / ۱۲ و ۱۳).

(پروردگار مشرق و مغرب که جز او خدائی نیست و او را وکیل خود قرار داد مژمل / ۹). رسول اکرم (ص) به علی (ع) فرمود: یا علی اگر این آیه را بخوانی ترا از سوختن در امان بدارد: (منزّه و بری هستی از هر عیب ای پروردگار من که جز تو خدائی نیست فقط بر تو توکل میکنم و تو آفریدگار عرش عظیمی) یا علی این آیه ایمنی بخش تو است از وسواس: (چون قرآن میخوانی میان تو و کسانی که بآخرت ایمان ندارند پرده پوشنده قرار میدهیم، و بر دلهایشان تیرگی و مانع از فهم قرآن و در گوشهایشان سنگینی قرار میدهیم، و چون خدا را در قرآن بوحدانیت یاد میکنی از نفرت و غرور تعصب بتو پشت میکنند و باز میگردند - اسراء / ۴۷ و ۴۸ و ۴۹).

یا علی این آیه ایمنی بخش توست از هر نوع بدی و آفتی که از آن ترس داشته باشی: (آنچه خدا بخواهد شدنی است و آنچه نخواهد نشود

مکارم الأخلاق - ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۲۶

شهادت میدهم که خدا بر هر چیز توانا است و علم او بر هر چیز احاطه دارد، و عدد هر چیز را میداند - حول و قوه‌ای جز از خدا نیست).

(برای تب و سر درد)

از امام ششم (ع): برای تب و سردرد بنویسد و بر بازوی راست ببندد (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ تا آخر سوره حمد)، و معوذتین و توحید و بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، ای پروردگار عالمیان بقدرت و لطف خود درد و بیماری مرا برطرف کن، و ای

شفا دهنده چنان شفایمان ده که از بیماری من هیچ باقی نماند که شفائی جز از ناحیه تو نخواهد بود، که تو بر همه چیز توانائی، و (وَ نَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ) (بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، گفتیم ای آتش بر ابراهیم سرد شو و سلامت باش) خداوندا به رحمت خود با همراه دارنده این نوشته همان کن که با ابراهیم

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۲۷

کردی، ای ارحم الراحمین، (بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، و آنچه در شب و روز آرام میگیرد ملک اوست و او شنوا و دانا است) آرام گیر ای سر درد بحق عزت خدا، آرام گیر بحق قدرت خدا، آرام گیر بحق جلال حق، آرام گیر بحق عظمت خدا، آرام گیر بحق

لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم

(خداوند ایشان را کفایت خواهد کرد که او شنوا و دانا است) (و ذا النون را بیاد آور که خشمگین از قوم خود بیرون رفت ... تا آخر آیه)

(و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم و حسبنا الله و نعم الوکیل و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین)

. (دعا برای تب و غیر آن)

شخصی بامام ششم (ع): از شدت تب شکایت برد فرمود: یقه پیراهنت را بگشا و سرت را به گریبان ببر و اذان بگو و سر را بلند کن و هفت بار (حمد) را بخوان، راوی گوید چنین کردم در همان ساعت بیماری فرو نشست

(ایضا برای تب)

از آن حضرت (ع): سرت را به گریبان فرو بر و اذان بگو و برخیز و حمد و توحید و معوذتین هر کدام را سه بار بخوان و بگو: (خود را پناه میدهم به

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۲۸

پناه و عزت و قدرت خدا و عظمت خدا، و سلطنت خدا و جمال حق و جلال حق و رسول خدا و عترت او (ص) و اولیاء خدا (ائمه) از شر آنچه در بیم و هراسم، و شهادت میدهم که خدا بر همه چیز توانا است و هیچ حول و قوه‌ای نیست مگر از جانب خدای علیّ و عظیم و درود بر محمد و آل او، خداوندا به شفاء خودت شفایمان ده و به داروی خودت درمانم کن، و از بلایت عافیتم بخش (برحمتت ای ارحم الراحمین).

(روایتی دیگر)

فرمود سر در گریبان میبری و اذان و اقامه میگوئی و حمد و معوذتین میخوانی و توحید را سه بار میخوانی و آیه آخر سوره حشر را سه بار میخوانی و میگوئی: (خود را به پناه ... تا آخر دعاء قبل). از امام ششم (ع): مردی بحضرت صادق (ع) شکایت کرد که تب بیچاره‌ام کرده، امام (ع) فرمود: آیه الكرسي را در ظرفی بنویس و آن را با جرعه‌ای بشوی و بیاشام.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۲۹

(مثل آن) [(ایضا برای تب)]

از امام (ع): تربت حسین (ع) را بگیر و بآب بیامیز و بوسیله آن با قلم آهنی بر کاسه بلوری بنویس: (سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ) حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ (طه ما أنزلنا عليك القرآن لتشقى) (إِنَّ اللَّهَ يُمَسِكُ السَّمَاوَاتِ... / فاطر ۳۹) (خدا میخواهد بارتان را سبک سازد) (اکنون خداوند بارتان را سبک کرد) (گفتیم ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت شو) (از فلان کس سوزش و سرما و ناراحتی را ببر، و همه دردها و بیماریها و ناراحتیها و درد سر را ببر) (طسم) (طس) به اسماء (جمعسق) این چنین خدای عزیز و حکیم به تو و پیشینیان تو وحی میکند،

و لا حول و لا قوّة الا بالله العلی العظیم و الحمد لله رب العالمین و صلواته علی محمد النبى و آله الطاهرين

، ای آنکه کوهها از بین میروند و تو را زوالی نیست، بر محمد و آتش درود فرست و همه دردهای

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۳۰

فلانی را بر طرف کن که تو بر همه چیز توانائی، و خدا به تنهائی برایم کافی است و درود او بر محمد و آل او.

(مثل آن) [(ایضا برای تب)]

بر کاغذ نوشته و بگردن آویخته شود: (قرآن) را بحق فرستادیم و بحق نازل گشت، و ای پیغمبر تو را نفرستادیم مگر بشارت دهنده (به بهشت) و ترساننده (از عذاب) - (و از قرآن) (قسمتی را) فرستادیم که شفاء و رحمت برای مؤمنان است) (و محمد نیست مگر پیامبری که پیش از او نیز پیامبرانی بودند، آیا اگر بمیرد یا شهید شود شما بجاهلیت باز میگردید ... تا آخر آیه) (و ایمان آوردند بآنچه بر محمد (ص) نازل گشت، و آن حق از جانب خداست، و خداوند آن را کفاره سیئاتشان قرار داد و حالشان را بهبود بخشید) (و ما کان محمد ... تا آخر علیما- احزاب ۴۰) (مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ (ص) ... تا فی الْإِنْجِيلِ - فتح ۲۹) (و مبشرا و رسولا ... تا آخر آیه) (و اگر قرآنی که کوهها بدان بحرکت آید و ارض قطعه قطعه شود و با مردگان سخن گفته شود بلکه کارها همه برای خداست) (سلطنت مختص بخدای واحد قهار است) بعد بگوید: بآن اسم الهی که بر ساق عرش نوشته است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۳۱

تب ربیعیه (تبی که دو روز در میان عارض می شود) بنویسند و بر بازو ببندند: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) (و اگر قرآنی ... تا آخر آیه) (ای شفا دهنده ای کفایت کننده، ای عافیت بخشنده، و بحق قرآن را فرستادیم و بحق فرود آمد، بنام فلان کس به بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، و به الله و از جانب الله و بسوی الله و پیروزی جز از خدا نیست).

(دیگر) [(ایضا برای تب)]

بر کتف بیمار نوشته شود (به بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ... تا آخر) که دردی باقی نماند، به پروردگار مردم، برو ای بیماری و درد برو، دردم را شفاء ده که جز شفاء تو شفائی نیست (خداوند استخوانم سست گشته ...)

(برای شفاء تب با لرز)

(باسم الله- مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ) (و بین

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۳۲

آن دو فاصله و دیواری قرار داد) (ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت باش) (بدانید که حزب خدا غالب است) (کلمه، پیشی گرفته است ... تا الغالبون).

(برای رفع ربع - تبی که یک روز عارض می شود و دو روز قطع می گردد)

بر ورقه ای بنویس (ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت باش) و آن را بر گردن تبار بیاویز و وقتی تب آمد بر کاغذی بنویس: (بگو آیا خداوند شما را اجازت داد یا بر او دروغ می بندید) و کاغذ بر بازویش بسته شود. و نیز بنویس

(بطلط، بطلط)

و بگو: بیا ای اسم خدا تب ... را بستم) و بر ساق چپش بسته شود.

(دعائی نظیر آن) [برای رفع ربع]

نمی بینی که خداوند چطور سایه را گسترد و اگر خواهد آن را آرام میسازد سپس خورشید را دلیل بر آن قرار دادیم - سوره فرقان آیه (۴۵).

(برای رفع درد سر و درد شقیقه)

مکارم الأخلاق - ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۳۳

از امام ششم (ع) بخوان: (و اگر قرآن که کوهها بدان حرکت کند ...

... نزدیک است که آسمانها از آن بشکافت ... مریم / ۹۰) (و در برابرشان قرار دادیم ... - یس آیه ۸).

(ای زمین آبت را فروکش و ای آسمان آبت را نگهدار - هود / ۴۴).

(نظیر آن) [برای رفع درد سر و درد شقیقه]

هر که از شما بیمار است ... تا نسک - بقره ۱۹۶) (دست خدا بالاتر از دست آنهاست پس هر که بیعت شکنند بضرر خود شکسته) (آرام گیر ای درد سر که ترا بر طرف و آرام کنم به یاری آن کس که آنچه در شب و روز آرام گیرد مال اوست و او شنوا و دانا است).

(نظیر آن) [برای رفع درد سر و درد شقیقه]

مردی از درد سر بامام ششم (ع) شکایت برد، فرمود دست بر جای

مکارم الأخلاق - ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۳۴

درد گذار و آیه الكرسي و سوره (حمد) را بخوان و بگو:

(الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله و الله اکبر)

، خدا برتر و بالاتر از آنست که از وی و حشت کنم از رگی که خون ریزد بخدا پناه میبرم و از سوزش آتش بخدا پناه میبرم).

(برای درد سر)

عمر بن حنظله گوید بامام باقر (ع): از درد سر شکایت کردم، فرمود:

چون درد عارض شود دست بر جلوی سر بگذار و بگو: (اگر بگفته آنها با الله خدایانی دیگر بود هر کدام راهی بسوی سلطنت عالم در پیش می گرفتند) (و چون بایشان گوید آنچه خدا فرستاده و به پیغمبر (ص) روی آرید منافقان را می بینی که از تو بسرعت بر می گردند).

(برای درد شقیقه)

از امام رضا (ع): (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) (خداوند پس از هدایت دل‌هایمان را تیره مکن، و رحمتی بر ما بفرست که تو بخشنده‌ای خداوند! تو گرد آورنده مردمی در روزی که درآمدنش شکی نیست، که خدا وعده‌اش

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۳۵

را خلف نمیکند) و بنویسید (اللهم انک لست بالله استحدثناه ... تا آخر آنچه در فصل ۴ بیاید ان شاء الله).

(دردسر و غیره)

از امام ششم (ع): هر که گرفتار درد سر و غیر آن باشد دست بر جای درد نهد و بگوید: (آرام گیر که تو را آرام سازم بیاری آنکه آنچه در شب و روز آرام گیرد مال اوست و او شنوا و داناست). نبی اکرم (ص) چون کسالتی یا درد چشم و درد سری عارض میشد دست باسماں بر میداشت و حمد و معوذتین میخواند بعد دست بر پیشانی میمالید درفش برطرف میشد.

(نظیر آن) [(درد سر و غیره)]

عمرو بن ابراهیم: به حضرت رضا (ع) از سودا شکایت کردم که چون عارضم میشد گویا دیوانه میشدم و از درد سر دائمی ... فرمود: این سبزی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۳۶

را بگیر و بکوب و بر سر گذار و بهمسرت بگو که بر سر بچه‌ها بگذارد که سودمند است باذن خدا). چنین کردم بیماریم بر طرف شد، و آن سبزی پیچک است. و از آن حضرت (ع): برای درد سر به حنا خضاب کنید.

(نظیر آن) [(درد سر و غیره)]

مردی از مرو از درد سر به امام صادق (ع) شکایت برد، حضرت فرمود: بیا نزدیک و دست بر سر او کشید و فرمود: خداوند آسمانها و زمین را از سقوط نگه میدارد و اگر فرمود افتند هیچ کس جز او نتواند آنها را نگه دارد که او حلیم و بخشنده است). معاویه بن عمار گوید: به امام صادق (ع) از باد شقیقه شکایت کردم فرمود: پس از نماز واجب انگشت سبابه دست راست را بین دو چشمت بگذار

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۳۷

و هفت بار بگو در حالی که آن را برابر و بکشی بگو: (ای منت گزارنده مرا شفاء ده) بعد برابر وی چپ بکش و بگو (ای منت گذارنده مرا شفاء ده) بعد کف دست راست را بر جلوی سر بگذار و بگو: (ای آنکه آنچه در شب و روز ساکنند و آنچه در آسمانها و زمین میباشد مال اوست بر محمد و آل او درود فرست، و بیماریم را شفاء ده).

(درد شقیقه)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، این آیه را بخوان (خداوندا دلم را تیره مکن ... تا آخر - آل عمران / ۸) اگر بهبود یافتی که خوب و گر نه نخود سفید را بگیری و نرم بکوب و بر آن سه بار توحید را بخوان و بمریض بخوران.

(درد چشم)

از امیر مؤمنان (ع): هر که درد چشم بیند آیه الكرسی را بر آن بخواند.

به اعتقاد اینکه شفا خواهد یافت البته شفا یابد ان شاء الله تعالی و گفته شده هر که هر روز بگوید (انسان را سمیع و بصیر قرار دادم) چشمش از آفات مصون بماند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۳۸

نبی اکرم (ص): به سلمان متوجه شد که چشمش ورم کرده فرمود:

تمر (خرما) مخور و بدست چپ خواب.

(نظیر آن) [(درد چشم)]

بر آب سه بار بخواند که (پرده از دیدات برداشته ایم و اکنون چشمت تیزبین است) (و اگر بخواهیم چشمانشان را نابینا میکنیم ... تا ببصرون یس - ۶۶).

(و نظیر آن) [(درد چشم)]

این دعا را بر آب بخوان (کافران میخواهند که ترا چشم بزنند چون ذکر (قرآن) را شنیدند، و میگویند که او (پیغمبر ص) دیوانه است، و این قرآن جز ذکر برای جهانیان نیست) و باین آب صورت را بشوید.

(برای شبکور)

ابی یوسف گوید به حضرت موسی بن جعفر (ع) عرضه داشتم که از

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۳۹

ناراحتی چشم بشما شکایت میکنم که شبکور شده ام، چیزی بمن بیاموز، فرمود این آیه را سه بار در ظرفی بنویس: (خدا نور آسمانها و زمین است - نور ۳۵) و بشوی و در شیشه ای بریز و از آن بچشم بکش، راوی گوید کمتر از صد میل بچشم کشیدم تا که چشمم از اول سالم تر شد.

(برای شفاء درد گوش)

سه بار بر روغن بنفشه و یا سمن بخواند: (كَأَنَّ لَمْ يَسْمَعَهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقَرَا) (از چشم و گوش و دل همگی باز خواست خواهد شد) بعد در گوش بچکانند.

(برای برطرف شدن درد دندان)

حمد و توحید را سه بار بخوان و سپس بگو: (ای دندان پر درد آیا آرام میگیری یا با سردی یا بنام خدا، آرام گیر که تو را آرام میسازم بیاری خدائی که آنچه در آسمان و زمین آرامند ملک او میباشند و او سمیع و علیم است) (پرسید

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۴۰

چه کسی استخوان بوسیده را زنده میکند ... بگو خدائی که از اول آن را آفرید و او بهمه خلق عالم است- یس ۷۸ و ۷۹) (برو بیرون که تو رانده ای (و ترا از آن بیرون خواهم کرد نمل/ ۵) (ترسان و مراقب از آنجا بیرون شد- قصص ۲۰).

(و نیز برای درد دندان)

بر نان خمیر شده نوشته شود و بر دندانانی که درد دارد بگذارد (بسم الله) (هر عده ای را جایگاهی است و بزودی خواهید دانست) (امر خدا آمد و برای آمدن آن عجله مکنید، و خداوند از آنچه برایش شریک قرار می دهد منزّه است) (گفتیم قسمتی از آن را بر او بزیند ... تا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ - بقره/ ۶۸) (گفت چه کسی استخوانها را زنده میکند ... تا علیم- یس ۷۸ و ۷۹).

(برای شفاء غده یا پینه دندان)

میخی آهنی بگیرد و بر آن سه بار حمد و معوذتین را بخوانید و نیز بخوانید

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۴۱

(قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ تَأْخِرَ ... عَلِيم) بعد بگوید: (ای دندان گرمی و سردی خوردم، آیا با گرمی آرام میگیری یا با سردی) بعد بخواند: (و له ما ... تا آخر) درد این دندان فلان کس سخت شده باسم عظیم خدا) بعد آن را به دیواری بکوبد و بگوید (اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ).

(و نیز برای درد دندان)

بر روی سبزی بنویسد: (الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ) پس بر روی دندانانی که درد می کند بگذارد و راه برود، و سبزی را بیشت سرش پرتاب کند در حالی که بعقب سر نگاه نکند که ان شاء الله درد ساکن خواهد شد.

(و نیز برای درد دندان)

خواننده دعا در داخل خانه و مریضی از خارج و بخواند در حالی که با وضو باشد (آنچه در آسمانها و زمین است فقط مال خداست تا آخر- لقمان- ۲۵) و بگوید: (چند سال اراده ماندن داری و چه نوع سبزی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۴۲

نمیخوری) که درد آرام شود.

(برای خون دماغ)

(از خاک آفریدمتان تا آخر آیه- طه ۵۷) (در آن روز خواننده طه ۱۰۷) (و در برابرشان سدی قرار دادیم یس- ۱۰).

(ایضا) [برای خون دماغ]

بر پیشانی خون دماغ کننده با زعفران نوشته شود: (فرمان آمد که ای زمین ...- هود/ ۴۶) و درد بر طرف خواهد شد.

(زکام)

از نبی اکرم (ص): زکام یکی از جنود الهی است که آن را برای از بین بردن بیماری میفرستد تا آن را بر طرف کند. از امام ششم (ع): برای معالجه زکام پنبه را بروغن بنفشه آغشته کن و هنگام خواب شیاف کن برای زکام نافع است ان شاء الله تعالی.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۴۳

(برای وسوسه)

بخوان (چون خواهی قرآن بخوانی بخدا از شر شیطان پناه ببر) و معوذتین بخوان. از امیر مؤمنان (ع): چون شیطان ترا وسوسه کند بخدا پناه ببر و با قلب و زبان بگو: (بخدا و پیغمبر (ص) ایمان دارم در حالی که باو اخلاص دارم و دین فقط مال اوست).

(برای درد قلب)

این آیه را بر آب بخوان و بیاشام: (اگر ما را از این بیماری نجات بخشی ترا شاکر خواهیم بود- یونس ۲۳) (بزودی جمعشان پراکنده شود و رو بفرار نهند تا ادهی و امر- سوره قمر- ۴۵ و ۴۶) (خدا آسمانها

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۴۴

و زمین را از سقوط نگه میدارد تا غفورا- فاطر/ ۳۹)

(دعائی دیگر)

بیمار این آیات را بر آب بخواند و در حالی که دست بر دل دارد بیاشامد و نیز نوشته شود و بگردن آویخته گردد: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) (پروردگارا قلوب ما را ... تا لا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ- آل عمران/ ۶ و ۷) (کسانی که ایمان دارند تا حسن مآب- رعد ۲۸) اگر از این نجات یابیم شاکر خواهیم بود یونس ۲۳).

(برای معالجه تنگی قلب)

بیمار هفده روز الم نشرح ... را روزی ده بار صبح و شب بخواند.

(برای شفاء درد سینه)

(و چون کسی را کشتید ... تا لعلکم تعقلون - بقره ۷۲ و ۷۳).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۴۵

(برای بر طرف شدن درد شکم)

سوره اخلاص و (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) (بگو استخوانها را همان کس که اول آفریدشان زنده میسازد و او بهر آفرینشی عالم است) (و اگر قرآنی که کوهها بوسیله آن حرکت آید و زمین پاره شود و با مردگان سخن گفته شود بلکه همه فرمانها مال خداست) و بر گردن او آویخته شود، (و این آیات بر او خوانده شود: (بسم الله ...)) (هیچ مصیبتی بشما نرسد- در زمین و در جانتان- مگر آنکه قبل از وضع آن در کتابی ثبت است که این بر خدا آسان است) (این دو خصم همنند که در باره خدا با هم مخاصمه نموده‌اند، پس کافران جامه‌ای از آتش بر ایشان بریده، و بر سرشان آب جوشان ریخته می‌شود، و پوست و امعاء ایشان گداخته شود) (پس خداوند بلند پایه است که جز او خدائی نیست و ربّ عرش کریم است) (جز الله خدائی نیست که یگانه است و شریک ندارد و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۴۶

سلطنت و سپاس برای اوست، میمیراند و زنده میگرداند و او زنده‌ایست که نمیرد و خوبی‌ها همه بدست اوست و بر همه چیز توانا است).

(دعائی دیگر)

(بسم الله ...) (و ذو النون خشمناک رفت و گمان کرد ... انبیاء / ۸۷).

(دعائی دیگر)

(اگر از این نجات یابیم شاکر خواهیم بود) (که خدا بمردم رؤف و مهربان است) (و قرآن را فرستادیم که قسمتی از آن شفاء و رحمت مؤمنان است).

(برای درد پشت)

(شَهْدَةُ اللَّهِ ... تا آخر سَرِيعِ الْحِسَابِ - آل عمران / ۱۶ و ۱۷)

(برای رفع حبس بول)

پاها را بشوی و بر ساق چپ بنویس: (فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ ... تا لِمَنْ كَانَ كُفِرَ - القمر / ۱۱ الی ۱۵).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۴۷

از حمران: به حضرت امام هادی (ع) نوشتیم: (در همسایگی من یکی از دوستان شما زندگی میکند که به حبس بول گرفتار است و از شما التماس دعا دارد و نام او نفیس خادم است). امام (ع) در جواب نوشت: خداوند رنج تو را بر طرف و ناملایمات دنیا و آخرت ترا دفع نماید و به قرآن تمسک و مواظبت نما که ان شاء الله ترا شفاء می‌دهد.

(تعویذ برای درد رحم)

(بنام خدا، و بیاری خدائی که باذن او زمین و آسمانها بپاست مریم بنت عمران درد رحم ناراحتش نکرد، این چنین خداوند فلان کس را از درد رحم و در عصب رحم شفا دهد، سالم شو بنام الله که حیّ و قیومی، باسم الله، به خدا استغاثه میکنم در باره آنچه که اکنون میباشد، در باره آنچه بوده شهادت می‌دهم که خدا بر همه چیز تواناست و علم او بر همه چیز احاطه دارد).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۴۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (محمد رسول خداست و کسانی که باو ایمان دارند نسبت به کفار خشن و با هم مهربانند ... تا آخر سوره- فتح ۲۹) داعی خدا را اجابت کنید بر شنونده کلام عزیمت دارم که اگر این ظالم اجابت نکند به دعاهاى الهی که ارواح و اجساد را می‌برد، و روحی و دلی باقی نمی‌ماند اجابت کن باسم خدائی که به آسمانها و زمین گوید: خواه و ناخواه بیائید- گفتند آمدیم در حالی که مطیعیم) و صلی الله علی محمد و آله، و این را با خود بخوان.

(برای آنکه گرفتار بول کردن در خواب است)

از امام (ع) روایت است که چنین کسی دو جزء سعد و دو جزء زعفران بردارد و آنها را نرم کند و همه را با هم بیامیزد و با عسل معجون سازد و بصورت حبّ در آورد و بر جام نو با زعفران بنویسد: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، إِنَّ اللَّهَ يُمَسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ، إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا). این آیه را بر همه جای جام بنویسد و با آب سرد بشوید و آن را در

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۴۹

ظرف بلورین تمیز بریزد، و آیه مذکور را با مرکب بر پارچه‌ای بنویسد: (و همچنین سوره حمد و توحید را سه بار و معوذتین و آیه الکرسی را بتمامه، و آخر سوره حشر و آخر سوره اسراء را بنویسد، و بعد بنویسد:

(يا من هو كذا و لا هكذا غيره امسك عن فلان ما يجد من غلبة البول)

و این تعویذ و نوشته را بر ران او بیاویزد اگر زنست و اگر مرد است بر عانه او ببندد و در وقت خواب یکی از آن حبّها را با مقداری از آن آب دعا باو بخوراند و در نوشیدن آب امساک کند، و موقعی که ادرار او کم شد (ان شاء الله) تعویذ را باز کند تا بحصر بول دچار نشود.

(برای سختی زادن زن)

این را بنویس و بر ساق پای چپش ببند:

(بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا) وَ (إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ وَ أَدْنَتْ لِرَبِّهَا وَ حُفَّتْ وَ إِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ وَ أَلْقَتْ مَا فِيهَا وَ تَخَلَّتْ) (وَ لَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَ اذْدَادُوا تَسْعًا) (اخرج باذن الله من البطن الطيبة الى

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۵۰

الارض الطيبة) (مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى، اخرج باذن الله و قدرته و اسمه الذى لا يضرّ مع اسمه داء فى الارض و لا فى السماء و هو السميع العليم العزيز الوهاب) (كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ، لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلِكُ إِلَّا

الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ) (أَوْ لَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا ... أَفَلَا يُؤْمِنُونَ) (إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ، فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ)
(سوره إذا جاء نصرُ الله... (وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجْلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ).

(دعائی دیگر)

هفت بار بر پارچه بنویسند و بر ران زانو بیاویزند: (فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا).

و یک بار بنویسند: يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ يَوْمَ تَرَوُنَّهَا تُدْهَلُ، كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا).

مکارم الاخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۵۱

(و مانند آن) [برای سختی زادن زن]

بر پهلوی زانو بنویسند:

(بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ أَخْرَجَ بَازِلٌ اللَّهُ (مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى)

و بر پیغمبر (ص) و آل او صلوات فرستد.

(و مانند آن) [برای سختی زادن زن]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا - إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا) (يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ) (وَ يُهَيِّئُ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مِرْفَقًا) (وَ يُهَيِّئُ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ رَشَدًا) (وَ عَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَ مِنْهَا جَائِرٌ) (ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرَهُ) (أَوْ لَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا تَا آخِر آيِهِ. و روایت است که إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ ... نوشته شود و آب آن را بوی بخوراند و بر فرجش بپاشند. و روایت است که بر بالین زانو إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ ... بخواند.

مکارم الاخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۵۲

(و مانند آن) [برای سختی زادن زن]

بر کاغذی بنویسند (أَوْ لَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا ... أَفَلَا يُؤْمِنُونَ - سوره انبیاء / ۲۱).

(وَ آيَةٌ لَهُمْ اللَّيْلُ نَسَلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ) (وَ نَفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ) (كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ) و بر کمرش ببندند.

(رقعه برای طحال)

بر کف دست راست خود سه بار بخواند (إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ ...) بعد سه بار بخواند (إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ) و بعد کف دست را هفت بار بر سر بکشد.

(رقعه دیگر)

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۵۳

این آیات نوشته در موضع درد نهاده شود: (إِنَّ اللَّهَ يُمَسِكُ السَّمَاوَاتِ ...) (إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَ إِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ).

(برای درد قولنج)

از امام (ع): برای قولنج ام القرآن (حمد) و توحید و معوذتین نوشته شود، و زیر آن بنویسند: بوجه کریم خدا بعزت بی حد او و بقدرت وی که هیچ چیز از آن سرکشی نتواند پناه می برم از شرّ این درد و از شرّ آنچه در آنست و از شرّ هر چه از آن به من می آید).

اینها را بر صفحه بنویسند و با آب باران بشویند و بیمار صبحانه و وقت خواب بیاشامد که ان شاء الله سودمند خواهد بود).

(برای درد و پیچش معده)

بر روغن بخوانند و بر شکم بیمار بمالند:

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ، وَ فَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ، وَ حَمَلْنَاهُ عَلَى ذَاتِ أَلْوَحٍ وَ دُسْرٍ) فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ كَذَلِكَ بِاسْمِ فَلان بن فلان

(نام بیمار و پدرش را بگوید) (أ وَ لَمْ يَرَ الَّذِينَ

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۵۴

كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا ... تا آخر آیه ۳۱ سوره انبیاء).

(دعایی دیگر) [برای درد و پیچش معده]

حضرت صادق (ع) فرمود: برای این درد بنویسند: (بنام خدا دانش پژوهانی که نمی دانند و آنها که عالمند بر علیین نشسته اند و خوراک از نور دارند و از خدا نور علوی میطلبند فلان شفا یابد) (أ وَ لَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا ... تا آخر آیه) و اینها هفت بار با آب شسته شود و روغن بر آن بریزند و بیمار روغن بر جای درد بمالد و بخورد، ان شاء الله صحبت یابد.

(و نظیر آن) [برای درد و پیچش معده]

از امام ششم (ع): یک بار بر جای درد و بیماری بخوانند (إِذَا السَّمَاءُ انْشَقَّتْ تَا ... وَ أَلْفَتْ مَا فِيهَا وَ تَخَلَّتْ) (وَ إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ) (وَ نُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۵۵

شِفَاءً وَ رَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ).

(و نظیر آن) [برای درد و پیچش معده]

از امام (ع): بر آب بی‌روغن خوانده شود و بیمار آن را بیاشامد و دست بر شکم بیمار بمال و سه بار بگو: (يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ) (ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرَهُ) (أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا) (فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ) (وَ اللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا). این چنین ای مرض از وی بیرون شو بفرمان خداوند عز و جل.

(برای بواسیر)

روایت است که شخصی از بواسیر بامام ششم (ع) شکایت برد، فرمود یس را با عسل بنویس و بنوش.

(برای فلج و غیره)

مردی بامام باقر (ع) شکایت کرد که دخترم بازویش سست و متشنج

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۵۶

می‌شود و بیحرکت می‌افتد فرمود: در ایام حیض تا سه روز بوی تره پخته و عسل بخوران، و فرمود: بر بیمار فلج و قولنج و عنن و باد و هر دردی (حمد، و توحید و معوذتین) بخوان و سپس بنویس: (بوجه عظیم خدا و عزت بیحد او، و قدرت وی که هیچ چیز از آن سرکشی نتواند از شر این درد و آنچه از آن به من میرسد پناه میبرم) آن را بر لوحی بنویسند و بآب باران بشویند و صبح در وقت خواب بیاشامند که ان شاء الله خوب شود. از حضرت رضا (ع): خریزه ناشتا فلج آرد.

برای جرب و دمل و قوه باه (گر، و اگرما)

بر بیمار بخوانند و بنویسند و بر گردنش آویزند: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ). (مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى)، خدا بزرگ است و تو خردی و خدا باقی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۵۷

است و تو فانی و خدا بر همه چیز توانا است.

(برای درد و ناراحتی)

هر که را رنج و دردی در پا ... رسد بر آن بنویسد: (وَ لَقَدْ خَلَقْنَا - السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَ مَا مَسَّنَا مِنَ لُغُوبٍ).

(سفیدک)

(لکه‌هائی در پوست بدن غیر از پیسی)

بر جای بیماری بنویسد: (وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَ مَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ) (هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يُضُرُّونَ).

(برای پیسی و جذام)

بخوانند و بنویسند و بر گردن بیمار بیاویزند (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يَثْبِتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَعْيُنٍ مُثْنَى وَ ثَلَاثَ وَ رُبَاعَ بِنَامِ فُلَانِ بْنِ فُلَانَةَ (نام بیمار و مادرش را بنویسد).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۵۸

مردی بامام صادق (ع) از برص شکایت کرد فرمود: خاک قبر حسین (ع) را با آب باران بردار (و بخور) چنین کرد و خوب شد. یکی از اصحاب ما نقل میکند که در بدن من لکه سفید پیدا شد (برص) حضرت صادق (ع) بمن فرمود: که (سوره یس) را با عسل بر جامی بنویسم و بنوشم من چنین کردم و شفاء یافتم. و از امام هفتم (ع): آبگوشت گاو با قووت خشک برص را از بین می برد. و یونس بن عمّار از برص بآن حضرت شکایت برد، و فرمود: آب و شیره کشمش را بگیر و بخور، یونس بدستور عمل کرد و شفاء یافت.

(زگیل)

بیمار مقداری نمک بردارد و بزگیل بمالد و آن را در آتش افکند و بر آن سه بار بخواند (لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ ... تا آخر سوره) که ان شاء الله

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۵۹

بر طرف خواهد شد.

(دیگر) [(زگیل)]

بر سه دانه جو بنویسد: (وَ مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ) و آنها را بر زگیل بچرخاند سپس در جایی مرطوب در آخر ماه دفن کند که چون جوها بیوسد زگیل خوب شود.

(دیگری) [(زگیل)]

مردی از حضرت رضا (ع) چیزی خواست که زگیلها را برطرف کند فرمود:

هفت دانه جو بردار و بر هر دانه ای هفت بار، (إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ رَا تَا فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًا) بخوان و نیز بخوان (يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا ... تا ... وَ لَا أَمْتًا). سپس جوها را دانه دانه بر زگیل بمال و آنها را در پارچه نو بگذار و سنگی بآن ببند و بچاه انداز. مرد بدستور عمل کرد و روز هفتم یا هشتم بدنش مثل کف دست صاف و سالم شد، و فرمود: باید در

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۶۰

آخر ماه این کار شود و بخواند (أَوْ لَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا).

(برای عرق مدنی (رشته)

قبل از اینکه بیرون آید و وقتی که خارش شروع شد بر آن بنویس (وَ يَسْأَلُونَكَ ... تا ... وَ لَا أَمْتًا)، و صبر بر آن بمالند و نیز این آیه را بنویسند:

(أَوْ كَالَّذِي مَرَّ ...).

(برای صرع)

(و چرا بر خدا توکل نکنیم که ما را براه آورد و بر اذیت‌های شما صبر خواهیم نمود و توکل کنندگان بر خدا توکل میکنند).

(برای گریه کودک)

«سوره إِذَا زُلْزِلَتْ» و «فَضَرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا، ثُمَّ

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۶۱

بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَى لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا) و آیه (شَهِدَ اللَّهُ) و (قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ تَا آخِر سوره) و (لَقَدْ جَاءَكُمْ تَا آخِر سوره)، (و مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ تَا آخِر آیه).

(برای چشم زخم)

معمّر بن خلاد گوید: در خراسان متصدی مخارج و کارهای حضرت رضا علیه السلام بودم. حضرت دستور داد برایش عطری تهیه کنم، وقتی تهیه کردم شگفتی نمود و بآن نظر کرد و فرمود ای معمّر چشم زخم واقعیت دارد، بر پارچه‌ای (حمد) و توحید و معوذتین و آیه الكرسي را بنویس و آن را در جلد قاروره و شیشه عطر قرار ده.

(و مانند آن)

از امام صادق (ع) روایت است که چشم زخم واقعیت دارد، از چشم دیگری بر خود ایمن مباش و هم از چشم خود بر دیگری و اگر از چشم زخم ترسیدی سه بار بگو:

(ما شاء الله لا حول و لا قوّة الا بالله العلیّ العظیم)

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۶۲

و فرمود: چون یکی از شما با هیأت آراسته‌ای از خانه بیرون می‌شود بهنگام خروج معوذتین بخوانید: که بفرمان حق آسیبی نبینید ان شاء الله تعالی. و از آن حضرت (ع): هر که چیزی از رفقاییش او را شگفت آرد به او بارک الله گوید که چشم زخم واقعیت دارد. و نبی اکرم (ص) فرمود: چشم زخم مرد را به گور و شتر را به دیک میفرستد. و فرمود (ص): تعویذ و افسون نشاید مگر برای تب و چشم زخم حقیقت دارد.

(برای چرت زدن)

(و لَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا ... تَا ... أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ) بر آب خوانده شود و بوسیله آن سرو صورت و ساق دست را مسح کند).

(برای فراری و حیوان گمشده)

از حضرت رضا (ع) روایت است که فرمود: اگر چیزی یا حیوانی از شما

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۶۳

مفقود شد بگو: (وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ ... تَا ... فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ) بعد بگو:

(خداوندا تو از گمراهی نجات میدهی و از کوری رهائی می‌بخشی و گمشده را باز میگردانی پس بر محمد و آلش درود فرست و مرا ببخشی و گمشده‌ام را باز گردان و بر محمد و آل او درود فرست.

(برای شفاء هر بیماری)

روایت است که پیغمبر (ص) فرمود: جبرئیل بمن داروئی آموخت که با داشتن آن بداروئی دیگر نیاز ندارم، پرسیدند یا رسول الله آن دوا چیست فرمود: آب باران را پیش از آنکه بزمین بریزد بگیر و در ظرفی تمیز بریز و بر آن (حمد) و (توحید) و (معوذتین) را ۷۰ بار بخوان و لیوانی صبح و لیوانی شب از آن بیاشام، بآن کس که مرا بحق فرستاد درد و بیماری را از بدن و استخوان

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۶۴

و مخ و عروق ببرد.

(مانند آن) [برای شفاء هر بیماری]

هفت دانه سیاه دانه و هفت دانه عدس و کمی از تربت حسین (ع) و هفت قطره عسل بگیر و آنها را در آب یا روغن بریز و بر آن (حمد و توحید و معوذتین و آیه الکرسی و آیه اول حدید تا (وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ) و آخر حشر را بخوان. حضرت باقر (ع) فرمود: خداوند میفرماید: (از قرآن فرستاده‌ایم آنچه را که شفاء مؤمنین است) و فرماید: (از شکم زنبور عسل نوشابه‌ای به رنگهای مختلف بیرون می‌آید که شفاء مردمان است). و پیغمبر (ص) فرمود: سیاه دانه شفاء هر بیماری است مگر مرض موت و امام میفرماید: ما میگوئیم در پشت کوفه قبریست که هیچ بیماری بدان پناه نبرد مگر آنکه شفاء یابد (مراد قبر مقدس امیر مؤمنان (ع) است).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۶۵

(فصل سوم) (شفاء خواستن بوسیله صدقه و دعا و نماز)

(در صدقه)

امام صادق (ع) از پدرانش حدیث میکند که پیغمبر (ص) فرمود صدقه از مرگ بد جلو میگیرد. و فرمود: صدقه و صلّه رحم شهرها را آباد و عمرها را افزون میسازد. از امام ششم (ع) فرمود: هر که در شب یا روزی (و اگر چه یک روز با یک شب در میان) صدقه دهد: از زیر آوار ماندن و درنده و مرگ سوء مصون خواهد ماند. از امام پنجم (ع): احسان و صدقه فقر را از بین می‌برد، و عمر را زیاد می‌کند و از هفت مرگ سوء جلو می‌گیرد. از معاذ بن مسام: خدمت حضرت صادق (ع) بودم، سخن از بیماریها

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۶۶

بمیان آوردند، حضرت فرمود: بیمارستان را با صدقه درمان کنید، و بر هیچ یک از شما نیست که قوت یک روزه خود را صدقه دهد، که پرونده و اسم بنده‌ای را بدست ملک الموت میدهند که ویرا قبض روح کند، و چون این بنده صدقه میدهد، پرونده او را پس میگیرند. از آن حضرت (ع): بیمارستان را با صدقه معالجه کنید، و اموال خود را با پرداخت زکاء بیمه کنید، و من (حفظ) هر مالی را که در خشکی و دریا باشد پس از پرداخت حق خدائی آن ضمانت میکنم. از امام (ع) (موسی بن جعفر): صدقه قضاء حتمی آسمانی را بر میگرداند.

(صدقه و دعاء)

داود بن زربی گوید: در مدینه به تب شدیدی مبتلی شدم، این خبر بحضرت صادق رسید بمن نامه نوشت که از بیماری تو آگاه شدم، یک صاع گندم بخر بعد به پشت دراز بکش و گندمها را بر سینه خود نثار کن و بیفشان و بگو: (خداوندا ترا به آن اسمت، قسم میدهم که چون بر بیچاره‌ای خوانده شود گرفتاریش را برطرف

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۶۷

میکنی و او را تمکن می‌بخشی و خلیفه خود میگردانی- بر محمد و آلش درود بفرستی، و مرا از این بیماری عافیت بخشی). بعد بنشین و گندمها را جمع کن، و باز همین دعا را بخوان و آن را مشت مشت به مسکینان قسمت کن، و باز همین دعا را بخوان- داود گوید: بدستور عمل کردم و نجات یافتم و بسیاری از افراد بدین دستور عمل کردند و بدان بهره یافتند.

(در باره دعاء)

پیغمبر (ص) فرمود: قضاء را بر نمیگرداند مگر دعاء. و امام ششم (ع) فرمود: دعاء قضاء سوء را بر میگرداند پس از آنکه حتمی شده باشد. از حضرت موسی بن جعفر آمده که: بر شما باد بر دعا که دعاء و طلب از خداوند عزّ و جل بلا را بر میگرداند در حالی که مقدّر شده و جز امضاء آن نمانده باشد، چون خداوند خوانده و مسألت شود بلا برطرف گردد. از سلمان فارسی (رضی الله عنه) از نبی اکرم (ص): بر عمر نمی‌افزاید مگر احسان و قضاء را بر نمیگرداند مگر دعاء.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۶۸

و امام باقر (ع) به حضرت صادق (ع) فرمود: پسر من، هر که بلا خود را از مردم پنهان دارد و بخداوند عزّ و جل شکایت برد، بر خداست که او را از آن بلا عافیت بخشد. از امام ششم (ع): هر که (پیش از نزول بلا) بر دعاء پیشدستی کند وقتی که بلا آمد نیز دعایش مستجاب شود، و ملائکه میگویند این صدای آشنا است و محبوب نمیشود، و هر که بدعا پیشدستی نکند وقتی بلا آید دیگر دعایش مستجاب نخواهد شد و ملائکه گویند ما این صدا را نمی‌شناسیم. از امام (ع): هر دردی را درمانی است، از حضرت توضیح خواستند؟ فرمود: هر دردی را دعائی است، و اگر مریض ملهم شد که دعا کند خداوند فرمان شفایش را صادر میکند. و فرمود: بهترین دعا صلوات بر محمد و آل محمد است، بعد دعا برای برادران دینی بعد دعا برای خود، و نزدیکترین حالات بنده به خدا حال سجده است، و فرمود: دعا از قرائت قرآن برتر است زیرا خداوند عزّ و جل

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۶۹

میگوید: (بگو اگر دعای شما نباشد خداوند من بشما اعتنا نخواهد کرد) و خداوند عزّ و جل از آنجا که به شنیدن دعای مؤمن شائق است در استجاب آن تأخیر میکند و میگوید: این صدا را دوست دارم که بشنوم، و در استجاب دعای منافق تعجیل می‌نماید و میفرماید: این صدائی است که از شنیدن آن اکراه دارم. از امام ششم (ع) که فرمود: هر که از رسیدن بلائی میترسد، و به دعاء پیشدستی کند، خداوند هرگز آن بلا را بوی ننماید

(دعای بیمار برای خود)

مستحب است برای شخص مریض که بگوید و تکرار نماید این جملات دعا را (نیست خدائی جز خدائی که یکتا است و شریک ندارد و همکاری برای او نیست سلطنت و سپاس مختص ذات اوست که میمیراند و زنده میگرداند و اوست که زنده است و هرگز نمی‌میرد و از

بین نمیروند منزّه است خدائی که پروردگار بندگان و آبادیها است حمد و سپاس مختص خدائی است که فراوان و بی شائبه همیشه و مداوم و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۷۰

در همه حال خدائی بزرگ و بزرگتر و بلند پایه است پروردگار ما و قدرت و توانائیش بهمه جا حکم فرماست بار خدایا اگر مرا بیمار گردانیده‌ای که در این بیماری جانم را بگیری بار الهها جانم را در زمره کسانی قرار ده که آنها را مورد احسان خود واقع ساخته‌ای و مرا از آتش غضبت بدور دار همان طوری که دوستان و اولیائت را که مورد احسان تو هستند از آتش دور داشته‌ای).

(دعائی دیگر)

از امام ششم علیه السلام روایت است که فرمود دست خود را به محلّ درد میگذاری و سه مرتبه میگوئی

اللّٰهُ اللّٰهُ رَبِّي حَقًا لَا اِشْرَکَ بِهِ

و میگوئی

اللّٰهُمَّ اَنْتَ لَهَا وَ لِكُلِّ عَظِيْمَةٍ فَفَرِّجْهَا عَنِّي

. (دعائی دیگر)

از امام ششم علیه السلام است که فرمود دست خود را بموضع درد میگذاری سه بار و میگوئی بار الهها تو را قسم میدهم بحق قرآن عظیمی که بوسیله روح الامین آن را فرستاده‌ای و بنزدت در قرآن است و در ام الکتاب در پیش تست هر آینه بلند

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۷۱

مرتبه و حکیمی، خدایا مرا شفا ده بشفایت و بمن بهبودی عطا فرما به مداوای خودت و بمن عافیت فرما از بلاء و دردهایت پس از آن درود صلوات بر محمّد و اهل بیتش بفرست.

(دعائی دیگر)

حضرت صادق (ع) فرمود: (در موقع دعا میگوئی)

(باسم الله و بالله کم من نعمه الله عزّ و جل فی عرق ساکن و غیر ساکن علی عبد شاکر و غیر شاکر)

سپس محاسن خود را با دست راست میگیری البتّه پس از نماز واجب که خواندی این جملات را بزبان می‌آوری و سه بار میگوئی

(اللّٰهُمَّ فَرِّجْ کَرْبِي وَ عَجِّلْ عَافِيَتِي وَ اَكْشِفْ ضَرْبِي)

و مواظب باش که این فقره از دعا با گریه و اشک باشد.

(دعائی دیگر)

برخی از راویان میگویند از مرض و درد خود بنزد حضرت صادق شکایت نمودم آقا فرمودند بگو: باسم الله سپس با دست خود محل درد را مسح نما و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۷۲

بگو:

(اعوذ بعزة الله و اعوذ بجلال الله و اعوذ بعظمة الله و اعوذ بجمع الله و اعوذ برسول الله و اعوذ باسماء الله من شر ما احذر و من شر ما اخاف علی نفسی)

البته ۷ مرتبه این ذکر را میگوئی راوی گفت این عمل را بجا آوردم خداوند متعال دردم را بهبودی داد.

(دعای دیگر)

و نیز از آن حضرت است که دست خود را بر جای درد بگذار و بگو: (بنام خدا و بیاری خدا و از خدا و بسوی خدا و بخواست خدا محمد رسول خدا (ص) هیچ حول و قوه‌ای نیست جز از جانب خدا، خداوندایم را برطرف کن و بر جای درد سه بار دست بکش.

(دعائی که بر بیمار خوانده می‌شود)

از امام صادق (ع): دست بر سر بیمار بنه و بگو: (بنام خدا و بیاری خدا و از خدا و بسوی خدا و بخواست خدا

و لا حول و لا قوه الا بالله، ابراهیم خلیل الله و موسی کلیم الله و نوح نجی الله، و عیسی روح الله، محمد رسول الله

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۷۳

صلی الله علیه و آله

، از شر بادها (بیماری) و دردها بخدا پناه میبرم، بنام خدا و یاری خدا و عزیمتهای الهی برای فلان فرزند فلان، و او را پناه کلمات تامه الهی که آدم، با توسل بآنها توبه‌اش پذیرفته شد (که خداوند توبه پذیر و رحیم است) که ای بیماریها و دردها از من جدا شوید، بعد آیه الکرسی و حمد و معوذتین و توحید و دو آیه از اول سوره یس را بخوان و بگو: خداوندایم بشفای خود شفای ده و بدوای خود درمانش کن و از بلایت عافیتش ده، و خدا را بحق محمد و آل محمد (ص) بخوان.

(دعائی دیگر)

این آیات سوره یس خوانده شود: (وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ، لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ، وَذَلَّلْنَاهَا

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۷۴

لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ، وَ لَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ، لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَ هُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُحْضَرُونَ، فَلَا يَخْزِنَكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَ مَا يُعْلِنُونَ، أَوْ لَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ، وَ ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ، قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ، الَّذِي

جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ أَوْ لَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ، إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ، فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۷۵

(دعائی دیگر)

حضرت صادق (ع) فرمود: پیغمبر (ص) گرفتار تب شد جبرئیل بعبادت حضرت آمد و خواند بنام خدا ترا از هر بیماری رنج آوری شفا میدهم بنام خدا که خدا شفا بخش است، بنام خدا بگیر شفا را، بنام خداوند رحمان و رحیم (قسم بمنزلگاه ستارگان) که باذن خدای متعال خوب شوی از امام ششم (ع): تربت حسین (ع) شفاء هر بیماری است، و به هنگام خوردن آن بگو: بنام خدا و بیاری خدا این را بر من وسیله وسعت روزی و دانشی سودمند و شفاء از هر بیماری قرار ده که تو بر همه چیز توانائی. امام ششم (ع) فرمود: هر که را مرضی پدید آید و دارو را بتربت حسین علیه السلام آغاز کند خداوند عز و جل شفایش بخشد مگر آنکه مرض موت باشد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۷۶

(دعائی دیگر)

از امام باقر (ع): کف دست بر دهان بگذار و سه بار بگو:

(باسم الله)

و سه بار

(بجلال الله)

و سه بار:

(بکلمات الله التامات)

بعد بر سر بیمار بنه که این کار بر او بهترین فائده را خواهد بخشید.

(دعائی دیگر)

از امام (ع): چون بر بیمار وارد شوی پناه میبر بخداوند و هفت بار بگو:

(برای تو از شر بزرگ و عرق بیماری زا و از شر آتش سوزان بخداوند بزرگ و پروردگار عرش عظیم پناه میبرم).

(دعاء برای بیماری فرزند)

از امام ششم (ع): بیکی از فرزندان که بیمار شده بود فرمود: پسر بگو: (خداوندا به شفای خود شفایم ده و بدوای خود درمانم بخش و از بلاى خود عافیتم ده که من بنده و زاده بنده توام).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۷۷

(دعا برای دیگری)

یکی از اصحاب به نبی اکرم (ص) از بیماری خود سخن گفت: حضرت فرمود: دست راست بر جای مرض بنه و بگو:

(بسم الله و اعوذ بعزة الله و قدرته من شر ما اجد).

و از آن حضرت (ص): هر کس به عیادت بیماری می‌رود بگوید: (خداوندا بندهات را شفا ده تا با دشمنت در افتد و برای تو به نماز برود).
و روایت است که آن حضرت چون عیادت بیماری می‌رفت می‌فرمود: (ای پروردگار مردم بیماری را بر طرف کن، که شفاء تنها بدست
تست و جز تو کسی رفع بلا نتواند).

[مثل آن] (دعا برای دیگری)

ای پروردگار ناس شفا ده که تو شافی هستی که جز از تو شفائی نباشد شفائی که دردی باقی نگذارد، خداوندا دل و جسم را سلامت
بخش و بیماری

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۷۸

را ببر و دعا را مستجاب کن). پیغمبر (ص) فرمود: هر که بر مریضی که اجلش نرسیده باشد وارد شود و بگوید: (از خداوند بزرگ و
پروردگار عرش عظیم می‌خواهم که ترا شفا دهد) مریض خوب خواهد شد. و حضرت بیکی از اصحاب داخل شد که بیمار بود، دعائی را
که جبرئیل بوی تعلیم کرده بود باو آموخت:

(باسم الله ارقیک، باسم الله اشفیک من کل ارب یؤذیک)

(وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ وَ مِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ)

. (و نظیر آن) [(دعا برای دیگری)]

دست بر دهان بنه و سه بار بگو:

(باسم الله، بجلال الله، بکلمات الله التامات باسماء الله الحسنی)

سپس دست بر جای درد بنه و بگو:

(باسم الله، باسم الله، باسم الله)

بعد هفت بار بگو

(اللهم امسح ما بی)

و بعد از آنکه خدا شفا داد بگو:

(الحمد لله الذی خلقنی فهدانی و اطعمنی و سقانی)

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۷۹

و صحیح جسمی و شفانی، له الحمد و له الشکر)

. (دعاء برای خنازیر)

از حضرت رضا (ع): در گردن یکی از کنیزان ما خنازیر پدید آمد کسی پیش من آمد و گفت یا علی برای کنیز بخوان تا از زبان تو بخواند: (یا رؤف یا رحیم یا رب یا سیدی) و مرتب آن را تکرار نماید کنیز چنین کرد و خداوند عز و جل بیماری را از او ببرد.

(دعاء برای درد چشم)

محمد بن الجعفی از قول پدرش نقل میکند که گفت بسیار چشم درد می گرفتم، به حضرت صادق (ع) شکایت کردم فرمود: میخواهی دعائی بتو تعلیم کنم که بسود دنیا و آخرت تو باشد و درد چشمت را نیز شفا دهد؟ گفتم آری فرمود: پس از نماز صبح و مغرب بگو: خدایا بحق محمد و آل او بر محمد و آلش درود فرست، و در دیده‌ام نور و در دین بصیرت و در قلب یقین، و در عمل اخلاص و در خود سلامت و در روزی وسعتم بخش و مادام که هستم توفیق شکرگزاریم ده و در روایتی پس از نماز صبح هفت بار بگو.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۸۰

(دعاء برای سختی زادن)

زنی که زادنش مشکل گردد این دعا را سه بار بر کوزه‌ای پر آب بخواند و زن از آن بنوشد و بقیه آب بین پستانها و دو کتفش ریخته شود، که به یاری خدا زود فارغ شود و دعا اینست:

(باسم الله الذی لا اله الا هو الحلیم الکریم سبحان الله رب السموات السبع و رب العرش العظیم، و الحمد لله رب العالمین)

(كَانَهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا، كَانَهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ)

. (دعا برای سختی بول کردن)

(آفریدگار ما آن کس است که منزّه است در آسمانها، خداوند اسم تو (مخلوق تو) در آسمانها و زمین است، خداوند همان طور که رحمت خرد را در آسمانها قرار داده‌ای بر زمین نیز گسترش ده گناهان بزرگ و کوچک ما را ببخشای که تو پروردگار پاکان هستی، رحمتی و شفائی از رحمتها و شفاهای خود را بر این

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۸۱

درد فرست) ان شاء الله با این دعا خوب خواهد شد.

(دعا برای درد زانو)

ابی حمزه گوید: دردی بر زانوی من عارض شد بحضرت باقر علیه السلام شکایت کردم، فرمود: در موقع نماز بگو: (ای بخشاینده ترین عطاکنندگان، ای بهترین سؤال شوندهگان، و ای مهربانترین کسی که طلب رحمت می شود، بر بینوائی و ضعف من رحمت آر و مرا از بیماری شفایم بخش) ابی حمزه گوید: چنین کردم و شفا یافتم.

(دعا برای فلج و زمین گیر)

از امام ششم (ع): در سجده نماز شب بخوان: (خداوندا من چون ذلیلان و فقیران و بیچارگان دعا میکنم، و چون کسی که گرفتاریش سخت و راه گریزش ناچیز و عملش ضعیف است و بلاء بر او فشار آورده چون بیچاره ای که اگر بفریادش نرسی هلاک می شود، و اگر نجات نبخشی راه نجاتی ندارد، پس مکرت را بر من چیره مساز، و خشم را بر من قرار مده، و به یأس از لطف مخصوص

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۸۲

و ناامیدی از رحمت خودت و شکیبائی بر بلا مبتلایم مساز، خداوندا تاب تحمل بلاء تو را ندارم و هرگز از رحمت تو بی نیاز نباشم، و این فرزند حبیب تست، که بوسیله او بتو متوجه میشوم که تو او را پناه و فریادرس خائفان قرار داده ای و علم گذشته و آینده را بوی ودیعت سپردی پس ببرکت او بیچارگیم را برطرف کن، و از این بلا نجاتم بخش، و به رحمت و عافیت خود یاریم ده،

یا هو یا من هو هو یا من لا اله الا هو

، امیدم از غیر تو بریده شده است.

(در نماز)

نماز برای شفاء از هر بیماری خصوصا سلعه)

سه روز روزه بدار و در روز سوم نزدیک ظهر غسل کن و بدرگاه حق برو خرقه ای نظیف با خود بردار، و ۴ رکعت نماز بخوان، و هر چه خواهی از قرآن در آن قرائت کن، و تا میتوانی شکسته دل باش، و پس از نماز لباس خود را در آور و خرقه را بپوش و گونه راست بر زمین بگذار و بگو:

(یا واحد یا ماجد یا کریم یا حنان، یا قریب، یا مجیب، یا ارحم الراحمین، صل علی محمد و آله و اکشف ما بی من ضرّ و معرّه و البسنی العافیة فی الدنيا و الآخرة، و امن

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۸۳

علیّ بتمام النعمه، و اذهب ما بی فانه قد آذانی و غمنی.

و امام ششم (ع) فرمود: این دعا بتو سودی ندهد تا یقین به اثر آن پیدا کنی که در این موقع شفاء خواهی یافت و بر این دعا مداومت کن، که خدا شفایت بخشد.

(نماز برای همه بیماریها)

از نبی اکرم (ص): این دعا را بر ظرفی پاک با زعفران بنویس و بشوی و بیاشام:

(اعوذ بکلمات الله التامة و اسمائه الحسنی کلها عامه من شر السامة و الهامة و من شر العين اللامة و من شر حاسد إذا حسد، بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ

(همه سوره) و سوره قل هو الله احد و سوره قل اعود برب الناس و قل اعود برب الفلق و سه آیه از سوره بقره (وَ إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ، إِنَّ فِی خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ وَ الْفُلْکِ الَّتِی تَجْرِی فِی الْبَحْرِ بِمَا یَنْفَعُ النَّاسَ وَ مَا أَنْزَلَ اللّٰهُ مِنَ السَّمٰوٰتِ مِنْ

مکارم الاخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۸۴

ماءٍ فَأَحْیَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ بَثَّ فِیْهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَ تَصْرِیْفِ الرِّیَاحِ وَ السَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَیْنَ السَّمٰوٰتِ وَ الْأَرْضِ لآیٰتٍ لِّقَوْمٍ یَعْقِلُونَ) و آیه الکرسی و از (أَمَّنَ الرَّسُولُ) تا آخر سوره بقره) و ده آیه از اول سوره آل عمران، و ده آیه از آخر آن (إِنَّ فِی خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَ الْأَرْضِ) و آیه اول سوره نساء، و آیه اول سوره مائده و انعام و اعراف، و قوله تعالی (إِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ الَّذِی - الی قوله رَبُّ الْعَالَمِیْنَ) و (وَ قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحْرُ إِنَّ اللّٰهَ سَیَّبِطِلُهُ - الایة) و (وَ أَلْقِ مَا فِی یمِیْنِكَ تَلْفُفُ مَا صَنَعُوا - الی قوله - حَیْثُ أَتَى) و ده آیه از اول سوره و الصافات.

پس از آن بشوید آن را سه مرتبه و وضوء بگیرد مانند وضوی نماز و بیاشامد از آن سه جرعه و از آن بصورتش مسح کند و به سایر بدنش بمالد سپس دو رکعت نماز بخواند، و از خدا طلب شفا کند و این عمل را سه روز ادامه دهد، حسان گوید: ما آزمودیم و آن را نافع یافتیم باذن خدا.

مکارم الاخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۸۵

(نماز بیمار)

اسماعیل بن عبد الله گوید: سخت بیمار شدم که از شفاء من ناامید شدند امام ششم (ع) بدیدنم آمد و ناله های مادرم را مشاهده کرده و باو فرمود:

وضوء بگیر و دو رکعت نماز بگزار و در سجده بگو: (خداوندا تو این فرزند را بمن بخشیدی و قبلا وجود نداشت پس دوباره آن را بمن ببخشای) مادرم نماز را خواند و من صبح سالم برخاستم و با مردم هلیم خوردم.

(نماز برای تب)

راوی گوید خدمت امام صادق (ع) رسیدم در حالی که تب داشتم حضرت فرمود: چرا رنجور بنظر میرسی؟ عرض کردم گرفتار تب شده ام، فرمود چون تب کردید به اطاق تنها بروید و دو رکعت نماز بخوانید، و گونه راست بر خاک نهید و ده بار بگوئید: (ای فاطمه دختر محمد (ص) از این عارضه تو را نزد خدا شفیع قرار میدهم و از تو شفاعت می جویم) ان شاء الله شفا خواهید یافت.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۸۶

(و نیز) [نماز برای تب]

دو رکعت نماز بخواند در هر رکعت حمد سه بار و آیه شریفه: (أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ) و این دعا را بخواند (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خداوندا من پیغمبرت را نزد تو شفیع می گیرم، ای محمد (ص) برای حاجتم که شفاء این مریض است، بتو نزد خداوند شفاعت میجویم،

یا الله یا الله یا رحمان یا رحیم، یا حی یا قیوم، یا ذا الجلال و الاکرام برحمتک یا ارحم الراحمین ، برحمت تو استغاثه می کنم،

الآن حَفَّفَ اللهُ عَنْكُمْ يُرِيدُ اللهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ، ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ رَحْمَةٌ

، اینها را بنویسند و با آب بشویند و به تبتدار بیاشامند.

(نماز برای درد سر)

دو رکعت نماز بخواند در هر رکعت حمد یک بار، توحید سه بار و آیه شریفه (رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَ اشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا، وَ لَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا)

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۸۷

(نماز برای درد چشم)

دو رکعت نماز در هر رکعت حمد یک بار و سوره جحد سه بار و آیه شریفه (وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ ...).

(نماز برای نابینا)

از امام پنجم (ع): نابینائی به نبی اکرم رسید، حضرت فرمود مایلی خداوند دیدگانت را بینا کند؟ عرض کرد آری، فرمود: وضوء کامل و خوبی بساز و دو رکعت نماز کن و بگو: (خداوندا از تو مسألت دارم و به لطف تو امیدوارم و به شفاعت نبی رحمت تو به تو رو می آورم، یا محمد: من بمقام تو نزد خدا و به پروردگار من و تو توجه میکنم، که چشم را بینا کند) پیغمبر (ص) برنخاست مگر آنکه نابینا برگشت با چشم بینا.

پیغمبر (ص) به سلمان فرمود: ای سلمان شکم تو درد میکند برخیز و نماز بخوان که نماز شفاء است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۸۸

(نماز برای درد گردن)

دو رکعت نماز بخوان در هر رکعت حمد یک بار (وَ إِذَا زُلْزِلَتْ) سه بار.

(نماز برای درد سینه)

چهار رکعت در هر رکعت حمد یک بار و در رکعت اول سوره (أَلَمْ نَشْرَحْ) یک بار و در رکعت دوم (توحید) سه بار و در رکعت سوم (و الضحی) یک بار و در رکعت چهارم آیه (يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ).

(نماز برای قولنج)

دو رکعت در هر رکعت حمد یک بار و آیه (فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۸۹

(نماز برای درد پا)

دو رکعت نماز در هر رکعت حمد یک بار و آیه شریفه (أَمَّنَ الرَّسُولُ) تا آخر سوره.

(نماز برای لقوه)

دو رکعت نماز بخوان و دست بر صورت بنه و پیغمبر (ص) را نزد خدا شفیع ببر و بگو:

(باسم الله أخرج عليك يا وجع من عين الانس او من عين الجن، اخرج عليك يا وجع بالله اتخذ ابراهيم خليلا، و كلم موسى تكليما و خلق عيسى بن روح القدس لما هدأت و طفئت كما طفئت نار ابراهيم باذن الله)

و این آیه را سه بار میخوانی.

(نماز برای بازگشت فراری)

دو رکعت نماز در هر رکعت بعد از حمد ۴ آیه از اول سوره حدید و آخر

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۹۰

سوره حشر: (لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ ...) و بعد میگوئی:

(يا من هكذا و لا هكذا غيره اجعل الدنيا على فلان اضيق من مسك جمل حتى ترده على)

. (نماز برای بازگشت گمشده)

از علی (ع): دو رکعت نماز بخوان در هر رکعت سوره (یس) و بعد از نماز دست باسماں بلند کن و بگو:

(اللهم راد الضاله و الیهادی من الضلاله صل علی محمد و آله و احفظ علیّ ضالّتی و ارددها الیّ سالمه یا ارحم الراحمین فإنها من فضلک و عطائک، یا عباد الله فی الارض و یا سیّاره الله فی الارض ردّوا علیّ ضالّتی فإنها من فضل الله و عطائه)

. (و نظیر آن) [نماز برای بازگشت گمشده]

ایضا از امیر مؤمنان (ع):

اللهم لا اله الا انت

، آسمانها و زمین و آنچه

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۹۱

بین آنهاست از تست زمین را از پوست شتر بر این گمشده من تنگتر کن تا بر آن دست یابم که تو بر همه چیز توانائی. و در روایتی از امام ششم (ع): این دعا را بخوان و در ورقه‌ای بنویس:

(اللهم ان السماء لك و الارض لك و ما بينهما لك فاجعل ما بينهما اضيق على فلان من جلد جمل حتى ترده على و تظفروني به)

و آیه الکرسی را دایره و از اطراف این دعا بنویس و این نوشته را دفن کن در همان مکانی که حیوان گمشده شب به آنجا منزل داشت.

(نیز برای گمشده و فراری)

بنویسید یا بخوانید: (خداوندا تو در آسمانها و زمین جبار و سلطان، و خدائی، گمشده‌ها را بر میگردانی و از گمراهی نجات می‌بخشی، گمشده فلان کس را باز گردان.

(برای آدم تبار)

این دعا را با خط ریز ناخواندنی بر سه قطعه کاغذ بنویس و تبار هر روز ناشتا یکی از آن سه قطعه را ببلعد و دعا اینست: (باسم الله ذی العز و الکبریاء و النور).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۹۲

(دیگری) [برای آدم تبار]

این سه دعا بر سه قطعه قند نوشته شود و تبار در سه روز ناشتا بخورد دعاء اول (عقدت باذن الله) و دوم (شددت باذن الله) و سوم (سكنت باذن الله).

(دیگری) [برای آدم تبار]

بنویسید (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) و آیه (وَ رَبَطْنَا عَلَى ... تا آخر) و آیه (إِذْ قَالَ مُوسَى لِأَهْلِهِ ...).

(دیگری) [برای آدم تبار]

بر پای راست نوشته شود: (بنام خداوند، ای تب بحق آن کس که عرش او در آسمان است و با موسی سخن گفت، و ابراهیم را خلیل خود گرفت

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۹۳

و محمد (ص) را مبعوث ساخت از استخوان به گوشت و از پوست به پوست و از پوست بزمین فرود آی

و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم و صلی الله علی محمد و آله و سلم تسلیما کثیرا

(دیگری) [برای آدم تبار]

نوشته شود و هفت گره بر آن زده شود و بر هر گره حمد خوانده شود و بر سر تبار بسته گردد:

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَ بِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَ بِالْحَقِّ نَزَّلَ) (وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ)، (یا نَارُ کُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا
عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ)، (وَ أَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ) یا الله، یا الله، یا رحمان، یا رحمان، یا رحمان، اسکن بقدره الجبار العظیم،
بقدرته المنان الکریم)

، و معوذتین را نیز بنویسد.

(دیگری) [برای آدم تبار]

از امام ششم (ع): پیغمبر تب کرد جبرئیل آمد و گفت:

(باسم الله ارقیک یا محمد بن عبد الله باسم الله اشفیک، باسم الله من کل داء یعنیک باسم

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۹۴

الله و الله شافیک، باسم الله خذها فلتهنیک، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، (فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ)

و این تعویذ بر گردن تبار آویخته شود ان شاء الله خوب خواهد شد.

(دیگری) [برای آدم تبار]

از امام رضا (ع): یکی از کنیزانم از بیماری بمن شکایت کرد، کسی در عالم خواب بمن گفت: برای کنیز بخوان تا از زبان تو بخواند (ای
پروردگار و سید من بر محمد و آلش درود فرست، و بیماریم را بر طرف کن، که فلان کس با این دعا از آتش نجات یافت.

(برای تب)

از حضرت رضا (ع):

(و در نسخه دیگر)

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۹۵

(فصل چهارم) (در تعویذها و حرزها برای بیماریها)

از امام رضا (ع): این دعا را بر رقعهای نوشته و بر گردن تبار آویخته شود (خداوندنا بعزت و قدرت و سلطنت و آنچه علمت به آن احاطه دارد
بر محمد و آلش درود فرست، و بر فلان کس هیچ مخلوقی را ببدی مسلط مکن و به پوست ظریف و استخوان باریک او از شر سوزش
(تب) رحم کن (ای تب) اگر ایمان داری بخدای اعظم هیچ گوشت فلان کس را مخور و خونس را هیچ نمک، و استخوان او را سست

مکن، و دردی در او به هیجان میاور و از مو و پوست و گوشت و خون او بیرون شو، و بآن کس منتقل شو که با خدا خدایانی قائل است).

(رقعه برای تبها مخصوصا تبهای روزانه)

این دعا را بر کاغذ بنویس و بر آن نخى به پیچ و بر راست نخ چهار و بر

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۹۶

طرف چپ آن سه گره بزن، و بر گردن تبارداریاویز: (پناه می برم بآنچه که موسی و عیسی و ابراهیم (ع) و محمد (ص) پناهنده شدند، از شرّ تب و بیماری کهنه و مزمن و زمین گیری، و درد سر، خدایا همان طور که مریم جز عیسی را نزیاید بر این شخص از این بیماریها هیچ باقی مگذار، (فَلَا أَقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ وَ مَا لَا تُبْصِرُونَ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ، اقسمت علیک لما ترکتیه و لا تأخذیه).

و توحید و معوذتین را بخوان و بگو: (خداوندا فلان را از تب هر روز و یک روز در میان و ... شفا ده که تو هر چه بخواهی می کنی و بر همه چیز قادری، بنام خدا نوشتم و بنام خدا ختم کردم، و بر او توکل نمودم که او ربّ عرش عظیم است،

و لا حول و لا قوّة الا بالله العلی العظیم

.(اخری) [(رقعه برای تبها مخصوصا تبهای روزانه)]

نخی از پنبه بگیر، و آن را هفت رشته کن، و بر هر کدام

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۹۷

حمد و توحید و معوذتین را بخوان و بر آن هفت گره بزن، و بر گردن بیمار ببند.

(دیگری) [(رقعه برای تبها مخصوصا تبهای روزانه)]

پیغمبر (ص) فرمود: هیچ کس تب نکند که سه روز متوالی غسل نماید و در موقع غسل بگوید: (بنام خدای بزرگ و به خدای عظیم پناه می برم از شرّ هر رگ جنبنده و از شرّ آتش سوزان). و باز دست به آسمان بردار و بگو: (بنام خدا و به خدای محمد رسول خدا بخدا و قدرت او پناه می برم، از شرّ بیماریم).

حرز پیغمبر (ص) به فاطمه (ع) و مخصوص بآن حضرت است.

و هر مؤمنی که بحق او معترف است

(وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ).

یا ام ملام ان كنت آمنت بالله العظیم و رسوله الکریم، فلا تهشمی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۹۸

العظیم و لا تأکلی اللحم، و لا تشربی الدم، اخرجی من حامل کتابی هذا الی من لا یؤمن بالله العظیم و رسوله الکریم و آله، محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین (ع)

. (برای رفع تبی که چهار روز یک بار عارض می شود)

و شاء گوید خدمت حضرت رضا (ع) رسیدم، حضرت پرسید چرا رنگت زرد است؟ گفتم تب (ربع) مرا بیچاره کرده، حضرت دوات خواست و نوشت:

(بسم الله الرحمن الرحيم باسم الله و بالله، ابجد هوز حطی از فلان بن فلانه باذن الله تعالى

بعد در زیر نامه مهر سلیمان «۱» را هفت بار نقش کرد و طومار را پیچید و فرمود: تا پارچه ای آب ندیده آوردند، آن را گره زد و در طرف راستش چهار گره زد و بهر کدام حمد و معوذتین و توحید و آیه الکرسی را خواند و بجانب چپ آن سه گره زد و همانها را بر گره ها خواند و بمن فرمود این را ببازوی راست خود ببند و آیه الکرسی را بخوان و در حالی که این ببازوی تست جماع مکن.

و در روایت دیگر: نخعی خشک طلبید، و بر راست آن چهار و بر چپ آن سه گره زد و بر

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۲۹۹

هر گره حمد و معوذتین و توحید و آیه الکرسی بخواند، و فرمود ببازوی راست ببند و جماع مکن.

(دیگری) [برای رفع تبی که چهار روز یک بار عارض می شود]

ابو زکریا حضرت می گوید: تب (ربع) داشتم حضرت رضا (ع) این دعا را برایم نوشت و فرمود آن را عمل کن در آن نوشته بود بر بازوی راست بنویس

(باسم الله جبرئیل)

و بر بازوی چپ

(باسم الله میکائیل)

و بر پای راست

(باسم الله میکائیل)

و بر پای چپ

(باسم الله عزرائیل)

باسم الله لا یروُنَ فیها شمساً و لا زَمَهْریراً)

و بین دو کتف

(باسم الله العزيز الجبار)

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۰۰

(برای تب)

در روایت دیگری بر کتف راست بنویسد:

(باسم الله جبرئیل)

و بر کتف چپ:

(باسم الله میکائیل)

، و بر کتف راست

(باسم الله اسرافیل)

و بر کتف چپ

(باسم الله لا يَرُونَ فِيهَا شَمْساً وَ لا زَمْهَريراً)

(برای غبّ نوعی تب)

سه برگ درخت بردار، و باسم بیمار تبار بر ورق اول

(طیسوما)

(و بر دوم

(اوهونا)

و بر سوم

(ابراسوما)

نوشته شود، و جدا جدا در آب افکنده گردد، و بروایت دیگر بر سه برگ بنویسد

(حموما او حوما ابرحوما)

و بآب افکنده شود.

(رقعه‌ای برای تب)

بنویسد و بر بازوی راست ببندد:

بسم الله ... تا آخر حمد)

(باسم الله و بالله اعوذ بكلمات الله التامات كلها التي لا يجاوزهن برّ و لا فاجر من شر ما خلق و ذرأ و برأ، من شرّ السامة و الهامة و الطامة و العين اللامة)

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۰۱

و من شر طوارق الليل و النهار، و من شر فساق العرب و العجم، و من شر فسقة الجن و الانس، و من شر الشيطان و شرکه، و من شرّ کل ذی شرّ، و من شرّ کل دابّة هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، رَبَّنَا عَلَيكَ تَوَكَّلْنَا وَ اِلَيْكَ اُنْبْنَا وَ اِلَيْكَ الْمَصِيرُ، يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَى اِبْرَاهِيمَ، وَ ارَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْاُخْسَرِينَ، كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَى فُلان بن فُلانة

(نام تبار و مادرش را بنویسد)،

رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا اِنْ نَسِينَا اَوْ اَخْطَاْنَا

الی آخر السورة،

حسبی الله لا اله الا هو فاتخذہ وکیلا، و تَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِهِ

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۰۲

وَ كَفَى بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا لا اله الا الله و حده لا شریک له صدق و عده و نصر عبده و اعز جنده و هزم الاحزاب و حده، ما شاء الله لا قوة الا بالله، كتب الله لا غلبن انا و رُسُلِي اِنَّ اللّٰهَ قَوِيٌّ عَزِيْزٌ، اَوْلَيْكَ حِزْبُ اللّٰهِ اِلَّا اِنْ حِزْبَ اللّٰهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ، وَ مَنْ يُعْتَصِمِ بِاللّٰهِ فَقَدْ هُدِيَ اِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، و صلى الله على محمد و آله الطيبين الطاهرين.

(تعویذ برای همه دردها و بقولی درد دندان)

(باسم الله و بالله و صلى الله على محمد و آله الطيبين، صُنِعَ اللّٰهُ الَّذِي اُتِفَنَ كُلُّ شَيْءٍ اِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ

، ای درد آرام گیر که ترا آرام میکنم، بیاری آن کس که آنچه در شب و روز ساکن است ملک او میباشد و او شنوا و دانا است، (ترا بر طرف میکنم بیاری خدائی که ابراهیم را خلیل خود قرار داد، با موسی سخن گفت، و عیسی را از روح مقدس آفرید، و محمد (ص) را بحق برانگیخت که از فلان کس تا آخر عمر او دور شوی).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۰۳

(حرز شب کلاه)

نجاشی پادشاه حبشه سردردی داشت، از پیغمبر (ص) مدد خواست، حضرت این حرز را برای او نوشت که در شب کلاه خود بگذارد:

(بسم الله الرحمن الرحيم لا اله الا الملك الحق المبين، (شهد الله

...

تا آخر آیه) برای خداست نور و حکمه و عز و قوه و برهان و قدره و سلطان و رحمه، ای آنکه نمی خواهی،

لا اله الا الله ابراهيم خليل الله، موسى كلیم الله، لا اله الا الله عيسى روح الله و كلمته، لا اله الا الله محمد رسول الله و صفیه و صفوته (ص)

ای درد ساکن شور و قرار گیر که تو را آرام میکنم بیاری آن کس که هر چه در آسمانها و زمین است از اوست و بیاری کسی که آنچه در شب و روز ساکن است برای اوست و او شنوا و دانا است فَسَخَرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ، وَ الشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَّاءٍ وَ عَوَاصٍ (أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۰۴

(رقعه دیگر برای سردرد)

بر ورقه‌ای بنویس و بسر ببند (بسم الله الرحمن الرحيم، الم الله لا اله الا هو الحي القيوم ... تا أولوا الأبواب) از او بیرون شو رانده شونده و مذبوم).

(برای سردرد)

از امام پنجم (ع): این دعا را بنویس و بر طرفی از سر که درد میکند بیاویز:

اللهم انك لست باله استحدثناه و لا برب يبید ذكره و لا معك شركاء يقضون معك و لا كان قبلك اله ندعوه و نتعوذ به و نتضرع اليه و ندعك و لا اعانك على خلقنا من احد فنشك فيك، لا اله الا انت وحدك لا شريك لك، عاف فلان بن فلان

و بجای فلان اسم مریض و بجای فلان نام مادرش را بنویسد، و صل علی محمد و اله بیته، و در روایت دیگر

اسألك باسمك الذي قام به عرشك على الماء ان تصلى على محمد و آل

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۰۵

محمد و ان تشفی فلان بن فلان

(اسم مریض و مادرش)

من الصداع و الشقیقه، فَضَرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا و اسالك باسمك الذي به خلقت آدم و اتممت خلقه ان تصلى على محمد و آل محمد و ان تشفی فلان بن فلان

(اسم مریض و مادرش).

(برای درد شقیقه)

بر کاغذی بنویس اگر بیمار مرد است بر سر او ببند و اگر زن است در لابلائی مویها نهد:

(بسم الله الرحمن الرحيم، باسم الله من الارض الى السماء، كان هبط جبرئيل، فاستقبله الاجدع فقال: اين ترید؟)

قال: اذهب الى انسان فأكل شحم عينيه و اشرب من دمه، فقال: بالله الذي لا اله الا هو لا تذهب الى الانسان و لا تأكل شحمة عينيه و لا تشرب من دمه انا الراقي و الله الشافي و صلى الله على محمد و اهل بيته)

. (برای درد چشم)

پنبه‌ای ترکن و بر چشم بنه و بگو:

(عين الشمس في لجة البحر، يا نار كوني برداً و سلاماً على إبراهيم)

. مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۰۶

(دیگری) [برای درد چشم]

سلیمان بن عیسی گوید: خدمت امام صادق (ع) رسیدم و در چشم او ورمی فاحش دیدم، اندوهگین شدم و برگشتم فردا خدمتش رفتم چشمش سالم بود، عرض کردم: فدایت شوم دیروز چشمتان سخت بیمار بود و امروز سالم است، معالجه کرده‌اید؟ فرمود تعویذ کردم. پرسیدم تعویذ را برایم بفرمائید؟ حضرت نوشت: (بعزت و قدرت و قوت و عظمت خدا و جلال و بهاء خدا پناه میبرم، برسول خدا از هر چه بیم دارم و از درد چشم پناه میبرم، خداوندا پروردگار پاکان این درد را بحول و قوه خود از من دور کن،

و كشفنا عنك غطاءك فَبَصَّرَكَ الْيَوْمَ حَدِيدَ، فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النَّجُومِ

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۰۷

فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ وَ صَوَّرَكُمُ فَأَحْسَنَ صُورَكُمُ وَ رَزَقَكُمُ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ذَلِكَمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، يا على يا عظيم، يا كبير يا جليل، يا منيع يا فرد يا وتر يا رب لا تدّرني فرداً و أنتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ، بسم الله الرحمن الرحيم يا حي يا حلیم يا على يا عظیم، يا جليل يا جميل يا فرد يا وتر اسالك ان تصلى على محمد و آل محمد و أسألك ان لا تدعني في قبرى فرداً و أنتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ، و ان كنت الا واحدا لصلاة في قبرى مما رزقني في حاجة أمين رب العالمين)

. (برای خون دماغ)

بخواند و بنویسد، و جلوی دماغ بگیرد: (ای آنکه شرّ فیل را از خانه خود گردانیدی خون فلان کس را نگهدار)، و بر سر و پیشانی آب سرد بریز، که بیاری خدا خون بایستد.

(برای درد دندان)

از امام ششم (ع): امیر مؤمنان (ع) فرمود: هر که درد دندان دارد

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۰۸

از جای سجده اش مقداری بردار و آن را بر جای درد بمالد و بگوید:

(باسم الله و الکافی الله و لا حول و لا قوة الا بالله)

. (و نظیر آن) [برای درد دندان]

امام ششم (ع) فرمود: کارد یا برگی بردار و آن را بر جای درد بمال و هفت بار بگو:

(بسم الله الرحمن الرحيم، باسم الله و بالله، محمد رسول الله (ص) ابراهیم خلیل الله، اسکن بالذی سکن له ما فی اللیل و النهار باذنه و هو علی کل شیء قدير)

. و از ابن عباس: از قول پیغمبر (ص): کسی که درد دندان دارد انگشتش را بموضع درد بگذارد و هفت مرتبه بخواند

«هو الذی أنشأکم و جعلَ لکم السَّمْعَ وَ الأبصارَ وَ الأُفئِدَةَ لَعَلَّکُمْ تَشکُرُونَ»

. مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۰۹

برای درد دندان

جبرئیل (ع) حسین بن علی (ع) را به این تعویذ کرد: قطعه آهنی را بر دندان بگذارد و هفت مرتبه بر آن بخواند:

بسم الله الرحمن الرحيم العجب کل العجب دودة تكون في الفم تأکل العظم و تنزل الدم، انا الراقی و الله الشافی و الکافی لا اله الا الله و الحمد لله رب العالمين، وَ إِذْ قَتَلْتُمْ نَفْساً فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا وَ اللَّهُ مُخْرِجٌ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ فَقَلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَ يُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»

. (نیز برای دندان)

مفضل گوید: خدمت امام ششم (ع) رسیدم در حالی که به ضربان دندان دچار بودم، بامام (ع) شکایت نمودم، فرمود نزدیک شو نزدیک شدم، انگشت خود را بر روی دندان من گذارد و آهسته دعایی خواند، بلا فاصله درد آرام شد، حضرت پرسید خوب شد؟ گفتم آری

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۱۰

تبسمی فرموده تقاضا کردم که آن را بمن بیاموزد، فرمود بسیار خوب: فاطمه علیها سلام محضر پدر شرفیاب شد و از درد دندان بوی شکایت کرد، حضرت انگشت بر دندان که بیمار بود گذارد و فرمود: (

باسم الله و بالله

خدایا ترا بعزت و جلال و قدرتت بر همه چیز، که مریم جز عیسی روح و کلمه تو نزائید بیماری دندان فاطمه دختر خدیجه را بکلی برطرف کن) و بلا فاصله بر طرف شد و من برای تو چیزی بر آن نیفزودم.

(و نظیر آن) [نیز برای دندان]

از عطاء از امام ششم (ع): عطاء گوید: از گرفتاری دندانهایم به امام ششم (ع) شکایت کردم، فرمود هفت بار بر آن بخوان: (

باسم الله و بالله

، به قدرت خدائی که تو را آفرید آرام گیر که او بر تو و بر کوهها مسلط

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۱۱

است، آرام گیر تا امر خدا در بارهات در رسد و درود بر محمد و آتش).

(برای درد شکم)

روایت است که مردی خدمت امیر مؤمنان (ع) رسید و عرضه داشت گرفتار درد شکم میباشم فرمود زن داری؟ گفت آری، فرمود: از او بخواه که قدری از مهرش را بتو ببخشد بعد با آن غسل بخر، و بر آن آب بارانی بریز و از آن بیاشام، که من شنیده‌ام قول خدا را در قرآن که: (و از آسمان آب مبارک فرود آوردیم)، (و از شکم زنبور عسل نوشابه‌ای برنگهای مختلف بیرون آوردیم که در آن شفا است)، و (اگر همسران شما چیزی از مهر خود را به شما بطیب خاطر بخشیدند بخورید که گوارا است)، و چون برکت و شفاء و گوارائی جمع شد بیاری خدا شفا خواهی یافت ان شاء الله راوی گوید چنین کردم خوب شدم.

(درد خاصه)

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۱۲

پیغمبر (ص) فرمود: هر کس درد خاصه گیرد سه بار بر آن دست بمالد و هر بار بگوید: (بعزت و قدرت خدا پناه میبرم از شر بیماری که دارم). و از امام ششم (ع): دست بر جای درد بمال و بگوی: (بنام خدا و به یاری خدا،

محمد رسول الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم

خدا یا بیماری که دارم در خاصه بر طرف کن) بعد دست خود را سه بار بر جای درد بکش.

(گازهای معده)

یونس بن یعقوب گوید بامام صادق (ع) عرضه داشتیم که فدایت شوم من گرفتار ناراحتی و درد شکم میباشم، فرمود: خدا را به یگانگی یاد کن. پرسیدم چه بگویم؟ فرمود، بگو:

(یا الله یا ربی یا رحمان یا ربّ الارباب یا سید السادات اشفنی و عافنی من کل داء و سقم فانی عبدک و ابن عبدک اتقلب فی قبضتک)

. (مغض و گاز معده)

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۱۳

(باسم الله الذی اتخذ ابراهیم خلیلا و کلم موسی تکلیما و بعث بالحق محمدا نبیا)

بعد سه بار بگو، (ای گاز بیرون شو باذن خدا).

(برای بیماری شکم)

از حضرت موسی بن جعفر (ع): حمد و توحید و معوذتین را بنویس و بعد بنویس: (از شرّ این درد و عواقب آن و از شرّ آنچه در باره این بیماری از آن میترسم بذات خداوند عظیم و عزّت مقهور ناشدنی و قدرت او که هیچ چیز از آن سرپیچی نتواند پناه میبرم).

(برای درد شکم و دیگر دردها)

دست بر جای بیماری بگذار و هفت بار بگو: (از شرّ بیماریم به عزّت و جلال خداوند پناه میبرم) و دست راست را بر جای درد بگذارد و سه بار بگو:

(باسم الله)

. (برای اسهال خونی و صدای شکم زحیر)

عثمان بن عیسی گوید مردی بحضرت رضا (ع) شکایت کرد که گرفتار

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۱۴

زحیری شده‌ام که شفاء نمی‌پذیرد، حضرت فرمود: بعد از نماز شب بگو:

(خدایا همه خوبیها از جانب تست و از من خیری نیست و آنچه بدی کردم و از آنها مرا نهی کردی و هیچ عذری ندارم، خدایا بتو پناه میبرم که مرا در آنچه خیر ندارم بخود واگذاری و در آنچه را که عذری ندارم گرفتارم سازی).

(برای خنازیر)

سه روز سه بار بر آن بخوان:

(باسم الله و بالله الله اکبر الله اکبر و هو یامرک ان لا تکبر)

و سه بار بگو:

(ابتداء باللص قبل ان یبدأ بک)

و هر بار آب دهان بینداز که ان شاء الله خشک می‌شود.

(برای کسی که گرفتار بول کردن در خواب است)

برنامه‌ای بنویس و بر بیمار بیاویز

(هف، هف، هد، هف هف، هات، هات، انا له کف، کف کف هف هفف هفف (هفف) معهم مسعر لم قل هو الله أحد، الغالب من حیث

یستحسر العدو

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۱۵

ابلیس شحّ لبنی آدم کالذی سجد لآدم الملائکة باذن الله انه کریمه بنت کریمه و ولد فلان بن فلان شدت شدت بسوره سوره صفه صفه قسمت بخاتم سلیمان بن داود لله رب العالمین)

. (برای بیتابی)

برای کسی که در خواب فریاد و ناله میکند (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ من

محمد رسول الله النبی الامی العربی الهاشمی الابطحی التهامی (ص) الی من حضر الدار من العمار، اما بعد فان لنا و لکم فی الحق بیعة فان یکن فاجرا مقتحما) او داعی حق مبطلا و من یؤدی الولدان و یفزع الصبیان و ینکیهم و یبولهم علی الفراش فلیمضوا الی اصحاب الاصنام و الی عبدة الاوثان و لیخلّوا عن اصحاب القرآن فی جوار الرحمن و مخازی الشیطان و عن ایمانهم القرآن و صلی الله علی محمد

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۱۶

(ایضا برای بیتابی)

(شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ) تا آخر آیه و آیه الكرسی و (قُلِ ادْعُوا اللَّهَ) تا آخر سوره، و آیه (إِنَّ رَبَّكُمْ ...) و (لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ- تا آخر سوره) (قُلْ مَنْ يَكْلُؤُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ) مِنَ السَّابِعِ، و الجنّ و السحرة، قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ هُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ، (الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ ...) (لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ...)

. (برای سختی زادن)

از امام صادق (ع): برای زنی که زادنش سخت شود بر کاغذی بنویس:

(اللهم یا فارج الهمّ ... و کاشف الهمّ و رحمان الدنيا و الآخرة و رحیمهما ارحم فلانة بن فلانة رحمة تغنیها بها عن رحمة جمیع خلقک تفرّج بها کربتها و تکشف بها غمها و تیسر ولادتها و قضی بینهنّ بالحقّ و هم لا یظلمونَ و قیلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ)

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۱۷

(و نظیر آن) [برای سختی زادن]

هر که زائیدنش سخت شود (انسان یا حیوان) بر او بخوانند:

(یا خالق النفس من النفس و مخلص النفس من النفس خلصها بحولک و قوتک)

. (و نظیر آن) [برای سختی زادن]

شکل زیر را بر دو پارچه آب ندیده بنویس و زیر پاهایش بگذار که فوری فارغ خواهد شد ان شاء الله تعالی. و در روایت دیگر است که این شکل را بنویس و بر ران او بیاویز و این آیه و دعا را

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۱۸

بر کاغذ بنویس و بر آن چپش بیاویز:

(مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى). یا خالق النفس من النفس، فرج عنها، فإنها تلقیه سویا باذن الله عز و جل)
 . (و همچنین برای سختی زادن)

این صوره بر پشت ظرفی نوشته شود و زن زانو بر روی آن بنشیند ان شاء الله زود فارغ شود.

(باید نوشتن را از کلمه (اثنین) سطر اول شروع کرد و بعد ثلثه و بعد اربعه، بعد سطر زیرین اول ثلثه و بعد اثنین و بعد اربعه نوشته شود).

برای عرق مدنی (رشته)

نخ پشمینی از پشم شتر بگیر و بتاب و بر او هفت گره بزن و بر هر گره سه بار حمد بخوان، و این دعا را سه بار بر آن قرائت کن:

(باسم)

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۱۹

الله الابد الابد المحصى بلا عدد، القرب لما بعد، الطاهر عن الولد العالی عن ان یولد المنجز لما وعد العزیز بلا عدد القوی بلا مدد لم یلد
 و لم یولد و لم یکن له کفو احد یا خالق الخلیقه یا عالم السر و الخفیة، یا من السموات بقدرته مرخاء، یا من الارض بعزته مدحوه یا من
 الجبال بارادته مرساة یا من نجابه صاحب الغرق من کل آفة و بلیة صل الله علی محمد خیر خلقک و اشف اللهم فلان بن فلانة بشفائك و
 داوه بدوائک و عافه من بلاتک انک قادر علی ما تشاء و انت ارحم الراحمین و صلی الله علی محمد النبی و آله الطیبین

. (برای ورم و جراحت)

از امام (ع): کاردی بردار و بر جای جراحت و غیره مرور ده و بگو:

(باسم الله ارقیک من الحد و الخدر و من اثر العود و من الحجر

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۲۰

الملبود و من العرق العاثر و من الورم الاحر و من الطعام و حره و من الشراب و برده باسم الله فتحت و باسم الله ختمت، ثم اوتد السکین
 فی الارض.

(برای زگیل)

از امام هشتم (ع): بر اولین ستاره‌ای که شب نمایان می شود نظر کن و مقداری خاک بر دارو در دست آن را مالش ده در حالی که
 میخوانی:

(باسم الله و بالله رأیتنی و لم أرك سوء عود نصرک الله یخفی اثرک ارفع ثالیلی معک)

. (برای پیسی و کفگیرک)

دایره‌ای بکش و در وسط آن بنویس:

(بوتا بوتا برتا تا ادعنی اصواتا، وَ هِيَ تَمْرٌ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ)

. مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۲۱

(ایضا) [برای پیسی و کفگیرک]

ناشتا قبل از خوردن چیزی بر او بنویس

(هریقه مریقه حتی یجب الطریقه)

. (ایضا) [برای پیسی و کفگیرک]

صبحگاه بنویس:

(قه‌رید قهر ابتد کسره‌ن کروه‌ن سالاخسک بادبحق الملك القدوس)

. (برای آبله)

این را بنویس و بر بازویش بیاویز که آبله نگیرد و اگر آبله در آورده است بیشتر نشود: ان شاء الله تعالی.

(و نظیر آن) [برای آبله]

این شکل چهار خانه در چهار خانه را بنویس و بر گردن آبله‌دار بیاویز:

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۲۲

(برای عقرب و مار)

از امام ششم (ع): در شب بخوان:

(باسم الله و بالله و صلى الله على محمد و آله اخذت العقارب و الحيات كلها باذن الله تبارك و تعالى بافواهاها و اذناهاها و اسماعها و ابصارها و فؤادها عنى و عن احببت الى ضحوه النهار ان شاء الله تعالى)

. (دیگری) [برای عقرب و مار]

و نیز از آن حضرت (ع):

(باسم الله و بالله توكلت على الله و من يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره، اللهم اجعلنى فى كنفك و فى جوارك و اجعلنى فى حفظك و اجعلنى فى امنك)

. مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۲۳

(دیگری) [برای عقرب و مار]

و نیز از آن حضرت: جمعی خدمت نبی اکرم (ص) آمدند و از عقرب شکایت کردند، حضرت فرمود صبح و شب هفت مرتبه بگوئید:

(اعوذ بکلمات الله التامات کلها التی لا یجاوزهن برّ و لا فاجر الذی لا یخفر جاره من شرّ ما ذرأ و من شرّ ما برأ و من شرّ الشیطان و شرکه و من شر کل دابهّه هُوَ أَخِذْ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّيَ عَلَي صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ)

. حضرت باقر (ع) فرمود: هر که این کلمات فوق را در اول شب بگوید من ضامنم که تا صبح عقرب و گزنده‌ای باو آسیب نرساند.

(برای مار)

و این از سلیمان (ع) است:

(بسم الله الرحمن الرحيم خاتم سليمان بن داود أخ، أخ و ماسکه ملائكة هبوا سبوا مار و اما داود اقوى فرادى مريم هندنا باسم الله خاتم و بالله الخاتم).

این را سه بار میخوانی که مار بیحرکت می ماند و زبانش را در می آورد و آنگاه او را بگیر (میتوانی بگیری).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۲۴

و اگر میخواهی مار وارد خانهات نشود این نوشته را بر چهار رقعہ بنویس و در چهار گوشه خانه دفن کن:

(بسم الله الرحمن الرحيم هججه و مهجه و يهور يحيا و اطرد)

. (برای عقرب)

صبح پنجم اسفند ماه با وضوء بنویس و با خود نگهدار که عقرب ترا نگزد:

(باسم الله سبحة سحه قرنيه برنيه ملحه بحر قعيا برقعيا قفطا قطعته تفضله).

این رقعہ فوق از نبی اکرم روایت است برای رفع مار که: آن را بنویس و در شکاف دیوار خانه بگذار که مار بهر جا باشد می افتد و منشق می شود. ابراهیم نخعی گوید: ماری گردنم را گزید، اسود بن یزید مرا باین نوشته تعویذ کرد خوب شد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۲۵

(برای پشه)

می گویی:

(ایها الاسود الوثاب الذی لا یبالی غلقا و لا بابا عزمت علیک بام الکتاب ان لا تؤذینی و لا اصحابی الی ان ینقضی اللیل و یجىء الصبح بما جاء به و الذی تعرفه الی ان یؤب الصبح بما أب)

. (برای گمشده)

از امام صادق (ع): برای پیدا شدن گمشده بر کاغذی بنویس:

(بسم الله الرحمن الرحيم يد فلان مغلوله الى عنقه اذا اخرجها لم يكد يراها و من لم يجعل الله له نورا فما له من نور)

بعد آن را لوله کن و آن را میان دو قطعه چوب بگذار و آن را در جایی که وی آنجا زندگی میکرده بر شکافی در سقف آن بگذار.

(برای رهصه مرضی است در باطن چهارپا)

یک تکه پشم بردار که آب ندیده باشد و آن را بتاب و هفت گره

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۲۶

بزن و بهنگام زدن هر گره بگو:

(خرج عیسی بن مریم علی حمار اقرم لم یدخس و لم یرهص انا ارقیک و الله عز و جل یشفیک)

پس محکم در موضع رهصه ببند.

(در سحر)

محمد بن عیسی گوید از حضرت رضا (ع) در باره سحر پرس و جو کردم فرمود: سحر واقعیت دارد و باذن خدا اثر و ضرر می کند و چون ترا سحر کردند دستت را تا محاذی صورتت بالا ببر و بخوان:

(باسم الله العظیم باسم الله العظیم رب العرش العظیم الا ذهب و انقرضت).

وی میگوید مردی در باره چشم زخم از حضرت پرسش کرد حضرت فرمود آن نیز واقعیت دارد، و اگر گرفتار آن شدی دست را تا محاذی صورت بالا ببر و بخوان: (حمد) و (توحید) و (معوذتین) و دستها را بر پیشانی بمال که باذن خدا مفید خواهد بود.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۲۷

از امام ششم (ع) در باره معوذتین سؤال شد فرمود: پیغمبر را لبید یهودی سحر کرد، جبرئیل معوذتین را برای حضرت آورد حضرت علی را خواست و نخعی را دوازده گره زد و باو فرمود: به بئر ذروان برو و به ته چاه برو و آیهای بخوان و گرهی را بگشای علی (ع) باندرون چاه رفت و همچنان کرد، حضرت از سحر آسوده گشت. ابن عباس گوید: لبید یهودی پیغمبر را سحر کرد، و سحر را در چاه بنی زریق انداخت حضرت بیمار شد، در حالی که حضرت به خواب بود دو فرشته آمدند، یکی از آن دو کنار سر حضرت و دیگری پهلوی پای او نشست، و قضیه را بوی خبر دادند، که ترا سحر کرده اند و سحر را در زیر پوست گذارده در زیر سنگی در چاه ز روان گذارده اند پیغمبر (ص) بیدار شد و علی (ع) و زبیر و عمار را فرستاد تا آب چاه را کشیدند و سنگ را برداشتند و جف را در آوردند و دیدند که در آن مویهای سری است با دندانهای از شانه که ۱۱ گره با

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۲۸

سوزن بر آن زده اند، در این موقع معوذتین آمد هر گرهی را که میگشودند آیهای از آنها را میخواندند، حضرت احساس سبکی کرد و برخاست گویا از قید و زنجیر آزاد شده، و عقال از پای او برداشته اند و جبرئیل میگفت:

(بسم الله ارقیک من کل شیء یؤذیک من حاسد و عین و الله یشفیک)

(برای سحر)

بر رقعهای نوشته شود و بر سحر شده بیاویزند: (قال موسى ما جئتم به السحر إن الله سیبطله إن الله لا یصلح عمل المفسدین، و یحق الله الحق بکلماته و لو کره المجرمون) (و أوحینا إلی موسى أن ألق عصاک فإذا هی تلقف ما یأفکون، فوقع الحق و بطل ما کانوا یعملون، فقلبوا هنالک و انقلبوا صاعرین).

(دیگری) [برای سحر]

هفت بار بر سحر شده بخواند: (سنشد عضدک بأخیک و نجعل

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۲۹

لکما سلطاناً فلا یصلون إلیکما بآیاتنا أنتم و من اتبعکمما الغالبون). از امام ششم (ع): زنی به پیغمبر عرضه داشت که شوهرم تندخو است و من کاری کرده‌ام که عاطفه‌اش را بخود جلب کنم. حضرت فرمود:

(اف بر تو باد، تجارت خود را مکدر و چشمه تیره کردی و ملائکه آسمان ترا لعن کردند: زن شبها را بنماز و روزها را بروزه مشغول شد و سرش را تراشید و لباس خشن پوشید، این خبر به نبی اکرم (ص) رسید فرمود:

این اعمال از او قبول نخواهد شد، پرسیدند چرا یا رسول الله؟ و حال اینکه سحر مثل کفر است، فرمود: زیرا شرک از کفر بدتر است و سحر با شرک هم طراز است.

(برای چشم زخم)

زراره گوید: چهار بار در سوراخ راست بینی و سه بار در سوراخ چپ آن بدمد و گوید:

(باسم الله لا بأس اذهب البأس رب الناس و اشف انت الشافی لا یکشف البأس الا انت).

از امام صادق (ع): اگر چیزی بر قدر الهی پیشی گیرد چشم زخم است

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۳۰

(برای کسی که چشم زخم خورده)

سوره حمد را بخواند و بنویسد:

(باسم الله اعیز فلان بن فلانه بکلمات الله التامات من شر ما خلق و ذراً و برأ و من کل عین ناظره و اذن سامعه و لسان ناطق ان ربی علی صراط مستقیم، و من شر الشیطان و عمل الشیطان و خيله و رجله، و قال یا بنی لا تدخلوا من باب واحد و ادخلوا من ابواب

مُتَفَرِّقَةً)

(برای چشم زخم)

(اللهم رب مطر حابس و حجر يابس و ليل دامس و رطب و يابس رد عين العين عليه في كيدته و نحره و ماله، فَأَرْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ ثُمَّ- أَرْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَ هُوَ حَسِيرٌ)

. (فصل پنجم) در حرزها)

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۳۱

(حرز امیر مؤمنان (ع))

برای کسی که او را سحر کرده‌اند، و مصروع و دفع سمّ و شیطان و هر چه که انسان از او میترسد این حرز را بنویس و هر که این نامه را بگردن آویزد از دزد و درنده و مار و عقرب و هر چیز موذی نترسد:

بسم الله الرحمن الرحيم ای کنوش ای کنوش ارشش عطینطینطح میظطرون فریالسنون ما و ما ساما سوما یاطیطشا لوش خیطوش مشفقیش مشاصعوش او طیعینوش لیطیفتكش هذا هذا و ما کُنتَ بِجَانِبِ الْعَرَبِيِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَى مُوسَى الْأَمْرَ وَ مَا كُنتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ اُخْرَجَ بِقَدْرَةِ اللَّهِ مِنْهَا أَيُّهَا اللَّعِينُ بَعْزَةُ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اُخْرَجَ وَ الْا كُنْتَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ، اُخْرَجَ مِنْهَا (فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ) اُخْرَجَ- مَذْمُومًا مَدْحُورًا مَلْعُونًا كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا، اُخْرَجَ يَا ذُو الْمَخْزُونِ، اُخْرَجَ يَا سَوْرًا سَوْرًا بِالْاَسْمِ الْمَخْزُونِ يَا مِيطَطْرُونَ طَرَعُونَ

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۳۲

مراعون فْتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ يَا هَيَّا شَرَاهِيَا حَيَا قِيُومًا بِالْاَسْمِ الْمَكْتُوبِ عَلَى جِبْهَةِ اسْرَافِيلَ، اطرَد عن صاحب هذا الكتاب كل جنى و جنية و شيطان و شيطانة و تابع و تابعة و ساحر و ساحرة و غول و غولة و كل متعبث و عابث يعبث بآدم و لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم و صلى الله على محمد و آله الطيبين و عترته الطاهرين)

. (حرز حضرت سجّاد (ع))

(بسم الله الرحمن الرحيم، بیاری نام خدا دهان جن و انس و شیاطین و ساحران را می‌بندم، بیاری خداوند عزیز و کبیر و اکبر، بنام خداوند ظاهر

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۳۳

و باطن که آسمانها و زمین را برافراشت و بر جهان سلطنت دارد ... و همگان رو به خدای حی و قیوم آوردند) (و صداها در برابر خداوند خاشع گشت ...) (و بر دلهاشان پرده کشیدیم ...) (و چون خدای را در قرآن به یکتائی بخوانی مشرکان بتو پشت کنند و فرار نمایند) (و بهنگام خواندن قرآن تو میان تو و کسانی که آخرت را باور ندارند پرده‌ای قرار می‌دهم) (و در برابر و پشت سر ایشان سدی قرار دادیم که نمی‌بینند) (امروز بر دهانشان مهر می‌زنیم و دستهایشان حرف می‌زنند و پاهایشان باعمال خود شهادت می‌دهند) (و اگر همه ثروت زمین را خرج می‌کردی نمی‌توانستی میانشان الفت افکنی ولی خداوند بین آنها الفت افکند که او عزیز و حکیم است).

(حرز حضرت رضا (ع))

این حرز در جیب باشد: (بسم الله الرحمن الرحيم، اگر متقی باشی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۳۴

بخدا از شرّ تو پناه میبرم) (ساکت شوید و حرف نزنید) (بیاری سمع و بصر خدا سمع و بصر ترا میگیرم، و قوت ترا بیاری قوت حق تسخیر می‌نمایم) ... (جبرئیل در طرف راست و میکائیل در طرف چپ و محمد در جلوی روی من نگهبان من باشند و خداوند بر من احاطه دارد و ترا از من براند ..

.. و آیه الکرسی را بنویسد ... و با خود نگاه دارد.

(حرز دیگری از امیر المؤمنین (ع))

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، بنام خدا و بیاری خدا، خداوندا: بیاری تو از بلاها می‌گریزم، و بر تو توکل میکنم و کار خود را بدست تو می‌سپرم خداوندا با پناهنده شدن بتو ضعف و ناتوانیم به نیروی تو جبران میکنم، در حالی که از تو یاری میطلبم، و علیه کسانی که بر من قهر و غلبه میجویند و بر کوبیدن من و ظلم بر من اقدام مینمایند از تو کمک می‌خواهم، خداوندا در پناه توام و آن کس که به پناه تو رود شکست نخورد، خداوندا به نیروی خود

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۳۵

هر که را که قصد کوبیدن مرا دارد بکوب و بقدرت خود آن کس را که میخواهد مرا خوار سازد بخواری از سرم بگردان، و هر که خواهد مرا درهم شکنند او را بابطش خود درهم شکن، خداوندا مرا پناه ده تا محفوظ گردم، و خداوندا در همه این مراحل، پوشش خود را بر من قرار ده که هر کس در پوشش تو قرار گیرد، در امن و حفاظت باشد، و هیچ حول و قوه‌ای جز از طرف تو نیست، سپاس خدایی را که فرزند ندارد و در سلطنت خود دارای شریک نمیباشد و بواسطه ضعف و ذلت قیّم و همکاری نمیخواهد و ندارد و او را تکبیر گوی کیست غیر از خدا که از خود نقشه‌ای و اراده‌ای و در کارش قوتی داشته باشد و همه حول و قوه و اراده من از خداوند واحد بی‌نیازی است که نزاید و زائیده نشده و همسری ندارد، هر مالکی مملوک خداست و هر قدرتمندی اسیر قدرت خداست، و هر ستمگری از عدالت خدا فرار نتواند و هر مسلطی مقهور سطوت خداست، و هر چیزی در قبضه قدرت خداست، هر جباری در جنب عظمت خدا کوچک است، و هر معاند و دشمنی ذلیل بطش خداست بر علیه هر دشمنی خدا را پناه میگیرم و درأت فی نحر کل عاق باللّه و باجازه خدا میان خود و هر اشرافی با سطوت و جبار با نخوت و هر قدرتمند صاحب ریاستی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۳۶

و یا هر حسود و کار شکن و هر بد اندیش و حيله‌گری و هر که با سخنان گمراه‌کننده، و یا نیرنگ زیان انگیز، و یا سخن چینی و بدگویی که بضرر من کار میکند و یا کسی را بضرر من یاری مینماید، مانع و سپر قرار میدهم.

و برای جلوگیری از شرّ هر طاغی و متکبر و یا مغرور و متجاوز و هر کس دیگر ...

برای خود و ذریه‌ام از قرآنی که خود فرستاده‌ای و کسی مانند آن نتواند آورد که بر پایه عدل و عزیز و جلیل میباشد و هیچ چیز نتوانسته و نخواهد توانست آن را از بین ببرد و باطل نماید و از جانب خداوند حکیم و حمید نازل گشته سپر و مانعی می‌سازم، خداوند بر دل و گوش آنان مهر زد، و بر دیدگان بصیرتشان پرده کشید و برای کافران عذابی دردناک خواهد بود، و بر محمد و آل او درود باد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۳۷

(حرزی دیگر)

برای رفع تب بنویسند:

بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله النور بسم الله نور النور بسم الله نور على نور، باسم الله الذي هو مدبر الامور، باسم الله الذي خلق النور من النور، (الحمد لله الذي خلق النور من النور)، و انزل النور على الطور، في كتاب مسطور، في رق منشور، بقدر مقدور على نبي محبور، الحمد لله الذي هو بالعز مذکور و بالفخر مشهور و على السراء و الضراء مشكور و صلى الله على محمد و آله الطيبين.

و این حرزی است که آن را فاطمه (ع) به سلمان آموخت، سلمان گوید بیش از هزار تن از مردم مدینه و مکه را سراغ دارم که بوسیله این حرز باذن خدا از گرفتاری دائمی تب شفا یافتند، و چون این کتاب گنجایش حرزهای طولانی را ندارد بهمین مقدار اکتفا کردیم.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۳۸

باب دوازدهم در نوادر

شامل پنج فصل

(فصل اول) (سخنانی در حقوق که از حضرت زین العابدین (ع) روایت شده)

... ثابت بن دینار ثمالی گوید که حضرت زین العابدین فرمود:

حق بزرگ خدا بر تو اینست که او را بپرستی و هیچ چیز را شریک او قرار ندهی که اگر این کار را باخلاص انجام دهی خداوند بعهدہ گرفته که کار دنیا و آخرت را کفایت کند. و حق نفس بر تو اینست که او را در راه طاعت خداوند بکارگیری.

و حق زبان آنست که از فحش نگهش بداری و بگفتار نیک عادتش دهی و سخنان بیبهنده و زیادی را ترک کنی و بوسیله آن بمردم نیکی کنی و بآنها بخوبی سخن بگویی.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۳۹

و حق گوش آنست که آن را از شنیدن غیبت و محرّمات مصون بداری.

و حق چشم آنست که آن را از حرام بپوشی و بوسیله آن به بینی و عبرت بگیری و حق دست آنست که آن را بحرام دراز نکنی.

و حق پا آنست که به آن بجای حرام نروی و با این پاها باید از صراط بگذری مواظب باش که کاری نکنی که در آنجا بلغزد و باتش در افتی.

و حق شکم آنست که آن را ظرف حرام نسازی و با سیری غذا نخوری.

و حق عورت تو آنست که از زنا و دید مردم مصونش بداری.

و حق نماز آنست که بدانی نماز وسیله ارتقاء بسوی خداست و بهنگام نماز در پیشگاه حق ایستاده‌ای، و وقتی باین امر توجه داشته باشی در نماز ذلیل و حقیر و امیدوار و خائف و مسکین و زاری کن خواهی بود و با سکون و با وقار او را تعظیم میکنی و با دل باو توجه میکنی و همه حدود و شرایط آن را مواظبت می‌نمایی.

و حق حج آنست که حج بر خدا وارد شدن و از گناهان فرار کردن و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۴۰

به پناه او رفتن است و در حج توبه تو قبول است و فریضه‌ای را که خدا بر تو واجب کرده انجام داده‌ای. و حق روزه آنست که بدانی که روزه پرده‌ای است که خداوند بر زبان و گوش و چشم و شکم و فرج تو کشیده تا از جهنم نگاهت بدارد، و اگر روزه نگیری پرده الهی را دریده‌ای.

و حق صدقه آنست که آن ذخیره توست نزد خداوند عز و جل و ودیعه ای است که نیاز نیست آن را علنی کنی و بر صدقه پنهانی مطمئن تر باش از صدقه آشکار و بدان که صدقه در دنیا دردها و بلاء را بر میگردداند و در آخرت آتش را از تو برطرف میکند.

و حق هدایت آنست که به آن خدا را بخواهی نه خلق او را و جز توجه بخدا و نجات روح خود را در روز ملاقات حق اراده نکنی.

و حق سلطان اینست که بدانی که تو وسیله امتحان اویی و بواسطه تسلطی که خدا بر تو باو داده بتو آزمایش می‌شود، و بر تست که خود را در معرض،

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۴۱

سخت در نیاوری که خود را بدست خود بهلاکت افکنده باشی و در گناه زبانی که بتو میرساند شریک گردی. و حق کسی که ترا بعلم تربیت میکند اینست که نسبت بوی تعظیم روا داری و مجلس را توقیر کنی و در برابرش و روبرویش بنشیننی و خوب به سخنش گوش فرا دهی و صدا برویش بلند نکنی و اگر کسی از او سؤالی کرد تو جواب ندهی تا خود او پاسخ گوید، و در مجلس درس او حرف نزنی و کسی را پیش او غیبت نکنی و اگر ببدی یادش کنند از او دفاع نمائی و عیوبش را بیپوشانی، و مناقبش را آشکار کنی، و با دشمنش همنشیننی نکنی که اگر اینها را مراعات نمودی ملائکه شهادت میدهند که تو علم را از او برای خدا خواسته‌ای نه برای مردم.

و اما حق آن کس که رئیس و امیر تست آنست که او را اطاعت کنی و جز در چیزهائی که موجب خشم خداست با او مخالفت ننمائی که در چیزی که معصیت خالق است اطاعت مخلوق روا نیست.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۴۲

و اما حق رعیت بر سلطان آنست که نسبت بانها عدالت کنی و بر ایشان چون پدر مهربان باشی و لغزشهایشان را ندیده بگیری و در عقوبتشان عجله مکنی و بر قوتی که خدا بتو بر آنها داده خدا را سپاس گویی.

و اما حق شاگردان و رعیت علمی تو آنست که بدانی خداوند ترا در علمی که بتو داده و از خزائن دانشی که بروی تو گشوده قیم آنها ساخته که اگر در تعلیم مردم نیکو عمل کنی و تکبر و بزرگمنشی و اذیت ایشان روا مداری خداوند بر فضل خود نسبت بتو بیفزاید، و

اگر علم خود از آنها بازگیری یا اگر از تو دانش طلبند تکبرورزی بر خداست که علم و ارزش و رونق ترا بازستاند و مقامت را از آنها ساقط گرداند.

و اما حق زن و همسر، آنست که بدانی که خداوند او را وسیله

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۴۳

آرامش و انس تو قرار داده و او نعمتی است از خدا برای تو بنا بر این احترامش کنی و با او برفق و مدارا عمل نمایی، و اگر چه حق تو بر او بیشتر و واجبتر است ولی حق او اینست که بر او مهربان باشی که اسیر تست و لباس و غذایش را فراهم آری و اگر نادانی کرد او را عفو کنی. و اما حق غلام تو آنست که بدانی که او بنده خدا و با تو از یک پدر و مادر (آدم و حوا) است و از آنرو مالک او نیستی که او را ساخته باشی و یا رزقی برایش خلق کرده باشی بلکه خداوند او را برای تو آورد و مسخر تو گردانید، و تو را امین بر او ساخت و او را بتو ودیعه داد تا نیکی هائی که باو میکنی برای تو ذخیره گرداند، پس چنان که خدا با تو نیکی میکند تو با او نیکی کن، و اگر از او ناراحتی عوضش کن، ولی این مخلوق خدا را عذاب مکن و لا قوه الا بالله.

و اما حق مادر تو آنست که بدانی ترا نه ماه بشکم کشید و از میوه دلش تو خورانید که هیچ کس چنین کاری نکرده و با همه جوارح خود ترا پرورید و برای اطعام تو از گرسنگی خود باک نداشت و ترا سیر آب کرد و خود

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۴۴

تشنگی کشید- و ترا پوشانید و بخاطر تو از خواب شیرین گذشت و در سرما و گرما ترا پرورید تا برای او باشی و تو قدرت سپاس او را نداری مگر بیاری خدا و توفیق او. و اما حق پدر آنست که بدانی او اصل و ریشه تست که اگر نبود تو نبودى و هر گاه در خود ماده عجیبی دیدی بدان که پدر چنین اصل آن نعمت بوده و خدا را حمد و او را شکر کن و لا قوه الا بالله.

و اما حق فرزند آنست که بدانی که او از وجود تو و منسوب بتوست و در دنیا در خیر و شر خود مضاف بتست و تو در تربیت او از حسن ادب و توجه به خدا و یاری بر طاعت او مسئولی، و مانند کسی در تربیت او بکوش که میدانند در احسانهای باو شریک و مثاب است و در بدیهای باو عقاب خواهد شد.

و اما حق برادر آنست که بدانی او قدرت بازو عزت تست و او را وسیله معصیت خدا و کمک به ظلم قرار مده و در یاری علیه دشمنش و خیر خواهی او کوتاهی مکن در صورتی که از خدا اطاعت میکند و گر نه خدا را از او بزرگتر بشمار و لا قوه الا بالله.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۴۵

و اما حق مولای تو که ترا آزاد کرده آنست که بدانی او از مال خود خرج تو میکند و از ذلت و وحشت بردگی به عزت آزادی در آورد و ترا از اسارت بردگی آزاد کرد و ترا از زندانی رهناید و مالک نفس خودت گردانید و برای عبادت خدا فارغ البالت کرد، و بدانی که او در زندگی و مرگ تو از همه کس بر تو احق و اولی تر است و یاری او بجان و هر چه بتو نیاز دارد بر تو واجب است و لا قوه الا بالله. و اما حق بنده ای که آزاد کرده ای اینست که بدانی خداوند آزادی او را وسیله نجات از جهنم قرار داده و پاداش آن در دنیا آنست که اگر خویشی نداشته باشد تو میراث او خواهی برد در برابر مالی که برای آزادی او صرف کردی و در آخرت بهشت میباشد.

و اما حق کسی که بتو خیری کند آنست که او را شکر کنی و خوبیش را به یاد داشته باشی و در باره اش بخیر سخن گویی و بخلوص برایش دعا کنی که در این صورت او را در نهمان و آشکار تشکر کرده‌ای و اگر روزی قدرت پیدا کردی خوبیهایش را جبران کنی.

اما حق مؤذن آنست که بدانی او ترا بیاد خدا می‌اندازد و به

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۴۶

انجام بهره اخروی می‌خواند و بانجام واجب الهی کمک می‌کند او را مانند کسی که بتو احسان کرده شکر کن. و اما حق امام جماعت بر تو اینست که بدانی که او سفارت بین تو و خداوند عزّ و جل را بگردن گرفته و از طرف تو سخن می‌گوید و برای تو دعا می‌نماید و هول مقام در پیشگاه خدا را از گرده تو بر میدارد که اگر نماز نقصی داشته باشد مربوط باو می‌شود نه تو و اگر کامل باشد تو شریک او می‌باشی و او برای آن پاداش بیشتری ندارد و خود را وسیله حفظ تو و سپر بلا گردان تو قرار داده است پس بهمین اندازه از او شاکر باش.

و اما حق همنشین تو اینست که با او بنرمی رفتار کنی و در رد و بدل کردن سخن باوی انصاف را رعایت نمایی و جز با اجازه او از مجلس برنخیزی و هر کس کنار تو بنشیند اجازه داشته باشد که بی‌اذن تو برخیزد و لغزش‌هایش را فراموش کنی و خیرات او را بخاطر داری و جز حرف خیر باو نگویی.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۴۷

اما حق همسایه تو آنست که در پشت سرش آبرویش را نبری و در حضورش محترمش بداری و اگر مورد ستم قرار گرفت یاریش کنی و در کارهای شخصی و پنهانی او جستجو مکنی و اگر از او چیز ناشایسته‌ای سراغ داری آن را پرده‌پوشی کنی و اگر میدانی که نصیحت ترا می‌پذیرد در تنهائی او را نصیحت کنی، و در موقع پیش آمد سختی او را رها مکنی، و از لغزشش بگذری، و محترمانه با او معاشرت داشته باشی و لا قوه الا بالله.

و اما حق رفیق و همراه تو آنست که با تفضل و انصاف با او رفتار کنی و او را گرمی بداری همان طور که او ترا محترم میدارد، و مگذاری که در کار خوب و احسانی بر تو پیشی گیرد، و اگر گرفت آن را جبران کنی، و او را دوست بداری چنان که تو را دوست میدارد، و از انجام معصیت خدا بازش بداری، و برای او رحمت باشی نه عذاب و رنج و لا قوه الا بالله.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۴۸

اما حق شریک آنست که اگر غیبت کرد از او کفایت کنی و اگر حاضر بود رعایت حالش را بنمایی، و بدون مشورت او حکمی نکنی و مستبد برأی نباشی، و بدون مشورت او برای خود کاری نکنی، و در هیچ کار خرد و کلان او بوی خیانت روا مداری، که شرکاء مادام که بهم خیانت نکنند دست خدا با آنهاست، و لا قوه الا بالله.

و اما حق مال تو بر تو آنست که جز از راه حلال کسب نکنی، و جز در راه صحیح و مناسب خرج و مصرف ننمایی، و کسانی را که بر این مال ترا مدحی نمی‌گویند بر خود ترجیح مدهی (یعنی مال را بجای اینکه برای آخرت خود انفاق کنی برای ورثه مگذار که بعد از مرگ تو هرگز از تو مدح و تشکر نمی‌کنند که برای آنها مال نهاده‌ای). و بوسیله آن خدا را اطاعت کن، و در مصرف مال راه بخل پیش مگیر که حسرت و ندامت بری با وزر و وبال آن که بگردن داری و لا قوه الا بالله.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۴۹

و اما حق طلبکار تو که از تو مطالبه میکند اگر میتوانی طلب او را بده و اگر در تنگی و عسرت هستی با سخن نرم و ملایم او را راضی کن و با لطف و خوشی او را بازگردان.

و حق معاشر و خلیط آنست که او را گول زنی و با او غش روا مداری و در کار او خدا را در نظر بگیری.

و حق کسی که با تو مخاصمه دارد و مدعی توست اگر در ادعای خود راست میگوید خودت علیه خود شاهد او باش و با او ستم روا مدار و حقش را کاملا ادا کن و اگر دروغ میگوید با مدارا باو رفتار کن و خدا را بخشم میاور و لا قوه الا بالله و حق خصم تو (که با او مخاصمه داری) آنست که اگر حق با توست بخوبی باوی معامله کنی و حقش را انکار نکنی، و اگر ادعای تو علیه او باطل است از خدا بترسی و توبه کنی و از ادعای خود باز گردی.

و حق مشورت کننده با تو آنست که اگر رأی خوبی برایش در نظر داری آن را باز گویی و گر نه او را بآدم آگاه و خبیری راهنمایی کنی.

و حق طرفی که با او مشورت میکنی آنست که اگر رأی او با رأی تو موافق نبود، او را متهم نکنی و اگر با رأی تو موافق باشد خدا را حمد گویی.

و حق خواهنده نصیحت از تو آنست که حق نصیحت را در باره اش ادا کنی، و با مهر و مدارا باوی عمل نمایی.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۵۰

و حق نصیحت کننده تو اینست که با وی تواضع کنی و بگفته هایش گوش فرا دهی، و اگر سخن بصواب گفت خدا را شکر کنی و اگر نه او را متهم ندانی و مؤاخذه نکنی البته در صورتی که بدانی اشتباه کرده مگر آنکه مستحق تهمت و مؤاخذه باشد. بهر حال باین اشتباه او اهمیت مده و لا قوه الا بالله.

و حق بزرگتر آنست که او را بواسطه بزرگتر بودنش احترام کنی که اسلام او زودتر از اسلام تو بوده و در وقت مخاصمه با وی روبرو نشوی، و جلوی او راه نروی، و اگر با تندی با تو رفتار کند تو با وی تندی مکنی بلکه تندی او را بخاطر حرمت اسلام تحمل کنی.

و حق کوچکتر آنست که در آموزش با او راه مهر و رحمت پیش گیری، و ازو بگذری، و پرده پوشی نمایی، و با او رفق و مدارا کنی و یاریش نمایی.

و حق سائل اینست که بقدر نیازی که دارد باو احسان کنی.

و حق آنکه از او چیزی میطلبی اینست که اگر خواسته است را داد سپاسش گویی و حق احسانش را بشناسی و اگر نداد عذرش را بپذیری.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۵۱

و حق کسی که ترا برای خدا بچیزی خشنود سازد اینست که او را حمد کنی و سپس از او تشکر نمایی.

و حق کسی که بتو بدی کند اینست که او را عفو نمایی و اگر بدانی که عفو او زیان انگیز است انتقام گیری و داد خود بستانی که خداوند متعال می فرماید: (هر که ستم شود و سپس انتقام گیرد بر او باکی نیست - شوری ۳۹) و حق هم کیشهای تو آنست که سلامت آنها را بخواهی و با آنها مهر و رحمت داشته باشی و با بدانشان مدارا کنی، و با آنها الفت گیری و براهشان آری، و خوبانشان را سپاس گویی و آنها را اذیت نکنی و هر چه را که برای خود دوست داری برای آنها نیز بخواهی و هر چه را که برای خود مکروه میداری برای آنها نیز نخواهی و بزرگترهای آنها را چون پدر خود بشمری و جوانهای ایشان را برادر خود بدانی و بیوه زنانشان را چون مادر خود بحساب آری و کوچکترها را همانند فرزندان خود بدانی.

و حق کفار ذمی آنست که هر چه را خداوند از ایشان پذیرفته پذیرد و مادام که بعهده خود با خدا وفا کنند به ایشان ستم نکنی.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۵۲

«فصل دوم» (قسمتی از منهیات رسول اکرم (ص))

امام صادق از آباء خود از امیر مؤمنان (ع) روایت میکند که رسول اکرم (ص) نهی فرمود از چیز خوردن در حال جنابت و فرمود که این کار فقر می آورد.

از جویدن ناخن، و مسواک کردن در حمام و انداختن خلط دهان در مسجد و از نوشیدن پس مانده موش نهی فرمود.

و فرمود که مسجد را راه عبور قرار مدهید مگر آنکه در آن دو رکعت نماز گزارید.

و نهی فرمود از بول کردن زیر درخت میوه دار و در وسط جاده.

و نهی فرمود از غذا خوردن با دست چپ و یا در حال تکیه دادن.

و نهی فرمود از گچکاری مقبره ها و نماز بین قبرها.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۵۳

و فرمود: اگر خواهی در فضای باز غسل کنی عورت خود را بیوش و از کنار دستگیره ظرف آب مخور که چرکها در آنجا جمع شده است.

و نهی فرمود از بول کردن در آب راکد، که یک ضررش اینست که عقل را از بین می برد.

و نهی فرمود که با یک لنگه کفش راه بروی و یا ایستاده کفش بیوشی.

و نهی فرمود که کسی بول کند در حالی که عورتش رو به خورشید یا ماه باشد.

و فرمود: چون بمستراح میروید رو به قبله ننشینید.

و نهی فرمود که بهنگام مصیبت فریاد کنید.

و از نوحه گری و گوش به نوحه دادن نهی فرمود.

و زنان را از تشییع جنازه منع فرمود.

و از پاک کردن کلمه‌ای از قرآن با آب دهان یا نوشتن قرآن بوسیله آن نهی فرمود.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۵۴

و نهی فرمود که آدمی خواب دروغین بسازد، که خداوند در قیامت او را دستور میدهد که باید جورا گره بزنی که هرگز نمی‌تواند.

و نهی فرمود از کشیدن صورت که هر که چنین کند خداوند در قیامت موظفش میدارد که بآن روح بدمد که نمیتواند.

و نهی فرمود از سوزانیدن حیوانی بآتش.

و نهی فرمود از ناسزا گفتن به خروس که خروس مردم را برای نماز بیدار می‌کند.

و نهی فرمود از وارد شدن در معامله مسلمان.

و نهی فرمود از زیاد سخن گفتن در هنگام آمیزش که فرزند لال شود.

و فرمود: که آشغالدان را شب در خانه نگذارید که جایگاه شیطان است.

و فرمود: کسی شب با دست آلوده نخوابد که اگر چنین کند و از شیطان باو زیانی رسد کسی جز خود را ملامت نکند.

و با سرگین و استخوان استنجا نکند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۵۵

و نهی فرمود که زن بی‌اجازه شوهر از خانه بیرون رود، و اگر برود همه ملائکه آسمانها و هر جن و انسی که این زن بر او بگذرد لعنتش

کنند تا وقتی که بخانه باز گردد.

و نهی فرمود که زن برای غیر شوهرش زینت کند و اگر کند بر خدا حق است که او را به آتش بسوزاند.

و نهی فرمود که زن، در نزد غیر شوهرش و نامحرم بیش از پنج کلمه آنهم ضروری حرف بزند.

و نهی فرمود که زنی با زنی بهم بچسبند مگر آنکه پارچه‌ای بین آنها باشد.

و نهی فرمود که زنی آنچه را که در خلوت با شوهرش دارد بزنی دیگر بگوید.

و نهی فرمود که مرد با همسرش رو بقبله و در کنار جاده عمومی آمیزش کند و هر که چنین کند لعنت ملائکه و همه مردم بر او باد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۵۶

و نهی فرمود از بازی شطرنج و نرد و عود و طنبور و مطلق آلات لهو.

و از غیبت کردن و شنیدن غیبت نهی فرمود.

و نهی فرمود: از سخن چینی کردن و شنیدن آن، و فرمود هیچ سخن چین هرگز به بهشت نرود.

و نهی فرمود که به سفره مهمانی فاسقان بروی.

و نهی فرمود: از قسم دروغ که خانه‌ها را ویران میکند، و فرمود هر که قسم دروغ بخورد که بوسیله آن مال مسلمانی ببرد خدا را خشمگین ملاقات خواهد کرد مگر آنکه توبه نماید.

و نهی فرمود از نشستن بر سفره‌ای که بر آن شراب خورده شود.

و نهی فرمود که مرد زنش را بحمام بفرستد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۵۷

و فرمود: بی‌لنگ به حمام مروید.

و نهی فرمود از سخن گفتن به چیزهایی که به غیر خدا دعوت میکند.

و نهی فرمود: از سیلی به صورت زدن.

و نهی فرمود از نوشیدن با کاسه طلا و نقره.

و نهی فرمود از پوشش حریر و دیبا و ابریشم برای مردان، ولی برای زنان حرام نیست.

و نهی فرمود: از فروختن میوه قبل از رسیدن (زرد و سرخ شدن) آن.

و نهی فرمود: که خرمای نارس را با خرمای رسیده، و کشمش را با انگور عوض کردن و نظایر اینها (که ممکنست شبهه ربا پیش آید و یا ربا بشود).

و نهی فرمود از فروختن نرد، و خرید شراب و یا نوشیدن آن، و فرمود خداوند لعنت کرده است شراب را، و آن کس که درختش را کشت کند، و انگورش را بفشرد و کسی که آن را بنوشد، و ساقی آن شود، و فروشنده و مشتری آن را

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۵۸

و کسی را که ثمن آن را مصرف کند و آن کس که آن را حمل کند و آنکه برای او حمل شود و فرمود هر که شراب بنوشد تا پنج روز نمازش قبول نشود و اگر بمیرد که قطره‌ای شراب در شکمش باشد بر خدا حق است که از کتافات و چرک مردم و سموم جهنم باو بخوراند و آن عبارت است از چرک مردم دوزخ و عورت زنان زناکار دوزخ که در دیگهای جهنم جمع می‌شود و جهنمیان آن را می‌خورند و همه امعاء و پوستهایشان می‌گدازد. و از ربا و شهادت دروغ و نوشتن ربا نهی کرد، و فرمود: خداوند خورنده ربا و کاتب و شاهد آن را نیز لعن کرده.

و از بیع سلف نهی کرد (که جنس نسبه است).

و از دو بیع در یک بیع نهی کرد.

و از فروختن چیزی که در اختیار تو نیست نهی کرد.

و نهی فرمود: از فروش چیزی که ضمان نشده و قابل تحویل دادن نیست.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۵۹

و از مصافحه با ذمی نهی کرده.

و نهی کرد از خواندن شعر و برای گمشده جار زدن در مسجد.

و نهی فرمود از برهنه کردن شمشیر در مسجد.

و نهی فرمود از زدن بصورت حیوانات.

و نهی فرمود از نگاه بعورت مسلمان، و فرمود هر که با تأمل به عورت مسلمان بنگرد/ ۷۰ هزار ملک لعنتش کنند.

و زن را از نگاه بعورت زن دیگر نهی فرمود.

و نهی فرمود از فوت کردن و دمیدن در غذا و آب و جای سجده.

و نهی فرمود از نماز در بین قبرها و شاهراه و بیابانها و عبورگاه شتران و پشت بام کعبه.

و از کشتن زنبور عسل نهی کرد.

و نهی فرمود که در صورت حیوانات علامت و داغ نهند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۶۰

و نهی فرمود که انسان بغیر خدا قسم بخورد که قسم شرعی نمیباشد و تعهدی نمی آورد.

و نهی فرمود که کسی بسوره‌ای از قرآن قسم بخورد که هر که چنین قسم خورد بهر آیه‌ای کفاره قسم بعهده‌اش آید.

و نهی فرمود که کسی قسم بخورد بجان تو بجان فلان ...

و از نشستن جنب در مسجد نهی فرمود.

و از برهنگی در شب و روز نهی فرمود.

و از حجامت در چهارشنبه و جمعه نهی فرمود.

و در روز جمعه موقعی که امام جماعت خطبه می‌خواند از سخن گفتن نهی فرمود که هر که در این وقت سخن بگوید کار لغو انجام داد

و لغوکننده از فیض جمعه محروم است.

و از انگشتر آهن و زرد رنگ نهی فرمود.

و از نقش کردن صورت حیوان بر انگشتر نهی فرمود.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۶۱

و پس از طلوع شمس تا بالا رفتن خورشید بقدر یک نیزه و نیز به هنگام غروب خورشید و در موقع استواء خورشید از خواندن نماز نهی فرمود. و از روزه ۶ روزه: روز فطر و روز شک و روز عید قربان و سه روز ایام تشریق (۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ذیحجه) نهی فرمود.

و از آب نوشیدن با دهان از چشمه مثل چهارپایان نهی فرمود و فرمود با کفها یا ظرف آب بنوشید که بهتر است.

و از انداختن آب دهان در چاه آشامیدنی نهی فرمود.

و از بکار گرفتن اجیر قبل از طی کردن اجرت او نهی فرمود.

و از قهر کردن با رفیق نهی فرمود و اگر بناچار قهر کردی بیش از سه روز طول نکشد، که هر که بیش از سه روز از برادر (مسلمان) خود فاصله گیرد و با او قهر باشد آتش باو سزاوارتر است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۶۲

و از فروختن طلا به طلای بیشتر نهی فرمود (که ربا است).

و از مداحی دیگران نهی فرمود و فرمود در چهره ستایشگران خاک بیفشانید.

و فرمود: اگر کسی برای ظالمی مخاصمه کند و یا بظالمی کمک کند و عزرائیل برای قبض روحش بر او فرود آید باو گوید، ترا بشارت باد به لعنت خدا و آتش دوزخ که بد سرنوشتی است.

و فرمود: هر که سلطان ظالمی را مدح گوید و یا بواسطه طمع برای او خضوع و کرنش کند در آتش قرین او باشد.

و فرمود: خداوند میفرماید: به ظالمین میل و انس پیدا مکنید که آتش شما را فرا گیرد (هود ۱۱۵).

و فرمود: هر که ستمکاری را بر ستمش همراهی کند (و یا دوست بدارد)

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۶۳

در دوزخ قرین هامان (وزیر فرعون) خواهد بود و هر که از روی ریا و خود نمایی کاخی بپا کند، در آخرت آن را چون آتشی شعله‌ور گشته به دوش می‌کشد و بعد چون حلقه‌ای بگردنش می‌افتد و بهمان حال بآتش و قعر دوزخ می‌رود، مگر آنکه در دنیا توبه کند، پرسیدند یا رسول الله چگونه از روی ریا و خود نمایی بنا می‌شود؟ فرمود افزون از نیاز خود بخاطر تکبر بر همسایگان و مباحات برادران مسلمان خود بسازد و فرمود: هر که اجرت کارگر را بستم ندهد خداوند عمل او را فاسد گرداند و بوی بهشت را بر او حرام سازد که با اینکه بوی آن از پانصد سال راه بمشام میرسد، و هر که با غضب یک وجب زمین به همسایه‌اش خیانت روا دارد خداوند آن را بر گردنش حلقه کند که در قیامت بهمان حال خدا را ملاقات کند، مگر اینکه توبه کند.

بدانید هر کس که قرآن بیاموزد آن را و فراموش کند، خداوند را در قیامت ملاقات کند در حالی که دستش بگردن بسته شده باشد و خداوند بهر آیه‌ای ماری بر او مسلط کند که در آتش قرین او باشد مگر آنکه آمرزیده شود.

و فرمود: هر که قرآن بخواند، بعد حرام بنوشد و یا دنیا و زیور

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۶۴

دنیا را بر آن برگزیند، مستوجب خشم خدا گردد مگر آنکه توبه نماید، و اگر بی توجه بمیرد قرآن در قیامت با او مخاصمه کند و او را محکوم سازد. بدانید هر که با زنی مسلمان یا یهودی یا نصرانی و یا مجوسی زنا کند و توبه ننماید، و در حالی که بزنا مایل و مصر است بمیرد خداوند سیصد در بقرش بگشاید که از هر کدام مارها و عقربهای آتش بر او هجوم برند و عذابش کنند تا قیامت، و چون در قیامت از قبرش بیرون آید مردم از بوی گند بدنش بتعب و رنج آیند که همه او را بشناسند تا وقتی که فرمان رسد که بدوزخش برند. بدانید که خداوند حرامها و حدودی معین کرده و هیچ کس از خدا غیورتر نیست و بواسطه غیرتش فواحش را حرام فرموده.

و نهی فرمود که انسان بخانه همسایه سر بکشد، و فرمود: هر که

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۶۵

بعورت برادر مسلمان یا عورت غیر همسر خود بنگرد خداوند او را با منافقین که به جستجوی اسرار عورت‌های حرام بودند بآتش برد، و از دنیا نرود مگر آنکه توبه نماید. و فرمود: هر که به روزی و قسمت الهی راضی نباشد و شکایت کند و صبر پیشه نکند، هیچ حسنه‌ای از او بالا نرود، و خدا را خشمگین ملاقات کند مگر آنکه توبه نماید.

و نهی کرد که انسان با تکبر راه رود و فرمود: هر که لباسی بپوشد و بدان فخر فروشی کند، خداوند او را بدوزخ فرو برد، و در آنجا قرین قارون باشد، که او اول متکبری بود که خداوند او و خانه‌اش را بزمین فرو برد، و هر که تکبر کند با عظمت حق بمنزعه برخاسته.

و فرمود: هر که مهر همسرش را ندهد در نزد خدا زانی بشمار است، و خداوند در قیامت باو خطاب کند: که ای بنده من بندهام را به تو تزویج کردم به قراری که نهاده‌ام، تو بقرار من عمل نکردی و باو ستم نمودی پس بقدر حق همسرش از حسنات وی بگیرند و به همسرش دهند، و اگر دیگر حسنه‌ای برایش نماند او را بواسطه شکستن عهد خود بآتش کشند

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۶۶

که خداوند فرمود: (بعهد خود وفا کنید که در باره عهد بازخواست خواهید شد). و از کتمان شهادت نهی فرمود، و فرمود: هر که شهادت را کتمان و در مورد لازم از دادن شهادت خودداری نماید خداوند گوشت او را در برابر مردم بخوردش دهد و این گفته خداوند است: (شهادت را پنهان مکنید که هر کس چنین کند دل خود را تیره ساخته- بقره ۲۷۳).

و فرمود: هر که همسایه‌اش را اذیت کند خداوند بوی بهشت را بر او حرام سازد و جای او دوزخ است که بد جایی است) و فرمود: هر که حق همسایه را ضایع گرداند از ما نیست، و جبرئیل همواره در باره همسایگان بمن سفارش میکرد که گمان بردم همسایه ارث میبرد، و همواره در باره بردگان بمن سفارش میکرد که گمان بردم وقتی را معین خواهد کرد که آزاد می‌شوند، و همواره به مسواک سفارش کرد که گمان کردم واجب خواهد شد، و همواره به نماز شب سفارش می‌کرد که گمان بردم که نیکان امت من شبها نخواهند خوابید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۶۷

بدانید: هر که فقیر مسلمانی را تحقیر کند حق خود را تحقیر کرده و خداوند او را در قیامت تحقیر خواهد نمود، مگر آنکه توبه کند، و فرمود:

هر که فقیر مسلمانی را گرامی بدارد در قیامت خدا را با خشنودی وی ملاقات نماید.

و فرمود: هر که برایش گناه و شهوتی پیش آید و برای ترس از خدا از آن دوری کند خداوند آتش را بر او حرام سازد، و از رنج قیامت حفظش کند، و به آنچه که در قرآن وعده داده در باره اش وفا کند که فرمود (برای کسی که از خدا بترسد دو بهشت خواهد بود- الرحمن ۴۶).

بدانید هر که بر سر دو راهی دنیا و آخرت قرار گیرد و دنیا را برگزیند در قیامت حسنه‌ای نخواهد داشت که بوسیله آن از دوزخ نجات یابد و هر که آخرت را برگزیند و دنیا را رها کند، خداوند از او راضی شود بدیهایش را بیامزد، و هر که چشمانش را از حرام پر کند خداوند در قیامت چشمانش را از آتش پر نماید، مگر آنکه توبه کند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۶۸

و فرمود: هر که بزن نامحرم دست دهد خشم خداوند عز و جل را خریده و هر که بحرام با زنی همبستر شود با شیطانی بزنجیری آتشین کشیده شود و هر دو بآتش در افتند.

و هر که در خرید و فروش با مسلمانی غش بکار برد از ما نیست و در قیامت با یهود محشور شود زیرا یهود نسبت بمسلمانان از همه خلائق نیرنگباز ترند و بد اندیش ترند.

و پیغمبر (ص) نهی فرمود که کسی از همسایه‌اش از کمک و عاریت دادن اثاث خانه خودداری کند و فرمود: هر که از عاریه دادن اثاث خود به همسایه خودداری کند خداوند در قیامت او را از خیرات خود محروم گرداند و بخودش واگذارش نماید، وای وای که چه حال بدی خواهد داشت.

و فرمود: هر زنی که شوهرش را بزبان بیازارد خداوند هیچ عمل و حسنه‌ای از او قبول نکند تا شوهر را راضی سازد، اگر چه شب‌ها نماز گزارد و روزها روزه گیرد و بنده آزاد کند، و در راه خدا جهادها کند، و اول کسی خواهد بود که بآتش رود و همچنین اگر مرد بزن خود ظلم کند بدانید: هر کس بصورت مسلمانی سیلی زند خداوند در قیامت

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۶۹

استخوانهایش را در هم کوبد، دست بسته محشورش کند تا به جهنم رود مگر آنکه توبه نماید. بدانید: هر که شب کند در حالی که در دلش چیزی و غشی از مسلمانی باشد، در خشم خدا شب را بسر آورد، و نیز در خشم خدا وارد صبح شود مگر آنکه توبه نماید.

و پیغمبر اکرم (ص) نیز از غیبت نهی فرمود، و فرمود هر که مسلمانی را غیبت کند، روزهاش و وضویش باطل شود و در قیامت از دهانش گندی بیرون می‌آید که اهل محشر را برنج افکنند، و اگر بدون توبه بمیرد می‌میرد در حالی که حرام خدا را حلال شمرده.

و فرمود: هر که خشم خود را فرو خورد در صورتی که می‌تواند آن را بکار برد، خداوند اجر شهیدی باو عنایت کند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۷۰

هر که بر برادر مسلمان خود منّتی نهد باین وسیله که در مجلسی از غیبت او جلو گیرد و یا از او دفاع کند خداوند هزار در شرّ را در دنیا و آخرت بروی او ببندد، و اگر با اینکه میتواند از او دفاع نکند گناه هفتاد غیبت بر گردن او خواهد بود.

و نهی فرمود از خیانت و فرمود: هر که در دنیا بامانتی خیانت کند و آن را بصاحبش باز نگرداند و بمیرد بغیر ملت اسلام مرده و خدا را خشمگین ملاقات کند.

و فرمود: هر که علیه کسی شهادت دروغی دهد با منافقان در درک اسفل جهنم آویزان گردد بدانید، هر که مالی را که به خیانت گرفته شده بخرد مثل همان خائن است و هر که حق مسلمانی را نگهدارد و حبس کند خداوند برکت از روزی او بردارد مگر آنکه توبه نماید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۷۱

بدانید: هر که کار زشتی را بشنود و آن را افشاء کند کسی را ماند که خود مرتکب آن گشته و هر که مسلمانی بوی محتاج شود که قرض گیرد و او بتواند و قرض ندهد خداوند بوی بهشت را بر او حرام میکند.

و هر که با اخلاق همسر و زن بد خوی خود بسازد و آن را بحساب خدا بگذارد خداوند ثواب شاکران بوی دهد.

و بدانید: هر کس با شوهر خود مدارا نکند و او را بر چیزی که توانائی ندارد مجبور گرداند خداوند هیچ حسنه‌ای از او قبول نفرماید و با غضب او را ملاقات کند.

بدانید: هر که برادر مسلمان را گرامی بدارد خداوند متعال را گرامی داشته است.

و نهی فرمود که شخصی بی‌اجازه و رغبت مردم بر آنها پیش نمازی کند، و فرمود هر که بر جمعی با رضای آنها پیشنمازی کند و خود نیز باین کار راضی باشد و نماز معتدل بخواند و قیامت و قرائت و رکوع و سجده‌اش را

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۷۲

نیکو انجام دهد باندازه اجر آنها بایشان داده شود و از اجر او چیزی کاسته نگردد. و فرمود: هر که خود یا با مالش ببیش قوم و خویشی برود که صلّه رحم کند خداوند اجر صد شهید باو عنایت کند و بهر قدمی چهل هزار حسنه باو داده شود و چهل هزار سیئه از نامه عمل او محو گردد، و بهمین مقدار درجات او بالا رود و چنان است که خداوند عزّ و جلّ را صد سال با حالت صبر عبادت کرده باشد.

و هر که یکی از حوائج دنیای بینوا و مریضی را بعهده گیرد و برای آن اقدام نماید تا آن را بانجام رساند، خداوند دوری از نفاق و آتش را برایش بنویسد و هفتاد حاجت دنیای او را بر آورد و تا وقتی که از انجام آن فارغ شود در رحمت خدا غوطه‌ور خواهد بود.

و هر که یک شبانه روز مریض باشد و به عیادت کنندگان شکایت نکند خداوند در قیامت او را با خلیل خود ابراهیم محشور گرداند تا اینکه چون برق لامع بر صراط بگذرد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۷۳

و هر کس برای کار مریضی بکوشد و رفت و آمد کند چه آن کار انجام شود و چه نشود مثل روزی که از مادرزاده شده از گناهان پاک گردد یکی از انصار پرسید: یا رسول الله پدر و مادرم فدایت اگر مریض از اهل بیت او باشد اجر کار او بیشتر نیست؟ فرمود: چرا.

بدانید، هر که رنج و اندوهی از دنیا را از دوش مؤمنی بردارد خداوند ۷۲ رنج و اندوه آخرت را از او بر طرف گرداند و ۷۲ اندوه از دنیا را نیز از او بر طرف نماید که آسانترین آنها درد شکم است.

و هر کس حقّ صاحب حقّی را از بین ببرد در حالی که میتواند آن را اداء کند گناه باج بگیرها و عشار را دارد.

و بدانید: هر کس در برابر و برای سلطان ظالمی تازیانه‌ای به دست گیرد خداوند آن را در قیامت بصورت ماری آفریند که در جهنم بر او مسلط شود و جای وی در آتش است که بد جایی است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۷۴

و هر که برای مسلمانی کار خیری انجام دهد و باین کار بر او منت نهد خداوند عمل او را از بین ببرد و وزیر آن را بر او باقی نگهدارد و کوشش او را مورد تشکر قرار ندهد، و فرمود که خداوند عزّ و جل می‌فرماید: خداوند بهشت را بر منت‌گذار و بخیل و سخن‌چین حرام فرموده.

بدانید: هر که صدقه‌ای دهد در برابر هر دره‌می باندازه کوه احد از نعمتهای بهشت خواهد بود، و هر که برای محتاجی صدقه‌ای ببرد باندازه دهنده صدقه ثواب برای او خواهد بود، بی‌آنکه اجر صاحبش کاسته شود.

و هر که بر مرده‌ای نماز بخواند هفتاد هزار ملک بر او درود فرستند و خداوند گناهان گذشته‌اش را ببخشد، و اگر صبر کند تا دفن گردد و بر او خاک ریخته شود بهر قدمی قیروطی اجر او خواهد بود و قیراط به اندازه کوه احد است.

بدانید: هر که از ترس خدا اشک بریزد بهر قطره‌ای در بهشت کاخی مزین به درّ و گوهر برای او خواهد بود، که در آن نعمتهایی است که

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۷۵

چشمی ندیده و گوشی نشنیده و به قلبی خطور نکرده. بدانید، هر که به طرف مسجدی برود که در آن جماعت بخواند بهر قدمی ۷۰ هزار حسنه نوشته شود و ۷۰ هزار گناه از او محو گردد، و به همین مقدار درجه برای او بالا رود، و اگر بر این حال بمیرد، خداوند متعال ۷۰ هزار فرشته بر او بگمارد که او را در قبر عیادت کنند و در تنهائی مونس او باشند و تا قیامت برایش استغفار کنند.

بدانید: هر که برای خدا اذان بگوید خداوند ثواب ۴۰ هزار شهید و چهل هزار صدیق باو عطا کند و چهل هزار گناهکار از امت من با شفاعت او به بهشت روند.

و بدانید: وقتی مؤذن می‌گوید: اشهد ان لا اله الا الله- هفتاد هزار ملک برای او طلب رحمت میکنند و برای او استغفار میکنند و در قیامت در سایه عرش خدا باشد تا خداوند از حساب خلایق فارغ گردد، و وقت گفتن (اشهد ان محمدا رسول الله) / ۴۰ هزار ملک برای او استغفار نمایند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۷۶

و هر که سعی کند که همواره در صف اول جماعت باید و اولین اقتداکننده باشد در صورتی که مسلمانی اذیت نشود خداوند اجر همه اذان‌گویان دنیا و آخرت را باو عنایت کند.

بدانید: هر که ریاست و رهبری مردمی را بعهدہ گیرد او را می‌آورند در حالی که دستهایش بگردن بسته است، اگر در شان بدستور الهی عمل کرده باشد خداوند متعال او را آزاد گرداند و اگر بستم عمل نموده باشد سرازیر دوزخ شود که بد جایگاهی است.

و فرمود: هیچ اندازه از شرّ را کوچک مشمرید اگر چه در دستان کوچک نماید و هیچ مقدار از گناهان را بزرگ مشمارید اگر چه در نزد شما بزرگ باشد، زیرا اگر استغفار کنید کبیرهای نباشد و اگر اصرار کنید و ادامه دهید صغیرهای وجود ندارد.

شعیب بن واقد گوید از حسین بن زید در باره طول این حدیث سؤال کردم؟ وی گفت این حدیث را حضرت صادق برای من کرد و فرمود که از کتابی که به املاء رسول خدا و خط علی بن ابی طالب است جمع شده.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۷۷

(فصل سوم) (وصیت نبی اکرم (ص) بعلی (ع))

امام ششم (ع) ... از نبی اکرم (ص): روایت کرده است که حضرت به علی (ع) فرمود:

ترا وصیتی میکنم آن را خوب رعایت کن زیرا تا آنگاه که بر آن مواظبت کنی در خیر و سعادت خواهی بود.

ای علی: هر که خشمش را فرو خورد در حالی که میتواند آن را بکار برد خداوند باو ایمانی دهد که طعمش کام او را شیرین سازد و هم از عذاب قیامت او را امان بخشد.

یا علی هر که وقت مرگ وصیت خوب و کامل نکند در مرّت او نقصانی وجود دارد و به شفاعت نایل نشود.

یا علی بالاترین جهاد آنست که چون صبح سر از بالین برداری بفکر ستم کردن مباشی.

یا علی هر که مردم از زبانش ترسیده باشند اهل دوزخ است.

یا علی بدترین مردم کسی است که مردم از ترس و بیم ضرر او بوی احترام کنند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۷۸

یا علی بدترین مردم کسی است که آخرتش را بدنیا بفروشد و بدتر از او کسی است که آخرتش را بدنای دیگری بفروشد.

یا علی هر که عذر عذر خواهنده و عذر آورنده‌ای را نپذیرد (چه آن صاحب عذر راستگو باشد یا دروغگو) به شفاعت من نایل نخواهد شد.

یا علی خداوند عزّ و جل دروغ گفتن برای اصلاح بین مسلمین را دوست دارد و راستگوئی برای افساد را دشمن دارد.

یا علی هر که شراب را برای غیر خدا (بهداشت مثلا...) ننوشد خداوند او را از رحیق سر بمهر (آب بهشتی دست نخورده) بیاشامد علی

(ع) پرسید یا رسول الله برای غیر خدا؟ فرمود: آری بخدا هر که آن را برای حفظ و بهداشت خود ننوشد خداوند او را بر این عمل سپاس گوید.

یا علی شرابخوار مانند بت پرست است،

یا علی خداوند نماز شرابخوار را تا ۴۰ روز نپذیرد، و اگر در این ۴۰ روز بمیرد کافر است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۷۹

یا علی هر مسکری حرام است و هر چه زیاد آن مستی آرد حتی یک جرعه آن حرام است.

یا علی همه گناهان در خانه‌ای است که کلید آن شراب است.

یا علی برای شرابخوار ساعتی میرسد که خدا را نمی‌شناسد.

یا علی از بیخ بر آوردن کوههای بلند آسانتر است از نابود کردن سلطنتی که اجلش سر نیامده.

یا علی هر که از معاشرت با او سود دینی یا دنیائی به تو نرسد در معاشرت با او خیری نیست و هر که حق ترا اداء نکند برای او احترام و حقی قائل مباش.

یا علی مؤمن باید هشت خصلت داشته باشد بهنگام حوادث سخت با وقار و استوار، و در وقت بلا شکیبیا، و بموقع راحتی شکرگزار باشد، و بروزی خدا قانع گردد، و بر دشمنان ستم روا ندارد، و بر دوستان تحمیل نکند، و خود را برای راحت دیگران برنج افکند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۸۰

یا علی چهار نفرند که دعایشان هرگز رد نشود، امام عادل، پدر برای فرزند، و مؤمن برای برادر مؤمن در پشت سر او، و مظلوم، که خداوند میفرماید بعزت و جلالم قسم ترا یاری خواهم کرد و لو پس از مدت‌های طولانی.

ای علی هشت نفرند که اگر تو همین شونی، جز خویشتن را ملامت نکنند: آن کس که بی‌دعوت بسفره‌ای نشیند، آنکه بر صاحب خانه امر و نهی فراوان کند، آنکه از دشمنان چشم نیکی داشته باشد و آنکه از لثیمان انتظار نیکی و احسان ببرد، و کسی که در اسرار دو نفر که او را در آن شریک نکرده‌اند دخالت کند، و آنکه سلطان را استخفاف کند و آنکه در مجلسی و جایی نشیند که اهلیت آن را ندارد، و آنکه با کسی حرف بزند که به وی گوش نمیدهد.

یا علی خداوند بهشت را بر آدم بد زبان موذی که از آنچه در باره مردم میگوید و میشوند باک نداشته باشد حرام کرده است.

یا علی خوشا بحال آن کس که عمرش دراز و عملش نیک باشد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۸۱

یا علی، مزاح نکن که وقارت از بین میرود، و دروغ مگو که نورانیت تو زایل می‌گردد و از دو چیز گریزان باش، تنبلی و بیحالی که اگر تنبل باشی حق هیچ کس را اداء نکنی و اگر بی‌تابی بر هیج حقی صبوری نتوانی.

یا علی هر گناهی را امکان توبه است مگر بدخویی را که بد اخلاق از هر گناهی که برهد به گناه دیگر در افتد.

یا علی چهار کس به زودی گرفتار عقوبت شوند: آن کس که به او نیکی کنی و نیکی ترا بدی پاداش دهد و کسی که باو بدی کنی و او بتو ستم روا دارد، و کسی که با او معاهده‌ای برقرار کنی و توبه عهد خود بیایی و او با تو خیانت نماید، و مردی که با او صلح رحم کنند و او قطع رحم نماید.

یا علی هر که بیتابی بر او مستولی شود راحت از او رخت بر بندد.

یا علی ۱۲ خصلت است که مؤمن، باید برای سر سفره فرا بگیرد:

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۸۲

چهار تای آن واجب و چهار مستحب و چهار ادب است، اما آنها که واجب است اینست: که بدانی چه میخوری (از نظر حرام و حلال و بودن نعمت حق)، و بسم الله گفتن، و شکر گفتن و خشنود و راضی بودن، و آنها که سنت و مستحب است، بر پای چپ تکیه کردن (بطرف چپ نشستن) با سه انگشت غذا خوردن، و از جلوی خود غذا خوردن و انگشتان را لیسیدن، و اما آنها که از ادب است: کوچک گرفتن لقمه، و بسیار جویدن و به دهان مردم کم نظر کردن و دستها را شستن.

یا علی خداوند بهشت را از دو خشت آفریده خشتی طلا و خشتی نقره و دیوارهایش از یاقوت و سفش از زبرجد، و ریگهایش لؤلؤ و خاکش مشک و زعفران می باشد، بعد باو فرمود با من سخن بگو: گفت (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، هر که بر من وارد شود سعادت مند است) خداوند جل و جلاله فرمود: (قسم بعزت و جلالم که هیچ شرابخوار و سخن چینی و دیوثی (مرد بی غیرتی که از تماس همسر و ناموسش با نامحرمان و ظاهر

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۸۳

شدن او در برابر آنان باکی ندارد) و کارمند و یاور ظالمان، و لواط دهنده و نبش کننده قبور و عشار و قطع رحم کننده و قدری (قائل به قدر «۱») وارد بهشت نشود.

یا علی ده گروه از این امتت به خداوند بزرگ کافرند: آدمکش ساحر، دیوث، آنکه به حرام با زنی از عقب در آمیزد، آنکه با حیوان در آمیزد، و آن کس که با محرم خود زنا کند، سخن چین فتنه انگیز، کسی که به دشمنانی که در حال جنگ با اسلامند اسلحه فروشد و آنکه زکاة ندهد، و هر کس که حج بر او واجب شود و حج نرود.

یا علی جز برای پنج چیز ولیمه نباشد: عروسی، تولد فرزند ختنه، و خرید یا ساختن خانه و بازگشت از مکه.

یا علی: شایسته نیست که عاقل جز در یکی از سه حال عمر گزارد:

تحصیل روزی و ضرورات زندگی، توشه گیری برای معاد، و لذت غیر حرام.

یا علی سه چیز از سجایا و اخلاق عالی انسانی است در دنیا و آخرت:

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۸۴

عفو کردن از آنکه بتو ستم کند، و صلح رحم با کسی که با تو قطع رحم کرده، حلم نسبت به کسی که با تو به نادانی رفتار نماید.

یا علی قبل از چهار چیز از چهار چیز بهره گیر: از جوانی قبل از پیری، از سلامت قبل از مرض، از غنا پیش از فقر، از زندگی قبل از مرگ.

یا علی خدای متعال برای امت من چهار چیز را مکروه میدارد: در نماز بخود ور رفتن و بازی کردن، برای صدقه منت گزاردن، جنب بمسجد رفتن، در قبرستان خندیدن، و بخانه مردم سر کشیدن، و به عورت زنان (بهنگام آمیزش) نگریستن که موجب کوری فرزند شود،

و در وقت جماع حرف زدن که جنین لال گردد، و بین نماز مغرب و عشاء خوابیدن که در روزی را بروی آدمی می‌بندد و زیر آسمان بدون لنگ غسل کردن، و بی‌لنگ به نهرها در آمدن، و بی‌لنگ بحمام رفتن، و در نماز صبح

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۸۵

بین اذان و اقامه حرف زدن، و در وقت تلاطم دریا به کشتی نشستن، و بر پشت بام بی‌حفاظ (بدون نرده و دیوار) خوابیدن که خون چنین کسی گردن خود اوست، و مرد در اطاق تنها خوابیدن، و با زن در حال حیض آمیزش کردن، که اگر در حیض آمیزش کند و فرزندش جذامی یا پیس متولد شود جز خود را ملامت نکند، و با مجذوم جز از فاصله یک زرع حرف نزنند، و فرمود: از جذامی بگریز چنان که از شیر می‌گریزی و پس از احتلام و قبل از غسل با زن نزدیکی کردن، که اگر چنین کند و فرزند دیوانه متولد شود جز خود را ملامت نکند و بر کنار نهر جاری بول کردن، و زیر درخت میوه‌دار مدفوع گذاردن، و ایستاده نعلین پوشیدن و به خانه تاریک بی‌چراغ در آمدن.

یا علی آفت سجایای خوب بخود بالیدن است.

یا علی هر که از خدای عزّ و جل بترسد همه چیز از هیبت او ترسان باشند و هر که از خدا نترسد خداوند او را از هر چیزی به هراس اندازد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۸۶

یا علی هشت نفرند که نماز و روزه ایشان مقبول نباشد: بنده فراری تا آنگاه که بسوی مولایش باز گردد، و زنی که از شوهر نافرمانی کند، و همسر بر او خشمگین باشد، و آنکه زکاة ندهد، و آن کس که وضو و شستشو را ترک کند، و دختر بالغی که بی‌مقنعه نماز گزارد، و پیش نمازی که برای مردمی پیش نمازی کند که از او کراهت دارند و آدم مست، و آنکه بول و مدفوع را بزور نگهدارد و بوقت لازم آنها را دفع نکند.

یا علی چهار چیز است که هر کس واجد آنها باشد خداوند خانه‌ای در بهشت برایش خواهد ساخت: کسی که یتیمی را پذیرائی کند و بزرگ نماید، و بر ناتوانی ترحم نماید، و به پدر و مادر خود مهربان و دلسوز باشد، و نسبت به مملوک و زیر دست رعایت و مدارا کند.

یا علی سه چیز است که هر که با داشتن آنها خدا را ملاقات کند (بمیرد) از بهترین مردمان است: آن کس که با انجام واجبات الهی به اوامر او وفا کند از عابدترین مردم است، و هر کس که از محرمات و گناهان بپرهیزد از پارساترین مردم است، و هر که بآنچه خداوند روزیش دهد قانع گردد از بی‌نیازترین مردم است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۸۷

یا علی سه چیز است که هیچ کس از این امت طاقت آن را ندارد:

برادر مؤمن را در مال خود بر خویش ترجیح دهد، و در باره مردم و خود انصاف را مراعات کند، و خدا را در هر حال بیاد داشته باشد، و یاد خدا این نیست که بگوید: (سبحان الله ...) بلکه آنست که بهنگام پیش آمدن گناه و حرامی از خداوند عز و جل بترسد و از آن بپرهیزد.

یا علی سه نفرند که اگر با آنها انصاف رفتار کنی بتو ستم کنند: آدم پست و زن تو، و خدمتگزار، و سه تن در باره سه تن رعایت انصاف نمی کنند: آزاد به برده، دانا به نادان، قوی به ضعیف.

یا علی هفت چیز است که در هر کس باشد حقیقت ایمان در او بکمال وجود دارد و درهای بهشت برویش گشاده است: کسی که وضویش را کامل بگیرد و نماز را خوب اداء کند، و زکاة مالش را بپردازد و خشم خود نگهدارد، و زبانش را حفظ نماید، و بر گناهش استغفار کند، و حق خیر خواهی و نصیحت را در باره اهل خانه اش ادا نماید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۸۸

یا علی خداوند سه کس را لعن کرده: کسی که توشه اش را تنها بخورد، و در بیابان تنها سفر کند، و در خانه تنها بخوابد.

یا علی سه چیز است که بیم آن می رود که جنون آرند: میان قبرستان مدفوع گذاردن، و با یک لنگ کفش راه رفتن، و مرد که در اطاق تنها بخوابد.

یا علی سه چیز است که دروغ در آنها پسندیده است: حيله در جنگ، و وعده دادن به زوجه و همسر، و اصلاح بین مردم، و سه کس است که همنشینی آنها دل را بمیراند: مردم پست و دون صفت ثروتمندان سخن گفتن با زنان.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۸۹

یا علی سه چیز است که از حقیقت ایمانست: در تنگدستی انفاق کردن و در باره خود با مردم بانصاف حکم و رفتار کردن، و به متعلم و دانش پژوه بخشش نمودن.

یا علی سه چیز است که هر کس آنها را نداشته باشد عملش کامل نیست: پارسایی که او را از ارتکاب محارم و گناهان نگهدارد، و اخلاقی که با مردم مدارا کند، و حلمی که به نادانکاری جاهل کنار آید.

یا علی سه چیز وسیله سرور مؤمن است در دنیا: دیدار برادران مؤمن افطار دان بروزه دار، و عبادت و نماز آخر شب.

یا علی ترا از سه چیز بر حذر میدارم: حسد و حرص و کبر.

یا علی چهار خصلت از شقاوت است: خشکی خشم، قساوت قلب، آرزوی دراز، علاقه به ماندن در دنیا.

یا علی سه چیز برای مؤمن درجات (بلند است) و سه چیز کفاره های (گناه) است، و سه چیز هلاک کننده است و سه چیز نجات دهنده:

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۹۰

اما درجات: در هوای سرد و بامداد وضوء کامل گرفتن و بعد از هر نماز بانتظار نماز بعدی بودن و صبح و شب نماز را بجماعت خواندن، اما کفارات: سلام بلند و فصیح کردن، و اطعام نمودن، و شب هنگام که مردم در خوابند به عبادت برخاستن، و اما هلاک کننده ها: بخلی که عملی شود، و هوس و تمایل نفسانی که دنبال گردد، مغرور و از خود راضی بودن، و اما نجات دهندگان: از خداوند در آشکار و نهان ترسیدن و در حالت غنی و فقر و میانه روی را رعایت نمودن، و در خوشی و ناخوشی و در حال خشم حق گفتن.

یا علی کودک که از شیر گرفته شد دیگر شیر داده نمی شود، و کودک پس از بلوغ یتیم نمی باشد.

یا علی: برای نیکی بوالدین دو سال راه پیمایی و برای صلح رحم یک سال راه پیمایی شایسته است، و برای عیادت بیمار یک میل و برای تشییع جنازه دو میل و برای اجابت دعوت مؤمن سه میل و برای زیارت مؤمن چهار میل و برای دستگیری گرفتار پنج میل و برای یاری مظلوم ۶ میل راه پیمایی کن و بر تو باد به استغفار.

یا علی: مؤمن سه علامت دارد: اداء نماز و گرفتن روزه، و پرداختن زکاة و متکلف (آن کس که با تصنع زندگی میکند نه طبیعی و ساده) را سه علامتست: در حضور تو تملق گوید، و در غیاب و نبود تو غیبت کند، و در مصیبتها شماتت کند، و ظالم را سه علامت است: بر زیر

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۹۱

دست با زور پیروزی جوید، و با زبر دست به عصیان و مخالفت و با ستمکاران یاری و همکاری نامید، و ظاهر ساز را سه علامت است: در پیش مردم اظهار فعالیت و کوشش کند و در خلوت تنبل باشد، و دوست دارد که در هر کاری ستایش گردد، و منافق را سه علامت است: در سخنانش دروغ آمیزد، و به وعده هایش عمل نکند، و در امانت خیانت روا دارد.

یا علی نه چیز فراموشی آرد: سیب ترش خوردن، گشنیز، و پنیر و پس مانده موش خوردن، و سنگ نبشته قبرها را خواندن، و بین دو زن راه رفتن، و شپش را رها ساختن، و در گودی پس گردن حجامت نمودن، و در آب راکد بول کردن.

یا علی زندگی در سه چیز است: خانه وسیع، زن زیبا، سواری راهوار.

یا علی: فروتن اگر ته چاهی باشد خداوند بادی بفرستد که او را در زمان دوست اشرار بر فرق نیکان بالا برد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۹۲

یا علی هر غلامی خود را غیر مولای خود نسبت دهد لعنت خدا بر او باد، و هر که اجرت کارگر را ندهد لعنت بر او باد، و هر که فتنه ای پدید آورد یا فتنه انگیزی را پناه دهد لعنت خدا بر او باد، پرسیدند یا رسول الله مراد از این حادثه چیست؟ فرمود: قتل.

یا علی مؤمن کسی است که مال و خون مسلمانان از گزند وی در امان باشد، و مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبانش در امان باشند و مهاجر کسی است که از گناهان هجرت کند.

یا علی محکمترین دستاویزهای دین دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خداست.

یا علی: هر که از زنش اطاعت کند خداوند او را برو بدوزخ افکند علی (ع) پرسید مراد چگونه اطاعتی است؟ فرمود: اجازه دهد که همسرش به حمامهای عمومی و عروسیها برود و لباس بدن نما بپوشد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۹۳

یا علی: خداوند متعال بوسیله اسلام نخوت جاهلیت و فخر فروشی به آباء و نیاکان را از میان برداشت، بدان که مردم همگی از آدمند و آدم از خاک، و گرامیترین آنها نزد خدا پاکترین آنهاست.

یا علی از چیزهای حرام عبارتست: بهاء فروش مردار و سگ و شراب و اجرت زناکار، رشوهای که قاضی در حکم می‌گیرد، و اجرت ساحری است.

یا علی: هر که علمی را برای آن یاد گیرد که با ابلهان جدال کند، یا با دانشمندان بجدال برخیزد، یا مردم را بخویش دعوت کند از اهل آتش است.

یا علی: چون بنده‌ای بمیرد مردم گویند چه مقدار ثروت نهاده و ملائکه گویند چه مقدار پیش فرستاده.

یا علی دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است.

یا علی: مرگ ناگهانی برای مؤمن وسیله راحت و برای کافر حسرت

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۹۴

است.

یا علی خداوند متعال بدنیا وحی کرد که هر کس مرا خدمت کند خدمتگزاریش کن و هر که ترا خدمت کند به گرفتاری و رنجش افکن.

یا علی اگر دنیا بال پشه‌ای می‌ارزید خداوند به کافری شربتی از آب گوارا نمی‌داد.

یا علی: همه اولین و آخرین در قیامت آرزو می‌کنند که کاش بیش از مقدار قوت نمی‌داشتند.

یا علی بدترین مردم کسی است که در قضاوت خدا را متهم داند.

یا علی ناله مؤمن بیمار چون تسبیح است، و فریادش تهلیل و خوابش در بستر بیماری عبادت، و پهلو به پهلو شدنش جهاد، و اگر شفاء

یابد بی‌گناه بمیان مردم آید.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۹۵

یا علی اگر پاچه گوسفندی بمن اهداء شد قبول کنم، و اگر به ذراع و رانی، دعوت شوم اجابت خواهم کرد.

یا علی برای زنان نماز جماعت و جمعه، و اذان اعلامی، و عیادت بیمار، و تشییع جنازه، و هروله بین صفا و مروه، استلام حجر، و سر

تراشیدن، و قاضی شدن نمی‌باشد، و مورد مشورت قرار نگیرد، و جز به ضرورت ذبح نکند، و تلبیه بلند نگوید و بر قبری نایستد، و به

خطبه عقد گوش ندهد، و اختیاردار تزویج نباشد، و از خانه شوهر جز با اجازه وی خارج نگردد و گر نه خدا و جبرئیل و میکائیل او را

لعنت کنند و جز با اجازه شوهر از خانه او چیزی انفاق نکند و شب را با خشم شوهر بروز نیارد.

یا علی اسلام آدمی برهنه را ماند که پوشش او شرم و زیور او وفاء و مروّت او عمل صالح و تکیه‌گاه و ستونش پارسایی است و هر چیزی

را پایه و اساسی است و اساس اسلام حب باهل بیت است.

یا علی بد خلقی شوم است و اطاعت زن پشیمانی.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۹۶

یا علی اگر در چیزی شومی وجود داشته باشد در زبان زنان است.

یا علی سبکباران نجات یابند و سنگین باران هلاک گردند.

یا علی هر که عمدا بر من دروغ ببندد جایگاهش دوزخ است.

یا علی سه چیز حافظه را زیاد می کند و بلغم را می برد، کندر مسواک، قرائت قرآن.

یا علی مسواک سنت و پاکیزه کننده دهان است، و چشم را روشنی می بخشد و خدا را خشنود میسازد و دندانها را سفید و بوی دهان را می برد و لثه را محکم می گرداند و اشتها می آورد، و بلغم را می برد، و حسنات را دو چندان می کند، و ملائکه را مسرور میگرداند.

یا علی خواب به چهار گونه است پیامبران بر پشت می خوابند و مؤمنان بدست راست و کافران بدست چپ و شیطانها برو میخوابند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۹۷

یا علی خداوند پیامبری نفرستاد مگر آنکه نسل او را از صلب خود او قرار داد و نسل مرا از صلب تو قرار داد و اگر تو نبودی برای من نسلی وجود نداشت.

یا علی چهار چیز کمر شکن است: پیشوایی که عصیان حق کند و اطاعت شود، و زنی که همسرش او را نگهبانی کند، و او بوی خیانت نماید، و فقر و بینوائی که صاحب آن راه علاج آن را نداشته باشد و همسایه بد.

یا علی عبد المطلب در جاهلیت پنج سنت نهاد که خداوند آنها را در اسلام جاری بداشت: زنان پدران را بر فرزندان حرام کرد، خداوند آیه فرستاد که (با زانی که پدران شما نکاح کرده اند ازدواج مکنید) و گنجی یافت و خمس آن را صدقه داد، خداوند فرمود: (بدانید که هر غنیمت و سودی که بدست آرید خمس آن مال خداست ...) و چون زمزم را حفر کرد آن را آبشخور حاجیان قرار داد، و خداوند فرمود: (آیا)

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۹۸

آب دادن حجاج و ساختن مسجد الحرام را مانند کسانی میدانید که ایمان بخدا و آخرت دارند و ... و برای قتل نفس صد شتر كفاره قرار داد، و خداوند آن را در اسلام نیز جاری ساخت، و قریش برای طواف عددی قائل نبودند و عبد المطلب آن را به هفت دور محدود کرد و خداوند آن را در اسلام قبول نمود.

یا علی: عبد المطلب به بتها و ازلام قرعه نمیزد، و بت نمی پرستید و ذبیحه بر نصب (سنگهایی که قریش در بتخانه برای قربانی نصب کرده بودند) نمی خورد، و می فرمود من بر دین ابراهیم می باشم.

یا علی عجیب ترین مردم از نظر ایمان و بالاترین آنها در یقین آنها هستند که در آخر الزمان می آیند و پیامبری را نمی بینند و امام از دیدهایشان پنهان است و از نوشته های (ی قرآن و حدیث) ایمان می آورند.

یا علی سه چیز دل را قساوت میدهد، گوش دادن به لہو، و به شکار رفتن، و به دربار سلطان شتافتن.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۳۹۹

یا علی از مشکی که از پوست حیوانی ساخته شده که گوشت و شیرش حرام است آب را نتوان خورد ...

یا علی از تخم پرندگان آنچه دو طرفش یکسان نیست و از ماهی آنها که فلس دارند، و از مرغان آنها که بوقت پریدن بال میزنند بخور و آنها را که بال را صاف نگه میدارند مخور و از مرغان دریا آنها را که سنگدان و انگشت به عقب پا دارند حلال است بخور.

یا علی هر درنده‌ای که دندانها تیز در جلو (نیش دار) و هر پرنده‌ای که پنجه‌هایش برگشته و شکاری است حرام می‌باشد.

یا علی برای خرما و شاخه آن دست را مبر.

یا علی زن زناکار را مهر و اجرتی نیست، و چون بر کسی حد لازم شود شفاعت او قبول نباشد و قسم بر قطع رحم شرعی نمیباشد و صورت نمیگیرد و فرزند بی‌اجازه پدر و زن بی‌اجازه شوهر، و بنده بی‌اجازه مولی قسم (شرعی) نمی‌تواند بخورد و قسم او صورت شرعی پیدا نمی‌کند و سکوت تمام روز و وصل کردن روزه دو روز به یک دیگر جایز نیست و بازگشت بجاهلیت حرام است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۰۰

یا علی پدر بواسطه قتل فرزند کشته نمی‌شود.

یا علی خداوند دعایی را که از روی غفلت و بی‌حضور قلب برخیزد نپذیرد.

یا علی خواب عالم بهتر است از عبادت عابد نادان.

یا علی دو رکعت نماز عالم بهتر است از هزار رکعت نماز عابد.

یا علی زن نباید روزه مستحبی بگیرد مگر با اجازه شوهر، و بنده بی‌اجازه مولی و مهمان بی‌اجازه میزبان نباید روزه بدارد.

یا علی روزه عید فطر و قربان حرام است و صوم وصال (متصل کردن روزها را بهم بی‌افطار شب) حرام است و روزه صمت (همراه با سکوت) و روزه‌ای که برای گناه نذر شده باشد و روزه تمام سال حرام است.

یا علی برای زنا شش خصلت است: سه در دنیا و سه در آخرت اما سه خصلت دنیا اینست که طراوت چهره را می‌برد و مرگ زودرس می‌آورد و روزی را قطع میکنند، و اما آن سه که در آخرت است بدی حساب، و خشم آفریدگار و ابدی بودن در دوزخ.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۰۱

یا علی گناه یکدرهم ربا از هفتاد زنا با محرم خود در بیت الحرام بالاتر است.

یا علی هر که یک قیراط (نزدیک یک گرم) از زکاة مالش را ندهد مؤمن و مسلمان نیست و احترامی (در اسلام) ندارد.

یا علی تارک زکاة وقت مرگ درخواست آرزوی بازگشت بدنیا میکند بدلیل قول خداوند (چون مرگ یکی از ایشان فرا رسد گوید خدایا مرا برگردان بدنیا ...).

یا علی هر که مستطیع باشد و حج نگذارد کافر است که خداوند متعال گوید: (برای خدا بر گردن مردم حج واجب است هر که قدرت دارد راه مکه را در پیش گیرد و هر که به آن کافر شود خدا از همه جهانیان بی‌نیاز می‌باشد).

یا علی هر که حج را بتأخیر افکند تا بمیرد در قیامت خداوند یهود یا نصرانی محشورش کند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۰۲

یا علی رباء هفتاد جزء است که کمترین آنها مثل زنا یا مادر میباشد در مسجد الحرام.

یا علی صدقه قضاء حتمی را بر میگرداند.

یا علی صله رحم بر عمر می افزاید.

یا علی غذا را بنمک شروع و ختم کن که نگهدار از ۷۲ بیماری است.

یا علی چون بمقام محمود برسّم پدر و مادر و عمویم و رفیقی را که در جاهلیت داشتیم شفاعت خواهم کرد.

یا علی من فرزند دو ذبیح هستم (اسماعیل و عبد الله).

یا علی بهترین عقلها آنست که بوسیله آن بهشت و خشنودی پروردگار بدست آید.

یا علی اولین چیزی را که خداوند خلق فرمود عقل است، بعد به عقل فرمود نزدیک آی، عقل نزدیک آمد و فرمود: دور شو، دور شد فرمود بعزت و جلالم مخلوقی محبوبتر از تو نیافریده‌ام بوسیله تو عقاب می‌کنم و بخشش می‌نمایم و ثواب می‌دهم.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۰۳

یا علی با داشتن رحم فقیر صدقه دادن بغیر روا نیست.

یا علی یک درهم برای خضاب خرج کردن از هزار درهم انفاق برای خدای متعال برتر است و در خضاب ۱۴ خصلت است: باد را از گوشها می‌برد، چشم را روشنی می‌بخشد، بینی را نرم و باز میکند، دهان را خوشبو و لثه را محکم می‌نماید، و بوی زننده تن را بر طرف می‌نماید و وسوسه شیطان را تقلیل می‌بخشد، و فرشتگان را شاد می‌سازد و مؤمن را بشارت میدهد و کافر را خشمگین می‌سازد، و بعلاوه وسیله زینت انسانی است و موجب برائت خضاب‌کننده در قبر می‌باشد.

یا علی در سخن گفتن سودی نباشد مگر با عمل و در نگاه کردنها خیری نباشد مگر آنکه عبرت و آگاهی آرد و در ثروت خیری نیست مگر با احسان بخشش و در سخن راست خیری نیست مگر با وفا کردن بآن، در عفت و خویشتن داری خیری نیست مگر آنکه از روی پارسایی باشد و صدقه فایده و ثوابی ندارد مگر با قصد قربت و در حیا خیری نیست مگر با صحت و در وطنی خیر نباشد مگر با امنیت و راحت.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۰۴

یا علی از گوسفند هفت چیز حرام است: (خون- آلت جنسی مثانه، نخاع، غده‌ها، طحال، و زهره).

یا علی در چهار چیز نباید سخت‌گیری و کنسی کرد: قربانی، کفن برای غلام و کنیز و خرج سفر مکه.

یا علی میخواهی شبیه‌ترین شما را بخودم معرفی کنم؟ عرضه داشتیم آری یا رسول الله فرمود خوشخوترین و بردبارترین و به خویشان نیکی‌کننده‌ترین و با انصاف‌ترین شما شبیه‌ترین شماست بمن.

یا علی این دعا موجب ایمنی امت من است آن را در وقت سوار شدن کشتی بخوانید

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَ الْأَرْضُ جَمِيعاً قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ السَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ) (بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَ مُرْسَاهَا إِنْ رَّبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ)

. یا علی: این دعا موجب ایمنی از دزد است برای امتم: (بگو

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۰۵

چه الله و چه الرحمن بگویند هر کدام را بخوانید اسماء حسناى الهی است تا آخر سوره اسراء/ (۱۱۰).

یا علی این آیه موجب امان امت من است از ویرانی: (خداوند آسمانها و زمین را از سقوط نگه میدارد، و اگر سقوط کنند هیچ کس جز او قدرت نگه‌داریشان را ندارد که او حلیم و آمرزنده است).

یا علی این دعا موجب امان امت است از اندوه:

(لا حول و لا قوة الا بالله

، پناه و نجاتی از خدا جز بسوی او نیست).

یا علی این ذکر وسیله ایمنی از آتش‌سوزی است (ولی من خدائی است که قرآن را فرستاده و سرپرست صالحان است) (وَ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ- زمر/ ۶۷ ...).

یا علی در جایی که بیم درنده میرود بخوان، (رسولی از شما برایتان آمده ...- توبه/ ۱۲۹ و ۱۳۰).

یا علی هر که مرکبش چموشی کند در گوش راستش بخواند: (آنکه در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه تسلیم امر خداست و بسوی او باز

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۰۶

می‌گردید- آل عمران (۷۷).

یا علی هر که از ساحر یا شیطان می‌ترسد بخواند: (پروردگارتان خدائی است که آسمانها و زمین را آفرید ... یونس ۳).

یا علی هر که شکمش آب زرد آورد بر شکم خود (آیه الكرسي) را بنویسد و آن را بشوید و بیاشامد که باذن حق شفا یابد.

یا علی حق فرزند بر پدر اینست که اسم نیکو بر او نهد و او را تربیت نماید و از خاندان صالح برایش همسر گیرد، و حق پدر بر فرزند اینست که او را بنام صدا نکند، و جلوتر از او راه نرود و جلوی او ننشیند، و با او بحمام نرود.

یا علی سه چیز از وسواس بشمار آید: گل خوردن، ناخن به دندان جویدن، و ریش را بدنجان گرفتن.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۰۷

یا علی، خداوند والدینی را که فرزند خود را وادارند که عاق آنها شود لعن فرموده.

یا علی، آنچه در فرزند موجب عاق و الدین می شود در باره والدین نیز همان مقرر است.

یا علی، خدا رحمت کند والدینی را که موجباتی فراهم آرند که فرزندشان بایشان نیکی کند.

یا علی، هر که والدینش را اندوهگین سازد عاق است.

یا علی، هر که در نزد او غیبت مسلمانی شود و او بتواند دفاع نکند خداوند او را در دنیا و آخرت خوار گرداند.

یا علی هر که مخارج یتیمی را عهده دار شود، تا وقتی که بالغ و بی نیاز شود حتما بهشت بر او واجبست.

یا علی، هر که از روی محبت دست بر سر یتیمی کشد خداوند در قیامت بهر مویی از سر یتیم نوری بوی عطا کند.

یا علی هیچ فقری بدتر از جهل، و هیچ ثروتی بالاتر از عقل و هیچ تنهایی وحشتناکتر از عجب، و هیچ عقلی چون تدبیر و هیچ پارسایی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۰۸

مثل خویشتن داری از گناه و هیچ خوبی چون خوش اخلاقی، و هیچ عبادتی مثل تفکر نمی باشد.

یا علی آفت سخن گفتن دروغ و آفت علم فراموشی و آفت عبادت بیحالی و سستی و آفت جمال غرور و آفت حلم حسد است.

یا علی چهار چیز هدر است: غذا خوردن از روی سیری، در روشنی خورشید چراغ افروختن، و در شوره زار کشت کردن و بنا اهل و قدر ناشناس نیکی نمودن.

یا علی هر که صلوات بر من را از خاطر برد راه بهشت را اشتباه نماید.

یا علی، بپرهیز از اینکه مثل کلاغ از هر جا بخوری و مانند شیر درنده خو باشی.

یا علی اگر دستم را تا مرفق در کام اژدها فرو برم برایم محبوبتر است که از نو خواسته چیزی بخواهم.

یا علی، ستمکارترین مردم نزد خدا کسی است که غیر قاتل را

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۰۹

بقتل برساند و کسی را بی گناه بزند.

یا علی، هر که غلام غیر خود را به غلامی خود در آرد، به آنچه خدا فرستاده کافر شده است.

یا علی: انگشتر بدست راست کن که این کار فضل الهی است بر مقرّبین، پرسید: چه نگینی بدست کنم؟ فرمود عقیق سرخ که آن اول معدنی است که به وحدانیت خدا ایمان آورده و نبوت من و امامت تو و فرزندان تو گردیده و به بهشتی بودن شیعیان و دوزخی بودن دشمنان معترف گشته «۱».

یا علی خداوند بدنیا نظری افکند و از آن مرا بر مردان جهان برگزید، و دیگر بار نظری افکند و ترا برگزید و سه باره نظر نمود و امامان از نسل ترا برگزید، و بار چهارم نظر افکند و فاطمه را بر زنان جهان برگزید.

یا علی نام ترا در چهار جا کنار نام خود دیدم: شب معراج بر صخره بیت المقدس خواندم: (لا اله الا الله محمد رسول خداست

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۱۰

محمد را بوزیرش یاری دادم) از جبرئیل پرسیدم وزیر من کیست؟ گفت علی (ع)، و بر سدره المنتهی دیدم نوشته: (من الله هستم که جز من خدایی نیست و محمد برگزیده من در خلق است و او را به وزیرش نصرت دادم، از جبرئیل پرسیدم وزیر کیست؟ گفت: علی (ع) چون از سدره گذشتم و به عرش حق رسیدم بر پایه‌های آن نوشته یافتم که (من خدای یکتایم که جز من خدایی نیست، و محمد (ص) دوست من است و او را بوزیرش نصرت کردم.

یا علی: بواسطه تو خدا بمن هفت چیز داد: تو اول کسی هستی که با من از قبر در آیی، و اول کسی که بر صراط بمن ملحق شوی، و اول کسی که با من لباس پوشانده شوی، و اول کسی که با من زنده شوی، و در علیین با من از رحیق سر بمهر که مهر از مشک دارد بنوشی.

بعد پیغمبر (ص) به سلمان فرمود: یا سلمان در موقع بیماری،

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۱۱

سه چیز خواهی داشت: مورد توجه حق خواهی بود، دعایت مستجاب، خواهد شد، و هیچ گناهی بر تو باقی نخواهد ماند و تا وقت مرگ خداوند ترا (در دین) سلامت بدارد.

بعد به ابی ذر فرمود: یا ابا ذر، از گدایی بپرهیز که موجب خواری و فقر است که بسوی آن می‌شتابی، و در قیامت حساب آن طولانی خواهد بود

یا ابا ذر، تو تنها زندگی خواهی کرد، و تنها خواهی مرد و تنها به بهشت خواهی رفت و جمعی از مردم عراق به غسل و کفن و دفن تو سعادت یابند.

بعد باصحاب فرمود:

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۱۲

می‌خواهید بدترین شما را معرفی کنم؟ گفتند: آری یا رسول الله فرمود: سخن چینانی که بین دوستان جدایی می‌افکنند و برای پاکان عیب می‌جویند.

(فصل چهارم) (موعظه رسول اکرم (ص) به ابن مسعود)

عبد الله بن مسعود گوید: روزی با پنج تن از اصحاب بر نبی اکرم (ص) وارد شدیم و در آن وقت به چنان قحطی شدید گرفتار بودیم که جز آب و برگ درختان چیزی بدستمان نمی‌رسید، عرضه داشتیم یا رسول الله تا کی باید گرفتار این قحطی شدید باشیم؟ حضرت

فرمود: تا زنده‌ایم، پیوسته خدا را شکر گوئید که من کتب آسمانی را که بر من و انبیاء پیش از من نازل گشته است خوانده‌ام و در آنها نیافته‌ام که جز شکیبایان کسی به بهشت رود. یا ابن مسعود: خداوند میفرماید: (اجر صابران بیحساب است)

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۱۳

(آنها کاختهای بهشتی را در برابر صبر خود پاداش میگیرند) و (من امروز آنها را در برابر صبرشان مزدی دهم که آنها سعادت‌مندند).
یا ابن مسعود گفته پروردگار متعال: (و پاداش آنها در برابر صبرشان بهشت و حریر است)، (آنها بواسطه صبر دو بار اجر می‌برند) و میفرماید: (گمان می‌کنید که به بهشت خواهید رفت در حالی که نمونه مشکلات امتهای پیشین بشما نرسیده که سختیها و رنجهای جانکاهی به ایشان رسید)، (و شما را به یکی از این امور: ترس، گرسنگی، کمبود مال و فرزند و آذوقه، امتحان خواهیم کرد پس به مردم صابر بشارت ده ..) پرسیدم یا رسول الله صابران کیانند؟ فرمود کسانی که بر اطاعت حق شکیبایی می‌کنند و از گناه او می‌پرهیزند، آنها که مال حلال کسب میکنند و باقتصاد و میانه روی خرج می‌کنند، و زیادی از مخارج خود را انفاق می‌کنند، و رستگار و صالح می‌شوند.
پسر مسعود: بر آنها است خشوع و وقار و آرامش و تفکر و نرمی و عدل و عبرت‌گیری، و تدبیر، تقوی، احسان، و دوستی و دشمنی برای خدا، و اداء امانت، و عدل در حکم، و اقامه شهادت و یاری

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۱۴

اهل حق و گذشت از کسی که بآنها بدی کند.

پسر مسعود: چون مبتلی شوند صبر کنند، و چون عطا شوند شکر کنند، و چون حکم کنند راه عدل پویند، در سخن راستگو و در وعده با وفا باشند، اگر بدی و لغزشی از آنها سر زند استغفار کنند و اگر کار نیکی انجام دهند شادمان گردند، (و چون مورد تندخویی جاهلان قرار گیرند در عوض سلام کنند، و چون به کار لغو و بیهودگی گذر کنند با بی‌اعتنایی بزرگواری رد شوند) و شب برای آفریدگار خود به نماز ایستند و به سجده افتند.

پسر مسعود: قسم بخدا که آنان رستگارند.

یا ابن مسعود: هر که را خداوند برای پذیرش اسلام شرح صدر دهد بر نوری الهی باشد، که نور چون در دل افتد پیوسته گسترش و وسعت گیرد، گفتند: یا رسول الله این نور علامتی دارد؟ فرمود: آری پشت

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۱۵

کردن بدنای فریبنده و رو آوردن به جهان ابدی و پاینده، و آمادگی برای مرگ قبل از رسیدن آن، و آنکه نسبت بدنیا بی‌میل و زاهد شود آرزوهایش کوتاه شود و دنیا را باهلس واگذارد.

یا ابن مسعود: مراد از گفته حقتعالی: (لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا) یعنی شما را بیازماید که کدام در دنیا زاهدتر و بآن بی‌رغبت ترید که دنیا خانه فریب است و خانه کسی که خانه ندارد و ثروت دنیا را جمع می‌کند کسی که عقل ندارد، احمقترین مردم آن کس است که بدنبال دنیا بیفتد، خداوند متعال فرماید: (بدانید که زندگی دنیا عبارت است از بازی و بیهودگی، و خود آرائی و فخر فروشی و افزون‌طلبی در ثروت و فرزند مانند بارانی که ببارد و سبزه حاصل از آن کافران را به شگفت آرد ولی چیزی نیاید که همه زرد و پژمرده

گردد، و از بین برود، و در آخرت عذاب شدیدش باقی ماند) و فرمود: (یحیی را در کودکی حکم و فرمان دادیم) یعنی زهد بخشیدیم، و بموسی فرمود: (هیچ زینت کننده‌ای

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۱۶

در نظر من به زینتی بهتر از زهد، خود را نیاراسته، یا موسی چون بینی که فقر رو بتو آرد بگو: آفرین به پوشش مردم صالح، و چون ثروت را بینی که رو بتو کند بگو: گناهی کرده‌ام و این عقوبت آن است.

پسر مسعود: بگفته حقتعالی بنگر: (اگر همه مردم یک صنف بودند برای خانه مردم کافر سقفها از نقره و بجواهر آراسته قرار میدادم، و برای خانه‌هاشان درهای متعدد و تکیه‌گاهها و تخت‌ها و زیورها می‌گذاردم که همه اینها متاع دنیا است و آخرت نزد خدا و برای متقیان است)، و گفته خدا: (هر که دنیا را بخواهد بآن کس که مصلحت بدانیم بقدر مصلحت خود باو میدهیم ولی برای او دوزخی می‌گذاریم که او را در حالی که مذمت و رانده می‌شود فرو گیرد، و هر که آخرت طلبد و برای آن بکوشد و با ایمان باشد سعی او مورد سپاس ما خواهد بود).

پسر مسعود: مشتاق بهشت به نیکبها می‌شتابد، و ترسان از دوزخ شهوات و هوسها را رها می‌کند، و منتظر مرگ از لذتها روی بر

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۱۷

می‌گرداند، و بر زاهد در دنیا مصیبت‌ها ناچیز می‌باشد.

یا ابن مسعود: گفته خدای متعال: (عشق به تمایلات: از زن و فرزند و زر و سیم و اسبان راهوار ... تا آخر آیه).

پسر مسعود: خداوند موسی را برای مکالمه و مناجات با خود بر گزید که از لاغری رنگ سبزیها از پشت شکمش بچشم می‌خورد، و موسی وقتی در پشت شهر مدین به سایه دیوار پناه برد جز طعامی که سد جوع کند از خدا نمی‌خواست.

پسر مسعود: اگر خواهی از نوح برای تو باز گویم: که ۹۵۰ سال مردم را بخدا می‌خواند، و صبح امید به زندگی شب و شب امید دیدار صبح را نداشت، لباسش از مو، و غذایش جو بود، اگر خواهی از داود بگویم که خلیفه خدا در زمین بود، جامه‌اش از مو و غذایش نان جو بود و اگر خواهی از سلیمان حرف بزنم با آن سلطنت که داشت نان جو می‌خورد، بمردم نان سفید گندمی می‌داد، و در شب دست خود را

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۱۸

بگردن می‌بست و تا صبح به مناجات می‌ایستاد و ابراهیم خلیل لباسش پشمینه خشن و غذایش نان جو بود، و یحیی لباسش از لیف خرما و خوراکش برگ درخت بود، و عیسی بن مریم که شگفت آور است، می‌گفت:

خورشتم گرسنگی و پوششم خوف الهی و جامه‌ام پشم، و سواریم پاها و چراغ شبانگاهم ماه و بخاری زمستانیم تابش خورشید و میوه‌ام سبزیهای زمین و خوراک حیوانات می‌باشد شب و روز می‌گذرانم و چیزی ندارم و در عین حال بر روی زمین از من بی‌نیازتر وجود ندارد.

پسر مسعود: اینها همه آنچه را که خدا دشمن داشت دشمن می داشتند و آنچه را که خدا کوچک می شمرد ناچیز می انگاشتند و نسبت بآنچه را که خدا دوست ندارد زهد و بی رغبتی نشان میدادند خداوند آنها را در کتاب خود مدح گفته: در باره نوح گوید: (وی بنده شاکری بود) و در باره ابراهیم گوید: (خداوند ابراهیم را خلیل خود گرفت)

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۱۹

دری گروهی بآن در آیند) و میفرماید: (و پیامبران و شهیدان را بیاورند و میانشان بحق حکم کنند و ستم نشوند).

و در باره داود گوید: (ترا در زمین خلیفه گردانیدیم) و در باره موسی گوید: (خدا با موسی مکالمه کرد) و نیز فرمود: (او را برگزیده و مقرب ساختیم) و در باره یحیی گوید (در کودکی بوی حکم و فرمان دادیم)، در باره عیسی گوید: (ای عیسی نعمتی را که بتو و مادرت داده ام بیاد آر و آنگاه که ترا به روح القدس یاری کردم، و در گهواره با مردم حرف زدی) تا آنجا که (از گل باجازه من شکل مرغ میسازی و باو روح میدمی) خدا میفرماید: (اینان بسوی خوبیها شتاب می کردند و با دلی پر بیم و امید ما را می خواندند و در برابر ما خاشع بودند).

پسر مسعود: همه اینها برای آنست که خداوند آنها را بترساند که میفرماید: (جهنم میعادگاه همه کافران است و هفت در دارد و از هر

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۲۰

ای پسر مسعود: آتش برای کسی است که گناه کند، و بهشت برای کسی است که حلال را ترک نماید بر تو باد به زهد که خداوند بوسیله آن بفرشتگان فخر میکند، و بواسطه آن با وجه خود بتو روی می نماید و بر تو درود می فرستد.

پسر مسعود: پس از من مردمی می آیند که غذاهای لذیذ و رنگارنگ می خورند، و بر مرکبهای راهوار می نشینند و خود را بزبورهائی که زنان خود را برای شوهر آرایش میکنند می آریند و چون زنان خودنمایی و تفرّج میکنند و زیّ و روش جباره و قدرتمندان بخود می گیرند، آنها منافقان این امت اسلامند، در آخر الزمان شراب می نوشند، با نرد بازی می کنند، بر مرکب هوسها سوارند، نماز جماعت را رها می سازند از نماز شب و نمازهای شبانه در خوابند و در شبها در پی افراط در لذت و دنیا میدوند خداوند میفرماید: (پس از خود نسلی بجای نهادند که نماز را ضایع ساختند و از شهوات پیروی کردند و بزودی گمراهی و عذاب را دیدار کنند- مریم ۶۰).

پسر مسعود: مثل اینها چون (خرزهره) است که رنگش زیبا ولی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۲۱

مزهاش تلخ است، سخنانشان زبیاست، و اعمالشان بیماری شفاء ناپذیر می باشد (آیا در قرآن نمی اندیشند یا بر دلهاشان قفلها است).

یا این مسعود: آن کس که در دنیا در لذت و نعمت است چه سودی می برد وقتی در آتش ابدی دوزخ خواهد بود (فقط ظاهری از زندگی دنیا می دانند و از آخرت در غفلتند) خانه ها می سازند و کاخها بر افراشته می کنند و مسجدها را بزبور می آریند، همتشان جز دنیا نمیباشد خود را بر دنیا افکنده اند و بر آن تکیه کرده اند، خدایشان شکمهایشان است، خداوند میفرماید: (خانههایی ساخته اید گویا در آنها ابدی خواهید بود، و چون جباران شکل و قیافه می گیرید و رفتار می کنید، از خدا بترسید و از وی اطاعت کنید) و میفرماید: (آیا می بینی افرادی را که هوای خود را خدای خود قرار داده اند؟ و خداوند با داشتن آگاهی گمراهشان ساخته و بر دل و گوششان مهر

نهاده) تا آنجا که: (آیا متذکر نمی شوید؟) و این کس جز منافقی که هوا و هوسش دینش و شکمش خدایش است نمی باشد، از هیچ چیز که بدان میل پیدا کند حلال یا حرام سرباز نمی زند، خداوند میفرماید: (و بزندگی دنیا سخت دلخوش شدند و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۲۲

زندگی دنیا در جنب آخرت جز متاعی ناچیز نمی باشد).

پسر مسعود: محراب آنها زنانشان و شرف آنها زر و سیم و همت ایشان شکمهایشان است، آنها بدترین بدانند، و فتنه از ایشان بر آید و هم بدیشان باز گردد.

پسر مسعود: این آیه را بخوان: (آیا نمی بینی که اگر سالهایی به آنها ناز و نعمت دهیم و بعد وعده‌ای که بایشان داده‌ایم (دوزخ) بیاید، لذایدی که برده‌اند بر ایشان سودی نبخشد؟).

پسر مسعود: بدنهایشان سیر و دلهاشان خاشع نگردد.

پسر مسعود: اسلام در آغاز غریب بود و در آینده نیز چون گذشته غریب خواهد شد، پس بهشت و سعادت برای غریبان است، پس هر که از نسل شما آن زمان را در یاد بر آن مردم سلام نکند، و بر جنازهاشان حاضر نگردد و مریضانشان را عیادت ننماید، که آنها بروش شما و به

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۲۳

عقاید و به گفته‌های شما تظاهر مینمایند ولی با کردارهایتان مخالفت می‌ورزند و بر غیر دین شما می‌میرند، آنها از من نیستند و من از آنها نیستم.

پسر مسعود: از هیچ کس جز از خدا مترس، که خداوند متعال میفرماید: (هر جا باشید مرگ گریبان‌تان را خواهد گرفت، اگر چه در برجهای محکم و سر بر افراشته باشید) و میفرماید: (روزی که زن و مرد منافق بمؤمنان خواهند گفت، بما مهلت دهید تا از نورتان بهره گیریم ... و سرنوشت شومی خواهند داشت، حدید ۱۳ و ۱۴).

پسر مسعود: بر ایشان است لعنت من و همه انبیاء و ملائکه مقرب، و بر ایشان است خشم خدا و بدی حساب در دنیا و آخرت، و فرمود: (لعنت بر کسانی از بنی اسرائیل که کافر گشتند) ... تا آنجا که (ولی بسیاری از ایشان فاسقند).

ای پسر مسعود: آنان حرص فراوان و حسد آشکار نشان می‌دهند و قطع رحم میکنند و بکارهای خوب بی‌میلند و خداوند میفرماید: (آنان که عهد خدا را پس از محکم ساختن آن می‌شکنند و نسبت به کسانی که خدا

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۲۴

فرموده صلح رحم کنند قطع رحم می‌کنند، و در زمین فساد راه می‌اندازند آنها کسانی که لعنت و خانه‌ای نکتب بار بر ایشان خواهد بود) و میفرماید (مثل کسانی که تورات را گرفتند و بآن عمل نکردند چون الاغی است که کتابها بر دوش می‌کشد).

پسر مسعود: زمانی خواهد آمد که: صبرکننده بر دین چون نگهدار آتش است در دست مگر کسی گرگ باشد و گر نه گرگها می خورندش.

پسر مسعود: علماء و فقهاء آنها خائن و فاجرند «۱» آنها بدترین خلق خداوند، و همچنین پیروان ایشان و کسانی که بنزد ایشان می روند، و از ایشان (فتوی) می گیرند و بآنها محبت می ورزند و با آنها مجالست و مشورت می نمایند و آنها که اشرار خلق هستند ایشان را به دوزخ می کشانند (کر و کور و لالند و باز نخواهند گشت) (و در قیامت کر و کور و لال محشور میگردند، جایشان دوزخ است که هر گاه شعله ای از آن فرونشیند بر شعله هایش می افزاییم)، (هر گاه پوسته اشان بریان شود، پوسته ایی.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۲۵

دیگر بجایش برویانییم تا عذاب را بچشند) (چون بدوزخ در افتند صدای شعله های آتش را بشنوند که بر هم می غلطد) (هر گاه خواهند که از دوزخ بدر آیند بدان در افکنده شوند و بآنها گفته می شود که عذاب آتش را بچشید) (در آنجا برای ایشان شعله ها و بازدمها است که آنها نمی شنوند).

پسر مسعود: آنها ادعا می کنند که بر دین و روش و احکام من هستند و حال آنکه از من بیزارند و من هم از آنها بیزارم.

پسر مسعود: در ملاء و آشکار با ایشان منشین، و در بازارها با آنها معامله مکن، و راه را نشانشان مده، و آب بآنها میاشام، خداوند میفرماید: (هر که زندگی و زیور دنیا بخواهد اعمالش را در دنیا پاداش می دهیم و در آنجا ضرری نمی برند) و میفرماید: (هر که دانه دنیا میخواد می دهیمش و در آخرت نصیبی نخواهد داشت).

پسر مسعود: جمعی از امت من بیایند که: عداوت و دشمنی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۲۶

و جدال در میان ایشان برخیزد که در دنیا گمراه کننده این امت میباشند، قسم بخدائی که مرا بحق پیغمبر گردانید خداوند آنها را بزمین فرو برد و بوزینه و خنزیرشان گرداند، گوید: پیغمبر (ص) بگریه افتاد و ما از گریه اش بگریه افتادیم، پرسیدیم یا رسول الله (ص) چرا می گریید؟

فرمود: دلم بر بیچارگان و اشقیاء میسوزد که خداوند میفرماید: آن هنگام که ناله و فریادشان را بشنوی و فرار نتوانند بلکه دستگیر شوند. «۱» و مراد آیه علماء و فقهاء می باشند.

پسر مسعود: هر که علم را برای دنیا آموزد، و مهر دنیا و زیورهای آن را بر علم برتری دهد و برگزیند مستوجب خشم خداوند است و با یهود و نصاری که کتاب خدا پشت سر نهادند در طبقه پائین ترین قسمتهای دوزخ بماند که خداوند فرماید چون آنچه را که میشناختند و خبر داشتند بر ایشان آمد بدان کافر شدند پس لعنت خدا بر مردم کافر. «۲»

پسر مسعود: هر که قرآن را برای دنیا و زیورهای آن آموزد خداوند بهشت را بر او حرام گرداند.

پسر مسعود: هر که بیاموزد و عمل نکند خداوندش در قیامت کور

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۲۷

محشور سازد، و هر که دانش را برای ریا و بدست آوری دنیا فرا گیرد، خداوند برکت آن را از وی بگیرد و روزی را بر او تنگ سازد، و او را بخود واگذارد، و هر که را که خدا بخودش واگذارد هلاک گردد که خداوند میفرماید هر که لقاء و دیدار خدا را خواهد باید عمل صالح کند و کسی را در عبادت خداوند شریک نگیرد.

پسر مسعود: باید همنشینان تو خوبان باشند و برادران تو پاکان و مردم زاهد که خداوند میفرماید: دوستان این دنیا در آن جهان با هم دشمنانند مگر متقیان - زخرف / ۶۷).

پسر مسعود: بدان که آنها خوب را بد و بد را خوب میدانند و از این رو خداوند بر دلهاشان مهر نهد و در میان آنها کسی که بحق شهادت دهد و یا عدالت را بپا دارد نخواهد بود که خداوند میفرماید: بپا دارنده عدل باشید و برای خدا گواهی دهید گرچه بضرر شما و یا والدین و اقوام شما باشد - نساء / ۱۳۴).

مکارم الأخلاق - ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۲۸

پسر مسعود: آنان بمال و مقام بر هم برتری جویند خداوند میفرماید: (هیچ بنده‌ای را نزد حق پاداشی نیست مگر آنکه برای رضای خدای بزرگ کار کند که این کس بزودی خشنود خواهد شد - و اللیل ۱۹ - ۲۰ - ۲۱).

پسر مسعود: بر تو باد ترس از خدا، و اداء واجبات که خداوند میفرماید: (او طرفدار تقوی و آمرزش است - المدثر ۵۵) و میفرماید:

(خدا از آنها راضی و آنها از وی راضی شدند و این مقام برای کسانی است که تقوی داشته باشند و از خدا بترسند - البینة ۸).

پسر مسعود: آنچه را فایده ندارد واگذار کن و بدنبال چیزی برو که ترا سود بخشد که خداوند میفرماید: هر مردی را در آن روز (در قیامت) برای خود کار و گرفتاری است که او را بخویش مشغول میدارد - عبس ۳۷).

پسر مسعود: بپرهیز که بخاطر اهل خود (خانواده و بستگان خود) اطاعت خدا را رها کنی و به معصیتش روی آری که خدا میفرماید: (ای مردم از خدا بترسید و از روزی بترسید که نه پدری بجای پسر پاداش،

مکارم الأخلاق - ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۲۹

بیند و نه فرزندی عوض از پدر جزا داده شود که وعده خدا حق است و زندگی دنیا شما را نفریبد، و خود را برحمت خدا بفریبد - لقمان ۳۳).

پسر مسعود: از دنیا و لذایذ و شهوات و زیورهای آن و حرام خوری و زر و سیم و مرکب و زن بر حذر باش که میفرماید: (عشق شهوات از زن و فرزند و زر و سیم و مرکبهای راهوار و دام و زراعت در چشم جلوه گر است ولی اینها متاع دنیا است و سرانجام سعادت مندی و عاقبت خیر فقط نزد خدا است، بگو: میخواهید شما را به بهتر از این که برای مردم متقی است خبر دهم: بهشتهایی با نهرهای جاری و ابدی و جاوید و همسران پاکیزه و رضای پروردگار، و خداوند نسبت به بندگان خود بینا است آل عمران ۱۲ - ۱۳).

پسر مسعود: به خیال مغفرت خدا و خوبی و عمل و نیکیها و عبادات مغرور نشوی.

پسر مسعود: چون قرآن میخوانی وقتی به آیه‌ای رسی که در آن امر و نهی است نظر خویش را بآن برگردان و بدیده عبرت در آن تأمل

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۳۰

نما و آن را بدست فراموشی مسپار، که نهی قرآن ترا بر ترک گناه و امر آن ترا به خوبی و نیکی میخواند که خداوند میفرماید: (چه گونه خواهید بود وقتی شما را در روزی که در آمدن آن تردیدی نیست گرد آرم و هر کس بآنچه کسب کرده پاداشی کامل گیرد و مردم ستم نشوند- آل عمران ۲۴).

پسر مسعود: هیچ گناهی را کوچک مشمار و از گناهان کبیره کناره کن، که بنده چون در قیامت به گناهانش بنگرد از چشمانش خون و چرک بجای اشک فرو ریزد، خداوند میفرماید: (روزی که هر کس هر چه کرده از بد و خوب در برابر چشم خود حاضر ببیند و آرزو دارد که بین او و زشتیهایش مسافتی بس دراز باشد- آل عمران ۲۸).

پسر مسعود: وقتی بتو گویند از خدا بترس، خشمگین مشو، که میفرماید: (چون بکافر گویی از خدا بترس عزت و نخوت او را فرا گیرد پس دوزخ برای او کافی است- بقره ۲۰۲).

پسر مسعود: آرزوها را کوتاه کن، و چون صبح شود بگو من امروز را بشب نخواهم آورد، و چون شب شود بگو فردا زنده نخواهم بود، و بر

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۳۱

مفارقت دنیا تصمیم و اراده داشته باش و دل به لقاء حق ببند که خداوند دیدار مشتاقان لقاء خود را دوست دارد و از لقاء کسانی که دیدارش را مکروه میدانند بدش می آید.

پسر مسعود: همواره بدنبال کاخها و قناتها و باغ و بستانها مباش که خداوند میفرماید: (حرص و زیاده طلبی شما را سرگردان نموده- سوره تکوین).

پسر مسعود: قسم بخداوندی که مرا بحق فرستاده، زمانی خواهد آمد که مردم شراب را حلال شمردند، و آن را نبیذ نام نهند «۱»، لعنت خدا و ملائکه و مردم بر آنها باد که من از آنها بیزارم و آنها نیز از من برکنارند.

پسر مسعود: آنکه با مادر زنا کند گنااهش کمتر است از آنکه بقدر خردلی ربا داخل مالش شود، و هر که شراب بنوشد کم یا زیاد نزد خدا از رباخوار بدتر میباشد که شراب مفتاح همه شرور میباشد.

پسر مسعود: آنان به نیکان ستم می کنند و فاجران و بدکاران

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۳۲

را تصدیق نمایند، حق در نظرشان باطل و باطل حق خواهد بود و همه اینها برای دنیا است که خود می دانند بر غیر حق می روند و لکن شیطان کارهایشان را در نظرهایشان زیبا جلوه داده و در نتیجه از راه حق بازشان داشته و هرگز هدایت نخواهند یافت بزندگی دنیا دلخوش و قانع گشتند و به آن آرامش و اطمینان یافتند آنان که از آیات ما غافل گشتند و جایگاهشان دوزخ است بآنچه عمل کرده اند و کسب نموده اند.

پسر مسعود: خدای متعال می فرماید: (هر که از یاد خداوند رحمان غافل گردد شیطانی را بر او مسلط می گردانیم که همواره قرین او خواهد بود، که اینان مردم را از راه باز میدارند و گمان می برند که هدایت یافته اند، تا وقتی که امر ما (اجل آنها) در رسد آنگاه بانگ بر آرند که کاش بین من و تو (شیطان) از شرق تا غرب فاصله بود- زخرف آیه ۳۵ و ۳۶ و ۳۷).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۳۳

پسر مسعود: این گونه افراد بر کسانی که از فرائض الهی و سنت من پیروی میکنند عیب می گیرند: خداوند میفرماید: (آنان را به باد مسخره گرفتید تا یاد مرا از خاطر شما بردند و بایشان پوزخند تمسخر آمیز زدید، من امروز بایشان برای شکیبائیشان در برابر مسخره های شما پاداش داده ام (بهشت را) که اکنون رستگارند- مؤمنون ۱۱۲ و ۱۱۳).

پسر مسعود: از مستی گناه بپرهیز که گناه را نشئه ای است چون نشئه شراب بلکه شدیدتر که خدای متعال میفرماید: (مردم تبه کار) کر و لال و کورند و هرگز (بسوی حق) باز نمی گردند- بقره ۱۷ و می فرماید: (ما آنچه بر زمین است زینت و زیور قرار دادیم تا مردم را بیازماییم که کدام کارهانشان نیکوتر است و ما آنچه را که بر زمین است نابود و با خاک یکسان خواهیم ساخت- کهف ۶ و ۷).

پسر مسعود: دنیا ملعون است و ملعون است هر چه در اوست

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۳۴

و ملعون است هر که بآن عشق بورزد و طالب آن باشد و آن را هدف نهائی خود قرار دهد و گواه این مطلب آیه قرآن است که میفرماید: (هر چه بر زمین است فنا پذیرد و فقط جلال و عظمت پروردگار تو باقی خواهد ماند- الرحمن ۲۶ و ۲۷) و میفرماید: (هر چیزی جز خداوند فنا پذیرد قصص / ۸۸).

پسر مسعود: هر چه عمل میکنی آن را بطور خالص برای خدا انجام ده، که خداوند از بنده ها قبول نمی کند مگر اعمالی را که برای او خالص باشد که میفرماید: (نزد خدا برای هیچ کس نعمتی پاداش پذیر نیست مگر آنچه که برای ذات اقدس پروردگار متعال باشد که به زودی خشنود خواهد شد- اللیل ۱۹ و ۲۰ و ۲۱).

پسر مسعود: نعمتهای دنیا و شیرینیها و سرد و گرم و چرب و نرم آن را رها کن و خود را بر اجتناب از آنها عادت ده، که از همه آنها سؤال و بازخواست خواهی شد که خداوند متعال میفرماید: (در آن روز از نعمتها بازخواست خواهید شد).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۳۵

پسر مسعود: دنیا و هوسها و شهوتهایش ترا بازچه خود نسازد و از آخرت فراموشی ندهد که خداوند متعال میفرماید: (آیا گمان می برید که ما شما را بی فایده و عبث آفریده ایم و شما بسوی ما باز نخواهید گشت؟- مؤمنون ۱۱۵).

پسر مسعود: چون عمل خیری را برای غیر رضای حق انجام دهی از خداوند پاداش چشم مدار که میفرماید: (ما برای آنها در قیامت ارزشی قائل نخواهیم بود).

پسر مسعود: چون مردم ترا مدح گویند که تو نماز شب خوان و روزه داری در حالی که تو چنین نیستی خوشحال مشو که خداوند میفرماید:

(گمان مبر کسانی که بکارهای خود بطور غرور آمیزی خوشحال می‌شوند و دوست دارند که بکارهای ناکرده مدح شوند آنها از عذاب خداوند نجات می‌یابند که برای ایشان عذابی دردناک خواهد بود- آل عمران ۱۸۵).

پسر مسعود: اعمال صالح و نیک بسیار انجام ده که نیکوکار و بد کار هر دو در قیامت پشیمانی خواهند خورد که اولی گوید کاش بر نیکیهایم می‌افزودم و دومی گوید کاش کمتر بدی می‌کردم و گواه این سخن در قرآن مجید است: (قسم بر نفس لوّامه و وجدان ملامت کننده- قیامه ۲).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۳۶

پسر مسعود: به گناه بسوی گناه مشتتاب و در ارتکاب آن عجله مکن و توبه را عقب مینداز، بلکه به توبه با عجله اقدام نما و گناه را به عقب انداز که خداوند میفرماید: (انسان می‌خواهد که رو به گناه رود- قیامت ۵).

پسر مسعود: به دنیا تکیه مکن و دل میند و بآن خاطر جمع و مطمئن مباش، که خیلی زود از آن جدا خواهی گشت که خداوند متعال میفرماید (آنان را (کفار و آل فرعون) از باغها و چشمه سارها بیرون بردیم و از کشتزارها و نخلها و باغستانهای خرما جدا نمودیم- مضمون آیات ۲۴ و ۲۵ سوره دخان).

پسر مسعود: قرنهای پیشین و سلاطین نیرومند و جبار را که مرده‌اند بیاد آر، که خداوند میفرماید: (و عاد و ثمود و اصحاب رس و قرنهایی میان آنها- فرقان ۳۸).

پسر مسعود: از گناه علنی و پنهانی و کوچک و بزرگ بپرهیز که

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۳۷

خداوند متعال در هر جا که باشی ترا می‌بیند (او با شماست هر جا که باشید).

پسر مسعود: از خدا بترس در نهان و آشکار در خشکی و دریا و شب و روز که میفرماید: (هیچ سه نفری نجوی نکنند مگر آنکه خدا چهارمین آنهاست و هیچ پنج نفری نجوی نکنند مگر اینکه خداوند ششم آنهاست و نه هیچ کمتر و بیشتر مگر اینکه خدا با آنهاست در هر جا که باشند- مجادله ۸).

پسر مسعود: شیطان را دشمن بدار که خدای متعال میفرماید:

(شیطان دشمن شماست او را دشمن بدارید- فاطر ۶) و از قول ابلیس میگوید که وی به پیشگاه خداوند گفت: (از جلو و از پشت سر و از راست و چپ برای گمراهی بنی آدم می‌شتابم که بیشترشان شاکر خدا نخواهند بود- الاعراف ۱۶) و خداوند به وی پاسخ میدهد که: (بحق میگویم که دوزخ را از تو (ابلیس) و پیروانت پر خواهم کرد- ص ۸۵).

پسر مسعود: حرام مخور و حرام مپوش و گناه مکن که خدای متعال

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۳۸

به ابلیس میفرماید: (هر چه توانی از فرزندان آدم را با بانگ و نوای خود بفریب و برانگیز و با لشکر پیاده و سواره خود بر ایشان بتاز و در اموال و اولادشان شریک شو، و وعده‌های فریبا بایشان ده که شیطان جز وعده غرور آمیز و دروغین نمی‌دهد- اسراء ۶۶) و فرمود: (ای انسانها زندگی دنیا شما را نفریبد و غرور بیجا برحمت خدا شما را گول نزنند- لقمان ۳۳).

پسر مسعود: در نهان و آشکارا از خدا بترس که میفرماید:

(برای کسانی که از جلال و عظمت خداوند خویش میترسند دو باغ بهشت است- الرحمن ۴۶) و لذتها و شهوتهای دنیا را بر آخرت برمگزین که میفرماید: (و اما آن کس که طغیان ورزد و زندگی دنیا را برگزیند، جایگاهش دوزخ است، و النازعات ۳۷ الی ۳۹) یعنی دنیا و آنچه در او است ملعون است مگر آن مقدار که برای خدا باشد.

پسر مسعود: در مال و یا امانتی که بتو می‌سپرنند هرگز خیانت روا مدار که می‌فرماید: (خداوند شما را فرمان می‌دهد که امانتها را به صاحبانش برگردانید- نساء ۵۸).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۳۹

پسر مسعود: با جزم و یقین مگو مگر چیزی را که دیده یا شنیده‌ای که میفرماید: (چیزی را که بآن علم نداری مگو که گوش و چشم و دل همگی مورد بازخواست خواهند بود- اسراء ۳۶).

و میفرماید: (شهادتهای ایشان نوشته خواهد شد و مورد بازخواست قرار خواهند گرفت- زخرف ۱۸) و می‌فرماید: (وقتی مردم با هم ملاقات کنند، و از راست و چپ آدمی بنشینند، هیچ سخنی مگوید مگر آنکه رقیب و عتید آن را ضبط کنند- ق ۱۶- ۱۷) و میفرماید: (ما از رگ گردن بانسان نزدیکتریم- ق ۱۱۰).

پسر مسعود: غم روزی مخور که میفرماید: (هیچ جنبنده‌ای بر زمین نیست مگر آنکه روزیش با خداست- هود ۶) و میفرماید: (روزی شما و آنچه را که بشما وعده داده می‌شود در آسمان است- و الذاریات ۲۲) و میفرماید: (اگر خداوند رنجی برایتان پیش آرد جز او کسی نتواند آن را بر طرف نماید، و اگر خیری برایتان پدید آرد او بر هر چیزی توانا است- انعام ۱۷).

پسر مسعود: قسم بخدایی که مرا برانگیخت آن کس که دنیا را رها

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۴۰

کند و تجارت آخرت را در پیش گیرد خداوند برای او تجارت نماید که میفرماید: (مردانی که تجارت و بیع از یاد خدا و نماز و زکاة غافلشان مسازد و از روزی که دلها می‌تپد و چشمها مضطربانه دور زند (قیامت) می‌ترسند- نور ۳۷).

ابن مسعود گفت یا رسول الله پدر و مادرم فدایت چه گونه به تجارت آخرت روی آم؟

فرمود: زبانت را از یاد خدا آسوده مگذار باین ترتیب که همواره بگو:

(سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر)

که این تجارتی پرسود است و خدای متعال میفرماید: (تجارتی را می جویند که فنا پذیر نباشد تا خداوند پادشاهایشان را کامل و از خود بر آن بیفزاید- فاطر ۲۹ و ۳۰).

پسر مسعود: بکوش تا هر چه که با چشم ببینی و در قلب بگذرانی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۴۱

برای خدا باشد که این تجارت اخروی است که خداوند میفرماید: (هر چه نزد شماست پایان پذیرد و آنچه نزد خداست باقی بماند- نحل ۹۸).

پسر مسعود: چون ذکر لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ گویی و حق آن را شناسی آن ذکر بخودت باز میگردد (و مقبول خدا نشود) و همواره لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بگویند مگر خشم خدا را از بندگان بر گرداند تا از آخرتشان چیزی کم نشود، و دنیاشان نیز سالم بماند که میفرماید: (کلامهای طیب و پاک بسوی حق بالا رود و عمل صالح آن را برتر و والاتر برد- فاطر/ ۱۱).

پسر مسعود: صالحان را دوست بدار که انسان با آنچه دوست دارد محشور خواهد بود، و اگر بر انجام کارهای نیک قدرت نداری علماء را دوست بدار که خداوند میفرماید: (هر که خدا و رسول او را دوست بدارد با انبیاء و صدیقین شهیدان و صالحان که خداوند آنان را از احسان و نعمتهای خود برخوردار فرموده خواهد بود و آنان نیکو رفیقانی هستند- نساء ۶۹).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۴۲

پسر مسعود: بپرهیز که یک آن برای خدا شریک قائل شوی اگر چه ترا با مقراض ریز ریز کنند یا بدار بیاویزند یا بآتش بسوزانند که خداوند فرماید: (کسانی که بخدا و انبیاء او ایمان آرند صدیق و شهید میباشند و نزد پروردگار خواهند بود- حدید ۱۸).

پسر مسعود: با کسانی که همواره بیاد خدا هستند و او را تسبیح و تهلیل و حمد می گویند و بر طبق دستور او عمل می نمایند، و صبح و شام او را می خوانند معاشر باش که خداوند میفرماید: (همواره با کسانی که صبح و شام آفریدگارشان را میخوانند و فقط رضا و خشنودی او را میطلبند مصاحبت داشته باش و چشم از ایشان بردار- کهف ۲۷).

پسر مسعود: هیچ چیز را بر ذکر خدا بر مگزین که خداوند میفرماید (ذکر خدا بزرگترین چیزها است- عنکبوت ۱۴۴) و میفرماید: (مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و مرا سپاس بگویید و کفران نکنید- بقره ۱۵۲).

و میفرماید: (چون بندگان در باره من از تو سؤال کنند بگو که من نزدیکم و دعوت دعاکنندگان را اجابت می کنم- بقره ۱۹۶) و میفرماید: (مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم- مؤمن ۶۰).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۴۳

پسر مسعود: آرامش دل و وقار داشته باش و سهل گیر و نرمخو و عقیف و پارسا و نیکوکار و راستگو و خالص و سالم و عاقل و شکیبا و شاکر و مؤمن و پاکدامن و عابد و زاهد و دلسوز و دانا و فهیم باش که خداوند میفرماید: (ابراهیم بردبار بود و بدرگاه حق بسیار زاری و انابه داشت- هود ۷۷) (و بندگان خدا کسانیند که با تواضع بر زمین راه می روند و چون جاهل بایشان از روی جهالت و بطرز جاهلانه رفتار کند در پاسخ وی سلام کنند و سخن به نیکی گویند و شبها را در پیشگاه آفریدگارشان بسجده و قیام مشغول شوند- فرقان ۶۴ و

(۶۵) (و با مردم جز به نیکی سخن نگویند- بقره ۸۲) (مؤمنان وقتی گذارشان به کار لغو و بیهوده افتد با بی‌اعتنایی از آن می‌گذرند، و کسانی که میگویند: پروردگارا فرزندان و همسرانی که موجب روشنی چشم ما باشند بما عنایت کن و ما را رهبر متقیان قرار ده، اینانند که کاخهای بهشتی را در برابر صبر و شکیبایی بیاداش، میگیرند و با درود و سلام روبرو خواهند شد و در بهشت جاوید خواهند بود که جایگاهی عالی و نیکو است- فرقان ۷۲-۷۶).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۴۴

و خداوند متعال میفرماید: (مؤمنان رستگاران آنان که در نمازشان خاشعند، و آنان که از لغو روگردانند، و کسانی که زکاة (خمس و صدقه) را می‌پردازند، و کسانی که دامن و عورت خود را از غیر همسرانشان (یعنی از زنا) حفظ می‌کنند و کسانی که امانتها و عهدهای خود را می‌پایند، و کسانی که بر اوقات و شرایط نماز مواظبت می‌کنند، اینانند که وارثان فردوس و بهشت میباشند و در آن جاوید خواهند بود- مؤمنون ۱-۱۲) و میفرماید: (اینها در بهشتهای گرامی خواهند بود- معارج ۳۵) و میفرماید: (مؤمنان کسانی هستند که چون نام خدا برده شود دل‌هایشان بترسد و بتپد ... اینان الحق مؤمنند و در نزد خدا درجاتی بلند دارند، و مغفرت و رزق عالی خدا برای آنها خواهد بود- انفال ۲-۶).

پسر مسعود: مهر زن و فرزند ترا به گناه و حرام نیالاید و نکشاند که خداوند میفرماید: (روز قیامت فرزند و مال سودی نبخشد مگر کسانی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۴۵

را که با دل سالم آیند- شعراء ۸۸ و ۸۹).

و بر تو باد به ذکر خدا و عمل صالح، که میفرماید: (و باقیات صالحات ثوابی بهتر و آرزویی برتر است- کهف ۴۴).

پسر مسعود: از آنان مباش که مردم را بخیر و خوبی دعوت و راهنمایی می‌کنند و خود از آن غافل می‌باشند که خداوند میفرماید: (آیا مردم را به نیکی می‌خوانید و خود را فراموش می‌کنید- بقره ۴۱).

پسر مسعود: زبانت را مواظبت کن که خداوند میفرماید: (در قیامت بر دهنها مهر میزنیم و دستها با ما حرف می‌زنند و پاهای بکارهای بدشان شهادت میدهند- یس ۶۵).

پسر مسعود: بکوش تا باطنت را اصلاح کنی که میفرماید: (روز قیامت باطنها آشکار شود و قدرتی و یاوری برای آنها نباشد- طارق ۹ و ۱۰).

پسر مسعود: از آن روزی که نامه اعمال باز گردد و بدست صاحبانش

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۴۶

داده شود و زشتیها آشکار گردد و در تشویش و ترس باشد که خداوند میفرماید: (در قیامت میزانهای عدل را نصب میکنیم و به هیچ کس ستمی نخواهد شد که اگر ذره‌ای عمل داشته باشند آن را حاضر کنیم و ما برای حساب کافی می‌باشیم- انبیاء ۴۸).

پسر مسعود: در نهان از خدا بترس چنان که او را می بینی که اگر تو او را نمی بینی او ترا می بیند و میفرماید: (بکسانی که در نهان از خدا می ترسند و با دل توبه کرده و مطیع بیایند گفته می شود: سلامت وارد بهشت شوید که این زندگی جاوید است- ق ۳۲، ۳۲).

پسر مسعود: با مردم بانصاف عمل کن، و خیر خواه آنان باش و بر آنان رحمت آر که اگر چنین باشی خدا ب مردم شهری که تو در آن هستی اگر خشم گیرد و بخواهد بر آنها عذاب فرستد، بر تو رحمت آرد، و به خاطر تو بر آنها نیز رحمت آرد که میفرماید: (خداوند مردم شهر و دهی را هلاک نکند که اهل آن مصلح باشند- هود ۱۱۹).

پسر مسعود: بترس که برای مردم اظهار خضوع و فروتنی کنی و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۴۷

نسبت بخدا سرکشی کنی و بر گناهان اصرارورزی که میفرماید: (خداوند چشمان خیانتکار و اسرار نهفته در دلها را میداند- مؤمن ۱۰).

پسر مسعود: از آنها مباش که بر مردم سختگیر و خود راحت طلب باشد که خداوند میفرماید: (چرا چیزهایی را می گوئید که عمل نمیکنید- صف ۲).

پسر مسعود: هر کاری را که میکنی از روی عقل و دانش کن، و از عمل بدون علم و تدبیر بهره‌یز که خداوند میفرماید: (چون پیر زنی که نخها را پس از رشتن دوباره پنبه میکند نباشید- نحل ۹۴).

پسر مسعود: بر تو باد براستگویی، و هرگز دروغی از دهانت در نیاید، و با مردم بانصاف رفتار نما، و نیکی پیشه کن، و مردم را باحسان بخوان، و صلح رحم کن، و با مردم مکر مکن، و به عهد خود وفا نما که میفرماید: (خداوند شما را به عدل و احسان و رسیدگی به خویشان امر میکند و از زشتیها و منکر و تجاوز نهی می نماید و شما را پند می دهد تا پند گیرید- نحل ۹۲).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۴۸

(فصل پنجم) (وصیت رسول اکرم (ص) به ابی ذر رضی الله عنه)

از فضیل بن یسار ... از ابو الاسود الدثلی. ابو الاسود گوید: به ربه بر ابی ذر (رضی الله عنه) وارد شدم، ابو ذر برایم حدیث کرد که روزی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۴۹

اول وقت در مسجد بر رسول اکرم (ص) وارد شدم که هیچ کس جز رسول اکرم و علی (ع) که در کنار او نشسته بود در مسجد دیده نمیشد، از خلوت مسجد استفاده کردم و عرضه داشتم: یا رسول الله پدر و مادرم فدایت ممکنست مرا وصیتی سودمند فرماید فرمود: ای ابی ذر که تو در نزد ما محترم و از اهل بیتی، و من اینک ترا وصیتی میکنم نگهبان آن باش که این وصیت جامع همه راههای خیر و سعادت است و اگر آن را بکار بندی کفیل تو خواهد بود.

ای ابا ذر: خدا را چنان پرستش کن که او را می بینی و اگر تو او را نمی بینی او ترا می بیند، بدان که قدم اول عبادت و بندگی آفریدگار شناسایی اوست، و خداوند اول است قبل از همه چیز که هیچ چیز پیش از او نبوده و فرد است که دوم برای او نمی باشد و باقی است که آخری برای او تصور نمیرود، بوجود آورنده آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست میباشد و او خداوند لطیف و خبیر است و بر همه کارها

تواناست، بعد ایمان به من و اقرار باینکه خداوند متعال مرا بر همه مردم جهان بشیر و نذیر و دعوت کننده بسوی خدا و چراغی نور بخش فرستاده، بعد اهل بیت مرا (که خداوند هر نوع آلودگی (گناه و اخلاق و لغزش و اشتباه) را از ایشان برده) دوست بدار. بدان ای ابا ذر که خداوند اهل بیت مرا در میان امت من چون کشتی

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۵۰

نوح قرار داده که هر که سوار آن شد نجات یافت و هر کس بآن پشت کرد غرق و هلاک گشت و مثل باب حطّه بنی اسرائیل است که هر کس داخل آن شد در امان بماند.

ای ابا ذر وصیت مرا حفظ و عمل کن تا در دنیا و آخرت سعادت مند باشی.

ای ابا ذر دو نعمت است که بسیاری از مردم در آن مغبون میشوند:

سلامت و فراغت.

ای ابا ذر پنج چیز را قبل از پنج چیز مغتنم شمار: جوانی خود را قبل از پیری و سلامت را قبل از بیماری و ثروت را قبل از نداری و فراغت را قبل از گرفتاری و زندگی را پیش از مرگ.

ای ابا ذر مواظب باشی که در عمل امروز و فردا نکنی و کار امروز

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۵۱

بفردا نیفکنی که اکنون تو مال امروزی و فردا مال تو نیست و اگر فردا زنده باشی فردا نیز مثل امروز وظیفه و برنامه و عملی خواهی داشت و اگر زنده نباشی پشیمانی نخوری که چرا امروز را از دست دادی.

ای ابا ذر چه بسیار کسانی که امروز خود را به شب نیاوردند و چه بسیار افرادی که بانتظار فردا بودند و بآن نرسیدند.

ای ابا ذر: اگر باجل و مسیر آن بنگری از آرزوها و فریبندگی آنها متنفر گردی.

ای ابا ذر: در دنیا چون غریبان یا رهگذران باش و خود را همواره از خفتگان در گور بدان.

ای ابا ذر: چون صبح کردی بفکر شب مباش و چون وارد شب شدی بیاد صبح مباش و در سلامت خود پیش از بیماری و از حیات خود قبل از مرگ بهره گیر، که نمیدانی نام تو فردا در کجا (دفتر مرده ها یا زنده ها) نوشته خواهد بود.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۵۲

ای ابا ذر: بپرهیز که مرگ بهنگام غفلت (از عقبی و اشتغال به دنیا) گریبان را نگیرد، که دیگر راه بازگشت بدنیا و جبران فرصت فوت شده را نخواهی داشت، و وارثان تو بر اموالی که نهاده ای ترا مدح نگویند، و خدا که بر او وارد میشوی ترا باشتغال بدنیا معذور نداند.

ای ابا ذر بر عمر خود بخیل تر باش تا بزر و سیم خود.

ای ابا ذر هیچ یک از شما در دنیا نمی تواند انتظار داشته باشد مگر ثروتی طغیان آور، یا فقری فراموشی بخش (که یاد انسان را از خاطر مردم ببرد) یا مرض ویران کننده تن یا پیری و زمین گیری یا مرگی آماده یا دجال که شری پنهانی است و مورد انتظار است یا آن ساعت و آن ساعت زیرک تر و گذرنده تر است، همانا بدترین مردم در قیامت عالمی است که از علمش بهره نگیرد، و هر که علم را برای جلب خاطر و نظر مردم طلب کند بسوی بهشت راه نیابد.

ای ابا ذر هر که علم را برای فریب مردم تحصیل کند بوی بهشت را استشمام نکند.

ای ابا ذر چون چیزی از تو پرسند که ندانی بگو: نمیدانم تا از

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۵۳

عواقب آن آسوده باشی و آنچه ندانی فتوی مده تا از عذاب قیامت برهی.

ای ابا ذر، جمعی از بهشتیان بر دوزخیان در آیند و از آنها پرسند چرا شما جهنمی شدید که ما از تعلیم و تربیت شما به بهشت در آمدیم؟ جواب دهند: ما بخوبی ها امر می کردیم و خود خوبی نمی کردیم.

ای ابا ذر حقوق خداوند متعال بیش از آنست که بندگان بتوانند حق همه آنها را اداء کنند، و نعمتهای او بیش از آنست که بندگان شماره توانند کرد، ولی صبح و شام در حال توبه باشید.

ای ابا ذر تو در مسیر گذشت شب و روز و در کمین اجلهای ناگهانی می باشی و اعمال تو همه محفوظ خواهد ماند و مرگ ناگهان میرسد، و هر که تخم خیرات بکارد خیر درو میکند و هر که تخم فساد و بدی کشت کند محصول ندامت برچیند، و هر کشت کننده ای همان درود که کشته است آدم کند رو یک لحظه پیشی نگیرد، و آدم حریص آنچه مقدر او نیست دست

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۵۴

نیابد، و هر که بخیری رسد که خدا باو داده از شری محفوظ ماند و خدایش از آن نگه داشته.

ای ابا ذر متقیان آقائید، و فقیهان امام و رهبر مرد مانند و مجالست با ایشان موجب افزون شدن (دانش) است، مؤمن گناه خود را چون سنگی بزرگ بر بالای سر خود می بیند که هر لحظه ممکنست بر فرق سرش افتد و کافر گناهِش را چون صدای بال مگسی پندارد که از جلوی گوشش گذشته باشد.

ای ابا ذر چون خداوند متعال خیر بنده ای را بخواهد گناهانش را برابر دیدگانش قرار میدهد و اگر بدی بنده ای را بخواهد گناهانش را از یادش میبرد.

ای ابا ذر به خردی گناه منگر و لکن عظمت خدایی را که عصیانش کرده ای توجه کن.

ای ابا ذر مؤمن بر گناهی که کرده از گنجشکی که گرفتار قفس شده

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۵۵

(و برای آزادی تقللاً میکند) مضطربتر و پر هیجان تر است.

ای ابا ذر هر که عملش با گفته اش یکی باشد نصیب و بهره خویش را برگیرد و هر که عملش خلاف سخنش باشد به خود ستم روا داشته.

ای ابا ذر، انسان بواسطه گناهی که میکند از روزی محروم میگردد.

ای ابا ذر کاری را که بتو هیچ ارتباطی ندارد رها کن و جز بآنچه ترا سود بخشد سخن مگو و زبانت را نگه دار چنان که زر و سیمت را حفاظت می کنی.

ای ابا ذر: خداوند متعال گروهی را به بهشت می برد و چندان که ملال یابند بایشان عطا می کند، و قومی دیگر در درجات بالاتر فوق آنها منزل میگیرند، دسته اول وقتی ایشان را می بینند میشناسند و می گویند: خداوندا اینها دوستان ما بودند که در دنیا با هم بودیم چرا آنها را در مقامی برتر نشاندی؟ جواب آید که: آنها در وقتی که شما سیر بودید گرسنه و روزه دار بودند، و در شب که چشمان شما در خواب خوش بود آنها به (عبادت) بیدار بودند.

ای ابا ذر: خداوند روشنی چشم مرا در نماز قرار داده و نماز را چنان محبوب من ساخته که غذای لذیذ را برای گرسنه و آب گوارا را در کام تشنه و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۵۶

گرسنه از غذا سیر شود ولی من از نماز هرگز سیر نمی شوم.

ای ابا ذر هر که در شبانه روز غیر از نمازهای واجب ۱۲ رکعت نماز مستحب گزارد خانه ای در بهشت حق واجب اوست.

ای ابا ذر تو مادام که مشغول نماز می باشی درب پادشاه جبار و پیروزی را می کوبی و هر کس باب سلطانی را بکوبد سرانجام برویش باز گردد.

ای ابا ذر هیچ مؤمنی بنماز نایستد مگر آنکه خوبی ها و اجراها بین او تا عرش پراکنده شود، و فرشته ای بر او گماشته شود که بگوید: ای پسر آدم اگر بدانی که چه اجری برای تست از طرف آنکه با او مناجات می کنی در نماز هرگز از نماز روز نگردانی.

ای ابا ذر، خوشا بحال پرچمداران در قیامت که آن را برداشته بر مردم بسوی بهشت پیشی میگیرند، آنها کسانیند که در سحر و غیر سحر به مساجد می شتابند.

ای ابا ذر نماز ستون دین و زبان بزرگتر است، و صدقه خطا را

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۵۷

می شوی، و زبان بزرگتر است، و روزه سپر از آتش است و زبان بزرگتر است و جهاد بزرگی و شرف است و زبان بزرگتر است.

ای ابا ذر هر درجه بالاتر بهشت نسبت بدرجه پائین تر به اندازه بلندی آسمان برتری دارد و گاه بنده ای سر با آسمان بر میدارد نوری بر او میزند که چشمش را خیره میکند در این وقت بفرغان آید که این نور چیست؟ پاسخ شنود که این نور برادر مؤمن تست، پس گله آغاز

کند که خداوند در دنیا با هم عمل می نمودیم. و چرا مقام او این چنین بر من فزونی دارد، جوابش دهند که عمل او از تو برتر و بهتر بود، بعد به دل وی رضایت داده شود که بمقام خود خشنود باشد.

ای ابا ذر: دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است و هیچ مؤمنی در دنیا صبح نکند مگر آنکه حزین باشد و چرا حزین نباشد که خداوند بوی بیم داده است که حتما بدوزخ در خواهد آمد ولی وعده بیرون شدن از دوزخ حتمی نیست و در دنیا دچار گرفتاریها و مصیبتها و رنجهای جانگاز می شود و ستم می بیند و کمک نمیشود و دل به ثواب خدا بسته و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۵۸

همواره محزونست تا از دنیا جدا شود و آنگاه است که براحت و مقام ارجمند نایل آید.

ای ابا ذر خداوند به هیچ عبادتی که بالاتر از حزن طولانی باشد بندگی نشده.

یا ابا ذر هر که را علمی داده شده که او را بگریه نیارد حقیقتا به او دانشی بی سود داده شده، که خداوند علماء را چنین مدح میکند: (آنان که پیش از آن دانش داده شده اند چون (قرآن و کلمات حق) بر آنها خوانده شود به سجده می افتند و بینی بخاک می ساینند و میگویند: خدای ما منزّه است که وعده او انجام پذیر است، و به سجده افتند و بگریند و بر خشوعشان افزوده گردد- اسراء- ۱۰۸ و ۱۰۹).

یا ابا ذر، هر که می تواند گریه کند بگیرد و هر که نمی تواند گریه کند در دل همواره محزون باشد و حالت گریه بر خود گیرد، که آدم سنگدل از خدای متعال دور است ولی نمی فهمند.

ای ابا ذر خداوند میفرماید: برای یک بنده دو بیم و خوف را جمع

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۵۹

نمیکنم و نیز ویرا دو امن و راحت نمی بخشم اگر در دنیا از خوف من در امان و فارغ باشد در قیامت گرفتار بیمش سازم و اگر در دنیا از من بترسد از خوف در قیامت در امانش بدارم.

یا ابا ذر اگر کسی به قدر هفتاد پیغمبر عمل (صالح) دارد باید آنها را بچیزی نشمرد، و همواره در اضطراب باشد که نکند در قیامت نجات نیابد.

یا ابا ذر بنده گناهکاری را در قیامت می آوردند و گناهانش را در برابر دیده اش می نهند، می گوید من در دنیا همواره بر این گناه خود ترسان بودم و در نتیجه همین سخن بخشوده می گردد.

یا ابا ذر مردیکه بکارهای خوب خودش تکیه و خاطر جمعی دارد و بنظر خود گناهان صغیره و کوچکی انجام میدهد و آنها را (تا دم مرگ رها نمی کند) در روز قیامت خداوند بر او خشمگین خواهد بود و مرد دیگری که گناه مرتکب می شود ولی بعدا آنها را ترک نماید در قیامت در امان خواهد بود.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۶۰

ای ابا ذر، گاه بندهای گناه می کند و بهشت می رود، پرسیدم چگونه یا رسول الله؟ فرمود: گناهِش همواره در برابر چشمش می باشد و از آن توبه میکند و بسوی حق باز میگردد تا به بهشت میرود.

ای ابا ذر: زیرک کسی است که نفس را پست گرداند و برای پس از مرگ کوشش کند، و عاجز کسی است که از هوای نفس پیروی کند و از خدا آرزوها طلبد.

ای ابا ذر: اول چیزی که از این امت برداشته شود، امانت و خشوع است چنان که خاشعی بچشم نخورد.

ای ابا ذر: قسم بآن کس که جانم بدست اوست، اگر دنیا بقدر بال مگسی نزد خدا قیمت داشت به کافری شربت آب گوارایی نمیداد.

ای ابا ذر: دنیا و آنچه در آن است ملعون خداست مگر آنچه را که بوسیله آن رضای خدا بدست آید و برای خدا باشد، و نزد خدا

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۶۱

هیچ چیز دشمن تر از دنیا نمی باشد، چون آن را آفرید و از آن روی گردانید و بآن نظر و توجهی نفرمود و تا قیامت نیز نخواهد کرد، و هیچ چیز نزد خدا از ایمان و ترک چیزهایی را که ترک آن را خواسته است محبوبتر نمی باشد.

یا ابا ذر خداوند متعال به برادرم عیسی وحی کرد: یا عیسی دنیا را دوست مدار که من آن را دوست ندارم و دل به آخرت ببند که خانه بازگشت تو است (و ابدی میباشد).

یا ابا ذر: جبرئیل همه گنجینه های دنیا را بر پشت استری برای من آورد، و بمن گفت که این خزینه های دنیا است، و قبول آن از ثواب و مقام تو در نزد خداوند نخواهد کاست گفتم: حبیب من جبرئیل: من باینها نیازی ندارم که چون سیر باشم خدا را شکر میگویم و چون گرسنه شوم از او غذا می طلبم.

یا ابا ذر: چون خداوند خواهد به بندهای نیکی کند و خیر و سعادت را نصیب او گرداند بوی بصیرت در دین و زهد در دنیا و آگاهی به عیوب خویش عطا کند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۶۲

یا ابا ذر: هیچ بندهای در دنیا زاهد نباشد مگر آنکه خداوند درخت حکمت را در دلش بنشانند و زبانش را به حکمت گویا کند و او را به عیوب و بیماریهای دنیا و آرمانهای آن آگاه سازد و او را سلامت از دنیا بیرون برد و به بهشت برساند.

یا ابا ذر: چون برادر مسلمان را دیدی که نسبت بدنیا بی رغبت و زاهد است حرف او را گوش ده که بتو حکمت می آموزد، گفتم: یا رسول الله (ص)، زاهدترین مردم کیست؟ فرمود: آن کس که قبر و پوسیدگی تن در خاک را فراموش نکند و زینت های دنیا و اضافه بر ضرورت را رها کند، و جهان باقی ابدی را بر دنیای فانی برگزیند، و فردا را از عمر خود به حساب نیاورد، و هر آن چنان پندارد که خواهد مرد و به سر منزل مردگان خواهد رفت.

ای ابا ذر: خداوند متعال بمن وحی فرموده که مال گرد آورم و لکن وحی فرموده که خداوند خود را تسبیح گوی و از ساجدین باش، چندان خدا را عبادت کن تا بمقام یقین نایل آیی.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۶۳

ای ابا ذر: من جامه خشن می پوشم و بر خاک می نشینم و انگشتهایم را پس از غذا می مکم و بر الاغ برهنه سوار می شوم و مردم را بر ترک خود می نشانم (که اینها همه علامت تواضع است، هر کس از روش من رو گرداند از من نیست).

یا ابا ذر: عشق بمال و مقام از دو گرگ خونخواری که به آغل گوسفندان زند و تا صبح از آنها بدرند برای دین انسان خطرناکتر است، بنگر که پس از این واقعه ای از گله گوسفند چه خواهد ماند، پرسیدم: یا رسول الله (ص)، مردم خاضع و فروتن که زودتر از دیگران به بهشت می روند کسانی هستند که بیشتر بیاد خدا می باشند؟ فرمود: نه بلکه فقراء مسلمین، که پای بر دوش مردم می گذارند (و بسوی بهشت می روند) خازنان و نگهبانان بهشت بآنها می گویند که بمانید تا حساب پس دهید جواب میدهند که چه حسابی پس دهیم که بخدا نه قدرت و منصبی داشتیم که عدل و یا ستم روا داریم و نه مال فراوانی که بخل یا اسراف بکار بریم و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۶۴

لکن خدا را عبادت می کردیم و دعوت او را اجابت نمودیم.

یا ابا ذر: دنیا دلها و بدنها را بخود مشغول میدارد و خداوند از نعمتهای حلال ما را باز پرسى می کند تا چه رسد بحرام.

یا ابا ذر: از خداوند خواسته ام که رزق دوستان مرا بقدر کفاف قرار دهد و بدشمنانم مال و فرزند بسیار ببخشد.

یا ابا ذر: خوشا بحال زاهدان در دنیا و راغبان به آخرت، آنان که زمین را نشیمن و خاک را بستر و آب را نوشابه خود ساختند، و کتاب خدا را شعار و دعا را دثار خود قرار دادند و دنیا را از خود قیچی کردند و خود را از دنیا جدا ساختند.

یا ابا ذر: کشت برای آخرت عمل صالح است و کشت دنیا مال و فرزند.

یا ابا ذر: خداوند بمن خبر داد، که قسم بعزت و جلالم که عابدان اجر و مقام گریه را در نیافته اند که من در اعلاى بهشت بر ایشان کاخی خواهم ساخت که هیچ کس را در آن شریک ایشان قرار نمی دهم، پرسیدم یا رسول الله (ص) بزرگترین خلق کیست؟ فرمود: آن کس که بیشتر بیاد مرگ باشد و خود را بهتر برای آن آماده سازد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۶۵

یا ابا ذر: چون نور الهی بدل راه یابد دل را وسعت بخشد گفتم علامت آن نور چیست؟ فرمود: توجه بجهان ابدی، و کناره گیری از دنیای فریبا، و آمادگی برای مرگ قبل از رسیدن آن.

یا ابا ذر: از خدا بترس ولی برای اینکه مردم ترا گرمی دارند تظاهر به خداپرستی مکن در حالی که دلت فاسد باشد.

یا ابا ذر: بکوش که در هر کار نیت صالح داشته باشی حتی در خورد و خواب خود.

ای ابا ذر: خدا را در دل خود بزرگ بدان، نه آنچنان که نادانی خدا را در نظر می گیرد چون گرفتار سگی شود بیاد او می افتد و می گوید خدایا این را از من بران.

یا ابا ذر: خدا را فرشتگانی است که از خوف او همیشه در حال قیامند و تا نفخ صور سر بر نمیدارند و همی گویند: پاک و منزّهی و ما آن طور که شایسته مقام تست ترا می پرستیم.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۶۶

یا ابا ذر: اگر کسی عمل ۷۰ پیغمبر را داشته باشد از هول قیامت عمل خود را ناچیز می بیند که اگر سطلی از آب جوشان دوزخ در شرق عالم ریخته شود، مغز مغربیان بجوش آید، و اگر دوزخ نفس بر آرد هیچ ملک و رسولی نماند مگر آنکه بزانو در آید و بگوید: خداوندا بمن رحم کن و قیامت چنانست که ابراهیم اسحق را از یاد میبرد و می گوید:

خداوندا من خلیل توام فراموشم مکن.

یا ابا ذر: اگر زنی از بهشت در شبی تیره سر از آسمان دنیا بر آرد جهان را بهتر از ماه شب چهارده روشن کند، و بوی خوشش به مشام همه مردم زمین برسد، و اگر جامه ای از بهشت بدنیا آید همه از دیدارش دل از دست بدهند، و چشمان از دیدارش خیره گردد.

یا ابا ذر: در تشییع جنازه و بهنگام قرائت قرآن و در وقت جنگ و میدان جهاد خاموش بمان.

یا ابا ذر: چون بدنبال جنازه ای می روی عقلت مشغول تفکر و

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۶۷

خشوع باشد که تو هم باو ملحق خواهی شد.

یا ابا ذر: نمک نگهدار هر چیزی از فساد است ولی اگر نمک فاسد شود چاره و دوایی ندارد، و بدان که دو خوی در شما هست: خنده بی تعجب و بیجا، و تنبلی بدون فراموشی.

یا ابا ذر: دو رکعت نماز مختصر و با تفکر بهتر است از یک شب نماز بدون حضور قلب.

یا ابا ذر: حق تلخ و سنگین است، و باطل سبک و شیرین، و چه بسا یک ساعت لذت و شهوت موجب اندوهی دراز شود.

یا ابا ذر: انسان (در دین خود) کاملاً بینا و بصیر نگردد مگر آنکه مردم را در راه خدا و انجام وظیفه چون چهارپایان بداند و در عین حال چون بخود می نگرد، بگوید من از همه کوچکترم.

ای ابا ذر: به حقیقت ایمان نرسی مگر آنکه همه مردم را در دینشان

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۶۸

احمق و در دنیاشان عاقل بدانی.

ای ابا ذر: پیش از آنکه بحسابت برسند خود را محاسبه کن، که این محاسبه برای حساب فردایت بهتر است، و پیش از آنکه ترا بمیزان سنجش نهند خود را بسنج و خود را برای روز حساب بزرگ آماده کن روزی که هیچ امر پنهانی بر خدا مستور نماند.

یا ابا ذر: از خدا شرم داشته باش، که بخدا من هر گاه بمستراح میروم جامه بر سر می کشم و از دو فرشته ای که با من هستند خجالت میکشم

یا ابا ذر: می خواهی به بهشت بروی؟ گفتم: آری یا رسول الله پدرم فدایت، فرمود: آرزوهایت را کم کن و مرگ را جلو و در برابر دیده بدار، و آن طور که باید از خدا شرم داشته باش، گفتم: یا رسول الله همگی ما از خدا میترسم. فرمود: آن شرم را نمی گویم، و لکن حیاء از خدا اینست که مرگ را فراموش نکنی، و شکم را (از حرام) نگهداری و فکر خود را (از بد اندیشی) حفظ کنی، و هر که مقام عالی آخرت را می خواهد باید زیور دنیا را رها کند، که اگر چنین باشی به ولایت خدا نایل گشته ای

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۶۹

یا ابا ذر: دعا برای کار خوبی همان قدر کافیسست که نمک برای طعام.

یا ابا ذر: مثل آن کس که بدون عمل دعا می کند مثل کسی است که بدون پیکان تیر بیندازد.

یا ابا ذر: خداوند بواسطه خوب بودن بنده ای کار فرزند و نوه او را باصلاح می آورد. و مقام او را در اطرافیان و همسایگان تا زمانی که با آنها است رعایت می نماید.

یا ابا ذر: خداوند متعال از سه کس به ملائکه میبالد: کسی که در بیابان بی آب و علفی اذان بگوید و برخیزد و نماز بگذارد، خداوند به ملائکه میفرماید: باین بنده من بنگرید که نماز می خواند و هیچ کس جز من او را نمی بیند، و ۷۰ هزار فرشته نازل می شوند و پشت سر او نماز می خوانند و تا فردای آن روز برایش استغفار می کنند، و مردیکه شب بر می خیزد و به تنهایی نماز میخواند و در سجده خوابش می برد، خداوند

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۷۰

متعال میفرماید: به بندهام بنگرید که روحش نزد منست و بدنش در سجده و مردیکه در میدان جهاد است همه همراهانش فرار کرده اند و او میجنگد تا شهید گردد.

یا ابا ذر: هیچ بنده ای برای سجده من پیشانی بر یکی از نقطه های زمین نمی نهد مگر آنکه آن زمین روز قیامت به سجده او شهادت میدهد و هیچ زمینی نیست که مردمی شب در آن فرود آیند مگر آنکه صبحگاه آن زمین بر آنها درود یا لعنت فرستد.

ای ابا ذر: هیچ صبح و شامی نشود مگر آنکه نقاط زمین بیکدیگر گویند ای همسایه من آیا کسی بیاد و ذکر خدا از روی تو گذشته باشد؟ یا سجده کننده ای برای خدا پیشانی بر تو نهاده؟ که قسمتهایی از آن جواب دهند آری و قسمتهایی گویند: نه، و آن قسمت که جواب می دهد: آری به جنبش و شادی می آید که بر همسایه اش برتری یافته.

یا ابا ذر: خداوند متعال چون زمین و درختان را در آن آفرید هیچ درختی نبوده جز آنکه بنی آدم از آن سودی میبرد، و زمین و درختان

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۷۱

همه بر همین منوال بوده‌اند تا آنکه مردم باین کلام کفر آمیز و زشت تکلم کردند که: (خداوند فرزند اختیار کرده)، زمین از این سخن بلرزه آمد و منفعت بعضی از درختان از بین رفت.

یا ابا ذر: زمین بر مرگ مؤمن تا چهل روز می‌گریزد.

یا ابا ذر: چون بنده‌ای که در زمین خشک و بی‌آب و علفی باشد وضوء یا تیمم بسازد و اذان گوید و بنماز ایستد، خداوند فرشتگان را فرماید که پشت سر او صفی چنان طولانی از نماز ببندند که دو طرفش ناپیدا باشد، و با رکوع او برکوع روند و با سجده او سجده کنند و بر دعای او آمین گویند.

یا ابا ذر: هر که اقامه گوید بدون اذان، جز همان دو ملک موکل او با او نماز نخوانند.

یا ابا ذر: هیچ جوانی نیست که ترک دنیا گوید و جوانی خود را در اطاعت خدا بسر آرد مگر آنکه خداوند اجر ۷۲ پیغمبر (ص) باو عطا کند.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۷۲

یا ابا ذر: آن کس که میان جمعی غافل ذکر خدا گوید چون کسی است که در میان سربازان فراری به جهاد ادامه دهد.

ای ابا ذر: همنشین خوب بهتر از تنهایی است، و تنهایی بهتر از همنشین بد است، و سخن خوب گفتن بهتر از سکوت است و سکوت از سخن شرّ بهتر است.

یا ابا ذر: جز با مؤمن منشین، و جز آدم متقی غذای تو را نخورد و غذای فاسقان را نخورد.

یا ابا ذر: غذای خود را بکسی ده که برای خدا دوستش داری و غذای کسی را بخور که تو را برای خداوند متعال دوست دارد.

یا ابا ذر: خداوند نزد هر سخنگویی حاضر است، و انسان باید از خدا بترسد و او را در نظر گیرد و بداند که چه می‌گوید.

یا ابا ذر: زیادی سخن را رها کن و آن اندازه سخن که حاجت ترا انجام دهد و زندگی ترا اداره کند برای تو کافیست.

یا ابا ذر: برای انسان همین اندازه دروغ کافی است که هر چه

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۷۳

میشنود بزبان آرد.

یا ابا ذر: هیچ چیز برای زندانی نگهداشتن بهتر از زبان نیست.

یا ابا ذر: یکی از بزرگداشت‌های خدا احترام به پیرمرد مسلمان است، و احترام بکسانی که بقرآن عالم و بدان عاملند، و احترام بسلطان عادل.

یا ابا ذر: کسی که زبانش را نگه ندارد، عملی انجام نداده.

یا ابا ذر: عیبجوی خلق و مدیحه گو و طعنه زن و ظاهر ساز مباح

یا ابا ذر: بنده مادام که اخلاقش بد است مرتبا از خدا دور می‌گردد.

یا ابا ذر: کلمه طیبه صدقه است، و هر قدمی که بطرف نماز بر می‌داری صدقه است.

یا ابا ذر: هر که ندای دعوت‌کننده خدا (مؤذن) را جواب گوید (و بنماز شتابد) و مساجد را نیکو آباد کند پاداش عمل او بهشت است
گفتم: پدر و مادرم فدایت یا رسول الله چگونه مساجد را آباد کند؟ فرمود

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۷۴

صدا در آن بلند نکند، و در باطل فرو نرود، و در آن خرید و فروش ننماید و تا در مسجد است لغو را ترک گوید، و اگر نکند در قیامت
جز خود را ملامت منماید.

یا ابا ذر: تا در مسجد نشستهای خداوند بهر نفسی درجه‌ای در بهشت بتو عنایت می‌کند، و ملائکه با تو بنماز می‌ایستند، و به هر نفسی
ده حسنه برایت می‌نویسد و ده گناه از نامهات محو می‌سازد.

ای ابا ذر: میدانی که این آیه در چه باره آمده؟ (شکیبایی پیشه کنید و از خدا بترسید، خدا را در نظر داشته باشید تا رستگار شوید-
آل عمران ۲۰۰).

گفتم: نه یا رسول الله (ص) پدر و مادرم فدایت، فرمود: پس از نمازی بانتظار نماز دیگر نشستن.

یا ابا ذر: وضوء کامل و خوب گرفتن در هوای سرد از کفّارات است، و بسیار به مساجد رفتن جهاد می‌باشد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۷۵

یا ابا ذر: خداوند متعال میفرماید: محبوبترین بندگان نزد من کسی است که بخاطر من با مردم دوستی نماید، و دلش به مساجد بسته
باشد، و نیمه‌های شب باستغفار برخیزد، اینانند که چون خواهیم به مردم زمین عقوبتی فرستم بیاد آنها عقوبت را از ایشان می‌گردانم.

یا ابا ذر: هر نشستنی در مسجد بیهوده است مگر برای سه چیز: نماز خواندن، ذکر خدا، فراگیری دانش.

یا ابا ذر: به عمل با تقوی بیشتر همت داشته باش تا بعمل (تنها) که عمل با تقوی کاسته نشود و چگونه عمل مقبول کاسته گردد، و
حال آنکه خداوند متعال میفرماید: (فقط خداوند عمل متقیان را می‌پذیرد، مائده ۳۰).

یا ابا ذر: انسان متقی نخواهد بود مگر آنکه از خویشتن حساب کشد دقیقتر از حساب کشیدن شریکی از شریک خود، تا بداند که لباس
و غذا و نوشابه‌اش از چه ممری است، از حرام یا حلال.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۷۶

یا ابا ذر هر که خواهد گرامی‌ترین مردم باشد تقوی پیشه کند.

یا ابا ذر: هر که در کسب ثروت بی‌باک باشد و از هر جا (حلال یا حرام) که رسد ابا نکند خداوند نیز باک نخواهد داشت که از کدام در
بدوزخش اندازد.

یا ابا ذر: محبوبترین شما نزد خدا کسی است که بیشتر به یاد خدا باشد و گرمی‌ترین شما نزد خداوند متقی‌ترین شماست، و نجات یابنده‌ترین شما از عذاب خدا خائف‌ترین شماست از خدا.

یا ابا ذر: متقیان کسانی‌اند که از چیزهایی که از آنها پرهیز لازم نیست پرهیز کنند که به شبهه‌ها گرفتار نشوند.

ای ابا ذر: هر که خدا را اطاعت کند ذکر او را گفته اگر چه نماز و روزه و قرائت قرآن او کم باشد.

یا ابا ذر: ملاک دین ورع و پارسایی است و سر دین اطاعت است.

یا ابا ذر: پارسا باش که عابدترین مردم خواهی بود، و بهترین چیز در دین ورع است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۷۷

یا ابا ذر: فضیلت علم از عبادت بیشتر است، و بدان که اگر چندان نماز گزارید که خمیده شوید، و آنقدر روزه بگیرید که چون نی لاغر شوید این اعمال سودی نبخشد مگر آنکه با ورع و پارسایی همراه باشد.

یا ابا ذر: مردم پارسا و زاهد در دنیا الحق از اولیاء الله هستند

یا ابا ذر: هر که در قیامت بدون سه چیز بیاید زیانکار است پرسیدم آنها چیست؟ فرمود: ورع و پارسایی که او را از گناهان حفظ کند، و حلمی که در برابر نادانکاری سفیهان او را نگه دارد، و اخلاقی که بوسیله آن با مردم مدارا نماید.

ای ابا ذر: اگر خواهی که قوی‌ترین مردم باشی بر خدای متعال تکیه و توکل کن، و اگر خواهی که گرمیت‌ترین مردم باشی از خدا بترس، و اگر دوست داری که غنی‌ترین مردم باشی بآنچه نزد خداست امیدوارتر باش از آنچه در اختیار و در دست تست.

یا ابا ذر: اگر همه مردم باین آیه عمل کنند خداوند همه آنها را

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۷۸

کفایت کند: (هر که تقوی پیشه کند خداوند گشایشی بر او پدید آرد و از جای بیگمان باو روزی رساند و هر که بخدا توکل کند خداوند برای او کافی است که خدا هدف و خواسته خود را بانجام می‌رساند- طلاق ۲ و ۳).

یا ابا ذر: خدای متعال گوید: بعزت و جلالم هیچ بنده‌ای خواسته مرا بر خواهش خود مقدم نمیدارد مگر آنکه بی‌نیازیش را در وجودش قرار میدهم و همتش را متوجه آخرت میگردانم و آسمانها و زمین روزیش را بعهدده گیرند و تنگی روزی او را بر طرف گردانم، و من برای او برتر از تجارت هر تاجری باشم.

یا ابا ذر: اگر فرزند آدم از روزی گریزد چنان که از مرگ میگریزد روزی همانند مرگ بی‌تردید باو خواهد رسید.

یا ابا ذر: می‌خواهی کلماتی بتو بیاموزم که خداوند بآنها ترا سود دهد؟ گفتم آری یا رسول الله (ص)، فرمود: خدا را بپا تا خدا ترا بباید، خدا را چنان بپا که گویی او را در برابر خود می‌بینی در راحتی در فکر خدا باش تا در سختی او بیاد تو باشد، و چون حاجتی داری

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۷۹

از خدا بخواه و چون یاری میجویی از خدا بجوی، که قلم آنچه را که تا قیامت شدنی است نوشته است، و اگر همه مردم بکوشند تا نفعی بتو رسانند که خدا مقدر نکرده نخواهند توانست، و اگر بکوشند که ضرری بتو وارد آرند که خداوند مقدر ننموده نخواهند توانست و اگر می توانی که با رضا و یقین برای خدای عزّ و جل عمل کنی البته بکن، و اگر نتوانی بدان که در شکیبایی بر ناگواریها سود نهفته است، و پیروزی در صبر است و گشایش با سختی هاست و بدنبال هر سختی راحتی است.

یا ابا ذر: به غنای خدا بی نیازی بجوی تا خدا ترا بی نیاز کند گفتم آن چیست یا رسول الله؟ فرمود: نهار روز و شام شب که هر کس به روزی خدا قانع باشد از همه مردم غنی تر است.

یا ابا ذر: خدای متعال فرماید: من از حکیم حرف قبول نمیکنم ولی به همت و هدف او می نگرم اگر میل و همّ او در چیزی است که من راضی و خشنود باشم، سکوت او را ثواب حمد میدهم.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۸۰

یا ابا ذر: خداوند متعال به چهره ها و اموال شما نگاه نمی کند بلکه به دلها و اعمال شما مینگرد.

یا ابا ذر: تقوی در اینجاست (حضرت اشاره به سینه فرمود).

یا ابا ذر: چهار چیز است که غیر از مؤمن بآن نمی رسد: سکوت که اول عبادت است، فروتنی برای خدای سبحان، و در هر جا بیاد خدای متعال بودن، و کمی ثروت.

یا ابا ذر: همواره در فکر انجام حسنه باش اگر چه بانجام آن نرسی تا از غافلان نوشته نشوی.

یا ابا ذر: هر که اختیار دامن (شهوت جنسی) و دهانش را داشته باشد به بهشت خواهد رفت، گفتم یا رسول الله ما به گفته هایمان مؤاخذه خواهیم شد؟ فرمود:

یا ابا ذر: مگر چیزی جز کشته های زبان مردم را بصورت بجهنم می اندازد؟ که تا خاموش هستی در سلامتی و چون زبان به حرف بگشایی چیزی به نفع یا ضرر تو نوشته می شود.

یا ابا ذر: گاه کسی در مجلسی کلمه ای می گوید که مجلسیان را

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۸۱

بخنداند و بواسطه همان بقدر زمین تا آسمان بسوی جهنم سقوط می کند.

یا ابا ذر: وای بر کسی که سخنها دروغ میگوید تا مردم را بخنداند وای بر او وای بر او وای بر او.

یا ابا ذر: هر که سکوت کند نجات یابد، بر تو باد براستگویی، و هرگز کلمه ای دروغ از دهانت بیرون نشود، گفتم یا رسول الله (ص) آن کس که عمدا دروغی گفته توبه اش چیست؟ فرمود: استغفار و نماز پنجگانه گناه آن را می شوید.

یا ابا ذر: از غیبت بپرهیز، که غیبت از زنا بدتر است، گفتم چرا یا رسول الله (ص) پدر و مادرم فدایت؟ فرمود: زیرا کسی که زنا میکند و توبه می نماید خداوند او را میبخشد ولی غیبت بخشوده نشود تا کسی که غیبت او شده راضی گردد.

یا ابا ذر: دشنام به مؤمن فسق است، و زد و خورد و جنگ با او کفر است، و خوردن گوشتش از گناهان است، و احترام مال او مثل

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۸۲

احترام خون اوست،

گفتم: یا رسول الله (ص) غیبت چیست؟ فرمود پشت سر برادر مسلمانان چیزی بگویی که بدش بیاید، گفتم: اگر چه آن چیز در او باشد؟ فرمود: اگر آنچه را که در اوست بگویی غیبت است و اگر آنچه در او نیست بگویی تهمت زده‌ای.

یا ابا ذر: هر که از غیبت برادر مسلمانی جلو گیرد و از او دفاع کند، بر خداوند عزّ و جل حق است که از آتش نگاهش دارد.

یا ابا ذر: هر که پیش او غیبت مسلمانی شود و بتواند او را یاری کند خدای عزّ و جل او را در دنیا و آخرت مدد نماید، و اگر بتواند و او را یاری نکند و از او دفاع ننماید خداوند در دنیا و آخرت او را خوار و بی‌یاور گزارد.

یا ابا ذر: سخن چین به بهشت نمی‌رود.

یا ابا ذر: سخن چین در آخرت از عذاب الهی در امان نخواهد بود.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۸۳

یا ابا ذر: هر که در دنیا دو زبان و دو رو (منافق) باشد در جهنم نیز دو زبانه باشد.

یا ابا ذر: آنچه در مجالس می‌گذرد امانت است، و علنی کردن سر مسلمان خیانت می‌باشد.

یا ابا ذر: در هر هفته روزهای دوشنبه و پنجشنبه اعمال مردم دنیا بخدا عرضه می‌گردد، و برای هر مؤمنی استغفار می‌شود مگر برای بنده‌ای که بین او و برادر مسلمانش کینه باشد، و دستور میرسد که عمل این دو تن را رها کنید تا با هم صلح کنند.

یا ابا ذر: بپرهیز که از برادر مسلمان کناره و قطع رابطه کنی که اعمال تو قبول نخواهد شد.

یا ابا ذر: ترا از کناره‌گیری از برادر مؤمن بر حذر می‌دارم و اگر باوی قهر کردی بیش از سه روز طول نکشد که اگر کسی در این حال

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۸۴

بمیرد به آتش سزاوارتر است.

یا ابا ذر: هر که دوست دارد مردم در برابرش بایستند جایگاه خود را در جهنم قرار داده.

یا ابا ذر: هر که بمیرد با ذره‌ای تکبر بوی بهشت را نشنود مگر آنکه قبل از مرگ توبه کند مردی پرسید یا رسول الله من زیبایی و آراستگی را خیلی دوست دارم چنان که میخواهم لباس و کمر بند و کفشم قشنگ باشد آیا اشکال دارد؟ فرمود: در دل چگونه‌ای؟ گفت: دلم بحق عارف است و آرامش دارد، فرمود: این کبر نیست، ولی کبر آن است که حق را رها کنی و روی بغیر حق آری، و چون مردم را ببینی گمان بری که مال و آبروی هیچ کس باندازه مال و آبروی تو ارزنده نیست.

یا ابا ذر: بیشتر کسانی که بدوزخ میروند متکبرانند، مردی پرسید یا رسول الله ممکنست کسی کاملا از کبر پاک شود؟ فرمود: آری هر که جامه خشن بی‌ارزشی بپوشد و بر الاغ نشیند، و گوسفند بدوشد و با فقرا مجالست کند. «۱»

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۸۵

یا ابا ذر: هر که وسایل خانه را خود بدوش کشد از کبر راحت شود

یا ابا ذر: هر که از کبر و نخوت جامه‌اش بزمین کشیده شود خداوند متعال در قیامت باو نظر نکند.

یا ابا ذر: شلوار مؤمن باید تا نصف ساق باشد و تا غوزک پا نیز اشکال ندارد.

یا ابا ذر: هر که دامنش را بالا برد، «۱» و کفش خود را وصله زند، و صورت بخاک نهد از کبر برهد.

یا ابا ذر: آن که دو جامه دارد یکی را خود بپوشد و دیگری را به رفیقش دهد.

یا ابا ذر: مردمی در امت من بیایند و در ناز و نعمت زاییده و بزرگ شوند و همشان خور و خواب باشد و چرب زبانی کنند، آنها بدترین امت منند.

یا ابا ذر: هر که بپوشیدن لباس زیبا قدرت داشته باشد و برای

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۸۶

فروتنی در پیشگاه حق آن را نپوشد در صورتی که برای آبرو و حیثیت او مضر نباشد و خود را بی‌آنکه مسکنت داشته باشد خوار بدارد، و مالش را در غیر معصیت خرج و انفاق نماید و به بیچارگان و مسکینان کمک کند و با اهل علم و حکمت مجالست نماید، خوش بحال آنکه باطنش صالح و ظاهرش نیکو باشد و مردم از شر او در امان بمانند، خوش بحال آنکه بعلم خود عمل کند و اضافه مال و در آمدش را انفاق نماید، و اضافه بر ضرورت سخن نگوید.

یا ابا ذر: آیا لباس خشن و جامه کهنه برای آن نیست که خود خواهی و فخر فروشی بتو راه نیابد؟

یا ابا ذر: در آخر الزمان مردمی می‌آیند که در زمستان و تابستان لباس پشمی می‌پوشند و این را وسیله برتری خود بر دگران می‌دانند، که ملائکه زمین و آسمانها آنها را لعنت خواهند کرد.

یا ابا ذر: می‌خواهی از بهشتیان بتو خبر دهم؟ گفتم آری یا رسول

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۸۷

الله (ص)، فرمود: ژولیده غبار آلودی که دو جامه کهنه دارد که مورد توجه و شناسایی مردم نباشد، که اگر این کس خدای را قسم دهد خداوند جوابش دهد.

ابو ذر (رضی الله عنه) گوید، روزی بر رسول اکرم (ص) وارد شدم که تنها در مسجد نشسته بود، من از تنهایی حضرت استفاده کردم، فرمود:

ابا ذر: برای مسجد تحیت است گفتم چگونه است؟ فرمود: دو رکعت نماز.

بعد رو بمن کرد، من عرض کردم: یا رسول الله مرا به نماز می خوانی، نماز چیست؟ فرمود: نماز بهترین چیز است هر که خواهد بسیار و هر که خواهد کم بخواند.

گفتم: یا رسول الله (ص): چه عملی نزد خداوند عز و جل از همه محبوبتر است؟ فرمود ایمان بخدا و جهاد در راه او.

گفتم: ایمان کدام کس کاملتر است؟ فرمود: هر که اخلاقش بهتر است.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۸۸

گفتم: کدام مؤمن برتر است؟ فرمود آنکه مسلمین از دست و زبانش در امان باشند.

گفتم: کدام هجرت بهتر است؟ فرمود: از بدی هجرت کردن.

گفتم: کدام شب بهتر است؟ فرمود: نیمه امشب (که در اختیار تست).

گفتم: کدام نماز بهتر است؟ فرمود: نماز با قنوت طولانی.

گفتم: کدام روزه بهتر است؟ فرمود: روزه واجب و در نزد خدا چند برابر پاداش است.

گفتم: کدام صدقه بهتر است؟ فرمود: از آدم کم مال در پنهانی.

گفتم: کدام زکاة بهتر است؟ فرمود: آن چیزی که در نزد اهل خبره اش گرانتترین و عالیترین و بهترین باشد.

گفتم: کدام جهاد بهتر است؟ فرمود: جهادی که خون مؤمن ریخته شود و اسبش پی گردد.

گفتم: کدامیک از آیه های قرآن بزرگتر است؟ فرمود: آیه الكرسي.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۸۹

گفتم: صحف ابراهیم چیست؟ فرمود همه اش مثل بود از این قبیل (ای شاه مقتدر گرفتار من ترا نفرستادمت که مال دنیا را بر هم

انباشته کنی بلکه فرستادمت تا دعای مظلوم را از من بگردانی که من دعای مظلوم را رد نمی کنم اگر چه از کافر یا فاجر باشد).

و در آن امثالی بود: (عاقلی که عقلش مقلوب نشده باشد وقت را سه قسمت میکند: قسمتی برای مناجات با خدا، و ساعتی برای تفکر در

آفریده های الهی، و قسمتی و ساعتی که حساب خویشتن را نسبت باعملی که انجام داده برسد، و قسمتی که نیازهای حلال خویش از

خور و خواب پردازد، و عاقل باید جز در یکی از سه حال نباشد: یا اندوختن توشه آخرت، یا کسب روزی، یا لذت غیر حرام، و عاقل باید

بوضع زمانه بصیر باشد و به کار خود پردازد، و زبان خویش نگهدارد، و هر که سخنان خود را از اعمال خود بداند جز در موارد لازم کم

حرف میزند).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۹۰

گفتم: یا رسول الله (ص): صحف موسی در چه باره بود؟ فرمود:

همه‌اش عبرت بود: (عجب از کسی که به جهنم یقین دارد چگونه می‌خندد، عجب از کسی که بمرگ یقین دارد چگونه خوشحال می‌شود، شگفتا از آنکه دنیا و دگرگونیها و تحولاتش خبر دارد، و بآن دل میبندد و مطمئن می‌شود، شگفتا از کسی که بحساب فردا ایمان دارد و عمل، نمی‌کند).

پرسیدم: یا رسول الله (ص) آیا در دنیا چیزی از آنچه در صحف ابراهیم و موسی بود باقی مانده بر آنچه بشما فرستاده شده؟ فرمود: بخوان (و رستگار است کسی که خود را تزکیه کند، و نام خدا را بیاد آرد و نماز گزارد، بلکه زندگی دنیا را برگزیند که آخرت بهتر و باقی است، همانا این (چهار آیه) در صحف ابراهیم و موسی بود).

گفتم: یا رسول الله مرا وصیتی کن، فرمود: ترا به تقوی سفارش می‌کنم که در رأس همه کارهای تست.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۹۱

گفتم: یا رسول الله (ص): بیشتر بفرمایید: فرمود: بر تو باد به تلاوت قرآن و ذکر خداوند عزّ و جل که تلاوت قرآن برای تو در آسمان ذکر و در زمین نور خواهد بود.

گفتم: یا رسول الله (ص) بیشتر بفرمایید، فرمود: بر تو باد به جهاد که جهاد رهبانیت امت من است.

گفتم: یا رسول الله بیشتر؟ فرمود: بر تو باد که جز از خوبی سکوت کنی، که این کار شیطان را از تو براند و در کارهای دینت یاریت نماید.

گفتم: یا رسول الله بیشتر؟ فرمود: از خنده بسیار بپرهیز که دل را می‌میراند، و روشنی چهره (آبرو) را میبرد.

گفتم: یا رسول الله (ص): بیشتر؟ فرمود: به پائین تر از خود نگاه کن و به بالاتر از خود نظر مکن، که این کار وسیله بهتری است برای آنکه نعمتهای خدا را بر خود کم ندانی.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۹۲

گفتم: یا رسول الله (ص) بیشتر، فرمود: با خویشان صله کن گر چه از تو ببرند، و مسکینان را دوست مدار و با ایشان مجالست کن.

گفتم: یا رسول الله (ص)، بیشتر؟ فرمود: حق بگو گر چه تلخ باشد.

گفتم: یا رسول الله (ص) بیشتر؟ فرمود: در راه خدا از ملامت مردم مترس.

گفتم: بیشتر، فرمود: عیوب خودت ترا از عیبجویی مردم باز دارد و آنچه می‌کنی بر آنها عیب مگیر و همین عیب برای آدمی کافی است که در مردم عیبهایی را ببیند که در خود نمی‌بیند بعد دست به سینه‌ام نهاد و فرمود: عقلی چون تدبیر و پارسایی چون خود داری از گناه و حسبی چون خوشخویی وجود ندارد.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۹۳

از امام ششم (ع): روز اول ماه نیکو است برای دیدار امراء و طلب حوائج و خرید و فروش و زراعت و سفر، روز دوم برای سفر و طلب حوائج خوب است، روزه سوّم ماه خوب نیست و برای هیچ کاری شایسته نمی باشد، روز چهارم برای ازدواج و طلب حاجتها است، روز پنجم نحس است، روز ششم، مبارک است برای تزویج و طلب کارها، روز هفتم مبارک است و برای هر کار شایسته، روز هشتم، برای هر حاجتی جز سفر خوب است، روز نهم، مبارک است و برای هر کاری خوب است و اگر مسافرت کنی مالی بچنگ آری و خیر بینی، روز دهم برای هر کاری جز رفتن پیش سلطان، که هر که در این روز از سلطان گریزد، گرفتار آید

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۹۴

و هر که گمشده‌ای دارد پیدا شود روز دوازدهم روز خوب و مبارکی است بدنبال کارها بروید و بکوشید که انجام شود، روز سیزدهم نحس است و از هر کار بپرهیز، روز ۱۴ برای هر کار نیکو است، روز ۱۵ برای هر کار خوب است بدنبال کارها بروید روز ۱۶ بد و مذموم است برای هر کار روز ۱۷ خوب است و بدنبال هر کار بروید، ازدواج و خرید و فروش و کشت و ساختمان انجام دهید، روز ۱۸ برای سفر و حاجات خوب است و اگر در این روز با دشمن به مخاصمه پردازد بیاری خدا پیروز گردد، روز ۱۹ برای هر کار خوب است و هر که در این روز متولد شود مبارک است. روز ۲۰ روز مبارکی است و برای کارها و عروسی و ساختمان و سفر خوب است، روز ۲۱ روز نحس است، روز ۲۲ روز خوبی است و برای خرید و فروش و سفر و صدقه مناسب است، روز ۲۳ روز نیکویی است مخصوص ازدواج و تجارت است، روز ۲۴ روز نحس و شومی است، روز ۲۵ پست و مذموم است که از همه چیز باید

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۹۵

اجتناب کرد، روز ۲۶ برای همه کارها بجز ازدواج و سفر خوب است و در این روز حتما صدقه را فراموش نکنید تا از آن روز بهره برید، روز ۲۷ خوب و مناسب است برای هر کاری، روز ۲۸ ممدوح است، روز ۲۹ خوب است برای هر کاری و برای کاتب خوب نیست و روز مکروهی است، و اگر می تواند به دنبال حاجتی نرود، و هر که در این روز مریض شود، زود شفا یابد، و هر که سفر کند مال بسیار بدست آرد و بنده فراری باز گردد، روز ۳۰- خوب است برای هر چیز و هر حاجتی، از خرید و فروش و کشت و ازدواج و مریض در این روز بزودی شفاء یابد، و مولود در این روز حلیم و مبارک باشد و کارش بالا گیرد، و راستگو و با وفا گردد.

(دعا بعد از هر نماز برای اینکه اگر در یکی از روزهایی که) (گفته شد خوب نیست بدنبال حوائج رفتن مجبور شوی) (که بدنبال حوائج خود روی، و این از دعاهاى فرج) (است).

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۹۶

لا حول و لا قوة الا بالله، بیاری خدا هر رنجی را گشایش میدهم لا حول و لا قوة الا بالله، گره هر مشکلی را بیاری او می گشایم، لا حول و لا قوة الا بالله، هر تیرگی و ظلمتی را بکمک او بر طرف میکنم، هیچ حول و قوه‌ای نیست جز از خدا که بیاری او همه درها را می گشایم، هیچ حول و قوه‌ای نیست مگر از خدا که در هر شدت مصیبتی از او یاری میجویم هیچ حول و قوه‌ای نیست مگر از خدا که در هر پیش آمدی که بر من وارد می شود از او مدد میخواهم، هیچ حول و قوه‌ای نیست مگر از خدا که در هر محذوری از او محافظت و عصمت می طلبم، هیچ حول و قوه‌ای نیست مگر از خدا که بدن عفو و عافیت و خشنودی خدا را سزاوار می شوم، هیچ حول و قوه‌ای نیست مگر از خدا، دشمنان خدا پراکنده شوند، و حجت خدا پیروز گردد و خداوند باقی است، هیچ حول و قوه‌ای نیست مگر از خدا ای خداوند آفریدگار ارواح فانی و اجساد و فرسوده شدنی و پروردگار عقلهای ساقطشونده و تحلیل رونده، و خداوند پوستهای کنده شونده

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۹۷

و خدای آفریننده استخوانهای از هم گسلنده و خدای آورنده ساعت بپاشونده (قیامت)، ای پروردگار مسألت دارم که بر محمد و آل او درود فرستی و برای من این حاجت را بر آوری بلطف خفی و پوشیده‌ات ای دارای جلالت و بزرگی، آمین رب العالمین.

(فصل هفتم) (خاتمه کتاب)

و چون کتاب را به خطبه امیر المؤمنین (ع) افتتاح کردم برای تبرک و هم برای اینکه جامع همه آداب است مایلم که آن بخطبه‌ای بنام (سمات المؤمنین- علامت‌های مؤمنان) که در شرح صفات متقیان است و این خطبه بهترین رهبر است برای رهبری شنوندگان و عالیترین و کاملترین موعظه است برای متقیان و خاتمه کتاب با ذکر این خطبه مشک معطر گردد یکی از اصحاب امیر مؤمنان (ع): بنام همام که مردی عابد بود به حضرت عرضه داشت که متقیان را برایم چنان توصیف کن که گویا آنان

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۹۸

را می‌بینم، علی (ع) در جواب او تأمل سنگینی بخرج داد، بعد فرمود: ای همام از خدا بترس و نیکوکاری کن که خدا با متقیان و نیکوکاران است. همام باین مقدار جواب قانع نشد تا اینکه امام تصمیم گرفت و چنین آغاز کرد: حمد خدا و ثنای او بگفت و درود بر پیغمبر (ص) فرستاد، بعد فرمود: اما بعد، خداوند سبحان خلق را بیافرید و بهنگام خلقت ایشان از اطاعتشان بی‌نیاز و از گناهشان امان بود، که گناه گناهکار به او زبانی نرساند و طاعت اطاعت‌کننده، باو نفعی نبخشد پس روزیهاشان را بینشان تقسیم نمود و جایگاه زندگی‌شان را در دنیا آماده ساخت، و از ایشان تنها متقیانند که اهل فضیلتند، گفتارشان صواب و راست، و جامه‌شان میانه روی و رفتارشان فروتنی است (و صفات آنها چنین است): چشمهای خود را از حرام خدا می‌بندند و گوشها را فقط به

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۴۹۹

علم سودمند بحالشان فرا میدهند، چون جانهایشان گرفتار بلا شود حالشان مثل کسی است که در خوشی و راحتی باشد، اگر نبود اجلی که خداوند بر ایشان مقدر کرده جانهایشان در پیکرشان آرام و باقی نمیماند از شوقی که به ثواب و ترسی که از عقاب الهی دارند، خدا در دلشان بزرگ و دیگر چیزها و کسها در نظرشان کوچک است، آنها نسبت به بهشت چون کسانند که بهشت را می‌بینند و در آن بناز و نعمت مشغولند، و نسبت بدوزخ چون آنهایند که آن را مشاهده میکنند و در آن گرفتار عذابند، دلهاشان محزون، و شرهاشان از مردم بدور، و بدنهایشان لاغر و نیازهایشان اندک، و جانهایشان عفیف و یاری و سودشان برای اسلام بس بزرگ است، روزهایی اندک را صبر میکنند، و بدنبال آن راحتی همیشگی و طولانی بدست می‌آورند، و این تجارتی سود بخش است که خداوند کریم برایشان پیش آورده دنیا بسویشان می‌آید و آنها بدان توجه نمی‌کنند، و دنیا آنها را می‌جوید و می‌طلبد ولی آنها او را از دست یافتن بخود عاجز میگردانند، و میخواهد آنها را اسیر گیرد ولی خود را از چنگال او نجات می‌بخشند، اما شب: دو زانو نشسته و مشغول خواندن قرآنند، و شمرده (و با توجه) میخوانند، و از آن اندوهناک میشوند و داروی دردهایشان را پیدا میکنند، و چون به آیه‌ای بگذرند که در آن تشویق است بآن اطمینان و آرامش پیدا میکنند و طمع می‌بندند و جانهایشان از شوق تلافی بآن پر می‌گشاید و آنها را نصب عین خود میدانند، و چون بآیه‌ای برسند که در آن ترس و بیم است گوش دل بدان فرا میدهند و زفیر و شهبیق جهنم را در بیخ گوش خود میدانند، از کمر (برکوع) خم شده و خدای جبار عظیم را تمجید میکنند و پیشانیها و دستها و زانوها بر زمین می‌گذارند (به سجده میروند)، و از خدا نجات خود را از عذاب میخواهند.

اما روز: بردبار، دانشمند، نیکو، متقی میباشند، ترس از خدا آنها را چون پیکان لاغر ساخته و بیننده چون او را می بیند بیمار پندارد ولی بیمار نیستند و میگویند: که در عقلش خللی آمده ولی امری بزرگ عقل او را پر خلل ساخته، از اعمال اندک خوشنود نیستند و بسیار آن را زیاد نمیشمارند، و خود را همواره متهم میشمارند، و از اعمال خود ترسانند، هر گاه تزکیه و تعریف شوند ترس وجودشان را فرو گیرد میگوید: من خود را از دیگران بهتر می شناسم و خدا مرا بهتر می شناسد (خداوندا مرا بآنچه میگویند مؤاخذه مکن، و از آنچه مردم می پندارند

بهتر قرار ده و آنچه را که اینها از من نمیدانند ببخش که تو بر غیبها عالمی و عیبها را پرده پوشی). از علامتهای ایشان اینست که: در آنها می بینی که در دینش نیرومندی و در نرمخوئیش احتیاط و دور اندیشی و در یقینش ایمان، و نسبت به علمش حرص و آزمندی، و در حال غنی میانه روی و در عبادتش خشوع و در فقر و نداریش خوبی، و در شدت و سختی بردباری و طلب حلال و نشاط در هدایت، و دوری از طمع وجود دارد، اعمال صالح انجام میدهند ولی در ترس و بیمند، شب که می شود همتشان شکر است و صبح که می آید همتشان ذکر است، شب میکنند با حذر و صبح میکنند با فرح و خوشحالی حذر از آنچه که موجب غفلت است، و خوشحالی از فضل و رحمتی که نصیبشان گشته، اگر نفس در انجام کاری که بکامش تلخ است چموشی کند، او نیز از دادن آنچه نفس دوست دارد ابا کند نور چشمش در نعمتهای زوال ناپذیر آخرت است، و زهدش نسبت به ثواب دنیای فنا پذیر، حلم را به علم، و گفته را به عمل در آمیزد، آرزویش کوتاه، لغزشش کم، دلش لرزان، نفسش قانع، خوردنش اندک کارش آسان، دینش محفوظ، شهوتش مرده، خشمش نگهداری شده، شرش اندک، ذکرش بسیار، قولش راست میباشد، بخیرش امید است و از شرش امان، اگر در غافلان باشد در ذاکران نوشته شود و اگر در ذاکران باشد از غافلان نوشته نشود (ذکرش از روی غفلت، و غفلتش از ذکر همراه با ذکر است) از آن کس که باو ستم کند درگذرد، و به کسی که او را محروم نموده عطا کند و با رحمی که از او بریده صلح کند، و از فحش و دشنام دور، گفتارش نرم، منکر و بدیش غایب، و خوبیش حاضر خیرش روی آور، شرش رونده است.

در شداید آرام و با وقار، و در ناملایمات شکیبیا، در راحتی شاکر است، بر کسی که خشمگین است تجاوز و خلاف حق رفتار نکند، و برای خاطر آنکه را دوست دارد گناه مرتکب نگرده، مدعی چیزی که از او نیست نشود، و حقی را که بضر اوست انکار نکند، پیش از آنکه علیه او شهادت دهند خود به حق اعتراف میکند، و آنچه را که باید نهبانی کند ضایع نمیسازد، و آنچه را که باو تذکر داده می شود فراموش نمیکند و به القاب زشت کسی را کسی را طعنه نمیزند و به همسایه اذیت نمی رساند

و مردم را بر مصیبت شماتت نمیکند، بنمازها شتاب میکند، و امانتها را اداء میکند، و در ارتکاب منکرات کند است، امر بمعروف و نهی از منکر می نماید، در باطل وارد نمیشود، و از مسیر حق خارج نمیگردد، اگر ساکت بنشیند سکوت او را غمگین نسازد، و اگر سخن بگوید حظ او اندک نگرده، و اگر بخندد صدایش بخنده بلند نشود، سکوت می گزیند تا سالم بماند و میپرسد تا بفهمد، تجارت میکند تا سود برد، خوبی را برای فخر فروشی انجام نمیدهد، و برای تسلط و تبحر بر دیگران سخن نمیگوید، اگر باو ستمی رود صبر میکند، تا خدا انتقامش را بگیرد، خود را برنج افکند تا مردم از او در آسایش باشند، جان و نفس از او در رنج است، و مردم از او در آسایشند، خود را برای آخرت بزحمت اندازد، و مردم از او در راحتند، دوریش از کسانی که از آنها دوری میکنند از راه زهد و پاکی است و نزدیک شدنش بمردم از راه نرمی و مهربانی است، دوری گزیدنش از تکبر و بزرگمنشی نیست و نزدیک گشتنش برای نیرنگ و خدعه نمیباشد.

راوی گوید: همّام ناله و بانگی برآورد که جاننش با آن ناله بدر رفت. امیر المؤمنین (ع) فرمود: بخدا قسم من از همین امر در باره او میترسیدم، بعد فرمود: موعظه های رسا و کامل، با اهل چنین میکند کسی بحضرت عرض کرد پس چرا گفتی (که سبب مرگ او شود) امام (ع)، فرمود: وای بر تو هر اجلی وقت معین دارد که از آن نمی گذرد.

و سبی دارد که از آن تجاوز نمی‌نماید، مواظب باش که دیگر این گونه حرفها نزن، و بدان که شیطان این سخن را بر زبانت آورد. و این آخرین چیزی است که از حالات و صفات نبی اکرم و آداب روایت شده نقل کردیم، و به شرط خود وفا نمودیم و از خدای سبحان می‌خواهیم که ما را توفیق عنایت کند که با اخلاص به آنها عمل نماییم، و موجبات خشنودی و مغفرت و وسیله رسیدن به بهشت و کرامت او باشد بمن وجود و فضل و رحمت او و توفیق من جز از خداوند نباشد باو توکل می‌کنم و باو بازگشت می‌نمایم.

مترجم گوید: سپاس خداوند را که توفیقی بزرگ باین بنده عنایت کرد تا این کتاب پر ارج را که یکی از بهترین و سود بخش ترین کتابهای اخلاقی و حاوی ارزنده ترین آثار اهل بیت عصمت می‌باشد به پارسی ترجمه کنم و ترجمه آن را پایان بردم، امیدوارم که خداوند آن را وسیله تربیت و تأدیب مردان و زنان مسلمان و برنامه زندگی مردم با ایمان قرار دهد و مرا هم در راه پیاده کردن این برنامه‌های عالی آسمانی توفیق عنایت کند از خدا یاری می‌طلبم و بر او توکل می‌نمایم، و خوشبختانه خاتمه این کار مصادف با بزرگترین اعیاد اسلامی عید سعید غدیر بود و من این مطلب را بفال نیک می‌گیرم، و درود بر پیروان حق و هدایت.

عید سعید غدیر سال ۱۳۹۶ و نوزدهم آذر ماه - ۱۳۵۵ تهران - سید ابراهیم میرباقری و السلام

سایت جامع سربازان اسلام

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم و العن اعدائهم

لیبیک یا خامنه ای ، لیبیک یا حسین(ع) است